

سوره فاتحه

به نام الله که بخشاینده و با رحمت است ﴿۱﴾

ستایش فقط سزاوار خداوندیست که پروردگار جهانیان است ﴿۲﴾ آن بخشاینده

ای که با رحمت است ﴿۳﴾ هم او که مالک روز حسابرسی است ﴿۴﴾ ای خداوند

بزرگ [فقط تو را می‌پرستیم و تنها از نیروی تو مدد می‌گیریم] ﴿۵﴾ ای خداوند

بزرگ، در همه امور [ما را به راه درست، هدایت کن] ﴿۶﴾ به راه آنان که نعمت

عطایشان کرده‌ای، نه به راه انسان‌های ناسپاسی که بر آنان خشم گرفته‌ای و نه

راه آن جماعتی که بی تو، سرگشته و حیرانند. ﴿۷﴾

^۱ عالم های متنوعی وجود دارند که همه تحت سیطره رب العالمین است

سوره بقره

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

الم ﴿۱﴾ آن کتاب [زنده] بدون شک راهنمایی برای اهل تقواست. ﴿۲﴾ همان

کسانی که به عالم نادیده ایمان دارند، نماز می‌گزارند و از آن چه روزی‌شان کرده‌ایم،

دیگران را بهره‌مند می‌کنند. ﴿۳﴾ هم آن‌هایی که به آن چه بر تو نازل شده و آن چه

بر پیامبران پیش از تو نازل شده،^۳ ایمان داشته و به وجود آخرت یقین دارند. ﴿۴﴾

اینان برخوردار از هدایت پروردگارشانند و هم اینان رستگارند. ﴿۵﴾

۱- این گونه حروف به حروف مقطعه مشهور است و در ۲۹ سوره قرآن آمده است.

۲- حقیقت قرآن کتابی زنده است و آن جوهر روی کاغذ نیست، چه خداوند کاغذ نازل نکرده است.

۳- بر اساس این آیه پذیرش کتب وحیانی سایر ادیان الهی برای اهل ایمان ضروری است.

ای پیامبر! آن‌هایی که کفر و ناسپاسی سراسر وجودشان را گرفته - چه از عاقبت کار برحذرشان داری و چه نداری - برای‌شان یکسان است و ایمان نمی‌آورند ﴿۶﴾ خداوند مرکز ادراک و فهم و شنوایی‌شان را بسته است و بر روی چشم‌هایشان پرده‌ای ضخیم است! [هیچ حقیقت آرامش‌بخشی را حس نکنند، و به راستی که چه] عذاب بزرگی است برای آنان! ﴿۷﴾ و عده‌ای از مردم می‌گویند: ما به خدا ایمان داریم! و پذیرفته‌ایم که روز حسابرسی وجود دارد، در حالی که چنین ایمانی در وجودشان نیست! ﴿۸﴾ [تصور می‌کنند با این اقرار بی‌محتوا]، خدا و اهل ایمان را فریب می‌دهند، اما کسی جز خودشان را فریب ندهند. شعور درکش را ندارند! ﴿۹﴾ مرکز ادراک و فهم‌شان آشفته و بیمار است. پس خداوند این بیماری را وخیم‌تر کرده و به خاطر دروغگویی و نیرنگ‌شان عذابی دردناک در انتظار آن‌هاست! ﴿۱۰﴾ وقتی به آن‌ها گفته شود تباهی و پلیدی را در زمین ترویج نکنید [مغرورانه] جواب دهند ما درستکار و خیراندیشیم! ﴿۱۱﴾ بدانید و آگاه باشید که آن‌ها مفسدند [و چنان غافل‌اند] که حتی خودشان هم حس نمی‌کنند! ﴿۱۲﴾ و هنگامی که به آنها گفته شود: شما هم مثل مردم عادی، [بی‌غرور] ایمان بیاورید. [مغرورانه] جواب دهند: ما مثل بی‌خردان ایمان بیاوریم؟! بدانید آن‌ها خود بی‌خردند و نمی‌دانند! ﴿۱۳﴾ و هنگامی که با اهل ایمان و حقیقت برخورد کنند گویند: ما خدا و حقایق هستی را باور کرده‌ایم، و وقتی با شیاطین درونی و بیرونی خود خلوت می‌کنند می‌گویند: ما به واقع با شما هستیم! و اهل ایمان را مسخره می‌کنیم! ﴿۱۴﴾ [خبر ندارند این] خداست که آن‌ها را مسخره می‌کند و چنان در ظلمت طغیان و کفرشان رهایشان می‌کند تا سرگردان بمانند! ﴿۱۵﴾ این دسته کسانی‌اند که [هستی خود را داده و] به جای هدایت، گمراهی و حیرانی خریده‌اند، بی شک تجارت‌شان سودی ندارد و به راه نجات و آرامش دست نخواهند یافت! ﴿۱۶﴾

حکایت آن‌ها مثل کسی است که آتش می‌افروزد [تا با نور آن پیرامونش را ببیند تا به زعم خود آگاهانه‌تر بر طغیان‌شان بیفزایند]. اما چون اطراف روشن شود، خدا آن نور را از آن‌ها می‌گیرد و نابینا در ظلمات رهایشان می‌کند! (نور و دیدن حقیقت بر آن‌ها حرام است) ﴿۱۷﴾ ندای حق را نمی‌شوند، کلام حق را به زبان نمی‌آورند و حق را نمی‌بینند! با این وجود، اینان توانایی بازگشت [از گمراهی به راه حق] را ندارند! ﴿۱۸﴾ یا حکایت آن‌ها مثل کسانی است که، در شبی بارانی و تاریک و پر رعد و برق از خوف [صدای رعب‌انگیز] صاعقه‌های مرگبار، انگشتان خود را در گوش‌ها فرو برده‌اند (امید که مَقْرَى بیابند). حال آن‌که خدا بر همه ناسپاسان چیره و مسلط است! ﴿۱۹﴾ تو گویی برق آسمان می‌خواهد دیده‌هایشان را کور کند. هرگاه [رعد و برقی] بر می‌جهد [بی‌اراده] به سویی می‌روند و چون از غرش می‌افتد [حیران و ماتم زده] می‌ایستند [و خطر را با تمام وجود حس می‌کنند] و اگر خدا می‌خواست کر و کورشان می‌کرد. و خدا بر هر کاری توانا است! ﴿۲۰﴾ ای مردم! پروردگارتان را بنده باشید، آن خدایی که هم شما و هم انسان‌های قبل از شما را بیافرید [و نعمت زندگی داد] و با این پرستش شاید بتوانید حرمت خداوند را نگاه دارید! ﴿۲۱﴾ آن [خدایی] که زمین را چون فرشی به زیر پاهای شما گستراند. و آسمان را بالای سرتان برافراشت. و از آن بارانی فرستاد، و به واسطه آن انواع میوه‌ها را رویاند تا روزی شما گردند، و شما خود نیک می‌دانید که نباید هیچ چیزی را هم سطح و همتای خداوند بزرگ قرار دهید! ﴿۲۲﴾ و اگر به این قرآن که بر بنده خودمان نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید، اگر راست می‌گویید یک سوره مثل آن بیاورید! گواهان هم از خودتان باشند نه از جانب خدا! ﴿۲۳﴾ و اگر نتوانستید؛ که هرگز نمی‌توانید [پس بهترین راه این است] از آتشی که هیزم آن از مردم و از سنگ است، بپرهیزید! این چنین آتشی خاص ناسپاسان است! ﴿۲۴﴾

و به آن کسانی که ایمان دارند و عملکردشان نیک است، مژده رسان بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است؛ برای آنهاست، آن چنان که هرگاه از میوه‌هایش بهره‌مند شوند گویند: این مانند برکاتی است که قبلاً نصیب ما شده بود! و این چنین از نعمت‌های مورد انتظارشان] به آنها عطا می‌شود، و هم چنین در بهشت دارای همسرانی پاکیزه هستند و جاودانه بهره‌مندند! ﴿۲۵﴾ خداوند هیچ ابایی ندارد [برای بیان حقیقت] از پشه - و حتی کمتر از آن - مثال بیاورد، چه اهل باور و معرفت خوب می‌دانند در این مثل حتماً بیان نکته حقی است که از جانب پروردگارشان آمده است. اما ناسپاسان بی‌ایمان می‌گویند: این چگونه مثلی است و خداوند قصد بیان چه نکته‌ای را دارد، که بسیاری را بدان گمراه می‌کند و بسیاری را هدایت! بدانید خداوند گمراه نمی‌کند جز، زشت سیرتان بدکردار را! ﴿۲۶﴾ آنان که عهد و پیمان الهی را پس از تأییدش می‌شکنند و پیوندهایی را که خداوند امر به رعایت آن کرده قطع می‌کنند و در زمین تباهی و زشتی ترویج می‌کنند، آنان حقیقتاً زیان دیده‌گانند! ﴿۲۷﴾ آخر چگونه خدا را باور ندارید در حالی که شما مرده بودید و او شما را زندگی داد! هم‌اوست که دوباره جانتان را می‌گیرد و باز به شما حیات می‌بخشد! سرانجام نیز، همه به سوی او باز خواهید گشت ﴿۲۸﴾ او همان خدای مهربانی است که هر آن‌چه را در زمین است برای بهره‌مندی شما آفرید سپس به آسمان پرداخت و هفت آسمان را برافراشت، و او بر هر چیزی آگاه است ﴿۲۹﴾

و [یاد آر]! هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: می‌خواهم بر روی زمین جانشینی بیافرینم، آنها گفتند: [ای خداوند بزرگ] آیا می‌خواهی موجودی را جانشین کنی تا زمین را به فساد و تباهی کشد و به ناحق خون بریزد؟! حال آن که ما خودمان تو را به حکم ستایش، تسبیح می‌گوییم و هر لحظه تقدیست می‌کنیم! و خداوند دانا گفت: من چیزها می‌دانم که شما از آن بی‌خبرید! ﴿۳۰﴾ و [خدا] همهٔ اسماء (کلیدهای فهم هستی) را به آدم تعلیم داد. آن گاه به فرشتگان عرضه داشت و گفت: اگر شما راست می‌گویید [و هنوز بر ادعای قبلی‌تان هستید] نام‌های این حقایق را برایم بیان کنید! ﴿۳۱﴾ فرشتگان گفتند: ای خداوند پاک و بی‌نقص، ما به غیر از آن‌چه خود به ما آموخته‌ای آگاهی دیگری نداریم! این تویی که دانای حکیمی! ﴿۳۲﴾ [آن‌گاه خداوند] گفت: ای آدم، از نام‌هایشان آگاهشان کن. و چون [آدم] از این نام‌ها آگاهشان کرد [خداوند به فرشتگان] گفت: نگفتم که نادیده‌های آسمان و زمین را می‌دانم و آگاهم از آن‌چه آشکار می‌دارید و آن‌چه پنهان می‌کنید! ﴿۳۳﴾ و هنگامی که به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید، بی‌درنگ همه سجده کردند، مگر ابلیس که متکبرانه از فرمان خداوند سرباز زد و با این تَمَرِّد از گروه ناسپاسان شد! ﴿۳۴﴾ آن‌گاه گفتیم: ای آدم با همسرت در بهشت ساکن شو و از هر نعمتی که خواستید در کمال امنیّت بهره‌مند شوید، فقط به این درخت نزدیک نشوید! که از ستمکاران خواهید بود! ﴿۳۵﴾ اما شیطان [با وسوسه] آن‌ها را به سقوط کشانید و آنان را از آن‌چه در آن بودند بیرون کرد! بی‌درنگ گفتیم: همه از این مرحلهٔ متعالی پایین روید [که لیاقتش را نداشتید] از این پس دشمنان یکدیگرید! بروید بر زمین تا زمانی که تکلیف‌تان روشن شود! ﴿۳۶﴾ سرانجام آدم [رانده شده و پشیمان] از پروردگارش کلماتی را آموخت که باعث پذیرش توبه او گردید، زیرا خداوند بزرگ بسیار توبه‌پذیر و با رحمت است ﴿۳۷﴾

گفتیم: همه شما به مرحله پایین تری روید و همان جا بمانید و بدانید، چون راهنمایی برایتان فرستم؛ هر کس از راهنمایی من پیروی کند هرگونه اضطراب و اندوه و یاسی از او دور خواهد شد! ﴿۳۸﴾ و کسانی که عناد و ناسپاسی پیشه کنند و آیات و راهنمایی‌های ما را دروغ بپندارند، بدون شک اهل آتشی خواهند بود که در آن جاودانه می‌مانند! ﴿۳۹﴾ ای بنی‌اسرائیل! به یاد آورید آن نعمتی را که عطایتان کردم، پس وفا کنید به عهدی که با من بسته‌اید، بی‌شک من نیز به عهد شما وفادار خواهم بود. و تنها از من بترسید! ﴿۴۰﴾ پس حرمت این قرآنی که تورات شما را تأیید می‌کند نگاه دارید و به آن ایمان بیاورید و خود را به اولین منکر این کتاب تبدیل نکنید. و آیات مرا [سوداگرانه] به بهایی اندک نفروشید. و از من پروا داشته باشید! ﴿۴۱﴾ و هیچ‌گاه قامت حق را با ردای زشتِ باطل نپوشانید تا پنهان‌اش کنید، درحالی‌که به حقانیت آن واقفید! ﴿۴۲﴾ نماز را به پا دارید و زکات امواتان را پرداخت کنید و با رکوع کنندگان حق پرست همراه شوید! ﴿۴۳﴾ [آخر این] چگونه [است که شما] دیگران را به خوبی و نیکوکاری امر می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌کنید! در حالی که آیات ما، همواره لقلقه زبان‌تان است. چرا عقل خود را به کار نمی‌اندازید؟! ﴿۴۴﴾ [در سختی‌ها و مصائب روزگار] از صبر و نماز نیرو بگیرید! [هر چند که می‌دانم] بر همه سخت و گران است، مگر بر فروتنان! ﴿۴۵﴾ همان‌هایی که بی‌گمان می‌دانند روزی، پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد. و بدون شک نزد او باز خواهند گشت ﴿۴۶﴾ ای بنی‌اسرائیل! به یاد آرید آن نعمتی را که عطایتان کردم و شما را بر همه جهانیان برتری دادم! ﴿۴۷﴾ بترسید از روزی که کسی به درد کسی نخواهد خورد و هیچ‌پا در میانی و شفاعتی در کار نیست. و از هیچ‌کس غرامت گرفته نمی‌شود. و به کسی یاری نمی‌رسد! ﴿۴۸﴾

و [یاد آرید]! آن زمانی که شما را از دست فرعونیان نجات دادیم (یادتان هست)؟! شما را سخت شکنجه می کردند، پسرانتان را سر می بریدند و دخترانتان را زنده نگاه می داشتند! و این یک آزمایش بزرگ و حساس الهی بود! ﴿۴۹﴾ و [به یاد آرید]! آن گاه که دریا را برایتان شکافتیم و [از دست دشمن] نجاتتان دادیم. فرعونیان را غرق کردیم و شما تمام این صحنه ها را می دیدید! ﴿۵۰﴾ و [به یاد آرید]! آن زمان که با موسی وعده کرده بودیم چهل شب نزد ما بماند، اما شما در غیاب او گوساله ای را [برای پرستش] برگزیدید، و این ستمی بود که بر خود روا داشتید! ﴿۵۱﴾ اما باز مهربانانه از شما گذشتیم و [فرستی دادیم تا] شاید به راه شکر و سپاس بیایید! ﴿۵۲﴾ و [باز به یاد آرید]! آن زمان که هم کتاب و هم قدرت تشخیص [حق از باطل] را به موسی عطا کردیم تا باعث راهنمایی شما باشد! ﴿۵۳﴾ و هنگامی که موسی به قومش گفت: شما با [این حرکت زشت و زننده] گوساله پرستی به خودتان ظلم کردید! پس توبه کنید و به سوی خالق خود بازگردید و نفستان را بکشید که این کار نزد خدا [از یک زندگی آلوده] به مراتب بهتر و آبرومندتر است! اما باز خداوند توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. حَقّاً که او توبه پذیر و بسیار با گذشت است! ﴿۵۴﴾ [این ماجرا سپری شد] و باز شما گفتید: ای موسی تا خدا را آشکارا نبینیم هرگز به تو ایمان نمی آوریم! ناگهان صاعقه ای مرگبار بیامد و شما را در حالی که نگاه می کردید به کام خود فرو برد ﴿۵۵﴾ پس از این مرگ، باز شما را زنده کردیم تا شاید [حرمت نگاه دارید و] سپاسگزار شوید! ﴿۵۶﴾ [دوباره مهربانانه] ابرها را چون سایبانی بر سرتان قرار دادیم و از «مَن» و «سلوی» تقدیمتان کردیم.^۱ باکی نیست، از روزی پاک و بی آلایش ما بخورید و بهره مند شوید! بدانید آن ها به ما ظلم نکردند بلکه بر خود ستم روا داشتند. ﴿۵۷﴾

^۱ من و سلوی را غالباً ترنجبین و بلدرچین دانسته اند. یک مائه آسمانی!

و [یاد آرید]! هنگامی که گفتیم: به این شهر وارد شوید و از نعمت‌هایش در هر جا و هر زمان بهره‌مند گردید، [مشروط بر آن که] از دروازه شهر سجده‌کنان داخل شوید و [با زبان اخلاص] بگویید: خداوندا [بار سنگین] گناه و ناسپاسی را [از دوش ما] بردار! تا ما نیز از نافرمانی‌های شما بگذریم و بر نعمت و پاداش نیکوکاران بیفزاییم!

﴿۵۸﴾ اما ستمکاران سخن را به غیر از آن چه که به آن‌ها گفته شده بود بیان کردند، و به کیفر این عصیان و ناسپاسی، عذاب سختی از آسمان بر آن‌ها فرود آوردیم

﴿۵۹﴾ و [باز به یاد آرید]! آن زمانی که موسی [دست به عصا برداشت و] برای قوم خود آب خواست. به او گفتیم: عصای خود را به آن سنگ بزن تا دوازده چشمه جوشان نمایان شود، تا هر گروهی به سوی آبشخور خود رود! از رزق الله بخورید و بنوشید، ولی در روی زمین تباهی و نکبت به راه میندازید! ﴿۶۰﴾ و آن هنگام که گفتید: ای موسی مزاج ما با یک نوع غذا سازگار نیست، از خدای خود بخواه تا از رویدنی‌های زمین از سبزی و خیار و سیر گرفته تا عدس و پیاز برای ما بیاورد!

[و موسی] گفت: آخر چگونه می‌توانید یک چیز برتر را با چیزی فروتر عوض کنید؟! [اگر غذا و طعام می‌خواهید]، بروید به دیاری فرودست که هر چه خواستید بیابید!

و این چنین شد که ذلت و فقر و بیچارگی، توأم با خشم خدا آن‌ها را محاصره کرد، و این نتیجه کفران و ناسپاسی آن‌ها نسبت به آیات خداست زیرا آن‌ها پیامبران خدا را به ناحق می‌کشتند و سرمستانه عصیان می‌کردند و قومی تجاوزکار بودند! ﴿۶۱﴾

کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که یهودی و مسیحی و صابئی^۱ هستند چنان چه به خداوند بزرگ و روز حسابرسی در آخرت، ایمان داشته باشند و دارای عملکردی نیک و مفید باشند، پاداش آن‌ها بر عهده پروردگارشان است. نه ترسی بر آن‌ها روا باشد و نه غمگین شوند. ﴿۶۲﴾ و به یاد آورید آن زمان که پیمان محکمی از شما گرفتیم، کوه طور را بالای سرتان نگاه داشتیم و گفتیم: توراتی را که به شما داده‌ایم با قوت بگیرید و مراقبت کنید و آن چه را که در آن بیان شده به خاطر بسپارید، تا بلکه حرمت نگاه دارید و محفوظ بمانید! ﴿۶۳﴾ ولی پس از مدتی [عهد را شکستید و از فرمان ما] سرپیچی کردید. و اگر [بی‌کران دریای] فضل و رحمت خداوند، شما را در بر نمی‌گرفت، بدون شک از زیانکاران به حساب می‌آمدید! ﴿۶۴﴾ و شما خوب می‌شناسید کسانی را که در روز شنبه [از حکم و فرمان ما] سرپیچی کردند و ما به آن‌ها گفتیم به بوزینگانی ذلیل و خاموش تبدیل شوید! ﴿۶۵﴾ و ما این کار را کردیم تا عبرتی باشند برای معاصران و آیندگان، و موعظه‌ای برای هر آن که از خداوند مقتدر می‌هراسد! ﴿۶۶﴾ و هنگامی که موسی به قوم خود گفت: خداوند بزرگ به شما فرمان داده است تا گاو را قربانی کنید! گفتند: ما را مسخره کرده‌ای؟! [موسی] جواب داد: به خدا پناه می‌برم اگر مثل نادانان رفتار کرده باشم! ﴿۶۷﴾ گفتند: از پروردگارت بخواه تا برای‌مان شرح دهد چگونه [گاو] باید قربانی کنیم؟ گفت: خداوند می‌فرماید: گاو که نه چندان پیر و فرتوت است و نه چندان کم سن و بی‌بنیه، یک گاو میانه سال، اکنون به دستور خدا عمل کنید! ﴿۶۸﴾ گفتند: به پروردگارت بگو، برای‌مان شرح دهد گاو چه رنگی باشد؟ گفت: خداوند می‌فرماید: یک گاو زرد طلایی، که چشم هرکس بر او بیافتد شادمان شود ﴿۶۹﴾

^۱ این احتمال وجود دارد صابئین از پیروان هرمس النعمه باشند. برخی از دانشمندان مسلمان، او را همان ادریس نبی(ع) و برخی یهودیان او را خنوخ از نوادگان آدم (ع) دانسته‌اند. صابئین، موحدند و خدای واحد را می‌پرستند و این نکته از ترجمه متون هرمسی که اخیراً از خط هیروگلیف که بر روی پاپیروس بافت شده پیداست. هرمس از شخصیت‌های اسراری تاریخ است و بسیاری از علوم غریبه و نیز علم نجوم به آن نسبت داده می‌شود. وی سه هزار سال قبل از میلاد مسیح(ع) در مصر به آموزش علوم باطنی اشتغال داشته است. لازم به ذکر است که تا کنون سه هرمس شناسایی شده است، اما منظور ما، هرمس مثلث النعمه می‌باشد. کسی که سه نعمت حکمت، قدرت و نبوت به او عطا شده است. متون هرمسی را هرمتیکا می‌نامند.

گفتند: از پروردگارت بخواه تا شرح بیشتری بگویدی، چه هنوز در مورد گاو قربانی به شناخت قطعی نرسیده‌ایم! و اگر خدا بخواهد به این کار هدایت خواهیم شد. ﴿۷۰﴾

[موسی] گفت: خداوند می‌فرماید: از آن گاوها نیست که رام و تسلیم، زمین را شخم بزند و کشت و آبیاری کند. گاوی است یک رنگ و بی‌عیب. گفتند: اکنون شناختمان را کامل کردی. سپس رفتند و قربانی کردند در حالی که نزدیک بود از این فرمان هم سرپیچی کنند! ﴿۷۱﴾ و [به یاد آورید] آن زمان را که کسی را کشتید و آن‌گاه به یکدیگر بهتان زدید [تا خونش پایمال شود]. اما خداوند دانا، آن‌چه را که پنهان کرده بودید آشکار کرد ﴿۷۲﴾ [و باز از این فتنه نجات‌تان دادیم و] گفتیم: قطعه‌ای از آن گاو قربانی را به مقتول بزنید که خداوند این چنین مرده‌ها را زنده می‌کند^۱ [و این چنین] نشانه‌های [قدرت و توانایی] خود را [در برابر دیدگان شما] به نمایش می‌گذارد تا شاید عقل‌تان به کار افتد! ﴿۷۳﴾ اما پس از این ماجرا قلب‌های شما سخت و سنگین شد، همچون سنگ یا سخت‌تر از سنگ! چه گاهی از سنگی، جوی‌ها روان گردد. و پاره‌ای از آن‌ها چون شکاف بردارد از آن آب بیرون جهد و گاه [سنگی] از خوف خداوند [از فراز کوه] به زیر افتد! بدانید که خداوند هرگز از عملکرد شما غافل نیست! ﴿۷۴﴾ آیا باز طمع می‌دارید تا شما را باور کنند؟! در حالی که عده‌ای از آن‌ها کلام خدا را می‌شنوند و با آن‌که خوب می‌فهمند تحریفش می‌کنند و این کار را آگاهانه انجام می‌دهند! ﴿۷۵﴾ و هنگامی که اهل ایمان را ملاقات کنند می‌گویند: ما نیز ایمان آورده‌ایم، و زمانی که با یکدیگر خلوت می‌کنند معترضان می‌گویند: چرا با اهل ایمان از نعمت و قدرت خدادادیتان می‌گویید، تا آن‌ها هم در پیشگاه خداوند، از این نکات علیه خودتان استفاده کنند؟! چرا عقل‌تان را به کار نمی‌اندازید؟! ﴿۷۶﴾

^۱ به نظر می‌رسد که این گاو، مظهر «نفس حیات بخش» یا همان «جان» باشد.

آیا نمی‌دانند که خداوند بزرگ بر آن چه که پنهان می‌کنند، و آن چه که آشکار می‌سازند، آگاهانه اشراف دارد؟! ﴿۷۷﴾ و برخی از آن‌ها بی‌سوادانی هستند که جز آرزوهای ذهنی‌شان، از کتاب خدا چیز دیگری نمی‌دانند! اینان تنها به گمان و خیال خویش تکیه دارند ﴿۷۸﴾ بدا به حال کسانی که کتاب را با دستان خود می‌نویسند و ادّعا می‌کنند که این کتاب، از جانب خداست، تا آن را به [عنوان کتاب خدا به سخیف‌ترین و] کم‌ارزش‌ترین قیمت [دنیایی] بفروشند! پس وای بر آن‌ها به خاطر آن چه نوشته‌اند و وای بر تجارتی که کرده‌اند! ﴿۷۹﴾ [با خیال خام] می‌گویند: یک چند روزی بیشتر در آتش نمی‌مانیم. [ای پیامبر به آن‌ها] بگو: آیا از خداوند چنین عهدی گرفته‌اید؟ [اگر چنین است] خدا هرگز از عهدش تخلف نمی‌کند! [اما چنین نیست] بلکه شما چیزی را که نمی‌دانید به خداوند نسبت می‌دهید ﴿۸۰﴾ آری، کسانی که دستاوردهای زشتی و پلیدی است، و جرم و گناه، آن‌ها را بی‌امان محاصره کرده است، اهل آتش‌اند و جاودانه درآیند! ﴿۸۱﴾ و آنان که حقایق را با تمام وجود باور کرده‌اند و عملکردی خوب و شایسته دارند (بی‌تردید) آنان اهل بهشت‌اند و جاودانه لذت می‌برند ﴿۸۲﴾ و [به یاد آورید] هنگامی که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که: جز خداوند بزرگ را پرستش نکنید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و درماندگان، نیکی روا دارید و هرگاه با مردم سخن می‌گویید، به نیکی سخن گویند و نماز به پا دارید و زکات را پرداخت کنید! اما جز اندکی [همگی از فرمان خدا] سرپیچی کردید و مغرورانه روی گردان شدید. ﴿۸۳﴾

و [یاد آرید]! آن هنگام را که از شما پیمان گرفتیم که: خون یکدیگر را نریزید، و همدیگر را از خانه و دیار خویش آواره نکنید، و شما به چنین پیمانی اعتراف کردید، و خود گواھید! ﴿۸۴﴾ اما اکنون این شمائید که همدیگر را می‌کشید و عده‌ای را از خانه و کاشانه شان آواره می‌کنید و بر علیه آن‌ها تجاوزکارانه و به ناحق متحد می‌شوید، و هرگاه به اسارت شما درآیند برای آزادیشان فدیہ طلب می‌کنید! حال آن‌که از اساس، بیرون کردنشان از سرزمینشان بر شما حرام بود. آیا فقط می‌خواھید به بعضی از آیات کتاب خدا عمل کنید و برخی دیگر را انکار کنید؟! بدانید جزای کسی که این چنین عمل کند چیزی جز خواری و ذلت در دنیا نیست و به خاطر دستاوردشان در روز قیامت، به اشد مجازات محکوم خواهند شد. و خداوند بزرگ از عملکردتان غافل نیست ﴿۸۵﴾ اینان همان کسانی هستند که زندگی دنیا را به بهای از دست دادن آخرت خریدند! او به خاطر این تجارت زیان بار [هیچ عفوئ شامل حالشان نمی‌شود و کسی توانایی نجاتشان را از عذاب ندارد! ﴿۸۶﴾ ما به موسی تورات را عطا کردیم و پیامبرانی بعد از او فرستادیم. به عیسی پسر مریم نیز دلایل آشکاری دادیم و او را بواسطه روح القدس تأیید نمودیم. اما هرگاه که پیامبری آمد و چیزهایی گفت که با هواهای نفسانی شما سازگار نبود، متکبرانه سرکشی کردید، سپس عده‌ای را انکار کردید و عده‌ای را کشتید! ﴿۸۷﴾ و آن‌ها گفتند که قلوب ما (قوای مُدرکة ما) در حجاب است، پس نفرین خدا بر آن‌ها به خاطر ناسپاسی و طغیانشان، و چه اندک است ایمانشان! ﴿۸۸﴾

و آن زمان که قرآن، خداوند، به سوی آن‌ها فرستاده شد، با آن‌که آن‌ها را شناختند و کتاب آن‌ها را هم تأیید می‌کرد، و نیز با آن‌که خود آن‌ها خواستار نیرویی بودند تا بر کافران چیره شوند، اما باز به پیامبر و کتابش ایمان نیاوردند! پس نفرین خداوند بر اهل کفر باد! ﴿۸۹﴾ چه معامله بدی با خود کردند آن‌گاه که از شدت حسد، قرآنی را که خداوند نازل کرده بود قبول نکردند! زیرا نمی‌توانستند شاهد این باشند که خداوند فضل و کرمش را به هر کدام از بندگان که بخواهد می‌دهد! و بدین-سان، خشمی مضاعف آن‌ها را فرا گرفت. بدانید برای ناسپاسانِ حسود، عذابی خوارکننده است! ﴿۹۰﴾ و هنگامی که به آن‌ها گفته شود، به آن‌چه خداوند نازل کرده ایمان آورید، گویند: ما فقط به آن‌چه بر خودمان نازل شده است ایمان می‌آوریم! و غیر کتابِ خودشان را مردود می‌دارند، در حالی که این قرآن، کتب آسمانی‌شان را تأیید می‌کند! ای پیامبر به آن‌ها بگو: اگر چنان‌چه ادعا می‌کنید که فقط به کتاب خودتان ایمان دارید. پس چرا پیامبران خدا را به ناحق می‌کشتید؟! ﴿۹۱﴾ همانا موسی برای هدایت شما با دلایلی روشن به سوی‌تان آمد، اما شما گوساله‌پرستی کردید و راه ظلم و ستم در پیش گرفتید! ﴿۹۲﴾ و یاد آرید آن هنگام که از شما پیمان سنگینی گرفتیم و کوه طور را بالای سرتان برافراشتیم و گفتیم آن‌چه را نازل شده است با دل و جان بگیرید و مراقب باشید و بشنوید کلامش را! گفتند: شنیدیم و عمل نکنیم! و به خاطر ناسپاسی و طغیانشان، وسوسه گوساله‌پرستی در دل‌هایشان جا گرفت. [ای پیامبر!] به آن‌ها بگو: اگر واقعاً به آن‌چه می‌گویید باور دارید، باورهایتان شما را به بدکاری و بدفرجامی می‌رساند! ﴿۹۳﴾

به آنها بگو: اگر راست می‌گویید که بهشتِ خدا و حیات جاودان فقط ویژه شماست نه مردم دیگر، پس آرزوی مرگ کنید تا زودتر به وصال خویش برسید! ﴿۹۴﴾ و هرگز آرزوی مرگ نمی‌کنند زیرا دستاوردهای زشت و پلید است و خدا ستمکاران را خوب می‌شناسد! ﴿۹۵﴾ [وقتی شخصیت آن‌ها را تحلیل کنی] خواهی دید که آن‌ها حریص‌ترین مردم به زندگی دنیا هستند حتی حریص‌تر از مشرکان! برخی از این ناسپاسانِ خودخواه، حتی طالب عمر هزار ساله‌اند. اما حتی این عمر دراز، آن‌ها را از عذاب‌الهی مصون نخواهد کرد و خداوند نسبت به عملکردشان بیناست ﴿۹۶﴾ و به هر کس که نسبت به فرشتهٔ مقرب ما جبرائیل دشمنی ورزد، بگو که: جبرائیل به فرمان خداوند، این آیات را بر قلب تو نازل کرده است، آیاتی که تمام کتب آسمانی را تأیید می‌کند. و سراسر هدایت و آرامش و بشارت است برای اهل ایمان! ﴿۹۷﴾ هر [ناسپاسی] که دشمن خدا و فرشتگانش و پیامبران و جبرائیل و میکائیل باشد، خداوند نیز دشمن این کافران خواهد بود! ﴿۹۸﴾ حقیقتاً ما بر تو آیات و نشانه‌های روشنی نازل کردیم و کسی منکر آن نخواهد شد، مگر بدکاران زشت سیرت ﴿۹۹﴾ آیا چنین نیست هر بار با ما عهد بستند تعدادی از آن‌ها پیمان‌شکنی کردند؟ آری اکثر آن‌ها ایمان نمی‌آورند! ﴿۱۰۰﴾ و هرگاه رسولی از جانب خداوند به سوی آن‌ها می‌آمد، با آن‌ها که راست بودن کتابشان را تأیید می‌کرد، جماعتی از اهل کتاب چنان رفتار می‌کردند که گویی از کتابِ جدید خدا، بی‌خبرند و آن را پشت سر می‌انداختند! ﴿۱۰۱﴾

و در زمان حکومت سلیمان، آن‌ها تسلیم و سوسه‌هایی بودند که شیطان صفتان همواره در گوش‌شان زمزمه می‌کردند. سلیمان ناسپاس نبود بلکه ناسپاسی و کفران، براننده شیطان صفتانی بود که به مردم جادوگری می‌آموختند. و به خاطر آگاهی که آن دو فرشته موجود در بابل یعنی هاروت و ماروت از سحر و افسونگری داشتند [مردم به طمع آموختن سحر به سوی آن‌ها رهسپار می‌شدند] و آنان به هر کسی که آموزش می‌دادند می‌گفتند: کار ما آزمون سخت و سنگین است! مراقب باشید به دامن کفر و ناسپاسی نیافتید! و آن‌ها آموختند که چگونه با جادوگری بین مرد و همسرش جدایی بیندازند. اما غافل از این‌که خداوند نمی‌گذارد به کسی زیان برسانند، مگر آن‌که خودِ خدا اراده کرده باشد! و آن‌ها در حقیقت چیزی را آموختند که نه تنها نفعی برای‌شان ندارد بلکه زیان و نکبت آن متوجه خود آن‌هاست و خود آن‌ها نیک می‌دانند آن‌که چنین کالای زشتی خریده است هیچ بهره‌ای از حیات جاودانی نخواهد داشت و اگر آگاهی از حقیقت داشتند می‌فهمیدند که خود را به بد چیزی فروخته‌اند! ﴿۱۰۲﴾ اما اگر [به جای افسون و جادوگری] به خداوند قادر و آگاه ایمان می‌آوردند، و حرمت فرمان‌های خدا را نگاه می‌داشتند برای‌شان از هر چیز دیگری با برکت‌تر بود اگر می‌دانستند! ﴿۱۰۳﴾ ای اهل ایمان هیچ‌گاه (در خطاب به پیامبر)، از عبارت «راعنا» استفاده نکنید. بلکه بگویید: «أنظرنا!» (ما را بنگر و بر ما ناظر باش). از این کلام پند بگیرد زیرا اهل کفر در عذابی دردناکند ﴿۱۰۴﴾ بدانید که نه کافران اهل کتاب و نه حتی مشرکان، هیچ کدام دوست ندارند تا خیر و برکتی از سوی خداوند بر شما نازل شود! در حالی که خداوند بزرگ هر که را صلاح بداند شامل رحمت خاص خود می‌کند. بدانید فضل و کرم خداوند، بسیار بزرگ است! ﴿۱۰۵﴾

^۱ در عربی به معنای «ما را رعایت کن!» ولی این لفظ در زبان یهودیان ناسزاگونه بوده و آنان با سوء استفاده کردن از این مفهوم و به منظور استهزاء، عمداً آن را در خطاب به پیامبر بر زبان می‌راندند!

ما هیچ آیه‌ای را از یاد نمی‌بریم؛ مگر آن که بهتر از آن یا همانند آن را بیاوریم، آیا نمی‌دانی که خداوند بر هر کاری تواناست؟! ﴿۱۰۶﴾ آیا نمی‌دانی که فرمانروایی مطلق آسمان‌ها و زمین با خداست؟! و شما را هیچ یار و یاور و پناهگاهی به جز خدا نیست؟! ﴿۱۰۷﴾ آیا می‌خواهید همان برخوردی را با رسول اسلام کنید که پیش از این با موسی کردند؟! بدانید که هر کس ایمان به حقیقت را رها کند و راه ناسپاسی و کفران پیشه کند، بی‌شک راه درست را گم کرده است! ﴿۱۰۸﴾ بسیاری از اهل کتاب با آن که حق بر آن‌ها آشکار شده، از روی حسد، دوست دارند حال که ایمان آورده‌اید دوباره شما را به وادی کفر و ناسپاسی بازگردانند. اما شما عفو کنید و با گذشت با آن‌ها برخورد کنید، تا خداوند به موقع فرمان خویش را جاری کند و خداوند بزرگ بر هر کاری تواناست ﴿۱۰۹﴾ نماز را به پای دارید و زکات امواتان را پرداخت کنید و بدانید تمامی دستاورد نیک‌تان را نزد خداوند خواهید یافت و خداوند به عملکردتان کاملاً بیناست ﴿۱۱۰﴾ و ادعا کردند که هیچ کس به بهشت خداوند وارد نمی‌شود مگر آن که یهودی یا مسیحی باشد! این آرزوی آن‌هاست؛ به آن‌ها بگو: اگر راست می‌گویید دلایلش را بیاورید! ﴿۱۱۱﴾ آری، هر کس که سراپا تسلیم خداوند شود، و رو سوی او آورد در حالی که نیکوکار باشد بدون شک پاداشش نزد خداوند محفوظ است و هیچ ترس و یأس و اندوهی در او راه ندارد! ﴿۱۱۲﴾

و یهودیان می‌گویند مسیحیان بر حق نیستند. و مسیحیان می‌گویند یهودیان بر حق نیستند. حال آن‌که آن‌ها کتاب خدا را می‌خوانند و آگاهند! حتی در این میان، آن‌هایی که نادانند چیزی شبیه حرف آن‌ها را تکرار می‌کنند. بدون شک، خداوند بزرگ در روز قیامت در مورد آن چه اختلاف می‌کنند قضاوت خواهد کرد ﴿۱۱۳﴾ و کیست ظالم‌تر از آن که بر مساجد خدا سلطه یافت تا نگذارد نام خدا در آن یاد شود و در نآبادی آن‌ها کوشید؟! پس ورود آن‌ها به مساجد خدا جایز نیست، مگر آن‌که بیمناک و ترسان وارد شوند! بی‌شک برای آنان در دنیا، خواری و ذلت است و در آخرت عذابی بزرگ! ﴿۱۱۴﴾ مشرق و مغرب از آن خداست پس به هر طرف رو کنید رو سوی خدا کرده‌اید! خداوند همه جا حضور دارد و بسیار آگاه است ﴿۱۱۵﴾ و عده‌ای گفتند: خداوند فرزندی اختیار کرده است! دور باد ناپاکی و نقص از او، زیرا آن‌چه که در زمین و آسمان هاست از آن اوست و همه ریزه‌خوار نعمت اویند و فرمانبردار ﴿۱۱۶﴾ بوجود آورنده بی‌همتای زمین و آسمان‌هاست. و هنگامی که اراده بر کاری کند، فقط می‌گوید: «باش» و بی‌درنگ خواهد بود! ﴿۱۱۷﴾ و ناآگاهان می‌گویند: چرا خداوند با ما سخن نمی‌گوید؟! و چرا معجزه‌ای بر ما نمایان نمی‌شود؟! این همان سخنی است که پیشینیانشان نیز می‌گفتند! قلب‌ها و قوای مُدرکۀ آن‌ها شبیه هم است درحالی که ما برای اهل یقین و باور، چنان آیات و نشانه‌های روشنی خلق کردیم [که جای هیچ شکی نمی‌ماند] ﴿۱۱۸﴾ ما تو را به حق به پیامبری مبعوث کردیم تا هم بشارت‌دهنده باشی و هم بیم‌دهنده. و تو هرگز مسؤول دوزخیان نیستی! ﴿۱۱۹﴾

ای پیامبر! هرگز یهودیان و مسیحیان از تو راضی نمی‌شوند، مگر آن که از افکار آن‌ها تبعیت کنی! تو به آن‌ها بگو که فقط راهنمایی خدا، هدایت خالص است! و اگر چنانچه به خواسته آن‌ها تن دادی [و پیروی‌شان کردی] آن هم بعد از آن که آگاه شده‌ای، بدون شک هیچ یار و یآوری از سوی خدا نخواهی داشت! ﴿۱۲۰﴾ آن‌هایی که کتاب الهی تقدیم‌شان کردیم و به خوبی آن را می‌خوانند و حق‌اش را چه در کلام و چه در عمل به جا می‌آورند، بی‌شک همان‌ها به کتاب ایمان دارند. و اما آنان که بدان کافر و بدبینند همگی زیانکارند! ﴿۱۲۱﴾ ای بنی‌اسرائیل! به یاد آرید نعمتی را که عطایتان کردم و شما را بر همهٔ جهانیان برتری دادم! ﴿۱۲۲﴾ و بترسید از روزی که کسی به جای دیگری مجازات نمی‌شود، و هیچ بدلی به جای مجازات قابل قبول نیست و شفاعت و [پادرمیانی] کسی سودی نبخشد و یار و یآوری در کار نباشد! ﴿۱۲۳﴾ و هنگامی که خداوند، ابراهیم را توسط کلماتی امتحان کرد و او سربلند از این امتحان بیرون آمد، گفت: من تو را به پیشوایی مردم برگزیدم، و ابراهیم گفت: این پیشوایی را به فرزندان من هم عطا می‌کنی؟ و [خدا] گفت: چنانچه ظالم و ستمکار باشند، چنین امتیازی به آن‌ها نخواهد رسید! ﴿۱۲۴﴾ و ما کعبه را محل امن و مرجع و ملجأ مردم قرار دادیم. پس مقام ابراهیم را جایگاهی برای پرستش خداوند بزرگ قرار دهید. چه از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم تا خانها را برای طواف‌کنندگان و اعتکاف‌کنندگان و نمازگزاران پاک و آماده کنند! ﴿۱۲۵﴾ و هنگامی که ابراهیم دست به دعا برداشت که پروردگارا، این شهر را محل امن و آرامش قرار بده و رزق و روزی اهلش را که خداوند و روز حسابرسی را باور دارند فراوان گردان، [و خدا] گفت: حتی کسی که کفر بورزد، در دنیا اندکی بهره‌مندش می‌کنم. اما [در روز حسابرسی به خاطر ناسپاسی‌اش] او را به عذاب آتش گرفتار کنم که سرنوشت بسیار بدی است! ﴿۱۲۶﴾

^۱ نکته قابل توجه اینکه ابراهیم(ع) از ابتدا برای این شهر، از خداوند امنیت طلب می‌کند، آنگاه یک اقتصاد پر رونق! زیرا پر واضح است که یک اقتصاد شکوفا در سایهٔ امنیت امکان پذیر است.

و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل دیوارهای کعبه را برافراشتند، دست به دعا برداشتند که پروردگارا! این عمل را از ما قبول کن! زیرا این تویی که بر همه چیز شنوا و آگاهی ﴿۱۲۷﴾ پروردگارا، ما را تسلیم خودت کن و نیز از فرزندانمان را مقام تسلیم عطا کن، و راه بندگی مخلصانه را نشانمان ده، و از خطاهای ما درگذر، زیرا تو توبه پذیر و بسیار باگذشتی! ﴿۱۲۸﴾ پروردگارا! از بین خودشان، پیامبری را برای شان برگزین، تا آیات تو را بر آنها بخواند و علم کتاب و حکمت بیاموزد. و آنها را از هرچه زشتی و پلیدی است^۱ پاک گرداند، زیرا تو مقتدر و حکیمی! ﴿۱۲۹﴾ و هیچ کس از آیین ابراهیم روی نگرداند مگر انسانهای بی خرد! زیرا این ما بودیم که ابراهیم را در دنیا برگزیدیم [و شاخص کردیم] و بی شک همو در آخرت از شایستگان است! ﴿۱۳۰﴾ و هنگامی که خداوند بزرگ به او گفت: تسلیم شو [تسلیم هر آن چه ما مقدر کرده ایم] و ابراهیم بی درنگ گفت: سراپا تسلیم پروردگار جهانیان شدم! ﴿۱۳۱﴾ و ابراهیم و یعقوب همین [فرهنگ] تسلیم خدا بودن را به فرزندانشان وصیت کردند و گفتند: ای فرزندان! خداوند بزرگ، آیین تسلیم را برای شما انتخاب کرده است [پس چه در زندگی و چه در مرگ تسلیم امر خدا باشید] و جز به آیین تسلیم نمیرید! ﴿۱۳۲﴾ آیا شما شاهد آن صحنه بودید هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید و او بی درنگ رو به فرزندان^۲ش کرد و گفت: بعد از من، شما خود را در اختیار که قرار می دهید و که را می پرستید؟! گفتند: مطمئن باش که خدای تو، خدای نیاکان تو ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می پرستیم، همان خدایی که یکتاست. و بدان که ما همه تسلیم او هستیم! ﴿۱۳۳﴾ آری، آنها جماعتی بودند که اکنون درگذشته اند، دستاوردشان مال خودشان و دستاورد شما نیز متعلق به خودتان. و شما مسؤول آن چه که آنها انجام داده اند نیستید ﴿۱۳۴﴾

^۱ در حدیثی قدسی آمده است که خداوند متعال به داود (ع) وحی فرمود تو می خواهی و من می خواهم. ولی فقط آن چیزی واقع می شود که من می خواهم. پس اگر تسلیم خواست من شوی، خواست تو را هم تامین می کنم. اما اگر تسلیم خواست من نشوی تو را در راه خواستهات به رنج و زحمت می افکنم و آن گاه همان می شود که من می خواهم. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۳۲.

ادّعا کردند: اگر یهودی یا مسیحی شوید، حتماً به راه درست و نجات‌بخش هدایت می‌گردید! [ای پیامبر به آن‌ها] بگو: ما آیین یکتاپرستی ابراهیم را در سینه داریم [و اهل شرک به خدا نیستیم]، چنان‌که ابراهیم نیز اهل شرک نبود! ﴿۱۳۵﴾ [بدون شک] بگویید: ما به خداوند بزرگ ایمان آورده‌ایم و آن‌چه را که بر ما و آن‌چه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان‌شان و بر موسی و عیسی و همهٔ انبیاء نازل کرده است باور کرده‌ایم، و بین هیچ کدام از انبیاء فرقی نمی‌گذاریم، زیرا سراسر وجودمان تسلیم امر خداوند است! ﴿۱۳۶﴾ و اگر باورهای به حق شما را بپذیرند بدون شک به راه نیک هدایت شده‌اند. و اگر روی بگردانند، [لجاجت کرده‌اند] و خداوند بزرگ، تو را در برابر همهٔ آن‌ها و در همهٔ سختی‌ها کفایت می‌کند زیرا او بسیار شنوا و آگاه است ﴿۱۳۷﴾ این است رنگ زیبای خدا [و خداشناسی] و چه کسی خوش‌رنگ‌تر از خداوند زیباست؟! بدانید ما فقط او را بنده‌ایم! ﴿۱۳۸﴾ بگو: آیا در مورد الله با ما مجادله می‌کنید؟! در حالی که او، پروردگار ما و شماس است. پس دستاورد ما برای خودمان و دستاورد شما نیز برای خودتان! بدانید که ما آزادکنندگان از برای اوئیم! ﴿۱۳۹﴾ آیا می‌گویید که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان یهودی یا مسیحی بوده‌اند؟! ای پیامبر! به آن‌ها بگو شما به این مطلب آگاه‌ترید یا خداوند بزرگ؟! و واقعا ستمکارتر از کسی که شهادت و گواهی خود را از خدا پنهان می‌کند تصور می‌شود؟! بدانید خداوند بزرگ نسبت به عملکردتان غافل نیست! ﴿۱۴۰﴾ آری، آن‌ها جماعتی بودند که اکنون در گذشته‌اند، دستاوردشان مال خودشان و دستاورد شما نیز متعلق به خودتان. و شما مسؤول آن‌چه که آن‌ها انجام داده‌اند نیستید! ﴿۱۴۱﴾

کم خردانی از این میان می‌گویند: چه عاملی مسلمانان را از قبله خودشان برگرداند؟! ای پیامبر به آنها بگو: که مشرق و مغرب از آن خداست، و خداوند بزرگ، هر که را بخواهد به مسیر درست راهنمایی می‌کند! ﴿۱۴۲﴾ این چنین بود که ما شما را یک امت متعادل قرار دادیم، تا برای همه مردمان گواه و الگو باشید. همچنان که رسول اسلام برای شما گواه و الگوست! و قبله‌ای را که رو سوی آن می‌داشتید تغییر ندادیم، مگر آن که [شما را امتحان کنیم تا] مشخص کنیم چه کسی از پیامبر تبعیت می‌کند و چه کسی مخالفت می‌ورزد! و این امتحان بزرگ بر همه سخت آمد مگر بر آنان که مژه هدایت الهی را چشیده بودند. بدانید! خداوند، ایمان شما را بی‌پاداش نمی‌گذارد، زیرا خداوند بزرگ بر همه مردم بسیار مهربان و باگذشت است! ﴿۱۴۳﴾ وقتی روی خود را به سمت‌های مختلف آسمان میگردانی، چهره‌ات را می‌بینیم، می‌دانیم چه می‌خواهی. پس تو را به سمت قبله‌ای که دوست می‌داری و آرزوی تو را می‌کنی می‌گردانیم. پس هم اکنون رویت را سوی مسجدالحرام کن. پس هر کجا که بودید روی سوی آن کنید! و اهل کتاب نیز خوب می‌دانند که این تغییر قبله، آیه حقی است که از جانب پروردگارش آمده است. و خداوند بزرگ نسبت به عملکردشان غافل نیست! ﴿۱۴۴﴾ برای اهل کتاب هر دلیل و برهانی که بیاوری روی سوی قبله تو نخواهند کرد، تو نیز به سوی قبله آنان روی نمی‌کنی! حتی آن‌ها مابین خودشان نیز قبله یکدیگر را قبول ندارند! و اگر چنانچه بعد از این که به تو آگاهی دادیم از خواهش‌های نفسانی آن‌ها تبعیت کنی بدون شک از ستمکاران خواهی بود! ﴿۱۴۵﴾

کسانی که کتاب عطایشان کردیم آن را چون فرزندانمان می‌شناسند. با این وجود، گروهی از آن‌ها آگاهانه حق را کتمان می‌کنند! ﴿۱۴۶﴾ شک مکن که حق فقط همانست که از جانب پروردگارت می‌آید! ﴿۱۴۷﴾ هرکس را راهی است که بدان سوی می‌رود. اما شما کوشش کنید تا در خیر و خدمت از یکدیگر پیشی بگیرید، [و مطمئن باشید]. در هر جا که باشید خداوند شما را جمع خواهد کرد؟! زیرا خداوند بزرگ بر هر کاری تواناست ﴿۱۴۸﴾ و از هر مکان که بیرون آمدی روی سوی مسجدالحرام کن! و بدان که حق همان است که پروردگارت حکم می‌کند! و خداوند از عملکردتان غافل نیست ﴿۱۴۹﴾ و از هر مکان که بیرون آمدی روی سوی مسجدالحرام کن! بلکه همه شما هر جا که بودید روی سوی آن کنید! [و چنان متحد و یک پارچه باشید] تا کسی ایرادی بر شما وارد نکند، مگر آن که ستمکار و کینه‌توز باشد. و از آن‌ها نترسید و از من بترسید [که خداوند قهار شما هستم]، تا نعمتم را بر شما کامل کنم و امید آن‌که به راه نجات و آرامش رهنمون شوید! ﴿۱۵۰﴾ ما پیامبری از خودتان را به سویتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و پاک و متعالی‌تان گرداند. و شما را علم کتاب و حکمت بیاموزد. و تعلیم‌تان دهد آن چه را که نمی‌دانید! ﴿۱۵۱﴾ یادم کنید! تا یادتان کنم! و شکرگزارم باشید و ناسپاسی نکنید! ﴿۱۵۲﴾ ای کسانی که حقایق را باور دارید! از صبر و نماز قدرت بگیرید! و بدانید خداوند بزرگ همواره با صابران است! ﴿۱۵۳﴾

و کسی را که در راه خدا کشته شده است مرده نخوانید، زیرا آن‌ها زنده حقیقی‌اند و شما شعور درکش را ندارید! ﴿۱۵۴﴾ بدون شک شما را به اندکی از ترس، گرسنگی، نداری، بیماری و نقصان در محصول امتحان می‌کنیم [تا اهل صبر از دیگران متمایز شوند]، و مؤده رسان به اهل صبر! ﴿۱۵۵﴾ همان کسانی که چون اندوه و مصیبتی به آن‌ها رسد بی‌درنگ گویند: ما از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم! ﴿۱۵۶﴾ درود و رحمت بی‌پایان پروردگارشان بر آن‌ها؛ زیرا بی‌تردید ره‌یافتگان حقیقی‌اند! ﴿۱۵۷﴾ [بدانید که دو کوه! صفا و مروه [در مکه از] شعائر الهی‌اند، پس کسی که به حج می‌رود و یا عمره می‌گذارد، باکی نیست اگر آن دو را نیز طواف کند. زیرا کسی که از روی صدق نیت، عمل خیری را انجام دهد بداند که خداوند قدرشناس و آگاه است ﴿۱۵۸﴾ و کسانی که آیات روشن و هدایت بخش ما را، آن هم بعد از آن‌که برای مردم در قرآن به وضوح بیان کرده‌ایم کتمان کنند، بی‌درنگ نفرین خداوند و نفرین هر حق‌شناسی بر آن‌ها باد! ﴿۱۵۹﴾ مگر کسانی که توبه کنند و دست به کار نیک زنند، و جبران نمایند و [آن حقی را که کتمان کرده‌اند] آشکار سازند. بی‌تردید من هم توبه آن‌ها را می‌پذیرم زیرا که من بسیار توبه‌پذیر و بخشنده‌ام. ﴿۱۶۰﴾ کسانی که با کفر و ناسپاسی زندگی کردند و با کفر و ناسپاسی مردند، نفرین خداوند و فرشتگان و همه مردم بر آن‌ها باد! ﴿۱۶۱﴾ و جاودانه [در فضای این نفرین] می‌مانند، و برای کم شدن عذاب، هیچ عفوی شامل حالشان نمی‌شود و آن‌ها را مهلتی در کار نیست! ﴿۱۶۲﴾ و خداوند بزرگ شما، خدای یکتا و بی‌همتا است. هیچ معبودی جز او نیست، هم او که بخشاینده و با رحمت است ﴿۱۶۳﴾

بدانید در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در چرخه شب و روز و در کشتی‌هایی که سینه آب‌ها را می‌شکافند و مایه برکت مردم‌اند، و نیز در بارانی که خدا از آسمان نازل می‌کند و زمین مرده و فسرده را زنده می‌کند. و جنبندگان را بر روی زمین می‌گستراند و هم‌چنین در حرکتِ بادها و ابرهای گرفتار در میان زمین و آسمان، نشانه‌های بارز و روشنی است برای خردمندان! ﴿۱۶۴﴾ و از میان مردم، کسانی هستند که همتیانی برای خداوند قائل می‌شوند و آن‌ها را به اندازه پروردگار دوست دارند. اما آن‌ها که ایمان دارند، خدا را بیش از هر چیز دیگر دوست می‌دارند. و هنگامی که گستاخانِ ستم پیشه، عذاب را ببینند [درک خواهند کرد که] تمامی قدرت در اختیار خداوند است و عقوبت خدا سخت و طاقت فرساست! ﴿۱۶۵﴾ آن‌گاه که سران [و رقب درشت‌ها] عذاب را بنگرند، از هواداران و فرمانبرداران خود بی‌زاری می‌جویند. و این‌چنین پیوند بین آن‌ها گسسته خواهد شد. ﴿۱۶۶﴾ و آن‌هایی که عمری هواداری و فرمانبرداری‌شان را کردند می‌گویند: اگر یک بار دیگر فرصت می‌یافتیم، هم‌چنان که آن‌ها در این شرایط، از ما بی‌زاری جستند ما نیز از آن‌ها بی‌زاری می‌جستیم! و خداوند عملکردشان را این‌چنین مایه حسرتشان قرار می‌دهد. و آن‌ها هیچ راه خروجی از این آتش ندارند! ﴿۱۶۷﴾ ای مردم! از هرچه که از حلال و پاکی در روی زمین است بهره‌مند شوید، [مواظب باشید] و پا جای پای شیطان مگذارید. که او دشمن آشکار شماست! ﴿۱۶۸﴾ [وسوسه‌های او] شما را به بدی و تباهی می‌کشاند و باعث می‌شود به خداوند نسبتی را دهید که نمی‌دانید! ﴿۱۶۹﴾

و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: از آن چه خداوند نازل کرده پیروی کنید، گویند: ما به همان راهی می‌رویم که پدرانمان رفته‌اند! اگر پدرانشان گمراه بودند و ذره‌ای تعقل نداشتند و هدایت نشده بودند چه؟! ﴿۱۷۰﴾ مَثَل کافران مَثَل حیوانی است که کسی در گوش او آوازی بخواند و [آن حیوان] غیر از بانگی و صدایی نشنود! اینان نسبت به درک حقایق، کر و لال و کورند و هیچ حقیقتی را در نمی‌یابند! ﴿۱۷۱﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از تمامی چیزهای پاکیزه که روزی‌تان کرده‌ایم بهره‌مند شوید، و اگر خدا را می‌پرستید شکر او را به جا آورید ﴿۱۷۲﴾ و خدا بر شما، گوشتِ مردار و خون و گوشتِ خوک و هر آن چه را به نیت غیر خداوند ذبح گردد حرام کرد. اما اگر کسی در شرایط اضطراری ناچار به مصرف شد، چنان چه با بی‌میلی رفتار کند و خوردن را از حد نگذراند، گناهی مرتکب نشده است. و خداوند بسیار آمرزنده و با گذشت است! ﴿۱۷۳﴾ و کسانی که آن چه را خداوند در کتابش نازل کرده، کتمان می‌نمایند [و حق را بیان نمی‌کنند] تا سوداگرانه بهای اندکی بستانند، [خبر ندارند که] در شکم‌های خود آتش انباشته می‌کنند! و به سبب این زشتی، خداوند در روز قیامت کلامی با آن‌ها حرف نخواهد زد و از ناپاکی رهایشان نخواهد کرد، و برای آن‌ها عذابی دردناک است! ﴿۱۷۴﴾ و بدون شک آن‌ها کسانی‌اند که [عمرشان را داده‌اند و] به جای هدایت و آمرزش، گمراهی و عذاب خریده‌اند آیا دست‌آویزی دارند تا بر آتش خدا صبر کنند؟! ﴿۱۷۵﴾ بدانید خداوند، کتابش را به حق نازل کرده است و همه آن‌هایی که در کتاب خدا اختلاف می‌کنند به دور از بهره‌اند! ﴿۱۷۶﴾

نیکی آن نیست که [به هنگام نماز و عبادت] صورت خود را به مشرق و مغرب بگردانید! بلکه نیکوکار واقعی کسی است که خداوند و روز حسابرسی و فرشتگان و کتاب و انبیاء را با تمام وجود باور داشته باشد. و با آن که مال خود را دوست دارد آن را به خویشان، یتیمان، درماندگان، مسافران، فقیران و در راه ماندگان ببخشد. و خالصانه برای خدا نماز گزارد و زکات اموالش را پرداخت کند. و به پیمان هایی که می‌بندند وفادار باشند و در سختی‌ها و ناملایمات صبوری پیشه کنند. حقیقتاً این‌ها که اهل عمل‌اند راستگو هستند، و حرمت فرمان خدا را نگاه می‌دارند! ﴿۱۷۷﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در مورد کشته‌های شما قصاص مقرر شده است، آزاد در مقابل آزاد، بنده در مقابل بنده، زن در مقابل زن! و اگر کسی از جانب برادر خود از قصاص عفو شود باید مسرورانه به دنبال ادای خون بها رود و آن را به نیکی بپردازد. این نکته در حقیقت عفو و بخششی از جانب پروردگار بزرگتان است. و اگر کسی بعد از این، تجاوزکارانه برخورد کند برای او عذابی دردناک است! ﴿۱۷۸﴾ ای صاحبان اندیشه! برای شما در قصاص، زندگی است (نه مرگ)! باشد که پرهیزکار شوید! ﴿۱۷۹﴾ و بر شما نوشته شده، هرگاه زمان مرگ یکی از شما فرا رسد در حالی که مالی اندوخته دارد باید در مورد پدر و مادر و خویشان، از روی خیر و انصاف وصیت کند. و این شیوه درست کسانی است که حرمت فرمان‌های الهی را نگه می‌دارند! ﴿۱۸۰﴾ و هرکس که وصیت را بشنود و تحریف و دگرگونش کند، گناه بزرگی را به گردن گرفته است. و خداوند بزرگ بسیار شنوا و آگاه است! ﴿۱۸۱﴾

و اگر وصیت کننده‌ای در وصیتش راه خطا و جفا رفته باشد، چنانچه کسی به اصلاح کار در میان وارثان اقدام کند گناهی مرتکب نشده است. و خداوند بزرگ بسیار آمرزنده و با گذشت است ﴿۱۸۲﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما روزه گرفتن مقرر شد همچنان که بر پیشینیان شما مقرر شده بود، امید آن که پرهیزکاری را در وجودتان تقویت کنید! ﴿۱۸۳﴾ [روزه] در روزهایی معین و معدود است، اگر کسی از شما بیمار و یا مسافر بود به همان تعداد که روزه نگرفته در روزهای دیگر روزه بگیرد. و آنان که توانایی آن را ندارند بدل از آن به درماندگان طعام دهند. و هر که بر این عمل خیر بیافزاید به خود نیکی روا داشته است. و اگر علم به روزه داشتید، می‌دانستید که روزه گرفتن برای شما خیر و برکت است ﴿۱۸۴﴾ ماه رمضان که در آن برای هدایت مردمان و بیان روشن راهنمایی‌ها و تمایز حق از باطل، قرآن نازل شده است، پس هرکس که توفیق رسیدن به این ماه را داشت روزه بگیرد. و هرکس که بیمار و یا مسافر بود آن تعداد که نتوانسته روزه بگیرد در روزهای دیگر روزه بدارد، زیرا خداوند بزرگ می‌خواهد بر شما آسان بگیرد و سخت‌گیری نکند تا این ماه را به سلامت و برکت پایان برید. و خداوند بزرگ را از این که راه آرامش را به شما هدیه کرده است به بزرگی یاد کنید، شاید که به مقام شاکران نائل شوید! ﴿۱۸۵﴾ [ای پیامبر!] اگر بندگانم از تو درباره من سوال کنند بگو: من بسیار نزدیکم، ندای کسی که مرا بخواند پاسخ می‌دهم. پس آن‌ها نیز باید به ندای من پاسخ دهند و باور کنند مرا. امید آن که به راه رشد و تعالی درآیند!

﴿۱۸۶﴾

همبستر شدن با همسرانتان در شب‌های ماه رمضان بر شما حلال است. آنان لباس شما هستند و شما لباس آنان. از آنجایی که خداوند می‌دانست که شما [در مورد نزدیکی با همسرانتان در شب‌های رمضان] نافرمانی کرده و به خود ستم می‌کنید، از حکم حرمت آن گذشت و شما را بخشید. اکنون باکی نیست با همسرانتان همبستر شوید و از آن چه خداوند برایتان حلال نموده بهره‌مند شوید. و بخورید و بنوشید تا آن زمان که نور صبحگاهی در شب تیره نمایان گردد. آنگاه روزه‌تان را به شب برسانید. و هنگامی که در مساجد اعتکاف کرده‌اید با همسرانتان نزدیکی نکنید. آن چه که بیان شد حدود الهی است و نزدیکش نشوید! خداوند آیاتش را برای مردم این چنین بیان می‌کند امید آن که حرمت فرمان‌های الهی را نگه دارند! ﴿۱۸۷﴾

اموال یکدیگر را با دروغ و نیرنگ و کلاهبرداری نخورید، و به حاکمان رشوه ندهید تا آن‌ها شما را در برابر خوردن ناحق مال دیگران حمایت کنند! و شما خوب می‌دانید [که چه می‌گوییم!] ﴿۱۸۸﴾ [ای پیامبر!] از تو درباره هلال‌های مختلف ماه می‌پرسند، به آن‌ها بگو: برای این است که مردم، زمان و گذشت آن را بدانند و موسم حج را دریابند. و بدانید شایسته نیست که از درهای پشت خانه‌ها وارد شوید بلکه خوب آن است حرمت نگاه دارید و از درهای اصلی خانه‌ها داخل شوید! و از خداوند پروا داشته باشید، امید آن که به رستگاری نائل گردید! ﴿۱۸۹﴾ و اجازه داده شده تا با کسانی که به جنگ با شما برخاسته‌اند بجنگید، اما تجاوزکار نباشید! زیرا خداوند بزرگ، تجاوزکاران را دوست ندارد. ﴿۱۹۰﴾

^۱ هر چیز، راهی دارد. راهی درست و محترمانه. خانه مظهر سکن و آرامش است. محل امن است. پس امین می‌طلبید. محرم شو و از در، در!!

هر جا جنگ طلبان را یافتید بکشید و از هر جا شما را بیرون رانده‌اند، برانید! زیرا فتنه از قتل بدتر است! اما در مسجدالحرام که محل امن است با آن‌ها جنگ نکنید مگر آن‌که آن‌ها به جنگ برخیزند. و اگر دست به چنین کاری زدند، آن‌ها را بکشید! این چنین است جزای کافران! ﴿۱۹۱﴾ اما اگر دست برداشتند، خداوند بزرگ، بسیار آمرزنده و باگذشت است. ﴿۱۹۲﴾ و با آن‌ها بجنگید تا آن‌جا که فتنه از بین برود و دین از آن خدا شود. و اگر دست برداشتند دیگر هیچ تجاوزی در کار نباشد! زیرا تجاوز جز بر ستمگران روا نیست ﴿۱۹۳﴾ ماه حرام در مقابل ماه حرام! بدانید که شکستن حرمت ماه‌های حرام قصاص دارد! پس هرکس به تجاوز بر حریم شما برخیزد به اندازه همان تجاوز با او برخورد نمایید! و از خدا بترسید و بدانید که خداوند با خویشتن‌داران است! ﴿۱۹۴﴾ و در راه خدا انفاق کنید و با دست خویش، خودتان را به ورطهٔ هلاکت نیاندازید!^۱ و عمل خیر و نیک انجام دهید زیرا خداوند بزرگ، نیکوکاران را دوست دارد ﴿۱۹۵﴾ و عبادت حج و عمره را برای خدا به نحو احسن به پایان برید، و اگر شما را از حج بازداشتند قربانی کنید از آن‌چه که میسر است، ولی سر خود را متراشید مگر آن‌که قربانی به محل‌اش رسیده باشد! و اگر کسی از شما مریض بود و یا بیماری خاصی در سر داشت [و نتوانست سر بتراشد] به عنوان فدیة، یا روزه بگیرد یا صدقه دهد و یا قربانی کند! پس هنگامی که خیالتان راحت شد و ایمن گشتید، هرکس که بخواهد از عمرهٔ تمتع به حج بازآید، آنقدر که برایش میسر است قربانی کند. و چنان‌چه توانایی قربانی کردن نداشت، در حج، سه روز روزه بگیرد و هفت روز دیگر نیز پس از بازگشت از حج روزه بدارد، تا بدین‌سان ده روز تمام روزه گرفته باشد. البته این حکم برای کسی است که اهل شهر مکه نباشد. حرمت فرمان‌های الهی را نگاه دارید و بدانید [چنان‌چه اوامر او را نادیده بگیرید] عقوبت خدا سخت و طاقت فرساست! ﴿۱۹۶﴾

^۱ عدم انفاق، مهلکه است. آن‌که چیزی نمی‌بخشد و هیچ انفاق نمی‌کند به واقع خود را به مهلکه انداخته است! زیرا جریان حیات، بده و بستان انرژی خود را دارد. در شأن نزول آیه، در اسباب النزول سیوطی نیز همین معنا آمده است.

حج در ماه‌های معینی می‌باشد. پس هر که بخواهد فریضه حج خود را در این ماه‌ها به جا آورد باید که نه جماع کند و نه حرکت زشت و زنده‌ای از او سرزند. همچنین از هرگونه مجادله بپرهیزد. و بدانید هر کار نیکی که انجام دهید خداوند بزرگ از آن آگاه است! و برای حج، توشه بگیرید و بهترین توشه، صیانت نفس و خویشنداری است. پس ای اهل خرد، حرمت فرمان‌های مرا نگاه دارید! ﴿۱۹۷﴾ اگر چنانچه هنگام حج از خداوند روزی دنیوی طلب کنید باکی نیست؛ پس هنگامی که از صحرای عرفات برگشتید در مشعرالحرام یاد خدا بسیار کنید: یادش کنید به خاطر راه آرامشی که نشانتان داده است، زیرا قبل از آن گمراه و حیران بودید! ﴿۱۹۸﴾ پس بازگردید از همان راهی که همه باز می‌گردند. و از خداوند بزرگ طلب بخشش کنید که او آمرزنده و با گذشت است ﴿۱۹۹﴾ و چون حج خود را تمام کردید، خداوند بزرگ را همچون زمانی که پدران‌تان را یاد می‌کنید، یاد کنید. بلکه سزاوار است بهتر از آن یاد کنید! و عده‌ای از مردم هستند که می‌گویند: پروردگارا به ما [فقط] در دنیا، نعمت ارزانی دار. پس در آخرت، بهره‌ای برای آن‌ها نیست ﴿۲۰۰﴾ اما عده دیگری از آن‌ها می‌گویند: پروردگارا! ما را هم در دنیا و هم در آخرت، خیر و نیکی عطا فرما و از عذاب آتش در امانمان دار! ﴿۲۰۱﴾ بی‌درنگ آن‌ها از چیزی که خواسته‌اند بهره می‌برند زیرا خداوند بزرگ، به سرعت حساب‌ها را پرداخت می‌کند ﴿۲۰۲﴾

و خداوند را در روزهای معینی در مراسم حج یاد کنید و اگر کسی این کار را در دو روز و یا بیشتر انجام داد، چنانچه پرهیزکار باشد مانعی ندارد. پس حرمت خداوند را نگاه دارید و بدانید همه شما به سوی او محشور خواهید شد ﴿۲۰۳﴾ [ای پیامبر!] در میان مردم کسانی هستند که نظراتشان درباره زندگی دنیا، موجب اعجاب تو می‌شود، در حالی که خدا را نیز به نیت خیر خود گواه می‌گیرند! مراقب باش که آن‌ها کینه‌توزترین دشمنانند! ﴿۲۰۴﴾ چون از نزد تو بازگردند، بی‌درنگ در روی زمین مشغول تباهی و فساد می‌شوند و کشتزارها و دام‌ها را نابود می‌کنند. بدان که خداوند، تباهی و فساد را دوست ندارد! ﴿۲۰۵﴾ و چون به چنین کسی گفته شود: از خدا بترس! چنان خودخواه است که خودخواهی و قدرت طلبی‌اش وجودش را به گناه می‌کشاند. بدون شک جهنم او را کافی است! و چه جایگاه بدی است این جهنم ﴿۲۰۶﴾ و انسان‌هایی هستند که تمام وجود خود را تقدیم خداوند می‌کنند تا خشنودی او را بدست آورند، حال آن‌که خداوند بزرگ بر بندگانش بسیار مهربان است ﴿۲۰۷﴾ ای کسانی که به حقایق ایمان دارید! همگی خالصانه به راه تسلیم و اطاعت وارد شوید و پا جای پای شیطان نگذارید، زیرا او برای شما یک دشمن آشکار است! ﴿۲۰۸﴾ و اگر به لغزش و خطا افتادید - آن هم پس از آن‌که حقایق روشن را دریافتید - [بدانید بر ما ضرری نیست] زیرا خداوند پیروز و حکیم است ﴿۲۰۹﴾ آیا اینان منتظر آنند که خداوند با فرشتگانش زیر چتری از آسمان بیایند و کار یکسره شود؟! بدانید که خداوند مرجع همه کارهاست! ﴿۲۱۰﴾

^۱ به نظر می‌رسد خدایی که فالق الحب است، دانه‌های نورانی در وجود سالکان حق کاشته است تا با وصل به حقیقت، نسلی برتر به ظهور رساند. اما شیطان صفتانی که خود را در لباس اتقیاء و خیرخواهان، نشان می‌دهند، قصد آن دارند که این کشت و زرع مقدس را، نابود کرده و مانع ظهور نسل برتر شوند.

ای پیامبر! از بنی اسرائیل سوال کن، چقدر ما تا به حال آیات روشن و دلایل محکم برای آن‌ها آورده‌ایم! چنان چه کسی نعمت خدا داده‌اش را [به نعمت و تباهی] تبدیل کند، بداند که عقوبت خداوند بزرگ بسیار سخت است! ﴿۲۱۱﴾ زندگی دنیا برای اهل کفر، آرایش کرده جلوه می‌کند. همان‌هایی که اهل ایمان را مسخره می‌کنند. اما بدانید آن‌هایی که پرهیزکارند فریب زینت دنیا را نمی‌خورند، و در روز قیامت در مرحله‌ای بالاتر از ناسپاسان قرار گرفته‌اند. و خداوند بزرگ هر کس را صلاح بداند بدون حساب به او برکت و روزی می‌بخشد! ﴿۲۱۲﴾ مردم از یک ریشه و اُمّت‌اند، و خداوند به سوی آن‌ها پیامبرانی بشارت‌دهنده و برحذر دارنده مبعوث کرد، و همراه آنان کتاب حقی فرستاد تا آن کتاب میان مردم در مورد آن چیزهایی که اختلاف می‌کنند داوری کند. اما جز حسودانی که قبلاً صاحب کتاب شده بودند و حقایق برای‌شان روشن بود با آن مخالفت نکردند! و خداوند بزرگ، اهل ایمان را در مورد حقایقی که اختلاف می‌کردند، به فرمان خود رهنمون کرد. و این چنین است که خداوند هر کس را صلاح بداند به سوی راه درست و متعالی هدایت می‌کند ﴿۲۱۳﴾ پنداشته‌اید که به همین راحتی وارد بهشت خدا می‌شوید؟! در حالی که آن سختی‌ها و مصائبی که بر گذشتگان شما رفته است بر سر شما نیامده است! آن‌ها سختی و رنج کشیدند و حتی متزلزل شدند، تا جایی که پیامبر و یارانش گفتند: پس یاری خدا کی خواهد رسید؟! بدانید که نصرت و یاری خداوند نزدیک است! ﴿۲۱۴﴾ ای پیامبر! از تو می‌پرسند: چه چیز را انفاق کنیم و در راه خدا ببخشیم؟! بگو: خیر و برکت را بر پدر و مادر و خویشان و یتیمان و درماندگان و مسافران وامانده از راه، انفاق کنید و بدانید خداوند به آن‌چه که خالصانه می‌بخشید آگاه است! ﴿۲۱۵﴾

جنگ [در راه خداوند] بر شما مقرر شده است هر چند آن را دوست ندارید! اما چه بسا چیزهایی که خوشایند شما نیست اما برایتان نتایج نیک دارد. و چه بسا چیزهایی که دوست دارید اما نتایج آن برایتان شرّ و پلید است! و خداوند می‌داند و شما آگاهی ندارید. ﴿۲۱۶﴾ [ای پیامبر!] دربارهٔ جنگ کردن در ماه حرام از تو سوال می‌کنند، بگو: جنگ در این ماه گناه کبیره است. اما بازداشتن مردم از راه نجات‌بخش خدا و دامن زدن به کفر و ناسپاسی، و جلوگیری از ورود مردم به مسجدالحرام و بیرون راندن مردمش، نزد خداوند گناهی بزرگتر است. و فتنه‌مضرت از قتل است! آن‌ها با شما می‌جنگند تا شما را از دین‌تان دور کنند. بدانید هر یک از شما از دینش برگردد و بی‌ایمان بمیرد، بدون شک اعمال و دستاوردِ چنین افرادی در دنیا و آخرت تباه شده و جاودانه در آتش خواهند بود! ﴿۲۱۷﴾ کسانی که به حقایق ایمان دارند و کسانی که [به خاطر رضایت پروردگار از همه چیز دست شستند و] هجرت کردند و جهاد کردند، بی‌تردید همان‌ها امیدواران به رحمت بی‌پایان خداوندند، و خداوند بزرگ بسیار آمرزنده و باگذشت است! ﴿۲۱۸﴾ [ای پیامبر!] از تو دربارهٔ شراب و قمار سوال می‌کنند، بگو: در آن‌ها آلودگی و گناهی بزرگ است هر چند برای مردم منافی نیز در بردارند، اما ضرر-آن‌ها بیشتر از نفع‌شان است! هم‌چنین از تو می‌پرسند: چه چیز را انفاق کنیم؟ بگو: عفو^۱ و گذشت را انفاق کنید و توسعه دهید! و این چنین خداوند بزرگ، آیات و نشانه‌هایش را برای شما تبیین می‌کند، امید آن که فکرتان را به کار بیاندازید! ﴿۲۱۹﴾

^۱ عفو به مازاد مال نیز ترجمه شده است.

و [اما برای آرامش] در دنیا و آخرت، از تو دربارهٔ چگونگی رفتار با یتیمان و اموال آن‌ها می‌پرسند، بگو: اقدام به اصلاح امور آنان خیر و نیک است. و اگر با آنان همسفره شوید و زندگی کنید، چون برادران شما هستند. مراقب باشید که خداوند انسان تباهکار و کلاهبردار را از نیکوکار خیراندیش باز می‌شناسد! و اگر خدا بخواهد می‌تواند به خاطر عملکردتان بر شما سخت بگیرد. بدانید که خدا پیروزمند و حکیم است! ﴿۲۲۰﴾ و با زنان مشرکه تا وقتی که ایمان نیاورده‌اند ازدواج نکنید! بدانید که یک بندهٔ با ایمان به مراتب بهتر از یک زن آزاد و زیبای مشرکه است که ظاهرش مورد پسند شما واقع می‌شود! هم‌چنین مردان مشرک نیز تا ایمان نیاورده‌اند زنان مؤمنه را به عقدشان در نیاورید! بدانید که یک بندهٔ با ایمان به مراتب بهتر از مشرکی است که مورد توجه و پسند شما باشد. زیرا آن‌ها شما را به سوی آتش می‌خوانند، اما خداوند بزرگ به فرمانش، شما را به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند! و خدا این چنین آیات و نشانه‌هایش را برای مردم بیان می‌کند، امید آن که بیندیشند! ﴿۲۲۱﴾ و از تو دربارهٔ حیض زنان می‌پرسند، بگو: حیض یک رنج طبیعی است. در ایام حیض با زنان همبستر نشوید تا آن که پاک شوند. و هنگامی که پاک شدند طبق فرمان خداوند از آنان بهره‌مند شوید. همانا خداوند بزرگ توبه‌کنندگان و پاکیزه‌شدگان را دوست دارد ﴿۲۲۲﴾ همسران شما کشتزار با برکت شما هستند، پس هر زمان که خواستید، با آنان همبستر شوید و با رفتار و اثر نیک، دستاوردهایی از پیش برای عاقبت خود ذخیره کنید. و حرمت خداوند را نگاه دارید، و بدانید که همهٔ شما او را ملاقات خواهید کرد! و [ای پیامبر!] مژده‌رسان به تمام کسانی که به حقایق ایمان دارند! ﴿۲۲۳﴾ و خداوند را دستاویز قسم‌های خود قرار ندهید تا به بهانهٔ آن، از اقدام به کار خیر و تقوی و اصلاح کار مردم باز بمانید! و بدانید که خداوند بزرگ بسیار شنوا و دانا است! ﴿۲۲۴﴾

و خداوند شما را به خاطر قسم‌هایی که بی‌اراده می‌خورید مؤاخذه نخواهد کرد، بلکه شما را به نیت‌هایی که در سینه پنهان کرده‌اید مؤاخذه می‌کند! و خدا بسیار بزرگوار و صبور است ﴿۲۲۵﴾ و آن دسته که از زانشان دوری می‌کنند و قسم می‌خورند تا با آن‌ها نزدیکی نکنند، چنان‌چه قبل از اتمام چهار ماه به زندگی برگردند، بر آن‌ها باکی نیست و خداوند بسیار آمرزنده و باگذشت است ﴿۲۲۶﴾ و چنان‌چه عزم بر طلاق کرده باشند بدانند که خداوند نسبت به گفتار و رفتارشان شنوا و آگاه است! ﴿۲۲۷﴾ و زنان مطلقه از شوهر کردن خودداری کنند تا این که سه بار از خونِ حیض پاک شوند، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند. و سزاوار نیست که آن‌چه را که خداوند در رحم‌شان آفریده، پنهان دارند. بدانند که شوهرانشان برای رجوع به زندگی، محق‌تر از دیگرانند. البته اگر خواهان زندگی با تفاهم باشند! و بدانید که زنان، حقوق مشروعی برگردن مردان دارند. همچنان که مردان از امتیاز سرپرستی برخوردارند. و خداوند بزرگ بر همه چیز توانا و آگاه است ﴿۲۲۸﴾ و طلاق [رجعی] تا دو بار صحیح است، [بدین معنی که در هر بار مرد می‌تواند یا به زن رجوع کند] و با خوشی و سازگاری زندگی کنند و یا به نیکی و خیراندیشی جدا شوند. و بر شما حلال نیست که به زور چیزی از مهریهٔ آنان کم کنید. مگر آن که بترسند مبادا حقوق یکدیگر را که خداوند امر کرده رعایت نکرده باشند. که اگر چنین باشد، در این صورت سزاوار است که زن بخشی از مهر خود را برای اخذ طلاق ببخشد. این مقررات دینِ خداست، از آن سرپیچی نکنید. و هر که از اوامر خداوند سرپیچی کند بدون شک از ستمکاران است! ﴿۲۲۹﴾ و اگر مردی همسر خود را [برای سومین بار] طلاق داد دیگر آن زن برایش حلال نیست، مگر اینکه آن زن با کس دیگری ازدواج کند! و چنان‌چه طلاق گرفت باکی نیست که دوباره به عقد شوهر اولش درآید، به شرط آن که از این پس، آگاهانه احکام و حدود الهی را رعایت کنند. و این مقرراتی است که خداوند برای مردم دانا بیان می‌کند! ﴿۲۳۰﴾

و اگر زنانتان را طلاق دادید باید تا اتمام عِدّه آنان، یا آن‌ها را محترمانه در خانه نگهداری کنید و یا به نیکوترین وجهی رهایشان سازید. و سزاوار نیست که آنان را به زور و آزار در خانه نگه دارید تا تعدّی کنید. و اگر کسی چنین رفتاری کند بدون شک به خودش ظلم کرده است! و آیات خداوند را به تمسخر نگیرید و به یاد آورید! نعمت‌هایی را که به شما عطا کرده است. و بدانید به همان کتاب و حکمتی که بر شما نازل کرده است موعظه‌تان می‌کند! حرمت اوامر الهی را نگاه دارید و بدانید که خدا بر همه چیز آگاه است! ﴿۲۳۱﴾ و هرگاه زنانتان را طلاق دادید و عِدّه آن‌ها هم تمام شد، نباید مانع ازدواج مشروع و دلخواه آن‌ها با دیگران شوید! و هر کس از شما که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد از این دستور پند گیرد زیرا برای تزکیه نفوس شما بهتر و پاک‌تر است! و خداوند عمق احکام را می‌داند و شما نمی‌دانید! ﴿۲۳۲﴾ و مادران [چنان‌چه بخواهند] دو سال تمام به فرزندان خود شیر دهند. این برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر پدر نوزاد است که خوراک و پوشاک مادر را در حد متعارف تأمین کند، زیرا هرکسی بقدر توانائیش مکلف است. و متوجه باشید که نه مادر برای نگهداری طفل آزار ببیند و نه پدر بیش از حد متعارف در فشار قرار گیرد! و اگر چنان‌چه نوزاد، پدری نداشت، وارث او بر این امور اقدام کند. و اگر پدر و مادر هر دو با رضایت همدیگر تصمیم گرفتند تا طفل را از شیر بگیرند، بر آن‌ها باکی نیست؛ و حتی اگر خواستید زن دیگری در قبال دستمزد، به طفل‌تان شیردهد باز اشکالی ندارد. حرمت اوامر الهی را نگاه دارید و بدانید که خدا به عملکردتان بیناست ﴿۲۳۳﴾

کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند، همسران‌شان چهار ماه و ده روز صبر کنند و چون این مدت بسر آمد، اگر آن زنان اقدام به کاری پسندیده و مجاز کنند، به شما ارتباطی ندارد. و بدانید که خداوند بزرگ، نسبت به عملکردتان آگاه است ﴿۲۳۴﴾ و هم‌چنین بر شما گناهی نیست اگر محترمانه و با کنایه از آنان خواستگاری کنید و یا اینکه نیت ازدواج با آن‌ها را در دل داشته باشید، زیرا خداوند نیت شما را نسبت به آن‌ها می‌داند. اما پنهانی با آنان قرار ازدواج مگذارید، بلکه برای حفظ احترام‌شان، نیت خود را محترمانه اظهار کنید. به هر حال [تا عِدَّة آن‌ها تمام نشده] اقدام به ازدواج نکنید. و بدانید که خداوند از آن‌چه در دل پنهان داشته‌اید آگاه است، پس از خدا بترسید و بدانید که او بسیار بخشنده و بردبار است! ﴿۲۳۵﴾ و باز بر شما گناهی نیست اگر زنانی را که با آن‌ها همبستر نشده‌اید و مهری نیز تعیین نکرده‌اید طلاق دهید، مشروط بر آن‌که هدیه‌ای درخور و شایسته به آن‌ها عطا کنید! توانگر به قدر توانش و انسان تنگدست نیز به قدر وسعش. و این کاری است که شایسته نیکوکاران است ﴿۲۳۶﴾ [و اگر مهری تعیین کرده‌اید] ولی با آنان نزدیکی نداشته‌اید، هنگام طلاق باید نصف مهر را بپردازید، مگر آن‌که خود زن و یا کسی که بر این ازدواج ولایت دارد مهر را ببخشد؛ و اگر با چنین وضعیتی مهر را ببخشند به تقوی و نیکوکاری نزدیک‌تر است. و احسان و نیکی را نسبت به هم فراموش نکنید، زیرا خداوند به عملکردتان بیناست ﴿۲۳۷﴾

و در مورد نمازها به ویژه نماز میانه^۱ کوشا باشید و مطیعانه برای عبادت خداوند قیام کنید! ﴿۲۳۸﴾ و اگر در موقعیت امنی نبودید و بیم خطر می‌رفت [نماز را] در حالی که پیاده و یا سواره هستید به جا آورید. اما هنگامی که در محیط امنی بودید نماز را آن‌گونه که شایسته است به جا آورید، زیرا خداوند چیزهایی را که نمی‌دانستید به شما تعلیم داد! ﴿۲۳۹﴾ و آن دسته از مردانِ شما که در آستانهٔ مرگ قرار گرفته‌اند، باید نسبت به همسرانی که از خود به جا می‌گذارند وصیت کنند که بعد از مرگشان تا یک سال هزینه زندگی آن‌ها را پرداخت کنند و از خانه اخراجشان نکنند! و اگر خود خارج شدند و درباره زندگی‌شان تصمیم شایسته‌ای گرفتند، به شما ارتباطی ندارد. و خداوند توانا و حکیم است ﴿۲۴۰﴾ و زنان مطلقه، حقوق مشروعی دارند. و این حق، بر گردن مردانِ خدا ترس است! ﴿۲۴۱﴾ و این چنین خداوند بزرگ آیاتش را تبیین می‌کند، امید آن که تعقل کنید! ﴿۲۴۲﴾ آیا آن جماعت هزاران نفره را ندیدی که برای فرار از مرگ، خانه و کاشانه خود را رها کردند اما خداوند به آن‌ها گفت: بمیرید، و سپس دوباره زنده‌شان کرد؟! زیرا خداوند بزرگ دریای فضل و رحمتش را بر مردم جاری می‌کند، اما اکثر آن‌ها سپاسگزار نیستند! ﴿۲۴۳﴾ و در راه خدا بجنگید و بدانید که او بسیار شنوا و آگاه است!^۲ ﴿۲۴۴﴾ کیست که در راه رضایت خداوند [جان و مالش را به عنوان] قرض الحسنه تقدیم کند تا خدا نیز پاداشی چند برابر عطایش کند! و بدانید که این خداوند است که روزی برخی را محدود و برخی را گسترده مُقدِّر می‌کند. در هر حال به سوی او باز خواهید گشت! ﴿۲۴۵﴾

^۱ نماز وسطی را معمولاً نماز عصر (میانی از نمازهای پنجگانه) و یا نماز ظهر (وسط روز) دانسته‌اند. اما نظر دیگر آن را نظر قلب می‌داند. قلب میان جسم است و «لاصلوه الا بحضور القلب» (نماز جزء به حضور قلب محقق نمی‌شود).

^۲ گفته‌اند، این عده جماعتی از بنی‌اسرائیل بودند که در ناحیه‌ای از شام سکونت داشتند، آن‌ها به خاطر حفظ جان خود از فرمان پیامبرشان تمرد کردند و به جهاد نرفتند! پس بلایی چون طاعون در شهرشان پدیدار شد و آنان به بیابان فرار کردند، ولی از آنجایی که هیچ کس نمی‌تواند از چنگال مرگ بگریزد خداوند جان‌شان را در همان بیابان گرفت! آنگاه با دعای پیامبرشان حزقیل دوباره زنده‌شان کرد تا هم خود عبرت گیرند و هم عبرتی برای دیگران باشند.

^۳ پیامبر خدا(ص): مجاهد کسی است که به خاطر خدا با نفس خود مبارزه کند. کنز العمال، ح ۱۱۲۶۱.

آیا ندیدی اشراف قوم بنی اسرائیل بعد از موسی، رو به یکی از پیامبران کردند و گفتند: برای ما فرمانروایی تعیین کن تا تحت رهبری او در راه خدا جنگ کنیم. و او گفت: اگر جنگ بر شما مقرر شد ولی از آن سرپیچی کردید چه؟! گفتند: چرا سرپیچی کنیم در حالی که ما را از سرزمین مان بیرون کرده اند و از فرزندانمان دور افتاده ایم! و هنگامی که اجازه جنگیدن به آن ها داده شد به جز اندکی، همه از جهاد سرپیچی کردند! و خداوند بر حال ستمکاران آگاه است ﴿۲۴۶﴾ و پیامبرشان به آن ها گفت: خداوند طالوت را به عنوان فرمانروای شما انتخاب کرده است. گفتند: او فرمانروای ما باشد؟! ما که به فرمانروایی شایسته تر از او ایم، زیرا طالوت دارایی و اموال زیادی ندارد! و پیامبر گفت: خداوند امتیاز فرمانروایی را به او داده است زیرا دانش و قدرتش را افزوده است. و بدانید خداوند فرمانروایی را به هر که صلاح بداند عطا می کند و او آگاهانه در همه جا حضور دارد! ﴿۲۴۷﴾ و پیامبرشان گفت: بدانید که نشانه فرمانروایی طالوت، این است که تابوتی که سکینه ی پروردگارتان و باقی دستاورد خاندان موسی و خاندان هارون در آن است و فرشتگان حملش می کنند، نزد شما بیاید. اگر ایمان داشته باشید؛ این برایتان عبرتی است. ﴿۲۴۸﴾

و هنگامی که طالوت با سپاهش به راه افتاد [رو به آنان کرد] و گفت: خداوند شما را به نهر آبی آزمایش می‌کند، پس هر که بخواهد از آن سیراب شود، از من نیست! اما کسی که از آن نخورد و یا به قدر اندکی بنوشد، از من است! اما همه به جز تعداد اندکی از آن آب سیراب شدند! سپس او و افراد با ایمانی که از این امتحان سربلند بیرون آمده بودند از نهر گذشتند. عده‌ای از آن‌ها گفتند: تعداد ما اندک شده است و امروز توان رویارویی با سپاه جالوت نیست! اما عده‌ای دیگر که می‌دانستند روزی باید خداوند را ملاقات کنند گفتند: اگر خدا بخواهد چه بسا گروه اندکی بر جماعت بسیاری غلبه کند، و بدون شک خداوند با کسانی است که صبوراند و استقامت می‌ورزند! ﴿۲۴۹﴾ و هنگامی که مقابل جالوت و سپاهش قرار گرفتند گفتند: خدایا به ما صبر و استقامت عطا کن. و ما را ثابت قدم و استوار گردان. و بر قوم ناسپاسان پیروز کن ﴿۲۵۰﴾ پس به خواست خدا آن‌ها را در هم کوبیدند و جالوت به دست داوود کشته شد. و خداوند امتیاز فرمانروایی و حکمت و دانایی را به او عطا کرد و آن‌چه را که صلاح می‌دانست به او تعلیم داد. و اگر خداوند برخی را توسط برخی دیگر شکست نمی‌داد، بی‌شک تباهی و نکبت زمین را فرا می‌گرفت! بدون تردید خداوند بزرگ، فضل و کرمش را به جهانیان ارزانی می‌دارد! ﴿۲۵۱﴾ این‌ها همه نشانه‌های خداوند است که به حق بر تو می‌خوانیم زیرا بدون شک تو از پیامبران هستی ﴿۲۵۲﴾

^۱ اهل معنی، جالوت را نفس اماره می‌دانند که دارای سپاه غضب و شهوت و بخل و طمع ... است.

و برخی پیامبران را نسبت به برخی دیگر برتری دادیم. خداوند با برخی از آن‌ها سخن گفت. و برخی دیگر را به درجاتی امتیاز داد. و به عیسی پسر مریم توانایی انجام معجزاتی را دادیم و او را توسط روح القدس یاری کردیم. بدانید اگر خدا می‌خواست نمی‌گذاشت مردمانی که بعد از آن‌ها آمدند با آن که نسبت به او امر الهی آگاه شده‌اند به جنگ با یکدیگر برخیزند (اما خدا کسی را به اطاعت مجبور نمی‌کند و مردم را برای انتخاب راه سعادت آزاد می‌گذارد!) سرانجام آن‌ها با یکدیگر اختلاف کردند. عده‌ای ایمان آوردند و عده‌ای کفر و ناسپاسی پیشه کردند. و باز اگر خداوند می‌خواست، آن‌ها به جنگ با یکدیگر بر نمی‌خاستند [اما خداوند به اختیاری که به انسان‌ها داده پایبند است] و آن‌گونه که صلاح بداند عمل می‌کند ﴿۲۵۳﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از نعمت‌هایی که بهره‌مندتان کرده‌ایم به دیگران انفاق کنید قبل از آن‌که روزی بیاید که نه تنها در آن فرصت داد و ستدی نیست بلکه هیچ دوستی [و پا در میانی] و شفاعتی هم در کار نمی‌باشد! بدانید ناسپاسانِ کفرپیشه، همان ستمگرانند! ﴿۲۵۴﴾ الله، خدائی است که جز او هیچ خدایی نیست، زنده و پاینده و آگاه است. هیچ خواب سبک و سنگینی او را فرا نمی‌گیرد، و آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست! پس کیست که بتواند بدون اجازه‌اش شفاعت کند؟! هم‌اوست که از گذشته و آینده مردمان باخبر است. هیچ کس به علم او احاطه پیدا نمی‌کند، مگر به قدری که خودش بخواهد! تخت فرمانروائیش چنان وسیع است که همه آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته در حالیکه حفظ آن‌ها بر او سخت نیست. و خداوند بلند مرتبه و بزرگ است! ﴿۲۵۵﴾ هیچ اجباری در پذیرش دین نیست، زیرا راه رشد و سعادت، از انحراف و تباهی کاملاً مشخص شده است! پس هرکس به طاغوت پشت کند و به خدا ایمان بیاورد، بدون تردید به ریسمان نجات بخشی، دست یافته که هرگز پاره شدنی نیست. و بدانید که خداوند بزرگ بسیار شنوا و آگاه است! ﴿۲۵۶﴾

^۱ در شأن نزول آیه «لا اکراه فی الدین» آمده است: مردی از انصار به نام حصین از طایفه بنی سالم بن عوف، مسلمان بوده و دو پسر نصرانی داشت، به پیامبر (ص) گفت: آیا پسران خویش را مجبور کنم که اسلام بیاورند یا نه؟! زیرا آن‌ها هیچ دینی را به جز نصرانیت نمی‌پذیرند. پس آیه «لا اکراه فی الدین» نازل شد. در روایت دیگر آمده است، چون تعدادی از فرزندان انصار، هنگام تبعید یهود بنی نضیر، با آنان بودند، جمعی از انصار گفتند: ما اجازه نمی‌دهیم فرزندانمان با آن‌ها بروند. رسول خدا (ص) گفت: فرزندان خود را اختیار بدهید. اگر با شما ماندند از شما هستند و اگر آن‌ها را انتخاب کردند بگذارید، با آن‌ها بروند پس خدای مهربان «لا اکراه فی الدین» را نازل کرد. (اسباب النزول سیوطی - ۷۸)

خداوند یاور کسانی است که ایمان دارند و بدینسان آنها را از تاریکی‌های جهل و تباهی به نور حقیقت هدایت می‌کند. اما آنها که کفر و ناسپاسی پیشه کنند یاور آنها طاغوتی است که آنها را از نور هدایت خارج کرده و به ظلمات جهل و تباهی می‌کشاند، بی‌تردید همه آنها همواره در آتش دوزخ خواهند بود! ﴿۲۵۷﴾ آیا به یاد نداری نمرودی را که خداوند، پادشاهی به او عطا کرده بود، مغرورانه با ابراهیم گفتگو می‌کرد؟! و هنگامی که ابراهیم به او گفت: خدای من کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند، و نمرود گفت: من هم زنده می‌کنم و می‌میرانم! و ابراهیم جواب داد: خداوند خورشید را از مشرق بیرون می‌آورد و تو آن را از مغرب بیاور! و در این هنگام نمرود کفر پیشه مبهوت ماند، زیرا خداوند بزرگ، ستمکاران را به راه برتری هدایت نمی‌کند ﴿۲۵۸﴾ و آیا به یاد نداری ماجرای کسی را که از یک روستای ویران شده که سقف‌های خانه‌هایش فرو ریخته بود می‌گذشت و می‌گفت: از کجا معلوم که خدا می‌تواند این مرده‌ها را زنده کند؟! بی‌درنگ خداوند جان‌اش را گرفت، و او صد سال مرده بود، سپس زنده‌اش کرد و به او گفت: چه مدت در اینجا هستی؟! جواب داد: یک روز یا کمتر! گفت: نه، صد سال اینجا بوده‌ای! به غذا و آب‌ات نگاه کن، فاسد نشده است. اکنون به الاغ خود بنگر! برای این که تو را عبرت مردمان قرار دهیم، استخوان‌های الاغات را بنگر که چگونه آنها را دوباره به هم پیوند می‌دهیم و گوشت بر آنها می‌پوشانیم! و هنگامی که تمام این حقایق بر او آشکار شد گفت: دانستم که خدا بر هر کاری تواناست! ﴿۲۵۹﴾

و هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا به من نشان ده که چگونه مردگان را زنده می‌کنی! خدا گفت: آیا به این امر باور نداری؟! ابراهیم جواب داد: چرا باور دارم، فقط می‌خواهم دلم آرام گیرد! خدا گفت: چهار پرنده را بردار، آن‌ها را قربانی کن [و گوشت‌شان را با هم بیامیز] و هر قسمتی از آن را بر بلندی کوهی قرار ده، سپس آن‌ها را به سوی خودت فراخوان، بی‌درنگ به سوی تو شتابان پر می‌کشایند. و بدان که خداوند توانا و حکیم است. ﴿۲۶۰﴾ آن‌ها که اموال‌شان را در راه خدا انفاق می‌کنند، مثل دانه ای است که هفت خوشه از آن بیرون زند در حالی که در هر خوشه صد دانه باشد. و خداوند آن را برای هر کس بخواهد دو یا چند برابر می‌کند. و خداوند گشایش دهنده و آگاه است ﴿۲۶۱﴾ پاداش آنان که اموال‌شان را در راه خدا انفاق می‌کنند، در حالی که منت نمی‌گذارند و آزار نمی‌رسانند، با خداوند بزرگ است. نه بیمناک شوند و نه اندوهگین گردند. ﴿۲۶۲﴾ سخن پسندیده و عفو و گذشت، بهتر از صدقه ای است که با آزار توأم باشد! و خداوند بی‌نیاز و بردبار است ﴿۲۶۳﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدقات خود را با منت‌گذاری و آزار، تباه نکنید و مانند کسی نباشید که اموالش را از روی ریاکاری انفاق می‌کند در حالی که نه به خدا ایمان دارد و نه به روز جزا! مثل چنین شخصی مانند سنگ صافی است که خاک بر روی آن نشسته باشد. و ناگهان باران تند ببارد و خاک را بشوید، و سنگ را بی‌هیچ محصول و دستاوردی باقی گذارد! چنین کسانی از عملکردشان بهره‌ای نخواهند برد و خداوند جماعت ناسپاسان را مشمول هدایتش نخواهد کرد! ﴿۲۶۴﴾

و مثل کسانی که با تمام وجود اموال خود را در راه رضای خدا انفاق می‌کنند مثل باغی است که بر زمین بلندی قرار گرفته که هرگاه باران بر آن ببارد محصولش دوچندان می‌شود، و اگر باران بسیار، بر آن ببارد حتماً باران اندک خواهد دید! بدانید که خداوند نسبت به عملکردتان بیناست! ﴿۲۶۵﴾ آیا در میان شما کسی دوست دارد باغی از خرما و انگور که نه‌رها در پای درختان متنوعش جاری است داشته باشد، مشروط به اینکه در پیری‌اش هنگامی که سخت عیالوار است گردبادی کوبنده و آتشین بیاید و تمام آن‌چه را که دارد تباہ کند و شعله‌ور سازد؟! خداوند بزرگ آیاتش را این چنین برای شما بیان می‌کند، امید آن که تفکر کنید! ﴿۲۶۶﴾ ای کسانی که ایمان دارید! و از دستاوردهای پاکیزه خود و از نعمت‌هایی که در زمین برایتان خلق کرده‌ایم انفاق کنید. و برای انفاق کردن به سراغ قسمت‌های بد و ناپاکی که حتی خودتان جز به کراهت، حاضر به گرفتن آن نیستید نروید. و بدانید که خداوند بزرگ، بی‌نیاز و قابل ستایش است ﴿۲۶۷﴾ (و در هنگام انفاق)، شیطان شما را از فقر و تهیدستی می‌ترساند و به کارهای زشت وا- می‌دارد، در حالی که خداوند شما را به آموزش خویش و افزونی نعمت وعده می‌دهد! همانا خدا گشایش‌دهنده و آگاه است ﴿۲۶۸﴾ خداوند حکمتش را به هر که بخواهد عطا می‌کند. و بدانید به هر کس که حکمت عطا شود، بدون شک خیر و برکت زیادی به او داده شده است! و این نکته را کسی در نمی‌یابد مگر خردمندان! ﴿۲۶۹﴾

و بدانید هرچه را که انفاق و یا نذر کرده‌اید خداوند بر آن آگاه است. و برای ستمکاران هیچ یار و یآوری وجود ندارد! ﴿۲۷۰﴾ اگر صدقات خود را آشکارا دهید کار خوبی کرده‌اید. اما اگر آن‌ها را بصورت پنهانی به فقرا دهید برایتان بهتر است و باعث از بین بردن گناهان شما می‌شود. و خداوند بر عملکردتان آگاه است ﴿۲۷۱﴾

[ای پیامبر!] هدایت آن‌ها به عهده تو نیست بلکه این خداست که هر کس را صلاح بداند هدایت می‌کند! و بدانید هر خیری که برسانید در حقیقت به خود رسانده‌اید! و فقط برای خشنودی خدا انفاق کنید، زیرا هرچه در این راه انفاق کنید [پاداشش] بطور کامل به شما باز می‌گردد. و هیچ ظلم و ستمی بر شما نخواهد رفت! ﴿۲۷۲﴾

[و این صدقات]، از آن فقرائی است که در راه خداوند در تنگنا قرار گرفته‌اند و در حالی که توانائی طلب روزی برای‌شان فراهم نیست [چنان خویشان دار و با عزت نفس‌اند]، که افراد ناآگاه، آن‌ها را بی‌نیاز تصور می‌کنند! اما تو [ای پیامبر!] آن‌ها را از چهره‌هایشان می‌شناسی، زیرا آن‌ها به اصرار از مردم چیزی نخواهند. و بدانید آنچه از خیر و خوبی انفاق می‌کنید، خداوند بر آن آگاه است! ﴿۲۷۳﴾ کسانی که اموال‌شان را در شب و روز و آشکار و پنهان انفاق می‌کنند، پاداش‌شان نزد پروردگارشان محفوظ است؛ نه بیمناک شوند و نه اندوهگین گردند. ﴿۲۷۴﴾

آن‌هایی که رباخوارند، در قیامت همچون کسانی برمی‌خیزند که بر اثر وسوسه‌های شیطان دیوانه شده‌اند! و این به آن جهت است که گفتند: معامله هم مثل ربا است! در حالی که خداوند معامله و داد و ستد را حلال کرده است و ربا را حرام! پس هر کس که موعظه خدا را شنید و از رباخواری دست برداشت، خداوند گذشته‌اش را می‌بخشد و کارش به خدا واگذار می‌شود. اما اگر کسی دوباره به رباخواری مشغول شد، بدون تردید اهل جهنّم است و آن‌ها همواره در آتش می‌مانند! ﴿۲۷۵﴾ خداوند ربا را از بین می‌برد و پاداش صدقات را افزایش می‌دهد. و خدا هیچ ناسپاس گنهکاری را دوست ندارد ﴿۲۷۶﴾ بدانید کسانی که ایمان دارند و عملکردشان نیکی است و نماز به پای می‌دارند و زکاتِ اموال‌شان را پرداخت می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان محفوظ است. نه بیمناک شوند و نه اندوهگین گردند. ﴿۲۷۷﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و آن‌چه از مطالبات ربا باقی است رها کنید، اگر دارای ایمان حقیقی هستید! ﴿۲۷۸﴾ و اگر چنین نکردید در واقع به خدا و پیامبرش اعلان جنگ داده‌اید! و چنان‌چه توبه کنید سرمایه‌تان از آن خودتان؛ در این حال، نه ظلمی کرده‌اید و نه ظلمی بر شما رفته است ﴿۲۷۹﴾ و اگر [شخص بدهکاری] تنگدست بود باید به او مهلت داد تا توانگر شود. و کاش این نکته را در می‌یافتید که اگر به او ببخشید، برای شما بهتر است! ﴿۲۸۰﴾ بترسید از روزی که به سوی خداوند باز خواهید گشت، و به هر کس نتایج دستاوردش داده شود، در حالی که به آن‌ها ستم روا نمی‌گردد! ﴿۲۸۱﴾

ای اهل ایمان! هرگاه خواستید وام مدت‌داری را به یکدیگر دهید آن را مکتوب کنید. و باید نویسنده‌ای از میان شما سند را درست و عادلانه بنویسد. و نویسنده هم چنان که خداوند او را تعلیم داده است از نوشتن سند امتناع نوزد! و این بدهکار است که باید متن را به نویسنده املاء کند. و از خدای پرورنده خود پروا داشته باشد و چیزی را کم نکند! و اگر بدهکار، کم خرد و یا صغیر بود و یا به هر علتی نتوانست متن سند را املاء کند، پس باید ولی و سرپرست او از روی عدالت به این کار اقدام نماید. و دو شاهد از میان مردان تان گواه گیرید، و اگر دو مرد نبود. یک مرد و دو زن که مورد توافق تان است شاهد باشند، تا اگر یکی فراموش کرد دیگری به یادش آورد؛ و شاهدان هنگامی که دعوت شوند نباید از شهادت دادن امتناع بورزند. و از نوشتن نکات ریز و درشت این بدهی ناراحت نشوید، زیرا این گونه نوشتن نزد خداوند عادلانه‌تر، برای شهادت روشن‌تر، و برای جلوگیری از شک و تردید مؤثرتر است. و اما برای داد و ستد نقدی که دست به دست می‌دهید و می‌گیرید لزومی به نوشتن نیست. و چون معامله می‌کنید شاهی بگیرید، و نباید هیچ گونه ضرری به نویسنده و شاهد وارد شود. که اگر چنین کنید کار زشت و زننده‌ای مرتکب شده‌اید! و حرمت فرمان خدا را نگاه دارید، زیرا اوست که به شما تعلیم می‌دهد. و خداوند بزرگ بر همه چیز آگاه است ﴿۲۸۲﴾

و اگر در سفر بودید و نویسندۀ ای نیافتید [و نوشتن سند میسر نبود] باید چیزی به گرو داده شود. و اگر به یکدیگر اطمینان داشتید پس باید بدهکاری که امین شمرده شده است، امانت را به موقع پرداخت نماید. و از خداوند پرورنده‌اش بهراسد! و شهادت را کتمان مکنید، زیرا کسی که شهادت را کتمان کند قلبش گناهکار است. و خداوند بر عملکردتان آگاه است ﴿۲۸۳﴾ آن‌چه در آسمان و آن‌چه در زمین است، از آن خداوند بزرگ است. و بدانید هر چیزی را که در وجودتان پنهان کنید و یا آشکار سازید خداوند، شما را بدان بازخواست می‌کند! پس هر که را صلاح بداند می‌بخشد و هر که را صلاح بداند عذاب می‌کند. و خدا بر هر کاری تواناست ﴿۲۸۴﴾ پیامبر، خود به آن‌چه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان دارد! بلکه همه مؤمنان، به خدا و فرشتگان خدا و کتاب‌ها و پیامبرانش ایمان آورده‌اند! ما میان هیچ کدام از پیامبران خدا فرق نمی‌گذاریم. و آن‌ها گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا ما آمرزش تو را خواستاریم، زیرا سرنوشت و سرانجام ما به تو ختم می‌شود! ﴿۲۸۵﴾ خداوند هیچ کس را مکلف نمی‌کند مگر به قدر طاقتش! دستاوردهای نیک هر کس، از آن خود اوست و دستاوردهای پلیدش به زیان اوست! پروردگارا! اگر غفلت کردیم و خطاکار بودیم ما را مؤاخذه مکن. و آن‌گونه که بر پیشینیان ما تکلیف [سخت و سنگین] تعیین کردی، تکلیف طاقت‌فرسا بر دوش ما مَنه. پروردگارا! ما را به آنچه طاقتش را نداریم مکلف مکن، و ما را ببخش و بیامرز و از ما درگذر که تو مولای مایی! پس بر گروه ناسپاسان کفر پیشه پیروزمان گردان! ﴿۲۸۶﴾

سوره آل عمران

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

الم ﴿۱﴾ این الله است که هیچ خدایی جز او نیست! خدایی که زنده و پاینده است ﴿۲﴾ او به حق کتابی بر تو نازل کرد که کتب آسمانی پیشینیان را تأیید می‌کند. و قبل از آن، تورات و انجیل را نازل کرد ﴿۳﴾ برای راهنمایی مردم، و قرآنی فرستاد که جداکننده حق از باطل است. بدانید کسانی که آیات خدا را انکار کنند عذاب سختی در انتظار آنان است! و خداوند مقتدر، کیفر دهنده ناسپاسان است ﴿۴﴾ هیچ چیز در زمین و آسمان، بر خداوند بزرگ پوشیده نیست ﴿۵﴾ اوست که شما را در رحم‌ها آن‌طور که صلاح می‌داند شکل می‌دهد و صورتگری می‌کند. بدانید که هیچ معبودی جز او نیست، خدایی که قدرتمند و حکیم است ﴿۶﴾ او همان کسی است که قرآن را بر تو نازل کرد، کتابی که هم دارای آیات «محکم» است (با حکمی روشن و واضح)، که این قسم، اصل قرآن است. و هم دارای آیات «متشابه» است (که از نظر معنی وجوه مختلفی دارند). بدینسان آن‌ها که قلب‌ها و نیات‌شان منحرف است به خاطر ایجاد فتنه و ارائه تفسیری نادرست به سراغ متشابهات می‌روند! در حالی که عمق معنای ناب آن‌ها را کسی جز خداوند بزرگ نمی‌داند. و آنان که در راه علم و دانش ثابت قدم و استوار هستند می‌گویند: ما به قرآن ایمان داریم، تمام آن از جانب پروردگاران است. و این نکته را کسی جز خردمندان در نمی‌یابد! ﴿۷﴾ پروردگارا! قلب‌های ما را [به سوی ناحق] متمایل مکن، آن هم بعد از آن که هدایت و راهنمایی‌مان کرده‌ای! و رحمت الهی را شامل حال‌مان گردان، زیرا تو بسیار بخشنده‌ای ﴿۸﴾ ای پرورنده ما! همانا تو گرد آورنده همه مردمی، آن هم در روزی که هیچ تردیدی در وجود آن نیست. بدانید خداوند از وعده‌اش تخلف نمی‌کند! ﴿۹﴾

کسانی که در زندگی راه ناسپاسی و کفر پیش گرفتند [در روز حسابرسی]، اموال و اولادشان هیچ سودی برایشان نخواهند داشت! و ناسپاسان، خود هیزم آتش اند ﴿۱۰﴾ زیرا آن‌ها به شیوه فرعونیان و گذشتگان‌شان آیات ما را دروغ پنداشتند. و به خاطر گناهان‌شان، خداوند آنان را مورد بازخواست قرار داد. و بدانید که مجازات خدا سخت است! ﴿۱۱﴾ [ای پیامبر!] به همه کسانی که کفر و ناسپاسی وجودشان را فرا گرفته بگو: به زودی شما شکست خورده و [سرافکنده] در جهنم جمع خواهید شد. و چه جایگاه بدی است جهنم! ﴿۱۲﴾ هنگامی که آن دو سپاه (مجاهدان راه خدا و کفار) روبروی هم قرار گرفتند، در آن عبرتی برای شما بود. یک گروه در راه خدا نبرد می‌کرد، و گروه دیگر که کافر بود. و کفار به چشم ظاهر، مجاهدان را دو برابر می‌دیدند! و این‌گونه است که خداوند هر که را بخواهد یاری می‌دهد! بدون تردید این برای صاحب نظران عبرت است ﴿۱۳﴾ به چشم مردم جهان، مواهب دنیا از قبیل برخورداری از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، و سوسه انگیز شد. بدانید این‌ها سرمایه‌های زندگی پست مادی است، در حالی که سرانجام نیک و حیات جاودان نزد خداوند بزرگ است! ﴿۱۴﴾ ای پیامبر بگو: آیا می‌خواهید شما را به بهتر از این‌ها آگاه کنم؟! کسانی که حرمت فرمان‌های الهی را نگاه دارند، نزد پروردگارشان بهشت‌هایی دارند که نهرها در آن جاری است. آن‌ها با همسرانی پاک در زیر چتری از خشنودی خداوند، جاودانه خواهند زیست. و بدانید خدا به امور بندگانش بیناست ﴿۱۵﴾

همان هایی که [خالصانه] می‌گویند: پروردگارا! ما ایمان آورده‌ایم، تو نیز از گناهان ما درگذر و ما را از عذاب آتش حفظ کن! ﴿۱۶﴾ همان‌هایی که در سختی‌ها صبورند، در نیت و گفتار صادق‌اند، مطیع امر خدایند، و برای خشنودی خداوند انفاق می‌کنند، و سحرگاهان بیدارند، و آمرزش می‌طلبند! ﴿۱۷﴾ خداوند گواهی می‌دهد که جز او معبودی نیست! فرشتگان و حاملان علم نیز همین گواهی را می‌دهند. هم او که برپا کننده عدل و داد است. حقیقتاً خدایی جز او نیست، قدرتمند و حکیم است ﴿۱۸﴾ بدانید که دین در نزد خداوند، دین اسلام (یعنی تسلیم بودن در برابر حق) است! و اهل کتاب از آن عدول نکردند، مگر بعد از آن که از حقانیت آن آگاه شدند، و از روی حسادت راه مخالفت پیشه کردند! و هرکس آیات روشن و حیات بخش خدا را نپذیرد، بداند که خدا همه حساب‌ها را به سرعت رسیدگی خواهد کرد! ﴿۱۹﴾ و اگر مجادله‌ای خصمانه را با تو آغاز کردند بگو: من تمامی وجودم را به خداوند واگذار کرده‌ام، حتی کسانی که پیروی‌ام می‌کنند این‌گونه هستند! و باز به اهل کتاب و به بی‌سوادان بگو: آیا شما هم تسلیم [خداوند بزرگ] شده‌اید؟! که اگر چنین کنند به راه سعادت هدایت خواهند شد. و اگر هم به حقیقت پشت کنند بر تو ضرری نیست، زیرا تو یک ابلاغ کننده‌ای و خداوند بزرگ بر حال بندگان بیناست ﴿۲۰﴾ کسانی را که به آیات خداوند کفر ورزیده و آن را نمی‌پذیرند و پیامبران را به ناحق می‌کشند و خون مردمی را که امر به عدالت می‌کنند می‌ریزند، به عذابی دردناک بشارت ده! ﴿۲۱﴾ دستاورد این‌ها در دنیا و آخرت تباه شده است و هیچ یآوری نخواهند داشت ﴿۲۲﴾

آیا آن‌هایی را که بهره‌ای از کتاب داشتند ندیدی؟! همین که دعوت شدند تا کتاب خدا در مورد آن‌ها قضاوت کند، عده‌ای از آن‌ها آگاهانه روی گردان شدند و از حکم خدا سر باز زدند! ﴿۲۳﴾ و این به خاطر آن است که [مغرورانه] گفتند: فقط چند روز محدودی در آتش خواهیم بود! و این دروغ و خود گول زدن باعث گستاخی آنان در دین‌شان شد ﴿۲۴﴾ و چه حالی خواهند داشت وقتی آن‌ها را در روزی - که در آمدنش هیچ تردیدی نیست - گرد آوریم و پاداش عملکرد هر کس بی‌کم و کاست داده شود. بی آن که ستمی به کسی روا گردد! ﴿۲۵﴾ بگو: ای خداوند بزرگ! صاحب حقیقی مُلک و فرمانروایی تویی، و آن را به هر که خواهی می‌دهی و از هر که خواهی می‌گیری! هر که را صلاح بدانی عزّت و اقتدار می‌بخشی و هر که را صلاح بدانی ذلیل و خوار می‌کنی! اصلاً همهٔ نیکی‌ها به دست توست زیرا تو بر هر کاری توانایی ﴿۲۶﴾ شب و روز را از دل یکدیگر در می‌آوری، زنده را از مرده بیرون می‌کشی و مرده را از وجود زنده! و هر که را بخواهی رزق و روزی بی حساب تقدیم می‌کنی ﴿۲۷﴾ اهل ایمان نباید به جای مؤمنان، منکران حقیقت را دوست و تکیه‌گاه خود بگیرند! پس اگر کسی چنین کند رابطه‌اش را با خدا قطع کرده است مگر آن که از آن‌ها پرهیزد. خداوند، شما را از نافرمانی خویش بر حذر می‌دارد. و بدانید که سرنوشت‌ها به سوی خدا ختم می‌شود! ﴿۲۸﴾ بگو [ای پیامبر]! هر چه را در دل تان مخفی کنید و یا آشکارش سازید، خداوند از آن آگاه است. بلکه خداوند از آن چه در آسمان‌ها و زمین است باخبر است. و بدانید که خدا بر هر کاری تواناست ﴿۲۹﴾

روزی که هرکس دستاورد خوب و بد خود را در برابرش ببیند، آرزو می کند کاش میان او و دستاورد بد اش فاصله ای طولانی بیافتد! خداوند، شما را از نافرمانی اش برحذر می دارد، زیرا خدا بر بندگان اش بسیار مهربان است ﴿۳۰﴾ بگو [ای پیامبر!] اگر به راستی خدا را دوست دارید، از من تبعیت کنید، تا خدا هم شما را دوست بدارد، و از گناهان و خطاهای شما درگذرد. زیرا خداوند بسیار آمرزنده و با گذشت است ﴿۳۱﴾ بگو: از خداوند و پیامبرش [که حکم او را می گوید] اطاعت کنید، چه اگر سرپیچی کنید بدانید خداوند ناسپاسان را دوست ندارد ﴿۳۲﴾ این خدا بود که آدم و نوح و خاندان ابراهیم و عمران را بر همه جهانیان برتری داد ﴿۳۳﴾ نسل هایی که برخی از دل برخی دیگر به وجود آمدند. و خداوند شنوا و داناست ﴿۳۴﴾ و یاد آورید! هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگارا! نذر کرده ام تا این طفلی که در شکم دارم آزادانه و با تمام وجود در خدمت تو باشد. پس این نذر را از من بپذیر که تویی شنوا و دانا! ﴿۳۵﴾ و هنگامی که از زایمان فارغ شد گفت: پروردگارا! فرزند من دختر است - در حالی که خداوند از ابتدا می دانست او چه خواهد زایید! - و پسر همچون دختر نیست. نام او را مریم گذاشتم و او و فرزندانش را از دست شیطان رانده شده، به پناه تو می آورم ﴿۳۶﴾ پس خداوند بزرگ آن دختر را با خشنودی تمام از مادرش پذیرفت و او را به زیبایی تمام پرورش داد و سرپرستی اش را به زکریا سپرد. و زکریا هر وقت به محراب عبادت مریم وارد می شد می دید که در کنار او غذایی آسمانی است! از او پرسید: ای مریم! این (غذاها) از کجا برای تو می آید؟! و او جواب داد: از جانب خداوند بزرگ. و خداوند هر که را بخواهد بدون حساب روزی می دهد! ﴿۳۷﴾

و اینجا بود که زکریا دستِ دعا به سوی پروردگارش بلند کرد و گفت: پروردگارا! مرا از سوی خودت فرزندی پاک و نیکو عطا کن، که تو شنوندهٔ دعایی! (۳۸) پس فرشتگانِ خدا او را در حالی که ایستاده در محراب مشغول نیایش بود، ندا دادند که خداوند تو را به فرزندی به نام یحیی بشارت می دهد! هم او که تایید کنندهٔ «کلمهٔ» خدا (یعنی مسیح) خواهد بود؛ فرزندی که هم بزرگوار است و هم مُبَرَّاً از هر عیبِ نفسانی، و پیامبری از جماعت نیکوکاران است! (۳۹) زکریا گفت: پروردگارا! چگونه می توانم فرزندی داشته باشم، در حالی که پیر و سالخورده ام و همسرم نیز نازا است؟! پاسخ داد: این گونه خداوند هر کاری که بخواهد انجام می دهد! ﴿۴۰﴾ زکریا گفت: پروردگارا! [بر حقانیت این موضوع] نشانه‌ای بر من پدیدار کن! پاسخ داد: نشانهٔ تو این است که سه روز با هیچ کس سخن نگویی مگر به اشاره، پروردگارت را بسیار یاد کن و در هر صبح و شام او را تسبیح گوی! ﴿۴۱﴾ و [یاد آورید] هنگامی که فرشتگان به مریم گفتند: خداوند تو را انتخاب کرده و تو را پاکیزه گردانیده و تو را بر همهٔ زنان عالم برتری داده است! ﴿۴۲﴾ ای مریم! از پروردگارت اطاعت کن و او را سجده نما و با تعظیم کنندگانِ خدا همراه شو! ﴿۴۳﴾ و این از اخبار نادیده است که به تو (ای پیامبر) وحی می کنیم، زیرا آنگاه که قرعه زدند تا مشخص شود چه کسی کفالت مریم را عهده‌دار شود و کار به نزاع کشید تو در میان آنان نبودی! ﴿۴۴﴾ و [یاد آورید] آن هنگام را که فرشتگان به مریم گفتند: ای مریم! خداوند تو را به «کلمه» ای از خودش که نامش مسیح، عیسی پسر مریم است بشارت می دهد! او کسی است که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربین درگاه الهی است! ﴿۴۵﴾

او چه در گهواره و چه در بزرگسالی با مردم سخن می‌گوید! و او بدون تردید از نیکوکاران است ﴿۴۶﴾ مریم گفت: پروردگارا! چگونه پسری داشته باشم، در حالی که هیچ مردی با من تماس نداشته است؟! فرمود: این گونه خداوند آن چه بخواهد خلق می‌کند! چون اراده بر کاری کند فقط می‌گوید «باش!» پس بی‌درنگ «موجود» می‌شود ﴿۴۷﴾ و [خداوند] به او علم کتاب و حکمت و نیز تورات و انجیل را می‌آموزد ﴿۴۸﴾ و او پیامبری برای قوم بنی‌اسرائیل است، در حالی که می‌گوید: من از جانب پروردگارتان با معجزه نزد شما آمده‌ام، می‌توانم برایتان از گل، مجسمه‌ای به شکل پرنده بسازم و در او بدمم و به اذن خدا پرنده شود. می‌توانم کور مادرزاد و شخص برص‌اگرفته را شفا دهم! می‌توانم به فرمان خداوند، مرده را زنده کنم! و حتی می‌توانم شما را از آن چه که می‌خورید و یا در خانه‌های‌تان ذخیره کرده‌اید آگاه کنم! و همه اینها معجزه‌ای برای شماست، امید آن که حقایق را باور کنید! ﴿۴۹﴾ تورات را تأیید می‌کنم و آمده‌ام تا چیزهایی که بر اثر گناهان گذشته، بر شما حرام شده حلال گردانم. من با معجزه‌ای به فرمان خداوند به سوی شما آمده‌ام، پس حرمت فرمان خداوند را نگاه دارید. و از من اطاعت کنید! ﴿۵۰﴾ الله، پروردگار من و شماست! او را بپرستید که راه راست و درست همین است ﴿۵۱﴾ و هنگامی که عیسی، کفر و ناسپاسی را در وجود آن‌ها حس کرد گفت: چه کسانی مرا در راه خدا یاری می‌کنند؟ و حواریون گفتند: ما یاران خداوندیم و به او ایمان داریم؛ گواه باش که ما در این راه تسلیم خدا شده‌ایم! ﴿۵۲﴾

^۱ بیماری پیسی.

^۲ حواریون، شاگردان مخصوص عیسی(ع) بودند که تعداد آن‌ها را دوازده تن ذکر کرده‌اند.

پروردگارا! ما به آن چه نازل کرده‌ای ایمان آورده‌ایم و پیامبر تو را تبعیت می‌کنیم، پس نام همه ما را در فهرست شاهدان حق مکتوب کن! ﴿۵۳﴾ ناسپاسان مکر کردند، خدا هم مکر کرد؛ بدانید خداوند بهترین مکرکنندگان است! ﴿۵۴﴾ و هنگامی که خدا گفت: ای عیسی! تو را از میان آن‌ها بر می‌گیرم و به سوی خود بالا می‌برم و از جمع ناسپاسان دور می‌سازم، و تا روز قیامت کسانی را که از تو تبعیت کردند بر ناسپاسان کفر پیشه برتری می‌دهم. سپس همگی شما به سوی من باز خواهید گشت، و بی‌شک در آن چه اختلاف کرده‌اید حکم خواهیم کرد ﴿۵۵﴾ و اما آن کسانی که کفر و ناسپاسی پیشه کرده‌اند، آن‌ها را، هم در دنیا و هم در آخرت به عذابی سخت گرفتار خواهیم کرد، در حالی که هیچ یار و یاورى ندارند! ﴿۵۶﴾ اما آنان که ایمان آورده‌اند و عملکردشان سراسر خوبی و خدمت است، خداوند پاداش‌شان را تماماً پرداخت می‌کند. بدانید خداوند ستمکاران را دوست ندارد ﴿۵۷﴾ (ای پیامبر!) این‌ها آیات و یادآوری‌های حکیمانه‌ای است که بر تو می‌خوانیم ﴿۵۸﴾ مَثَلِ خَلْقَتِ عِيسَى نَزْدَ خَدَاوَنَد، چون خلقت آدم است از خاک، آن هنگام که به او گفت «باش!» و بی‌درنگ «موجود» شد ﴿۵۹﴾ این سخن حق از پروردگار توست، پس از تردید کنندگان مباش! ﴿۶۰﴾ و هرکس در این موضوع با تو به مجادله و ستیز برخیزد - آن هم بعد از آن که بر حقیقت آگاه شده‌ای - بگو: بیایید تا هم ما و هم شما، خود و فرزندان و همسرانمان را در یک جا گرد آوریم و «مباهله» کنیم، و بی‌درنگ بخواهیم تا نفرین خداوند بر گروهی که دروغ می‌گویند فرود آید! ﴿۶۱﴾

این‌ها همه داستان‌های درستی است. و هیچ خدایی جز الله نیست، او خدایی قدرتمند و حکیم است ﴿۶۲﴾ (ای پیامبر!) اگر [از ایمان به حقایق] روی‌گردان شدند، بدان که خداوند کاملاً بر مفسدان آگاهی دارد! ﴿۶۳﴾ بگو: ای اهل کتاب! بیایید زیر چتر کلمه و باوری که بین ما و شما مشترک است! و آن چیزی نیست جز آن که غیر خداوند را نپرستیم و هیچ شریکی برایش قائل نشویم و برخی از ما برخی دیگر را به جای خداوند به پرستش نگیرند! و اگر از این هم روی‌گردان شدند، شما بگویید: گواه باشید که ما تسلیم خداوند شده‌ایم! ﴿۶۴﴾ ای اهل کتاب! چرا در مورد ابراهیم مجادله و ستیز می‌کنید در حالی که تورات و انجیل بعد از او نازل شده است؟! چرا عقل‌تان را به کار نمی‌اندازید؟! ﴿۶۵﴾ گیرم در آن چه به آن علم و آگاهی دارید مجادله‌تان روا باشد، چرا در مورد چیزی که به آن علم ندارید مجادله می‌کنید؟! در حالی که خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید ﴿۶۶﴾ ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی، بلکه حنیفی^۱ بود که تسلیم امر خداوند شده بود، و در زمرهٔ مشرکان نبود! ﴿۶۷﴾ بدانید کسانی که از ابراهیم تبعیت کردند و نیز این پیامبر و اهل ایمان، نزدیک‌ترین و سزاوارترین مردم به ابراهیم هستند! و خداوند سرپرست اهل ایمان است ﴿۶۸﴾ و گروهی از اهل کتاب آرزو دارند تا شما را گمراه و حیران کنند، حال آن که نمی‌دانند کسی غیر از خودشان را گمراه نمی‌کنند! شعور درک این معنی را ندارند ﴿۶۹﴾ اهل کتاب! چرا به آیات خداوند کفر می‌ورزید [و آن را قبول نمی‌کنید] در حالی که شما به حقانیت آن واقفید و خود گواهیید؟! ﴿۷۰﴾

^۱ حنیف، کسی است که فقط رو سوی خدا دارد و از هر تعلقی آزاد است.

ای اهل کتاب! چرا قامت حق را با ردای زشت باطل می پوشانید و حقیقت را کتمان می کنید، در حالی که به این امر آگاهید؟! ﴿۷۱﴾ و گروهی از اهل کتاب [به «خودی» هایشان] گفتند: بروید و به آن چه بر اهل ایمان نازل شده، در ابتدای روز ایمان بیاورید، اما در انتهای روز انکارش کنید، تا شاید از ایمان شان دست بردارند! ﴿۷۲﴾ [باز گفتند]: جز آن کسی را که از دین شما تبعیت می کند، باور نکنید. [اما تو ای پیامبر] بگو: هدایت فقط هدایت خداوند است! اهل کتاب به یکدیگر گفتند: تصوّر نکنید همانند آن چه به شما عطا شده، به دیگران نیز داده شده تا به وسیله آن در پیشگاه خداوند به مجادله با شما برخیزند! ای پیامبر بگو: فضل و رحمت به دست خداست و آن را به هر که بخواهد می دهد. و خداوند گشایش دهنده و داناست! ﴿۷۳﴾ و هر کس را صلاح بداند، رحمت خاصّ خود را نصیب او می کند. و خداوند صاحب فضل و بخششی بزرگ است ﴿۷۴﴾ در میان اهل کتاب کسانی هستند که اگر ثروت زیادی را به رسم امانت به آن ها بسپاری، به تو باز می گردانند. و نیز در بین آن ها کسانی هستند که اگر حتی دیناری به آن ها امانت دهی، به تو باز نمی گردانند مگر آن که بر آن ها مسلّط باشی، زیرا می گویند: ما در قبال اُمّیین (غیر یهود) مسؤول نیستیم! و این سخن کذبی است که بر خدا می بندند، در حالی که خود به باطل بودن آن آگاهی دارند! ﴿۷۵﴾ آری، هر کس به عهد خویش وفا کند و پرهیزکارانه حرمت آن را نگاه دارد، بداند که خداوند پرهیزکاران را دوست دارد ﴿۷۶﴾ و آن سوداگرانی که پیمان خدا و سوگندهایی را که خورده اند به بهای اندک و ناچیز دنیا می فروشند، بدون تردید در آخرت بهره ای نخواهند داشت، و خداوند در روز قیامت، با آن ها نه سخن می گوید و نه حتی به آن ها نظر می افکند، و نه آن ها را پاکیزه می گرداند! و این عذاب دردناکی برای آن هاست ﴿۷۷﴾

و از میان آن‌ها گروهی هستند که شیوهٔ گفتارشان را مثل کلام خدا می‌کنند تا تصور کنید [آنچه می‌گویند] از کتاب خداست! در حالی که ارتباطی به کتاب خدا ندارد، هر چند ادعا می‌کنند از سوی خدا آمده است! اما چنین نیست و آن‌ها بر خداوند بزرگ افترا می‌بندند. و آگاهانه این کار را می‌کنند ﴿۷۸﴾ هیچ بشری را سزاوار نیست که خدا به او کتاب و فرمانروایی و نبوت عطا کند، آن‌گاه به مردم بگوید: بندگان من باشید نه بندهٔ خدا! در حالی که سزاوار است مردمی ربّانی^۱ باشید. هم‌چنان که کتاب خدا را می‌آموزید و درس می‌گیرید ﴿۷۹﴾ و [کتاب خدا] به شما دستور نمی‌دهد که فرشتگان و پیامبران را به عنوان خدایان برگزینید. مگر ممکن است شما را به کفر دستور دهد، آن هم بعد از آن که تسلیم حق شده اید؟! ﴿۸۰﴾ و [به یاد آرید] هنگامی که خداوند از پیامبران پیمان گرفت: حال که شما را از کتاب و حکمت بهره‌مند کردم، به پیامبری که به سوی‌تان می‌آید و آئین شما را تصدیق می‌کند ایمان بیاورید و یاری‌اش کنید! و خدا گفت: آیا اقرار کردید، و عهد مرا پذیرفتید؟! همگی گفتند: آری اقرار کردیم! و خدا گفت: پس گواهی دهید، من نیز همراه شما گواهی می‌دهم ﴿۸۱﴾ پس هر کس، از این به بعد نافرمانی کند بدون شک از زشت‌کاران بد نیت است! ﴿۸۲﴾ آیا [دینی] به غیر از دین خدا می‌خواهند؟! حال آن‌که در حقیقت هر که در آسمان‌ها و زمین است، چه بخواهد چه نخواهد، تسلیم خداوند بزرگ است و همه به سوی او باز می‌گردند! ﴿۸۳﴾

^۱ ربّانی کسی است که به رب منسوب است. در جریان ربوبیت خود به سر می‌برد. خداوند امر می‌کند که خود را به صفت من، آراسته کنید! پیامبر(ص) نیز فرمودند: «تخلقوا بأخلاق الله»، خود را به اخلاق الهی آراسته کنید.

بگو: ما به خداوندِ بزرگ و آن چه بر ما نازل شده و آن چه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندانِش، و نیز به آن چه به موسی و عیسی و پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده ایمان داریم. و هیچ فرقی بین آن‌ها نمی‌گذاریم، زیرا ما تسلیم محض امر خداییم! ﴿۸۴﴾ هر کس غیر از تسلیم بودن در برابر خداوند، دینی برگزیند هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و قطعاً او در آخرت از زیان‌دیدگان خواهد بود! ﴿۸۵﴾ چگونه خدا قوم کافر و ناسپاس را هدایت کند، در حالی که قبلاً ایمان آورده و گواهی داده بودند که پیامبر، حق است و دارای دلایلی روشن است؟! بدانید خداوند بزرگ، قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند ﴿۸۶﴾ جزای آن‌ها آ که نفرین خدا و فرشتگان و همهٔ مردم بر آنان باد! ﴿۸۷﴾ و در فضای این نفرین، جاودانه بمانند و در این عذاب هیچ عفوی شامل حالشان نمی‌شود و هیچ مهلتی نخواهند داشت! ﴿۸۸﴾ مگر آن که بعد از این، توبه کنند و نیکوکار شوند. بدانید خداوند بزرگ بسیار آمرزنده و با گذشت است ﴿۸۹﴾ کسانی که ایمان داشتند سپس کافر شدند، و روز به روز بر کفر و ناسپاسی خود افزودند، هرگز توبهٔ آن‌ها پذیرفته نخواهد شد، زیرا آن‌ها همان گمراهانند! ﴿۹۰﴾ آنان که نسبت به حقایق کافر شدند و با همین کفر نیز مردند، اگر بخواهند به اندازهٔ تمام کرهٔ زمین طلا بدهند تا خود را از عذاب الهی بازخرند، امکان پذیر نیست! برای آن‌ها عذابی دردناک است و هیچ یار و یاورى ندارند ﴿۹۱﴾

به مقام شامخ نیکی نمی‌رسید مگر آن‌که، از آن‌چه خود دوست دارید انفاق کنید و ببخشید! و بدانید هر چه را انفاق کنید خداوند از آن آگاه است ﴿۹۲﴾ همه خوراکی‌ها برای بنی‌اسرائیل حلال بود، جز آن‌ها که اسرائیل قبل از نزول تورات، بر خود حرام کرده بود، و اگر غیر از این است بگو تورات را بیاورید و بخوانید اگر ابر ادعایتان پا می‌فشارید] و راست می‌گویید! ﴿۹۳﴾ از این پس هر کس بر خداوند، دروغ و افترا بزند، بدون شک از ستمکاران است! ﴿۹۴﴾ بگو: خدا راست می‌گوید، پس از آیین یکتاپرستی ابراهیم تبعیت کنید زیرا او از جماعت مشرکان نبود ﴿۹۵﴾ اولین خانه‌ای که برای مردم بنا شد همانی است که در «بگه» است، و این خانه مایه برکت و هدایت همه جهانیان است ﴿۹۶﴾ و در آن جا آیات و نشانه‌های روشن است. در آن جا مقام ابراهیم است. بدانید هر کس داخل آن خانه شود در امنیت است! و مردمی که استطاعت رفتن به خانه خدا را دارند باید به خاطر او حج را بجا آورند و هر کس نپذیرد و انکار کند، بداند که خداوند بزرگ از همه جهانیان بی‌نیاز است! ﴿۹۷﴾ بگو: ای اهل کتاب! چرا آیات خداوند را انکار می‌کنید؟ حال آن‌که خدا شاهد عملکردتان است! ﴿۹۸﴾ بگو ای اهل کتاب! چرا راه خدا را بر آن‌ها که ایمان دارند می‌بندید و می‌خواهید که آن‌ها منحرف شوند؟! در حالی که خود شما گواه بر درستی راه هستید؟ بدانید خداوند از عملکردتان غافل نیست ﴿۹۹﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب باشید چنان‌چه گروهی از اهل کتاب را تبعیت کنید بی‌شک شما را بعد از آن‌که ایمان آورده‌اید به وادی کفر و ناسپاسی باز می‌گردانند ﴿۱۰۰﴾

^۱ بگه، به جایگاه خانه خدا گویند.

^۲ حج، راه سلوک است، مسیر وصل است. حج، خروج از منیت است و دریافت حقیقت، مقام ابراهیم، توحید ناب است. سالک باید این جام وحدت را سرکشد. این خانه امن است. امنیت جز در این وحدت نیست. «و خدا بین آدمی و قلب او حائل است!» (انعام - ۲۴)

و چه زشت است که کافر شوید در حالی که آیات الهی بر شما خوانده می‌شود و پیامبرش نیز در میان شما حضور دارد! بدانید هر که به خداوند بزرگ تمسک جوید، به راه درست راهنمایی شده است ﴿۱۰۱﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! حرمت اوامر خدا را در بالاترین درجه آن پاس دارید، و جز به آیین تسلیم نمی‌ریزید! ﴿۱۰۲﴾ و همگی، ریسمان نجات خداوندی را محکم بگیرید و فرقه فرقه نشوید، و نعمت بزرگ خداوند را به یاد آورید! آن هنگام که دشمن هم بودید و او قلب‌های شما را به یکدیگر نزدیک کرد، و به برکت نعمتش همگی برادر شدید. در حالی که بر لبه پرتگاه آتش بودید، و خداوند شما را از آن نجات داد. این چنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند، امید آن که به راه نجات و آرامش هدایت شوید ﴿۱۰۳﴾ باید از میان شما جمعی باشند که همواره مردم را به خیر و خدمت دعوت کنند، به خوبی‌ها امر کنند و از زشتی و منکر باز دارند. و اینان رستگارانند^۱ ﴿۱۰۴﴾ و از کسانی نباشید که فرقه فرقه شده‌اند و با یکدیگر اختلاف ورزیده‌اند! آن هم بعد از آن که دلایل روشن حقانیت را دیده‌اند؛ بدانید برای آن‌ها عذابی بزرگ خواهد بود ﴿۱۰۵﴾ روزی که عده‌ای روسفید شوند و عده‌ای سیه‌رو، به آنان که سیه‌رو شده‌اند می‌گویند: آیا پس از ایمان آوردن تان، کافر شدید؟! پس بچشید این عذاب را به خاطر حقایقی که پوشانده‌اید! ﴿۱۰۶﴾ اما آنان که روسفید و آبرومنداند در دریای رحمت خداوند جاودانند ﴿۱۰۷﴾ این‌ها آیات خداوند است که به حق بر تو می‌خوانیم و خداوند بزرگ هیچ ظلمی را بر جهانیان نمی‌پسندد ﴿۱۰۸﴾

^۱ دقت کنید. می‌فرماید: اینان رستگارانند! یعنی رستگاران می‌توانند به امر به معروف و نهی از منکر اقدام کنند. این مهم از کسانی که رستگار نیستند و خود آلوده‌اند، مراد نیست، رستگار، کسی است که از تعلقات رسته است و واصل به حق گشته است. یادمان باشد که مسیح(ع) هنگامی که می‌خواستند زنی را سنگسار کنند، گفت: آن که خود گناه نکرده است به این کار مبادرت کند! و همه رفتند زیرا به گناهکاری خود آگاه بودند! خود مسیح(ع) نیز که بی‌گناه بوده، زن را بخشید و از او خواست گرد گناه نگرده!

و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن خداست و تمامی امور به او بازمی‌گردد ﴿۱۰۹﴾ شما بهترین مردمی هستید که بر جهانیان نمایان شده است، زیرا امر به معروف و نیکی می‌کنید و از بدی و زشتی باز می‌دارید و [با تمام وجود] خداوند را باور دارید! و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند بی‌شک برای‌شان خیر و برکت است. البته جمعی از آنان مؤمن‌اند اما بیشترین، زشت‌کار و بد نیت‌اند ﴿۱۱۰﴾ جز آزار اندکی، هیچ خسارت دیگری را نمی‌توانند بر شما وارد کنند. و چون با شما جنگ کنند، شکست خورده، میدان را ترک می‌کنند! بدانید آن‌ها پیروز نمی‌شوند ﴿۱۱۱﴾ هر جا که باشند ذلت و خواری آن‌ها را محاصره کرده است. و تنها مفر آن‌ها امان خدا و امان مردم است! و آن‌ها به خشم خداوند نزدیک شده‌اند و در تنگنای بیچارگی و نگون بختی به سر می‌برند. زیرا آن‌ها آیات خدا را انکار می‌کردند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند، و این بدان سبب بود که از فرمان خدا عصیان کردند و تجاوزکار شدند ﴿۱۱۲﴾ اما همه اهل کتاب یکسان نیستند بلکه مردمانی از آن‌ها به اطاعت خدا قیام کرده‌اند، آیات خداوند را در نیمه‌های شب تلاوت می‌کنند و از عظمت او به سجده می‌افتند ﴿۱۱۳﴾ خداوند و روز قیامت را باور دارند. و امر به نیکی می‌کنند. و از زشتی و بدی باز می‌دارند. و به سرعت به انجام کارهای نیک اقدام می‌کنند، بدون شک آن‌ها از نیکوکارانند ﴿۱۱۴﴾ و هر کار نیکی که انجام دهند نادیده گرفته نمی‌شود و خداوند به امور حرمت‌گزاران حریم الهی، آگاه است ﴿۱۱۵﴾

آنان که به کفر و ناسپاسی گرویدند، بدانند اموال و اولادشان هیچ سودی در برابر مجازات خداوند، برای‌شان نخواهد داشت! آن‌ها اهل آتش‌اند و جاودانه در آن خواهند ماند ﴿۱۱۶﴾ مثل انفاق و بخشش کافران در دنیا، مثل تندبادی است که بر کشتزارِ قوم به خود ستم کرده‌ای، بوزد و تمام محصولات آن‌ها را نابود کند. بدانید! که خداوند بر آن‌ها ستم نکرده است، بلکه خود آن‌ها بر خویش ستم کرده‌اند! ﴿۱۱۷﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری غیر از اهل ایمان انتخاب نکنید، زیرا دیگران از هیچ فسادی نسبت به شما کوتاهی نمی‌کنند، و همواره آرزو می‌کنند در رنج و عذاب باشید! کینه و دشمنی از کلامشان می‌بارد؛ تازه آن‌چه در دل پنهان کرده‌اند بزرگ‌تر است! ما نشانه‌ها را به روشنی برای شما بیان کردیم، امید آن‌که عقل خود را به کار اندازید ﴿۱۱۸﴾ شما آن‌ها را دوست می‌دارید اما آن‌ها شما را دوست ندارند، زیرا شما به تمام این کتاب ایمان آورده‌اید! و زمانی که آن‌ها با شما برخورد کنند گویند: ایمان آورده‌ایم! و وقتی خلوت می‌کنند از شدت کینه و حسد نسبت به شما، انگشتان خود را به دندان می‌گزند! (ای پیامبر) بگو: از شدت این کینه بمیرید، که خداوند به آن‌چه که در دل‌هاست آگاه است! ﴿۱۱۹﴾ اگر خوبی و خیری به شما رسد غمگین می‌شوند، و اگر شری بر شما وارد شود خوشحال می‌گردند! بدانید اگر شما در راه حق صبور باشید و حرمت خداوند را نگاه دارید، از نقشه‌هایشان هیچ ضرری به شما نخواهد رسید، زیرا خداوند بر آن‌چه می‌کنند احاطه دارد ﴿۱۲۰﴾ و [یاد آر!] هنگامی که صبحگاه خانواده‌ات را ترک کردی تا اردوگاه جنگی اهل ایمان را مشخص کنی! بدان که خداوند بزرگ، شنوا و آگاه است! ﴿۱۲۱﴾

و [نیز به یاد آر]! هنگامی که دو گروه از شما تصمیم گرفتند تا نسبت به جهاد سستی کنند، غافل از این که خداوند پشتیبان آن‌ها بود! و بدانید که اهل ایمان فقط بر خداوند بزرگ توکل می‌کنند ﴿۱۲۲﴾ خداوند شما را در [جنگ] «بدر» یاری کرد در حالی که شما ضعیف بودید! پس حرمتِ نعمتِ خداوند را نگاه دارید. امید آن که به مقام شاکران نائل شوید ﴿۱۲۳﴾ و [یاد آر]! هنگامی که به اهل ایمان گفتی: آیا کافی نیست که خداوند، شما را با سه هزار تن از فرشتگان آسمانی‌اش یاری کند؟! ﴿۱۲۴﴾ آری، امروز هم اگر استقامت کنید و حرمت خدا را نگاه دارید، هنگامی که به شما یورش می‌آورند، خداوند با پنج هزار تن از فرشتگان ممتازش شما را یاری خواهد کرد! ﴿۱۲۵﴾ و خداوند این کار را نکرد مگر برای آن که شما شادمان شوید و قلب‌های‌تان آرام گیرد! و بدانید هیچ پیروزی وجود ندارد مگر آن که از جانب خداوند قدرتمند و حکیم باشد! ﴿۱۲۶﴾ بدینسان خداوند قسمتی از پیکره دشمن را هلاک کرد، و قسمتی دیگر را خوار و ذلیل و سرافکنده بازگرداند ﴿۱۲۷﴾ اگر خدا بخواهد آن‌ها را می‌بخشد و یا عذاب‌شان می‌کند و این کار - ای پیامبر - ارتباطی به تو ندارد، زیرا آن‌ها قومی ستمکارند ﴿۱۲۸﴾ و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آنِ خداست. هر که را صلاح بداند می‌بخشد و هر که را صلاح بداند عذاب می‌کند، و خداوند بسیار آمرزنده و با گذشت است ﴿۱۲۹﴾ ای کسانی که به حقایق ایمان دارید! ربا مخورید با اضافه‌های پی در پی آن! و حرمت خدا را نگاه دارید، امید آن که رستگار شوید ﴿۱۳۰﴾ و بهره‌زید از آتشی که برای ناسپاسان مهیا شده است ﴿۱۳۱﴾ و از خداوند و پیامبر اطاعت کنید تا مشمول رحمت الهی گردید ﴿۱۳۲﴾

و برای رسیدن به آمرزش خداوند و نیز رسیدن به بهشتی که وسعتش به اندازه آسمان‌ها و زمین است از یکدیگر پیشی گیرید! [همان بهشتی که] برای حرمت‌گزاران حریم الهی مهیا شده است ﴿۱۳۳﴾ همان کسانی که چه در توانگری و چه در تنگدستی انفاق می‌کنند. و هنگام خشم، بر نفس خویش مسلط می‌شوند، و از خطاهای مردم درمی‌گذرند. بدانید خداوند نیکوکاران را دوست دارد! ﴿۱۳۴﴾ و آنان که وقتی کار زشتی مرتکب شوند و یا به خود ظلم کنند، به یاد خدا می‌افتند و سپس برای پاک شدن گناهان‌شان طلب آمرزش می‌کنند. و غیر از خدا کیست که بتواند گناهان را محو کند و ببخشد؟! البته آن‌ها چون به زشتی گناه آگاه بودند، بر ادامه آن پافشاری نکردند! ﴿۱۳۵﴾ پاداش آن‌ها بخشش و آمرزش خداوند و بهشت‌هایی است که نهرها در آن جاری است، و آن‌ها در آن جاویدان‌اند. و چه پاداش خوبی است برای اهل عمل ﴿۱۳۶﴾ قبل از شما، آیین‌ها و سنت‌های بسیاری بوده است، پس در زمین سیر و سیاحت کنید تا ببینید عاقبت آن‌ها که حقایق را تکذیب کردند چه بوده است! ﴿۱۳۷﴾ این برای مردم یک سخن است، اما برای آن‌ها که حرمت خدا را نگه می‌دارند یک راهنمایی و یک موعظه است ﴿۱۳۸﴾ سستی مکنید. مأیوس و غمگین مشوید! چه شما از همه برترید، اگر ایمان داشته باشید ﴿۱۳۹﴾ اگر در این راه به شما زخمی رسد، بی‌شک به دشمن نیز زخمی مثل همان وارد آمده است! و این‌گونه روزهای [تلخ و شیرین] را میان مردم می‌گردانیم تا خداوند اهل ایمان را مشخص کند، و شاهدانی از شما برگیرد. بدانید که خداوند ظالمان را دوست ندارد ﴿۱۴۰﴾

و این کار برای آن است که خداوند اهل ایمان را پاکیزه گرداند و ناسپاسان کافر را نابود کند ﴿۱۴۱﴾ آیا خیال کرده‌اید که به بهشت وارد می‌شوید در حالی که هنوز خداوند، مجاهدان و صابران را از میان شما مشخص نکرده است؟! ﴿۱۴۲﴾ پیش از آن که مرگ به سراغتان آید همواره آن را آرزو می‌کردید، اکنون مرگ مقابل شماست و آن را می‌بینید! ﴿۱۴۳﴾ محمد کسی نیست جز پیامبری که قبل از او پیامبرانی بوده‌اند؛ آیا او اگر بمیرد و یا کشته شود شما به آیین گذشتگانتان برمی‌گردید؟! بدانید کسی که به گذشته زشت خود برگردد به خداوند ضرری نرسانده است، و خداوند به زودی پاداش شکرکنندگان را خواهد داد! ﴿۱۴۴﴾ و هیچ کس نمی‌میرد، مگر به اذن خدا، و آن در کتابی زمان‌بندی شده است. هر کس خواهان پاداش دنیوی باشد به او می‌دهیم. و هر کس خواهان پاداش حیات جاوید باشد باز به او می‌دهیم، و به زودی شکرکنندگان را پاداش خواهیم داد! ﴿۱۴۵﴾ و چه بسا پیامبرانی بودند که مردان الهی بسیاری همراه آنان به جنگ رفتند و در راه خدا، هر چه بر سرشان آمد نه سست شدند و نه مأیوس، و ضعفی از خود نشان ندادند و سر فرو نیاوردند، زیرا خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد ﴿۱۴۶﴾ و تنها سخن آن‌ها این بود که پروردگارا! گناهان ما را بیامرز و زیاده‌روی و تندروی ما را در کارها ببخش، و قدم‌های ما را استوار گردان، و بر جماعت ستمکار پیروزمان گردان! ﴿۱۴۷﴾ و خداوند بی‌درنگ، هم پاداش دنیوی و هم پاداش خوب حیات جاوید را به آن‌ها عطا کرد، و بدانید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد! ﴿۱۴۸﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چنانچه از کفار اطاعت کنید، آن‌ها شما را به آیین زشتِ گذشتگان برمی‌گردانند، و سرانجام زیان‌کار خواهید شد ﴿۱۴۹﴾ [آن‌ها سرپرست شما نیستند]، بلکه خداوند سرپرست شماست. و او بهترین یاری دهنده است! ﴿۱۵۰﴾ به زودی در دل ناسپاسان، رعب و وحشت خواهیم انداخت، زیرا آنان چیزهایی را شریک خدا قرار دادند که هیچ حجت آسمانی ندارد! بدانید جایگاه ظالمان، آتش است و چه بد جایگاهی است! ﴿۱۵۱﴾ خداوند به وعده‌ای که به شما داده بود وفا کرد. آن هنگام که به خواست او دشمن را تار و مار می‌کردید، تا این که سست شدید و در کار خود به نزاع پرداختید. اما هنگامی که آن چه را که دوست داشتید (غنایم و سوسه انگیز)، را به شما نشان داد و [بر سر غنایم دنیوی] از فرمان سرپیچی کردید، عده‌ای از شما خواستار دنیا شدند و عده‌ای خواستار حیات جاودان! و خدا شما را شکست داد تا امتحان‌تان کند! اینک از شما درگذشت، زیرا خداوند نسبت به اهل ایمان بخشنده و باگذشت است ﴿۱۵۲﴾ و [باد آورید!] هنگامی که [سراسیمه] از کوه بالا می‌رفتید. و از وحشت به عقب‌ماندگان نگاه نمی‌کردید. در حالی که پیامبر، شما را از پشت سر صدا می‌کرد! پس خداوند غمی بر غم شما افزود برای این که بفهمید هیچ‌گاه برای چیزی که از دست داده‌اید و مصیبت‌هایی که به شما وارد آمده غمگین و مأیوس نشوید! و بدانید که خداوند بزرگ از عملکردتان آگاه است ﴿۱۵۳﴾

و بعد از غم، آرامش و ایمنی را بر شما نازل کرد تا آن جا که برخی از شما را خواب آرام فرا گرفت. اما گروهی دیگر که در فکر جان خویش بودند و چون زمان جاهلیت به خداوند گمان باطل داشتند گفتند: یعنی می شود دوباره کار به دست ما افتد؟! بگو همه کارها به دست خداست. آن ها در دل های خود چیزی را پنهان می کنند که نمی خواهند بر تو آشکار کنند، و می گویند: اگر حتی قسمتی از کار به دست ما بود اینجا این گونه کشته نمی شدیم! [ای پیامبر] به آن ها بگو: حتی اگر در خانه هایتان هم بودید، آنان که برای شان کشته شدن مقرر شده بود با پای خود به قتلگاه می رفتند! زیرا خداوند شما را به آنچه در سینه دارید امتحان می کند. تا ایمان را که در قلبتان است خالص گرداند. بدانید خداوند بزرگ از آنچه در سینه هاست آگاه است! ﴿۱۵۴﴾ و کسانی که در روز روبرو شدن دو سپاه، فرار کردند، شیطان آن ها را به خاطر دستاورد گناه آلودشان لغزاند. اما اکنون خداوند آن ها را بخشیده است، زیرا خداوند بزرگ بسیار آمرزنده و بردبار است ﴿۱۵۵﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید! مثل کفاری نباشید که درباره برادران خود که به سفر و یا جنگ رفتند گفتند: اگر پیش ما مانده بودند نه می مردند و نه کشته می شدند! و خداوند این گمان خام را به عنوان حسرتی در دل آن ها گذاشت، و بدانید! که این خداوند است که زنده می کند و می میراند و خدا به عملکردتان بیناست! ﴿۱۵۶﴾ و اگر در راه اطاعت از خداوند بمیرید و یا کشته شوید باکی نیست. زیرا بخشش و رحمت بی کران الهی از هر چه در طول عمر می اندوزند بهتر است ﴿۱۵۷﴾

و چه بمیرید و چه کشته شوید نزد خداوند محشور خواهید شد! ﴿۱۵۸﴾ ای پیامبر! به برکت وجود رحمت الهی است که تو با مردم خوش رفتار هستی، و اگر خشن و سخت دل می‌بودی، بدون شک تو را ترک می‌کردند! پس آن‌ها را ببخش و برای‌شان آموزش بطلب و در کارها با آن‌ها مشورت کن. اما هنگامی که تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن، زیرا خداوند بزرگ توکل‌کنندگان را دوست دارد ﴿۱۵۹﴾ اگر خدا شما را یاری کند هیچ کس نمی‌تواند بر شما مسلط شود، و اگر بخواهد شما را خوار کند، غیر از خودش کیست که بتواند یاری‌تان کند؟! بدانید که اهل ایمان بر خداوند توکل می‌کنند ﴿۱۶۰﴾ هیچ پیامبری خیانت نکند و هرکس که خیانت کند بداند! آن‌چه را که خیانت کرده در روز قیامت با خود خواهد آورد، آن‌گاه جزای دستاورد هرکس داده شود در حالی که به احدی ستم نمی‌رود! ﴿۱۶۱﴾ آیا کسی که در راه رضایت خداوند قدم بر می‌دارد مانند کسی است که موجب خشم خدا می‌شود! در حالی که جایگاه او جهنم است، و چه بد سرنوشتی است! این جهنم! ﴿۱۶۲﴾ و برای این دو گروه، درجات متفاوتی است و خداوند بزرگ به عملکردشان بیناست ﴿۱۶۳﴾ و خداوند بر اهل ایمان منت گذاشت که پیامبری از خودشان را مبعوث کرد تا آیات الهی را بر آن‌ها بخواند و پاکیزه‌شان گرداند و کتاب و حکمت به آن‌ها بیاموزد. در حالی که قبل از آن در گمراهی و حیرانی آشکار بودند ﴿۱۶۴﴾ آیا [به یاد دارید!] هنگامی که آسیبی [در جنگ احد] به شما رسید در حالی که دو برابر این آسیب را [در جنگ بدر] رسانده بودید، گفتید: این مصیبت از کجاست؟ [ای پیامبر] بگو: از ناحیه خودتان است! خداوند بزرگ بر هر کاری تواناست! ﴿۱۶۵﴾

^۱ بهشت و جهنم دو کیفیت‌اند در آنفس، و البته در آفاق نیز مشهودند. هرکس، هر کدام از این دو کیفیت را با نوع سلوکش، در وجودش پرورش دهد. پس از مرگ نیز با او خواهد ماند.

آن چه آن روز در برخورد دو سپاه به شما رسید، به اذن خدا بود تا اهل ایمان را مشخص کند ﴿۱۶۶﴾ و نیز این که کسانی را که نفاق کردند مشخص نماید! چون به آن ها گفته شد، بیایید و در راه خدا جهاد کنید و یا [لا اقل] دفاع کنید! گفتند: اگر به یقین می دانستیم جنگی روی خواهد داد، با شما می آمدیم! بدانید که آنان به کفر نزدیک ترند تا به ایمان! زیرا با زبان چیزهایی می گویند که در قلب هایشان نیست. در حالی که خداوند به آن چه کتمان می کنند آگاهی کامل دارد ﴿۱۶۷﴾ به آنان که [از جهاد امتناع کردند و] درباره برادران شان گفته بودند: اگر سخن ما را شنیده بودند کشته نمی شدند، بگو: اگر راست می گوئید مرگ را از خودتان دور کنید! ﴿۱۶۸﴾ و مپندارید کسانی که در راه خداوند کشته شده اند مرده اند، بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی دارند ﴿۱۶۹﴾ از فضل و رحمتی که خداوند نصیب شان کرده شادمانند و مشتاقانه کسانی را که هنوز به آن ها ملحق نشده اند فرا می خوانند. زیرا هیچ ترس و اندوهی بر آنان روا نیست ﴿۱۷۰﴾ و [دیگران را] مزده رحمت و نعمت الهی می دهند و این که خداوند پاداش اهل ایمان را ضایع نمی کند ﴿۱۷۱﴾ کسانی که، با آن که زخم خورده اند باز گوش به فرمان خدا و رسول اش هستند، چنان چه همواره عملکرد نیک داشته باشند و حرمت فرمان خدا را نگاه دارند برای شان پاداشی بزرگ است ﴿۱۷۲﴾ و آن دسته از اهل ایمان که مردم خطاب شان کردند که: همه علیه شما بسیج شده اند، پس بترسید و تسلیم شوید! اما این سخن، ایمان شان را تقویت کرد و گفتند: الله، ما را کفایت می کند و او وکیل خوبی است! ﴿۱۷۳﴾

پس [شادمانه] همراه با نعمت و رحمت الهی [از جنگ] بازگشتند در حالی که هیچ آسیبی به آنها نرسیده بود، زیرا آنها رضایت و خشنودی خدا را خواستند و خداوند صاحب فضل و بخشایشی بزرگ است ﴿۱۷۴﴾ این شیطان است که در دل دوستدارانش رعب می‌اندازد ولی شما از آنها نترسید و از من خوف داشته باشید، اگر حقیقتاً ایمان دارید! ﴿۱۷۵﴾ کسانی که به سوی کفر و ناسپاسی می‌شتابند تو را غمگین نکنند، آنها هیچ ضرری به خدا نمی‌رسانند. خداوند می‌خواهد هیچ بهره‌ای از آخرت نصیبشان نکند زیرا برای‌شان عذابی بزرگ است ﴿۱۷۶﴾ آنان که ایمان را از کف دادند و به جای آن کفر خریدند، بدانند که هیچ ضرری به خدا نخواهند رساند و برای آنها عذابی دردناک مهیاست! ﴿۱۷۷﴾ و بی‌ایمانان مپندارند مهلتی که به آنها داده‌ایم به نفع آنهاست، بلکه این مهلت را داده‌ایم تا آنها بر گناهان‌شان بیافزایند، زیرا عذابی خوارکننده در انتظارشان است! ﴿۱۷۸﴾ خداوند، شما اهل ایمان را همان گونه که هستید [بدون آزمایش] رها نمی‌کند مگر اینکه ناپاک را از پاک مشخص کند! و خدا شما را از نادیده‌های غیب مطلع نمی‌کند، اما بعضی از پیامبرانش را که خود بخواهد برای این کار بر می‌گزیند. پس خدا و پیامبرانش را باور کنید و اگر ایمان بیاورید و حرمت فرمان‌های خدا را نگاه دارید، در این صورت برای شما پاداشی بزرگ است ﴿۱۷۹﴾ و کسانی که بخل می‌ورزند و از نعمت‌هایی که خداوند عطایشان کرده انفاق نمی‌کنند، مپندارند که این کار به نفع آنان است بلکه شری است که دامنگیرشان شده، و در روز قیامت آنچه را که از بخشیدنش بخل ورزیده‌اند چون طوقی به گردن‌شان آویخته می‌گردد. و بدانید که میراث آسمان‌ها و زمین همه از آن خداست (کسی چیزی با خود نمی‌برد) و خداوند به عملکردتان آگاه است ﴿۱۸۰﴾

و خداوند شنید سخن آن‌هایی را که گفتند: خدا فقیر است و ما توانگریم! بدون شک، هم ادعایشان را و هم [اقدامشان را در مورد] قتل پیامبرانی که به ناحق کشتند، مکتوب خواهیم کرد و می‌گوییم بچشید عذاب آتش سوزان را! ﴿۱۸۱﴾ و این به خاطر دستاوردتان است، زیرا خداوند به هیچ کدام از بندگان ستم نمی‌کند ﴿۱۸۲﴾ کسانی گفتند: خداوند از ما پیمان گرفته است تا به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم مگر آن‌که یک قربانی برای ما بیاورد که آتش آن را بخورد! ای پیامبر! بگو: پیامبرانی هم قبل از من با معجزاتی آشکار آمدند؛ حتی همین را که گفتید انجام دادند، پس چرا آن‌ها را کشتید اگر مدعی راستگویی هستید؟! ﴿۱۸۳﴾ ای پیامبر! اگر تو را تکذیب کنند، بدان که پیامبران قبل از تو نیز که با دلایل آشکار و نوشته‌ها و کتاب روشن آمدند تکذیب شدند! ﴿۱۸۴﴾ هر کسی طعم مرگ را می‌چشد، بدون شک مزد عملکردتان را در روز قیامت خواهند داد. و هر کس را که از آتش دور کنند و به بهشت بیاورند، برنده و پیروز است. و بدانید که این زندگی دنیا چیزی جز کالای فریب نیست! ﴿۱۸۵﴾ شما در مورد اموال و جان‌هایتان امتحان خواهید شد، و بدانید هم از مشرکان و هم از اهل کتاب، زخم زبان بسیار خواهید شنید، و چنان‌چه صبر پیشه کنید و حرمت فرمان خدا را نگاه دارید، کار بزرگی انجام داده‌اید! ﴿۱۸۶﴾

و [یاد آورید!] هنگامی که خداوند از اهل کتاب پیمان گرفت تا کلام خدا را برای مردم بیان کنند و کتمان‌ش نکنند، اما آن‌ها، آن را پشت سر انداختند و به بهای اندک دنیا فروختند. و چه تجارت زشتی کردند! ﴿۱۸۷﴾ مپندار آن‌ها که از اعمال زشت خود شادمانند، و حتی دوست دارند نسبت به اعمال خوبی که انجام نداده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، در پناهگاهی دور از عذاب خداوند. برای آن‌ها عذابی دردناک مهیاست ﴿۱۸۸﴾ مُلک و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن خداست. و خداوند بزرگ بر هر کاری تواناست ﴿۱۸۹﴾ حقیقتاً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و اندر پی هم آمدن شب و روز، نشانه‌هایی برای مردم خردمند است! ﴿۱۹۰﴾ آن‌هایی که در هر حال - چه نشسته چه ایستاده و حتی به پهلو خفته - خداوند را یاد می‌کنند، و در آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکّر می‌کنند، [اقرار دارند که]، پروردگارا! این‌ها را بیهوده و باطل خلق نکرده‌ای، تو از هر عیب و نقص مبرایی، پس ما را از عذاب دوزخ حفظ فرما! ﴿۱۹۱﴾ پروردگارا! هرکس را که به آتش افکنی بدون شک خوار و رسوایش کرده‌ای! و بدانید که ستمگران را هیچ یار و یآوری نیست! ﴿۱۹۲﴾ پروردگارا! ما ندای منادی ایمان را شنیدیم [که فریاد برآورده بود]: باور کنید پروردگارتان را! پس ما نیز ایمان آوردیم. پروردگارا! از گناهان ما درگذر. و بدی‌های ما را بپوشان، و ما را با نیکان بمیران! ﴿۱۹۳﴾ پروردگارا! به ما عطا کن آن‌چه را که از زبان پیامبرانت به ما وعده داده‌ای، و ما را در روز قیامت خوار مساز؛ زیرا تو خلاف وعده خویش عمل نمی‌کنی! ﴿۱۹۴﴾

پس خداوند دعایشان را اجابت کرد و گفت: من عمل هیچ کدام از شما را - چه مرد باشد چه زن - ضایع نمی‌کنم، شما ممنوع هستید و از جنس یکدیگر. پس آن‌ها که در راه خدا هجرت کردند، در حالی که از خانه‌هایشان رانده شده بودند، و در راه من سختی و آزار دیدند و جنگ کردند و کشته شدند، بدون تردید تمامی گناهان-شان را محو می‌کنم و آن‌ها را در بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است وارد می‌کنم! این پاداشی از جانب خداوند است. و بهترین پاداش‌ها نزد خداست ﴿۱۹۵﴾ جولان دادن [پیروزمندان] کافران در شهرها تو را نفریبدا! ﴿۱۹۶﴾ این بهره‌ناچیز و چند روزه دنیاست. پس از آن جایگاهشان جهنم است. و چه بد جایگاهی است [این جهنم!] ﴿۱۹۷﴾ اما کسانی که حرمت اوامر پروردگارشان را نگاه داشتند برای-شان بهشت‌هایی است که نهرها در آن جاری است و آن‌ها همیشه در آن جا مهمان خدایند، و بدانید آن‌چه نزد خداست برای نیکان بهترین است! ﴿۱۹۸﴾ و نیز از اهل کتاب کسانی هستند که به خداوند و آن‌چه بر شما نازل کرده‌ایم و آن‌چه بر آن‌ها نازل شده است ایمان دارند، و در برابر خداوند خاضع‌اند و آیات خدا را به بهایی اندک نمی‌فروشند. پاداش آنان نزد پروردگارشان محفوظ است. بدون شک خداوند حساب‌ها را سریعاً رسیدگی می‌کند ﴿۱۹۹﴾ ای همه کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر پیشه کنید، استقامت داشته باشید، و همواره آماده باشید، و حرمت خدا را نگاه دارید، امید آن‌که رستگار شوید! ﴿۲۰۰﴾

سوره نساء

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ای مردم! حرمت پروردگارتان را نگاه دارید، پروردگاری که همه شما را از یک نفس^۱ خلق کرد. و همسر او را از جنس خودش آفرید، سپس از آن دو، مردان و زنان بسیاری را به وجود آورد. و حرمت خدایی را نگاه دارید که هرگاه از یکدیگر چیزی می‌خواهید سوگند او را می‌خورید. و نیز با خویشاوندان خود قطع رابطه نکنید که خداوند مراقب رفتار شماست! ﴿۱﴾ و هنگامی که یتیمان بزرگ شدند اموال آن‌ها را به خودشان بدهید. و اموال بد خود را با اموال خوب آن‌ها عوض نکنید، و [با مخلوط کردن] اموال آن‌ها با اموال خودتان، آن را نخورید، زیرا این گناهی بزرگ است! ﴿۲﴾ و چنان‌چه می‌ترسید اگر با دختران یتیم [ازدواج کنید] عدالت را رعایت نکنید، پس با زنان دیگری که برایتان حلال است و می‌پسندید ازدواج کنید، دو یا سه یا چهار زن. و باز اگر ترسیدید که نتوانید عدالت را بین آن‌ها رعایت کنید فقط با یک تن ازدواج کنید، و یا با آن‌که سرپرستی‌اش را عهده دار گشته‌اید، زیرا این کار در جلوگیری از ستم مؤثرتر است! ﴿۳﴾ و مهر زنان را با طیب خاطر تماماً به آن‌ها پرداخت کنید، و اگر آن‌ها چیزی از آن را به شما بخشیدند حلال و گواریتان خواهد بود! ﴿۴﴾ و اموال [متعلق به سفیهان] را که در دستتان است، و خداوند آن را باعث بقای زندگی مادی قرار داده، به آن‌ها نسپارید. اما به وسیله آن، آنان را روزی دهید و لباس بپوشانید و همواره با آن‌ها با رفتار و سخنان شایسته برخورد کنید! ﴿۵﴾ و یتیمان را هنگامی که به سن ازدواج رسیدند امتحان کنید، چنان‌چه متوجه رشد عقلی آن‌ها شدید اموال‌شان را به خودشان بدهید. و پیش از آن‌که به سن بلوغ برسند، اموال‌شان را طمعکارانه و از روی اسراف نخورید، و آنان که توانگرند به عنوان دستمزد [حفظ کردن اموال] چیزی از اموال‌شان برندارند. و هرکه نیازمند است، دستمزد به میزان عرف بردارد. و هنگامی که اموال‌شان را دادید شاهدانی را بر آن‌ها گواه کنید، و بدانید خداوند برای حساب کشیدن کافی است! ﴿۶﴾

^۱ نفس، ماده لطیفه‌ای است که قابلیت حیات و جنبندگی دارد. ما همه از یک نفس واحده، از یک منبع حیات بخش، نشأت گرفته‌ایم. ما همه در کل، یک پیکره واحد را تشکیل می‌دهیم. پس هر ظلمی، ظلم به خویشتن است!

مردان را از آنچه پدران و مادران و نزدیکان به ارث می‌گذارند نصیبی است. و زنان را نیز از آنچه پدران و مادران و نزدیکان به ارث می‌گذارند نصیبی است، خواه کم باشد خواه زیاد، و این سهمی تعیین شده است ﴿۷﴾ و اگر هنگام تقسیم ارث، خویشاوندان و یتیمان و درماندگان نیز آمدند به آن‌ها هم چیزی بدهید، و با آن‌ها با سخن و رفتار پسندیده برخورد کنید! ﴿۸﴾ آنان که بعد از خود، بر [آینده] فرزندان کوچک و ناتوانشان بیمناکند، باید از این بیمناکی خویش عبرت بگیرند و تقوای خدا پیشه کنند، و همواره سخنی استوار و معقول بگویند! ﴿۹﴾ آن‌ها که اموال یتیمان را ظالمانه می‌خورند همانا در شکم‌هایشان آتش می‌خورند و به زودی در دوزخ شعله‌ور می‌گردند! ﴿۱۰﴾ خداوند شما را در مورد فرزندانان وصیت می‌کند، بدانید سهم پسر دو برابر دختر است، و اگر همگی دختر باشند و بیش از دو تن هم باشند، دو سوم میراث متعلق به آن‌هاست، و اگر یک دختر بود نصف میراث برای اوست، و به پدر و مادرِ میّت هر کدام یک ششم میراث می‌رسد اگر میّت فرزندی داشته باشد؛ و اگر فرزندی نداشته باشد تنها پدر و مادر از او ارث می‌برند، برای مادر او یک سوم است (و بقیه از آن پدر است)، و اگر او برادرانی دارد، مادرش یک ششم می‌برد و همهٔ این‌ها بعد از انجام وصیتی است که او مقرر کرده، و نیز بعد از پرداخت همه بدهی‌ها است. شما نمی‌دانید پدران و مادران و فرزندانان، کدام یک برای شما نافع‌ترند! این‌ها حکم خداوند است و خدا دانا و حکیم است ﴿۱۱﴾

نصف میراث زنان تان برای شماست. اگر آن‌ها فرزندی نداشته باشند، و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شماست، آن هم پس از انجام وصیتی که کرده‌اند و ادای بدهی‌ها. و برای زنان شما یک چهارم میراث شماست اگر فرزندی نداشته باشید. و اگر برای شما فرزندی باشد، یک هشتم از آن‌هاست، آن هم بعد از وصیتی که کرده‌اید و ادای بدهی‌ها. و اگر مردی باشد که خواهر یا برادر از او ارث می‌برند یا زنی که برادر یا خواهری دارد، سهم هر کدام یک ششم است (اگر برادران و خواهران مادری باشند). و اگر بیش از یک تن باشند آن‌ها در یک سوم شریکند، آن هم پس از انجام وصیتی که شده و ادای بدهی‌ها، به شرط آنکه از طریق وصیت و اقرار صوری به بدهی [به وراثت ضرر نزنند! این وصیت خداوند است و خدا دانا و بردبار است] ﴿۱۲﴾ این‌ها احکام الهی است، و هرکس از خداوند و پیامبرش اطاعت کند، او را وارد بهشت‌هایی نماید که نهرها در آن جاری است و همواره در آن جا خواهد بود، و این یک پیروزی بزرگ محسوب می‌شود ﴿۱۳﴾ و هرکس از فرمان خدا و پیامبرش سرپیچی کند و از احکام خدا تجاوز نماید او را به آتشی داخل کند که در آن جاویدان خواهد بود، و برای او عذابی خوارکننده است! ﴿۱۴﴾

^۱ کلاله: برادر و خواهر متوفی، چنانچه به علت وجود نداشتن فرزند یا پدر و مادر، وارث او بگردند.

^۲ تمام آیات فوق‌الذکر ظاهراً به ارث متعارف و زن و مرد متعارف ترجمه شده اما باید توجه داشت که نزد اهل معنا، دارای وجه باطنی دیگر نیز می‌باشد. ذکر و انثی دو نیروی خلاق در هستی است. یکی دهنده است و دیگری گیرنده، و این دو با هم پدید آورنده پدیده‌های مختلفند. از این منظر، بحث بر سر تقسیم نیروهای موجود در هستی جهت خلاقیت در روند حیات معنا می‌دهد. پس ذکر و انثی، فراتر از مرد و زن متعارف است.

و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند، پس چهار شاهد مسلمان بر عمل آنها بطلبید. و اگر گواهی دادند، آن زنان را در خانه نگه دارید تا مرگشان فرا رسد و یا این که خداوند راهی پیش پایشان بگذارد! ﴿۱۵﴾ و از میان شما آن مردان و زنانی که [همسر ندارند] مرتکب [زنا] شدند، آنها را فقط آزار رسانید و اگر توبه کردند و به عمل نیک گرویدند از آنها درگذرید، زیرا خداوند بسیار توبه‌پذیر و با گذشت است ﴿۱۶﴾ و پذیرش توبه از جانب خداوند برای کسانی است که کار زشتی را از روی جهالت انجام می‌دهند و سپس به سرعت توبه می‌کنند. خداوند توبهٔ چنین افرادی را می‌پذیرد، بدانید خداوند آگاه و حکیم است! ﴿۱۷﴾ برای آن دسته که کارهای زشت مرتکب می‌شوند و هنگامی که مرگشان فرا می‌رسد می‌گویند، الان توبه کردم! [توبه ای وجود ندارد] و نیز برای کسانی که با کفر و بی‌ایمانی از دنیا می‌روند این‌گونه است. آنها کسانی‌اند که عذابی دردناک برای‌شان مهیا کرده‌ایم ﴿۱۸﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما حلال نیست که با آزار رساندن به زنان از میراث آنها استفاده برید، و آنها را تحت فشار قرار دهید تا قسمتی از آنچه را که به آنها داده‌اید باز پس گیرید! مگر آن که مرتکب عمل زشت آشکاری شده باشند. و بدانید که باید با زنان به نیکی رفتار کنید و اگر از آنان کراهت دارید [سریعاً قصد طلاق نکنید]. چه بسا چیزهایی که خوشایند شما نباشد اما خداوند در آن خیر و برکت بسیار گذاشته است! ﴿۱۹﴾

و اگر چنانچه خواستید زن دیگری را به جای همسران برگزینید و مال فراوانی هم به عنوان مهر به او پرداخته‌اید چیزی از آن را پس نگیرید. آیا برای پس گرفتن آن، به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید؟! ﴿۲۰﴾ و چگونه آن را باز پس می‌گیرید در حالی که شما با یکدیگر رابطه و آمیزش کامل داشته‌اید، و آن‌ها هنگام ازدواج از شما پیمان محکمی گرفته‌اند! ﴿۲۱﴾ و با زنان پدرانتان ازدواج نکنید، مگر آن‌که قبل از نزول این حکم، انجام شده باشد، زیرا این کاری زشت و تنفرآور و راه نادرستی است! ﴿۲۲﴾ حرام شده است بر شما، مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه‌هایتان و خاله‌هایتان و دختران برادرهایتان و دختران خواهرانتان و مادرانی که شما را شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران همسرانتان و دختران همسرانتان که در دامان شما پرورش یافته‌اند، - البته از همسرانی که با آن‌ها آمیزش جنسی داشته‌اید- و چنانچه آمیزش جنسی نداشته‌اید باکی نیست! و نیز زنان پسرانی که از نسل شما هستند، و همچنین ازدواج با دو خواهر همزمان، از این پس همه این‌ها بر شما حرام است. مگر آن‌که قبل از نزول این حکم، به وقوع پیوسته باشد، بدانید خداوند بسیار آمرزنده و با گذشت است ﴿۲۳﴾

و نیز زنان شوهردار (از هر دین که باشند) بر شما حرام است. جز آن کسانی که سرپرستی‌شان را عهده‌دار شده‌اید. این‌ها احکام الهی است که بر شما مقرر می‌شود و غیر از این‌ها (که حرام بودن‌شان ذکر شد) همه بر شما حلال‌اند که با صرف اموال خود، آنان را به نکاح در بیاورید. در حالی که پاکدامن باشند و از زنا خودداری نمایند. و زنانی را که از آن‌ها تمتع می‌گیرید، واجب است که مهرشان را پرداخت کنید، و بر شما باکی نیست چنان‌چه غیر از مهر معین، توافقات دیگری کرده باشید. بدانید خداوند آگاه و حکیم است! ﴿۲۴﴾^۱ و کسی که استطاعت ازدواج با زنان مؤمنه و متشخص را ندارد می‌تواند از کنیزان میان خودتان، آن‌هایی را که مؤمنه هستند به زنی انتخاب کند. و خداوند مراتب ایمان شما را می‌داند - همه از جنس یکدیگرید - پس با اذن سرپرست‌شان آن‌ها را به نکاح خود درآورید و مهر آن‌ها را به نحو شایسته‌ای پرداخت کنید. و باید که پاکدامن باشند نه بی‌عفت، و نه آن‌هایی که پنهانی دوست می‌گیرند. و هنگامی که شوهردار شدند اگر مرتکب زنا شوند حد آن‌ها نصف حد زنان آزاد است. و این برای کسانی از شماست که بیم دارد [از بی‌همسری] به رنج بیافتد. با این همه، اگر صبر پیشه کنید برای شما بهتر است، و خداوند بسیار آمرزنده و باگذشت است ﴿۲۵﴾ و خداوند می‌خواهد [با این احکام راه درست را] بر شما آشکار کند و شما را به سنت‌های حسنه پیشینیان راهنمایی کند و شما را بیامرزد. و بدانید که خداوند دانا و حکیم است ﴿۲۶﴾

^۱ تجاوز به عنف چه در زمان جنگ باشد و چه غیر آن، عملی غیر انسانی و غیر الهی است و محال است خداوند سبحان که خود به نص صریح می‌فرماید؛ "زنان پاک از آن مردان پاک و زنان ناپاک از آن مردان ناپاک"، مجوز تجاوز به عنف را صادر کند. تجاوز، پلبیدی و ناپاکی است، و ناپاکی از آن مردان پاک نمی‌باشد. متأسفانه چنین برداشت‌هایی مختص عده‌ای معدود بوده که آنها خود باید پاسخگوی برداشت‌شان در پیشگاه خداوند پاک باشند. ضمن آن که باید گفت: که "ملکت ایمانکم" به معنای تصاحب به زور نیست. ایمان، از یمین است و یمین به معنای راستی و درستی است. این آیه معانی ظاهری و باطنی متعددی دارد و ما برخی از وجوه مختلف آن را در نکات قرآنی شماره ۵۰۳ و ۴۳۹ شرح داده ایم. لطفاً به آنها رجوع کنید.

خداوند می‌خواهد توبه شما را بپذیرد، اما کسانی که پیروی شهوات می‌کنند می‌خواهند شما به انحرافی بزرگ بیافتید! ﴿۲۷﴾ بدانید، خداوند می‌خواهد بر شما آسان بگیرد چرا که انسان ضعیف آفریده شده است ﴿۲۸﴾ و ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به ناحق مخورید، مگر از راه تجارتي که هر دو طرف به آن راضی باشید. و اقدام به خودکشی مکنید! بدانید که خداوند نسبت به شما با رحمت است ﴿۲۹﴾ و هرکس از روی تجاوز و ستم چنین کند، او را به آتش خواهیم افکند. و چنین کاری برای خدا سهل است! ﴿۳۰﴾ و اگر از گناهان کبیره‌ای که از آن نهی شده‌اید اجتناب کردید، گناهان دیگر شما را محو کرده، و شما را به جایگاهی نیک و پر نعمت وارد می‌کنیم ﴿۳۱﴾ و هیچ‌گاه نعمت‌هایی را که خداوند به دیگران داده، و باعث برتری آن‌ها نسبت به دیگری است، تمنّا نکنید! بدانید مردان را از دستاوردها بهره و نصیبی است. و زنان را نیز از دستاوردها بهره و نصیبی! پس نعمت را از فضل و رحمت الهی طلب کنید، زیرا خداوند بر هر چیزی آگاه است ﴿۳۲﴾ برای همه، وارثانی قرار دادیم که از میراث پدر و مادر و خویشان خود ارث برند. و نصیب هرکس را که با او پیمانی دارید پرداخت کنید، زیرا خداوند بر هر چیزی شاهد و ناظر است ﴿۳۳﴾

مردان [در زندگی مشترک]، سرپرست همسران خود هستند، از آن جهت که خداوند برخی را نسبت به برخی دیگر برتری داده است. و نیز این که مردان از مال خویش نفقه می‌دهند. پس زنان شایسته، فرمانبردار [خداوند] و در غیاب شوهرانشان حقوق آن‌ها را حفظ می‌کنند، و حرمت فرمان خدا را نگاه می‌دارند. اما آن دسته از زنان که از سرکشی و نافرمانی‌شان بیم دارید ابتدا موعظه‌شان کنید، [اگر مؤثر نبود] از مقاربت با آن‌ها دوری کنید، [چنان‌چه باز هم مفید نبود] تنبیه‌شان کنید، و اگر فرمانبردار شدند دیگر نسبت به آن‌ها راه بیداد نگیرید! بدانید خداوند بلند مرتبه و بزرگ است ﴿۳۴﴾ و اگر از جدایی بین زن و شوهر بیم داشتید، یک داور از خانوادهٔ مرد و یک داور از خانوادهٔ زن انتخاب کنید. چنان‌چه آن‌ها نیت اصلاح داشته باشند، خداوند میان‌شان توافق ایجاد می‌کند، بدانید خدا آگاه و داناست ﴿۳۵﴾ پس خداوند بزرگ را پرستش کنید، و هیچ چیز را شریک و همتای او قرار ندهید. و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و همسایهٔ دور و نزدیک و دوستِ همنشین، و در راه مانده و نیز به بندگان خود، نیکی و احسان کنید. و بدانید خداوند، متکبران و فخر فروشان را دوست ندارد ﴿۳۶﴾ و کسانی که هم خود بخل می‌ورزند و هم دیگران را به بخل ورزی وادار می‌کنند، و برکاتی را که خداوند به آن‌ها داده پنهان می‌نمایند [و انفاق نمی‌کنند] بدانند که برای ناسپاسان عذابی خوارکننده مهیا کرده‌ایم! ﴿۳۷﴾

^۱ لطفاً برای شرح و تفسیر آیه، به جلد پنجم کتاب "نکات قرآنی" شماره ۵۳۵ از مترجم مراجعه نمایید.

و کسانی که اموال خود را ریاکارانه انفاق می‌کنند، در حالی که نه خدا را باور دارند و نه روز قیامت را، مثل کسی است که شیطان قرین و همنشین اوست. و چه بد همنشینی است [این شیطان] ﴿۳۸﴾ آخر چه ضرری بر آن هاست، اگر به خدا و روز حسابرسی ایمان داشته باشند و از آن چه خدا روزی‌شان کرده انفاق کنند؟! بدانید خداوند به احوال آنان آگاه است ﴿۳۹﴾ بدانید! خداوند بزرگ، حتی به اندازه ذره‌ای ظلم نمی‌کند. و اگر کار خیری در میان باشد، آن را دو برابر کرده و از جانب خود پاداش بزرگی عطا می‌کند ﴿۴۰﴾ و چگونه است حال آنان، در آن روزی که از هر امتی [نسبت به عملکردشان] شاهد و گواهی بیاوریم و تو را نیز شاهد و گواه این امت بگیریم ﴿۴۱﴾ در آن روز، کسانی که در زندگی کافر و ناسپاس بودند. و از فرمان پیامبر سرپیچی کردند. آرزو می‌کنند که ای کاش با خاک زمین یکسان می‌شدند! زیرا هیچ سخنی را از خداوند، پنهان نتوانند کرد! ﴿۴۲﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی نماز نخوانید، تا زمانی که [به هوش باشید و] بفهمید که چه می‌گویید! هم‌چنین در حال جنابت، تا زمانی که غسل کنید - مگر این که در راه سفر باشید - و اگر بیمارید و یا مسافر و یا قضای حاجت کرده‌اید و یا با زنان آمیزش جنسی داشته‌اید و آب نیافتید، پس با خاک تمیز تیمم کنید. و صورت و دست‌هایتان را با آن خاک مسح کنید. بدانید خداوند بزرگ بخشنده و آمرزنده است ﴿۴۳﴾ آیا ندیده‌ای کسانی را که بهره و نصیبی از کتاب خدا به آن‌ها داده شده [اما به جای هدایت] گمراهی می‌خرند و می‌خواهند شما هم گمراه و حیران باشید؟! ﴿۴۴﴾

خداوند دشمنان شما را بهتر می‌شناسد، بدانید که دوستی خدا و یاری او برای شما کافیت ﴿۴۵﴾ برخی از یهودیان به تحریف سخنان می‌پردازند، می‌گویند: شنیدیم و سرپیچی کردیم یا بشنو و هرگز نمی‌شنوی! و یا «راعنا» (ما را تمحیق کن)، تا با زبان خود حقایق را دگرگون کنند و به دین خدا طعنه زنند در حالی که اگر می‌گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم و یا بشنو و مهلتمان ده، هم برای‌شان بهتر بود و هم به واقعیت نزدیک‌تر! اما خداوند به خاطر ناسپاسی‌شان آن‌ها را نفرین کرده است و به جز عده کمی از آن‌ها ایمان نخواهند آورد ﴿۴۶﴾ ای کسانی که کتاب آسمانی به شما داده شده است! به قرآنی که نازل کرده‌ایم، همان که کتاب شما را هم تأیید می‌کند، ایمان بیاورید: پیش از آن که نقش [هدایت] را از چهره‌هایی محو کنیم و صورت‌ها را به قفا [و به گمراهی پیشین] برگردانیم. و یا هم‌چنان که اصحاب سبت^۱ را نفرین کردیم آن‌ها را هم نفرین کنیم، بدانند که فرمان خداوند شدنی است! ﴿۴۷﴾ بدانید! خداوند هر گناهی را به غیر از شرک به خودش را در مورد هر که بخواهد می‌آمزد، زیرا کسی که برای خداوند شریک و همتایی قایل شود حقیقتاً افترا و گناه بزرگی مرتکب شده است ﴿۴۸﴾ و آیا ندیده‌ای کسانی را که خود را پاک و مطهر نشان می‌دهند؟! حال آن‌که این خداوندست که هر که را بخواهد پاک و قابل ستایش می‌گرداند. بدانید به هیچ کس حتی به قدر رشته باریکی که در شکاف هسته خرماست ظلم نمی‌شود! ﴿۴۹﴾ ببین چگونه بر خداوند بزرگ دروغ و افترا می‌بندند! بدان که همین دروغ، برای اثبات گناه آشکارشان کفایت می‌کند! ﴿۵۰﴾ آیا نمی‌بینی کسانی را که بهره و نصیبی از کتاب آسمانی به آن‌ها داده شده. اما به ساحران و بُتان ایمان می‌آورند، و درباره کافران می‌گویند: که راه آن‌ها نسبت به راه اهل ایمان به هدایت نزدیک‌تر است؟! ﴿۵۱﴾

^۱ گروهی از تبهکاران بنی‌اسرائیل که به اصحاب سبت (اهل شنبه) مشهور شده‌اند. برای اطلاع از سرگذشت آن‌ها به کتب تاریخی و یا تفاسیر رجوع کنید.

آن‌ها کسانی‌اند که خداوند بزرگ، نفرین‌شان کرده است. و کسی را که خداوند نفرین کند هیچ یار و یآوری برایش نیابی ﴿۵۲﴾ آن‌ها اگر نصیبی از حکومت و فرمانروایی داشته باشند، هرگز برای مردم حقی قائل نیستند و بهره‌ای به آن‌ها نمی‌رسانند! ﴿۵۳﴾ و حتی به نعمت‌های خدادادی مردم نیز حسادت می‌کردند! در حالی که ما به خاندان ابراهیم، کتاب و حکمت دادیم و به آن‌ها فرمانروایی بزرگی عطا کردیم ﴿۵۴﴾ پس برخی از آن‌ها به آن ایمان آوردند و برخی دیگر مانع توسعه‌اش شدند، مطمئناً شعله‌های آتش دوزخ آن‌ها را کفایت می‌کند! ﴿۵۵﴾ کسانی که آیات نجات‌بخش ما را انکار کردند به زودی آن‌ها را به آتشی خواهیم افکند که چون پوست‌شان زایل شود، پوستی دیگر بر آن‌ها بپوشانیم، تا عذاب را بچشند! بدانید خداوند پیروزمند و حکیم است! ﴿۵۶﴾ و کسانی که به حقایق ایمان دارند و عملکردشان سراسر خوبی و خدمت است، به بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است وارد کنیم تا جاودانه در آن جا بمانند و با همسران پاک و بی‌عیبی که برای آن‌ها آفریده شده‌اند در زیر سایه‌های گسترده و فرح‌بخش جایشان دهیم ﴿۵۷﴾ که خداوند به شما دستور می‌دهد، تا امانت‌ها را به سلامت به صاحبانشان برگردانید و نیز هرگاه خواستید بین مردم قضاوت کنید با عدل و انصاف حکم کنید، خداوند، چه خوب شما را موعظه می‌کند! بدانید که خدا شنونده و بیناست ﴿۵۸﴾ ای کسانی که به حقایق ایمان دارید! از خداوند اطاعت کنید، از پیامبر و صاحبان راستین حکومت از خودتان، اطاعت کنید. و اگر در چیزی اختلاف کردید، [برای داوری] آن را نزد خدا و پیامبر مطرح کنید: چنان‌چه به خدا و روز حسابرسی ایمان دارید، این کار برای شما خیر و عاقبتی نیکو دارد ﴿۵۹﴾

^۱ جلود (پوست) به واقع کالدهایی هستند که آدمی را فرا گرفته‌اند. از این منظر کالدهای عاطفی و ذهنی نیز از این دست محسوب می‌شوند. در دنیا نیز سلول‌های پوست تبدیل می‌یابند. طبق نظر فیزیولوژیست‌ها، اغلب سلول‌ها هر چند سال یک بار جای خود را به سلول‌های جدید می‌دهند.

آیا نمی‌بینی آن‌هایی را که گمان می‌کنند به آن‌چه که بر تو و قبل از تو نازل شده، ایمان دارند در حالی که می‌خواهند قضاوت و داوری را به طاغوت واگذارند! حال آن‌که به آن‌ها امر شده بود که به طاغوت کافر شوند! بدانید که شیطان می‌خواهد آن‌ها را گمراه و حیران کرده و به بیراهه‌های دور از حقیقت بکشاند ﴿۶۰﴾ و هنگامی که به آن‌ها گفته شود به سوی کلام خدا و پیامبر بیاید، منافقان را می‌بینی که از تو روی می‌گردانند! ﴿۶۱﴾ پس چگونه است هنگامی که به خاطر عملکردشان مصیبتی به آن‌ها می‌رسد، به سوی تو می‌آیند و به خدا قسم می‌خورند که نیت ما جز خوبی و توافق و وحدت چیز دیگری نبوده است! ﴿۶۲﴾ آن‌ها کسانی‌اند که خداوند بزرگ آن‌چه را که در قلب‌هایشان می‌گذرد می‌داند، پس از آن‌ها درگذر و موعظه‌شان کن و با بیانی رسا نتایج اعمالشان را به آن‌ها گوشزد نما ﴿۶۳﴾ و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آن‌که به فرمان خداوند از او اطاعت شود. چنان‌چه مخالفان به خود ستم کرده، به سوی تو آمده بودند و از خداوند آمرزش خواسته بودند پیامبر نیز برای‌شان طلب آمرزش می‌کرد؛ و در این حال خداوند بزرگ را توبه پذیر و با گذشت می‌یافتند ﴿۶۴﴾ و این‌گونه نیست! به پروردگارت قسم که اهل ایمان نیستند مگر آن‌که در نزاع و اختلاف خود، تو را به قضاوت و داوری بطلبند، که در این صورت مطمئناً از حکمی که تو می‌دهی ناراضی نشوند و کاملاً تسلیم گردند ﴿۶۵﴾

و اگر بر آن‌ها مقرر می‌کردیم که نفس‌تان را بکشید و یا ترک دیار خود کنید، مسلماً به جز عده کمی، همه از آن سرپیچی می‌کردند! حال آن‌که اگر به موعظه‌هایی که می‌شدند عمل می‌کردند، برای‌شان بهتر بود و موجب استقامت آن‌ها می‌شد ﴿۶۶﴾ در این صورت ما نیز از جانب خودمان، پاداشی بزرگ به آن‌ها عطا می‌کردیم ﴿۶۷﴾ و بی‌شک به راه درست هدایت‌شان می‌کردیم ﴿۶۸﴾ و کسانی که خداوند و پیامبر را [خالصانه] اطاعت کنند، [بدون تردید در آخرت] همراه آن‌هایی خواهند بود که خداوند، نعمت بی‌کران عطایشان کرده است. همچون پیامبران، قله‌نشینان راستگویی و صداقت، شهدای از جان گذشته، و نیکوکاران با اخلاص! و این‌ها چه دوستان و همنشینان خوبی‌اند! ﴿۶۹﴾ و این لطف، خدادادی است و همین بس که خداوند بدان واقف است ﴿۷۰﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [در مقابل دشمن] آمادگی کامل خود را حفظ کنید. و آن‌گاه دسته دسته و یا به صورت جمعی به میدان روید ﴿۷۱﴾ و از میان شما کسانی هستند که سست عنصر و محافظه‌کارند، هرگاه مصیبتی به شما وارد شود، گویند: خداوند بر ما منت گذاشت که با آن‌ها نبودیم و شاهد [آن مصیبت] نشدیم! ﴿۷۲﴾ و اگر نعمت و برکتی به شما رسد، تو گویی هیچ‌گاه آشنایی و مودت بین شما نبوده است! و گویند: کاش ما هم با آن‌ها بودیم و از این نعمت و پیروزی بزرگ برخوردار می‌شدیم! ﴿۷۳﴾ کسانی که حیات جاوید را به زندگی دنیوی ترجیح می‌دهند باید در راه خدا جهاد کنند. و کسانی که در راه خدا می‌جنگند، با علم به این‌که چه کشته شوند و چه پیروز گردند، به زودی آن‌ها را پاداشی بزرگ خواهیم داد ﴿۷۴﴾

پس چرا در راه خداوند [برای نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید! همان‌هایی که همواره می‌گویند: پروردگارا! ما را از دیار ستمکاران خارج کن و از سوی خودت برای ما یاور و سرپرستی برگزین ﴿۷۵﴾ آن‌ها که حقایق را باور دارند، در راه خدا می‌جنگند، اما آن‌ها که کفر و ناسپاسی وجودشان را گرفته، در راه طاغوت [و تعلقات واهی] پیکار می‌کنند. پس بجنگید با هواداران شیطان! بدانید که نیرنگ شیطان ضعیف است ﴿۷۶﴾ و آیا ندیدی کسانی را که به آن‌ها گفته شد، فعلاً اندیشهٔ جنگ نکنید، بروید نمازتان را بگزارید و زکات‌تان را پردازید! اما آن‌گاه که فرمان جنگ داده شد، جمعی از آنان چنان از مردم می‌ترسیدند که گویی از خدا می‌ترسند و حتی بیشتر! و وحشت‌زده گفتند: پروردگارا! چرا اکنون جنگ را بر ما واجب کرده‌ای؟! چرا آن را اندک زمانی به تأخیر نینداختی؟! [ای پیامبر!] به آن‌ها بگو: ارزش زندگی دنیا اندک است، و زندگی جاوید برای آن که حرمت فرمان خدا را نگاه دارد بهتر است. و بدانید حتی به قدر رشتهٔ باریک موجود در شکاف هستهٔ خرما، به شما ستم نمی‌شود! ﴿۷۷﴾ هر جا که باشید، مرگ شما را در آغوش خواهد گرفت، اگر چه در برج‌های بلند و محکم باشید! چنان‌چه خیر و خوبی به آن‌ها رسد می‌گویند: این از جانب خداوند است. و چنان‌چه بدی و شری دامنگیرشان شود می‌گویند: این از جانب توست! ای پیامبر! بگو: همه از جانب خداست. چه بر سر این قوم آمده که هیچ سخنی را نمی‌فهمند؟! ﴿۷۸﴾ [اما تو ای پیامبر] هر خیری که به تو رسد از جانب خداوند است، اما هر بدی که دامنگیرات شود از جانب خود توست! ما تو را به عنوان پیامبر برای مردم فرستادیم و گواهی خدا در این باره کافی است ﴿۷۹﴾

^۱ قرآن در پیکار با نفس اماره، با شیطان و نیروهایش که صفات ذمیمه هستند، بسیار توصیه می‌کند. زیرا زندگی با وجود اوصاف زشت و مخرب، یک زندگی پاکیزه نخواهد بود. جهاد اکبر، یعنی جهاد با نفس، تلاشی مقدس جهت آزادسازی انسان از پلیدی‌ها و تعلقات درونی‌اش است. درون که پاک شود، بیرون نیز از آن تبعیت خواهد نمود.

هر که از پیامبر اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است و کسی که سرپیچی کند [بر تو باکی نیست]، زیرا ما تو را برای نگهبانی آنها نفرستاده‌ایم! ﴿۸۰﴾ در حضور تو اقرار می‌کنند که فرمانبرداریم، اما وقتی از پیش تو می‌روند گروهی از آنها، در شب‌نشینی‌هایشان غیر از آنچه را که تو می‌گویی باور دارند! خداوند آنچه را که در شب‌نشینی‌هایشان می‌گویند ثبت می‌کند. پس اعتنایی به آنها مکن و بر خداوند بزرگ توکل نما، که توکل به خدا کارساز است ﴿۸۱﴾ پس چرا در قرآن تدبّر نمی‌کنند؟! اگر قرآن از سوی غیر خداوند آمده باشد، باید در آن اختلاف فراوان می‌یافتند! ﴿۸۲﴾ و چون خبری از پیروزی و یا شکست و ناکامی را می‌شنوند [بدون تحقیق] همه جا جار می‌زنند، در حالی که اگر آن را به پیامبر و یا پیشوایانشان ارجاع می‌دادند، توسط قدرت تشخیصی که دارند، باعث می‌شدند که آنها از ریشه‌های حقیقی خبر آگاه شوند. و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود بدون شک جز تعداد اندکی، همگی شما از شیطان پیروی می‌کردید. ﴿۸۳﴾ پس در راه خداوند بزرگ، پیکار کن و بدان که تو فقط مسؤول عملکرد خودت هستی. و اهل ایمان را بر این کار تشویق کن. امید آنکه خداوند شما را از شر و آسیب منکران حقیقت حفظ کند. و بدانید که خداوند بزرگ هم مقتدری نافذ و هم مجازات‌کننده‌ای سخت است! ﴿۸۴﴾ هر کس واسطه کار خوبی شود از آن کار خیر، بهره و نصیبی می‌برد و هر کس واسطه کار شری شود، شرش به او هم می‌رسد، و خداوند بر هر چیز اشراف کامل دارد ﴿۸۵﴾ و هرگاه دیگران بر شما درود و تحیت گویند، شما نیز بهتر از آن و یا [لااقل] مثل آن را در جواب بگویید. و بدانید که خداوند حساب همه چیز را دارد ﴿۸۶﴾

این الله است که جز او معبودی نیست. بدون تردید همه شما را در روز قیامت - که شکی در وجود آن نیست گرد خواهد آورد. آیا راستگوتر از خداوند کسی وجود دارد؟! ﴿۸۷﴾ شما را چه شده است که در رابطه با منافقین دو گروه گشته‌اید؟! مگر نمی‌دانید که خداوند به خاطر عملکردشان، حمایتش را از آن‌ها برداشته و واژگونه‌شان کرده است. آیا می‌خواهید آن‌ها را راهنمایی کنید، در حالی که خداوند گمراه و حیرانشان ساخته است؟! بدان هر که را خداوند گمراه و سرگردان کند، هیچ راهی برایش نخواهی یافت ﴿۸۸﴾ بدانید! که آن‌ها آرزو دارند تا شما هم مثل آن‌ها کافر و ناسپاس شوید تا [در این زشتی] با هم سهیم باشید! آن‌ها را به دوستی انتخاب نکنید مگر آن‌که [توبه کرده و] در راه خداوند هجرت کنند. و چنان‌چه سرپیچی کردند [و بر ضد شما اقدام کردند]، هر جا آن‌ها را یافتید اسیر کنید و [در صورت احساس خطر] بکشید. و از میان آنان هیچ‌گاه دوست و سرپرست و یآوری برنگزینید ﴿۸۹﴾ مگر کسانی که با هم‌پیمانان شما، پیمان بسته‌اند. و یا آن‌هایی که به سوی شما می‌آیند در حالی که نه سر جنگ دارند، و نه توان همکاری با شما بر ضد قوم خود را دارا هستند. بدانید اگر خدا می‌خواست، آن‌ها را بر شما مسلط می‌کرد و توان جنگیدن به آن‌ها می‌داد! پس اگر از شما منصرف شدند و قصد جنگ با شما را نداشتند بلکه پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد به آن‌ها تعرض و تجاوز کنید! ﴿۹۰﴾ و جماعت دیگری از آن‌ها را می‌بینی که هم می‌خواهند از دست شما در امان باشند. هم از دست قوم خود! اما هر زمان که آن‌ها را به سوی فتنه بخوانند با سر می‌روند! اگر این‌ها هم از درگیری با شما خودداری نکردند، و پیشنهاد صلح ندادند، و از اقدام برضد شما دست نکشیدند. هر جا آن‌ها را یافتید، یا اسیر کنید و یا بکشید؛ که شما را بر آن‌ها تسلطی آشکارا بخشیده‌ایم! ﴿۹۱﴾

هیچ فرد با ایمانی، مجاز نیست فرد با ایمان دیگری را به قتل برساند. مگر این که از روی خطا مرتکب این امر شده باشد! پس اگر کسی فرد با ایمانی را از روی خطا به قتل رساند. باید [به کفاره آن]، یک برده مؤمن را آزاد کند. و خون‌بهای مقتول را نیز به خانواده‌اش پرداخت کند! مگر آن که آن‌ها خون‌بها را ببخشند. و اگر مقتول، مؤمن، ولی از جماعت و قومی باشد که دشمن شما هستند، فقط برده مؤمنی را آزاد کند؛ و اگر از قومی است که جزو هم‌پیمانان شما هستند، هم برده مؤمنی را آزاد کند و هم خون‌بها را به خانواده‌اش پرداخت نماید. و چنانچه برده‌ای نیافت به نیت توبه، دو ماه پی در پی روزه بگیرد؛ بدانید خداوند بزرگ آگاه و حکیم است ﴿۹۲﴾ و اما اگر کسی از روی عمد، اهل ایمانی را به قتل رساند جزای او جهنم است. و در آن جاودان خواهد بود، و خدا بر او خشم می‌گیرد و نفرین می‌کند، زیرا خداوند برای او عذابی بزرگ مهیا کرده است! ﴿۹۳﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون [برای جهاد] در راه خدا خارج می‌شوید، تحقیق و تفحص کنید و به خاطر به دست آوردن مادیات دنیا و غنایم، به کسی که به شما اظهار صلح و سلام کند مگویید: مؤمن نیستی! [تا بدین بهانه او را از پای درآورده و غنیمتی به چنگ آورید] بدانید که غنیمت‌های بزرگ و حقیقی نزد خداوند است. البته قبلاً این چنین بودید ولی خداوند بر شما منت نهاد. پس تحقیق کنید! بدانید که خداوند بزرگ بر عملکردتان آگاه است ﴿۹۴﴾

اهل ایمانی که راحت طلبند، و بی هیچ عذری در راه خدا پیکار نمی‌کنند هرگز با مجاهدانی که از جان و مال خویش می‌گذرند مساوی نیستند! خداوند مجاهدانی را که از جان و مال خویش می‌گذرند، بر ترک کنندگان جهاد برتری [مهمی] داده است. خداوند همه را نسبت به عملکرد خوب‌شان وعده پاداش نیک داده است. اما مجاهدان را بر ترک کنندگان جهاد با پاداش بزرگ‌تری برتری داده است! ﴿۹۵﴾

[آن هم برتری] با درجاتی الهی، همراه با آمرزش و رحمت! بدانید که خداوند بسیار آمرزنده و باگذشت است ﴿۹۶﴾ و کسانی که به خود ظلم کرده‌اند وقتی فرشتگان جان‌شان را بگیرند، از آن‌ها می‌پرسند: عملکردتان چه بود؟! [دست به توجیه برداشته] می‌گویند: [اگر می‌بینید عملکرد خوبی نداریم به خاطر این است که] ما را روی زمین مستضعف و ناتوان کرده بودند! و فرشتگان گویند: آیا زمین خدا وسیع نبود تا مهاجرت کنید و به نقطه دیگری بروید؟! بدون تردید جایگاه آنان جهنم است، و چه بد سرنوشتی است [این جهنم] ﴿۹۷﴾ فقط گروهی از آن‌ها استثناء می‌شوند. و آن‌ها مردان و زنان و کودکانی هستند که حقیقتاً هیچ چاره‌ای ندارند و راه به جایی نمی‌برند ﴿۹۸﴾ امید آن که خداوند از آن‌ها درگذرد زیرا خداوند بزرگ، عفوکننده و آمرزنده است ﴿۹۹﴾ و بدون تردید هرکس در راه خدا مهاجرت نماید، در روی زمین از نعمت‌ها و گشایش‌های بسیاری برخوردار می‌شود! و کسی که از خانه خود خارج شده تا به سوی خدا و پیامبرش مهاجرت کند و در این راه مرگش فرا رسد، بی‌شک پاداش او بر خداوند بزرگ است و بدانید خدا بسیار آمرزنده و باگذشت است! ﴿۱۰۰﴾ و هنگامی که مسافر هستید، بر شما گناهی نیست اگر از بیم آسیب کافران، نمازتان را کوتاه کنید زیرا کافران دشمنان آشکار شما هستند ﴿۱۰۱﴾

^۱ مهاجرت به سوی خدا و رسولش، آیا جز یک «سلوک» همه جانبه است؟! اگر روح آدمی بداند که او را به سوی محبوب می‌خوانند، با تمام وجود، بند تعلقات را زدوده، رهسپار می‌شود و تا به حقیقت واصل نگردد، آرام نمی‌گیرد!

و هنگامی که با اهل ایمان در میدان جنگ، قصد برپایی نماز را داشته باشی، باید گروهی از اهل ایمان در حالی که اسلحه خود را در برگرفته‌اند با تو، به نماز بایستند [و گروه دیگر نگهبانی دهند]، و هنگامی که نماز را به پایان رساندند بروند از پشت، مراقب شما باشند. و عده‌ای دیگر که نماز نگزارده‌اند بیایند و با تو نماز برپا کنند. آن‌ها باید کلیه وسایل دفاعی و اسلحه خود را هنگام نماز با خود داشته باشند، زیرا کافران آرزو می‌کنند تا شما از وسائل دفاعی و جنگ افزارهایتان غفلت کنید تا به یک باره بر شما یورش آورند! و اگر ریزش باران آزارتان می‌دهد، و یا اگر بیمار و مجروح هستید باکی نیست که اسلحه خود را زمین بگذارید، ولی سایر وسایل دفاعی را همراه داشته باشید. بدانید خداوند عذاب خوارکننده‌ای برای کافران مهیا کرده است! ﴿۱۰۲﴾ و هنگامی که نماز را به پایان بردید، خداوند بزرگ را در هر حال - چه نشسته، چه ایستاده، چه خوابیده به پهلو - یاد کنید. و آن‌گاه که احساس امنیت کردید نماز را [آنگونه که شایسته آن است] به جا آورید، زیرا نماز برای اهل ایمان یک وظیفه معین است ﴿۱۰۳﴾ و در تعقیب دشمن و غلبه بر او سست و ناامید مشوید. و اگر رنج و آزاری می‌بینید بدانید که آن‌ها نیز چون شما در رنج و آزارند [با این تفاوت که] شما به خداوند امید دارید در حالی که چنین امیدی برای آن‌ها وجود ندارد! بدانید خداوند بزرگ آگاه و حکیم است ﴿۱۰۴﴾ ما این قرآن را به حق، بر تو نازل کردیم تا به آن چه خداوند با چشم یقین به تو آموخته در بین مردم حکم کنی و از خائنان حمایت نکنی! ﴿۱۰۵﴾

و از خداوند بزرگ طلب آمرزش کن، زیرا خدا بسیار آمرزنده و با گذشت است ﴿۱۰۶﴾ و [برای دفاع] از کسانی که به خود خیانت ورزیده‌اند مجادله مکن، زیرا خداوند هیچ خائن گنهکاری را دوست ندارد ﴿۱۰۷﴾ [زیرا] آن‌ها از مردم می‌ترسند (زشت کاری‌شان را پنهان می‌کنند). اما از خدا نمی‌ترسند، در حالی که خداوند همیشه با آن‌هاست! حتی در آن شب‌نشینی‌هایشان سخنانی بر زبان آوردند که موجب خشنودی خدا نبود، بدان! خداوند نسبت به عملکردشان اشراف کامل دارد ﴿۱۰۸﴾ آری، این شماست که در زندگی دنیا از آن‌ها دفاع کردید. اما کیست که در برابر خداوند و در روز قیامت از آن‌ها دفاع کند و وکالت‌شان را بر عهده گیرد؟! ﴿۱۰۹﴾ بدانید کسی که عمل زشتی را مرتکب شود و یا ظلمی به خودش روا دارد سپس [پشیمان شده] از خداوند طلب آمرزش نماید، خدا را آمرزنده و با گذشت خواهد یافت ﴿۱۱۰﴾ هرکس گناهی مرتکب شود، به خودش زیان رسانده است. و خداوند آگاه و حکیم است ﴿۱۱۱﴾ و هرکس که خطا یا گناهی مرتکب شود و آن را به گردن بی‌گناهی بیاندازد بار بُهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده است ﴿۱۱۲﴾ و اگر فضل و رحمت خداوند بر تو نبود، بدون شک گروهی از دشمن، قصد گمراهی تو را داشتند حال آن‌که آن‌ها جز خودشان [کس دیگری] را گمراه نمی‌کنند! و بدان که نمی‌توانند هیچ زبانی بر تو وارد کنند، زیرا خداوند، قرآن و حکمت را بر تو نازل کرده و آن‌چه را نمی‌دانستی به تو تعلیم داده است. بدان که فضل و رحمت خداوند بر تو بسیار بزرگ است! ﴿۱۱۳﴾

هیچ خیری در بسیاری از نجواهایشان وجود ندارد، مگر آن که کسی امر به نیکی و خدمت به دیگران کند. و یا اقدام به اصلاح امور مردم نماید! و کسی که به خاطر رضایت خداوند، این کار را انجام دهد به زودی پاداش بزرگی به او خواهیم داد ﴿۱۱۴﴾ و کسی که بعد از آشکار شدن راه حق و هدایت، به مخالفت با پیامبر برخیزد و از راهی برود که غیر از راه اهل ایمان است، ما هم به همان راهی که دوست دارد او را بر می گردانیم! و به جهنّمش می افکنیم و بد سرنوشتی است [این جهنّم] ﴿۱۱۵﴾ خداوند بزرگ کسی را که به او شرک بورزد نمی آمرزد. اما هر گناهی پایین تر از آن را نسبت به هر که صلاح بداند، می بخشد زیرا کسی که برای خداوند همتایی قائل شود بدون تردید به بیراهه های گمراهی و حیرانی افتاده است ﴿۱۱۶﴾ آنچه به جای خدا می خوانند چیزی نیست جز الهه های [بی روح و بی خاصیت]. و نیز شیطانی که سرکش و ویرانگر است! ﴿۱۱۷﴾ نفرین خداوند بر شیطان، آن گاه که گفت: گروهی از بندگان تو را به عنوان سهم خودم در اختیار خواهم گرفت ﴿۱۱۸﴾ و بدون تردید گمراهشان می کنم و با آرزوهای [واهی] آنها را سرگرم می سازم و به [انجام اعمال خرافی، چون] شکافتن گوش های چهارپایان و ادارشان می کنم، فرماندهی شان می کنم تا آفرینش خدا را دگرگون کنند. بدانید هر کس شیطان را به جای خداوند، به عنوان سرپرست و تکیه گاه خود برگزیند، بی شک زبان آشکاری کرده است! ﴿۱۱۹﴾ شیطان به آنها وعده می دهد و وجودشان را مملو از تمنا و آرزوهای واهی می کند، بدانید که وعده شیطان به آنها، جز فریب و نیرنگ نیست! ﴿۱۲۰﴾ آنها جایگاهشان جهنّم است و هیچ راهی برای فرار از آن نمی یابند ﴿۱۲۱﴾

و اما کسانی که به حقایق ایمان دارند، و پیوسته عملکردشان خوبی و خدمت است. به زودی همه آنها را به بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است وارد می‌کنیم و آنها در آنجا جاویدانند. این وعده حقیقی از جانب خداست و کیست که از خداوند بزرگ راستگوتر باشد؟! ﴿۱۲۲﴾ این نه خوشایند شماست و نه خوشایند اهل کتاب، که کسی را که عملکرد زشت و پلیدی دارد به سزایش برسانیم، آن هم در روزی که [به غیر از خدا هیچ دوست و یآوری نمی‌یابد! ﴿۱۲۳﴾ کسانی که عملکرد خوب و مفید داشته باشند، در حالی که به حقایق ایمان دارند - چه مرد باشند و چه زن - بدون تردید به بهشت وارد می‌شوند. و کمترین ظلمی به آنها نخواهد شد ﴿۱۲۴﴾ و دین چه کسی زیباتر از دین کسی است که سراپای وجودش تسلیم خداوند شده است؟! در حالی که نیکوکار است و از آیین پاک یکتاپرستی ابراهیم پیروی می‌کند! و [این چنین است که] خدا ابراهیم را به عنوان دوست خود برگزید! ﴿۱۲۵﴾ بدانید آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن خداوند است. و خداوند بزرگ بر هر چیزی احاطه دارد ﴿۱۲۶﴾ از تو، درباره زنان فتوی می‌خواهند. بگو: خداوند درباره آنها در این قرآنی که بر شما خوانده می‌شود فتوی داده است، آن هم در مورد زنان یتیمی که حقوق‌شان را پرداخت نمی‌کنید و می‌خواهید با آنها ازدواج کنید! و نیز در مورد کودکان صغیر و ناتوان، سفارش شده است؛ با یتیمان با عدالت رفتار کنید. و بدانید آنچه از خوبی و خدمت انجام دهید، خداوند از آن آگاه است!

﴿۱۲۷﴾

^۱ امام باقر (ع): خداوند، ابراهیم را خلیل خود قرار داد. چون دست رد به سینه هیچ کس نزد و از هیچ کس هم جز خداوند، چیزی نخواست. علل الشرایع، ص ۳۴.

و اگر زنی بیم آن داشت که بی‌توجهی و دوری شوهرش از او [باعث جدایی شود] باکی نیست که هر دو نسبت به صلح و سازش ما بین یکدیگر اقدام کنند زیرا صلح و سازش بهترین چیزهاست، اگرچه مردم [در این مورد] بخل می‌ورزند! اما شما نیکی کنید. و گذشت داشته باشید. و حرمت نگاه دارید، زیرا خداوند نسبت به عملکردتان آگاه است ﴿۱۲۸﴾ البته هرچه تلاش کنید هرگز نمی‌توانید بین زنانان عدالت را برقرار کنید؛ اما تمام توجه و توانتان را معطوف یکی نکنید، تا همسران دیگرتان را بلاتکلیف رها کرده باشید! و اگر سازش کنید و حرمت نگاه دارید، خداوند نیز بسیار بخشنده و باگذشت است ﴿۱۲۹﴾ و [اگر سازگاری نشد و] آن دو از هم جدا شدند، خداوند هر دو را به فضل خویش بی‌نیاز می‌کند، زیرا خدا گشایش دهنده و حکیم است ﴿۱۳۰﴾ و آن‌چه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین است، از آن خداوند است. ما هم به شما و هم به اهل کتاب، که قبل از شما بودند وصیت کردیم که حرمت خداوند بزرگ را نگاه دارید، و اگر کفر و ناسپاسی پیشه کردید بدانید آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست، و خداوند بی‌نیاز و درخور ستایش است ﴿۱۳۱﴾ و آن‌چه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین است از آن خداست و خداوند برای نگهداری آن‌ها کافی است ﴿۱۳۲﴾ ای مردم! اگر خدا بخواهد همه شما را از بین می‌برد و مردم دیگری را جایگزین شما می‌کند، و خداوند بر چنین کاری تواناست ﴿۱۳۳﴾ هرکس پاداش دنیوی بخواهد بداند که هم پاداش دنیوی و هم آخروی هر دو نزد خداست، و خداوند بزرگ، شنوا و بیناست ﴿۱۳۴﴾

ای اهل ایمان! از برپاکنندگان عدل باشید. گواهان راستگوی خدا شوید اگرچه به ضرر خود یا پدر و مادر و نزدیکانتان باشد. چه فقیر باشند و چه بی‌نیاز. بدانید که خدا در حمایت از آن‌ها سزاوارتر از هر کس دیگر است! پس از هواهای نفسانی تبعیت نکنید، که از راه حق و انصاف منحرف خواهید شد. و اگر حقیقت را تحریف کردید و یا از آن دوری جستید بدانید که خداوند بر عملکردتان آگاه است ﴿۱۳۵﴾ ای کسانی که حقایق را باور دارید! به خداوند و پیامبرش و قرآنی که بر او نازل کرده و هم‌چنین کتابی که پیش از آن فرستاده، ایمان بیاورید. و هرکس خدا و فرشتگانش و کتاب‌هایش و پیامبرانش و روز حسابرسی را انکار کند، بداند که در گمراهی و حیرانی سختی گرفتار آمده است! ﴿۱۳۶﴾ بی‌شک خداوند، آن‌هایی را که ایمان آوردند سپس کافر شدند، دوباره ایمان آوردند و باز کافر شدند، و بر کفر و ناسپاسی خود هر روز افزودند، نخواهد بخشید و به راه نجات هدایتشان نخواهد کرد! ﴿۱۳۷﴾ مژده رسان به منافقان که عذاب دردناکی در انتظارشان است! ﴿۱۳۸﴾ کسانی که کافران را به جای اهل ایمان دوست و تکیه‌گاه خود انتخاب کرده‌اند، آیا عزّت و اقتدار را نزد آن‌ها می‌جویند؟! بدانید که تمامی عزّت و اقتدار از آن خداوند است ﴿۱۳۹﴾ و در قرآن، خدا برای شما نازل کرد: هنگامی که شنیدید آیات خدا را عده‌ای انکار و مسخره می‌کنند، با آنان همنشینی نکنید تا به بحث دیگری بپردازند و [اگر آن‌ها را ترک نکردید] شما هم یکی از آنان خواهید بود. و بدانید که خداوند هم منافقان و هم کافران را در جهنم گرد خواهد آورد! ﴿۱۴۰﴾

عده‌ای که همیشه مراقب شما هستند، وقتی فتح و پیروزی از جانب خداوند به دست آورید گویند: مگر ما با شما نبودیم؟! و هنگامی که اهل کفر پیروز شوند [به طرف آنان رفته] می‌گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم سازش با اهل ایمان، تشویق نمی‌کردیم؟! بی‌شک خداوند در روز قیامت میان شما حکم خواهد کرد! و خدا هیچ‌گاه بی‌ایمانان را بر اهل ایمان مسلط نخواهد کرد! ﴿۱۴۱﴾ منافقین می‌خواهند خدا را فریب دهند، حال آن‌که این خداست که آن‌ها را فریب می‌دهد! و هنگامی که به نماز اقدام می‌کنند کسل و بی‌روح اند و در برابر مردم دست به ریاکاری می‌زنند. و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند ﴿۱۴۲﴾ حیران و دودل [بین کفر و ایمانند]. نه از این‌ها هستند و نه از آن‌ها. این چنین است وقتی خدا بخواهد کسی را در گمراهی گذارد، برایش راه چاره‌ای نمی‌یابی ﴿۱۴۳﴾ ای کسانی که حقایق را باور کرده‌اید. کافرانِ ناسپاس را به جای اهل ایمان، سرپرست و تکیه‌گاه خود مگیرید. آیا می‌خواهید با این کار، در پیشگاه خداوند دلیل آشکاری علیه خودتان داشته باشید؟! ﴿۱۴۴﴾ بدان که منافقان در پایین‌ترین مرحلهٔ دوزخ قرار دارند و هیچ یار و یابوری برای‌شان نخواهی یافت! ﴿۱۴۵﴾ و اما کسانی که توبه کردند و [با اعمال نیک]، جبران گذشته را نمودند. و به خداوند اعتماد کردند. و دین را فقط خالصانه برای خدا خواستند، بی‌شک آنان همراه و همداستان اهل ایمانند، و به زودی خداوند، اهل ایمان را پاداشی بزرگ خواهد داد ﴿۱۴۶﴾ اگر شکرگزار و حرمت‌نگهدار باشید و به حقایق ایمان آورید، هیچ عذابی از جانب خداوند دامنگیرتان نخواهد شد، زیرا خداوند قدرشناس و آگاه است ﴿۱۴۷﴾

خداوند بلندکردن صدا به بدگویی و ناسزا را دوست ندارد، مگر آن که [صدای مظلوم بیچاره‌ای باشد که] به او ظلم شده است. و بدانید که خداوند شنوا و آگاه است ﴿۱۴۸﴾ چه کار خوب را آشکارا انجام دهید و چه پنهان به آن اقدام کنید، و نیز اگر از بدیها گذشت کنید، بدانید که خداوند نیز مقتدری باگذشت است ﴿۱۴۹﴾ کسانی هستند که خدا و پیامبرانش را انکار می‌کنند و می‌خواهند بین خدا و پیامبرانش تفرقه بیندازند و می‌گویند: ما بعضی را قبول داریم و بعضی را قبول نداریم! و با این کار می‌خواهند راه [فرار و چاره‌ای] برای خود دست و پا کنند ﴿۱۵۰﴾ بدان که این‌ها کافر حقیقی‌اند و برای کافران ناسپاس عذابی خوار کننده مهیا کرده‌ایم! ﴿۱۵۱﴾ [بدانید] کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند میان احدی از پیامبرانش فرق نمی‌گذارند و به زودی پاداش‌شان را خداوند خواهد داد، زیرا خداوند بزرگ بسیار آمرزنده و باگذشت است ﴿۱۵۲﴾ [ای پیامبر!] اهل کتاب از تو می‌خواهند که از آسمان، کتاب [ویژه‌ای] برای آن‌ها نازل کنی؛ بدان که آن‌ها بزرگتر از این خواسته را از موسی داشتند. آن‌جا که گفتند: ای موسی، خدا را نشانمان ده! پس صاعقه‌ای مرگبار به خاطر ظلم‌شان، دامنگیر آن‌ها شد. سپس به حرکت زشت گوساله‌پرستی اقدام کردند، آن هم بعد از آن که حقایق برای‌شان روشن شده بود! اما [دیگر بار] ما از آن‌ها گذشت کردیم و به موسی دلیل و معجزه‌ای آشکار عطا کردیم ﴿۱۵۳﴾ و بالای سرشان کوه طور را نگه داشتیم و در همان حال از آن‌ها پیمان گرفتیم و گفتیم از دروازه «بیت المقدس» سجده کنان وارد شوید و در روز شنبه^۱ از فرمان خدا سرپیچی نکنید. به هر حال از آنان پیمان سختی گرفتیم! ﴿۱۵۴﴾

^۱ روز شنبه از جانب خداوند امتحانی برای قوم بنی‌اسرائیل بود؛ زیرا خداوند از آن‌ها خواسته بود که در آن روز دست از کار و صید بکشند. اما برخی از آنان آبیگرهایی درست کردند، و هنگام بالا آمدن آب دریا ماهی‌ها را در آن آبیگرها به دام می‌انداختند تا روز بعد از شنبه آن‌ها را صید کنند!

و به خاطر پیمان شکنی، انکار آیات خداوند، کشتن ناحق پیامبران، و نیز این که گفتند: قلب‌های ما در پرده‌ای است [و سخن پیامبران را نمی‌فهمیم، از درگاه خدا رانده شدند]. بدانید خداوند به علت کفر و انکارشان قلب‌هایشان را از درک حقایق عاجز نموده و جز عده اندکی ایمان نمی‌آورند ﴿۱۵۵﴾ و این‌ها هم به خاطر کفرشان بود، و هم به خاطر بهتان بزرگی که به مریم زدند ﴿۱۵۶﴾ و [هم این که] گفتند: ما مسیح، عیسی پسر مریم، پیامبر خدا را کشتیم در حالی که نه او را کشتند و نه به صلیب کشیدند بلکه امر به آن‌ها مشتبه شد. و کسانی که در مورد مسیح اختلاف می‌کنند، در شک و تردیدند و به حقیقت ماجرا آگاهی ندارند و جز از ظن و گمان خود پیروی نمی‌کنند. بدانید یقیناً مسیح را نکشته اند ﴿۱۵۷﴾ بلکه خداوند او را به سوی خویش بالا برد. و خدا مقتدری حکیم است ﴿۱۵۸﴾ و هر اهل کتابی سرانجام [به حقیقت مسیح] ایمان خواهد آورد هر چند در لحظه قبل از مرگش (آن‌گاه که پرده‌ها کنار می‌رود). و در روز قیامت، مسیح شاهد و گواहشان خواهد بود ﴿۱۵۹﴾ و به خاطر ظلمی که یهود روا داشتند و نیز به خاطر مانع تراشی‌هایی که در راه خدا می‌کردند، بسیاری از چیزهای پاکیزه را که بر آنان حلال بود، حرام کردیم! ﴿۱۶۰﴾ و به خاطر رباخواریشان که از آن نهی شده بودند و نیز به سبب خوردن اموال مردم به ناحق، ما عذاب دردناکی را برای ناسپاسانِ آن‌ها تدارک دیده‌ایم ﴿۱۶۱﴾ اما آن دسته از آنان که در علم و آگاهی ثابت قدم و استوارند و نیز مؤمنانی که به آن‌چه به تو، و قبل از تو نازل شده ایمان دارند، و نماز به پا می‌دارند و زکات اموال‌شان را پرداخت می‌کنند، و به خدا و روز حسابرسی ایمان دارند، به همه آن‌ها پاداشی بزرگ عطا خواهیم کرد ﴿۱۶۲﴾

^۱ مسیح اسم معنایی است زنده و حیات بخش. که اساساً نه کشته شدنی است و نه به صلیب کشیدنی.

ما به تو وحی کردیم، همان‌گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی کردیم، و نیز به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندانش و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی کردیم، و به داوود زبور را عطا کردیم ﴿۱۶۳﴾ و پیامبرانی را پیش از این، داستان و سرگذشت‌شان را برایت بیان کردیم. و پیامبرانی را هنوز سرگذشت‌شان را برایت نگفته‌ایم. و بدان که خداوند با موسی سخن گفت ﴿۱۶۴﴾ و پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند! تا در پیشگاه خداوند، بر مردم حجت تمام باشد. و آن‌ها بعد از پیامبران [بهانه‌ای نداشته باشند]. و خداوند مقتدر و حکیم است ﴿۱۶۵﴾ و خداوند شهادت می‌دهد آنچه را که بر تو نازل کرده از روی علم و آگاهی خویش نازل کرده است. فرشتگان نیز این گواهی را می‌دهند حال آن‌که شهادت و گواهی خدا کافی است ﴿۱۶۶﴾ بدانید! آن‌ها که به حقایق کافر شدند و مانع ورود مردم به راه خدا می‌شوند، در گمراهی و حیرانی سختی گرفتار آمده‌اند ﴿۱۶۷﴾ و خداوند ناسپاسان کفر پیشه‌ای را که ستم می‌کنند نمی‌آمزد و به راه نجات راهنمایی نمی‌کند ﴿۱۶۸﴾ مگر به راه جهنمی که قرار است در آن جاودانه بمانند! و این کار بر خداوند آسان است ﴿۱۶۹﴾ ای مردم! پیامبر به حق از جانب خداوند به سوی شما آمده است، پس به او ایمان بیاورید که خیر شما در آن است! و اگر انکار کنید بدانید! آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست و خداوند بزرگ، آگاه و حکیم است ﴿۱۷۰﴾

ای اهل کتاب! در دین تان غلو نکنید و در رابطه با خدا جز حق نگوئید. بدانید که مسیح، عیسی پسر مریم، فقط پیامبر خداست و کلمه‌ای است که به مریم القاء کرده است. و روحی (متعالی) از اوست! پس به خداوند و پیامبران‌ش ایمان بیاورید و نگوئید [خداوند] سه گانه است. این کلام را بس کنید، که خیر شما در آن است! بدانید که الله خدای واحد است. و او از این که فرزندی داشته باشد پاک و مبراست؛ زیرا تمام آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است برای اوست. و خداوند بزرگ برای تدبیر و کارسازی آنها کافی است ﴿۱۷۱﴾ و هرگز مسیح ابایی ندارد که بنده خدا باشد، حتی فرشتگان مقرب نیز این گونه‌اند. و کسی که از عبادت و پرستش خداوند ابا داشته باشد و تکبر بورزد، بداند خداوند به زودی همه آنها را نزد خودش جمع خواهد کرد! ﴿۱۷۲﴾ و اما کسانی که ایمان آورده‌اند و عملکردشان سراسر خیر و خدمت است، پاداش‌شان را خداوند عطا خواهد کرد. بلکه از فضل خود بر آنها خواهد افزود! و اما کسانی که از پرستش حق ابا کنند و تکبر ورزند بدون شک عذاب دردناکی را به آنها خواهد چشاند. و هیچ یار و یآوری غیر از خداوند بزرگ نخواهند یافت ﴿۱۷۳﴾ ای مردم! برهان و دلیل محکمی از جانب خدا برای شما آمده است زیرا برایتان نور آشکاری نازل کرده‌ایم ﴿۱۷۴﴾ اما آنان که به خداوند ایمان آوردند و به او توسل جستند، به زودی آنها را به [دریای بی‌کران] فضل و رحمت خویش وارد می‌کند و به راه درست و نجات بخش هدایت‌شان می‌نماید ﴿۱۷۵﴾

^۱ امام صادق (ع): به هوش باشید که غلات (غلو کنندگان) جوانان شما را فاسد نکنند زیرا غلات، بدترین خلق خدایند. عظمت خدار را پایین می‌آورند و برای بندگان خدا، ادعای خدایی می‌کنند. آمالی، ص ۶۵.

ای پیامبر! از تو فتوا می‌خواهند؛ بگو خداوند در مورد «کلاله» می‌گوید، اگر کسی بمیرد و فرزندی نداشته باشد و خواهری داشته باشد، به آن خواهر نصف میراث می‌رسد. و اگر خواهری بمیرد و برادری داشته باشد برادر میراث او را به ارث می‌برد، چنانچه خواهر، فرزندی نداشته باشد. و اگر دو خواهر از میتی بمانند دو سوم میراث را می‌برند، و اگر وارثان جمع برادران و خواهران باشند، میراث بین آنها تقسیم می‌شود و برای برادر دو برابر سهم خواهر است. خداوند احکام خود را برای شما بیان می‌کند تا گمراه و حیران نشوید. و بدانید که خداوند بزرگ بر همه چیز داناست! ﴿۱۷۶﴾

سوره مائده

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ای اهل ایمان! به قراردادهایتان وفادار باشید. بدانید که [گوشت] حیوانات چهارپا بر شما حلال شده است، مگر آنهایی که [بعد از این] گفته می‌شود. و شکار، در حال احرام (در مراسم حج) را حلال مپندارید. قطعاً خداوند به آن چه صلاح بداند، حکم می‌کند ﴿۱﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! حرمت شعائر و مراسم الهی را نشکنید. و هم‌چنین حرمت ماه حرام و قربانی‌های بی‌نشان و نشان دار آرا، و نیز حرمت آنها که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل و خشنودی او می‌آیند، نگاه دارید. اما هنگامی که مراسم تمام شد و از احرام درآمدید، شکار کردن برای شما مانعی ندارد. مراقب باشید که کینه و دشمنی نسبت به کسانی که قبلاً شما را از [حج] و مسجد الحرام بازداشتند، باعث نشود که تعدی و تجاوز کنید! و باید در انجام کارهای نیک و شایسته و رشد و توسعه پرهیزکاری همکاری کنید، و هرگز بر انجام گناه و تجاوز متحد نشوید. و حرمت فرمان خدا را نگاه دارید، زیرا مجازات خداوند، سخت و طاقت فرساست ﴿۲﴾

^۱ کلاله: برادر و خواهر متوفی، چنانچه به علت وجود نداشتن فرزند یا پدر یا مادر، وارث او بگردند.

^۲ بی‌نشان آن قربانی است که به عنوان هدیه تقدیم خانه خدا گردد و نشان‌دار آن است که برای ذبح در مراسم حج اختصاص یافته.

بر شما حرام شد، گوشت مُردار، و خون و گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا ذبح شده است، هم‌چنین حیواناتی که خفه شده‌اند و [یا آن دسته که] با زجر کشته شده و یا از بالای بلندی پرت شده‌اند. و نیز بر شما حرام است حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگری هلاک شده، و یا گوشت حیوانی که باقی مانده غذای حیوانات درنده است، مگر آن که هنوز نمرده باشد [و به موقع برسد] و آن را ذبح کنید، و [باز بر شما حرام است] آنچه به نیت بتان ذبح شده، هم‌چنین آن گوشتی که به واسطه قرعه چوب‌های قمار تقسیم می‌شود، که این کاری زشت و ناپسند است! امروز کفار ناسپاس از دین شما مأیوس شدند، از آن‌ها نترسید، بلکه از من پروا داشته باشید. امروز دین را به سرحد کمال رساندم. و نعمتم را بر شما تمام کردم. و راضی شدم که اسلام دین شما باشد. و برای کسی که مجبور و ناچار است، بدون آن که تمایل به گناه داشته باشد [می‌تواند از آن گوشت‌های ممنوع بخورد و] باکی نیست، و خداوند بسیار آمرزنده و باگذشت است ﴿۳﴾ و باز از تو می‌پرسند: چه چیزهای دیگری برای آن‌ها حلال است، بگو: هرچیز پاکیزه‌ای برای شما حلال است. حتی صیدی که پرندگان شکاری و سگان شکاری که به آن‌ها شکار کردن را آموخته‌اید - آن‌چنان که خدا به شما آموخته است - حلال و پاکیزه است. از گوشت صیدی که آن‌ها به دست می‌آورند بخورید، و نام خدا را بر آن بخوانید. و حرمت فرمان خداوند را نگاه دارید و بدانید! که خداوند همه حساب‌ها را سریعاً رسیدگی می‌کند ﴿۴﴾ اما امروز، همه چیزهای پاکیزه را بر شما حلال کردم. غذای اهل کتاب بر شما حلال است و غذای شما نیز بر آن‌ها حلال است. هم زنان پاکدامن اهل ایمان و هم زنان پاکدامن اهل کتاب‌های آسمانی قبل از شما، در صورتی که مهر آن‌ها را پرداخت نمایید حلال هستند، نه از روی زنا و نه به صورت دوست‌گیری مخفیانه! و بدانید! کسی که کفر به حکم خدا را به ایمان بر آن ترجیح دهد، اعمال خویش را تباه کرده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود! ﴿۵﴾

^۱ در «هومئوپاتیک» و یا قانون شباهت و همسان‌سازی، در باب خوردن این بحث موجود است که اگر چیزی خورده شود، احساس آن به وجود خورنده وارد می‌شود. اگر حیوانی به شدت ترسیده باشد، این ترس به خورنده گوشت حیوان نیز وارد می‌شود. اگر درنده‌ای آن را دریده باشد، درنده خوبی به وجود انسانی که خورده آن است سرایت می‌کند. اگر به نیت بتان قربانی شده باشد، حس بت‌پرستی را به خورنده خودش القا می‌کند.

^۲ کسانی که دارای کتاب آسمانی هستند چون یهودیان و مسیحیان.

ای اهل ایمان! هرگاه خواستید به نماز بایستید، صورت و دست‌های خود را تا آرنج بشویید، و سرهایتان را مسح کنید و پاهایتان را تا برجستگی آن، و چنان‌چه جُنُب باشید خود را پاکیزه کنید، و اگر بیمار یا مسافر هستید و یا یکی از شما از قضای حاجت آمده است، و یا این‌که آمیزش جنسی با همسران خود داشته‌اید و آبی نیافتید پس بر خاک تمیزی تیمم کنید، و با آن صورت و دست‌هایتان را مسح کنید، بدانید خداوند نمی‌خواهد شما را به سختی بیاندازد، بلکه می‌خواهد شما را پاکیزه گرداند و نعمتش را بر شما به تمامی عرضه کند؛ امید آن‌که به مقام شاکران نائل شوید ﴿۶﴾ و به یاد آورید نعمت خداوند را که به شما عطا کرده است، و [نیز به یاد آورید]! پیمانی را که با تأیید از شما گرفت، آن زمان که گفتید: شنیدیم و اطاعت کردیم! پس حرمت اوامر خدا را نگاه دارید، زیرا خداوند بر نیت و اسرار درون سینه‌ها، آگاه است! ﴿۷﴾ ای اهل ایمان! همواره کارهای خود را برای خدا به پا دارید، و به عدالت گواهی دهید، و [مراقب باشید] کینه و خصومت نسبت به دشمنان باعث نشود که تعدی و تجاوز کنید و به ناحق روی آورید؛ عادل باشید که این خصلت به پرهیزکاری نزدیک‌تر است! و حرمت خدا را نگه دارید زیرا خداوند بزرگ به عملکردتان آگاه است ﴿۸﴾ خداوند به اهل ایمان و آنان که عملکردشان سراسر خوبی و خدمت است، وعدهٔ آمرزش و پاداشی بزرگ داده است ﴿۹﴾

و آنان که راه انکار و تکذیب آیات ما را پیش گرفته‌اند. اهل جهنم‌اند ﴿۱۰﴾ ای اهل ایمان! از نعمتی که خداوند به شما عطا کرده یاد کنید، آن هنگام که جماعتی قصد تسلط و دست درازی به شما را داشتند، اما خداوند دست‌شان را کوتاه کرد، پس حرمت خداوند را نگه دارید. و بدانید! اهل ایمان، فقط به خداوند بزرگ توکل می‌کنند! ﴿۱۱﴾ وقتی خداوند از بنی‌اسرائیل پیمان گرفت، از میان‌شان دوازده سرپرست از طوایف [مختلف] انتخاب کردیم، آن‌گاه خدا گفت: اگر نماز به پا دارید و زکات اموالتان را بدهید و پیامبران مرا باور کنید و یاورشان باشید، و هم‌چنین اگر به [جان و مالتان در راه] خداوند قرض الحسنه دهید، من همواره با شما خواهم بود و گناهان شما را می‌پوشانم و شما را به بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است وارد می‌کنم! اما اگر کسی بعد از این راه، انکار و ناسپاسی پیشه کند، بدون شک راه نجات را گم کرده است ﴿۱۲﴾ و به خاطر پیمان شکنی‌شان آن‌ها را نفرین کردیم و قلب‌هایشان را سخت و سنگین نمودیم، زیرا آن‌ها کلمات خداوند را از معنای حقیقی‌اش خالی می‌کردند و آن‌چه را که به آن‌ها گوشزد شده بود به فراموشی می‌سپردند. [و تو ای پیامبر!، همواره از کارهای خائنانه آن‌ها آگاه می‌شوی، به جز عده اندکی [که اهل خیانت نیستند]، پس از آن‌ها درگذر و بزرگوارانه چشم پوشی کن، زیرا خداوند انسان‌های بزرگ‌منش را دوست دارد ﴿۱۳﴾

ما از کسانی که ادّعی مسیحیت داشتند پیمان گرفتیم، اما آنان بخشی از آنچه را که به آن‌ها گفته شده بود، فراموش کردند؛ ما هم آن‌ها را تا روز قیامت در کینه و دشمنی رها کردیم. و به زودی خداوند بزرگ، آنان را از عملکردشان آگاه خواهد کرد ﴿۱۴﴾ ای اهل کتاب! پیامبر ما به سوی شما آمده تا بسیاری از حقایق آسمانی را که شما کتمان کرده‌اید روشن سازد. و از بسیاری دیگر [که تاب تحملش را ندارید] درگذرد. [کاش درک می‌کردید که] از جانب خدا، برایتان یک نور حقیقی و یک کتاب روشن آمده است! ﴿۱۵﴾ خداوند توسط آن، هر که را [خالصانه] برای جلب رضایتش اقدام کند به راه‌های صلح و آرامش و دوستی هدایت می‌کند، و از تاریکی‌های جهل و بیداد رهایی می‌بخشد و به فرمانش به نور حقیقت رهنمون می‌کند. و بدون تردید به راه درست و نجات‌بخش هدایت‌شان می‌نماید ﴿۱۶﴾ واقعاً کفر ورزیدند آن‌ها که ادعا کردند خداوند همان مسیح پسر مریم است! بگو ای پیامبر! چه کسی قدرت عرض اندام در برابر خدا را دارد؟! اگر خدا بخواهد هم مسیح و هم مادرش و همهٔ اهل زمین را هلاک می‌کند، زیرا حکومت زمین و آسمان‌ها و آنچه بین آن‌هاست متعلق به خداست. هر چه بخواهد خلق می‌کند؛ بدان که خداوند بزرگ بر هر کاری تواناست ﴿۱۷﴾

و یهودیان و مسیحیان ادعا کردند که ما فرزندان و دوستان خاص خداییم! به آنها بگو: اگر چنین است پس چرا خداوند، شما را به سبب گناهانتان عذاب می‌کند؟! [این چنین نیست]، بلکه شما هم بشرید مثل دیگران که خلق کرده است، بدانید! خداوند هر که را صلاح بداند می‌آمزد و هر که را صلاح بداند عذاب می‌کند، زیرا حکومت آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست از آن خداست. بدانید! که عاقبت و سرنوشت همه به او ختم می‌شود! ﴿۱۸﴾ ای اهل کتاب! پیامبر ما در دورانی که پیامبرانی نبودند، به سوی شما آمد تا حقایق را برایتان بیان کند، تا دگر نگویند ما هیچ بشارت‌دهنده و هشداردهنده‌ای نداشتیم! بشارت‌دهنده و هشداردهنده‌ای برایتان آمده است! و خداوند بزرگ بر همه چیز تواناست ﴿۱۹﴾ و [یاد آورید!] هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای مردم به یاد آورید! نعمتی را که خداوند به شما عطا کرد. آن زمان که پیامبرانی [نجات بخش] از میان شما برگزید و قدرت و فرمانروایی عطایان کرد و نعمت‌هایی تقدیم‌تان نمود که به هیچ‌کس از جهانیان نداده بود! ﴿۲۰﴾ ای قوم! به سرزمین مقدّسی که خداوند برایتان مقدر کرده است وارد شوید و به عقب برنگردید، زیرا بازگشت [به کفر و نافرمانی] باعث زیانتان خواهد بود! ﴿۲۱﴾ اما به موسی جواب دادند: در آن شهر قومی قدرتمند و ستمگر وجود دارد و [ما تا وقتی آنها در شهر هستند] هرگز به آن وارد نخواهیم شد. اگر آنها از آنجا بروند. ما داخل می‌شویم! ﴿۲۲﴾ اما دو نفر از میان آن ترسوها، که خدا به آنها نعمت [عقل و ایمان و شجاعت] عطا کرده بود گفتند: شما از دروازه شهر بر آنان وارد شوید، هنگامی که وارد شدید، خواهید دید که شهر را فاتحانه تسخیر کرده‌اید، و اگر به قدرت خدا ایمان دارید، پس به او توکل کنید ﴿۲۳﴾

گفتند: ای موسی، ما تا زمانی که آن‌ها در شهر هستند، هرگز به آن وارد نمی‌شویم. تو و خدایت بروید و [با آن‌ها بجنگید] ما همین‌جا نشسته‌ایم ﴿۲۴﴾ موسی گفت: پروردگارا! می‌بینی که من فقط اختیار خودم و برادرم را دارم. از تو می‌خواهم که بین ما و این قوم زشت‌کردار بد نیت، جدایی افکنی! ﴿۲۵﴾ و خدا گفت: [حال که چنین است]، چهل سال ورود آنان به شهر حرام شد. آن‌ها باید حیران و سرگردان در بیابان‌ها بگردند! و هیچ‌گاه برای قوم بدکردار تأسف مخور! ﴿۲۶﴾ و برای آنان داستان راستین دو فرزند آدم را بخوان، آن زمان که برای تقرب به خدا، قربانی کردند. اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری رد شد. و آن که قربانی‌اش مردود شده بود گفت: بدون تردید تو را خواهم کشت! و آن که قربانی‌اش پذیرفته شده بود گفت: این قانون خداست که فقط از پرهیزکاران بپذیرد! ﴿۲۷﴾ و اگر تو، به کشتن من اقدام کنی، مطمئن باش که من برای قتل تو اقدام نخواهم کرد، زیرا از پروردگار جهانیان می‌ترسم! ﴿۲۸﴾ و با این کار، باعث می‌شوم تو با کوله‌باری از گناه من و خودت به سوی خدا رهسپار شوی، و بی‌شک از اهل جهنمی و این جزای ستمکاران است! ﴿۲۹﴾ پس نفس سرکشش او را به کشتن برادر ترغیب کرد. و عاقبت او را کشت. و سرانجام از زیانکاران شد ﴿۳۰﴾ در این هنگام خداوند به کلاغی که زمین را می‌کند فرمان داد تا به او نشان دهد چگونه جسد برادرش را دفن کند. و قاتل گفت: وای بر من که اندازه این کلاغ هم نیستم تا بفهمم چگونه جسد برادرم را دفن کنم! و سرانجام نیز پشیمان شد ﴿۳۱﴾

از این رو بر بنی اسرائیل مقرر کردیم هر کس، انسانی را بکشد در حالی که نه قتل کرده و نه محکوم به فساد در زمین است؛ مثل این است که همه مردم را کشته باشد. و کسی که انسانی را حیات بخشد، مانند این است که تمامی مردم را حیات و زندگی بخشیده است. حقیقتاً پیامبران ما [برای بنی اسرائیل] دلایل روشنی آوردند، اما بسیاری از آن‌ها با وجود این دلایل، راه اسراف و تجاوز پیشه کردند ﴿۳۲﴾ جزای آن‌ها که با خدا و پیامبرش جنگ می‌کنند و گستاخانه در روی زمین فساد و تباهی به راه می‌اندازند این است که کشته شوند و یا به دار آویخته گردند، و یا دست و پایشان به جهت خلاف یکدیگر بریده شود و یا این که تبعید گردند؛ زیرا برای آنان در دنیا خواری و ذلت، و در آخرت نیز عذاب بزرگی برای‌شان مهیا است ﴿۳۳﴾ مگر کسانی که قبل از آن که شما بر آن‌ها دست یابید توبه کنند! پس بدانید! که خداوند بسیار آمرزنده و باگذشت است ﴿۳۴﴾ ای کسانی که به حقایق ایمان دارید! حرمت اوامر خدا را نگاه دارید و از فرصت‌ها استفاده کنید و به خدا نزدیک شوید و در راه او جهاد کنید! امید آن که رستگار شوید ﴿۳۵﴾ آنان که کفر و ناسپاسی را پیشه خود کرده‌اند، اگر همه آن‌چه در زمین و همانند آن است، متعلق به آن‌ها باشد و بخواهند با آن، خود را از عذاب روز قیامت بازخرند، از آن‌ها پذیرفته نخواهد شد! و عذاب دردناکی برای‌شان مهیا است ﴿۳۶﴾

^۱ صفات ذمیمه و زشت ما، نفسانیت لذت طلب ما، به جنگ با حقیقت سر برداشته‌اند. هر سالک حق موظف است تا با بهره‌گیری از شیوه‌های مراقبه و تزکیه، نیروهای مخرب نفس اماره خویش را منکوب کرده و از میدان حضور به در کند. دست‌ها و قدم‌ها؛ یعنی مجموعه توانایی‌های این نفس را از حیز انتفاع، منقطع نماید و آن را از دستبرد به روح پاک، دور نماید. وصل به حقیقت این‌گونه ممکن است. این آیه بر خلاف تصور بسیاری از عرفانی‌ترین آیات قرآن است. نکات ظریفی در مبارزه با نفس دارد که سالکان به موقع از آن بهره‌مند می‌گردند!

تلاش می‌کنند تا از آتش عذاب خارج شوند، اما هرگز نمی‌توانند از آن خارج گردند، زیرا عذاب‌شان پابرجاست! ﴿۳۷﴾ و به عنوان یک مجازات الهی، دستِ مرد و زنِ دزد را به کیفرِ کاری که کرده‌اند قطع کنید.^۱ و بدانید که خداوند مقتدر و حکیم است! ﴿۳۸﴾ و هرکس بعد از ستمی که کرده است، توبه کند و [با خدمت و کار مفید] جبران نماید، بداند که خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد، زیرا خداوند بسیار آمرزنده و با گذشت است ﴿۳۹﴾ آیا نمی‌دانی که حکومت آسمان‌ها و زمین از آنِ خداست؛ هر که را صلاح بداند عذاب می‌کند و هر که را صلاح بداند می‌آمرزد و او بر هر کاری تواناست ﴿۴۰﴾ ای پیامبر! آنان که در مسیر کفر و انکار مشتاقانه در شتابند تو را اندوهگین نکند، چه آن‌هایی که به زبان گفتند ایمان آورده‌ایم، در حالی که در قلب‌هایشان ایمانی نیست، و چه آن دسته از یهودیانی که با دقت حرف‌های تو را گوش می‌کنند تا بهانه‌ای برای تکذیب تو بیابند! بدان آن‌ها جاسوسان گروهی هستند که خودشان نزد تو نیامده‌اند؛ آن‌ها سخنان را از معنای اصلی‌اش خالی می‌کنند و به یکدیگر می‌گویند: اگر آن‌چه را که خواستیم به شما دادند. بپذیرید. و اگر ندادند از او دوری کنید! بدان ای پیامبر! اگر خداوند بخواهد کسی را به کیفر عملکردش مجازات کند، تو قادر به کمترین دفاع از او نخواهی بود. آن‌ها کسانی‌اند که خداوند نمی‌خواهد وجودشان را پاکیزه گرداند. بدون تردید در دنیا خواری و مذلت و در آخرت نیز عذابی بزرگ نصیب‌شان خواهد شد ﴿۴۱﴾

^۱ از دیگر وجوه عرفانی آیه این است که باید دست نامحرمات و ظالمان را از دستیابی به اسرار الهی کوتاه نمود. اسرار کائنات، ثروت‌های عظیم‌اند و چون کسی به بخشی از آن دست یابد خود را قدرتمند نموده است. بدیهی است که این آگاهی بر نامحرمات و ظالمان، حرام است و این مهم از اولیاء خدا بر می‌آید.

آن‌ها برای تکذیب کردن تو، با دقت به حرف‌هایت گوش می‌دهند! آن‌ها مال حرام به وفور می‌خورند؛ پس اگر به سوی تو آمدند، در میان آنان قضاوت کن و یا آن‌ها را به خودشان واگذار. بدان که اگر آن‌ها را به خود رها کنی هیچ آسیبی به تو نمی‌تواند برسانند، و اگر هم بین آن‌ها قضاوت کردی، با عدالت و انصاف حکم کن، زیرا خداوند عادلان را دوست دارد ﴿۴۲﴾ و چگونه تو را به قضاوت فرا می‌خوانند، در حالی که تورات در دست‌شان است و در آن حکم خداست؟! و نیز چگونه، حال که نزد تو آمدند و حکم خدا را شنیدند روی بر می‌گردانند؟! بدان که آن‌ها اهل ایمان نیستند ﴿۴۳﴾ ما تورات را در حالی که در آن هدایت و نور است، نازل کردیم، تا پیامبرانی که تسلیم فرمان خدا بودند بر اساس آن برای یهودیان حکم کنند. خداشناسان و دانشمندانی که مأمور حفظ کتاب خدا بودند و به حقانیت آن گواهی دادند نیز براساس آن داوری می‌کردند. پس از مردم نترسید، از من پروا داشته باشید و آیات مرا به بهایی اندک بفروشید! و بدانید هرکس که براساس آیات خدا حکم نکند، از کافران و ناسپاسان است ﴿۴۴﴾ و [در تورات] بر آنان مقرر کردیم که جان در برابر جان، چشم در برابر چشم، بینی در برابر بینی، گوش در برابر گوش، دندان در برابر دندان و نیز هر زخمی را قصاص است. اما اگر کسی از قصاص [بزرگوارانه] گذشت کند، کفاره گناهانش خواهد بود. بدانید! هرکس براساس آیات خدا حکم نکند از ستمکاران است ﴿۴۵﴾

و از پی آن‌ها، عیسی پسر مریم، را فرستادیم در حالی که تورات‌شان را تأیید می‌کرد و انجیل را - که آن هم تأییدکننده تورات قبل از خود بود - به او دادیم، تا راهنمایی و موعظه‌ای باشد برای هر که حرمت خداوند را نگاه می‌دارد ﴿۴۶﴾ پس باید کسانی که به انجیل معتقدند براساس آیاتی که خدا نازل کرده حکم کنند، بدانید هر کس براساس آیات خدا حکم نکند زشت کار و بد نیت است! ﴿۴۷﴾ و قرآن را به حق بر تو نازل کردیم، زیرا هم تأیید کننده کتاب‌های آسمانی قبل از خود است، و هم سرآمد همه آن‌ها، پس در بین آن‌ها براساس آیات خداوند حکم کن. و از خواهش‌های نفسانی‌شان پیروی مکن، تا مجبور شوی چیزی از حق را نادیده بگیری! ما برای هر کدام از شما شریعت و شیوه‌ای قرار داده‌ایم، و اگر خدا می‌خواست، همه شما را تبدیل به امت واحدی می‌کرد! اما خدا می‌خواهد شما را در آنچه تقدیم‌تان کرده امتحان کند. پس در خدمت کردن و نیکی نمودن از یکدیگر پیشی گیرید. و بدانید که بازگشت همه شما، به سوی خداوند بزرگ است و به زودی همه شما را به حقیقت آنچه که مورد اختلاف‌تان بوده است آگاه می‌کند ﴿۴۸﴾ و میان‌شان براساس آیات خداوند حکم کن. و از خواهش‌های نفسانی آنان پیروی مکن. و از آن‌ها حذر کن، تا مبدا تو را نسبت به بعضی از آیاتی که خداوند بر تو نازل کرده منحرف نکنند! چنان چه از حق روی گردان شدند بدان که خداوند اراده کرده تا آنان را به جرم برخی از گناهان‌شان عقوبت کند. و بدان که بسیاری از مردم، زشت کار و بد نیت‌اند ﴿۴۹﴾ آیا حکم و مقرراتِ زمان جاهلیت را می‌خواهند؟! برای مردمی که اهل یقین و باورند چه حکمی بهتر از حکم خداست؟! ﴿۵۰﴾

ای اهل ایمان! یهودیان و مسیحیان را تکیه‌گاه خود انتخاب نکنید! آن‌ها اولیای یکدیگرند. بدانید! هرکس آن‌ها را تکیه‌گاه خود قرار دهد، از آن‌هاست و قطعاً خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند ﴿۵۱﴾ اما کسان دیگری را می‌بینی که در قلب‌هایشان بیماری است و [در دوستی و تکیه‌گاه قرار دادن اهل کتاب] بر یکدیگر پیشی می‌گیرند و می‌گویند: می‌ترسیم برای ما اتفاق بدی بیافتد! امید است که خداوند بزرگ، پیروزی یا معجزه‌ای بیاورد تا این گروه [ناسپاس] از آنچه در دل می‌پروراندند پشیمان شوند ﴿۵۲﴾ اهل ایمان گویند: آیا اینان همان کسانی‌اند که شدیدترین قسم‌ها را به خدا می‌خورند که همواره با شمایند؟! اعمالشان تباہ شد و زیان کار شدند! ﴿۵۳﴾ ای کسانی که به حقایق ایمان دارید! هرکس از شما از دین خود برگردد، بر خداوند باکی نیست. به زودی خدا جماعتی را بیاورد که دوست‌شان دارد و آن‌ها نیز خدا را دوست بدارند! [جماعتی که] در برابر اهل ایمان متواضع‌اند و در برابر کفارِ ناسپاس، سرسخت و نیرومند؛ کسانی که در راه خدا جهاد کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نهراسند. و این فضل و رحمتی الهی است که به هرکس صلاح بداند می‌دهد، و خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است! ﴿۵۴﴾ بدانید که دوست و تکیه‌گاه شما، خدا و پیامبرش و اهل ایمان می‌باشند. همان‌هایی که نماز به پا می‌دارند و در حالی که در رکوع‌اند زکات می‌دهند^۲ ﴿۵۵﴾ و هرکس خدا و پیامبرش و اهل ایمان را تکیه‌گاه خود کند، بداند که حزب خدا پیروز است ﴿۵۶﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کسانی که دین شما را به تمسخر و بازی می‌گیرند - خواه از اهل کتاب آسمانی قبل از شما باشند و خواه از کفار - به سرپرستی نگیرید و حرمت فرمان خدا را حفظ کنید، اگر اهل ایمان هستید! ﴿۵۷﴾

^۱ زیرا به گمانشان با تکیه‌گاه قرار دادن آن‌ها، احساس امنیت خواهند کرد. و اگر به آن‌ها پشت کنند در معرض خطر قرار می‌گیرند.

^۲ آن‌که در حال رکوع اتفاق کرد، امام علی (ع) بود.

و [نشانه آن‌ها این است که] هرگاه بانگ نماز کنید، آن را به تمسخر و بازی می‌گیرند، زیرا آن‌ها قومی هستند که در مورد حقایق تعقل نمی‌کنند! ﴿۵۸﴾ بگو ای اهل کتاب! آیا ما را سرزنش می‌کنید؟! مگر ما جز این که به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه قبلاً نازل شده است، به چیز دیگری ایمان داریم؟! حقیقتاً بیشتر شما زشت‌کردار و بد‌نیت‌اید ﴿۵۹﴾ بگو: آیا می‌خواهید شما را از کسانی که موقعیت‌شان نزد خدا بدتر از این است آگاه کنم؟! کسانی که خدا نفرین‌شان کرده و مورد خشم خود قرار داده و از آن‌ها [در زندگی] میمون‌ها و خوک‌هایی ساخته که طاغوت و بت عبادت می‌کنند. آری موقعیت آن‌ها بدتر است و نسبت به راه درست، گمراه‌تر و حیران‌ترند! ﴿۶۰﴾ و هنگامی که نزد شما می‌آیند ادعا می‌کنند که ایمان آورده‌اند، در حالی که با کفر داخل شده‌اند و با کفر نیز خارج می‌شوند! بدانید! که خداوند بزرگ به آن‌چه پنهان می‌کنند آگاه‌تر است ﴿۶۱﴾ و بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تجاوز و حرام‌خواری مشتاقانه شتاب می‌کنند، چه بد و زشت است عملکردشان! ﴿۶۲﴾ چرا دانشمندان مسیحی و یهودی، آن‌ها را از سخنان گناه‌آلودشان و نیز از حرام‌خواری نهی نمی‌کنند؟! چه زشت و بد است دست‌آوردشان! ﴿۶۳﴾ و یهودیان گفتند: دست‌خدا بسته است! دست‌های خودشان بسته‌باد! و نفرین بر آن‌ها به خاطر سخنی که گفتند! داستان خدا باز و گشاده است، و هرگونه بخواهد می‌بخشد! این آیاتی که بر تو نازل کرده‌ایم بر کفر و طغیان بسیاری از آن‌ها می‌افزاید. ما نیز [به سبب انکار آیات خدا و عملکرد سوءشان] بین آن‌ها تا روز قیامت کینه و دشمنی افکنده‌ایم. بدان که هرگاه آتش جنگ را روشن کردند، خداوند آن را خاموش کرد. [آن‌ها کسانی هستند که] برای فساد و تباهی بر روی زمین، تلاش می‌کنند. [بدانید] خداوند بزرگ، مفسدان را دوست ندارد ﴿۶۴﴾

اما اگر اهل کتاب ایمان بیاورند، و حرمت فرمان خداوند را نگاه دارند. بدون شک گناهان‌شان را می‌پوشانیم. و آن‌ها را در بهشت‌های پر نعمت وارد می‌کنیم ﴿۶۵﴾ و اگر آن‌ها به تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارش بر آن‌ها نازل شده، عمل کنند، [بدون تردید] رزق و روزی از زمین و آسمان سرپایشان را فرا می‌گیرد و بهره‌مند می‌شوند! البته جمعی از آن‌ها معتدل و میانه‌رو هستند، اما بسیاری از آنان عملکردشان زشت و منفور است ﴿۶۶﴾ ای پیامبر! آنچه را بر تو نازل شده است، به مردم ابلاغ کن. که اگر این کار را نکنی به رسالت عمل نکرده‌ای! [این ابلاغ را شجاعانه به انجام برسان]، و مطمئن باش خداوند تو را از شرّ مردم حفظ می‌کند! زیرا خداوند بزرگ، ناسپاسان را به راهِ موفقیت هدایت نخواهد کرد ﴿۶۷﴾ بگو: ای اهل کتاب! شما ارزشی ندارید، مگر آن‌که به تورات و انجیل و آنچه خداوند بر شما نازل کرده عمل کنید! و بدان ای پیامبر! آنچه بر تو نازل کرده‌ایم، بر کفر و طغیان بسیاری از آن‌ها می‌افزاید. پس بر حال قوم ناسپاس تأسف مخور ﴿۶۸﴾ اما کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی از یهودیان و صابئین و مسیحیان که خدا و روز قیامت را باور دارند و عملکردشان خوبی و خدمت است نباید هیچ ترس و یأس و اندوهی به خود راه دهند ﴿۶۹﴾ حقیقتاً از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم و پیامبرانی به سوی آنان فرستادیم، اما هرگاه پیامبری به سراغ‌شان آمد که سخنانش با هواهای نفسانی‌شان موافق نبود. آن‌ها به ناحق عده‌ای را تکذیب کردند و عده‌ای را کشتند! ﴿۷۰﴾

آنان پنداشتند مجازاتی در کار نخواهد بود. لذا [نسبت به حقایق] کور و کر شدند! اما باز خداوند توبه‌شان را پذیرفت. دوباره بسیاری از آن‌ها کور و کر شدند [تا حقایق را نه ببینند و نه بشنوند!] و بدان! خداوند به عملکردشان بیناست ﴿۷۱﴾ به وادی کفر افتادند، آن‌ها که گفتند: خداوند همان مسیح، پسر مریم است. حال آن‌که خود مسیح گفت: ای بنی‌اسرائیل! خدایی را پرستش کنید که هم پروردگار من و هم پروردگار شماست! بدانید! کسی که به خداوند بزرگ شرک بورزد، خدا بهشت را بر او حرام می‌کند. و جایگاهش جهنم است! بدانید ستمکاران هیچ یار و یآوری نخواهند داشت ﴿۷۲﴾ به وادی کفر افتادند آن‌ها که گفتند: الله، سومین از خدای سه گانه است! در حالی که هیچ معبودی جز خدای بی‌همتا نیست. و اگر از این اندیشه باطل دست بردارند به این کفرگویان ناسپاس، عذابی دردناک خواهد رسید ﴿۷۳﴾ پس چرا به سوی خداوند بزرگ توبه نمی‌کنند و از او آمرزش نمی‌طلبند؟! بدانند که خداوند بسیار آمرزنده و باگذشت است ﴿۷۴﴾ مسیح پسر مریم، کسی نیست جز یک پیامبری که قبل از او پیامبران دیگری بوده‌اند. و مادرش پاکدامنی راستگوست، و آن‌ها هم مثل همه غذا می‌خوردند! بنگر چگونه آیات و نشانه‌ها را برای‌شان بیان می‌کنیم و باز بنگر! آن‌ها چگونه از حق روی بر می‌گردانند! ﴿۷۵﴾ [ای پیامبر] بگو: چرا به جای خداوند چیزی را پرستش می‌کنید که هیچ سود و زیانی برایتان ندارد؟! بدانید که خداوند بزرگ، شنوا و آگاه است! ﴿۷۶﴾ بگو ای اهل کتاب! به ناحق در دین‌تان غلو و بزرگ‌نمایی مکنید. و از خواهش‌های نفسانی قومی که از دیرباز گمراه و حیرانند تبعیت مکنید، زیرا آنان بسیاری را منحرف کردند و خود نیز گم کرده راه و حیرانند! ﴿۷۷﴾

بدانید! که ناسپاسان قوم بنی اسرائیل از زبان داود و عیسی پسر مریم، نفرین شده‌اند. و این به سبب نافرمانی و تجاوزشان بود! ﴿۷۸﴾ زیرا آن‌ها یکدیگر را از بدی و زشتی که [گستاخانه] انجام می‌دادند نهی نمی‌کردند، و چه منفور و زشت است عملکردشان! ﴿۷۹﴾ و بسیاری از آنان را می‌بینی که کفار را دوست و تکیه‌گاه خود قرار می‌دهند، و چه دستاورد پلیدی را پیشاپیش برای خود می‌فرستند، [دستاوردی] که نتیجه آن، خشم خدا بر آن‌هاست؛ و اینان در عذاب الهی جاودانند ﴿۸۰﴾ حال آن‌که اگر به خداوند بزرگ و پیامبر و آنچه که بر او نازل شده ایمان داشتند، کفار را دوست و تکیه‌گاه خود قرار نمی‌دادند! بدانید بسیاری از آنان زشت‌کار و بد نیت‌اند ﴿۸۱﴾ و به درستی درک خواهی کرد کینه‌توزترین و دشمن‌ترین افراد نسبت به اهل ایمان، یهود و مشرکان هستند، و مهربان‌ترین و دوست‌ترین افراد نسبت به اهل ایمان، کسانی هستند که می‌گویند: ما مسیحی هستیم، زیرا در میان‌شان افرادی هستند که عالم و زاهدند و در برابر حق، تکبر نمی‌کنند ﴿۸۲﴾ هرگاه آیات نازل شده بر پیامبر را بشنوند و حقیقت را دریابند، می‌بینی که چشم‌هایشان پر از اشک می‌شود و می‌گویند: پروردگارا! به حقیقت ایمان آوردیم. پس نام ما را در فهرست گواهی‌دهندگان به حق، بنویس ﴿۸۳﴾

و چرا به خداوند و این دینِ حقی که به ما رسیده است ایمان نیاوریم، و مشتاق نباشیم به این که خداوند ما را در جمع نیکوکاران به شمار آورد؟! ﴿۸۴﴾ و به خاطر سخن حقی که گفتند، خداوند بزرگ، پاداش‌شان را بهشت‌هایی قرار داد که نهرها در آن جاری است. و آن‌ها در آن جاودانند. و این پاداش نیکوکاران است ﴿۸۵﴾ و اما کسانی که کفر ورزیدند و آیات [نجات‌بخش] ما را انکار کردند بدون شک آن‌ها اهل جهنّم اند ﴿۸۶﴾ ای اهل ایمان! چیزهای پاکیزه‌ای را که خداوند بر شما حلال کرده حرام مکنید و از حدّ معقول هم تجاوز مکنید، زیرا خداوند، تجاوزگران را دوست ندارد! ﴿۸۷﴾ و از نعمت‌های پاکیزه و حلالی که خداوند عطایتان کرده بخورید، و حرمت فرمانِ خداوندی را که به او ایمان آورده‌اید پاس بدارید ﴿۸۸﴾ خداوند شما را به خاطر سوگندهای بیهوده و غیر عمدتان، مؤاخذه نمی‌کند، بلکه به شکستن پیمان‌هایی که محکم بسته‌اید مؤاخذه خواهد کرد! پس کفّارهٔ چنین گناهی، إطعام ده مسکین است از غذای معمولی که به خانواده خود می‌دهید. و یا پوشاندن لباس به آن‌ها و یا آزاد کردن یک بنده. و اگر کسی بنده‌ای نیافت سه روز روزه بگیرد. این کفّارهٔ قسم است، هرگاه قسم خوردید. پس مراقبِ سوگندهایتان باشید! و خداوند این چنین آیاتش را بیان می‌کند، امید آن که به مقام شاکران نائل شوید! ﴿۸۹﴾ ای اهل ایمان! خمر (می، مشروب) و قمار و بُتان و تیرک‌های قرعه‌کشی و شرط‌بندی، پلید و ناپاک و از کارهای شیطان است. از شیطان دوری کنید. امید آن که رستگار شوید! ﴿۹۰﴾

زیرا شیطان اراده کرده است به واسطهٔ خمر و قمار بین شما، کینه و دشمنی بیاندازد و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد، آیا [از این کارهای زشت] دست بر می‌دارید؟! ﴿۹۱﴾ و از خداوند بزرگ و پیامبرش اطاعت کنید و از نافرمانی برحذر باشید. و چنان چه [از حکم خدا] سرپیچی کنید، بدانید که مسؤولیت پیامبر ما، جز یک ابلاغ روشن، چیز دیگری نیست! ﴿۹۲﴾ بر کسانی که اهل ایمانند و عملکردی شایسته دارند، گناهی نیست اگر [در گذشته (می)] خورده باشند، به شرط آن که پرهیزکار شوند و ایمان داشته باشند و عمل صالح انجام دهند، باز پرهیزکار شوند و ایمان آورند، و باز پرهیزکار شوند و اعمال نیک انجام دهند! و بدانند که خداوند نیکوکاران را دوست دارد ﴿۹۳﴾ ای اهل ایمان! خداوند حتی شما را به صیدی که با دست و یا با نیزه‌تان می‌گیرید امتحان می‌کند! تا مشخص کند چه کسی از قدرت الهی، در نهان می‌هراسد! پس هرکس بعد از این، از حدّ خویش تجاوز کند، عذاب دردناکی برای او مهیاست ﴿۹۴﴾ ای اهل ایمان! هیچ صیدی را در حال احرام نگشید، و هرکس از شما عمداً مرتکب کشتن صیدی شود جزای او قربانی کردن معادل آن صید است، در حالی که باید دو شاهد عادل، گواهی دهند که قربانی معادل، به کعبه رسیده است، و یا کفارهٔ آن اطعام درماندگان، و یا روزه گرفتن معادل آن است، تا عقوبت کار خویش را بچشد. خداوند از آن چه در گذشته مرتکب شده‌اید گذشت، اما کسی که [به گناهان گذشته] رو آورد، بدون تردید خداوند از او انتقام خواهد گرفت، و بدانید که خداوند بزرگ، قدرتمند و انتقام گیرنده است ﴿۹۵﴾

^۱ قبل از نزول آیه تحریم خمر.

صید دریایی و طعام آن بر شما و کاروانیان حلال است، اما صید خشکی مادامی که در احرام هستید بر شما حرام است. و حرمت فرمان خدا را که روزی نزد او جمع خواهید شد نگاه دارید ﴿۹۶﴾ خداوند، کعبه بیت الحرام را مایه حیات و برپا بودن مردم قرار داده است، و نیز ماه حرام و قربانی نشان‌دار و بی‌نشان را! و این چنین احکام به خاطر آن است که بفهمید خداوند بزرگ، آن چه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند و او به هر چیزی آگاه است! ﴿۹۷﴾ بدانید! که خداوند هم مجازاتش شدید است، و هم آمرزنده و بسیار باگذشت است ﴿۹۸﴾ و بدانید! که پیامبر وظیفه‌ای جز ابلاغ [کلام خدا] ندارد، و خداوند بزرگ به آن چه آشکار می‌کنید و آن چه پنهان می‌دارید آگاه است ﴿۹۹﴾ ای پیامبر! بگو پلید با پاکیزه یکسان نیست، هرچند که زیادی تعداد ناپاکان، اعجاب تورا برانگیزد! پس ای اندیشمندان، حرمت خدا را نگه دارید، امید آن که رستگار شوید ﴿۱۰۰﴾ ای اهل ایمان! از چیزهایی سؤال نکنید که اگر [حقیقت آن‌ها] بر شما آشکار شود ناراحت‌تان کند! و اگر سؤال در این گونه موارد را به وقت نزول آیات قرآن بسپارید، مسلماً حقیقتش بر شما آشکار خواهد شد. خدا از این نکته بگذرد! و خداوند آمرزنده و بردبار است! ﴿۱۰۱﴾ جمعی از پیشینیان شما از آن موارد سؤال کردند، سپس به انکار و مخالفت با آن برخاستند! ﴿۱۰۲﴾ خداوند در مورد بحیره و سائبه و وصیله و حام، حکمی نکرده است، اما کسانی که کافرند بر خداوند تهمت دروغ می‌بندند، زیرا بسیاری از آنان نسبت به حقایق، تعقل نمی‌کنند!

﴿۱۰۳﴾

^۱ چهار نوع شتر و گوسفند که در جاهلیت به عللی خرافی خوردن گوشت آن‌ها را حرام می‌دانستند. برخی اهل معنا، این کلمات را اسراری و اشاره به نیروها و مرکب‌هایی می‌دانند که در مواقعی از سلوک قابل بهره‌برداری‌اند.

و هنگامی که به آن‌ها گفته شود به سوی پیامبر و آنچه خداوند نازل کرده بیاید، می‌گویند: همان چیزهایی را که نزد پدرانمان یافتیم، برای ما کافی است! حتی اگر پدران‌شان نادان بودند و چیزی نمی‌دانستند و هدایت هم نشده بودند [باز از آن‌ها پیروی می‌کردند]؟! ﴿۱۰۴﴾ ای اهل ایمان! پس شما به خود پردازید، زیرا تا وقتی که در راه هدایتید، گمراهان به شما ضرری نمی‌رسانند. بازگشت همه شما به سوی خداست. و به زودی خداوند شما را نسبت به عملکردتان آگاه می‌سازد ﴿۱۰۵﴾ ای اهل ایمان! چون مرگ‌تان فرا رسد هنگام وصیت، دو نفر شاهد عادل از بین خودتان گواه بگیرید. و اگر در سفر بودید و مصیبت مرگ فرا رسید، دو نفر شاهد، از غیر خودتان انتخاب کنید، و اگر به آن‌ها شک کردید، تا بعد از نماز آن‌ها را نگاه دارید تا به خداوند قسم خورند که ما حاضر نیستیم حقیقت را به چیزی بفروشیم هر چند به نفع نزدیکانمان باشد، و شهادت الهی را کتمان نمی‌کنیم. که اگر جز این باشد قطعاً از گناهکاران خواهیم بود ﴿۱۰۶﴾ و هرگاه معلوم شود که آن دو شاهد خیانت ورزیده‌اند، دو شاهد بهتر جای آن‌ها را بگیرند. و آن دو به خدا قسم خورند که شهادت ما از آن دو نفر قبلی درست‌تر است و ما از حق تجاوز نکنیم، و هرگاه چنین کنیم در زمره ستمکاران باشیم! ﴿۱۰۷﴾ این شیوه، نزدیک ترین نوع گواهی به حق است. و بترسند از این که سوگند دیگران جایگزین سوگند آن‌ها شود و [رسوا گردند]! حرمت اوامر الهی را نگاه دارید و با دقت گوش کنید، زیرا خداوند قوم زشت کارِ بدنیت را هدایت نمی‌کند ﴿۱۰۸﴾

روزی که خدا پیامبران را جمع کند، می پرسد (در مورد دعوت شما)، چه پاسخی به شما داده شد؟! می گویند: ما چیزی نمی دانیم، تو خود آگاه هر غیب و نادیده‌ای هستی ﴿۱۰۹﴾ و هنگامی که خدا به عیسی، پسر مریم، گفت: یاد آرا! نعمتی را که به تو و مادرت عطا کردم. آن گاه که تو را به واسطهٔ روح القدس یاری کردم تا تو، هم در گهواره و هم در بزرگسالی با مردم سخن بگویی. و کتاب و حکمت و تورات و انجیل را به تو آموختم. و آن زمان که از گل مجسمه‌ای به شکل پرنده ساختی و به اذن من در آن دمیدی و آن تبدیل به پرنده شد، و باز به اذن من، کورِ مادرزاد و بیمار بَرَص^۱ گرفته را شفا دادی، و مردگان را به اذن من زندگی بخشیدی، و نیز آن هنگام که با این معجزات روشن، نزد بنی اسرائیل آمدی. و من تو را از آسیب آنان حفظ کردم. اما ناسپاسان آن‌ها گفتند که این فقط یک جادو و چشم‌بندی آشکار است! ﴿۱۱۰﴾ و هنگامی که به حواریون وحی کردم که به من و پیامبرم ایمان بیاورید، گفتند: ایمان آوردیم و گواه باش که ما در برابر حق، تسلیم شده‌ایم! ﴿۱۱۱﴾ و هنگامی که حواریون به عیسی، پسر مریم، گفتند: آیا پروردگار تو می‌تواند سفره‌ای آسمانی بر ما نازل کند؟! عیسی گفت: حرمت خدا را نگه‌دارید، اگر اهل ایمانید! ﴿۱۱۲﴾ گفتند: می‌خواهیم از آن بخوریم و قلب‌هایمان آرام گیرد، و نیز بدانیم که تو به ما راست گفته‌ای و گواهان این معجزه باشیم! ﴿۱۱۳﴾

^۱ بیماری پیسی.

و عیسی، پسر مریم، گفت: خدایا، پروردگارا! بر ما مائده‌ای از آسمان نازل کن تا هم برای اولین ما، و هم برای آخرین ما، عیدی و نشانه‌ای از تو باشد. و به ما روزی عطا کن، زیرا که تو بهترین روزی دهنده‌گانی! ﴿۱۱۴﴾ و خدا گفت: بر شما نازل می‌کنم! اما اگر بعد از این، کسی از شما کفر و ناسپاسی بورزد، چنان او را عذاب کنم که احدی از جهانیان را عذاب نکرده باشم! ﴿۱۱۵﴾ و هنگامی که خدا به عیسی، پسر مریم، گفت: آیا تو به مردم گفته‌ای که غیر از خدا، من و مادرم را به خدایی بگیری؟! و عیسی گفت: تو پاک و بی‌نقصی. سزاوار من نیست چیزی را بگویم که مستحق آن نیستم. اگر چنین چیزی گفته باشم قطعاً تو به آن آگاهی! تو از آن چه در درون من است اطلاع داری، اما من از ذات تو بی‌خبرم. تویی که دانای همه نادیده‌هایی! ﴿۱۱۶﴾ من چیزی به آن‌ها نگفتم مگر آن چه را که تو امر کرده‌ای، این که خداوند را عبادت کنید، همان خدایی که پروردگار من و شماست! و مادام که در میان آن‌ها بودم مراقب اعمال و اعتقادشان بودم، و از وقتی جان مرا انتقال داده‌ای، تو خود، مراقب آن‌ها بوده‌ای. و تو بر هر چیزی گواهی ﴿۱۱۷﴾ اگر بخواهی عذاب‌شان کنی، بنده‌های تو اند! و اگر بخواهی آن‌ها را بیمارزی همانا تو قدرتمند و حکیمی! ﴿۱۱۸﴾ و خدا گفت: امروز، روزی است که راستگویان از راستی خود بهره می‌برند، زیرا بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است برای آن‌هاست، و آنان جاودانه در آنجا خواهند ماند. خداوند از آنان راضی است و آن‌ها نیز از خدا راضی‌اند. و این پیروزی بزرگ است ﴿۱۱۹﴾ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آن‌هاست از آن خداست، و او بر هر کاری تواناست ﴿۱۲۰﴾

سورة انعام

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ستایش، خاصِ خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید. و تاریکی‌ها و نور را پدید آورد. اما ناسپاسان برای پروردگارشان شریک و هم‌تا قائل می‌شوند! ﴿۱﴾ او کسی است که شما را از گلِ خلق کرد، سپس عمری برایتان مقرر داشت که آگاهی از این زمان معین، نزد اوست. با این همه شما تردید می‌ورزید! ﴿۲﴾ خدای آسمان‌ها و زمین اوست. هم اسرار شما را می‌داند و هم آشکار شما را. و به دستاوردتان آگاه است! ﴿۳﴾ و هیچ آیه‌ای از آیاتِ پروردگارشان به سراغ‌شان نیامد، مگر آنکه از آن روی گردان شدند! ﴿۴﴾ آن‌ها حق را وقتی سراغ‌شان آمد تکذیب کردند. پس به زودی حقیقتِ اخباری که آن را به تمسخر می‌گیرند بر آن‌ها نمایان خواهد شد! ﴿۵﴾ آیا ندیده‌اند که چه بسیار مردمی را قبل از آن‌ها از بین بردیم. مردمی که قدرتی به آن‌ها عطا کرده بودیم که به شما نداده‌ایم. باران‌های رحمت، پی در پی بر آن‌ها فرستادیم و نهرها در زیر پایشان جاری کردیم، اما به خاطر نافرمانی و گناه، هلاک‌شان کردیم و بعد از آن‌ها، جماعت دیگری پدید آوردیم! ﴿۶﴾ حتی اگر کتابی نوشته بر روی کاغذ بر تو نازل کنیم، باز ناسپاسان با آنکه با دست‌هایشان آن را لمس می‌کنند خواهند گفت: این چیزی جز جادو و چشم‌بندی آشکار نیست! ﴿۷﴾ و گفتند: چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده است؟! حال آن‌که اگر فرشته‌ای نازل می‌کردیم کار تمام شده بود و به آن‌ها مهلتی نمی‌دادیم! ﴿۸﴾

و حتی اگر فرشته‌ای را به عنوان پیامبر بر می‌گزیدیم، باز به صورت مردی بر آن‌ها می‌فرستادیم و [اگر چنین می‌کردیم] کار را بر آن‌ها مشتبه می‌کردیم همچنان که آن‌ها بر دیگران مشتبه می‌کنند! ﴿۹﴾ بدان که پیامبران پیش از تو را نیز مسخره می‌کردند! اما آثارِ سوء این تمسخر دامنگیرشان شد ﴿۱۰﴾ بگو: در زمین سیر کنید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان حقایق چه بوده است؟! ﴿۱۱﴾ بگو: آن چه در آسمان‌ها و زمین است از آن کیست؟! بگو، از آن خدایی است که رحمت و بخشش را بر خودش واجب کرده است! خدایی که همه شما را در روز قیامت - که هیچ شکی در وجود آن نیست - جمع خواهد کرد. و کسانی که به خودشان ضرر زده‌اند همان کسانی هستند که به حقایق ایمان نمی‌آورند ﴿۱۲﴾ آن چه در شب و روز ساکن است از آن اوست و او شنوا و آگاه است ﴿۱۳﴾ بگو: چگونه غیر از خدا، تکیه‌گاهی برای خود قرار دهم؟! در حالی که او آفریننده آسمان‌ها و زمین است، روزی‌دهنده است. اما خود به روزی نیاز ندارد. [ای پیامبر] بگو: به من امر شده است اولین کسی باشم که تسلیم محض خداوندست! و [امر شده است که]: هرگز از مشرکان مباش! ﴿۱۴﴾ بگو: من از این که پروردگارم را نافرمانی کنم می‌ترسم، زیرا عذاب روز بزرگ در پیش است! ﴿۱۵﴾ در آن روز، از عذاب هر کس صرف نظر شود مورد رحمت خداوند واقع شده، و این یک پیروزی آشکار است ﴿۱۶﴾ بدان اگر خداوند بخواهد زبانی به تو برساند هیچ کس غیر از او نمی‌تواند آن را دفع کند! و اگر بخواهد نعمتی را شامل حال کند، او بر هر کاری تواناست ﴿۱۷﴾ و او کاملاً بر بندگانش مسلط است و در عین حال حکیم و آگاه است ﴿۱۸﴾

بگو: مهم‌ترین گواهی، گواهی چه کسی است؟! بگو: خداوند گواه بین من و شماست! بدانید که این قرآن بر من نازل شده تا هم شما و هم کسانی را که این قرآن بعدها به آن‌ها می‌رسد، از نافرمانی خداوند برحذر دارم! آیا باز شهادت می‌دهید که خدایان دیگری با الله هستند؟! بگو من که چنین شهادتی نمی‌دهم! بگو: او خدای یکتاست و من از شرک‌ورزی شما بیزارم ﴿۱۹﴾ و آن‌هایی که کتاب آسمانی عطایشان کردیم، پیامبر را خوب می‌شناسند. آن‌چنان که فرزندان خود را می‌شناسند! و بدان کسانی که به خودشان زیان رساندند همان کسانی هستند که اهل ایمان نیستند ﴿۲۰﴾ چه کس ستمکارتر از کسی است که به خدا دروغ بدهد و یا آیاتش را تکذیب کند؟! بدانید که او ستمکاران را عاقبت به خیر نمی‌کند! ﴿۲۱﴾ بی‌شک روزی که همهٔ مردم را محشور کنیم، به مشرکان می‌گوییم: کجا هستید شرکایی که همتای خدا می‌پنداشتید؟! ﴿۲۲﴾ و فتنهٔ آنان چیزی نیست جز آن که به دروغ گفتند: به خداوندی که پروردگار ماست سوگند، که ما از مشرکان نبودیم! ﴿۲۳﴾ ببین چگونه به خودشان هم دروغ می‌گویند، و آن افتراها چگونه ناپدید می‌شود! ﴿۲۴﴾ و از اینان کسانی هستند که به حرف‌های تو گوش می‌دهند ولی، ما بر قلب‌هایشان پرده انداختیم و گوششان را سنگین کردیم تا فهم حقایق نکنند! و آن‌ها اگر تمام نشانه‌های حق را ببینند باز باور نمی‌کنند! بدان که فقط به سوی تو می‌آیند تا به مجادله بپردازند. و کافران می‌گویند: این حرف‌ها همان افسانهٔ پیشینیان است ﴿۲۵﴾ این‌ها تلاش می‌کنند تا هم خود و هم دیگران را از پیامبر دور کنند، در حالی که با این کار کسی جز خود را به ورطهٔ نابودی نکشیده‌اند! اما شعورِ درک این معنی را ندارند! ﴿۲۶﴾ و اگر آن‌ها را در روز حسابرسی در برابر آتش ببینی، می‌گویند: کاش [به عقب] باز می‌گشتیم و این بار آیات پروردگارمان را انکار نمی‌کردیم و از جماعتِ اهل ایمان می‌شدیم! ﴿۲۷﴾

همین را هم راست [نمی‌گویند] بلکه آن‌ها در این لحظه شاهد دستاورد و نیت‌هایی که مخفی کرده‌اند هستند، و اگر [به قبل] باز گردند دوباره به همان چیزهایی که از آن نهی شده‌اند بر می‌گردند: آن‌ها قطعاً دروغگو هستند! ﴿۲۸﴾ اما [اکنون در دنیا] گویند: جز این زندگی دنیایی ما، هیچ چیز دیگری وجود ندارد، و ما دوباره زنده نخواهیم شد! ﴿۲۹﴾ و اگر آن‌ها را هنگامی که در برابر خدا ایستاده‌اند ببینی، خدا گوید: آیا این حق نبود؟! گویند: آری. سوگند به پروردگاران حق است! و خدا گوید: به خاطر دستاورد کفرآلودتان عذاب را بپوشید! ﴿۳۰﴾ حقیقتاً ضرر کردند کسانی که دیدار خداوند را انکار نمودند! آن زمان که ناگهان قیامت برپا شود گویند: وای بر ما به خاطر تقصیری که کرده‌ایم! آن هم در حالی که دستاوردهای گناه‌آلودشان را [چون باری گران] به دوش می‌کشند. و چه بارِ بد و طاقت‌فرسایی را به دوش می‌کشند! ﴿۳۱﴾ بدانید این دنیا جز بازیچه و چیزهای سرگرم‌کننده نیست حال آن‌که زندگی جاوید برای کسانی که حرمت خدا را نگه می‌دارند بهتر است. چرا عقل‌تان را به کار نمی‌اندازید؟! ﴿۳۲﴾ می‌دانیم که تو نسبت به آن چه می‌گویند غمگینی، اما بدان که آن‌ها تو را انکار نمی‌کنند. بلکه ستمکاران، آیات و نشانه‌های خدا را انکار می‌کنند! ﴿۳۳﴾ بدان که پیامبران قبل از تو نیز تکذیب شدند، اما آن‌ها در مقابل تکذیب‌ها به زیبایی صبر کردند و آزار را به جان خریدند تا موقع یاری ما رسید! و بدان که هیچ چیزی کلمات و تعهدات خدا را تغییر نمی‌دهد، و تو به قسمتی از سرگذشت پیامبران آگاه شده‌ای! ﴿۳۴﴾ [و اگر غصه بی‌ایمانی آن‌ها را می‌خوری] و دوری کردن از آن‌ها برایت سخت است. اگر می‌توانی، نقبی در زمین پیدا کن و یا نردبانی را در آسمان بگذار تا برای‌شان معجزه‌ای قابل باور بیاوری! بدان اگر خدا صلاح می‌دانست همه را هدایت می‌کرد [ولی هدایت اجباری ارزشی ندارد] پس تو از نادانان مباش! ﴿۳۵﴾

تنها کسانی که با گوشِ جان می‌شوند پذیرای دعوت تو‌اند. بی‌شک خداوند مردگان را زنده کرده و به سویش بازگردانده خواهند شد! ﴿۳۶﴾ و گفتند: چرا معجزه‌ای از جانب پروردگارش بر او نازل نشده است؟! بگو: خداوند می‌تواند معجزه‌ای نازل کند. اما بسیاری از آن‌ها نمی‌دانند! (اگر معجزه بیاید و باز ایمان نیاورند به خاطر این بی‌حرمتی عذاب الهی حتمی است!) ﴿۳۷﴾ هیچ جنبنده‌ای بر روی زمین نیست، و هیچ پرنده‌ای با بال‌هایش [در هوا] پرواز نمی‌کند، مگر آن که آن‌ها نیز هم‌چون شما امت‌هایی هستند! و ما در قرآن هیچ چیزی را از قلم نیانداخته‌ایم! و سرانجام، همه نزد پروردگارش جمع می‌شوند! ﴿۳۸﴾ کسانی که آیات ما را انکار می‌کنند کران و گنگان رها شده در تاریکی‌اند! خدا هر که را صلاح بداند در گمراهی و حیرانی می‌گذارد و هر که را صلاح بداند راه درست و نجات بخش را بر او نمایان می‌کند ﴿۳۹﴾ اگر راست می‌گوئید به من پاسخ دهید: آیا اگر عذاب الهی بر شما فرود آید و قیامت برپا شود باز غیر خدا را برای کمک می‌خوانید؟! ﴿۴۰﴾ بلکه تنها خدا را می‌خوانید! و اگر او بخواهد، شما را از رنجی که برای رفع آن یاری می‌طلبید نجات خواهد داد، و آن شرکایی که می‌پنداشتید فراموش خواهید کرد ﴿۴۱﴾ ما برای مردمانی که قبل از تو بودند [پیامبرانی] فرستادیم، و آن‌ها را در سختی و تنگنا قرار دادیم تا شاید [برای وصول به حق]، بی‌تکبر، زاری کنند ﴿۴۲﴾ اما چرا هنگامی که سختی و رنج به آن‌ها رسید [به درگاه حق] زاری نکردند؟! زیرا قلب‌هایشان سخت و سنگین شده و شیطان نیز اعمالشان را در نظرشان بزرگ و زیبا جلوه‌گر ساخته است ﴿۴۳﴾ و چون حقی را که به آنان یادآور شده بودیم فراموش کردند، درهای گشایش و همه‌گونه نعمت را برای‌شان باز کردیم تا خوشحال شوند [و به آن‌چه به آن‌ها داده شده دل ببندند]! ناگهان همه را گرفتیم و ناامید و مأیوس ره‌اشان کردیم! ﴿۴۴﴾

^۱ و یا این‌که: اکثر آن‌ها نمی‌دانند که واردِ دورانِ خردورزی شده‌اند. کافی است به تک تک پدیده‌های اطراف خود بنگرند. بی‌شک هر کدام را معجزه‌ای بزرگ خواهند یافت!

و پروردگار جهانیان را شکر و سپاس که ریشه قوم ستمکار کنده شد! ﴿۴۵﴾ بگو: چه تصور می‌کنید اگر خداوند قدرت درک حقایق را از گوش‌ها و چشم‌ها و قلب‌های شما بگیرد کدام خدا به جز الله می‌تواند آن را به شما برگرداند؟! ببین چگونه آیات و نشانه‌ها را شرح می‌دهیم، اما آن‌ها روی برمی‌گردانند! ﴿۴۶﴾ بگو: اگر عذاب خدا - چه به صورت غافلگیر کننده و چه به صورت آشکار - بیاید، چه می‌بینید؟! آیا جز ستمکاران هلاک می‌شوند؟! ﴿۴۷﴾ و ما پیامبران را جز برای مژده دادن و بیم رساندن مبعوث نکردیم. پس هر که ایمان آورد و عمل نیک و مفید انجام دهد هیچ ترس و یأس و اندوهی به خود راه ندهد! ﴿۴۸﴾ و کسانی که آیات ما را انکار کردند به کیفر دستاورد زشت و پلیدشان عذاب الهی آن‌ها را فرا می‌گیرد! ﴿۴۹﴾ بگو: من نمی‌گویم که خزائن [قدرت] الهی نزد من است، و نمی‌گویم که بر غیب و نادیده‌ها آگاهم، و حتی به شما نمی‌گویم که من یک فرشته‌ام! فقط از آن چه که به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم. بگو: آیا کور و بینا یکسانند؟! چرا تفکر نمی‌کنید؟! ﴿۵۰﴾ و کسانی را که می‌ترسند در برابر پروردگارشان قرار گیرند، به واسطه قرآن هشدار ده و بگو، برای آن‌ها به غیر از او، هیچ یاور و شفيعی نیست! شاید حرمت خداوند نگاه دارند! ﴿۵۱﴾ و کسانی را که هر صبح و شام پروردگارشان را می‌خوانند و مشتاق وصل و دیدار اویند طرد مکن! زیرا نه چیزی از حساب آن‌ها بر عهده توست و نه چیزی از حساب تو بر عهده آنان، پس اگر آن‌ها را از پیش خود طرد کنی بدون تردید از ستمکاران خواهی بود ﴿۵۲﴾

و ما برخی را به برخی دیگر، امتحان کردیم تا آن جا که گفتند: چرا خدا، از بین ما، به اینان نعمت داده است؟! آیا خداوند شاکران را بهتر نمی‌شناسد؟! ﴿۵۳﴾ و هنگامی که اهل ایمان سوی تو آمدند بگو: سلام بر شما. پروردگارتان بر خودش رحمت و بخشش را واجب کرده است، بدانید هرکس کار بدی را از روی غفلت و نادانی انجام دهد آن گاه توبه کرده و با کار نیک جبران کند، بی‌شک خداوند آمرزنده و باگذشت است ﴿۵۴﴾ و این چنین آیات و نشانه‌ها را به تفصیل بیان می‌کنیم، تا راه و رسم گناهکاران آشکار شود! ﴿۵۵﴾ بگو: من منع شده‌ام از این که به جز خداوند، آن چه را شما به جای خدا می‌خوانید، پرستش کنم! بگو: خواهش‌های نفسانی شما را پیروی نمی‌کنم، که اگر چنین کنم گمراه خواهم شد و هیچ‌گاه رنگ هدایت را نمی‌بینم! ﴿۵۶﴾ بگو: من از پروردگارم دلیلی آشکار دارم، همان دلیلی که شما انکار کرده‌اید! بدانید آن چه را برای رسیدن به آن شتاب می‌کنید نزد من نیست! حکم فقط حکم خداست. او کسی است که حقیقت را بیان می‌کند و بهترین جدا کننده حق از باطل است ﴿۵۷﴾ بگو: اگر آن چه را که برای رسیدن به آن شتاب می‌کنید نزد من بود، داستان بین من و شما هم تمام شده بود! و خداوند بزرگ بر ستمکاران آگاهی کامل دارد ﴿۵۸﴾ کلیدهای غیب و نادیده‌ها نزد اوست و هیچ‌کس جز خودش بر آن‌ها آگاهی ندارد! او کسی است که نسبت به آن چه در خشکی و دریا می‌گذرد عالم است، حتی هیچ برگی از درخت نمی‌افتد مگر آن که از آن آگاه است! و نیز هیچ دانه‌ای در تاریکی اعماق زمین و حتی هیچ تر و خشکی نیست، مگر آن که مقدراتش در کتابی روشن ثبت شده باشد! ﴿۵۹﴾

اوست که شب هنگام [در خواب] روح از بدنتان بر می‌گیرد در حالی که آن چه را که در روز انجام داده‌اید می‌داند، و [صبحگاه] دوباره شما را زنده می‌کند. [و این چرخه ادامه می‌یابد] تا عمرتان پایان پذیرد، سپس بازگشت‌تان به سوی اوست و شما را از عملکردتان آگاه می‌کند! ﴿۶۰﴾ اوست که بر بندگانش مسلط است، و نگهبانانی بر شما گمارده است که چون عمر کسی از شما به پایان رسیده باشد فرستادگان‌مان جان او را بی‌هیچ کوتاهی بگیرند ﴿۶۱﴾ تا به سوی سرپرست حقیقی‌شان خداوند، بازگردانده شوند. بدان! حکم [بی چون و چرا] از آن اوست، و او [در محاسبه اعمال] سریع‌ترین حسابگران است! ﴿۶۲﴾ بگو: کیست که شما را از ظلمات خشکی و دریا نجات بخشد؟! در حالی که شما به زاری و در خفا او را می‌خوانید که: اگر این بار ما را از این مهلکه نجات دهد بدون شک شاکر و سپاسگزار می‌شویم! ﴿۶۳﴾ بگو: خداست که شما را از این مهلکه‌ها و مصیبت‌ها نجات می‌دهد، اما باز شما [یادتان می‌رود و] شرک می‌ورزید! ﴿۶۴﴾ بگو: او قادر است عذابی بر شما بفرستد که از سراپایتان بجوشد و یا شما را گروه گروه در هم افکند تا طعم تلخ جنگ را به هر یک از شما، توسط دیگری بچشانند! ببین چگونه آیات و نشانه‌ها را شرح می‌دهیم تا شاید حقایق را بفهمند! ﴿۶۵﴾ و قوم تو قرآن را تکذیب کردند در حالی که کاملاً حق است. پس به آن‌ها بگو: من وکیل و مدافع شما نیستم! ﴿۶۶﴾ برای هر خبری جایگاهی و زمانی است! به زودی خواهید فهمید! ﴿۶۷﴾ و اگر دیدی جمعی از روی عناد و بهانه‌جویی به آیات ما پرداخته‌اند از آن‌ها روی بگردان تا به مطلب دیگری بپردازند. و اگر چنانچه شیطان باعث فراموشی‌ات شد هنگامی که یادآور شدی، با آن قوم ستمکار منشین!

﴿۶۸﴾

اما کسانی که پرهیزکارند [و جهت ارشاد در چنین جمعی حضور دارند]، به گناه آنان بازخواست نخواهند شد، پس حقایق را یادآوری کنند! شاید حرمت فرمان خدا را نگاه دارند ﴿۶۹﴾ آن کسان که دین‌شان را به بازی و سرگرمی گرفته‌اند، رها کن زیرا زندگی دنیا مغرورشان ساخته است! فقط به واسطه قرآن به آن‌ها یادآوری کن، مبادا دستاوردهای دامنگیرشان شود. در حالی که به جز خدا هیچ یاور و شفיעی نخواهند داشت! [حتی برای رهایی از عذاب] هرگونه فدیهای دهند پذیرفته نخواهد شد! و آن‌ها کسانی هستند که به خاطر دستاورد کفرآلودی که دامن‌گیرشان شده است برای‌شان شرابی از آب جوشان و عذابی دردآور مهیا شده است! ﴿۷۰﴾ بگو: چرا به جای خدا؛ چیزی را بخوانیم که نه می‌تواند به ما سود دهد و نه زیان برساند؟! چرا پس از آن که خدا هدایت‌مان کرده، هم‌چون کسی که شیطان گمراهش کرده و در زمین حیرانش نموده، از حق برگردیم؟! حال آن که او را یارانی است که به هدایتش می‌خوانند که نزد ما بیا! بگو: تنها هدایت خداوند، هدایت است! ما امر شده‌ایم که تسلیم محض پروردگار جهانیان باشیم ﴿۷۱﴾ و نماز را به پای دارید و حرمت او را پاس بدارید! حرمت همان کسی، که نزدش محشور خواهید شد ﴿۷۲﴾ و او کسی است که آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید. و روزی که به هر چیزی گوید: موجود شو! موجود شود! کلامش حق است. و آن روز که در صور دمیده شود حکومت خاص اوست، دیده و نادیده را می‌داند و او حکیم و آگاه است ﴿۷۳﴾

^۱ «نفخ» به معنای دمیدن و «صور» به معنای شیپور است و قرآن در اینجا یک تعبیر کنایی بسیار زیبا به کار می‌برد، در قدیم برای توقف کاروان یا اعلام حرکت آن در شیپوری می‌دمیدند، و قرآن با این تعبیر کنایی با دمیدن در صور خبر از توقف زمان و حرکت و زندگی می‌دهد (همه چیز می‌میرد) و با دمیدن دیگر، زنده شده، جنبش می‌گیرند.

و هنگامی که ابراهیم به پدرش آزر گفت: آیا بُتان را به عنوان معبود برگزیده‌ای؟! بدون تردید هم تو و هم قوم تو را در گمراهی آشکاری می‌بینم! ﴿۷۴﴾ این چنین شد که به ابراهیم «ملکوت» آسمان‌ها و زمین را نشان دادیم تا از اهل یقین شود! ﴿۷۵﴾ و چون تاریکی شب او را فرا گرفت ستاره‌ای را دید و گفت: این پروردگار من است. و چون [ستاره] غروب کرد و ناپدید شد گفت: من غروب کنندگان را دوست ندارم ﴿۷۶﴾ و هنگامی که ماه را دید که طلوع کرده گفت: این پروردگار من است! اما زمانی که دید آن هم افول کرد و ناپدید شد گفت: اگر پروردگارم مرا به راه درست هدایت نکند بی‌شک از قوم گمراهان خواهم بود! ﴿۷۷﴾ پس هنگامی که خورشید را در حال طلوع دید گفت: این دیگر خدای من است، زیرا از همه بزرگ‌تر است! اما وقتی دید آن هم غروب می‌کند گفت: ای قوم، من از شرکی که می‌ورزید بیزارم! ﴿۷۸﴾ من [تسلیم محض]، روی خود را سوی کسی متوجه می‌کنم که آسمان‌ها و زمین را آفرید! و من هرگز از مشرکان نخواهم بود ﴿۷۹﴾ و هنگامی که قومش به او پرخاشگری کردند، گفت: چرا در رابطه با خداوند با من به پرخاشگری برخاسته‌اید، حال آن که او مرا [به راه نجات] هدایت کرده است؟! من از چیزهایی که شما همتای خدا قرار می‌دهید نمی‌ترسم. مگر آن چه را پروردگارم بخواهد! وسعت علم و آگاهی پروردگارم همه چیز را فرا گرفته است. آیا هنوز هم هشیار نمی‌شوید؟! ﴿۸۰﴾ و چگونه از چیزهایی که شما همتای خداوند قرار داده‌اید بترسم در حالی که شما در مورد شرک زشت خودتان به خدا - که هیچ دلیل الهی هم ندارد - نمی‌ترسید؟! اگر می‌دانید، بگوئید بینم کدام یک از دو گروه بت‌پرستان و خداپرستان، شایستگی بودن در فضای امنیت و آرامش دارند؟! ﴿۸۱﴾

^۱ حقایق حکومت مطلقه خداوند بر همه مخلوقات.

کسانی که ایمان آورده‌اند ایمان خود را به شرک و ظلم آلوده نمی‌کنند، زیرا امنیت و آرامش برای آن‌هاست، و آنان [به راه نجات و رستگاری] هدایت شده‌اند ﴿۸۲﴾ و این دلایل ما بود که به ابراهیم در مقابل قومش عطا کردیم. هر که را صلاح بدانیم به درجات بالاتر می‌بریم، و پروردگار تو حکیم و آگاه است ﴿۸۳﴾ و به او اسحاق و یعقوب را عطا کردیم و همه آن‌ها را هدایت نمودیم، و نیز نوح را قبل از آنان به راه نجات هدایت کردیم، هم‌چنین فرزندانش، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را. و این‌چنین پاداش نیکوکاران را می‌دهیم! ﴿۸۴﴾ و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس همگی از صالحان‌اند ﴿۸۵﴾ و اسماعیل و یسَع و یونس و لوط، همگی را بر جهانیان برتری دادیم ﴿۸۶﴾ و از پدران و فرزندان و برادرانشان، گروهی را برگزیدیم و به راه درست و نجات‌بخش هدایت کردیم ﴿۸۷﴾ این است هدایت خداوند! هر کس از بندگانش را صلاح بداند هدایت می‌کند و اگر شرک بورزند همه اعمال نیک‌شان تباه می‌شود! ﴿۸۸﴾ آن‌ها کسانی‌اند که کتاب و قدرت و نبوت عطایشان کردیم؛ و اگر به آیات حق کفر بورزند کسان دیگری را برای پاسداری از حق انتخاب، خواهیم کرد که به آن کافر نباشند! ﴿۸۹﴾ اینان کسانی‌اند که خداوند هدایت‌شان کرده است، پس به هدایت آنان اقتدا کن و بگو: در برابر این رسالت الهی، از شما پاداشی نمی‌خواهم. زیرا این قرآن فقط پندنامه‌ای برای جهانیان است ﴿۹۰﴾

خدا را آن چنان که شایستهٔ اوست نشناختند، آن گاه که گفتند: خداوند هیچ چیزی بر کسی نازل نکرده است! بگو: چه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرده است؟! همان کتابی که برای مردم نور بود و هدایت. اما شما آن را تبدیل به کاغذهایی کردید و قسمتی از آن را آشکارا در معرض عموم قرار دادید و بسیاری از آن را پنهان کردید! در حالی که مطالبی به شما تعلیم داده شد که قبلاً نه شما می‌دانستید و نه پدرانتان! بگو: الله! آن گاه ترک‌شان کن تا با اوهام‌شان سرگرم باشند! ﴿۹۱﴾ و این کتاب بر کتی است که نازل کرده‌ایم، کتابی که تأییدکننده کتب آسمانی پیشین است، تا مادر همهٔ شهرها و هرکس را در اطرافش است [از نافرمانی خدا] بر حذر داری. و بدان کسانی که به آخرت ایمان آورده‌اند، آن را باور دارند و بر نمازهایشان مراقبت می‌کنند ﴿۹۲﴾ و چه کسی ستمکارتر از کسی است که به خدا دروغ بدهد، یا بگوید: به من وحی شده است، در حالی که هیچ وحی‌ای بر او نازل نشده است! و یا کسی که بگوید: من همانند آنچه خدا نازل کرده است نازل می‌کنم! و کاش می‌دیدید هنگامی که این ظالمان در شداید مرگ فرو رفته‌اند و فرشتگان قبض روح، دست‌هایشان را گشوده‌اند و می‌گویند: جانتان را بالا بیاورید که امروز به خاطر دروغ‌هایی که به خداوند نسبت داده‌اید و تکبری که نسبت به آیاتش داشته‌اید جزایی خوارکننده انتظارتان را می‌کشد! ﴿۹۳﴾ اکنون تنهای تنها، همان گونه که روز اول خلق شدید به سوی ما آمده‌اید. و آن چه را به شما بخشیده بودیم پشت سر گذاشتید، در حالی که شفیعان و تکیه‌گاه‌های خود را که فریادرس می‌انگاشتند با شما نمی‌بینیم! اکنون تمام پیوندهایی که داشتید بریده شده است، حتی تمام آنچه را که در خیال می‌پنداشتید از شما دور شده‌اند! ﴿۹۴﴾

^۱ «ام القری» از نام‌های مکه مکرمه.

این خداوند است که دانه و هسته را می‌شکوفاند، و زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد. خداوندِ شما این چنین است، پس چگونه از حقیقت منحرف می‌شوید؟! ﴿۹۵﴾ او شکوفندهٔ صبح است و شب را برای آرامش و خورشید و ماه را وسیلهٔ محاسبهٔ زمان قرار داد، این اندازه‌گیری خداوند مقتدر و آگاه است ﴿۹۶﴾ و او کسی است که ستارگان را وسیلهٔ راه یابی شما در ظلماتِ بیابان‌ها و دریاها قرار داد. حقیقتاً نشانه‌هایمان را برای آنان که می‌فهمند به تفصیل بیان کردیم ﴿۹۷﴾ و او کسی است که شما را از یک جانِ واحد خلق کرد، بعضی را کامل و پایدار و برخی دیگر را ناپایدار! حقیقتاً نشانه‌ها را برای کسانی که ژرف اندیشند به تفصیل بیان کردیم ﴿۹۸﴾ و او کسی است که از آسمان بارانی نازل کرد و به وسیلهٔ آن انواع گیاهان را رویاندیم، و از آن شاخه‌های سرسبزی به وجود آوردیم، متعاقب آن دانه‌های انبوهی را [نمایان کردیم]، و نیز از شکوفه‌های درخت نخل، خوشه‌هایی سر فرود آورده پدید آوردیم، و باغ‌هایی از تاک و زیتون و انار، برخی شبیه هم و برخی غیرمتشابه خلق کردیم. پس به میوهٔ آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن نشانه‌های قدرت و عظمت خداوند، برای اهل ایمان است ﴿۹۹﴾ اما آن‌ها برای خدا شریکانی از جن قرار دادند در حالی که جن را خدا خلق کرده است! و از روی نادانی و دروغ برای خدا دختران و پسرانی قائل شدند، حال آن‌که او پاک و بی‌عیب است. و از آن چه می‌پندارند فراتر! ﴿۱۰۰﴾ چگونه می‌شود پدید آورنده زمین و آسمان‌ها فرزندی داشته باشد در حالی که همسری نداشته است؟! بدانید او همه چیز را خلق کرده و به همه چیز آگاه است! ﴿۱۰۱﴾

این چنین است الله پروردگار شما، هیچ معبودی جز او نیست. خالق همه چیز است. پس او را پرستش کنید و بنده او باشید، زیرا او حافظ و نگهبان همه مخلوقات است! ﴿۱۰۲﴾ هیچ چشم تیزبینی او را درک نمی‌کند در حالی که او چشم‌ها و صاحبانش را می‌بیند، و او آگاه و لطیف است ﴿۱۰۳﴾ حقیقتاً دلایل روشنی از سوی خداوند برای شما آمده است. پس کسی که از روی بصیرت به آن بنگرد، به سود خود کار کرده و هر کس دیده فرو بندد، به زیان خویش عمل کرده است! و ما شما را اجبار نمی‌کنیم ﴿۱۰۴﴾ و این چنین، آیات را گوناگون بیان می‌کنیم مبادا بگویند: تو آن‌ها را از کسی آموخته‌ای! حال آن که ما این آیات و نشانه‌ها را برای اهل دانش بیان می‌کنیم ﴿۱۰۵﴾ از آن چه از سوی پروردگارت به تو وحی شده تبعیت کن! جز او معبودی نیست. و از مشرکان روی بگردان ﴿۱۰۶﴾ اگر خدا می‌خواست آن‌ها هم نمی‌توانستند شرک بورزند! و بدان که ما تو را مسؤول حفاظت از آن‌ها قرار ندادیم. و تو وکیل و کارساز آن‌ها نیستی ﴿۱۰۷﴾ هیچ‌گاه به معبود کسانی که غیر خدا را می‌پرستند دشنام مدهید تا آن‌ها نیز از روی نادانی و دشمنی، الله را دشنام دهند! ما اعمال هر گروهی را به چشم‌شان زیبا جلوه‌گر کرده‌ایم، سپس به سوی پروردگارشان باز خواهند گشت و از عملکردشان آگاهشان خواهد کرد! ﴿۱۰۸﴾ با سخت‌ترین قسم‌ها، خداوند را سوگند یاد کردند که اگر معجزه‌ای برای‌شان بیاید حتماً به آن ایمان خواهند آورد! بگو: همه معجزات به دست خدا و در اختیار اوست. و شما از کجا می‌دانید که اگر معجزه‌ای بیاید [ایمان می‌آورند]؟! نه، آن‌ها اهل ایمان نیستند! ﴿۱۰۹﴾ همان‌گونه که در ابتدا به آن ایمان نیاوردند این بار نیز قلب‌ها [و مراکز فهم و درک آن‌ها] و دیده‌هایشان را واژگونه می‌کنیم و آن‌ها را در طغیان و نافرمانی‌شان به حال خود را می‌گذاریم تا حیران و سرگردان بمانند! ﴿۱۱۰﴾

اگر فرشتگان را بر آن‌ها نازل کنیم و مردگان با آن‌ها سخن بگویند و هر چیزی را در برابرشان محشور کنیم باز ایمان نمی‌آورند مگر آن که خدا بخواهد. بدانید اکثرشان نادانند! ﴿۱۱۱﴾ و برای هر پیامبری، دشمنی شیطان صفت، از جنس انسان و جن قرار دادیم تا سخنان فریبنده و بی‌اساس [برای گمراهی مردم] به یکدیگر القاء کنند، بدان که اگر خدا می‌خواست نمی‌توانستند این کار را بکنند! پس آن‌ها را در تهمت‌هایی که می‌زنند به حال خود واگذار ﴿۱۱۲﴾ تا آنان که روز قیامت را باور ندارند به وسوسه‌ها گوش جان بسپارند، و به آن راضی شوند، و هر گناهی که بخواهند مرتکب شوند! ﴿۱۱۳﴾ آیا داوری به غیر از خداوند را جستجو کنیم، در حالی که او برای شما این کتاب مفصل و روشن را نازل کرده است؟! و کسانی که کتاب آسمانی عطایشان کرده‌ایم، خوب می‌دانند که قرآن به حق از جانب پروردگارت نازل شده است. پس هیچ‌گاه از تردیدکنندگان مباش! ﴿۱۱۴﴾ و کلام پروردگار تو در راستی و عدالت به حدّ کمال است و هیچ کس توان تغییر کلماتش را ندارد، زیرا که او شنوا و آگاه است ﴿۱۱۵﴾ اگر از اکثر کسانی که روی زمین‌اند پیروی کنی، بدان که از راه درست خدا گمراهت می‌کنند، زیرا آن‌ها جز از ظن و گمان خود پیروی نمی‌کنند. و جز به تخمین و حدس سخن نمی‌گویند! ﴿۱۱۶﴾ بدان که پروردگارت، هم نسبت به کسانی که از راه الهی گمراه شده‌اند آگاهی کامل دارد، و هم به ره‌یافتگان حقیقی ﴿۱۱۷﴾ و اگر به آیات خدا ایمان دارید، از آن‌چه بخورید که نام خداوند بر آن برده شده است! ﴿۱۱۸﴾

چرا از آن چه که نام خدا بر آن برده شده است نمی‌خورید؟! حال آن که خداوند آن چه را که بر شما حرام نموده، بیان کرده است! [و از حرام نخورید] مگر آن که ناچار شوید! بدانید بسیاری از روی هوا و هوس و نادانی، دیگران را گمراه می‌کنند. همانا پروردگارت بر آن‌ها که از حدّ، تجاوز می‌کنند آگاهی کامل دارد ﴿۱۱۹﴾ و گناهان را - چه آشکار باشد و چه پنهان - ترک کنید زیرا کسانی که دستاوردهای گناه است، به زودی به خاطر آن چه مرتکب شده‌اند مجازات خواهند شد ﴿۱۲۰﴾ و از چیزی نخورید که نام خدا بر آن برده نشده است، که این گناه است! بدانید که شیاطین به هواداران‌شان مطالبی القاء می‌کنند تا با شما به مجادله برخیزند، و اگر از آن‌ها اطاعت کردید بی‌تردید شما هم جزو مشرکانید! ﴿۱۲۱﴾ آیا آن کس که مرده بود و ما زنده‌اش کردیم^۱ و نوری برایش قرار دادیم تا به واسطه آن در میان مردم راه خود را بیابد، با کسی که در تاریکی گرفتار است و راه خروج را نمی‌داند یکسان است؟! این چنین عملکرد کافران به چشم‌شان زیبا جلوه‌گر می‌شود! ﴿۱۲۲﴾ و این گونه سران گناهکاری را، در شهرها قرار دادیم تا در آن جا به مکر بپردازند^۲ در حالی که آن‌ها کسی جز خودشان را فریب ندهند. شعور درکش را ندارند! ﴿۱۲۳﴾ و هرگاه آیه‌ای برای آن‌ها آمد گفتند: ایمان نمی‌آوریم، مگر آن چه را که به پیامبران خدا داده شده است، به ما نیز داده شود! بگو: خداوند داناتر است به این که رسالت خود را در کجا قرار دهد! به زودی از جانب خداوند به اینان به خاطر فریبکاری‌شان عذاب شدید و خوارکننده‌ای خواهد رسید! ﴿۱۲۴﴾

^۱ کسانی که کافر بودند و به نور ایمان زنده شدند.

^۲ در دنیا فرصت مکر و فریب به آن‌ها داده می‌شود اما عاقبت زیانکار واقعی خودشانند.

هر کس را خدا بخواهد هدایت کند سینه‌اش را وسیع و مستعد تسلیم شدن می‌کند، و هر کس را بخواهد در گمراهی گذارد سینه‌اش را آن‌چنان تنگ و ظرفیتش را محدود می‌نماید که گویی می‌خواهد به آسمان برود.^۱ این گونه خداوند، پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد ﴿۱۲۵﴾ و این راه راست پروردگار توست. ما آیات و نشانه‌ها را برای کسانی که پند می‌گیرند بیان کردیم! ﴿۱۲۶﴾ برای آن‌ها سرای امنیت و آرامش نزد پروردگارشان مهیاست، و او یاورشان است به خاطر دستاورد نیکی که داشته‌اند ﴿۱۲۷﴾ روزی که خدا همه را محشور کند گوید: ای جماعت جنیان، بسیاری از انسان‌ها را پیرو خودتان کردید. و انسان‌های هوادار آن‌ها گویند: پروردگارا! ما از یکدیگر بهره می‌بردیم تا این که مرگمان آن زمان که تو مقرر کرده بودی فرا رسید. و خدا گوید: آتش جایگاه شماست. تا آن زمان که خدا بخواهد در آن بمانید! بدان که پروردگار تو حکیم و داناست ﴿۱۲۸﴾ و این چنین ما برخی از ستمگران را به برخی دیگر وا می‌گذاریم تا به خاطر دست‌آوردشان به یکدیگر مشغول باشند ﴿۱۲۹﴾ ای جماعت جن و انس! آیا پیامبرانی از جنس خودتان به سوی‌تان نیامدند؟! پیامبرانی که حقایق آیات مرا بر شما می‌گفتند و شما را از دیدار چنین روزی برحذر می‌داشتند؟! گفتند: اکنون ما به زیان خودمان گواهی می‌دهیم! بدانید زندگی دنیا آن‌ها را فریفته بود و حال، علیه خودشان شهادت می‌دهند، زیرا آن‌ها نسبت به حقایق کافر بودند ﴿۱۳۰﴾

^۱ پذیرش حق برای این دسته چنان سخت و ناممکن جلوه می‌کند که گویی می‌خواهند در آسمان پرواز کنند و کار شاقی انجام دهند!

این بدان خاطر است که پروردگارت هیچ‌گاه اهل شهرها را به سبب ظلم‌شان، در حال غفلت و بی‌خبری هلاک نمی‌کند ﴿۱۳۱﴾ و برای هرکس نسبت به عملکردش درجاتی وجود دارد، و پروردگار تو از عملکردشان غافل نیست ﴿۱۳۲﴾ و پروردگار تو بی‌نیاز و صاحب رحمتی وسیع است، اگر بخواهد همه شما را از بین می‌برد و هرکس را بخواهد جایگزین شما می‌کند. هم‌چنان که شما را جایگزین نسل دیگری کرده است ﴿۱۳۳﴾ آن‌چه به شما وعده داده شده، آمدنی است و شما نمی‌توانید از آن فرار کنید! ﴿۱۳۴﴾ بگو: ای قوم من! هر آن‌چه می‌خواهید انجام دهید. من نیز کار خودم را می‌کنم، به زودی خواهید فهمید که عاقبت به خیر کیست! بدانید که خداوند ظالمان را رستگار نمی‌کند ﴿۱۳۵﴾ آن‌ها برای خداوند سهمی از محصول زراعی و از چهارپایان، قرار دادند و به خیال خام‌شان گفتند: این سهم خدا و این هم سهم بتان! آن‌چه مال شرکای آن‌ها بود به خدا نمی‌رسید، اما آن‌چه مال خدا بود به شرکایشان می‌رسید! چه حکم بد [و ابلهانه‌ای] می‌کنند! ﴿۱۳۶﴾ [وسوسه‌های شرک‌آلود]، کشتن فرزندان را در نظر بسیاری از مشرکان [عملی پسندیده] جلوه داد و سرانجام آن‌ها را به هلاکت رساندند، و دربارهٔ دین‌شان نیز آن‌ها را به شک و اشتباه انداختند، در حالی که اگر خدا می‌خواست آن‌ها این کار را نمی‌کردند [اما هدایت اجباری سودی ندارد]. پس آن‌ها و تهمت‌هایشان را به حال خود واگذار! ﴿۱۳۷﴾

و گفتند: این‌ها چهارپایان و کشتزارهای ممنوع است! هیچ کس بدون اجازه ما حق استفاده از آن را ندارد! این‌ها چهارپایانی است که نباید بر آن‌ها سوار شد! و این‌ها چهار پایانی است که نباید [هنگام ذبح] نام خدا را بر آن‌ها برد! [بدانید این احکام] افتراپی است که بر خدا می‌بندند، و به زودی جزای افترایشان داده خواهد شد! ﴿۱۳۸﴾ و گفتند: آن‌چه در شکم این چهارپایان است برای مردان ما حلال است و برای زنان ما حرام! و اگر مرده باشد، زن و مرد در آن شریکند! [بدانید که خداوند] به خاطر گفتارشان مجازاتشان خواهد کرد زیرا او حکیم و داناست! ﴿۱۳۹﴾ حقیقتاً زیان کردند آن‌ها که از روی سبک عقلی و نادانی فرزندان‌شان را کشتند، و آن‌چه را خداوند به آن‌ها روزی داده بود حرام کردند و بر خدا افترا بستند. آن‌ها گمراهند و هیچ‌گاه اهل هدایت نبوده‌اند ﴿۱۴۰﴾ خداوند باغ‌هایی آفریده که برخی درختان آن‌ها نیازمند تکیه‌گاهند و برخی بر ساقه‌های خود استوارند و نخل و محصولات زراعی را آفرید در حالی که میوه‌هایشان طعم‌های متنوعی دارند، هم‌چنین باغ‌های زیتون و انار را آفرید در حالی که برخی شبیه هم و برخی متفاوت‌اند. از میوه‌هایش هنگامی که رسید بخورید و در روز برداشت، حق آن را بپردازید. و اسراف مکنید، زیرا خداوند هدردهندگان نعمت را دوست ندارد! ﴿۱۴۱﴾ و خدا، هم چهارپایانی که بار می‌برند و هم حیوانات کوچک دیگر را آفرید. بخورید از آن‌چه خداوند روزی‌تان کرده و پای جای شیطان مگذارید زیرا او دشمن آشکار شماست! ﴿۱۴۲﴾

هشت رأس از حیوانات را [برای شما آفرید]، از گوسفند یک جفت و از بز یک جفت، بگو: آیا خداوند نرهای آن‌ها را حرام کرده، یا ماده‌ها را؟! یا آن چه در شکم ماده‌ها قرار گرفته؟! اگر راست می‌گویید [و برتحریم آن‌ها دلیلی دارید] به من هم بگویید! ﴿۱۴۳﴾ و یک جفت از شتر و یک جفت هم از گاو [برای شما آفرید]. بگو: کدام یک از این‌ها را خداوند حرام کرده است، نرها یا ماده‌ها را؟! یا آن چه در شکم ماده‌ها قرار دارد؟! آیا شما وقتی خداوند حکم تحریم آن‌ها را داد شاهد بودید؟! کیست ظالم‌تر از آن که به خداوند دروغ ببندد تا بدین وسیله مردم را گمراه کند آن هم بدون دلیل؟! بدانید که خداوند جماعت ظلم‌پیشه را به نجات، راهنمایی نمی‌کند ﴿۱۴۴﴾ بگو: در میان آن چه به من وحی شده است خوردنی حرامی نمی‌یابم، جز مردار و خون ریخته شده و گوشت خوک که پلید است، و یا حیوانی که به گناه به نام غیر خدا ذبح شده باشد، و اگر کسی از روی ناچاری و اضطرار و با بی‌میلی از آن بخورد و خوردن را نیز از حد نگذراند، بداند که خداوند آمرزنده و بسیار باگذشت است ﴿۱۴۵﴾ و بر یهودیان هر حیوان دارای ناخن [با سُم ناشکافته] را حرام کردیم، و از گاو و گوسفند، پیه و چربی آن‌ها را تحریم کردیم مگر آن قسمت از چربی که بر پشت آن‌هاست، و یا به روده‌ها و استخوان‌ها چسبیده است. و این تحریم را به خاطر ستمی که کردند بر آن‌ها روا داشتیم! و بدانید که ما راست می‌گوییم ﴿۱۴۶﴾

و اگر تو را تکذیب کردند بگو: پروردگار شما صاحب رحمتی وسیع است، و در عین حال مجازات او، برای مجرمان غیرقابل رفع است! ﴿۱۴۷﴾ به زودی مشرکان [برای تبرئه خویش] می‌گویند: اگر خدا می‌خواست ما و پدرانمان شرک نمی‌ورزیدیم و چیزی را هم تحریم نمی‌کردیم. کسانی که قبل از آن‌ها بودند نیز همین‌گونه دروغ می‌گفتند، تا این که عذاب ما را چشیدند. بگو: اگر بر این مدعا دلیلی دارید پس به ما هم نشان دهید. شما فقط از ظن و گمان پیروی می‌کنید و جز به تخمین و حدس سخن نمی‌گویید ﴿۱۴۸﴾ بگو: دلیل کامل، از آن خداست و اگر می‌خواست همه شما را هدایت می‌کرد ﴿۱۴۹﴾ بگو: آن شاهدانی که گواهی داده اند خداوند این‌ها را حرام کرده، بیاورید. حتی اگر باز آن‌ها [به دروغ] شهادت دادند تو هرگز همراه با آن‌ها گواهی مده و از خواهش‌های نفسانی کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و به خدا و روز حسابرسی ایمان ندارند تبعیت مکن، زیرا آن‌ها به خداوند شرک می‌ورزند ﴿۱۵۰﴾ بگو: بیایید تا آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده بیان کنم؛ این که هیچ شریکی برای او قائل مشوید و به پدر و مادرتان احسان کنید و فرزندانان را از ترس فقر و نداری مکشید، زیرا ما روزی دهنده شما و آن‌ها هستیم، و این که به گناهان آشکار و پنهان نزدیک مشوید و نیز کسی که جانش را خداوند محترم داشته است، مکشید، مگر آن که استحقاق مرگ داشته باشد! این نکاتی است که خداوند شما را به آن‌ها وصیت می‌کند، امید آن که تعقل کنید ﴿۱۵۱﴾

و به مال یتیم نزدیک نشوید مگر آن که به بهترین وجه و برای اصلاح امور او باشد، تا این که بزرگ و عاقل شود. و از روی عدالت تمام، پیمانہ و وزن کنید. بدانید ما هیچ کس را بیش از طاقتش مسؤول نکرده‌ایم. و هنگامی که سخن می‌گویید عدالت را رعایت کنید حتی اگر [به ضرر] نزدیکان تان باشد! و همواره به پیمانی که با خدا بسته‌اید وفا کنید، این چیزی است که خداوند شما را به آن وصیت می‌کند شاید پند بگیرید ﴿۱۵۲﴾ بدانید که این راه راست من است، پس از آن تبعیت کنید و از راه‌هایی نروید که باعث فرقه فرقه شدن شما شود و از راه حق منحرف تان کند! این چیزی است که خداوند شما را به آن وصیت می‌کند شاید حرمت فرمان خدا را نگاه دارید ﴿۱۵۳﴾ آن‌گاه کتاب را به موسی دادیم تا بر کسی که نیکوکار است [نعمت را] تمام کنیم. و از هر چیزی به تفصیل در آن بیان داشتیم و آن کتاب را هدایت و رحمت قرار دادیم تا شاید آن‌ها روز دیدار با پروردگارشان را باور کنند ﴿۱۵۴﴾ این نیز قرآنی با برکت است که نازل کرده‌ایم، پس از آن تبعیت کنید و حرمت نگاه دارید. امید آن که مورد رحمت قرار گیرید ﴿۱۵۵﴾ تا نگوئید، فقط بر دو طایفه پیش از ما (یهود - مسیحیان) کتاب نازل شده است و ما هم نسبت به بحث و بررسی آن‌ها ناآگاه بودیم! ﴿۱۵۶﴾ و یا نگوئید اگر بر ما نیز کتاب نازل می‌شد قطعاً مشتاق تر از آن‌ها در راه هدایت بودیم. اکنون دلیل آشکاری از سوی خداوند بر شما آمده است؛ [کتابی که] هدایت و رحمت است. پس چه کسی ظالم تر از کسی است که آیات خدا را تکذیب کند و از آن روی برگرداند؟! به زودی کسانی را که از آیات ما روی گرداندند مجازات شدیدی خواهیم کرد، زیرا آن‌ها بدون دلیل روی گردان شدند ﴿۱۵۷﴾

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند؟! یا پروردگارت؟! و یا برخی معجزات پروردگارت؟! بدان آن روز که برخی معجزات پروردگارت رو نماید دگر ایمان آوردن کسی که قبلاً ایمان نیاورده، سودی ندارد. حتی برای آن‌ها که ایمان آورده بودند اما کار خوبی در سابقه‌شان نیست، باز سودی نخواهد داشت! بگو: شما انتظار بکشید، ما هم چشم به راه می‌مانیم! ﴿۱۵۸﴾ تو را با آن‌ها که دین‌شان را فرقه فرقه کردند و گروه گروه شدند کاری نیست، کار آن‌ها با خداست! و سرانجام نسبت به عملکردشان آگاهشان خواهد کرد ﴿۱۵۹﴾ هر کس کار خوبی انجام دهد ده برابر آن پاداش می‌گیرد، و هر کس کار بد و زشتی مرتکب شود فقط به اندازه آن جزا می‌بیند، و به آن‌ها ستم نمی‌شود ﴿۱۶۰﴾ بگو: پروردگار من، مرا به راه درست هدایت کرده است. آن هم به دینی پابرجا، به آیین ابراهیم تسلیم خدا، و او هیچ‌گاه از مشرکان نبوده است ﴿۱۶۱﴾ بگو: نماز من و تمامی عبادات من و زندگی و مرگ من، همه از آن خدا، آن پروردگار جهانیان است. ﴿۱۶۲﴾ هیچ شریکی ندارد. و برای بیان یگانگی مأمور شده‌ام، و من سرآمد تسلیم شدگانم ﴿۱۶۳﴾ بگو: چرا غیر از الله را به عنوان پروردگار بجویم؟! در حالی که او، خود پروردگار همه چیز است. بدانید هر کس فقط کیفر دستاورد خود را می‌بیند و کسی بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد! عاقبت بازگشت‌تان به سوی پروردگارتان است و او شما را نسبت به آنچه مورد اختلاف‌تان است آگاه خواهد کرد ﴿۱۶۴﴾ او کسی است که شما را جانشینان روی زمین قرار داد، و برخی از شما را نسبت به برخی دیگر به درجاتی برتری داد تا شما را در آن چه تقدیم‌تان نموده امتحان کند، بدان که پروردگارت هم مجازاتش سریع و هم آمرزنده و بسیار باگذشت است ﴿۱۶۵﴾

سوره اعراف

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

المص ﴿۱﴾ کتابی که بر تو نازل شده است، هیچ بار سنگینی بر سینه تو نیست [بلکه نازل شده] تا به واسطه آن، [کسانی را که بیراهه می‌روند]، هشدار دهی و نیز تذکری باشد برای اهل ایمان! ﴿۲﴾ از آن چه که از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده تبعیت کنید و غیر او را - از اولیاء و معبودهای دیگری [که می‌پندارید] پیروی نکنید، چه اندک است پندپذیری‌تان! ﴿۳﴾ چه بسیار شهرها و آبادی‌ها را [به سبب تجاوز و گناهانِ اهلش] نابود کردیم، در حالی که عذاب ما یا شب هنگام یا روز در وقت استراحت و بی‌خیالی به سراغشان آمد ﴿۴﴾ و تنها سخنی که در وقت نزول بلا توانستند بگویند [این بود که اعتراف کردند به] این که ما زندگی ظالمانه‌ای داشتیم! ﴿۵﴾ بدون شک ما، هم از آن‌ها و هم از پیامبرانی که به سویشان مبعوث کردیم سؤال خواهیم کرد! ﴿۶﴾ و تمامی عملکردشان را از روی دلیل و آگاهی برای‌شان بازگو می‌کنیم، زیرا ما غائب نبوده‌ایم! ﴿۷﴾ و میزان سنجش اعمال و ارزش‌ها در آن روز فقط بر اساس حق است. و هر کس کفّه اعمال نیک‌اش سنگین باشد، بدون تردید از رستگاران است! ﴿۸﴾ و آن که کفّه اعمالش، سبک و بی‌ارزش است بی‌شک از کسانی‌اند که به خاطر ستمی که به آیات ما روا داشتند به زیان خود عمل کرده‌اند! ﴿۹﴾ ما شما را در زمین، قدرت دادیم، و آن چه را برای زندگی لازم داشتید در اختیارتان گذاشتیم، اما چه اندک و کم‌ارزش است شکرگزاری‌تان! ﴿۱۰﴾ ما شما را خلق کردیم و صورتگری نمودیم، آن‌گاه به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید؛ همه سجده کردند به جز ابلیس، که از سجده‌کنندگان نبود! ﴿۱۱﴾

[او خدا] گفت: چرا با آن که به تو فرمان دادم، از سجده کردن به آدم امتناع کردی؟! گفت: زیرا من برتر و بهتر از اویم، مرا از آتش [پاک] آفریده‌ای و او را از گل! ﴿۱۲﴾ [او خدا] گفت: از آن [مقام و مرتبه‌ات] تنزل کن، زیرا آن [مقام و مرتبه] جای تکبر کردن تو نیست، بیرون رو که تو از افراد پست و حقیری! ﴿۱۳﴾ [ابلیس] گفت: مرا تا روزی که برانگیخته می‌شوند مهلت ده! ﴿۱۴﴾ [خدا] گفت: تو از جمله کسانی هستی که به آن‌ها مهلت داده‌ایم! ﴿۱۵﴾ و [ابلیس] گفت: اکنون که مرا گمراه و حیران کردی، بر سر راه راست تو به کمین آدمیان می‌نشینم ﴿۱۶﴾ و [چنان با وسوسه‌هایم] از روبه رو و از پشت سر و از چپ و از راست بر آن‌ها یورش می‌برم تا تو اکثر آن‌ها را ناسپاس و قدرشناس بیابی! ﴿۱۷﴾ [خدا] گفت: از این مقام و مرتبه بیرون رو، منفور مطرود! هرکس از آدمیان که تو را پیروی کند، سوگند که جهنم را از همه شما پر می‌سازم! ﴿۱۸﴾ ای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شوید و از هرچه خواستید بهره‌مند شوید، فقط به این درخت نزدیک نشوید، که اگر چنین کنید، در زمره ستمکاران خواهید بود! ﴿۱۹﴾ اما شیطان به هدف این که آن‌چه را در نهان دارند برای‌شان آشکار کند، آن‌ها را وسوسه کرد و گفت: خداوند شما را از این درخت منع کرد تا مبادا تبدیل به دو فرشته شوید و به زندگی جاوید دست یابید! ﴿۲۰﴾ و برای آن‌ها قسم خورد که بی‌شک، من خیرخواه شما هستم! ﴿۲۱﴾ پس آن‌ها را با وسوسه، فریب داد و با خوردن از آن درخت، لخت و عور شدند. و تلاش کردند تا با برگ‌های درختان بهشتی خود را بپوشانند. آن‌گاه خداوند آن دو را ندا داد: آیا شما را از آن درخت منع نکردم، و به شما نگفتم که شیطان برایتان دشمنی آشکار است؟! ﴿۲۲﴾

[آدم و حوا] گفتند: پروردگارا! ما به خودمان ظلم کردیم و اگر ما را نیامرزی و رحم نکنی، بدون تردید از زیان دیدگان خواهیم بود! ﴿۲۳﴾ [خدا] گفت: [همه‌تان از این مقام و مرتبه] پایین روید که از این پس دشمن یکدیگر خواهید بود. قرارگاهتان زمین است و متاعتان تا زمانی معین آن جاست! ﴿۲۴﴾ [خدا] گفت: در آن‌جا زندگی خواهید کرد، و در آن‌جا خواهید مرد و از آن‌جا هم خارج خواهید شد! ﴿۲۵﴾ ای فرزندان آدم! برای شما لباسی فرستادیم تا به وسیله آن اندام‌تان را بپوشانید و مایه زینت‌تان باشد، حال آن‌که لباس تقوی و پرهیزگاری بهتر است! این‌ها از آیات و نشانه‌های خداوند است، امید آن‌که [نعمت‌های او را] به یاد آورند ﴿۲۶﴾ ای فرزندان آدم! [مراقب باشید] شیطان شما را نفریبد، همان‌طور که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون کرد و لباس‌شان را کند، و باعث شد تا لخت و عور شدن خود را نظاره کنند. او و قبیل‌های همواره مراقب شما هستند، از جایی که شما نمی‌توانید آن‌ها را ببینید! بی‌شک ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند ﴿۲۷﴾ و هنگامی که مرتکب عمل زشتی می‌شوند می‌گویند: پدران ما این‌گونه عمل می‌کردند، و اصلاً خدا به ما دستور داده است! [ای پیامبر] بگو: خداوند به کار زشت و فحشا دستور نمی‌دهد. چرا چیزهایی را به خداوند نسبت می‌دهید که از آن آگاهی ندارید؟! ﴿۲۸﴾ بگو: پروردگار من، به عدل و داد فرمان داده است و این که توجه خود را در هر عبادتگاهی متوجه او کنید و دین را خالصانه برای او بخواهید. بدانید! همان‌گونه که در ابتدا شما را آفرید [دوباره به سوی] باز خواهید گشت! ﴿۲۹﴾ جمعی را هدایت کرد و جمعی مستحق گمراهی و حیرانی شدند، زیرا این‌ها به جای خداوند، خود را به دوستی شیطان سپردند و گمان می‌کردند که هدایت شده‌اند! ﴿۳۰﴾

ای فرزندان آدم! هنگام ورود به هر عبادت، خود را به بهترین صورت و سیرت بیارایید^۱ و از نعمت‌های پروردگار بخورید و بیاشامید ولی زیاده‌روی نکنید، زیرا خداوند هدر دهندگان نعمت را دوست ندارد! ﴿۳۱﴾ بگو ای پیامبر: چه کسی روزی‌های پاکیزه، و زینت‌های خدا داده را که، برای بندگانش آفریده حرام کرده است؟! بگو: اینها نعمت‌های زندگی دنیا برای اهل ایمان است و در آخرت نیز از ناب‌ترین آن بهره‌مندند. این چنین نشانه‌ها را برای اهل دانش شرح می‌دهیم! ﴿۳۲﴾ بگو، پروردگار من فقط زشتی‌های پنهان و آشکار و گناه و تجاوز به ناحق را حرام کرده است. و نیز بر شما حرام است که به خداوند بزرگ شرک ورزید زیرا دلیلی بر آن نازل نشده است. و نیز بدون آگاهی، به او نسبتی ندهید! ﴿۳۳﴾ برای هر امتی پایانی است پس هنگامی که اجل‌شان برسد نه ساعتی تأخیر کنند و نه ساعتی جلوتر بیایند! ﴿۳۴﴾ فرزندان آدم! هرگاه پیامبرانی که از خود شمایند، بیایند و آیات مرا برایتان حکایت کنند، پس هر کس حرمت نگاه دارد و دست به کار نیک زند نباید هیچ ترس و یأس و اندوهی به خود راه دهد! ﴿۳۵﴾ و کسانی که آیات ما را انکار کنند، و نسبت به آن تکبر بورزند، بدون شک آن‌ها اهل آتش‌اند و جاودانه در آن خواهند بود! ﴿۳۶﴾ پس چه کسی ستمکارتر از کسی است که به خداوند افترا ببندد یا آیاتش را دروغ بیندارد؟! آن‌ها سهمی را که برای‌شان مقرر شده، دریافت خواهند کرد و هنگامی که رسولان ما بیایند تا جان‌شان را بستانند، از آن‌ها می‌پرسند: کجا هستید منجیانی که به جای خداوند می‌خواندید؟! می‌گویند: آن‌ها همه گم شده‌اند! و این‌گونه بر علیه خودشان، شهادت می‌دهند که کافر و ناسپاس‌اند! ﴿۳۷﴾

^۱ زینتِ اخلاص، زینتِ تقوا و توکل، زینتِ عشق به خدا، بهترین زینت‌های سالک در محراب خداوند است. سالکِ حق از این زینت‌ها تغذیه کرده و نیرو می‌گیرد.

گوید: بروید به میان امت‌های پیش از خودتان - چه از جنس جن و چه از جنس انس - و به آتش داخل شوید! و هر گاه جمعی وارد شوند به جمع دیگر نفرین می‌کنند تا این که همگی با خواری و ذلت در آن قرار گیرند! و آخرین گروهی که به آتش وارد شده به اولین گروه خطاب می‌کند: پروردگارا! این ها بودند که ما را گمراه کردند، پس عذاب آنها را دو برابر کن! [او خدا] گوید: به خاطر دستاوردتان برای هر کدام از شما عذاب دو برابر است، ولی نمی‌دانید! ﴿۳۸﴾ و گروه اول به گروه آخر خطاب می‌کند: شما هیچ امتیاز و برتری نسبت به ما ندارید! پس همگی به خاطر دستاورد پلیدتان، عذاب الهی را بچشید! ﴿۳۹﴾ به راستی کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و به آن تکبر ورزیدند، درهای رحمت آسمانی برای‌شان گشوده نخواهد شد. و اگر شتر از سوراخ سوزن بگذرد، آنها هم رنگ بهشت را خواهند دید! و این چنین جزای مجرمین را می‌دهیم ﴿۴۰﴾ جهنم بستر آنها و آتش پوشش آنها خواهد بود، و این چنین جزای ستمگران را می‌دهیم! ﴿۴۱﴾ کسی را بیش از طاقتش تکلیف نمی‌کنیم و آن‌هایی که به حقایق ایمان آورده و عملکردشان خوبی و خدمت است، بی‌شک اهل بهشت‌اند و در آن جاودانه می‌مانند ﴿۴۲﴾ و هرگونه کینه را از دل‌هایشان می‌زداییم. نهرها از زیر پایشان جاری است! گویند؛ ستایش مخصوص خدایی است که ما را به این مقام هدایت کرد، که اگر هدایت الهی نمی‌بود ما خودمان هرگز راه بدین جا نمی‌بردیم! مسلماً رسولان پروردگاران، حق را آوردند. و به همگی ندا دهند که به خاطر عملکردتان وارث این بهشت شوید ﴿۴۳﴾

و اهل بهشت، اهل جهنّم را خطاب کنند: ما از آن چه خداوند، به حق وعده‌مان داده بود بهره‌مند شدیم، آیا شما نیز وعدهٔ خدایتان را به حق دریافتید؟! گویند: آری. پس در این هنگام گوینده‌ای بین آن‌ها، ندا دهد که نفرین خداوند بر ستمگران باد! ﴿۴۴﴾ کسانی که راه نجات‌بخش خدا را [بر مردم] می‌بندند و می‌خواهند آن را سخت و طاقت‌فرسا جلوه دهند، بدون شک آنها به آخرت کافرند! ﴿۴۵﴾ و میان آن‌ها [بهشتیان و دوزخیان] حجابی است و بر بلندی‌های مشرف به بهشت و جهنّم، مردانی هستند که هر کس را به چهره می‌شناسند. آن‌ها به بهشتیان ندا می‌دهند: سلام بر شما! اما خود به بهشت داخل نشوند، در حالی که بهشتیان به ورود آنها آرزومندند! ﴿۴۶﴾^۱ و هنگامی که نگاهشان به اهل جهنّم می‌افتد، می‌گویند: پروردگارا! ما را از قوم ستمکار قرار مده! ﴿۴۷﴾ [و باز همین مردانی که بر بلندی مشرف بر بهشت و جهنّم اند] کسانی را که به چهره می‌شناسند ندا می‌دهند: آن چه جمع کردید و هر چه تکبر ورزیدید به حالتان سود نداد! ﴿۴۸﴾ آیا اینان همان کسانی‌اند که شما قسم خورده بودید هرگز رحمت الهی شامل حالشان نمی‌شود؟! داخل بهشت شوید و هیچ ترس و یأس و اندوهی بر شما نیست! ﴿۴۹﴾ و اهل جهنّم از اهل بهشت می‌خواهند که: اندکی از آب گوارا و نعمت‌های خدادادیتان را بر ما فرو ریزید! اما پاسخ می‌شنوند: خداوند بزرگ، آنها را بر ناسپاسان حرام کرده است! ﴿۵۰﴾ هم آنان که دین‌شان را به بازی و سرگرمی می‌گرفتند و زندگی دنیا فریب‌شان داد. پس امروز ما نیز فراموش‌شان می‌کنیم، هم‌چنان که آنها دیدار چنین روزی را فراموش کردند و آیات ما را انکار نمودند! ﴿۵۱﴾

^۱ پیامبر اسلام(ص): بهشت به سه کس مشتاق است: علی و عمار و سلمان(سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۶۷ ح ۳۷۹۷)

ما کتابی برای آن‌ها آورده‌ایم که عالمانه و به تفصیل آن را شرح داده‌ایم، کتابی که سراسر، هدایت و رحمت برای اهل ایمان است ﴿۵۲﴾ آیا غیر از بازتاب دستاوردشان را انتظار دارند؟! روزی که حقیقت اعمال‌شان بر آن‌ها آشکار شود، کسانی که آن روز را از یاد برده بودند می‌گویند: پیامبرانِ پروردگاران به حق آمدند. آیا اکنون شفیعانی هستید که [برای رفع عذاب از ما]، پا در میانی و شفاعت کنند؟! و یا امکان برگشت هست تا این بار کارهای دیگری غیر از آن چه مرتکب شده‌ایم انجام دهیم؟! آن‌ها به خود ضرر زده‌اند، و منجیان دروغینی که می‌پنداشتند، از نظرشان گم شده‌اند! ﴿۵۳﴾ پروردگار شما خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز خلق کرد آن‌گاه به فرمانروایی بر مخلوقات پرداخت، با تاریکی شب، روز را می‌پوشاند و همواره شب، حریصانه به دنبال روز است! و خورشید و ماه و ستارگان تحت سلطه اوست. بدانید که هم آفرینش از آن اوست و هم اداره آن. پر برکت و جاوید است خداوندی که پروردگار همهٔ مخلوقات است! ﴿۵۴﴾ در برابر خداوند [آشکارا]، تضرع و زاری کنید و در خفا نیز او را بخوانید! زیرا خداوند انسان‌های سرکش و متکبر را دوست ندارد ﴿۵۵﴾ و بعد از آن که زمین [در بستر رشد خویش] به اصلاح رسیده، در آن فساد و تباهی به راه نیاندازید! و خداوند را از روی خوف و امید بخوانید و بدانید رحمت الهی، برای نیکوکاران نزدیک است ﴿۵۶﴾ او کسی است که پیش از باران رحمتش، بارها را به بشارت می‌فرستد تا ابرهای باردار را حمل کنند، و ما آنها را به سرزمین‌های خشک و مرده روانه می‌کنیم، و به واسطهٔ باران آن‌ها، انواع میوه‌ها را از زمین می‌رویانیم. این چنین مردگان را زندگی می‌بخشیم! امید آن که به یاد آورید! ﴿۵۷﴾

و در سرزمین‌های پاکیزه، گیاهانی به اذن پروردگارش می‌روید، اما در سرزمین ناپاک جز هرزه‌گیاهی بی‌ارزش خارج نمی‌شود! آیات و نشانه‌ها را برای جماعتی که اهل شکر و سپاس‌اند این چنین شرح می‌دهیم! ﴿۵۸﴾ و ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او گفت: ای قوم من! خداوند بزرگ را پرستش کنید زیرا برای شما هیچ خدایی جز او نیست. و من از عذاب روز بزرگ برایتان نگرانم ﴿۵۹﴾ ولی اشراف قومش گفتند: بی‌شک تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم! ﴿۶۰﴾ نوح گفت: ای قوم من! هیچ گونه گمراهی در وجودم نیست. فقط پیامبری از سوی پروردگار جهانیان هستم! ﴿۶۱﴾ قصد من این است که پیام‌های پروردگارم را برسانم و برایتان خیرخواهی کنم، [آگاه باشید که] من از خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید! ﴿۶۲﴾ آیا تعجب کرده‌اید که چرا وحی پروردگارتان توسط مردی از خود شما آمده تا شما را بیم دهد و پرهیزکارتان گرداند؟! و امید آن که مشمول رحمت الهی شوید؟! ﴿۶۳﴾ پس تکذیبش کردند، و ما نیز او و یارانش را که در کشتی بودند نجات دادیم. و همه کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند غرق کردیم زیرا آن‌ها قومی بی‌بصیرت و بی‌معرفت بودند! ﴿۶۴﴾ و به سوی قوم عاد، برادرشان هود را فرستادیم و او می‌گفت: ای قوم من! خداوند بزرگ را پرستش کنید زیرا برای شما هیچ خدایی جز او نیست، چرا حرمت نگاه نمی‌دارید؟! ﴿۶۵﴾ اشراف ناسپاس قوم او گفتند: ما تو را بی‌خرد و کم عقل می‌بینیم و تو را از دروغگویان می‌پنداریم! ﴿۶۶﴾ گفت: ای قوم من! در من کم عقلی و بی‌خردی نیست، فقط پیامبری از سوی پروردگار جهانیان هستم! ﴿۶۷﴾

پیام‌های پروردگرم را به شما می‌رسانم، و برای شما خیرخواهی آمینم! ﴿۶۸﴾ آیا تعجب کرده‌اید که چرا وحی پروردگارتان، از طریق مردی از خود شما آمده تا شما را [از عاقبت کار] بیم دهد؟! به یاد آورید آن هنگام که خداوند شما را جانشین قوم نوح کرد، و شما را از نظر جسمانی، قوی بنیه کرد! پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید، امید آن که رستگار شوید ﴿۶۹﴾ و گفتند: آیا به سراغ ما آمده‌ای که فقط الله را بپرستیم و خدایان پدرانمان را رها کنیم؟! اگر راست می‌گویی، عذابی را که به ما وعده می‌دهی بیاور! ﴿۷۰﴾ گفت: از جانب پروردگارتان، پلیدی و خشم بر شما فرود آمده است! آیا با من بر سر نام‌هایی که شما و پدرانتان بر معبودهای دروغین نهاده‌اید مجادله می‌کنید؟! بدانید که خداوند هیچ دلیلی بر وجود آنان نازل نکرده است، پس انتظار بکشید و من نیز پا به پای شما منتظر می‌مانم! ﴿۷۱﴾ پس او و یارانش را به واسطهٔ رحمتی از خودمان، نجات دادیم و ریشهٔ کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و اهل ایمان نبودند قطع کردیم! ﴿۷۲﴾ و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را فرستادیم و او می‌گفت: ای قوم من! خداوند بزرگ را پرستش کنید، زیرا برای شما هیچ خدایی جز او نیست. برای شما از سوی پروردگارتان دلیل روشنی آمده است. این شتر الهی برای شما یک آیه است، آزادش بگذارید تا در زمین خدا بچرد. آسیبی به آن نرسانید، که عذاب درد آور الهی شما را فرا خواهد گرفت! ﴿۷۳﴾

به یاد آورید! هنگامی که خداوند شما را جانشینان قوم عاد قرار داد، و در زمین مستقرتان کرد تا در پهنهٔ خاکش برای خود قصرها به پا کنید و در کوه‌ها خانه‌ها بتراشید. پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید و در زمین تباهی و فساد به راه نیاندازید!

﴿۷۴﴾ و اشراف متکبر قومش به مستضعفان که ایمان آورده بودند گفتند: آیا می‌دانید که صالح از جانب پروردگارش آمده است؟ گفتند: ما به آن چه او آورده ایمان داریم!

﴿۷۵﴾ متکبران گفتند: آن چه را شما به آن ایمان آورده‌اید انکار می‌کنیم ﴿۷۶﴾ پس شتر الهی را کشتند. و از دستور پروردگارش سرپیچی کردند و گفتند: ای صالح اگر واقعاً یک پیامبر هستی، آن عذابی را که به ما وعده می‌دهی بیاور! ﴿۷۷﴾ پس زلزله‌ای [مرگبار] آنها را فرو گرفت و در خانه‌های خویش، بر جای مردند! ﴿۷۸﴾ و [صالح] از آنها روی برگرداند و گفت: ای قوم من! پیام پروردگارم را به شما رساندم، نصیحت‌تان کردم، اما شما هیچ خیرخواهی را دوست ندارید! ﴿۷۹﴾ و [یاد آر] هنگامی که لوط به قومش گفت: چرا گناه زشتی را مرتکب می‌شوید که هیچ‌کسی قبل از شما در میان مردم جهان چنین گناهی را مرتکب نشده است؟! ﴿۸۰﴾ شما به جای زنان با مردان شهوترانی می‌کنید! مسلماً شما مردمی تجاوزکارید! ﴿۸۱﴾

و جواب قومش جز این نبود که گفتند: آن‌ها را از شهرتان بیرون کنید، زیرا آنان خود را از ما کنار می‌کشند! ﴿۸۲﴾ سرانجام لوط و خاندانش را نجات دادیم مگر همسرش را که با دیگران در شهر ماند! ﴿۸۳﴾ و بارانی بر آن‌ها فرو فرستادیم! پس بنگر که عاقبت گناهکاران چگونه است! ﴿۸۴﴾ به سوی مردم مدین^۱ برادرشان شعیب را فرستادیم و او گفت: ای قوم من! خداوند بزرگ را پرستش کنید که جز او برای شما خدایی نیست. از سوی پروردگارتان دلیل روشنی برایتان آمده است. با پیمان‌ه و ترازو عادلانه وزن کنید و به مردم کم فروشی مکنید. و زمین را پس از این که به اصلاح درآمده، به فساد و تباهی نکشید. که این برای شما بسیار بهتر است، اگر ایمان داشته باشید! ﴿۸۵﴾ و بر سر هر راهی ننشینید تا [مردم با ایمان را] تهدید کنید و از راه خدا باز دارید! و یا [با القای شبهات] راه خدا را سخت و طاقت‌فرسا نشان دهید! و به یاد آورید هنگامی که تعدادتان اندک بود و او جمعیت شما را بسیار کرد! و بنگرید که عاقبت کار مفسدان چگونه بود! ﴿۸۶﴾ چنان‌چه گروهی از شما به حقی که به خاطر آن فرستاده شده‌ام ایمان آورند و چنان‌چه گروهی ایمان نیاورند [همگی] صبر کنید تا خداوند میان ما قضاوت کند، زیرا او بهترین داوران است! ﴿۸۷﴾

^۱ مدین شهری بوده است در نزدیکی خلیج عقبه در صحرای سینا.

و اشرافِ متکبر قومش گفتند: ای شعیب! ما قطعاً تو و پیروانت را که ایمان آورده از شهرمان بیرون می‌کنیم مگر آن‌که به آیین ما برگردید! گفت: حتی اگر از آن کراهت داشته باشیم؟! ﴿۸۸﴾ اگر به آیین شما برگردیم - آن هم پس از این که خداوند از آن نجاتمان داده است - [بدون شک ناسپاسانه] به خداوند افترا زده‌ایم! و سزاوار نیست که به آن برگردیم مگر آن‌که خدایی که پروردگار ماست بخواند. آگاهی پروردگاران بر همه چیز احاطه دارد، پس بر خداوند بزرگ توکل می‌کنیم که: پروردگارا! میان ما و قوم ما به حق راه‌حلی بگشا که تو بهترین راه‌حل دهنده‌گانی! ﴿۸۹﴾ و اشرافِ کافر قومش گفتند: اگر شما از شعیب تبعیت کنید بدون تردید زیان‌کار خواهید بود ﴿۹۰﴾ پس زلزله‌ای مرگبار آنها را فرا گرفت و صبحگاهان در خانه‌هایشان بر جای مردند! ﴿۹۱﴾ آنها که شعیب را تکذیب کردند [چنان مردند که] گویی هیچ‌گاه در آن دیار زندگی نمی‌کردند، زیرا آنها از زیانکاران بودند! ﴿۹۲﴾ پس شعیب از آنان روگرداند و گفت: ای قوم من، پیام‌های پروردگارم را به شما رساندم و نصیحت‌تان کردم، با این وجود چگونه بر حال ناسپاسان تأسف بخورم؟! ﴿۹۳﴾ و هیچ پیامبری را به دیاری نفرستادیم، مگر آن‌که مردمش را به سختی‌ها و خسارت‌ها گرفتار کردیم تا به سوی خدا بیایند و به درگاهش تضرع و زاری کنند! ﴿۹۴﴾ سپس نیکی و فراوانی را جایگزین بدی و تنگدستی کردیم. آن‌چنان‌که مغرورانه زیاده‌خواه شدند و گفتند: به پدران ما نیز، هم تنگدستی و هم توانگری رسیده است؛ پس ناگهان آن‌ها را در خشم و قهر خود فرو گرفتیم، در حالی که در بی‌خبری به سر می‌بردند!

﴿۹۵﴾

و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و حرمت اوامر خدا را نگاه می‌داشتند، قطعاً درهای برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم! اما [آن‌ها حق را] انکار کردند. پس ما نیز به خاطر دستاوردشان مجازاتشان کردیم ﴿۹۶﴾ آیا اهل این شهرها، در امان خواهند بود هنگامی که شبانه مجازات ما برسد در حالی که آنها در خواب‌اند؟! ﴿۹۷﴾ و یا اهل این شهرها، در امان خواهند بود هنگامی که مجازات ما در روز برسد در حالی که آن‌ها سرگرم بازی [روزمرگی خود] هستند؟! ﴿۹۸﴾ آیا آن‌ها از مکر الهی در امان خواهند بود؟! حال آن‌که جز زیانکاران مغرور کسی خود را از مکر خدا در امان نمی‌داند؟! ﴿۹۹﴾ آیا کسانی که زمین را از دست صاحبان قبلی‌اش به ارث بردند عبرت نمی‌گیرند؟! که اگر بخواهیم آنها را هم به سبب عملکرد گناه آلودشان به هلاکت می‌رسانیم و بر دل‌هایشان مهر می‌نهمیم تا [صدای حقیقتی را] نشنوند! ﴿۱۰۰﴾ اخبار این شهرها و آبادی‌ها را برای تو بیان کردیم. پیامبران شان با دلائلی روشن آمدند اما آن‌ها آن‌چه را که از قبل انکار کرده بودند باز باور نکردند. و این چنین خداوند بر قلب‌های کافران مهر می‌نهد ﴿۱۰۱﴾ زیرا بیشتر آنان را متعهد به عهد و پیمان نیافتیم، [بلکه] اکثر آنها را زشت کار و بد سیرت دیدیم! ﴿۱۰۲﴾ سپس بعد از آنها، موسی را با آیات‌مان به سوی فرعون و اطرافیانش فرستادیم، اما آنها با انکار آیات، به آن ظلم کردند. پس بنگر سرانجام اهل فساد و تباهی چگونه بود! ﴿۱۰۳﴾ و موسی گفت: ای فرعون! من پیامبری از سوی پروردگار جهانیانم ﴿۱۰۴﴾

سزاوار است که جز حق از خدا نگویم! من با معجزه‌های آشکار به سوی شما آمده‌ام پس بگذار بنی‌اسرائیل را با خود ببرم! ﴿۱۰۵﴾ [فرعون] گفت: اگر راست می‌گویی که با معجزه آمده‌ای، آن را نشان ده! ﴿۱۰۶﴾ [بی‌درنگ موسی] عصای خود را [بر زمین] انداخت ناگهان به صورت ماری بزرگ نمایان شد! ﴿۱۰۷﴾ و دستش را از زیر ردایش بیرون آورد، ناگاه در برابر انظار سفید و پرتلاؤ شد! ﴿۱۰۸﴾ اطرافیان فرعون گفتند: این یک جادوگر بسیار داناست! ﴿۱۰۹﴾ می‌خواهد شما را از دیارتان بیرون کند. پس چه دستوری می‌دهید؟! ﴿۱۱۰﴾ [به فرعون] گفتند: فعلاً او و برادرش را نگه‌دار و پیک‌هایی را به همه شهرها بفرست ﴿۱۱۱﴾ تا هر جادوگر دانا و توانایی را که یافتند به سوی تو بیاورند! ﴿۱۱۲﴾ و هنگامی که جادوگران نزد فرعون آمدند گفتند: اگر ما پیروز شویم پاداش مهمی خواهیم داشت؟ ﴿۱۱۳﴾ [فرعون] گفت: آری، بدون تردید از مقربان ما خواهید بود! ﴿۱۱۴﴾ و [جادوگران] گفتند: ای موسی! [اول تو جادوبیت را] می‌افکنی یا ما بیافکنیم؟! ﴿۱۱۵﴾ [موسی] گفت: شما آن چه دارید بیفکنید. و هنگامی که [جادوی خود را] افکندند به طریق چشم‌بندی باعث ترس مردم شدند و سحر عظیمی پدید آوردند ﴿۱۱۶﴾ و ما به موسی وحی کردیم که عصایت را بیفکن! پس ناگاه [اژدهایی بزرگ شد که] آثار چشم‌بندی دروغین آن‌ها را بلعید! ﴿۱۱۷﴾ پس حق پدیدار شد و عملکرد آن‌ها نیز باطل گردید ﴿۱۱۸﴾ و آنها مغلوب شدند و سرافکنده گردیدند ﴿۱۱۹﴾ [ناگاه تمامی] جادوگران به سجده افتادند! ﴿۱۲۰﴾

و گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم! ﴿۱۲۱﴾ و به همان پروردگار موسی و هارون! ﴿۱۲۲﴾ فرعون گفت: به او ایمان آوردید قبل از آن که من به شما اجازه دهم؟! این یک مکر و نقشه فریبکارانه است که شما درباره این شهر اندیشیده‌اید تا مردمش را از آن بیرون کنید، به زودی خشم مرا خواهید دید! ﴿۱۲۳﴾ سوگند می‌خورم که دست‌ها و پاهایتان را به جهت خلاف قطع خواهم کرد! سپس همگی شما را به دار می‌آویزم! ﴿۱۲۴﴾ آن‌ها گفتند: [باکی نیست]، در این صورت به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم! ﴿۱۲۵﴾ انتقام تو از ما برای این است که ما هنگامی که آیات پروردگارمان آمد به آن ایمان آوردیم. پس پروردگار! نهایت صبر و تحمل را به ما ارزانی دار و ما را چون تسلیم‌شدگان درگاهت بمیران! ﴿۱۲۶﴾ و اطرافیان فرعون گفتند: آیا موسی و قومش را می‌گذاری تا هرچه بخواهند روی زمین فساد و تباهی کنند و تو و خدایانت را ترک گویند؟! گفت: پسرانشان را می‌کشیم و دخترانشان را زنده می‌گذاریم! و ما بر آن‌ها کاملاً مسلط هستیم ﴿۱۲۷﴾ موسی به قومش گفت: از خداوند بزرگ یاری طلبید و استقامت کنید زیرا زمین از آن خداست و به هر کدام از بندگان که بخواهد آن را عطا می‌کند، و [بدانید که] عاقبت [خیر]، از آن کسانی است که حرمت اوامر خدا را نگاه می‌دارند! ﴿۱۲۸﴾ گفتند: قبل از این که تو بیایی اذیت و آزار می‌شدیم، حال که تو آمدی باز در رنج و عذابیم! موسی گفت: امیدوار باشید که پروردگارتان، دشمنان‌تان را هلاک کند و شما را جانشینان روی زمین گرداند! آن‌گاه خدا بنگرد تا چه می‌کنید ﴿۱۲۹﴾ به راستی ما فرعونیان را دچار قحطی و کمبود ثمرات کردیم تا شاید پند بگیرند! ﴿۱۳۰﴾

و هنگامی که خیر و برکتی به آنها می‌رسید می‌گفتند: این از [لیاقت و شایستگی] خود ماست! اما هنگامی که بدی و شرّی به آنها می‌رسید می‌گفتند: از شومی موسی و یارانش است! بدانید آنچه [از خوبی و بدی] به آنها می‌رسد همه از جانب خداوند است، اما اکثر آنها [این نکته را] درک نمی‌کنند! ﴿۱۳۱﴾ و گفتند: هر گونه آیه و معجزه‌ای بیاوری تا ما را با آن مسحور کنی، بدان که ما به تو ایمان نمی‌آوریم! ﴿۱۳۲﴾ ما [نیز نشانه‌های پی در پی آشکاری چون بلای] طوفان و ملخ و شپش و قورباغه و [باران] خون را که نشانه‌هایی از هم جدا بودند بر آنها فرستادیم، اما باز متکبران از اوامر الهی سرپیچی کردند. زیرا آنها جماعتی گنهکار بودند! ﴿۱۳۳﴾ و هنگامی که عذاب الهی بر آنان فرود آمد گفتند: ای موسی تو را به آن عهدهی که خدا با تو دارد، از پروردگارت بخواه این بلاها را از ما بردارد تا یقیناً به تو ایمان آوریم، و بنی‌اسرائیل را با تو رهسپار کنیم! ﴿۱۳۴﴾ اما هرگاه تا مدت محدودی عذاب را از آنها بر می‌داشتیم، پیمان‌شان را می‌شکستند! ﴿۱۳۵﴾ عاقبت از آنها انتقام گرفتیم. و آنها را در دریا غرق کردیم، زیرا آنان نشانه‌های ما را دروغ می‌پنداشتند و از آن غافل بودند! ﴿۱۳۶﴾ و قومی را که ضعیف نگاه داشته بودند وارث شرق و غرب آن سرزمین پر برکت کردیم! و وعده نیکی که خداوند به بنی‌اسرائیل داده بود به خاطر صبر و استقامتشان در حدّ کمال تحقق یافت. و ما نیز هر چه را فرعونیان می‌ساختند و برمی‌افراشتند نابود می‌کردیم! ﴿۱۳۷﴾

و بنی اسرائیل را از دریا گذراندیم تا این که قومی را دیدند که به پرستش بت‌هایشان دلخوش‌اند. گفتند: ای موسی! تو هم برای ما چون آن‌ها خدایی بساز و موسی گفت: حقیقت شما قوم نادانی هستید! ﴿۱۳۸﴾ این‌ها [که می‌بینید] عاقبت کارشان نابودی است. و تمامی عملکردشان باطل است! ﴿۱۳۹﴾ گفت: چرا به جای الله، خدایی برای شما بجویم؟! در حالی که او بود که شما را بر جهانیان برتری داد ﴿۱۴۰﴾ و [یاد آورید] هنگامی که شما را از دست فرعونیان نجات دادیم. هم آن‌هایی که شما را به شدیدترین وجهی شکنجه می‌کردند، پسرانتان را می‌کشتند و دخترانتان را زنده نگاه می‌داشتند! در حالی که این برای شما یک امتحان بزرگ الهی بود ﴿۱۴۱﴾ و ما سی شب با موسی وعده گذاردیم و ده شب دیگر بر آن اضافه کردیم تا وعده الهی چهل شب کامل شد. و موسی به برادرش هارون گفت: [در این مدت که من نیستم] جانشین من در میان قومم باش، امور را به بهترین وجه رسیدگی کن. و از اهل فساد و تباهی تبعیت مکن! ﴿۱۴۲﴾ و هنگامی که موسی به وعده‌گاه آمد و خداوند با او سخن گفت، موسی اظهار داشت: پروردگارا! خود را به من نشان بده تا تو را ببینم! [خدا] گفت: هرگز نمی‌توانی مرا ببینی! اما به آن کوه نگاه کن، اگر مقاومت کرد و توانست بر جایش بماند تو هم می‌توانی مرا ببینی! پس هنگامی که پروردگارش بر کوه تجلی کرد، کوه را تلی از خاک نمود و موسی نیز بیهوش گشت! و هنگامی که به هوش آمد گفت: پاک و منزّهی تو، من به درگاهت توبه می‌کنم و من اولین باورکنندگانم! ﴿۱۴۳﴾

[و خدا] گفت: ای موسی! من تو را از میان مردم انتخاب کردم تا پیام‌ها و کلام مرا برسانی، پس آن چه را به تو داده‌ام بگیر و شکرگزار باشد! ﴿۱۴۴﴾ و بر روی لوح‌ها برای او از هر موضوعی پندی نوشتیم و برای هر چیز شرحی دادیم سپس گفتیم: آن را با قدرت بگیر [و مراقبت کن]. و [براساس آن] قومت را فرمان ده، تا به بهترین وجه [این دستورها را] عمل کنند! به زودی جایگاه زشت کاران بد سیرت را به شما نشان خواهیم داد ﴿۱۴۵﴾ به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق و متکبرانه سرکشی کنند از آیات‌ام محروم می‌کنم، آن‌چنان که هر نشانه‌ی حقی را ببینند باور نکنند! تا جائی که حتی اگر راه رشد و تعالی جلوی پایشان باشد در آن وارد نشوند! اما اگر راه گمراهی و حیرانی برای‌شان باز شود بی‌درنگ به آن غافل شوند! و [این کیفر] به خاطر این است که آن‌ها آیات به حق ما را انکار کردند و از آن غافل شدند! ﴿۱۴۶﴾ و کسانی که آیات ما و روز قیامت را انکار کردند اعمالشان تباه شده است. مگر غیر از این است که هر کس مطابق دستاوردهایش جزا می‌بیند؟! ﴿۱۴۷﴾ و قوم موسی در غیاب او از طلاجات و زیورآلاتشان گوساله‌ای ساختند. پیکری که صدای گوساله داشت. آیا آن‌ها نمی‌بینند آن چه ساخته‌اند نمی‌تواند با آنها حرف بزند و به راه نجاتی هدایت‌شان کند؟! آن‌ها [گوساله را] انتخاب کردند، زیرا ستم پیشه‌اند ﴿۱۴۸﴾ و هنگامی که به حقیقت پی بردند، دیدند که گمراه شده‌اند و گفتند: اگر پروردگاران بر ما رحم نکنند و ما را نیامرزد بدون شک از زیان‌زدگان خواهیم بود! ﴿۱۴۹﴾

و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت، گفت: چه بد جانشینانی برایم بودید! آیا قبل از آن که دستور خدا برسد شتاب کردید؟! لوح‌ها را انداخت و سر برادرش را گرفت و به سوی خود کشید. برادرش گفت: ای پسر مادرم! [من تقصیری ندارم] این قوم، مرا ناتوان کردند حتی نزدیک بود مرا به قتل برسانند! از تو می‌خواهم دشمن شادم نکنی و مرا جزو قوم ستمکار نپنداری! ﴿۱۵۰﴾ و موسی گفت: پروردگارا! من و برادرم را بیمارز و به رحمت [ابی انتهایت] وارد کن زیرا تو برترین بخشندگانی! ﴿۱۵۱﴾ کسانی که گوساله‌پرستی اختیار کردند، بدانند! که به زودی خشم پروردگارشان به آن‌ها خواهد رسید. و سهم آن‌ها در زندگی دنیا، ذلت و خواریست، ما این‌گونه جزای افترا زندگان را می‌دهیم! ﴿۱۵۲﴾ و کسانی که عملکردشان بد بود، اما بعد از آن توبه کردند و ایمان آوردند، بدانند که پروردگارت از این پس، بسیار آمرزنده و باگذشت است! ﴿۱۵۳﴾ و هنگامی که خشم موسی فرو نشست. لوح‌ها را برگرفت. لوح‌هایی که نوشته‌های آن سراسر هدایت و رحمت است برای همه کسانی که از خداوند بزرگ پروا دارند ﴿۱۵۴﴾ و موسی از میان قومش، هفتاد مرد را برای میعادگاه ما انتخاب کرد. اما هنگامی که زلزله آن‌ها را گرفتار کرد، گفت: پروردگارا! اگر می‌خواستی می‌توانستی پیش از این، هم آن‌ها و هم مرا هلاک کنی! آیا می‌خواهی به جرم کم خردان، ما را هلاک کنی؟! اما می‌دانم که این نیز امتحان تو است و توسط آن، هرکه را بخواهی گمراه می‌کنی و هرکه را بخواهی هدایت می‌بخشی! تو بزرگ ما هستی پس ما را بیمارز و از ما بگذر که تو برترین آمرزندگانی ﴿۱۵۵﴾

و هم در دنیا و هم در آخرت برای ما نیکی مقرر کن، زیرا ما به سوی تو راه یافته‌ایم! و [خدا] گفت: مجازاتم را به هر که صلاح بدانم می‌رسانم حال آن که رحمت من همه چیز را فراگرفته است و [این رحمت الهی را] به کسانی که حرمت اوامر را نگاه می‌دارند و زکات پرداخت می‌کنند، و نیز به همه کسانی که آیات ما را باور دارند مقرر می‌کنم! ﴿۱۵۶﴾ کسانی که از پیامبر خدا، این رسول امّی، هم او که نامش نزد آن‌ها در تورات و انجیل آمده، پیروی می‌کنند، [بدانند که او]، آن‌ها را به خوبی فرمان می‌دهد و از بدی‌ها باز می‌دارد، و هر چیز پاکیزه را بر آنان حلال می‌گرداند، و هر ناپاکی را حرام می‌کند. و بار گران و غل و زنجیری را [که عمری] با آن‌هاست بر می‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آورند، و حمایت و یاری‌اش کنند و از نوری که با او نازل شده پیروی نمایند، قطعاً برندگان حقیقی‌اند! ﴿۱۵۷﴾ بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم. همان خدایی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست. هیچ معبودی جز او نیست، زنده می‌کند و می‌میراند. پس خدا و رسولش، این پیامبر امّی را باور کنید! پیامبری که خدا و کلماتش را باور کرده است. و پیروی‌اش کنید. امید آن‌که به راه نجات و آرامش هدایت شوید! ﴿۱۵۸﴾ و جمعی از قوم موسی هستند که مردم را به راه حق، راهنمایی می‌کنند و به عدالت حکم می‌کنند ﴿۱۵۹﴾

و بنی اسرائیل را به دوازده طایفه تقسیم کردیم. و هنگامی که قوم موسی از او آب خواستند به او وحی کردیم: عصای خود را به آن سنگ بزن! پس دوازده چشمه از آن جاری شد و هر گروه به سوی آبشخور خود رفت! و ابر را سایه بان آن‌ها کردیم و برای آن‌ها منّ و سلوی^۱ فرستادیم. بخورید از چیزهای پاکیزه‌ای که روزیتان کرده‌ایم! بدانید آن‌ها با نافرمانی خود، به ما ظلم نکردند بلکه ستمی بود که بر خود روا می‌داشتند! ﴿۱۶۰﴾ و هنگامی که به آن‌ها گفتیم: در این شهر ساکن شوید. و از هرچه در هر جا که مایل بودید بخورید و بگوئید: خداوندا گناهان ما را بیامرز! و از دروازه شهر سجده‌کنان داخل شوید. تا ما نیز گناهان شما را بیامرزیم و بر پاداش نیکوکاران بیافزاییم! ﴿۱۶۱﴾ پس ستمکارانشان سخن خدا را به چیزی غیر از آن چه به آن‌ها گفته شده بود تغییر دادند، ما نیز به کیفر این گناه و این ظلمی که روا داشتند عذابی از آسمان بر آن‌ها فرو فرستادیم ﴿۱۶۲﴾ از آن‌ها درباره آن شهر کنار دریا بپرس! هنگامی که در روز شنبه نافرمانی از امر خدا کردند. همان روزی که ماهیان‌شان [بر سطح آب] ظاهر می‌شدند! حال آن‌که آن ماهیان در غیر شنبه‌ها به سراغشان نمی‌آمدند! [با آن که صید در آن روز را تحریم کرده بودیم آن‌ها به صید پرداختند]. ما این چنین آن‌ها را امتحان کردیم و آن‌ها هم نافرمانی کردند!! ﴿۱۶۳﴾

^۱ منّ و سلوی را غالباً به ترنجبین و بلدرچین دانسته‌اند، یک ماده آسمانی!

و گروهی از آن‌ها گفتند: چرا قومی [گناهکار] را که عاقبت، خدا آن‌ها را هلاک خواهد کرد، و یا به عذاب شدیدی گرفتارشان خواهد نمود، موعظه می‌کنید؟! گفتند: به خاطر این که در پیشگاه پروردگارتان حجتی داشته باشیم و هم این که شاید حرمت فرمان خدا را نگاه دارند! ﴿۱۶۴﴾ و چون آن‌چه را که به آن یادآور شده بودند، فراموش کردند [و به هیچ انگاشتند]، ما گروهی را که از بدی نهی می‌کردند نجات دادیم، و گناهکاران ستم‌پیشه را به خاطر دستاورد زشت‌شان، به عذاب بدی دچار کردیم ﴿۱۶۵﴾ پس چون از آن‌چه نهی شده بودند سرپیچی کردند گفتیم به بوزینگانی مطرود تبدیل شوید! ﴿۱۶۶﴾ و [یاد آر] هنگامی که پروردگارت اعلان کرد کسی را بر آن‌ها مسلط می‌کند که تا روز قیامت همواره آنان را به عذاب سختی گرفتار کند! بدان! که مجازات پروردگارت سریع است. و در عین حال بر توبه‌کنندگان بسیار آمرزنده و باگذشت است ﴿۱۶۷﴾ و آن‌ها را در زمین به گروه‌هایی تقسیم کردیم، برخی صالحان و برخی ناصالحان، و همه را -هم به خوبی‌ها و نعمت‌ها و هم به بدی‌ها و مصیبت‌ها - امتحان کردیم. شاید [به راه حق و عدالت] باز گردند! ﴿۱۶۸﴾ و بعد از آن‌ها نسلی جایگزین‌شان شد که وارث کتاب بودند. [با این وجود] متاع پست دنیا را به حق ترجیح دادند و گفتند: [باکی نیست] به زودی بخشیده می‌شویم! چنانند که اگر بهره و متاعی همانند آن به دست‌شان بیفتد باز آن را می‌گیرند! آیا پیمان کتاب الهی، با آن‌ها بسته نشد تا از این پس به خداوند بزرگ، جز حق نسبتی ندهند؟ در حالی که از کتاب خدا درس‌ها گرفته‌اند! بدانید که زندگی جاوید برای آنان که حرمت فرمان خدا را نگاه می‌دارند بهتر از هر چیز دیگر است. چرا در این نکته تعقل نمی‌کنید؟! ﴿۱۶۹﴾ آن‌ها که به کتاب [خدا] تمسک می‌جویند. و نماز به پا می‌دارند، بدانند! که ما پاداش انسان‌های مصلح را ضایع نمی‌کنیم! ﴿۱۷۰﴾

و [یاد آر]! هنگامی که ما کوه را بر بالای سرشان، چون سایه‌بانی برافراشتیم آن چنان که گمان کردند، الان بر سرشان سقوط می‌کند! و به آن‌ها گفتیم: آنچه را به شما داده‌ایم، با قدرت بگیرید و مراقبت کنید و آنچه را در کتاب است به خاطر بسپارید، امید آن که حرمت اوامر الهی را نگاه دارید ﴿۱۷۱﴾ و [به یاد آر]! هنگامی که پروردگارت، از پشت بنی آدم، همه فرزندان را برگرفت [و خطاب کرد]: شما را بر فطرت‌تان گواه می‌گیرم، آیا من پروردگار شما نیستم؟! همه گفتند: آری، هستی و گواهی می‌دهیم! [این کار را کردم] که تا روز قیامت نتوانید بگویید ما از آن بی‌خبر بودیم! ﴿۱۷۲﴾ و حتی نگویید که پدران ما پیش از این مشرک بودند. و ما بعد از آن‌ها آمدیم، و تو می‌خواهی به جرم اهل باطل ما را مجازات کنی! ﴿۱۷۳﴾ این‌گونه آیات‌مان را شرح می‌دهیم، شاید از باطل باز گردند ﴿۱۷۴﴾ و برای آن‌ها داستان شخصی را بازگو که آیات نجات‌بخش‌مان را به او عطا کردیم، اما او عاقبت خود را از آن آیات خالی کرد. و شیطان [هم مسرورانه] به دنبالش روان شد تا بالاخره از گمراهان گشت! ﴿۱۷۵﴾ و اگر می‌خواستیم، او را به واسطه همان آیاتی [که در سینه داشت به سوی مقامات عالی کمال] بالا می‌بردیم! اما او در زندگانی پست دنیا بماند، و از خواهش‌های نفسانی خود پیروی کرد. مثل او هم چون سگی است، که چه به او حمله کنی و چه به حال خود رهایش کنی، در هر دو حالت، زبانش را بیرون می‌آورد!^۱ و مثل جماعتی که آیات ما را انکار می‌کنند نیز چنین است. ای پیامبر! این‌گونه داستان‌ها را بر آن‌ها حکایت کن شاید به اندیشه فرو روند! ﴿۱۷۶﴾ و چه بد است مثل قومی که آیات ما را انکار کردند! بدانید که آن‌ها به خودشان ظلم کردند ﴿۱۷۷﴾ هر که را خدا هدایت کند، بی‌شک هدایت شده است و هر که را در گمراهی گذارد بدانید که آن‌ها زیان کارند! ﴿۱۷۸﴾

^۱ چنان تشنهٔ دنیا است که در هیچ حالتی دست از حرص بر نمی‌دارد.

در واقع ما بسیاری از افراد جنّ و انس را برای جهنّم آفریده‌ایم! زیرا آن‌ها قلب‌هایی دارند که با آن، درک حقایق نمی‌کنند، چشمانی دارند که با آن حقایق را نمی‌بینند، و گوش‌هایی که ندای حق را نمی‌شنوند. آن‌ها بی‌تردید چون چهارپایان هستند، بلکه گمراه‌ترند! بدانید که آن‌ها از حقایق غافل‌اند ﴿۱۷۹﴾ همه نام‌های خوب از آن خداست، پس با این نام‌ها او را بخوانید! و کسانی که نام‌های خوب خدا را انکار می‌کنند، به خود واگذارید که به زودی به سبب عملکردشان، مجازات خواهند شد ﴿۱۸۰﴾ و از میان آن‌ها گروهی را خلق کردیم که هم به راه حق، راهنمایی می‌کنند و هم به حق، اجرای عدالت می‌نمایند ﴿۱۸۱﴾ کسانی که آیات ما را انکار کنند، مرحله به مرحله از جایی که نمی‌دانند، خوار و ذلیل می‌کنیم! ﴿۱۸۲﴾ اکنون به آن‌ها مهلت می‌دهم، زیرا تدبیر من قوی و حساب شده است ﴿۱۸۳﴾ آیا نفهمیدند که نشانه‌ای از جنون در دوست‌شان (پیامبر) نیست. بدانید! که او فقط یک هشدار دهنده آشکار است! ﴿۱۸۴﴾ آیا به حقیقت آسمان‌ها و زمین و آنچه را که خداوند خلق کرده نمی‌نگرند؟! شاید مرگ‌شان نزدیک باشد! پس به کدام سخن، بعد از قرآن می‌خواهند ایمان بیاورند؟! ﴿۱۸۵﴾ هر کس را خدا در گمراهی گذارد، هیچ هدایت‌کننده‌ای برای او نخواهد بود! و خدا آن‌ها را در طغیان و سرکشی‌شان رها می‌کند تا حیران و سرگردان بمانند ﴿۱۸۶﴾ از تو درباره زمان وقوع قیامت سؤال می‌کنند. بگو: آگاهی از آن فقط نزد پروردگار است! هیچ کس جز او نمی‌تواند زمان وقوع آن را آشکار کند. قیامت حتی بر آسمان‌ها و زمین سخت و پراهمیت است. و جز به طور ناگهانی به سراغ شما نمی‌آید! باز سؤال‌شان را تکرار می‌کنند! گویی تو از زمان وقوع آن خبر داری! بگو: آگاهی از آن، خاص خداوند است هر چند که اکثر مردم نمی‌فهمند

﴿۱۸۷﴾

بگو: من مالک سود و زیان خویش نیستم. مگر آنچه را که خداوند بزرگ خواسته باشد! و اگر چنانچه از غیب و نادیده‌ها آگاهی داشتم بدون شک برای خودم خیر و خوبی زیادی جمع می‌کردم و نمی‌گذاشتم ضرر و زبانی به من وارد شود! اما بدانید که من کسی نیستم جز یک هشداردهنده و بشارت‌دهنده برای اهل ایمان! ﴿۱۸۸﴾ او خدایی است که شما را از یک جان واحد آفرید، و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنارش آرام گیرد. پس هنگامی که با او درآمیخت حملی سبک برداشت. و مدتی با او گذراند! و آن‌گاه که [حمل] سنگین شد، هر دو از خدای پرورنده‌شان خواستند که اگر به ما [فرزند] صالحی عطا کنی بدون تردید، از شکرگزاران خواهیم بود! ﴿۱۸۹﴾ و هنگامی که خدا [فرزند] صالحی به آن‌ها عطا کرد، در آنچه به آن‌ها داده بود، شریکان دیگری قائل شدند! بدانید که خداوند، بلند مرتبه‌تر است از شرکی که می‌ورزند! ﴿۱۹۰﴾ آیا چیزهایی را همتای خدا قرار می‌دهند که نمی‌توانند چیزی را خلق کنند. و حتی خود مخلوق‌اند؟! ﴿۱۹۱﴾ و نه می‌توانند [در مصائب و مشکلات]، آن‌ها را یاری کنند. و نه حتی باور خودشان باشند؟! ﴿۱۹۲﴾ بدانید! اگر آن‌ها را به راه هدایت بخوانید از شما تبعیت نمی‌کنند! چه آن‌ها را بخوانید و چه ساکت باشید، برای‌شان یکسان است! ﴿۱۹۳﴾ آن‌هایی را که به جای خدا می‌خوانید، بندگانی مثل شما هستند! پس اگر راست می‌گویید [که آنها حاجات شما را برآورده می‌کنند] آن‌ها را بخوانید، باید به شما پاسخ دهند! ﴿۱۹۴﴾ آیا آن‌ها پاهایی دارند که با آن راه بروند، دستانی دارند که با آن چیزی را بگیرند، چشم‌هایی دارند که با آن ببینند، گوش‌هایی دارند که با آن بشنوند؟! بگو: آنچه را شریک خدا قرار داده‌اید بخوانید و برضد من تدبیر کنید و لحظه‌ای مهلتم ندهید! ﴿۱۹۵﴾

^۱ این آیه از دو نیروی اصلی آفرینش یعنی ذکر و انثی (دهندگی و گیرندگی) سخن می‌گوید. با درآمیختن این دو نیروی اصلی، چرخه آفرینش به گردش در می‌آید و خلقت در مسیر خویش به پیش می‌رود.

بدانید! یاور من، الله است! همان خدایی که کتاب را نازل کرد و سرپرستی صالحان را عهده‌دار است! ﴿۱۹۶﴾ آن‌هایی را که به جای خدا می‌خوانید نه می‌توانند شما را یاری کنند و نه حتی یاور خودشان باشند! ﴿۱۹۷﴾ و اگر آن‌ها را به راه هدایت بخوانید نمی‌شنوند! و می‌بینی که فقط تو را نگاه می‌کنند در حالی که دیدگان‌شان از بصیرت خالی است ﴿۱۹۸﴾ عفو و بخشش را پیشه کن و به کار نیک فرمان ده و از نادانان دوری گزین! ﴿۱۹۹﴾ و اگر از جانب شیطان، در تو وسوسه‌ای پدید آمد، به خداوند بزرگ پناه ببر، زیرا او شنوا و آگاه است ﴿۲۰۰﴾ کسانی که حرمت خداوند را نگاه می‌دارند چنانچه از جانب شیطان، وسوسه‌ای آنان را فرا گیرد خدا را یاد می‌کنند و ناگاه چشمان‌شان به حقایق روشن می‌شود! ﴿۲۰۱﴾ و برادرانشان آنها را به گمراهی و انحراف می‌کشانند و از هیچ عملی کوتاهی نمی‌کنند! ﴿۲۰۲﴾ و هنگامی که [در وحی تأخیر شود و] آیه‌ای برای‌شان نیامد می‌گویند: چرا از نزد خود آیه‌ای نمی‌آوری؟! بگو، من فقط از چیزی پیروی می‌کنم که بر من وحی می‌شود! آن هم از جانب پروردگارم! و بدانید که وحی خداوند برای اهل ایمان، سراسر هدایت و رحمت است! ﴿۲۰۳﴾ و هنگامی که قرآن خوانده می‌شود، به آن گوش کنید و ساکت باشید! شاید مشمول رحمت خداوند بزرگ گردید ﴿۲۰۴﴾ و پروردگارت را بی آن که صدایی بلند کنی در دل خودت به تضرع و زاری یاد کن! و یاد کن او را هر صبح و شام و از غافلان مباش ﴿۲۰۵﴾ بدان! کسانی که در حضور خدای‌اند، از عبادت او تکبر نمی‌ورزند، و او را تسبیح می‌کنند و از عظمت او به سجده می‌افتند ﴿۲۰۶﴾

سورة انفال

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

[ای پیامبر! از تو درباره غنائم، و اموالی که صاحب مشخصی ندارد می پرسند بگو: آنها متعلق به خدا و پیامبر است. پس، از نافرمانی خدا بپرهیزید و اختلافات را تبدیل به صلح و دوستی کنید، و اگر اهل ایمانید خدا و پیامبرش را اطاعت کنید! ﴿۱﴾ اهل ایمان کسانی اند که چون نام خدا برده شود [از عظمت او] خوف بر قلب‌هایشان چیره می‌شود. و هنگامی که آیات خدا بر آنها تلاوت شود، باعث رشد فزاینده ایمانشان می‌گردد! آن‌ها کسانی هستند که بر پروردگارشان همواره توکل می‌کنند ﴿۲﴾ همان کسانی که نماز به پا می‌دارند و از آنچه روزی‌شان کردیم، دیگران را نیز بهره‌مند می‌کنند ﴿۳﴾ آن‌ها مؤمنان حقیقی‌اند و نزد خداوند صاحب درجات، مغفرت و روزی بی‌کم و کاست هستند ﴿۴﴾ آن‌چنان خداوند به حق، تو را از خانه‌ات [به سوی میدان جهاد] بیرون فرستاد، که گروهی از اهل ایمان بر این امر ناخشنود شدند! ﴿۵﴾ با آن که حق، برای‌شان روشن شده باز به مجادله با تو می‌پردازند. [چنان می‌ترسند] که گویی آن‌ها را به سوی مرگ می‌برند و آن‌ها نظاره‌گر این صحنه هستند! ﴿۶﴾ [به یاد آورید] آن هنگام که خدا وعده داد: یکی از این دو گروه (یا کاروان تجاری قریش و یا سپاه جنگی آنها از آن شماست! و شما دوست داشتید گروهی که عاری از قدرت است از آن شما باشد) (چون تسخیر آن زحمت کمتری داشت) در حالی که خدا می‌خواهد حق را با کلمات قدرتمند خویش، تثبیت کند و ریشه کفر و بی‌حرمتی را قطع نماید ﴿۷﴾ تا حق را پا برجا کند و باطل را از میان بردارد، هر چند که مجرمان از این امر ناخشنود باشند ﴿۸﴾

هرگاه خدا را به کمک و یاری خواستید کمک‌تان کرد! بدانید که من شما را با هزار فرشته، در صفوف منظم یاری خواهم کرد! ﴿۹﴾ و خداوند این کار را نکرد مگر برای آن که شادمان شوید و قلب‌هایتان آرام گیرد. بدانید که هیچ پیروزی وجود ندارد مگر آن که از جانب خدا باشد و خداوند بزرگ، مقتدر و حکیم است ﴿۱۰﴾ آن‌گاه خواب راحتی به برکت امنیّت الهی، شما را فرا گرفت. و از آسمان آبی را نازل کرد تا شما را پاک و پاکیزه گرداند و پلیدی شیطان را از شما دور، قلب‌هایتان را استوار و گام‌هایتان را با ثبات گرداند ﴿۱۱﴾ و [یاد آر]، هنگامی که پروردگار تو، به فرشتگان وحی کرد: من با شما هستم، شما اهل ایمان را در آن چه می‌خواهند ثابت قدم دارید، من نیز بر قلب‌های کافران ناسپاس رعب و وحشت چیره خواهم کرد. پس بر بالای گردن‌ها و سرانگشتان‌شان ضربه زنید! ﴿۱۲﴾ و [این مصیبت] به خاطر آن است که با خدا و رسولش دشمنی ورزیدند و کسی که با خدا و رسولش دشمنی کند. بدانند! که مجازات خداوند سخت و طاقت‌فرسا است! ﴿۱۳﴾ مجازات خداوند، را بچشید و بدانید که عذاب دوزخ، برای ناسپاسان است! ﴿۱۴﴾ ای اهل ایمان! هرگاه دیدید کافران حمله ور شدند [از آن‌ها نترسید] و به میدان جنگ پشت نکنید! ﴿۱۵﴾ و به جز کسی که در امر تدارکات و یا کمک‌رسانی است، اگر کسی به دشمنان و جبههٔ جنگ پشت کند [و پا به فرار بگذارد] به خشم خداوند گرفتار آمده و جایگاهش جهنم است و بدسرنوشتی است [این جهنم]! ﴿۱۶﴾

^۱ سالکان در سلوک خویش باید از میدان‌های بسیار عبور کنند. جنگ و ستیز با نیروهای نفسانی و صفات رذیله، در فضاهای معنوی همواره بوده و قابل انکار نیست. از این منظر می‌توان گفت که ضربه زدن به «فوق اعناق» و «بنان» در فضای سلوکی (فوق مادی) یکی از ترفندهای مبارزات باطنی است. به نظر می‌رسد رابطه «فوق اعناق» (جایگاه ذهن، مدیریت، بالقوه‌گی) با «بنان» (مظهر عمل، خلق و فعلیت) رابطه‌ای حساس و مهم است. با قطع یا وصل این رابطه در سلوک، می‌توان موقعیت کارزار را تغییر داد.

و آن‌ها را شما نکشتید بلکه خدا کشت! و هنگامی که تیر می‌انداختی تو نیانداختی، بلکه خدا انداخت! تا اهل ایمان را امتحانی شایسته کرده باشد! بدانید که خداوند شنوا و آگاه است ﴿۱۷﴾ و [داستان] این چنین بود. بدانید که خداوند بزرگ، نقشه‌های کافران را بی‌اثر می‌کند ﴿۱۸﴾ و اگر موفقیت و پیروزی بخواهید موفقیت و پیروزی نزد شما آمده است! و اگر [از نافرمانی] دست بردارید بی‌شک برایتان بهتر است و اگر باز گردید ما نیز باز خواهیم گشت! و بدانید گروه شما هر چند بسیار باشد، باز شما را از یاری خداوند، بی‌نیاز نمی‌کند! بی‌شک خداوند بزرگ، با اهل ایمان است ﴿۱۹﴾ ای کسانی که به حقایق ایمان دارید! از خدا و رسولش اطاعت کنید و در حالی که کلامش را می‌شنوید از فرمان او سرپیچی نکنید ﴿۲۰﴾ مثل کسانی نباشید که گفتند: شنیدیم در حالی که هیچ نمی‌شنوند! ﴿۲۱﴾ بدانید بدترین جنبندها نزد خداوند کسانی‌اند که نسبت به حقایق کر و لالند و اندیشه نمی‌کنند! ﴿۲۲﴾ و اگر خدا در وجودشان خیری می‌دید بی‌شک به حقایق شنوایشان می‌کرد، هر چند اگر شنوا هم شوند [از حقایق] رو بر می‌گردانند و اعراض می‌کنند! ﴿۲۳﴾ اهل ایمان! هنگامی که خدا و رسولش شما را به چیزی می‌خوانند که مایهٔ حیات و عزتتان است، اجابت کنید! بدانید که خداوند، بین آدمی و قلبش قرار دارد و همه به سوی او محشور خواهید آمد! ﴿۲۴﴾ و بهره‌یزید از فتنه‌ای که فقط ستمکاران شما را شامل نمی‌شود! (خشک و تر باهم می‌سوزند) و بدانید! که مجازات خداوند سخت و طاقت‌فرساست

﴿۲۵﴾

و به یاد آورید! هنگامی که در این سرزمین، اندک و ناتوان بودید آن چنان که بیم از آن داشتید که مردم شما را نابود کنند. اما [خدا] شما را پناه داد و به مساعدت خویش، یاری کرد و از چیزهای پاکیزه روزی تان داد. شاید شکرگزار شوید! ﴿۲۶﴾ ای اهل ایمان! به خدا و پیامبر خیانت نکنید، هم چنین در امانات خود خیانت نورزید، در حالی که [به زشتی این کار] آگاهید! ﴿۲۷﴾ بدانید که اموال و اولادتان وسیله امتحان و آزمایش‌اند! حال آن که پاداش بزرگ، نزد خداوند است ﴿۲۸﴾ ای اهل ایمان! اگر حرمت خداوند را نگاه دارید او به شما قدرت تشخیص حق از باطل را عطا می کند و گناهان شما را می پوشاند و شما را می آمرزد! بدانید خداوند، صاحب فضل و کرمی بزرگ است ﴿۲۹﴾ و [به یاد آر]! هنگامی که کافران نقشه کشیدند که تو را در بند کنند و یا بکشند و یا از شهر و دیارت بیرون کنند! آن‌ها نقشه می کشند خدا نیز تدبیر می کند، و بدان که خداوند بهترین، تدبیرکنندگان است ﴿۳۰﴾ و هنگامی که آیات ما بر آن‌ها خوانده شود می گویند: شنیدیم، اگر بخواهیم می توانیم مثل آن را بگوییم! این چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست! ﴿۳۱﴾ و [به یاد آر]! هنگامی که گفتند: خداوند! اگر قرآن به راستی از نزد تو آمده است پس از آسمان بارانی از سنگ بر ما ببار و یا عذاب دردناکی بر ما وارد کن! ﴿۳۲﴾ حال آن که تا زمانی که تو در میان آن‌ها هستی و تا آن هنگام که طلب آمرزش می کنند خداوند عذاب‌شان نخواهد کرد

﴿۳۳﴾

و چرا خدا عذابشان نکند؟! در حالی که آنها راه [مردم را به] مسجد الحرام می‌بندند بدون آن که سرپرست آن باشند! و کسی سرپرست آن نیست، مگر کسانی که حرمت اوامر خداوند را نگاه می‌دارند! اما اکثر آنها این نکته را نمی‌فهمند! ﴿۳۴﴾ و نمازشان کنار خانه خدا، چیزی نیست جز سوت زدن و دست زدن! پس به خاطر دستاورد کفرآلودتان، بچشید عذاب الهی را! ﴿۳۵﴾ کافران، اموال خود را می‌بخشند [تا مردم را] از راه خداوند باز دارند. اموالشان را خرج می‌کنند، اما جز حسرت نتیجه‌ای نخواهند گرفت! و سرانجام مغلوب و سرافکنده خواهند شد. بدانید که کافران ناسپاس، به سوی جهنم جمع خواهند شد ﴿۳۶﴾ تا خداوند، پاک را از ناپاک مشخص کند، آن‌گاه ناپاکان را جمع نموده همگی را به جهنم بفرستد. زیرا آنها زیانکارند ﴿۳۷﴾ به ناسپاسان بگو اگر [از نافرمانی خدا] دست بردارند گناهان گذشته‌شان آمرزیده می‌شود، و اگر به اعمال سابق بازگردند بر آنها همان خواهد رفت که بر گذشتگان رفته است! ﴿۳۸﴾ با آنها بجنگید تا فتنه‌ای باقی نماند و تمام دین برای خدا باشد! پس اگر [از نافرمانی خدا] دست برداشتند بدانند که خداوند به عملکردشان بیناست ﴿۳۹﴾ و اگر سرپیچی کردند، بدانید خداوند مولای شماست. و چه مولا و یاور خوبی - است؟! ﴿۴۰﴾

بدانید! هر گونه غنیمتی که به دست آورید یک پنجم آن متعلق به خداوند و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است! [او باید آن را پرداخت کنید] اگر به خداوند و آنچه که بر بنده‌مان در روز جدایی حق از باطل، نازل کردیم ایمان دارید، همان روزی که در سپاه [ایمان و کفر] روبه روی هم قرار گرفتند! بدانید که خداوند بزرگ بر هر کاری تواناست ﴿۴۱﴾ آن هنگام که شما در سمت پائین [بیابان] بودید و آن‌ها در طرف بالای آن، و کاروان [قریش] پایین‌تر از محل شما! [موقعیت بر شما چنان سخت بود] که اگر با یکدیگر وعده می‌گذاشتید نمی‌توانستید به آن عمل کنید! همه این‌ها برای آن بود که خداوند، آن چه را که باید بشود تحقق بخشد، تا هر کس که کشته شود، و یا زنده بماند هر دو از روی دلیل باشد. بدانید! که خداوند بزرگ، شنوا و داناست ﴿۴۲﴾ و [یاد آر]! آن هنگام که در خواب، خداوند تعداد دشمنان را به تو اندک نشان داد. و اگر آنان را فراوان نشان می‌داد [از ترس]، سست و ناتوان می‌شدید و [در تصمیم به جهاد]، کارتان به اختلاف می‌کشید. اما خداوند شما را سالم نگاه داشت، و بدون تردید او به آن چه در سینه‌هاست آگاه است ﴿۴۳﴾ و در آن هنگام که [در میدان نبرد] با آن‌ها روبه‌رو شدید [خداوند] آنان را به چشم شما اندک نشان داد، و شما را نیز به چشم آن‌ها، کم نشان می‌داد [تا مغرور شوند] تا خدا کاری را که باید، به انجام رساند. بدانید! همه کارها به خداوند برمی‌گردد ﴿۴۴﴾ ای اهل ایمان! اگر به گروهی از دشمن برخوردید، استقامت کنید و خداوند را بسیار یاد کنید، امید آن که پیروز شوید ﴿۴۵﴾

و از فرمان خداوند و پیامبرش اطاعت کنید. و اختلاف به راه نیندازید که ناتوان می‌شوید. و عزّت و آبروی تان از بین می‌رود! و استقامت کنید که خداوند با اهل صبر است ﴿۴۶﴾ و همانند کسانی نباشید که از روی هوی و هوس و ریاکاری از دیار خود بیرون آمدند تا مردم را از راه خدا باز دارند! بدانید! که خداوند بزرگ به عملکردشان احاطه دارد^۱ ﴿۴۷﴾ و [یاد آر]! هنگامی که شیطان، اعمالشان را در نظرشان زیبا جلوه داد و گفت: امروز هیچ‌کس نمی‌تواند بر شما پیروز شود زیرا من حامی شما هستم! اما وقتی دو سپاه روبه رو شدند، از حرف خود برگشت و گفت: من از شما بیزارم زیرا چیزی می‌بینم که شما نمی‌بینید! همانا من از خدا می‌ترسم خدایی که مجازاتش سخت و طاقت‌فرساست! ﴿۴۸﴾ یاد آر! هنگامی که منافقان و کسانی که در قلب‌هایشان بیماری کفر است گفتند: اینان را دین‌شان مغرور کرده است! [در حالی که نمی‌دانند] کسی که بر خداوند بزرگ توکل کند [پیروز است] و خدا مقتدر و حکیم است ﴿۴۹﴾ اگر ببینی! هنگامی را که فرشتگان، جان کافران ناسپاس را می‌گیرند و بر صورت و پشت‌های‌شان می‌زنند و [می‌گویند]: عذاب سوزان را بچشید! ﴿۵۰﴾ و این به خاطر دستاورد خودتان است، حال آن‌که خداوند به هیچ‌یک از بندگان ظلم نمی‌کند ﴿۵۱﴾ حال و روز این‌ها، همانند فرعونیان و کسانی که پیش از آن‌ها آیات خدا را انکار کردند، می‌باشد. پس خداوند، آن‌ها را به سبب گناهان‌شان مجازات کرد. بدانید! که مجازات خدا سخت و طاقت‌فرساست ﴿۵۲﴾

^۱ پیامبر(ص): وای بر کسانی که دین را وسیله کسب دنیا می‌کنند و با زبان نرم خود در برابر مردم به لباس میش در می‌آیند، گفتارشان از غسل شیرین تر است و دل‌هایشان، دل‌گرگ است، خداوند متعال می‌فرماید: آیا به (رحمت) من مغرور می‌شوند؟! اعلام الدین، ص ۲۹۵.

بدانید! خداوند نعمت‌هایی را که به قومی می‌دهد، دگرگون نمی‌کند مگر آن‌که خودشان، باعث تغییر [نعمت به بلا و مصیبت] شوند! و خداوند به عملکردتان شنوا و آگاه است ﴿۵۳﴾ وضع این‌ها همانند حال و روز فرعونیان و کسانی که قبل از آن‌ها آیات پروردگارشان را انکار کردند، می‌باشد و بدین سبب همه آن‌ها را به خاطر گناهان‌شان نابود کردیم و فرعونیان را غرق نمودیم، زیرا همه آن‌ها ظالم بودند ﴿۵۴﴾ بدانید! بدترین جنبنندگان نزد خداوند کسانی‌اند که به حقایق کافردند و ایمان نمی‌آورند! ﴿۵۵﴾ بدان! آن کسانی که با آن‌ها پیمان بسته‌ای و هر بار پیمانشان را می‌شکنند، حرمت فرمان خدا را نگاه نمی‌دارند ﴿۵۶﴾ پس هرگاه در [میدان] جنگ، آن‌ها را یافتی چنان به آنان حمله کن که حتی افراد پشت سرشان هم پراکنده شوند! امید آن‌که پند گیرند ﴿۵۷﴾ و اگر از خیانت گروهی بیم داری به آن‌ها اعلام کن، که با آنان نیز مثل سایر [دشمنان] رفتار خواهی کرد! زیرا خداوند خیانتکاران را دوست ندارد ﴿۵۸﴾ و آن دسته از کافران که می‌پندارند جان به در برده‌اند بدانند، هرگز ما را ناتوان نخواهند کرد! ﴿۵۹﴾ و در برابر آن‌ها تا می‌توانید نیرو و اسب‌های ورزیده مهیا کنید تا بدین‌وسیله دشمنان خدا و دشمنان خودتان را وحشت‌زده کنید و نیز دشمنانی را که شما نمی‌شناسید. اما خدا آن‌ها را خوب می‌شناسد! شما باید آن‌چه در توان دارید برای تهیه این نیروی الهی انفاق کنید و مطمئن باشید که به طور کامل به شما باز می‌گردد و به شما هیچ ظلمی نخواهد رفت! ﴿۶۰﴾ و اگر برای صلح، پیش قدم شدند تو نیز به صلح اقدام کن و بر خداوند توکل نما. که او شنوا و داناست

﴿۶۱﴾

و اگر بخواهند تو را فریب دهند، [بدان که قدرت]، خداوند تو را کفایت می‌کند، خدایی که با یاری خود و وجود مؤمنان، تو را تقویت کرده است ﴿۶۲﴾ و دل‌های آن‌ها را نسبت به هم صمیمی کرد در حالی که اگر آن‌چه را در زمین است می‌بخشیدی، نمی‌توانستی چنین صمیمیتی بین دل‌های آن‌ها برقرار کنی! اما خداوند این صمیمیت و دوستی را بین آن‌ها به وجود آورد زیرا او مقتدر و حکیم است ﴿۶۳﴾ ای پیامبر! بدان که خداوند و اهل ایمانی که از تو پیروی می‌کنند. [برای حمایت] کافی است ﴿۶۴﴾ ای پیامبر! اهل ایمان را به جهاد تشویق و ترغیب کن. چنان‌چه بیست تن، با استقامت از شما باشند می‌توانند بر دویست تن پیروز شوند، و اگر صد تن باشند بر هزار تن از اهل کفر و انکار غلبه خواهند کرد! زیرا دشمنان عاری از فهم‌اند ﴿۶۵﴾ اکنون خداوند بار را از دوش‌تان برداشت زیرا از ضعف‌تان آگاه است. پس اگر از بین شما صد تن، با استقامت باشند، می‌توانند بر دویست تن غلبه کنند، و اگر هزار تن باشند به اذن خدا می‌توانند بر دو هزار تن پیروز گردند! بدانید، که خداوند با استقامت‌کنندگان است ﴿۶۶﴾ و هیچ پیامبری حق ندارد اسیرانی بگیرد، مگر آن که در زمین کاملاً بر دشمن فائق آمده باشد. شما بهره‌های دنیوی می‌خواهید اما خداوند آخرت را اراده کرده است. و خداوند، مقتدر و حکیم است ﴿۶۷﴾ اگر تائید خداوند نبود، قطعاً از آن‌چه گرفته بودید عذاب بزرگی به شما وارد می‌شد! ﴿۶۸﴾ اکنون آن‌چه را به غنیمت گرفته‌اید حلال و پاکیزه است، می‌توانید از آن بهره‌مند شوید. حرمت خداوند را نگاه دارید. که خداوند بسیار آمرزنده و با گذشت است ﴿۶۹﴾

ای پیامبر! به اسیرانی که گرفته‌اید بگو: چنان چه خداوند در قلب‌ها و نیات شما خیری ببیند، بهتر از آن‌چه از دست داده‌اید به شما عطا می‌کند و گناهانتان را می‌آمرزد! زیرا خداوند بسیار آمرزنده و با گذشت است ﴿۷۰﴾ و اگر نیت خیانت به تو را داشته باشند، بدان که قبلاً به خدا خیانت کرده‌اند! اکنون شما بر آن‌ها مسلط‌اید. و خداوند آگاه و حکیم است ﴿۷۱﴾ بدانید! کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کردند، با کسانی که [مهاجران را] جا و مکان دادند و حمایت کردند، دوستان و یاران یکدیگرند. و کسانی که ایمان آوردند اما هجرت نکردند، هیچ‌گونه تعهدی در قبال دوستی و سرپرستی آن‌ها ندارید، مگر آن‌که مهاجرت کنند! و اگر برای [حفظ] دین از شما یاری طلبند بر شما یاری کردنشان واجب است. البته به جز بر ضد گروهی که با شما پیمان [ترک مخاصمه] دارند. بدانید! که خداوند نسبت به عملکردتان بیناست ﴿۷۲﴾ و بدانید که اهل کفر و انکار، یاوران یکدیگرند. اگر [به اوامر الهی] عمل نکنید، فتنه و فساد بزرگ در زمین پدیدار می‌شود! ﴿۷۳﴾ کسانی که به حقایق ایمان دارند و در راه خدا دست به مهاجرت و جهاد زدند و نیز کسانی که آن‌ها را پناه دادند و یاری‌شان کردند همه این‌ها مؤمنان حقیقی‌اند. و برای‌شان آمرزش الهی و رزق و روزی ارزشمندی است ﴿۷۴﴾ و کسانی - که بعد از این ایمان آوردند و اقدام به مهاجرت و جهاد کردند، با شما هستند بلکه از خود شمایند! و به حکم خداوند، خویشاوندان به یکدیگر سزاوارترند. بدانید! که خداوند بزرگ بر هر چیزی آگاه است ﴿۷۵﴾

سوره توبه

این اعلام بیزاری خدا و رسولش نسبت به مشرکانی است که با آنها پیمان بسته‌اید! ﴿۱﴾ پس چهار ماه مهلت دارید تا در هر جای زمین که خواستید بروید، اما بدانید که شما نمی‌توانید خدا را [از اعمال قدرتش] عاجز کنید! زیرا خداوند خوارکننده کافران است ﴿۲﴾ این اعلام خدا و رسولش در روز حج بزرگ است، به عموم مردم! بدانید که خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند. پس اگر توبه کردید برای شما بهتر است و اگر [از فرمان خدا] روی برگردانید، بدانید! که هرگز نمی‌توانید خداوند را [از اعمال قدرتش] عاجز کنید! و [ای پیامبر!] اهل کفر را به عذابی دردناک بشارت ده! ﴿۳﴾ فقط آن دسته از مشرکان که تحت هیچ عنوان خیانتی نسبت به پیمان‌شان روا نداشتند و احدی را بر ضد شما یاری نکردند، پیمان‌شان را تا پایان مدتش محترم شمارید، زیرا خداوند خویشتن داران پرهیزکار را دوست دارد ﴿۴﴾ و چون ماه‌های حرام [مهلت داده شده] پایان پذیرفت مشرکان را هر جا یافتید بکشید، و بگیرید و به بند کشید و در هر مکان به کمین آنها بنشینید! پس اگر توبه کردند و نماز به پا داشتند و زکات پرداخت نمودند آزادشان بگذارید. زیرا خداوند بسیار آمرزنده و با گذشت است ﴿۵﴾ و اگر کسی از مشرکان از تو امان خواست، پناهش باش تا کلام خدا را بشنود، آن‌گاه [در امنیت کامل] او را به جای امن خویش برسان! زیرا آنها قومی نادانند ﴿۶﴾

چگونه مشرکان را با خدا و پیامبرش پیمانی باشد؟! مگر با آن کسانی که کنار مسجدالحرام پیمان بستید. و تا زمانی که آن‌ها [بر عهد و پیمان خویش] پایبندند شما نیز عهد نگهدار باشید! زیرا خداوند خویشتن‌داران پرهیزکار را دوست دارد ﴿۷﴾ و چگونه حرمت پیمان نگاه دارند! در حالی که اگر بر شما مسلط شوند، به هیچ عهد و پیوند خویشاوندی وفا نکنند! با زبان شما را راضی نگه می‌دارند اما در دل انکار دارند، زیرا اکثر آن‌ها قومی زشت‌کار و بد نیت‌اند ﴿۸﴾ آن‌ها آیات خدا را به بهایی اندک فروختند و [مردم را] از راه [نجات‌بخش] او باز داشتند. بدانید! آن‌ها عملکرد بدی دارند ﴿۹﴾ و در مورد هیچ مؤمنی رعایت حرمت الهی و عهد و پیمانی را نمی‌کنند، زیرا جماعتی تجاوزکارند ﴿۱۰﴾ پس اگر توبه کردند و نماز به پا داشتند، و زکات پرداخت نمودند. بی‌شک برادران دینی شما هستند. و این چنین آیات را برای اهل دانش بیان می‌کنیم! ﴿۱۱﴾ و اگر پیمانی را که بستند، زیر پا گذاشتند و دین‌تان را مورد طعن و سرزنش قرار دادند، بدون تردید با سران کفر و انکار بجنگید زیرا به هیچ عهدی وفادار نیستند! امید آن که دست [از انکار حقایق] بردارند! ﴿۱۲﴾ آیا با جماعتی که پیمان خود را شکستند و پیامبر را از دیارش بیرون کردند نمی‌جنگید؟! در حالی که [شیوه برخورد خصمانه را] اولین بار آن‌ها آغاز کردند. آیا از آن‌ها می‌ترسید؟! حال آن که اگر اهل ایمانید، برای شما ترس از خداوند سزاوارتر است!

﴿۱۳﴾

^۱ انسان، عالم صغیر است. ما باید سران کفر را در وجود خود شناسایی کرده و به مقابله با آن برخیزیم. حرص، طمع، جهل، غضب... نیروهای نفسانی مخرب‌اند که آدمی را از توحید باز می‌دارند. کفر و کافری در درون خود ماست. همچنان که می‌فرماید: «فمنکم کافر و منکم مؤمن». اگر به درون خود بروی خواهی دید که تمام این جنگ‌ها در وجودت اتفاق می‌افتد. یک سالک باید در جهاد با نیروهای نفس اماره، سربلند بیرون آید. جهان پس از آبادی درون، بی‌تردید آباد خواهد شد. این برکت جهاد اکبر است.

با آن‌ها بجنگید، زیرا خداوند [اراده کرده است تا] آن‌ها را به دست شما عذاب کند! [مسلماً خداوند] خوار و رسوایشان می‌سازد و شما را بر آن‌ها چیره می‌کند و باعث آرامش سینه‌های اهل ایمان می‌گردد ﴿۱۴﴾ و خشم قلب‌های آنان را از بین می‌برد. بدانید! خداوند توبه هر کس را صلاح بداند می‌پذیرد، زیرا خداوند بزرگ، آگاه و حکیم است ﴿۱۵﴾ آیا گمان کرده‌اید به حال خود رها می‌شوید بدون آن که خداوند مجاهدان شما را از دیگران متمایز کند؟! همان‌هایی که غیر از خدا و پیامبر و اهل ایمان همرازی نداشتند؟! بدانید خداوند نسبت به عملکردتان آگاه است! ﴿۱۶﴾ مشرکان را سزاوار نیست که مساجد خدا را آباد کنند در حالی که آن‌ها به کفر و انکار حقایق اعتراف دارند! آن‌ها حتی اعمال خوب‌شان هم از بین می‌رود. و در آتش دوزخ جاودانه‌اند ﴿۱۷﴾ مساجد خدا را فقط کسانی که ایمان به خدا و روز قیامت دارند آباد می‌کنند! همان‌هایی که نماز به پا می‌دارند و زکات پرداخت می‌نمایند. و از چیزی جز خداوند بزرگ نمی‌هراسند! امید است اینان از رهیافتگان شوند ﴿۱۸﴾ آیا آب دادن به حجاج و آباد کردن مسجدالحرام را با دستاورد کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، و در راه خدا جهاد می‌کند، در یک سطح قرار می‌دهید؟! این دو نزد خداوند مساوی نیستند. بدانید که خداوند اهل ظلم و ستم را هدایت نمی‌کند ﴿۱۹﴾ کسانی - که به حقایق ایمان دارند و با جان و مال خویش، اقدام به مهاجرت و جهاد در راه خدا نمودند، بالاترین درجه و مقام را نزد خدا دارند و هم اینان برندگان حقیقی‌اند

﴿۲۰﴾

[خداوند] آن‌ها را به خشنودی و رحمت بیکران خود و به بهشت‌هایی بشارت می‌دهد که نعمت‌هایش برای‌شان همیشگی است ﴿۲۱﴾ و در آن جاودانه خواهند ماند. بدانید! پادشاه بزرگ نزد خداوند است ﴿۲۲﴾ ای اهل ایمان! پدران و برادرانی که کفر و انکار را به ایمان ترجیح داده‌اند، سرمشق خود نگیرید. چنان‌چه کسی آن‌ها را الگوی خود قرار دهد بی‌تردید از ستمکاران است ﴿۲۳﴾ [ای پیامبر] به آن‌ها بگو: چنان‌چه پدران و فرزندان و برادران و همسران و خویشاوندانتان را، و هم‌چنین اموالی که اندوخته‌اید و تجارتی که از کسادی آن بیم دارید، و خانه‌هایی که به آن علاقمندید را از خدا و پیامبر و جهاد در راه حق بیشتر دوست دارید، پس منتظر باشید تا خداوند فرمان [کوبنده‌اش] را صادر کند! بدانید که خدا مردم زشت‌کار و بدسیرت را هدایت نمی‌کند ﴿۲۴﴾ خداوند در بسیاری از موقعیت‌ها، از جمله روز حُنین شما را یاری کرد، همان زمان که از زیادی تعدادتان به خود می‌بالیدید اما هیچ سودی برایتان نداشت! و زمین با تمام فراخی‌اش چنان بر شما تنگ شد که عاقبت [از میدان] روگردانید و فرار کردید! ﴿۲۵﴾ اما بعد از آن، خداوند آرامشی الهی را بر پیامبر و اهل ایمان نازل کرد، و سپاهی [آسمانی] که شما آن را نمی‌دیدید فرستاد، و منکران حقیقت را مجازات کرد. و این‌چنین است جزای کافران ﴿۲۶﴾

[بدانید!] بعد از آن، خداوند توبهٔ هر کس را صلاح بداند می‌پذیرد، و خداوند بزرگ بسیار آمرزنده و با گذشت است ﴿۲۷﴾ ای اهل ایمان! مشرکان ناپاک‌اند و از این سال به بعد، نباید به مسجدالحرام نزدیک شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند اگر بخواهد، به فضل خویش شما را از [مشرکان] بی‌نیاز خواهد کرد، زیرا خداوند بزرگ آگاه و حکیم است ﴿۲۸﴾ با جماعتی از اهل کتاب که به خدا و روز قیامت ایمان ندارند و آن‌چه را خدا و پیامبرش حرام کرده، حرام نمی‌دانند و دینِ حق را نمی‌پذیرند، بجنگید، تا آن زمان که با دست خود خاضعانه جزیه بپردازند ﴿۲۹﴾ و یهودیان ادّعا کردند: عَزِيزِ پسر خداست! و مسیحیان ادّعا کردند، مسیح پسر خداست! این سخنی که با زبان خود می‌گویند، همان گفتار کافران پیشین است! خدا آن‌ها را بکشد که چگونه از حق منحرف می‌شوند! ﴿۳۰﴾ آن‌ها، دانشمندان و راهبان خویش را و هم-چنین مسیح پسر مریم را، به جای خداوند بزرگ، معبود قرار داده‌اند! حال آن‌که امر شده بودند فقط خدای یکتا را پرستش کنند؛ خدایی که جز او معبودی نیست و از هر نوع شرکی که می‌پندارند پاک و مُبرّاست! ﴿۳۱﴾

می‌خواهند که نور خدا را با دهان‌شان خاموش کنند! در حالی که خداوند چیزی جز کمالِ نورش را نمی‌خواهد، هر چند منکرانِ حقیقت ناخشنود شوند! ﴿۳۲﴾ او کسی است که پیامبرش را همراه با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را سرآمد همهٔ ادیان کند. هر چند مشرکان [از این حقیقت] ناخشنود شوند! ﴿۳۳﴾ ای اهل ایمان! بدانید که بسیاری از علمای [اهل کتاب] و راهبان، به ناحق اموال مردم را می‌خورند و آنان را از راه خدا باز می‌دارند! کسانی که حریصانه، طلا و نقره می‌اندوزند، و آن را در راه رضایت خداوند انفاق نمی‌کنند، به عذابی دردناک بشارت ده! ﴿۳۴﴾ روزی که همین طلا و نقره، در آتش جهنم گذاخته شود و با آن صورت‌ها و پهلوها و پشت‌هایشان را داغ کنند و [به آن‌ها گویند]: این همان چیزی است که اندوخته‌اید! پس بچشید آن‌چه را که اندوخته‌اید! ﴿۳۵﴾ تعداد ماه‌های سال نزد خداوند، در کتاب الهی از روز اوّلِ خلقتِ آسمان‌ها و زمین، دوازده ماه است که چهار ماه آن، ماه حرام است. این دینِ پابرجای الهی است. پس در این ماه‌ها به خودتان ظلم نکنید و با تمام توان با مشرکان بجنگید. هم‌چنان که آن‌ها با تمام توان با شما می‌جنگند! و بدانید که خداوند با آن‌هایی است که حرمت فرمانش را پاس می‌دارند ﴿۳۶﴾

دستکاری [در تاریخ ماه‌های حرام]، افزایشی در کفر است. و این همان چیزی است که کافران به آن گمراه می‌شوند، یک سال آن‌ها (ماه‌ها) را حلال می‌کنند و یک سال حرام، تا به حدّ نصاب ماه‌هایی که خداوند، حرام کرده برسد او به پندارشان عدد چهار ماه تکمیل شود، تا از این رهگذر بتوانند چیزهایی را که خداوند در آن ماه‌ها حرام کرده، حلال کنند! عملکرد زشت‌شان در نظرشان زیبا جلوه گر می‌شود. و بدانید! خداوند، قومی که حقایق را انکار کنند هدایت نخواهد کرد! ﴿۳۷﴾ ای اهل ایمان! چه بر سرتان آمده؟! چرا وقتی به شما گفته می‌شود برای سیر در راه خدا آماده شوید خشک و سنگین بر زمین چسبیده‌اید! آیا زندگی دنیا را به حیات جاودان ترجیح داده‌اید؟! بدانید متاع دنیا در برابر نعمت‌های جاودانِ آخرت بسیار اندک است ﴿۳۸﴾ اگر [به تلاش در راه حق] اقدام نکنید [خداوند] شما را به عذابی دردناک گرفتار می‌کند. و جماعت دیگری را جایگزین شما می‌کند! بدانید! که عملکردتان هیچ‌زبانی به خدا نمی‌رساند. و خداوند بزرگ بر هر کاری تواناست ﴿۳۹﴾ و چنان‌چه پیامبر را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرده است! درست مثل آن زمانی که کافران [از مکّه] بیرونش کردند [و خدا یاری‌اش کرد] در حالی که دومین نفر بود (و فقط یک تن همراه او بود). هنگامی که آن دو در غار بودند، او به همنشین خود گفت: غمگین مباش خدا با ماست! و خدا هم، آرامش الهی‌اش را بر او نازل کرد، و به سپاهی که شما نمی‌دیدید یاری‌اش کرد! و این‌چنین کلام کافران را پست و بی‌اثر قرار داد. حال آن که کلام خدا برتر و پر قدرت است. زیرا خداوند بزرگ مقتدر و حکیم است ﴿۴۰﴾

[به راه خدا] رهسپار شوید، چه سبک‌بار و کم‌مشغله باشید، و چه گرفتار و پرمشغله! و با جان و مالتان در راه خدا تلاش کنید. که اگر درک کنید، این برای شما از هر چیز دیگری بهتر است ﴿۴۱﴾ بدان که اگر راه، نزدیک و غنایم در دسترس بود، از تو پیروی می‌کردند! اما راه دور است و طاقت‌فرسا! به زودی به خداوند سوگند یاد می‌کنند، اگر توانایی داشتیم حتماً با تو همراه می‌شدیم! آن‌ها با این رفتار، باعث هلاکتِ خودشان می‌شوند. خداوند خوب می‌داند که آن‌ها [جماعتی] دروغگو هستند ﴿۴۲﴾ خداوند تو را عفو کند، برای چه به آن‌ها اجازه دادی [بمانند و به جهاد نروند]، آن هم قبل از آن که راستگویان و دروغگویان برایت مشخص شوند؟! ﴿۴۳﴾ آن‌ها که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، برای آن که با مال و جان‌شان جهاد کنند از تو اجازه نمی‌گیرند. و خداوند بر احوال متقین آگاه است! ﴿۴۴﴾ بدان! فقط عده‌ای که خدا و روز قیامت را باور ندارند [برای رفتن به جهاد] از تو اجازه می‌گیرند! زیرا قلب‌هایشان مملو از شک و تردید است. و در همین تردید، حیران و سرگردانند ﴿۴۵﴾ اگر قصد رفتن داشتند [بدون تردید] ساز و برگی را مهیا می‌کردند! اما خدا از رفتن آن‌ها کراهت دارد. [توفیق‌اش را گرفته] و آن‌ها را [از جهاد] باز می‌دارد! و به آن‌ها گفته می‌شود: همراه خانه نشینان، شما هم خانه نشین شوید! ﴿۴۶﴾ بدان که اگر هم [به جهاد] می‌آمدند جز اضطراب و تشویش چیزی برای شما نداشتند، و در بین شما به تفرقه و نفاق می‌پرداختند، و فتنه‌انگیزی می‌کردند. بدانید که خداوند بزرگ به احوال ظالمان آگاه است! ﴿۴۷﴾

آن‌ها قبل از این هم فتنه‌انگیزی کرده‌اند، و کارهای تو را خراب نموده‌اند، تا آن‌گاه که حق آمد و دستور خداوند شفاف بیان شد، در حالی که از این حکم ناخشنود بودند ﴿۴۸﴾ وعده‌ای از آن‌ها می‌گویند: به ما اجازه ده [تا خانه نشین باشیم] ما را به گناه مینداز! بدان که آن‌ها در گناه غوطه ورنند! و جهنم بر ناسپاسان کاملاً احاطه دارد! ﴿۴۹﴾ اگر خیری به تو رسد آن‌ها ناراحت می‌شوند. و اگر مصیبتی به تو وارد آید می‌گویند: ما چاره‌ خویش را از قبل اندیشیده‌ایم! و شادمان برمی‌گردند! ﴿۵۰﴾ بگو: هیچ مصیبتی به جز آن‌چه خداوند تقدیر کرده است، بر ما نخواهد رسید. او بزرگ و تکیه‌گاه ماست، و اهل ایمان فقط به خداوند توکل می‌کنند ﴿۵۱﴾ بگو: آیا غیر از یکی از این دو خوبی (پیروزی یا شهادت) چیز دیگری را برای ما انتظار می‌کشید؟! اما ما انتظار آن داریم که شما یا به عذاب الهی دچار شوید، و یا به دست ما مجازات شوید! پس شما انتظار بکشید. ما نیز پا به پای شما چشم به راهیم! ﴿۵۲﴾ بگو: [چون به جهاد نیایید] هرچه انفاق کنید چه از روی رضایت و چه از روی کراهت، خداوند از شما نخواهد پذیرفت، زیرا شما جماعتی زشت‌کار و بد سیرت‌اید ﴿۵۳﴾ و چیزی مانع قبولی انفاق‌شان نشد، مگر همین که خدا و پیامبرش را باور ندارند. در حالی که نماز نمی‌گزارند جز با کسلی و بی‌روحی، و انفاق نمی‌کنند جز به کراهت و ناخشنودی

﴿۵۴﴾

دارائی‌ها و فرزندانشان تو را شگفت زده نکند، زیرا خداوند آن چیزها را در این دنیا مایهٔ عذاب‌شان ساخته است. و بدان که در حال کفر و انکار، جان‌شان کنده خواهد شد! ﴿۵۵﴾ به خدا سوگند می‌خورند که از شما نیستند؛ بلکه فقط ترس سرا پای‌شان را گرفته است ﴿۵۶﴾ اگر پناهگاهی یا غاری و حتی زیرزمینی بیابند، به آن می‌خزند و شتابزده مخفی می‌شوند! ﴿۵۷﴾ و عده‌ای از آن‌ها در [تقسیم] صدقات و غنایم، به تو ایراد می‌گیرند. چنان‌چه به آن‌ها داده شود خشنود می‌گردند، و اگر داده نشود خشمگین می‌شوند! ﴿۵۸﴾ چه می‌شود اگر به آن‌چه خداوند و پیامبرش به آن‌ها عطا کرده راضی شوند؟! و بگویند: خداوند بزرگ، ما را کافی است و به زودی خدا و پیامبرش از فضل و کرمش به ما خواهند بخشید، و ما فقط خواهان خدائیم ﴿۵۹﴾ بدانید! که صدقات، متعلق به فقرا و درماندگان و کارکنانی است که [در جمع‌آوری صدقات] فعالیت می‌کنند، هم‌چنین برای کسانی است که مقرر شده محبت‌شان جلب شود، و نیز برای [آزادسازی] بردگان و بدهکاران، و آن‌چه را که مورد رضایت خداست، مثل دستگیری از مسافران در راه مانده. بدانید این یک واجب الهی است! و خداوند نسبت به عملکردتان آگاه و حکیم است ﴿۶۰﴾ عده‌ای از آنان پیامبر را آزار می‌رسانند و می‌گویند: او خوش باور است و حرف هر کسی را گوش می‌دهد! بگو: این به نفع شماست که او شنوندهٔ خوبی است! او کسی است که به خداوند بزرگ ایمان دارد و اهل ایمان را باور کرده است. او رحمتی است برای کسانی از شما که حقایق را باور دارند. اما کسانی که پیامبر خدا را می‌آزارند عذاب دردناکی برای‌شان مهیاست ﴿۶۱﴾

برای این که شما را راضی و خشنود کنند، به نام الله سوگند یاد می کنند! در حالی که اگر اهل ایمان باشند، شایسته تر این است که خدا و پیامبرش را خشنود کنند! ﴿۶۲﴾

آیا نمی دانند که هر کس به دشمنی خدا و پیامبرش برخیزد، جاودانه در آتش دوزخ خواهد بود، و این یک خواری و رسوایی بزرگ است؟! ﴿۶۳﴾ و منافقان می ترسند مبدا سوره ای در مورد آنها نازل شود که نیاتشان را برملا کند. بگو: حال مسخره کنید، خداوند آن چه را که از آن می ترسید، آشکار خواهد کرد! ﴿۶۴﴾ اگر از آنها بپرسی [چرا حقایق را به تمسخر می گیرید] می گویند: ما بازی و مزاح می کنیم! بگو چرا خداوند و آیات و پیامبرش را به تمسخر گرفته اید؟! ﴿۶۵﴾ عذر و بهانه نیاورید، شما پس از ایمان آوردن، کافر و ناسپاس شده اید! چنان چه از تقصیر عده ای از شما بگذریم، بدون تردید گروه دیگر را مجازات می کنیم، زیرا گناهکارند! ﴿۶۶﴾ و مردان و زنان منافق، همه مثل هم اند؛ همواره مردم را به بدی و زشتی وامی دارند و از خوبی و خدمت باز می دارند. و اهل بخشش و انفاق نیستند. آنها خدا را فراموش کرده اند. خدا نیز آنها را فراموش کرده است! منافقان بدون شک زشت کار و بدسیرت اند ﴿۶۷﴾

خداوند، مردان و زنان منافق و کفار را به آتش دوزخی که همواره در آن خواهند بود وعده داده است. همین برای شان کافی است. در حالی که نفرین خداوند و عذابی همیشگی برای آنهاست ﴿۶۸﴾

[شما منافقان] همانند عده‌ای هستید که قبل از شما زندگی می‌کردند [با این تفاوت که] آن‌ها قوی‌تر، دارا تر، و از نظر نسل، پر تعداد تر از شما بودند. آن‌ها از سهم‌شان [که تقدیر شده بود] بهره‌مند شدند. شما هم بهره‌مند شده‌اید درست مثل همان‌ها. شما [در انکار حقایق] فرو رفتید، همان‌طور که آن‌ها فرو رفتند. آن‌ها سرانجام، دستاوردهای خود را در دنیا و هم در آخرت تباه شد. و همه‌شان زیانکارند! ﴿۶۹﴾ آیا خبر عاقبت کسانی که قبلاً زندگی می‌کرده‌اند به آن‌ها نرسیده است، چون قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و شهرهای زیر و رو شده [قوم لوط]؟! همان‌هایی که پیامبرانشان با دلایلی روشن به سویشان آمدند! بدانید که خداوند به آن‌ها ظلم نکرد، بلکه آن‌ها خود به خویشتن ظلم روا داشتند! ﴿۷۰﴾ مردان و زنانِ اهل ایمان، یار و یاور یکدیگرند؛ همواره مردم را به نیکی امر می‌کنند. و از زشتی و پلیدی باز می‌دارند. نماز به پا می‌دارند. و زکات پرداخت می‌نمایند. و از خداوند بزرگ و پیامبرش اطاعت می‌کنند. این‌ها مشمول رحمت الهی قرار خواهند گرفت. و بدانید که خدا مقتدر و حکیم است ﴿۷۱﴾ و خداوند بزرگ، مردان و زنانِ اهل ایمان را به بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است وعده داده است، و آن‌ها در آن جا جاودان خواهند ماند. جایگاهشان در بهشت‌های ابدی پاکیزه است و خشنودی و رضایت خداوند، بالاتر از همه این‌هاست. بدانید که پیروزی بزرگ همین است! ﴿۷۲﴾

ای پیامبر! با کافران و منافقان به جهاد برخیز و بر آنها سخت بگیر، زیرا جایگاهشان جهنم است و چه بد سرنوشتی است [این جهنم]! ﴿۷۳﴾ به الله سوگند می‌خورند که [سخن کفرآلود] نگفته‌اند. اما سخن کفرآلود گفته‌اند. آنها پس از اسلام آوردن، دوباره کافر شده‌اند! قصد کاری را داشتند که به انجام آن موفق نشدند! آنها در حقیقت، انتقام نعمت‌هایی را که خداوند و رسولش به آنها عطا کرده پس می‌دهند! پس چنانچه توبه کنند برای‌شان بهتر است و اگر [از حق] روی‌گردان شوند، خداوند آنها را در دنیا و آخرت به عذابی دردناک مجازات خواهد کرد، آن‌چنان که برای‌شان در روی زمین هیچ یار و یاورى نخواهد بود! ﴿۷۴﴾ عده‌ای از آنها با خداوند پیمان بستند که چنانچه به ما از فضل و کرمش مالی ببخشد، حتماً [از آن به نیازمندان] صدقه می‌دهیم و آدم‌های خوب و صالح می‌شویم ﴿۷۵﴾ اما هنگامی که خداوند از فضل و کرمش به آنها عطا کرد، بخل ورزیدند و از تعهدی که کرده بودند سرباز زدند ﴿۷۶﴾ و به خاطر خُلف وعده‌ای که با خدا کردند و نیز دروغ‌هایی که گفتند همواره تا روزی که به ملاقات خدا بروند قلب‌هایشان معدنِ نفاق و دورویی خواهد بود! ﴿۷۷﴾ آیا نمی‌دانند که خداوند بزرگ هم سرشان را می‌داند و هم نجوای‌شان را [می‌شنود]؟! بدانید! که خداوند بر هر غیب و نادیده‌ای اِشْرَافِ کامل دارد ﴿۷۸﴾ و کسانی که از صدقات مؤمنان مطیع، عیب‌جویی می‌کنند، و آن‌هایی را که فقط به دسترنج‌شان امید دارند مسخره می‌کنند، خداوند نیز آنها را استهزاء می‌کند، و بدانند که برای‌شان عذابی دردناک مهیاست! ﴿۷۹﴾

^۱ کفر و نفاق دو صفت مخربند و آدمی را از وصال به حقیقت باز می‌دارند، یک سالک موظف است این دو صفت مخرب را در وجودش شناسایی کرده و به جهاد علیه آنها اقدام کند، بر آنها سخت بگیرد تا از سیطره‌شان آزاد شود. اگر هر انسانی این‌گونه عمل کند، جهان بیرون، جهانی متعالی خواهد بود. زیرا بیرون از درون تبعیت می‌کند.

چه برای آن‌ها طلب آموزش کنی و چه نکنی، بدان که اگر هفتاد بار هم برای‌شان آموزش بخواهی خداوند هرگز آن‌ها را نخواهد بخشید، زیرا آن‌ها خدا و پیامبرش را انکار کردند. و خداوند هیچ‌گاه جماعت زشت کار بدسیرت را هدایت نمی‌کند ﴿۸۰﴾ و آن‌ها که [به جهاد نرفتند و] خانه‌نشین شدند و با این کار از مخالفت با پیامبر خدا شادمانند، و به این که با جان و مال‌شان در راه خدا جهاد کنند، رغبتی نداشتند و می‌گفتند: در این هوای گرم و سوزان، به جنگ نروید! بگو: آتش دوزخ گرم‌تر و سوزان‌تر است؛ البته اگر درک کنند! ﴿۸۱﴾ در حقیقت به خاطر دستاوردشان باید کمتر بخندند و بیشتر گریه کنند! ﴿۸۲﴾ هرگاه خداوند تو را به سوی گروهی از آنان گرداند [عده‌ای از آن‌ها را ببینی]، که از تو اجازه حضور در جهادی دیگر را خواهند خواست. به آن‌ها بگو: شما هرگز با من به جهاد نخواهید آمد و هرگز همراه من با هیچ دشمنی پیکار نخواهید کرد. همان‌طور که بار اول راضی شدید تا در خانه بمانید، اکنون نیز همراه با مخالفان [حکم خدا] خانه‌نشین باشید! ﴿۸۳﴾ و چون کسی از آن‌ها بمیرد هیچ‌گاه بر او نماز نگزار و بر سر قبرش نایست زیرا آن‌ها خدا و پیامبر را انکار کردند و فاسقانه مردند ﴿۸۴﴾ و [کثرت] اموال و اولاد آن‌ها تو را شگفت‌زده نکند، زیرا خداوند همین چیزها را مایه مجازات‌شان در دنیا قرار داده است، و بدان که در کفر و بی‌ایمانی، جان‌شان کنده خواهد شد ﴿۸۵﴾ و هنگامی که سوره‌ای نازل شود که به خدا ایمان آورید و همراه با پیامبرش جهاد کنید، مرقه‌هین آن‌ها خواهند گفت: اجازه بده و بگذار همراه با خانه‌نشینان، ما هم خانه‌نشین باشیم! ﴿۸۶﴾

آن‌ها از این‌که با خانه‌نشینان باشند خشنودند. آن‌ها مرکز فهم و ادراک‌شان از کار افتاده و [هیچ حقیقتی را] درک نمی‌کنند ﴿۸۷﴾ و امّا پیامبر و اهل ایمانی که همراه اویند، با مال و جان‌شان جهاد می‌کنند، و بدون تردید بهترین‌ها برای آن‌هاست و آن‌ها رستگار و پیروزند ﴿۸۸﴾ خداوند برای‌شان بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است مهیا کرده و در آن جا جاودانه خواهند زیست. و این همان پیروزی بزرگ است ﴿۸۹﴾ گروهی از اعراب [بادیه نشین] با عذر و بهانه آمدند تا به آن‌ها اجازه داده شود [تا به جهاد نیایند]، بدانید کسانی که خدا و پیامبرش را انکار کنند [جهاد نمی‌کنند] و خانه نشینند! به زودی به کافران این جماعت مجازات دردناکی خواهد رسید! ﴿۹۰﴾ او بر ناتوانان و بیماران و آنان که چیزی برای انفاق ندارند، چنان‌چه برای خدا و پیامبرش، خیرخواه [مردم] باشند، [گناهی نیست اگر به جهاد نروند]، زیرا بر نیکوکاران مؤاخذه نیست. و بدانید که خداوند بزرگ بسیار آمرزنده و باگذشت است ﴿۹۱﴾ هم‌چنین بر آن عده که نزد تو آمدند تا تجهیزشان کنی و تو گفتی چیزی برای تجهیزتان ندارم، و برگشتند در حالی که چشمان‌شان از اندوه اشکبار بود، گناهی نیست، زیرا چیزی نداشتند که در راه خدا انفاق کنند ﴿۹۲﴾ مجازات خداوند بر کسانی است که در عین توانگری از تو می‌خواهند که به جهاد نیایند و از این‌که با خانه‌نشینان هستند خشنودند! بدان که خداوند مرکز فهم و ادراک آن‌ها را مهر [باطل] زده و آن‌ها حقایق را نمی‌فهمند. ﴿۹۳﴾

و هنگامی که [پیروزمندانه از جهاد] به سویشان برگردید، شروع به عذرخواهی از شما می‌کنند. بگو: عذرخواهی نکنید که شما را باور نداریم زیرا خداوند، ما را از حال و روزتان خبردار کرده است. زیرا خدا و پیامبرش عملکردتان را می‌بینند، بدون شک شما به سوی خداوند آگاه از نهان و آشکار، باز می‌گردید تا از عملکردتان آگاه‌تان کند!

﴿۹۴﴾ هنگامی که به سویشان بازگردید به خدا سوگند می‌خورند تا از خطای‌شان درگذرید! اما شما از آن‌ها دوری کنید! زیرا جماعتی پلیدند و به خاطر دستاوردهایشان در دوزخ جای دارند ﴿۹۵﴾ و برای شما قسم می‌خورند تا از آن‌ها راضی شوید، و اگر هم از آن‌ها راضی شوید، بدانید! که خداوند از جماعت زشت‌کار بدسیرت راضی نخواهد شد ﴿۹۶﴾ و اعراب بادیه‌نشین، کفر و نفاق‌شان شدیدتر است، و به جهل، از احکامی که خداوند بر پیامبرش نازل کرده سزاوارترند. حال آن‌که خداوند آگاه و حکیم است ﴿۹۷﴾ گروهی از اعراب بادیه‌نشین آن‌چه را که به عنوان انفاق می‌دهند غرامت محسوب کرده و همواره منتظرند تا حوادث ناگواری به شما برسد! اتفاقات ناگوار بر خودشان باد! بدانید که خدا شنوا و آگاه است ﴿۹۸﴾ و عده‌ای از اعراب بادیه‌نشین به خداوند و روز قیامت ایمان دارند و آن‌چه را انفاق می‌کنند، مایه‌ی نزدیکی به خدا و دعای پیامبر می‌دانند. بدانید! که آن‌ها با این رفتار به خداوند نزدیک شده‌اند. و به زودی خدای بزرگ آن‌ها را در رحمت بیکران‌ش داخل می‌کند زیرا خداوند بسیار آمرزنده و باگذشت است ﴿۹۹﴾

اولین گروه از مهاجران و انصار و نیز کسانی که به نیکی در پی آن‌ها رفتند [بدانند] خداوند از آن‌ها راضی است و آن‌ها نیز از او خوشنودند. و بدانند [خدا] برای‌شان بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است مهیا کرده است تا در آن جاودانه بمانند. و حقیقتاً این پیروزی بزرگی است ﴿۱۰۰﴾ و گروهی از اعراب بادیه‌نشین که در اطراف شما هستند منافق‌اند. حتی گروهی از اهل مدینه نیز سخت در نفاق‌اند. تو آن‌ها را نمی‌شناسی، اما ما آن‌ها را می‌شناسیم و به زودی دو بار مجازاتشان خواهیم کرد و پس از آن به سوی عذاب بزرگ رهسپار می‌شوند ﴿۱۰۱﴾ و گروهی دیگر به گناهان‌شان اعتراف دارند، که اعمال نیک را به کارهای زشت آلوده‌اند. امید است که خدا توبه‌شان را بپذیرد زیرا خداوند بسیار آمرزنده و با گذشت است ﴿۱۰۲﴾ از اموال آن‌ها صدقه‌ای برگیر تا تطهیر و پاکیزه‌شان کرده باشی. و برای‌شان دعا کن، زیرا دعای تو برای آن‌ها مایه آرامش است. و بدان که خدا شنوا و آگاه است ﴿۱۰۳﴾ آیا هنوز نمی‌دانند این خداست که توبه بندگان را می‌پذیرد و صدقات را قبول می‌کند؟! [بدانید که] خداوند بزرگ، بسیار توبه‌پذیر و با گذشت است ﴿۱۰۴﴾ و بگو: عمل کنید و بدانید که خدا و پیامبرش و اهل ایمان نظاره‌گر اعمال شما هستند! به زودی به سوی خدای دانای نهان و آشکار، بازگردانده خواهید شد و او شما را از عملکردتان آگاه می‌کند ﴿۱۰۵﴾ و گروهی دیگر کارشان به امر خدا واگذار شده است یا آن‌ها را مجازات می‌کند و یا توبه‌شان را می‌پذیرد. و خداوند بزرگ دانا و حکیم است ﴿۱۰۶﴾

و کسانی که مسجدی می‌سازند برای زیان رساندن [به مردم] و [ترویج] کفر و ایجاد نفاق بین اهل ایمان، و آن را کمین‌گاه کسی قرار می‌دهند که از قبل با خدا و پیامبر در جنگ بوده، و با این حال، قسم می‌خورند که جز نیکی و خیرخواهی نیتی نداریم، بدانید که خداوند بر دروغ‌گویی آن‌ها شهادت می‌دهد! ﴿۱۰۷﴾ هرگز در آن [مسجد] پا مگذار! آن مسجدی که از روز اول بر پایه حرمت گذاشتن به خدا بنا شده، سزاوارتر است که در آن پا گذاری. در آن جا مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه شوند، زیرا خداوند پاکیزگان را دوست دارد ﴿۱۰۸﴾ آیا کسی که آن را بر اساس حرمت گذاشتن به خدا و خشنودی او بنا کرده بهتر است یا کسی که اساس آن را بر لبه پرتگاه سستی بنا نموده که هر لحظه در آتش دوزخ فرو ریختنی است؟! بدانید که خداوند جماعت ظلم پیشه را هدایت نخواهد کرد ﴿۱۰۹﴾ بدانید! آنچه بنا کرده‌اند پیوسته مایه تردید قلب‌هاشان خواهد بود، مگر آن که قلب‌هایشان پاره پاره گردد! و خداوند آگاه و حکیم است ﴿۱۱۰﴾ و خداوند از اهل ایمان، جان‌ها و اموال‌شان را خرید تا بهشت برای آن‌ها باشد. کسانی که در راه خدا جهاد کردند، کشتند و کشته شدند. برای آن‌ها وعده حقی از جانب خداوند در تورات و انجیل و قرآن آمده است. و چه کسی خوش قول‌تر از خداوند است؟! پس بدین خرید و فروشی که کرده‌اید شادمان باشید و بدانید که این یک پیروزی بزرگ است ﴿۱۱۱﴾

توبه کنندگان، عبادت کنندگان، ستایش کنندگان، روزه داران، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، امرکنندگان به نیکی و بازدارندگان از بدی و نگهبانان اوامر الهی، به همه این مؤمنین بشارت ده! ﴿۱۱۲﴾ سزاوار نیست که پیامبر و اهل ایمان برای مشرکان طلب آموزش کنند، هر چند که آنها از نزدیکان شان باشند! آن هم بعد از آن که دانستند آنها اهل دوزخند! ﴿۱۱۳﴾ و طلب آموزش ابراهیم برای پدرش صرفاً به خاطر وعده‌ای بود که به او داده بود و هنگامی که فهمید او قطعاً دشمن خداست از او بیزارى جست، زیرا ابراهیم خداترس و بردبار بود ﴿۱۱۴﴾ خداوند هیچ قومى را بعد از آن که هدایت شان کرد گمراه نمى کند، مگر آن که برای شان بیان کند که از چه بپرهیزند! و خداوند بر هر چیزی آگاه است ﴿۱۱۵﴾ و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن خداست. زنده می‌کند و می‌میراند. و شما را غیر از خداوند بزرگ، یار و یاورى نیست ﴿۱۱۶﴾ خداوند رحمتش را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار و کسانی که در آن لحظات دشوار از او پیروی کردند، نمود. در حالی که نزدیک بود توجه عده‌ای از آنها، منحرف شود [و از جهاد باز بمانند]. اما خداوند توبه‌شان را پذیرفت، زیرا خداوند بزرگ بسیار مهربان و با گذشت است ﴿۱۱۷﴾

و نیز آن سه نفری که [در مدینه] ماندند [و به جهاد نرفتند]، زمین با همهٔ وسعتش، بر آن‌ها چنان تنگ شده بود [که جایی برای رفتن نداشتند] تا آن‌جا که حتی جان در تن‌شان کلافه بود! عاقبت دیدند که هیچ پناهگاهی جز خود خداوند نیست! در آن هنگام خداوند به آن‌ها توفیق توبه داد. و توبه‌شان را پذیرفت، زیرا این خداوند است که بسیار توبه‌پذیر و باگذشت است ﴿۱۱۸﴾ ای اهل ایمان! حرمت خدا را نگاه دارید و همواره با راستگویان باشید ﴿۱۱۹﴾ اهل مدینه و اعراب بادیه‌نشینانی که در اطراف آن‌ها هستند نباید که از اطاعتِ پیامبرِ خدا تخلف کنند و جان خودشان را بر جان او ترجیح دهند. باید بدانند که در راه خدا هیچ تشنگی و خستگی و گرسنگی به آن‌ها نمی‌رسد، و نیز هیچ گامی که موجب خشم کفار شود بر نمی‌دارند، و هیچ آسیبی از دشمن نمی‌بینند، مگر آن‌که به واسطهٔ آن، پاداشِ عمل صالحی برای آن‌ها نوشته شود! بدانید که خداوند بزرگ پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد ﴿۱۲۰﴾ و هیچ مالی چه اندک و چه فراوان، انفاق نمی‌کنند، و هیچ بیابانی را نمی‌پیمایند مگر آن‌که بر آن‌ها بهترین پاداش الهی به سبب عملکردشان مقرر شود! ﴿۱۲۱﴾ حال که اهل ایمان نمی‌توانند همگی سفر کنند پس چرا از هر گروهی، تعدادی برای کسب دانش دین، سفر نمی‌کنند تا بدین وسیله هنگامی که به سوی قوم خود بر می‌گردند آنان را از [نافرمانی حق] بر حذر دارند. امید آن‌که از این کارها حذر کنند! ﴿۱۲۲﴾

^۱ این سفر یک سیر و سلوک الهی است. آن‌که به حقیقت واصل شود، توان تعلیم و راهبری دارد.

ای اهل ایمان! با کافرانی که نزدیک شمایند پیکار کنید تا شما را [در ایمان تان] محکم و مصمم بیابند، و بدانید که خداوند با کسانی است که حرمت اوامرش را نگاه می‌دارند ﴿۱۲۳﴾ هرگاه سوره‌ای نازل شود عده‌ای از آن‌ها می‌گویند این [سوره] ایمان کدام یک از شما را زیاده‌تر کرده است؟! [به آن‌ها بگو]: کسانی که ایمان آوردند [همان موقع] بر ایمان‌شان افزودند و آن‌ها [به فضل الهی] خشنودند! ﴿۱۲۴﴾ اما کسانی که در قلب‌هایشان (مراکز إدراک و فهم‌شان) بیماری (نفهمی) است همواره پلیدی بر پلیدی‌شان می‌افزاید و در حال کفر از دنیا خواهند رفت ﴿۱۲۵﴾ آیا آن‌ها نمی‌بینند که هر سال یک بار یا دو بار آزمایش می‌شوند؟! با این وجود، باز توبه نمی‌کنند و پندی نمی‌گیرند! ﴿۱۲۶﴾ هنگامی که سوره‌ای نازل شود، [منافقان] به یکدیگر نگاه می‌کنند [و می‌گویند]: آیا کسی شما را می‌بیند؟! [اگر نه، از مجلس پیامبر خارج شوید] و سپس [از حقیقت] منصرف می‌شوند! حال آن که خداوند قلب‌هایشان را از حقیقت منصرف کرده است! زیرا آن‌ها جماعتی نافهم‌اند ﴿۱۲۷﴾ به راستی پیامبری از جنس خودتان به سویتان آمده است. بدانید که رنج و اندوه شما برای او سخت و گران است و اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به اهل ایمان مهربان و با گذشت است ﴿۱۲۸﴾ اگر آن‌ها [از حقایق] روی بگردانند [باکی نیست!] تو بگو: خداوند بزرگ که جز او هیچ معبودی نیست مرا کافی است! [در همهٔ امور] بر او توکل می‌کنم که او پروردگار عرش عظیم است! ﴿۱۲۹﴾

سورهٔ یونس

^۱ آن کافری که نزدیک ماست، نفس طغیانگر ماست. دشمن ما، درون ما و در کنار ماست. همچنانکه پیامبر(ص) فرمودند: «أعدی عدوک نفسک التی بین جنبیک». (بدترین دشمن تو، نفس توست که در آستین توست).

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

الر. این‌ها آیاتِ کتابِ حکیم است ﴿۱﴾ آیا مردم تعجب می‌کنند، که ما به مردی از جنس خودشان وحی کردیم تا جهانیان را [از بدی] برحذر دارد. و به اهل ایمان نیز بشارت دهد که آن‌ها نزد پروردگارشان بلند مرتبه‌اند؟! [با این وجود]، منکران حقیقت گفتند: این مرد یک جادوگر واقعی است! ﴿۲﴾ بدانید! که پروردگار شما، خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید. سپس به فرمانروایی [بر مخلوقات] پرداخت. او تمام امور هستی را تدبیر می‌کند. و بی‌اجازه‌اش هیچ شفاعت کننده‌ای وجود ندارد. این چنین است الله، پروردگار شما، پس فقط او را عبادت کنید! چرا از این حقایق پند نمی‌گیرید؟! ﴿۳﴾ بازگشت همه شما به سوی اوست و این یک وعده الهی به حق است! اوست که آفرینش را آغاز می‌کند. سپس به سوی خود باز می‌گرداند تا به کسانی که به حقایق ایمان دارند، و عملکردشان نیک و براساس عدالت بوده، پاداش دهد. بدانید! آن‌ها که حقایق را انکار کردند، به خاطر دستاورد کفرآلودشان، شرابی از آبِ جوشان و عذابی دردناک در انتظارشان است ﴿۴﴾ اوست که خورشید را درخشان آفرید. و ماه را فروغ بخشید. و مراحل تعیین کرد تا شما به واسطه آن، شمار سال‌ها و حساب کارها را بدانید، و خداوند همه اینها را جز به حق خلق نکرد! بدینسان آیات و نشانه‌ها را برای اهل دانش شرح می‌دهد ﴿۵﴾ در این چرخه شب و روز، و آنچه خداوند در آسمان‌ها و زمین خلق کرده، به راستی نشانه‌هایی است، برای کسانی که حرمت خدا را نگاه می‌دارند ﴿۶﴾

کسانی که به دیدار ما امید و اعتقادی ندارند. و به زندگی دنیا دل خوش داشته‌اند و به آن تکیه کرده‌اند، و نیز کسانی که از آیات و نشانه‌های ما غافل‌اند، ﴿۷﴾ بی‌شک همهٔ اینان به خاطر دستاوردهای خود، جایگاهشان دوزخ است! ﴿۸﴾ و کسانی که به حقایق ایمان دارند و عملکردشان نیک و شایسته است، خداوند آن‌ها را به واسطهٔ همان ایمانی که دارند هدایت می‌کند، [آن‌هم] به بهشت‌های پرنعمتی که، نهرها در زیر پایشان جاری است ﴿۹﴾ دعای آنها در آنجا این است که: خداوند! تو پاک و بی‌نقصی! و برکت ورودشان، «سلام» است. و پایان دعایشان، الحمدلله رب العالمین! ﴿۱۰﴾ اگر با همان حرص و شتابی که مردم برای خود منفعت می‌طلبند، خدا برای‌شان شرّ می‌خواست، بی‌تردید همه مرگ‌شان فرا رسیده بود! پس کسانی را که به دیدار ما امید و اعتقادی ندارند به خود وا می‌گذاریم تا در گمراهی خویش، حیران بمانند ﴿۱۱﴾ هنگامی که مصیبتی به انسان وارد می‌شود ما را - چه در حال به پهلو خوابیده، چه نشسته و چه ایستاده - به دعا می‌خواند، و چون آن مصیبت را از او دور سازیم، وقتی زمان می‌گذرد [چنان تغییر می‌کند که] گویی برای رفع آن مصیبت، هیچ‌گاه ما را به دعا نخوانده است! عملکرد زیاده‌خواهان این‌گونه در نظرشان جلوه‌گر می‌شود ﴿۱۲﴾ ما مردمی را که قبل از شما بودند، چون ظلم کردند و به پیامبرانی که با دلائل روشن به سویشان آمدند ایمان نیاوردند نابود کردیم. بدانید! این چنین مجرمان را مجازات می‌کنیم! ﴿۱۳﴾ بعد از آن‌ها، شما را به عنوان جانشینانی در زمین انتخاب کردیم، تا ببینیم شما عملکردتان چگونه است! ﴿۱۴﴾

و هنگامی که آیات روشنگر ما، بر آن‌ها خوانده می‌شود. کسانی که به دیدار ما امید و اعتقادی ندارند می‌گویند: یک قرآنی به غیر از این بیاور، یا [به چیز دیگری] تبدیلیش کن! بگو: سزاوار نیست که من خودسرانه آن را تغییر بدهم، زیرا فقط از آن‌چه که به من وحی می‌شود تبعیت می‌کنم. و اگر نافرمانی خدا کنم از عذاب روز بزرگ هراسانم ! ﴿۱۵﴾ بگو: اگر خدا می‌خواست هیچ‌گاه آن را بر شما عرضه نمی‌کردم و از آن آگاه‌تان نمی‌ساختم. عمری در میان شما زندگی کرده‌ام (می‌دانید که اهل دروغ نیستم). چرا تعقل نمی‌کنید؟! ﴿۱۶﴾ واقعاً چه کسی ظالم‌تر از کسی است که بر خداوند دروغ ببندد و نشانه‌هایش را تکذیب کند؟! بدانید! خداوند چنین مجرمانی را موفق و رستگار نمی‌کند ﴿۱۷﴾ به جز خداوند، چیزهایی را پرستش می‌کنند که نه می‌توانند آسیبی به آن‌ها رسانند، و نه به آن‌ها نفعی بدهند و ادعا می‌کنند، این‌ها شفیعان و واسطه‌های ما در پیشگاه خداوندند! بگو: آیا خدا را از چیزی خبر می‌دهید که در هیچ آسمان و زمینی سراغ ندارد؟! پاک و بی‌نقص است خداوند بزرگ! و از پندارهای شرک آلودشان، بلند مرتبه‌تر است ﴿۱۸﴾ مردم، جز یک امتی واحد نبودند. آن‌گاه میان‌شان اختلاف افتاد. و اگر فرمانی از طرف پروردگارت از قبل صادر نشده بود، به خاطر اختلاف‌شان، کارشان تمام بود! ﴿۱۹﴾ و می‌گویند چرا معجزه‌ای از جانب پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟! بگو: غیب و نادیده‌ها از آن خداوند است! پس منتظر باشید. من نیز پا به پای شما انتظار می‌کشم! ﴿۲۰﴾

وقتی مردم مصیبت زده‌ای را رحمتی می‌چشانیم، برای آیات ما نقشه می‌کشند! بگو: خداوند بزرگ هر حيله‌ای را سریع‌تر از شما تدبیر می‌کند! و بدانید که رسولان آسمانی ما، فریبکاری‌های شما را می‌نویسند! ﴿۲۱﴾ اوست که شما را در خشکی و دریا به پیش می‌برد، آن‌گاه که در کشتی قرار می‌گیرید. هنگامی که بادهای موافق، سرنشینان را در آرامش به سوی [مقصد] می‌برد، خوشحال و مسرورند. اما هنگامی که طوفان بنیان‌کن از راه می‌رسد. و موج‌ها از هر سو آن‌ها را محاصره می‌کند. و گمان می‌کنند که کارشان تمام است. خدا را از روی اخلاص فریاد می‌زنند که: اگر ما را نجات دهی [از این به بعد] شکرگزار خواهیم بود! ﴿۲۲﴾ اما هنگامی که خدا نجاتشان می‌دهد دوباره به ناحق، در روی زمین ظالمانه رفتار می‌کنند! ای مردم! ستم‌های شما به زیان خود شماست. بدانید! که بهره‌ناچیزی از زندگی دنیا می‌برید. آن‌گاه بازگشت‌تان به سوی ماست! و یقیناً شما را از عملکردتان آگاه خواهیم کرد ﴿۲۳﴾ بدانید! مثل زندگی دنیا، چون آبی است که از آسمان نازل می‌کنیم تا به واسطه آن، گیاهانی خوردنی برای مردم و چهارپایان سبز شود. و هنگامی که زمین به این نعمت آراسته شد و مردم گمان کردند که کاملاً بر آن مسلط‌اند [و همه کاره خودشان‌اند]. فرمان ما، شب هنگام و یا روز فرامی‌رسد و چنان همه چیز را از بیخ و بن، برکنیم که گویی دیروز هرگز چنین چیزهایی وجود نداشته است! بدانید! که ما این چنین آیات و نشانه‌ها را برای متفکرین، شرح می‌دهیم ﴿۲۴﴾ خداوند به سوی سرای امن و آرامش فرا می‌خواند و هر کس را صلاح بداند به راه درست و نجات‌بخش راهنمایی می‌کند ﴿۲۵﴾

کسانی که نیکی می‌کنند، پاداش‌شان نیکی و حتی افزون‌تر از آن است، تاریکی و ذلت چهره‌هایشان را نمی‌پوشاند! زیرا آن‌ها اهل بهشتند و در آن جاودانه می‌مانند ﴿۲۶﴾ کسانی که دست‌آوردشان پلیدی و گناه است همانند آن‌چه مرتکب شده‌اند جزا می‌بینند. ذلت سراپایشان را فرا گرفته و هیچ چیز نمی‌تواند آن‌ها را از مجازات الهی مصون بدارد. چنان سیه‌روی شده‌اند که گویی چهره‌هایشان پاره‌ای از شب تاریک است. آن‌ها اهل دوزخند. و در آن جاودانه خواهند ماند ﴿۲۷﴾ و هنگامی که در روز محشر همه آن‌ها را جمع کنیم به مشرکان گوئیم: شما و معبودهایتان در جای خود قرار گیرید. آن‌گاه بین آن‌ها جدایی بیاندازیم. در حالی که معبودهایشان می‌گویند: شما هیچ‌گاه ما را پرستش نمی‌کردید! ﴿۲۸﴾ بین ما و شما، شهادت خداوند کافی است و خدا گواه است که ما از پرستش شما آگاه نبودیم! ﴿۲۹﴾ در آنجا هر کس دست‌آورد اعمالش را دریافت می‌کند. و همه به سوی خداوند، مولای حقیقی‌شان باز می‌گردند و معبودهای دروغین‌شان ناپدید می‌شوند ﴿۳۰﴾ بگو: چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌رساند؟! و چه کسی صاحب حقیقی شنوایی و بینایی است؟! و چه کسی زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌کشد؟! و چه کسی امور آفرینش را تدبیر می‌کند؟! به زودی خواهند گفت: الله! به آن‌ها بگو: پس چرا حرمت نگاه نمی‌دارید؟! ﴿۳۱﴾ الله پروردگار حقیقی شماست. و بعد از مرز حق، فقط گمراهی است! روی سوی کجا کرده‌اید؟! ﴿۳۲﴾ و این چنین کلام پروردگارت که گفته بود فاسقان ایمان نمی‌آورند، به حقیقت پیوست! ﴿۳۳﴾

بگو: آیا از میان این معبودهایتان، کسی هست که چیزی خلق کند و باز زنده‌اش گرداند؟! بگو: این الله است که خلق را می‌آفریند، سپس زنده بازشان می‌گرداند. با این حال چگونه از حق روی‌گردان می‌شوید؟! ﴿۳۴﴾ آیا از میان معبودهای شما، کسی هست که بتواند به راه حق راهنمایی کند؟! بگو: خدا به سوی حق راهنمایی می‌کند. آیا کسی که توانایی هدایت به راه حق را دارد، سزاوار تبعیت است یا کسی که این توانایی را ندارد و حتی خود نیازمند هدایت است؟! چه بر سرتان آمده؟! چگونه حکم می‌کنید؟! ﴿۳۵﴾ اکثر آن‌ها فقط از گمان خود پیروی می‌کنند. حال آن‌که گمان و پندار، انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد. بی‌شک خداوند بزرگ از عملکردشان آگاه است ﴿۳۶﴾ سزاوار نیست که این قرآن را جز به خداوند بزرگ نسبت دهند، زیرا هم تصدیق‌کننده کتب آسمانی پیش از این است، و هم شرح دهنده آنان، و بدون هیچ تردیدی از سوی پروردگار جهانیان است ﴿۳۷﴾ می‌گویند که [پیامبر] به دروغ قرآن را به خدا نسبت می‌دهد. به آن‌ها بگو: اگر راست می‌گویید سوره‌ای مثل آن بیاورید. به جز خدا، از هر کس هم خواستید کمک بگیرید ﴿۳۸﴾ بلکه آن‌ها چیزی را تکذیب می‌کنند که به علم آن اشراف ندارند و از معنای ناب آن بی‌خبرند. کسانی که قبل از آن‌ها بودند نیز همین گونه، آیات را تکذیب کردند. پس بنگر، عاقبتِ ظالمان چگونه بوده است ﴿۳۹﴾ برخی از آن‌ها به آن ایمان می‌آورند و برخی ایمان نمی‌آورند. بدان که پروردگارت، بر احوال مفسدان آگاهی کامل دارد ﴿۴۰﴾ و اگر تو را تکذیب کنند بگو: من مسؤول اعمال خویشم و شما نیز مسؤول اعمال خودتان. شما از آن‌چه من انجام می‌دهم بیزارید. من نیز از عملکرد شما بیزارم! ﴿۴۱﴾ برخی از آن‌ها به سخنان تو گوش می‌دهند، اما آیا می‌توانی کسانی که حقایق را در نمی‌یابند و نسبت به آن کردند، شنوا کنی؟! ﴿۴۲﴾

و برخی از آن‌ها به تو می‌نگرند [در حالی که نگاهشان خالی از بصیرت است]. آیا می‌توانی کسانی را که نسبت به حقایق کورند و بصیرت ندارند، هدایت کنی؟! ﴿۴۳﴾ خداوند بر مردم هیچ ظلمی روا نمی‌دارد، بلکه این خود مردم‌اند که به خویشتن ظلم می‌کنند! ﴿۴۴﴾ روزی که خدا همه را محشور کند چنان احساس می‌کنند، که گویی بیش از ساعتی از روز در دنیا نبوده‌اند، آن هم به اندازه‌ای که فقط یکدیگر را دیده باشند؛ حقیقتاً زیان کردند کسانی که دیدار الله را انکار نمودند و هدایت نیافتند ﴿۴۵﴾ پاره‌ای از مجازات‌شان را که به آن‌ها وعده داده‌ایم، یا در دنیا به تو نشان دهیم و یا [قبل از آن] تو را بمیرانیم، در هر حال بازگشت همه‌شان به سوی ماست. و خداوند، شاهد عملکردشان است ﴿۴۶﴾ برای هر امتی پیامبری است و چون پیامبرشان بیاید در بین آن‌ها به عدالت حکم کند. و هیچ ظلمی به آن‌ها نشود ﴿۴۷﴾ و می‌گویند: اگر راست می‌گویید، این وعده کی تحقق می‌یابد؟! ﴿۴۸﴾ بگو: غیر از آن‌چه خدا بخواهد من مالک هیچ سود و زیانی نیستم! برای هر امتی پایانی معین شده است، هنگامی که اجل آن‌ها فرا برسد، نه ساعتی تأخیر می‌کنند و نه ساعتی جلوتر خواهند آمد ﴿۴۹﴾ بگو: اگر عذاب الهی شب یا روز شما را فرا گیرد چه می‌کنید؟! پس این شتاب گناهکاران برای چیست؟! ﴿۵۰﴾ آیا پس از این که [عذاب] واقع شده است، ایمان می‌آورید؟! اکنون فرا رسید آن‌چه که شتابانه طلب می‌کردید! ﴿۵۱﴾ سپس به کسانی که ظلم کرده‌اند گفته شود: بچشید عذاب جاودانه را! مگر به چیزی غیر از دستاوردتان مجازات می‌شوید؟! ﴿۵۲﴾ از تو می‌پرسند: آیا آن [وعده مجازات] حق است؟! بگو: آری. به پروردگرم قسم که حق است! و شما نمی‌توانید از آن جلوگیری کنید ﴿۵۳﴾

و اگر ظالمی تمام آن چه را که روی زمین است داشته باشد، می‌خواهد همه را بدهد، و خود را از عذاب الهی نجات بخشد. و چون عذاب را بنگرد پشیمانی خود را نهان می‌کند، حال آن که میان‌شان به عدالت قضاوت می‌شود و مورد ظلم واقع نشوند!

﴿۵۴﴾ آگاه باشید! که آن چه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست! آگاه باشید! که وعده خداوند حق است. هر چند اکثرشان نمی‌دانند ﴿۵۵﴾ اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و بدون تردید به سوی او باز می‌گردید ﴿۵۶﴾ ای مردم! از جانب پروردگارتان موعظه‌ای برایتان آمده که شفای دردهای درونی‌تان است، و برای اهل ایمان سراسر هدایت و رحمت است ﴿۵۷﴾ بگو: به فضل و رحمت الهی شادمان و مسرور باشند. زیرا این از هر چه می‌اندوزند بهتر است! ﴿۵۸﴾ بگو: آیا به رزقی که خداوند به شما عطا کرده دقت کرده‌اید، که [خودسرانه] برخی را حلال و برخی را حرام می‌کنید؟! بگو: آیا چنین اجازه‌ای از خدا دارید یا این که به خداوند بزرگ افترا می‌بندید؟! ﴿۵۹﴾ کسانی که بر خداوند دروغ می‌بندند، در رابطه با روز قیامت چه گمان کرده‌اند؟! همانا خداوند فضل و گرمش را بر مردم عطا می‌کند. اما اکثر آن‌ها ناسپاس‌اند ﴿۶۰﴾ مشغول هر کاری باشی، و هر چه از قرآن بخوانی، و هر عملی [که شما مردمان] انجام دهید، بدانید! که ما بر آن گواهییم. آن هم از لحظه‌ای که در آن وارد شده‌اید! و هیچ چیز نه در آسمان و نه در زمین از پروردگارت پنهان نمی‌ماند. و هیچ ذره‌ای - چه کوچک و چه بزرگ - وجود ندارد، مگر آن که مقدراتش در کتابی روشن‌گر آمده است! ﴿۶۱﴾

آگاه باشید، که دوستان خدا هیچ ترس و یأس و اندوهی به خود راه نمی‌دهند! ﴿۶۲﴾
 کسانی که به حقایق ایمان دارند، و حرمت اوامر الهی را نگاه می‌دارند ﴿۶۳﴾ هم در
 زندگی دنیا و هم در زندگی جاودان، بر آن‌ها بشارت باد! قول و سخن خداوند تغییر
 ناپذیر است، و این همان پیروزی بزرگ است ﴿۶۴﴾ سخنان آن‌ها، تو را اندوهگین
 نکند، زیرا تمامی عزّت و اقتدار، از آن خداست و او شنوا و آگاه است ﴿۶۵﴾ و آگاه
 باشید! هر که در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست. بدانید آن کسان که به جای
 خدا، معبودان دیگری را [برای نجات و آرامش خود] می‌خوانند، جز از گمان خود
 پیروی نمی‌کنند. و آن‌ها فقط دروغ می‌گویند! ﴿۶۶﴾ او کسی است که شب را برای
 آرامش شما قرار داد و روز را روشنی بخشید. در این‌ها نشانه‌هایی است برای کسانی که
 نسبت به درک حقایق شنوایند! ﴿۶۷﴾ و گفتند: خداوند، فرزندی برگزیده است -
 پاک و منزّه است خدا - او از هر چیزی بی‌نیاز است زیرا آن‌چه در آسمان‌ها و زمین
 است از آن اوست، و شما بر این ادعا هیچ دلیلی ندارید! چرا در مورد خداوند چیزی
 را می‌گوئید، که به آن آگاه نیستید؟! ﴿۶۸﴾ بگو: کسانی که بر خداوند بزرگ افترا
 می‌بندند، رستگار نمی‌شوند ﴿۶۹﴾ و بهره‌ای از دنیا دارند، اما عاقبت بازگشت‌شان به
 سوی ماست. و ما به خاطر دستاورد کفرآلودشان، عذاب شدیدی به آن‌ها می‌چشانیم!

﴿۷۰﴾

ماجرای نوح را برای آن‌ها بازگو، آن هنگام که نوح به قومش گفت: ای قوم من! اگر بودن من در میان شما، در حالی که آیات خدا را یادآور می‌شوم، سخت و گران است، بدانید که من بر خداوند توکل می‌کنم. شما نیز تمام قدرت‌تان و تمام معبودهایتان را جمع کنید، و هیچ چیزی را فروگذار نشوید و بر من بشورید. و مرا مهلت ندهید!

﴿۷۱﴾ و اگر [از حق] روی بگردانید، بدانید که من از شما مزدی نمی‌خواستم، زیرا پاداش من با خداست. و مأمور شده‌ام تا از تسلیم شدگان [فرمان خداوند] باشم!

﴿۷۲﴾ پس تکذیبش کردند اما ما، او و همراهانش را که در کشتی بودند نجات دادیم. و مقام جانشینی عطایشان کردیم. و همه کسانی که آیات ما را انکار کردند غرق نمودیم، بنگر عاقبت کسانی که بر حذرشان داشتیم چه بوده است! ﴿۷۳﴾ آن‌گاه بعد از نوح پیامبرانی را با دلایلی روشن به سوی قومشان فرستادیم، اما به آن‌چه قبلاً تکذیب می‌کردند، دیگر بار ایمان نیاوردند. و این چنین قلب تجاوزکاران را [از درک حقیقت] عاجز می‌کنیم! ﴿۷۴﴾ سپس بعد از آن‌ها موسی و هارون را، با معجزاتی به سوی فرعون و درباریان فرستادیم، اما آن‌ها [از پذیرش حق] تکبر کردند، زیرا قومی مجرمند! ﴿۷۵﴾ و هنگامی که حق، از جانب ما برای‌شان آشکار شد گفتند: این یک جادوی آشکار است! ﴿۷۶﴾ و موسی گفت: چرا حقی را که بر شما نمایان شده جادو می‌دانید؟! حال آن‌که جادوگران رستگار نمی‌شوند! ﴿۷۷﴾ گفتند: آیا آمده‌ای تا ما را از سنت و آئین آباء و اجدادیمان منحرف کنی، و رهبری این سرزمین را خودتان به عهده بگیرید؟! ما به شما ایمان نمی‌آوریم ﴿۷۸﴾

و فرعون گفت: تمام جادوگران فهیم و دانا را بیاورید ﴿۷۹﴾ و هنگامی که جادوگران آمدند، موسی به آن‌ها گفت: آن‌چه را که می‌خواهید بیفکنید! ﴿۸۰﴾ هنگامی که افکندند، موسی گفت: آن‌چه شما آورده‌اید سحر و جادوست، و بی‌شک خداوند آن را باطل خواهد کرد، زیرا خداوند عملکرد مفسدان را به موقّیّت نمی‌رساند! ﴿۸۱﴾ و خداوند، حق را توسط کلمات قدرتمندش تثبیت می‌کند. هرچند که مجرمان را خوش نیاید ﴿۸۲﴾ و از ترسِ آزار فرعون و درباریان‌ش، کسی به موسی ایمان نیاورد. مگر تعدادی از فرزندان قومش. بدانید! که فرعون داعیۀ برتری‌طلبی و تمامیت‌خواهی در زمین داشت. و بی‌تردید او از اسراف کاران بود ﴿۸۳﴾ و موسی گفت: ای قوم من! اگر به خدا ایمان دارید و تسلیم حق شده‌اید، پس بر او توکّل کنید! ﴿۸۴﴾ گفتند: بر خداوند توکّل کردیم. پروردگارا! ما را تحت سلطۀ ظالمان قرار مده! ﴿۸۵﴾ و به رحمت ما را از دست ناسپاسان نجات بخش! ﴿۸۶﴾ و به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم‌تان خانه‌هایی در مصر مهیا کنید. و خانه‌هایتان را متمرکز و روبه روی هم قرار دهید [تا منطقه امن گردد و در اختیار شما باشد]. و نماز را به‌جا آورید. اهل ایمان را به [عاقبت خیر] بشارت ده! ﴿۸۷﴾ و موسی گفت: پروردگارا! به فرعون و درباریان‌ش در زندگی دنیا، زینت و اموال فراوان عطا کردی، تا بندگانت را از راه تو منحرف کنند [تا به نوعی مایۀ امتحان مردمان باشند]. پروردگارا! اکنون اموال‌شان را نابود کن. و دل‌هایشان را سخت نما [تا از لذت حق محروم بمانند]، زیرا آن‌ها تا عذاب دردناک را نبینند، به حقایق ایمان نمی‌آورند! ﴿۸۸﴾

[خدا] گفت: دعای شما را اجابت کردم. پس ثابت قدم باشید. و از راه و رسم نادانان تبعیت نکنید! ﴿۸۹﴾ و ما بنی اسرائیل را [به سلامت] از دریا گذراندیم در حالی که فرعونیان، به قصدِ ستم و آزار تعقیبشان می کردند. و هنگامی که فرعون غرق می شد گفت: ایمان آوردم! هیچ خدایی به جز آن که بنی اسرائیل به آن ایمان آورده وجود ندارد. و من نیز از تسلیم شدگانم ﴿۹۰﴾ اکنون؟! تا به حال که [متکبرانه] عصیان می کردی و از تبهکاران بودی؟! ﴿۹۱﴾ امروز بدنت را [از آب] خارج می کنیم، تا عبرتی برای آیندگان باشی، زیرا بسیاری از مردم از عبرت‌های ما غافل‌اند! ﴿۹۲﴾ ما بنی اسرائیل را در جایگاه صدق و راستی قرار دادیم و از چیزهای پاکیزه بهره‌مندشان کردیم. اما آن‌ها اختلاف به پا نکردند، مگر بعد از آن که از حقایق آگاه شدند! بدان که پروردگارت، روز قیامت میان آن‌ها و موارد اختلافشان، قضاوت خواهد کرد ﴿۹۳﴾ اگر در مورد آن چه بر تو نازل کردیم در شک و تردیدی، از آن‌ها که قبل از تو کتاب آسمانی را می خواندند سؤال کن. یقیناً حق از جانب پروردگارت به تو رسیده است. پس هرگز از تردیدکنندگان مباش! ﴿۹۴﴾ و از آن‌هایی مباش که آیات خدا را انکار کردند، زیرا از زیان‌زدگان خواهی شد! ﴿۹۵﴾ کسانی که فرمان پروردگارت، در مورد آن‌ها تحقق یافته است، ایمان نمی آورند ﴿۹۶﴾ و اگر چه تمام معجزات هم بر آن‌ها آشکار شود! آن‌ها تا عذاب دردناک را نبینند [ایمان نمی آورند] ﴿۹۷﴾

اهل هیچ یک از شهرها ایمان نیاوردند تا آن ایمان بهره‌مندشان کند، مگر قوم یونس که به محض ایمان آوردن، عذاب ذلّت و خواری را در دنیا از آن‌ها دور کردیم و تا زمانی معین [از نعمت‌ها] برخوردار نمودیم! ﴿۹۸﴾ بدان که اگر خدا بخواهد، همه مردم روی زمین به حقایق ایمان می‌آورند! آیا تو می‌خواهی مردم به اجبار ایمان بیاورند؟! ﴿۹۹﴾ هیچ کس وارد فضای ایمان نمی‌شود، مگر به اذن خداوند بزرگ! و بدانید خداوند، پلیدی را بر کسانی که عقل خود را به کار نمی‌اندازند مقرر کرده است! ﴿۱۰۰﴾ بگو: بنگرید چه چیزهایی در آسمان‌ها و زمین است. هر چند که این نشانه‌ها و هشدارها به بی‌ایمانان سودی نخواهد بخشید! ﴿۱۰۱﴾ آیا حال و روزی را همانند آن چه برگذشتگان رفته است انتظار دارند؟! بگو شما انتظار بکشید من نیز پا به پای شما انتظار می‌کشم! ﴿۱۰۲﴾ و سرانجام پیامبرانمان و اهل ایمان را نجات می‌دهیم، زیرا نجات اهل ایمان بر ما حقّی واجب است! ﴿۱۰۳﴾ بگو: ای مردم! چنان چه تردیدی در دین من دارید، بدانید که من، کسانی را که شما به جای خدا می‌پرستید پرستش نمی‌کنم! و فقط خدایی که جان‌هایتان را می‌گیرد می‌پرستم! من مأمور شده‌ام تا از اهل ایمان باشم ﴿۱۰۴﴾ به آئین تسلیم محض خدا بودن، روی بیاور. و هیچ‌گاه شرک نورز و جزو مشرکان مباش! ﴿۱۰۵﴾ هیچ چیزی را به جای خداوند، [به عبادت] مخوان! زیرا آن‌ها نه می‌توانند نفعی به تو برسانند و نه آسیبی به تو وارد کنند! اگر چنین کنی قطعاً از ستمکاران خواهی بود ﴿۱۰۶﴾

[بدان که] اگر خداوند بخواهد مصیبتی به تو وارد کند هیچ کس توانایی رفع آن را از تو نخواهد داشت، مگر خودش! و اگر برایت خیری اراده کند، هیچ کس توانایی جلوگیری از فضل او را ندارد! خداوند، فضل و کرم خود را به هر یک از بندگانش که صلاح بداند می‌دهد، و بی‌شک او بسیار آمرزنده و با گذشت است ﴿۱۰۷﴾ بگو: ای مردم! حق از جانب پروردگارتان آمده است، پس هر که هدایت خویش را از آن برگیرد خویشتن را هدایت بخشیده، و هر کس گمراه شود به زیان خود عمل کرده است. و من مأمور به اجبار کردن شما نیستم! ﴿۱۰۸﴾ از آن چه به تو وحی می‌شود تبعیت کن. و در این راه استقامت بورز، تا حکم خدا فرا رسد! بدان که او بهترین حاکمان است! ﴿۱۰۹﴾

سوره هود

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

الر. قرآن کتابی است با آیاتی متین و واضح که از جانبِ حکیمی آگاه آمده ﴿۱﴾ تا فقط او را بپرستید! بدانید که من برای شما حکم هشدار دهنده و بشارت‌دهنده دارم ﴿۲﴾ تا از پروردگارتان آمرزش بطلبید و به سوی او توبه کنید، که از چیزهای پاکیزه تا زنده‌اید بهره‌مندتان کند و به هر که شایسته کمال است، کمالش را عطا کند، و اگر از حقایق روی بگردانید حقیقتاً از عذاب روز بزرگ بر شما بیمناکم! ﴿۳﴾ بازگشت شما به سوی خداست. و او بر هر کاری تواناست ﴿۴﴾ آگاه باش. آن‌ها روی برمی‌گردانند تا راز دل خود را پنهان دارند. اما بدان حتی وقتی جامه‌هایشان را بر سر می‌کشند [خدا] از آشکار و نهانشان با خبر است، زیرا او بر اسرار و نیات همه، آگاهی کامل دارد ﴿۵﴾

هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر آن که رزق و روزی‌اش بر [عهده] خداوند است! موقعیت و جایگاهش را هم خوب می‌داند! زیرا همه در کتابی روشن آمده است ﴿۶﴾. او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز خلق کرد، در حالی که عرش او بر آب بود! تا همه شما را امتحان کند [و مشخص شود] کدامتان عملکرد بهتری دارید؟ ای پیامبر! اگر بگویی، همه شما بعد از مرگ زنده خواهید شد، بی‌شک بی‌ایمانان می‌گویند: این جز جادویی آشکار نخواهد بود! ﴿۷﴾ و اگر چند وقتی عذاب‌شان را به تأخیر بیندازیم گویند: چه چیز مانع [نزول عذاب] شده است؟! بدان روزی که [عذاب-شان] برسد نمی‌توانند آن را از خود دفع کنند و بی‌شک آن‌چه را که به تمسخر می‌گیرند، محاصره‌شان خواهد کرد! ﴿۸﴾ و اگر رحمتی را به انسان بچشانیم، و سپس از او بگیریم. بی‌درنگ مایوس و ناسپاس می‌شود ﴿۹﴾ و اگر پس از گذشت دوران سختی، نعمتی را به او عطا کنیم، بی‌درنگ بانگ می‌زند که دوران سختی و ناگواری تمام شد! و شادمانه فخر می‌فروشد ﴿۱۰﴾ مگر کسانی که اهل صبرند و عملکردشان سراسر خوبی و خدمت است اینان برخوردار از آمرزش الهی و پاداشی بزرگ-اند ﴿۱۱﴾ مبادا بعضی از چیزهایی را که به تو وحی کرده‌ایم، کنار بگذاری و دلتنگ باشی از این که می‌گویند: چرا به او گنجی داده نشده و چرا فرشته‌ای با او نیامده؟! زیرا تو یک هشداردهنده بیش نیستی و خداوند بزرگ کارساز همه چیز است ﴿۱۲﴾

^۱ عرش مظهر قدرت و فرمانروایی، و آب مظهر حیات و زندگی است. بدینسان مفهوم آیه شریفه این است که اراده فرمانروائی‌اش بر ایجاد حیات و زندگی قرار گرفته بود.

یا آن که می‌گویند: او این آیات را به دروغ به خداوند نسبت می‌دهد. بگو: شما اگر راست می‌گویید ده سوره مثل همین سوره‌های دروغین بیاورید! به جز خدا از هر کس دیگری هم که می‌توانید کمک بگیرید! ﴿۱۳﴾ و اگر نتوانستند کمکتان کنند پس بدانید این آیات با علم الهی نازل شده و هیچ معبودی جز او نیست! آیا اکنون تسلیم حق می‌شوید؟! ﴿۱۴﴾ کسانی که خواستار زندگی دنیا و زینت‌های آن هستند دستاورد اعمالشان را در همین دنیا بی‌کم و کاست به آن‌ها می‌دهیم ﴿۱۵﴾ اما آن‌ها در آخرت جز آتش نصیبی نخواهند داشت، و تمام تلاششان بر باد رفته و دستاوردشان باطل می‌شود ﴿۱۶﴾ آیا پیامبری که از جانب پروردگارش دلیل روشنی دارد و زبانش بدان گواه است، و حتی کتاب هدایتگر و رحمت‌آمیز موسی نیز پیش از این او را تأیید کرده، [با کسی که هیچ دلیلی ندارد برابر است؟!]. بدانید حق طلبان به پیامبر ایمان می‌آورند، و هر کس از احزاب مختلف او را انکار کند، وعده‌گاهش آتش دوزخ است! بنابراین تو در حق بودن قرآن تردیدی نداشته باش، زیرا مطلقاً از جانب پروردگارت است، هر چند اکثر مردم باور نمی‌کنند! ﴿۱۷﴾ و چه کسی ظالم تر از کسی است که بر خدا دروغ می‌بندد؟! بی‌شک آن‌ها را به پروردگارشان عرضه خواهند کرد و شاهدان خواهند گفت: هم این‌ها بودند که به پروردگارشان دروغ می‌بستند! آگاه باشید که نفرین خداوند شامل حال ظالمان است ﴿۱۸﴾ همان‌هایی که راه نجات‌بخش خدا را بر مردمان می‌بندند و آن را سخت و طاقت‌فرسا جلوه می‌دهند، بدانید که اینان به آخرت کافرند! ﴿۱۹﴾

آن‌ها راه فراری در روی زمین ندارند. و غیر از خداوندِ بزرگ، دوست و یآوری برای‌شان نیست. و عذاب‌شان مضاعف می‌شود. آن‌ها [حقایق را] نه می‌توانند بشنوند و نه ببینند!

﴿۲۰﴾ و آن‌ها کسانی‌اند که به زبان خود عمل کرده‌اند. و تمام معبودان دروغینی که می‌پنداشتند، از انظارشان گم می‌شود! ﴿۲۱﴾ مسلماً! آنها در آخرت زیان‌زده‌تر [از دنیا] خواهند بود ﴿۲۲﴾ آن‌ها که به حقایق ایمان آوردند. و عملکردشان سراسر خوبی و خدمت است. و در برابر پروردگارشان خاضع و فروتن‌اند، بدون تردید اهل بهشت‌اند و در آن جاودان می‌مانند ﴿۲۳﴾ مَثَل دو گروه [با ایمان و بی‌ایمان] چون تفاوت نابینا و ناشنوا، با آدم بینا و شنواست! آیا واقعاً این دو مساوی‌اند؟! پس چرا پند نمی‌گیرید؟! ﴿۲۴﴾ و ما نوح را به سوی قوم‌اش فرستادیم و او گفت: من برای شما یک هشداردهنده آشکارم! ﴿۲۵﴾ جز خدا را بنده نباشید که من از عذاب روز دردناک، برایتان نگرانم! ﴿۲۶﴾ اشرافِ کفرپیشه قومش گفتند: ما فقط تو را بشری مثل خودمان می‌بینیم، و جز جمعی اراذل، کس دیگری را نمی‌بینیم که از تو تبعیت کند! و دیگر این که هیچ برتری در تو نسبت به خودمان مشاهده نمی‌کنیم! بنابراین همه‌تان را دروغگو می‌پنداریم! ﴿۲۷﴾ گفت: ای قوم من، اگر من از جانب پروردگارم دلیل روشنی داشته باشم، و او مرا رحمتی داده باشد که شما از دیدن آن عاجزید، چگونه می‌توانم شما را به پذیرش حق اجبار کنم در حالی که از آن کراهت دارید؟! ﴿۲۸﴾

ای قوم من! من به خاطر رسالتی که انجام می‌دهم مالی از شما نمی‌خواهم زیرا پاداش من فقط بر عهده خداوند بزرگ است. بدانید! که اهل ایمان را از خود نمی‌رانم، زیرا آن‌ها پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد. اما شما را قوم نادانی می‌بینم! ﴿۲۹﴾ ای قوم من! اگر آن‌ها را از خود برانم [جواب خدا را چه بگویم؟!] چه کسی مرا در مقابل مجازات خداوند یاریم می‌کند؟! چرا فکر نمی‌کنید؟! ﴿۳۰﴾ نمی‌گویم گنجینه‌های الهی پیش من است. و ادعا نمی‌کنم که غیب و نادیده‌ها را می‌دانم. و نمی‌گویم که یک فرشته هستم، و نمی‌گویم خداوند خیرش را به کسانی که شما به دیده حقارت می‌نگرید عطا نکند، خداوند بزرگ به آن‌چه در وجود آن‌هاست آگاه‌تر است. و اگر چنین کنم بی‌شک از ستمکاران خواهم بود! ﴿۳۱﴾ گفتند: ای نوح! با ما جر و بحث کردی. زیاد هم حرف زدی! اگر جزو راستگویانی آن عذابی را که به ما وعده می‌دهی بیاور! ﴿۳۲﴾ گفت: خدا اگر بخواهد آن عذاب را بر شما خواهد آورد در حالی که هیچ راه گریزی نخواهید داشت ﴿۳۳﴾ اگر بخواهم شما را نصیحت کنم، نصیحت من سودی برایتان نخواهد داشت، آن هم وقتی که خدا بخواهد [به سبب عملکردتان] در گمراهی بمانید! [اما بدانید که او] پروردگار شمامست و به سوی او باز می‌گردید ﴿۳۴﴾ و می‌گویند: که پیامبر این سخنان را به دروغ به خداوند نسبت می‌دهد. بگو: اگر من این سخنان را از پیش خود ساخته باشم، گناهم بر گردن من است، اما بدانید که من از عملکرد زشت‌تان بیزارم! ﴿۳۵﴾ و به نوح وحی شد: از قوم تو به جز تعدادی که ایمان آورده‌اند کس دیگری ایمان نخواهد آورد. پس از عملکردشان تأسف مخور! ﴿۳۶﴾ کشتی الهی را، زیر نظر ما و طبق وحی ما بساز و شفاعتِ اهل ظلم را مکن. که آن‌ها غرق شدند! ﴿۳۷﴾

و هم چنان که کشتی را می ساخت، هر گاه که عده‌ای از اشراف قومش بر او می‌گذشتند مسخره‌اش می‌کردند. و نوح پاسخ می‌داد: همان‌گونه که امروز ما را به تمسخر می‌گیرید، تمسخرتان خواهیم کرد! ﴿۳۸﴾ و به زودی درک خواهید کرد که عذاب خوارکننده بر چه کسی نازل می‌شود. و چگونه مجازات جاودان بر او چیره خواهد گشت! ﴿۳۹﴾ و هنگامی که فرمان ما فرا رسید و تنور جوشیدن گرفت، گفتیم: یک جفت از هر موجودی را سوار [کشتی] کن و نیز خانواده‌ات را، البتّه به جز آن‌ها که وعدهٔ هلاکتشان قبلاً داده شده است! هم‌چنین اهل ایمان را با آن که تعدادشان اندک است [بر کشتی سوار کن] ﴿۴۰﴾ و گفت: بر کشتی سوار شوید. بسم الله، [رمز] حرکتش و توقفش است! بدانید پروردگار من، آمرزنده و با گذشت است ﴿۴۱﴾ [در همان حالی که کشتی]، آن‌ها را از میان موج‌هایی چون کوه می‌گذراند نوح فرزندش را که در گوشه‌ای گرفتار بود ندا داد: ای پسرم همراه ما سوار شو و از انکار کنندگان حقیقت نباش! ﴿۴۲﴾ [فرزند] گفت: به زودی به کوهی پناه می‌برم، شک ندارم که مرا از این سیلاب محافظت خواهد کرد! نوح گفت: امروز هیچ محافظی نمی‌تواند عذاب خدا را دفع کند، مگر آن که خود خدا رحم کند! و در این هنگام موج، بین آن‌ها حائل شد و [پسر] از جملهٔ غرق‌شدگان گشت ﴿۴۳﴾ و امر شد که ای زمین! آب خود را فرو بر، و ای آسمان از بارش بایست! آب در زمین فرو شد، و کار به پایان رسید، و کشتی بر کوه «جودی» فرو نشست، و ندا آمد که نفرین بر ستمکاران باد! ﴿۴۴﴾ و نوح پروردگارش را ندا داد که پروردگار! پسرم از خانوادهٔ من است در حالی که وعدهٔ تو حق است و تو بهترین حکم‌کنندگانی! ﴿۴۵﴾

^۱ جوشیدن آب از تنوری که در آن نان می‌پزند علامتی بود برای آن که بدانند موقع سوار شدن بر کشتی فرا رسیده است. از منظری باطنی این تنور در موافقی از سلوک در وجود سالک جوشیدن می‌گیرد.

^۲ به نظر می‌رسد که «بسم الله» رمز «حرکت» و «توقف» آن کشتی است. یعنی حرکت و توقف با این ذکر میسر است.

(خدا) گفت: ای نوح، او از خانواده تو نیست، او «عمل غیر صالح» است، و از من چیزی نخواه که بدان آگاهی نداری! و تو را نصیحت می‌کنم که از نادانان نباشی ﴿۴۶﴾ نوح گفت: پروردگارا! به تو پناه می‌برم، چنانچه از تو چیزی بخواهم که به حقیقت آن آگاهی ندارم! و اگر مرا نیامرزی و بر من رحم نکنی بدون تردید از زیان‌زدگان خواهم بود ﴿۴۷﴾ گفته شد: که ای نوح به سلامتی و برکتی که بر تو و همراهانت، و بر تمامی امت‌هایی که با تو آند عطا کرده‌ایم، از کشتی فرود آی! بدان، امت‌هایی هستند که از نعمت‌ها بهره‌مندشان می‌سازیم، سپس اَبه سبب عملکردشان، عذاب دردناک ما را خواهند چشید ﴿۴۸﴾ این‌ها از اخبار غیبی است که به تو وحی می‌کنیم، در حالی که نه تو و نه قوم تو پیش از این، آن‌ها را نمی‌دانستید، پس صبر و استقامت پیشه کن. که عاقبت، خیر از آن کسانی است که حرمت اوامر الهی را نگاه می‌دارند! ﴿۴۹﴾ و به سوی [قوم] عاد، برادرشان هود را فرستادیم، گفت: ای قوم من! خداوند بزرگ را بپرستید زیرا برای شما هیچ خدایی جز او نیست، هر چند که شما افترا زندگانیش بیش نیستید! ﴿۵۰﴾ ای قوم من! برای انجام رسالتم هیچ مُزدی از شما نمی‌خواهم، زیرا پاداش من فقط به عهده کسی است که مرا آفرید! چرا تعقل نمی‌کنید؟! ﴿۵۱﴾ ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، آنگاه به سویش توبه کنید تا از آسمان باران [رحمت] را بر شما فرو ریزد، و بر نیرو و توان شما بیافزاید، و چون گنهکاران، [از حق] روی برنگردانید! ﴿۵۲﴾ گفتند: ای هود! برای ما معجزه‌ای نیاوردی، بنابراین ما خدایانمان را به خاطر سخن تو، ترک نمی‌کنیم و به تو ایمان نمی‌آوریم! ﴿۵۳﴾

^۱ خدایان پول و قدرت و شهوت و خودپرستی، بدترین خدایان‌اند.

ما معتقدیم که بعضی از خدایان ما به [عقل] تو آسیب رسانده‌اند! هود گفت: من به وجود الله شهادت می‌دهم. شما نیز شاهد باشید که از خدایانتان بیزارم! ﴿۵۴﴾ از خدایانتان کمک بگیرید. و برایم نقشه بکشید و لحظه‌ای مرا مهلت ندهید! ﴿۵۵﴾ زیرا من بر خداوند بزرگ توکل کرده‌ام، همو که پروردگار من و شماست. هیچ جنبنده‌ای وجود ندارد، مگر آن که سرنوشتش به دست خداست! بدانید که پروردگار من بر راه راست و درست است ﴿۵۶﴾ چنانچه از [حق] روی بگردانید، بدانید که من آن‌چه را رسالت داشتم به شما ابلاغ کردم، و پروردگارم جماعتی دیگر را جانشین شما خواهد کرد، و شما کمترین ضرری به او نمی‌رسانید، زیرا پروردگار من، مراقب و حافظ همه چیز است! ﴿۵۷﴾ و چون موقع فرمان [عذاب] ما رسید، هود و کسانی را که همراه با او ایمان آورده بودند به رحمت‌مان نجات دادیم، و آن‌ها را از عذاب سخت و طاقت فرسا رهان‌دیم ﴿۵۸﴾ و این قوم عاد بود که، آیات پروردگارشان را انکار نمودند و از [فرمان] پیامبرانش سرپیچی کردند، و گوش به فرمان هر ستمگر کینه‌توزی بودند! ﴿۵۹﴾ نصیب‌شان از دنیا، نفرین است. و روز قیامت گفته شود این همان قوم عاد است که پروردگارشان را انکار کردند! [از رحمت خدا] دور باد عاد، این قوم ناسپاس هود! ﴿۶۰﴾ و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را [فرستادیم] و او گفت: ای قوم من! خداوند بزرگ را بپرستید، زیرا برای شما خدایی جز او نیست. اوست که شما را از زمین خلق کرد، و خواست تا آن را آباد گردانید! پس، از خدا آمرزش بخواهید و به سوی او توبه کنید، زیرا پروردگار من نزدیک است و [دعاهای شما را] اجابت می‌کند ﴿۶۱﴾ گفتند: ای صالح! تو پیش از این مایه امید ما بودی، چرا ما را از پرستش آن‌چه پدرانمان می‌پرستیدند نهی می‌کنی؟! بدان! نسبت به چیزی که ما را به آن دعوت می‌کنی مشکوکیم! ﴿۶۲﴾

گفت: ای قوم من! اگر من از جانب پروردگارم دلیل روشنی داشته باشم و رحمتش شامل حالم باشد، و [با این حال] از فرمان او سرپیچی کنم، چه کسی مرا از عذاب الهی نجات می‌بخشد؟! بدانید خواسته شما جز زیان، بر من نخواهد افزود! ﴿۶۳﴾ ای قوم من! این شتری الهی است، و برای شما نشانه [یک امتحان] است. پس [آزادش] بگذارید تا در زمین خدا بچرد و آسیبی به آن نرسانید که بی‌درنگ عذاب الهی شما را فرا می‌گیرد! ﴿۶۴﴾ اما آنها آن را کشتند. و صالح گفت: فقط سه روز در خانه‌هایتان [از زندگی] بهره‌مند خواهید بود! [آن‌گاه عذاب الهی خواهد آمد] و این وعده دروغ نیست! ﴿۶۵﴾ و چون فرمان عذاب ما صادر شد، صالح و اهل ایمانی را که با او بودند از روی رحمت‌مان از خواری آن روز نجات دادیم زیرا پروردگارت توانا و قدرتمند است ﴿۶۶﴾ و اهل ظلم را صیحه‌ای فرا گرفت. و آنها در خانه‌هایشان برجای مردند! ﴿۶۷﴾ آن‌چنان که گویی هیچ‌گاه در آنجا ساکن نبودند! آگاه باشید که قوم ثمود، پروردگارشان را انکار کردند. قوم ثمود [از رحمت خدا] دور باد! ﴿۶۸﴾ رسولان ما، برای ابراهیم مژده آوردند و سلام کردند. ابراهیم نیز سلام گفت. و چیزی نگذشت که گوساله‌ای بریان [برای آنان] آورد ﴿۶۹﴾ اما هنگامی که دید آنها دست به آن [غذا] نمی‌برند احساس بدی به او دست داد و از آنها ترسید! به او گفتند: نترس، ما رسولان [عذاب] الهی هستیم که به سوی قوم لوط می‌رویم ﴿۷۰﴾ و در حالی که زنش ایستاده بود، خندید! پس او را به تولد اسحاق بشارت دادیم و پس از اسحاق به یعقوب ﴿۷۱﴾

^۱ صدایی سهمگین، صاعقه‌ای مرگبار و گوشخراش

^۲ اسحاق در زبان عبری به معنای خنده است، عطف به خنده همسر ابراهیم(ع)

گفت: وای بر من! چگونه فرزند آورم در حالی که زنی پیر هستم. و این شوهرم نیز سالخورده است. این واقعاً چیز عجیبی است! ﴿۷۲﴾ گفتند: آیا از کار خدا تعجب می‌کنی؟! در حالی که رحمت و برکات او بر شما اهل این بیت نازل شده است، بدان که خداوند، ستودنی و قابل تمجید است ﴿۷۳﴾ و چون ترس از ابراهیم زایل شد و بشارت [الهی] را گرفت شروع به مجادله با ما در مورد قوم لوط کرد ﴿۷۴﴾ ابراهیم؛ بردبار، دلسوز و گوش به فرمان خداست ﴿۷۵﴾ ای ابراهیم! این چنین سخن مگو [امیدی به نجات آن قوم نیست]، زیرا فرمان عذاب پروردگارت صادر شده است. و به زودی آن‌ها را عذابی دفع نشدنی فرا می‌گیرد! ﴿۷۶﴾ هنگامی که رسولان ما نزد لوط آمدند از آمدنشان ناراحت و پریشان شد و گفت: امروز روز سختی است! ﴿۷۷﴾ قوم لوط به سرعت نزد او آمدند. همان‌هایی که از قدیم الایام کارهای ناشایست می‌کردند. لوط به آن‌ها گفت: ای قوم من این‌ها دختران منند و برای [ازدواج با] شما، پاک‌تر و مناسب‌ترند! از خدا بترسید و مرا نزد مهمانانم خجل نکنید! آیا یک جوانمرد در میان شما نیست؟! ﴿۷۸﴾ گفتند: تو خود خوب می‌دانی، هیچ میلی به دختران تو نداریم. و می‌دانی که چه می‌خواهیم! ﴿۷۹﴾ گفت: ای کاش در مقابل شما قدرتی یا تکیه‌گاه و پشتیبانی محکم داشتم! ﴿۸۰﴾ رسولان گفتند: ای لوط! ما رسولان پروردگار تو هستیم، آن‌ها هرگز به تو دست نخواهند یافت! پس در نیمه شب خانواده‌ات را بردار و راهی شو و هیچ کس از شما به پشت سرش نگاه نکند! فقط همسرت می‌ماند که او نیز دچار همان بلایی خواهد شد که آن‌ها می‌شوند. زمان [عذاب] آن‌ها صبح زود است. آیا صبح نزدیک نیست؟! ﴿۸۱﴾

و هنگامی که فرمان ما رسید دیارشان را زیر و رو کردیم و بارانی از سنگ سجیل، پیوسته بر آنها بارانیدیم ﴿۸۲﴾ سنگ‌هایی نشان شده که از جانب پروردگارت آمدند! بدان که این سنگ‌ها از هیچ ظالمی دور نیستند! ﴿۸۳﴾ و به سوی شهر مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم] در حالی که می‌گفت: ای قوم من! خداوند بزرگ را پرستش کنید، زیرا برای شما جز او خدایی نیست، و در پیمانۀ و ترازو دستکاری نکنید [تا کم‌فروشی کرده باشید]. من خیرخواه شما هستم. و بر شما از روزی که عذاب احاطه‌تان کند بیمناکم! ﴿۸۴﴾ ای قوم من! با پیمانۀ و ترازو عادلانه عمل کنید. و روی کالای مردم عیب مگذارید تا حقش را ادا نکنید، و در زمین تباهی و فساد به راه نیاندازید! ﴿۸۵﴾ سرمایه الهی که خداوند برایتان باقی گذاشته برای شما بهتر [از هر چیز دیگر] است، اگر ایمان داشته باشید! و بدانید که من نگاهبان شما نیستم! ﴿۸۶﴾ گفتند: ای شعیب آیا عبادات، تو را مأمور کرده تا خدایانی که پدرانمان می‌پرستیدند ترک کنیم؟! و یا آن‌چنان که می‌خواهیم در اموالمان تصرف نکنیم؟! حال آن که تو را بردبار و خردمند می‌شناسیم! ﴿۸۷﴾ گفت: ای قوم من! به من بگویید: اگر از پروردگام دلیلی روشن داشته باشم و با آن که او مرا رزق و روزی نیکو می‌دهد [چگونه می‌توانم با امر او مخالفت کنم]؟! اگر شما را نهی می‌کنم برای این نیست که خودم بهره‌مند شوم! هیچ قصدی ندارم مگر اصلاح شما، آن هم در حدّ توانم. و توفیق من فقط با خداست. بر او توکل می‌کنم و روی سوی او می‌آورم ﴿۸۸﴾

ای قوم من! مراقب باشید دشمنی و مخالفت با من، شما را وادار به کاری نکند که دچار سرنوشت قوم نوح یا قوم هود و یا قوم صالح و قوم لوط که زیاد از شما فاصله ندارد بشوید! ﴿۸۹﴾ از پروردگارتان آمرزش بطلبید آن‌گاه به سوی او باز گردید. که پروردگار من بسیار با گذشت و با محبت است ﴿۹۰﴾ گفتند: ای شعیب! بسیاری از چیزهایی که می‌گویی نمی‌فهمیم! ما تو را در مقابل خود، ناتوان می‌بینیم و اگر قبیله‌ات نبود بی‌درنگ تو را سنگسار می‌کردیم. بدان که هیچ‌گاه بر ما پیروز نمی‌شوی! ﴿۹۱﴾ گفت: ای قوم من، آیا قبیله‌ام نزد شما از خداوند بزرگ، قوی‌تر است؟! آیا خدا را به همین راحتی پشت سر انداختید؟! بدانید! که پروردگار من بر عملکردتان احاطه کامل دارد! ﴿۹۲﴾ ای قوم! هر کاری که می‌توانید بکنید. من نیز کار خود می‌کنم. به زودی خواهید فهمید چه کسی را عذاب خوارکننده فرا می‌گیرد و چه کسی دروغ‌گوست! پس انتظار بکشید من نیز پا به پای شما چشم به راهم ﴿۹۳﴾ و هنگامی که فرمان [عذاب] ما رسید، شعیب و کسانی که با او ایمان آورده بودند، به رحمتی از خودمان نجات دادیم. و اهل ظلم و ستم را صیحه‌ای فرا گرفت. و آن‌ها در خانه‌هایشان برجای مردند ﴿۹۴﴾ چنان که گویی هیچ‌گاه در آن دیار نبوده‌اند! اهل مدین [از رحمت خدا] دور باد! آن‌چنان که قوم ثمود از این رحمت دور بود ﴿۹۵﴾ و موسی را با آیات‌مان و دلیل روشن فرستادیم ﴿۹۶﴾ به سوی فرعون و درباریانی که از فرمان فرعون اطاعت می‌کردند. حال آن‌که فرمان فرعون، خردمندانه و رشد دهنده نبود! ﴿۹۷﴾

فرعون در روز قیامت پیشاپیش قومش حرکت کرده، و آن‌ها را وارد آتش می‌کند! و آتش، چه بد آبخوری است که وارد می‌شوند! ﴿۹۸﴾ و هم در دنیا و هم در آخرت، نفرین در پی‌شان است چه بد متاعی به آن‌ها داده شده است! ﴿۹۹﴾ این از اخبار شهرهایی است که داستان‌شان را برایت نقل می‌کنیم [شهرهایی که] برخی هنوز پا برجا هستند، و برخی ویران گشته‌اند ﴿۱۰۰﴾ بدان! که ما به آن‌ها ظلم نکردیم بلکه آن‌ها خود، بر خویشان ظلم روا داشتند! و هنگامی که عذاب پروردگارت آمد، خدایانی که به جای الله می‌پنداشتند توانایی نجات‌شان را نداشتند و چیزی جز زیان بر آن‌ها نیافزودند! ﴿۱۰۱﴾ و مؤاخذهٔ پروردگار تو این‌چنین است، وقتی بخواهد شهر ظلم پیشه‌ای را مجازات کند، مجازاتش شدید و دردناک است! ﴿۱۰۲﴾ بدانید! که در آن عبرتی است برای هر که از عذاب قیامت می‌ترسد. همان روزی که همه در آن جمع می‌شوند. و کاملاً مشهود است ﴿۱۰۳﴾ و ما آن روز را به تأخیر نمی‌اندازیم. مگر تا زمانی معین! ﴿۱۰۴﴾ روزی که چون بیاید هیچ کس بدون اجازهٔ خدا حرف نمی‌زند! در حالی که برخی مردم، سعادتمند و برخی نگون بخت‌اند! ﴿۱۰۵﴾ اما نگون‌بختان جایگاهشان آتش است. و برای آن‌ها ناله‌های زار و فریادهای دلخراش است ﴿۱۰۶﴾ و تا آسمان‌ها و زمین پا برجاست در آن جاودانند. جز آن‌چه پروردگارت بخواهد! زیرا پروردگارت هرچه بخواهد همان کند ﴿۱۰۷﴾ اما سعادتمندان جایگاهشان بهشت است و تا آسمان‌ها و زمین پا برجاست در آن جاودانند جز آن‌چه پروردگارت بخواهد! و این عطایی پایدار است ﴿۱۰۸﴾

از آن چه که این‌ها می‌پرستند در شک و تردید فرو مرو. آن‌ها چیزی جز آن چه را که پدرانشان می‌پرستیدند نمی‌پرستند. ما نیز سهم آن‌ها را بی‌کم و کاست خواهیم داد ﴿۱۰۹﴾ به موسی کتاب دادیم اما در اختلاف شد. و اگر تقدیر و قول پروردگارت نبود، بی‌شک، کارشان تمام بود! زیرا آن‌ها در حقانیت آن، در شک و تردیدند! ﴿۱۱۰﴾ بدان که پروردگارت، جزای عملکردشان را کاملاً می‌دهد، زیرا از عملکرد آن‌ها با خبر است! ﴿۱۱۱﴾ پس همان‌گونه که امر شده‌ای استقامت کن، هم تو و هم کسانی که همراه تو روی سوی خدا داشته‌اند. و [از اوامر الهی] سرپیچی نکنید. زیرا خداوند نسبت به عملکردتان بیناست ﴿۱۱۲﴾ و به ظالمان تکیه نکنید، که آتش شما را فرا خواهد گرفت! بدانید! غیر از خداوند هیچ دوستی نخواهید داشت و کسی شما را یاری نخواهد کرد ﴿۱۱۳﴾ و نماز را به پای دار، هم در ابتدای روز و هم در انتهای آن، و نیز در ساعاتی از شب! بدان که خوبی‌ها، بدی‌ها را از بین می‌برد. این پندی است برای آنان که پند می‌گیرند! ﴿۱۱۴﴾ استقامت کن زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند ﴿۱۱۵﴾ پس چرا در میان مردمانی که قبل از شما بودند، به جز عده اندکی که آن‌ها را نجات دادیم. خردمندانی نبودند تا مردم را از فساد و تباهی نهدی کنند؟! بدانید کسانی که ظلم کردند، به دنبال لذت‌های دنیوی رفتند و گنهکار شدند ﴿۱۱۶﴾ و پروردگار تو، هیچ شهری را که مردمش مصلح اند، به ستم نابود نمی‌کند ﴿۱۱۷﴾

چنانچه پروردگارت می‌خواست، همهٔ مردم را یک امت واحد می‌کرد، حال آن‌که همواره گوناگون خواهند بود ﴿۱۱۸﴾ مگر، کسی را که خدا رحم کند و برای برخورداری از رحمت، خلقشان کند! بدان که کلمهٔ پروردگارت بر این قرار گرفته که: جهنم را از جنیان و [آدمیانِ ناسپاس] پر خواهیم کرد! ﴿۱۱۹﴾ هر داستانی، از اخبار پیامبران بر تو می‌خوانیم، برای این است که قلب تو را آرام گردانیم (تا در راهت ثابت قدم شوی). و در این داستان‌ها، حق و پند و تذکر، برای اهل ایمان است ﴿۱۲۰﴾ به کسانی که به حقایق ایمان ندارند بگو: هر کاری که می‌توانید بکنید، ما نیز کار خود را می‌کنیم! ﴿۱۲۱﴾ شما چشم به راه [دستاوردتان] باشید. ما نیز منتظر می‌مانیم! ﴿۱۲۲﴾ و غیب و نادیده‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست و تمامی امور به او باز می‌گردد. پس او را عبادت کن. و براو توکل نما. بدان که پروردگارت از عملکردتان غافل نیست! ﴿۱۲۳﴾

سورهٔ یوسف

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

الر، اینها آیات کتابِ بیان‌کنندهٔ حقایق است! ﴿۱﴾ ما قرآنی فصیح و گویا نازل کرده‌ایم. امید آن‌که تعقل کنید ﴿۲﴾ ما به واسطهٔ قرآنی که بر تو وحی می‌کنیم، بهترین داستان‌ها را برایت حکایت می‌نمائیم [داستان‌هایی] که پیش از این، از آن‌ها بی‌خبر بوده‌ای ﴿۳﴾ یاد آر! هنگامی که یوسف، به پدرش گفت: ای پدر، در خواب یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم که مرا سجده می‌کنند! ﴿۴﴾

پدر گفت: پسر کوچکم! رؤیای خود را به برادرانت مگو که برایت نقشه خواهند کشید! و بدان که شیطان برای انسان دشمنی آشکار است ﴿۵﴾ و این چنین پروردگارت، تو را برگزیده است و به تو تعبیر خواب، آموزش می‌دهد. و نعمتش را هم‌چنان که بر پدران تو، ابراهیم و اسحاق تمام کرد، بر تو و خاندان یعقوب نیز به تمامی عرضه خواهد داشت، زیرا پروردگارت آگاه و حکیم است ﴿۶﴾ و در داستان یوسف و برادرانش، برای کسانی که خواستار آگاهی از آنند، عبرت‌هایی است ﴿۷﴾ [یاد آر!] آن هنگام که [برادران] گفتند: یوسف و برادرش (بنیامین) نزد پدرمان از ما محبوب‌ترند در حالی که ما نیرومندتریم! قطعاً پدرمان در اشتباهی آشکار است ﴿۸﴾ یوسف را بکشید، یا او را به سرزمینی دور دست بفرستید تا پدرتان فقط به شما توجه کند. بعد از آن [توبه کنید و] قومی صالح باشید! ﴿۹﴾ کسی از میان آن‌ها گفت: یوسف را نکشید اگر می‌خواهید کاری کنید، او را در عمق چاهی بیندازید. شاید از این رهگذر کاروانی رد شود [و او را با خود ببرند!] ﴿۱۰﴾ گفتند: پدر جان! چرا در مورد یوسف به ما اعتماد نمی‌کنی، در حالی که ما خیرخواه او هستیم؟! ﴿۱۱﴾ فردا او را با ما رهسپار کن تا غذای خوب بخورد و بازی کند. [مطمئن باش] ما مراقب او خواهیم بود! ﴿۱۲﴾ پدر گفت: هرگاه یوسف از من دور می‌شود، غمگین و نگران می‌شوم! می‌ترسم زمانی که شما از او غافل شوید، گرگ او را بخورد! ﴿۱۳﴾ گفتند: گرگ او را با بودن افراد نیرومندی مثل ما بخورد؟! اگر چنین شود همه ما [مسئول و] زیانکاریم! ﴿۱۴﴾

هنگامی که او را با خود بردند و تصمیم گرفتند که او را در عمق چاه بیندازند، به او وحی کردیم، از دستاورد این کارشان، با خبرشان خواهی کرد. حال آن که الان نمی‌فهمند! ﴿۱۵﴾ شب هنگام، گریه‌کنان پیش پدرشان باز آمدند ﴿۱۶﴾ گفتند: ای پدر! ما به مسابقهٔ [اسب سواری] مشغول بودیم و یوسف را تنها کنار وسایلمان گذاشتیم، و گرگ او را خورد. [هر چند می‌دانیم] با وجود این که راست می‌گوییم، تو حرف ما را باور نمی‌کنی! ﴿۱۷﴾ و جامه‌اش را که به خونی دروغین آغشته بود، آوردند. پدر گفت: نفسِ تان، کاری [وحشتناک] را در نظرتان جلوه داده است! اکنون فقط صبری که در اوج زیبایی است راه من است. در مورد آن چه که گفتید، فقط باید از خداوند بزرگ یاری خواست ﴿۱۸﴾ کاروانی آمد. و سقّای خود را فرستادند [تا آب از چاه بیاورد]. هنگامی که دلو را به چاه انداخت گفت: مژده، که این یک پسر بچه است! آن‌گاه او را چون کالایی مخفی کردند. حال آن که خداوند از عملکردشان آگاه بود! ﴿۱۹﴾ او را به قیمتی ارزان، که چند درهم بیش نبود فروختند، زیرا مورد توجه شان نبود ﴿۲۰﴾ کسی از اهالی مصر او را خرید و به همسرش گفت: تا در اینجاست محترم‌ش بدار شاید برای‌مان سودمند باشد و یا او را به فرزندی برگزینیم! و این چنین یوسف را روی زمین مقام دادیم. و به او تعبیر خواب آموختیم، زیرا خداوند بزرگ، بر کارش مسلط است. هر چند اکثر مردم نمی‌دانند! ﴿۲۱﴾ و هنگامی که جوانی رشید شد، علم و حکمت به او عطا کردیم. بدانید! که این چنین پادشاه نیکوکاران را می‌دهیم! ﴿۲۲﴾

^۱ صبری که قطعاً عاقبت آن خیر و خوبی است با صفت زیبایی همراه شده است.

و آن زنی که یوسف در خانه‌اش بود، از او تمنای کامجویی کرد. درها را بست و گفت: بشتاب! یوسف گفت: پناه می‌برم به خداوند [اگر به عزیز مصر خیانت کنم]! زیرا او مرا پرورش داده و مقام مرا گرامی داشته است. خداوند، ستمکاران [تجاوزکار] را رستگار نمی‌کند! ﴿۲۳﴾ اما زن قصد او کرد، و اگر یوسف، برهان^۱ پروردگارش را نمی‌دید. او نیز قصد زن می‌کرد. و ما این چنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم، زیرا یوسف از بندگانِ مخلص ماست ﴿۲۴﴾ و هر دو به طرف در دویدند، و زن پیراهن یوسف را از پشت سر پاره کرد. در این هنگام شوهر زن را کنار در دیدند. زن گفت: آیا جزای کسی که قصد بد به ناموس تو دارد جز زندان و عذاب دردناک است؟! ﴿۲۵﴾ یوسف گفت: او مرا به اصرار به کامجویی فراخواند! و شاهی از خانواده زن ابراز داشت، اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده باشد زن راست می‌گوید، و یوسف از دروغ‌گویان است! ﴿۲۶﴾ و اگر پیراهنش از پشت سر پاره شده باشد، زن دروغ می‌گوید و یوسف از راست‌گویان است! ﴿۲۷﴾ و هنگامی که شوهر دید پیراهن یوسف از پشت پاره شده است گفت: این از حیلۀ شما زنان است. و حیلۀ شما زنان بسیار خطرناک است! ﴿۲۸﴾ یوسف! از این مطلب صرف نظر کن. و تو ای زن! از گناهت آمرزش بخواه زیرا تو از خطاکاران بوده‌ای! ﴿۲۹﴾ زنان شهر گفتند: که همسر عزیز مصر، قصد کامجویی از غلام خود را کرده است. و عشق و اشتیاق به او، تا اعماق قلبش نفوذ کرده است. ما این زن را در گمراهی آشکاری می‌بینیم ﴿۳۰﴾

^۱ از منظر اهل معنا، برهان، یک دلیل شهودی است که قابل رؤیت است. کالبدی از نور یا درخشش هشدار دهنده!

[همسر عزیز مصر] هنگامی که از فکر و نظر زنان آگاه شد، کسی را به سراغ آنان فرستاد [تا بیایند]. و برای [راحت نشستن] آن‌ها پشنتی‌هایی فراهم کرد. و به دست هر کدام، چاقویی داد. آن‌گاه [به یوسف] گفت: خارج شو! هنگامی که چشم زنان به او افتاد [مبهوت او شدند و] دستان خود را از حواس پرتی بردند و گفتند: پناه بر خدا، این بشر نیست! این فقط فرشته‌ای بزرگوار است! ﴿۳۱﴾ [همسر عزیز مصر] گفت: این همانست که [عشق] مرا نسبت به او سرزنش می‌کردید! من درخواست کامجویی از او کردم اما او خود را ننگه داشت، در حالی که اگر دستوری بدهم و او انجام ندهد زندانی خواهد شد. و بی‌تردید خوار و ذلیل است! ﴿۳۲﴾ یوسف گفت: پروردگارا، زندان رفتن برای من، بسیار دوست داشتنی‌تر از چیزی است که، مرا بدان می‌خوانند. و اگر حیلۀ این زنان را از من دور نکنی قلبم به سوی آن‌ها مایل می‌شود. که در این صورت چون نادانان دور از حقیقت خواهم بود! ﴿۳۳﴾ پس، پروردگارش دعای او را اجابت کرد. و حیلۀ زنان را از او دور ساخت زیرا او شنوا و داناست ﴿۳۴﴾ اما چون نشانه‌های [پاکی و ایمان] یوسف را دیدند، تصمیم گرفتند تا مدتی او را زندانی کنند^۱ ﴿۳۵﴾ دو جوان دیگر نیز با او در زندان بودند. یکی از آن‌ها گفت: من در خواب دیدم که شراب می‌گیرم! و دیگری گفت: من در خواب دیده‌ام روی سرم تکه نانی دارم که پرندگان از آن می‌خورند! ای یوسف، ما تو را نیکوکار می‌دانیم پس از تعبیر خوابمان آگاهمان کن ﴿۳۶﴾ گفت: پیش از آن که جیره غذای شما را بیاورند از تعبیر خوابتان، آگاهتان خواهم کرد همچنان که خداوند مرا آگاه کرده است! بدانید! من آئین قومی که خدا و روز قیامت را باور ندارند، ترک کرده‌ام، زیرا آن‌ها به حقایق کافرند ﴿۳۷﴾

^۱ این یک شیوه قدیمی است. بی‌گناهی را محکوم می‌کنند تا حاکمان در انظار عمومی تبرئه گردند!

من از آئین پدرانم، ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی می‌کنم، سزاوار ما نیست، چیزی را شریک و همتای خداوند بزرگ قرار دهیم! و چنین امتیازی برای ما و همهٔ مردم یک فضل الهی است. هر چند اکثر مردم قدر ناشناس‌اند! ﴿۳۸﴾ ای دوستانِ زندانی من، خدایان متعدد بهتر است یا خداوند واحدی که بر همه چیز مسلط است؟! ﴿۳۹﴾ بدانید! که شما چیزی را نمی‌پرستید. مگر نام‌هایی که خود و پدرانتان نامگذاری کرده‌اید (خدایانی که زادهٔ توهم‌تان است). آن هم بدون این که دلیل و حجتی الهی داشته باشد! حکم جز حکم خدا نیست. و او دستور داده است تا چیزی غیر از او نپرستید، این دین پا برجاست، هر چند که اکثر مردم بدان آگاه نیستند! ﴿۴۰﴾ ای دو یار زندانی من! یکی از شما، ساقی شراب اربابش خواهد شد (دوباره آزاد می‌شود). و دیگری به دار آویخته می‌شود، و پرندگان از [مغز] سر او خواهند خورد! آن چه از من سؤال کرده بودید [جوابش] چنین مقدر شده است ﴿۴۱﴾ و یوسف به آن کسی که می‌دانست آزاد خواهد شد گفت: مرا نزد اربابت یاد کن! ولی شیطان باعث شد تا یادآوری کردن به اربابش را فراموش کند، لذا یوسف چند سال دیگر در زندان ماند ﴿۴۲﴾ پادشاه گفت: من در خواب دیدم که هفت گاو لاغر، هفت گاو فربه را می‌خورند، و نیز هفت خوشهٔ سبز دیدم و هفت خوشهٔ خشک! ای علمای درباری من! اگر از حقیقت تعبیر خواب، مطلع‌اید خواب مرا تعبیر کنید؟! ﴿۴۳﴾

گفتند: [این‌ها جزو] خواب‌های آشفته است. و ما از تعبیر این‌گونه خواب‌ها آگاه نیستیم ﴿۴۴﴾ اما یکی از آن [دو زندانی] که آزاد شده بود بعد از مکثی گفت: من شما را از تعبیر آن آگاه می‌کنم. مرا [به سوی آن مرد زندانی، یوسف] بفرستید! ﴿۴۵﴾ یوسف، ای مرد راستگو! این خواب را برای ما تعبیر کن: هفت گاو لاغر، هفت گاو فربه را می‌خورند و نیز دیدن هفت خوشهٔ سبز و هفت خوشهٔ خشک! تا من به سوی مردم باز گردم، امید آن‌که از این تعبیر آگاه شوند ﴿۴۶﴾ یوسف گفت: هفت سال با تلاش بسیار زراعت کنید و هرچه درو می‌کنید - جز اندکی که می‌خورید - همه را با خوشه‌هایش انبار کنید ﴿۴۷﴾ زیرا پس از آن، هفت سال قحطی در راه است و در آن هفت سال آن‌چه را ذخیره کرده‌اید برای مصرف به مردم بدهید، مگر قسمتی را که [به عنوان بذر] نگه می‌دارید ﴿۴۸﴾ سپس بعد از آن سالی خواهد آمد که بر مردم باران فراوان ببارد و آن‌ها آب و عصارهٔ [میوه‌ها و دانه‌ها] را می‌گیرند! ﴿۴۹﴾ پادشاه گفت: او را نزد من آورید! هنگامی که پیک به سراغش آمد، یوسف به او گفت: به سوی اربابت برگرد، و از او بپرس حقیقت داستان آن زنان، که دست خود را بریدند چه بود؟! هر چند پروردگارم نسبت به حیلۀ آن‌ها آگاه است! ﴿۵۰﴾ [پادشاه زنان را احضار کرد و] گفت: حقیقت ماجرای آن روز که یوسف را به سوی خود خواندید چه بود؟! گفتند: پناه بر خدا. ما هیچ عیبی در او نیافتیم! و همسر عزیز مصر گفت: الان حقیقت آشکار شد. این من بودم که او را برای کامجویی به خود فراخواندم و یوسف از راستگویان است! ﴿۵۱﴾ و این چنین [اعتراف کردم تا یوسف] بفهمد که من در غیابش به او خیانت نکردم (او را گناهکار نخواندم). بدانید که خداوند نقشهٔ خائنین را موفق نمی‌کند! ﴿۵۲﴾

من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم، زیرا نفس اماره [همواره انسان را] به بدی و زشتی وسوسه می‌کند. مگر آن که پروردگارم رحم کند! زیرا پروردگارم آمرزنده و با گذشت است ﴿۵۳﴾ و پادشاه گفت، یوسف را نزد من آورید تا او را همنشین خاص خود کنم! و هنگامی که با او سخن گفت و [عقل و درایتش را دید] گفت: از امروز تو صاحب مقام و امین ما خواهی بود! ﴿۵۴﴾ یوسف گفت: مرا بر گنجینه‌های این سرزمین بگمار، زیرا من نگهبان آگاهی هستم! ﴿۵۵﴾ و این چنین یوسف را در زمین، صاحب مقام کردیم. تا هر جا که خواهد مستقر شود. بدانید ما رحمت خود را به هر کس صلاح بدانیم عطا می‌کنیم. و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم! ﴿۵۶﴾ و حال آن که پاداش آخرت، برای آنان که به حقایق ایمان دارند و حرمت خدا را نگاه می‌دارند بهتر است ﴿۵۷﴾ و برادران یوسف آمدند. و به حضورش رسیدند. در حالی که یوسف آن‌ها را شناخت. ولی آن‌ها یوسف را نشناختند ﴿۵۸﴾ و هنگامی که یوسف، زاد و توشه آن‌ها را مهیا کرد گفت: بار دیگر با برادر کوچک پدری‌تان نزد من آید. ببینید چگونه پیمان‌هایتان را از غله پر می‌کنم و بهترین میزبانانم! ﴿۵۹﴾ و اگر او را نزد من نیاورید دیگر هیچ سهمی [از غله] نزد من نخواهید داشت. و از دوستان نزدیک من نخواهید بود! ﴿۶۰﴾ گفتند: ما با پدرش صحبت خواهیم کرد [تا او را راضی کنیم، مطمئن باش] این کار را خواهیم کرد! ﴿۶۱﴾ آن‌گاه به مردان خود گفت: اجناسی را که بابت خرید غله داده‌اند در بارشان بگذارید تا هنگامی که به خانواده‌شان می‌رسند آن را ببینند [و کرامت ما یادشان بیاید] و برگردند ﴿۶۲﴾ هنگامی که به سوی پدرشان بازگشتند گفتند: پدر! ما از این که سهمی از غله داشته باشیم منع شده‌ایم. مگر آن که برادرمان را با ما راهی کنی، مطمئن باش ما مراقب او خواهیم بود! ﴿۶۳﴾

گفت: آیا به شما اطمینان کنم آن گونه که نسبت به برادرتان [یوسف] به شما اطمینان کردم؟! به هر حال خداوند بهترین محافظین و ارحم الراحمین است! ﴿۶۴﴾ و هنگامی که کالاهایشان را باز کردند، دیدند اجناسی که در مقابل غله داده بودند به آن‌ها بازگردانده شده است. گفتند: پدر! دیگر چه می‌خواهیم؟ این، سرمایه ماست که به ما پس داده‌اند! [پس برادرمان را با ما بفرست] ما برای خانواده مواد غذایی می‌آوریم. و از برادرمان نیز محافظت می‌کنیم. و از غله سهم بیشتر خواهیم آورد، و این کار آسانی است! ﴿۶۵﴾ پدر گفت: هرگز او را با شما نمی‌فرستم. مگر آن که با من یک عهد محکم الهی ببینید [مبنی بر این] که او را نزد من باز خواهید آورد. مگر آن که همه گرفتار شوید! چون با او عهد بستند گفت: خداوند بر آن چه می‌گوییم گواه است ﴿۶۶﴾ و آن‌گاه گفت: ای فرزندان من! از یک دروازه وارد نشوید، بلکه از دروازه‌های مختلف وارد گردید! بدانید نمی‌توانم حادثه‌ای را که خدا برای شما اراده کرده از شما دفع کنم! حکم فقط حکم خداست. بر او توکل می‌کنم بلکه همه توکل کنندگان باید بر او توکل کنند! ﴿۶۷﴾ و هنگامی که از همان طریقی که پدرشان گفته بود وارد شدند، با این وجود واقعه‌ای که خداوند بر آن‌ها تقدیر کرده بود دور نشد، و فقط حاجتی که یعقوب در دل داشت [از این راه] به اجابت رسید. زیرا او صاحب علمی بود که ما به او آموخته بودیم هر چند که اکثر مردم از آن بی‌اطلاع‌اند! ﴿۶۸﴾ هنگامی که به حضور یوسف رسیدند، او برادرش را کنار خود جای داد و گفت: من برادر تو هستم و از عملکرد اینان غمگین مشو! ﴿۶۹﴾

^۱ هر کس راهی دارد ویژه خود، چنانچه هر کس بر فطرت الهی خویش رود، آن‌چه را که باید، خواهد یافت. پس هر کس بر راه خویش گام نهد! زیرا «کل يعمل علی شاکلته» «و لكل وجهه هو مولیها». (برای هر کس راهی است که رو سوی آن می‌کند).

پس هنگامی که بارهایشان را بست. جام پادشاه را، در بار برادرش گذاشت. سپس، کسی فریاد زد: ای کاروانیان، شما دزدید! ﴿۷۰﴾ آن‌ها جلو آمدند و گفتند: مگر چه چیز را گم کرده‌اید؟! ﴿۷۱﴾ گفتند: جام پادشاه را گم کرده‌ایم. هر کس آن را بیاورد یک بار شتر، غله خواهد گرفت، و من ضامن این [پاداش] خواهم بود! ﴿۷۲﴾ گفتند: به خدا قسم شما خوب می‌دانید که ما برای فساد و تباهی به این سرزمین نیامده‌ایم. و دزد نیستیم! ﴿۷۳﴾ گفتند: اگر دروغ گفته باشید جزای شما چیست؟! ﴿۷۴﴾ گفتند: در، بار هر کس پیدا شود، خودش [مستحق] جزای این کار خواهد بود! ما این‌گونه ستمکاران را کیفر می‌دهیم ﴿۷۵﴾ یوسف قبل از بار برادرش، بارهای آن‌ها را گشت، آن‌گاه جام را از بار برادرش بیرون آورد. و این نقشه را ما به یوسف یاد دادیم، زیرا او هرگز نمی‌توانست طبق مقررات و قوانین پادشاه، برادرش را نگاه دارد، مگر آن‌که خدا بخواهد! بدانید که ما درجات هر کس را بخواهیم بالا می‌بریم و همواره بر فراز هر دانایی، داناتری هست! ﴿۷۶﴾ گفتند: اگر او (بنیامین) دزدی کرده، برادرش (یوسف) نیز قبلاً دزدی کرده است! یوسف جواب [این سخن] را در دل پنهان داشت. و ابراز نکرد. گفت: شما وضع تان بدتر است. و خداوند بزرگ از آن‌چه توصیف می‌کنید، آگاه‌تر است! ﴿۷۷﴾ گفتند: ای عزیز مصر! او پدر پیر و سالخورده‌ای دارد. یکی از ما را به جای او نگه دار. زیرا تو را انسان نیکوکاری می‌بینیم! ﴿۷۸﴾

گفت: پناه بر خدا، از این که کس دیگری را - به جز آن کس که جام را در بارش یافتیم بگیریم، که در این صورت از ستمکاران باشیم! ﴿۷۹﴾ هنگامی که از او مایوس شدند، به گوشه‌ای رفتند تا چاره‌ای بیاندیشند. [برادر] بزرگترشان گفت: مگر یادتان رفته که پدرتان از شما تعهد الهی محکمی گرفته است؟! حال آن که قبلاً هم در مورد یوسف بی‌انصافی کرده‌اید. من هرگز از این سرزمین بیرون نمی‌روم، مگر پدرم اجازه دهد، یا خداوند درباره‌ی من داوری کند. زیرا خداوند بهترین چاره‌اندیشان است ﴿۸۰﴾ و به سوی پدرتان برگردید و بگویید: ای پدر! فرزند تو دزدی کرد، اما ما جز به آن چه می‌دانستیم شهادت ندادیم، زیرا از غیب آگاهی نداریم ﴿۸۱﴾ از اهل شهری که در آن بودیم و کاروانی که همراهش بودیم، بپرس. [خواهی دانست] که ما راست می‌گوئیم! ﴿۸۲﴾ [پدر] گفت: نفس شما ماجرا را چنین در نظرتان جلوه داده است. صبری به زیبایی بایدم. شاید خداوند، همگی آن‌ها را به من برساند، زیرا او آگاه و حکیم است ﴿۸۳﴾ و از آن‌ها روی برگرداند. و گفت: وا أسفا بر یوسف! و چشمانش از اندوه سفید شد. در حالی که خشم خود را فرو می‌خورد ﴿۸۴﴾ گفتند: به خدا قسم، تو آن قدر از یوسف یاد می‌کنی، تا به مرز مرگ رسی و یا هلاک گردی! ﴿۸۵﴾ گفت: من فقط غم و غصه‌ی خود را به خداوند بزرگ می‌گویم. و از خدا چیزها می‌دانم که شما از آن بی‌خبرید! ﴿۸۶﴾

ای فرزندان من! بروید، و یوسف و برادرش را جست و جو کنید. و از رحمت الهی ناامید نشوید، زیرا فقط کافران از رحمت الهی مأیوس می‌شوند! ﴿۸۷﴾ پس هنگامی که به حضور یوسف رسیدند، گفتند: ای عزیز مصر! ما و خاندان ما به مضیقه افتاده‌ایم، و سرمایه‌اندکی [برای خرید] آورده‌ایم، سهم ما را پُرپیمانه بده و بر ما صدقه کن، زیرا خداوند پاداش صدقه‌دهندگان را می‌دهد ﴿۸۸﴾ گفت: آیا فهمیدید که از روی نادانی با یوسف و برادرش چه کردید؟! ﴿۸۹﴾ گفتند: آیا واقعاً تو یوسفی؟! گفت: من یوسفم و این هم برادر من است! خداوند به ما نعمت عطا کرد، زیرا هر کس حرمت خدا را نگاه دارد، و صبر و استقامت پیشه کند، یقیناً خداوند بزرگ، پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند! ﴿۹۰﴾ گفتند: به خدا قسم که خداوند تو را نسبت به ما برتری داده است، و اقرار می‌کنیم که خطاکاریم! ﴿۹۱﴾ گفت: امروز سرزنشی بر شما نیست. خداوند شما را می‌آمزد، زیرا او أرحم الراحمین است ﴿۹۲﴾ این پیراهن مرا با خود ببرید، و بر صورت پدرم بیاندازید تا بینا شود. آن‌گاه با همه‌ی اهل خانواده، نزد من بیایید ﴿۹۳﴾ هنگامی که کاروان جدا شد، پدرشان (در آن سو) گفت: اگر نگویید دیوانه شده‌ام، بوی یوسف را احساس می‌کنم ﴿۹۴﴾ گفتند: به خدا قسم، تو هنوز در اشتباه گذاشته‌ات سیر می‌کنی! ﴿۹۵﴾

اما هنگامی که بشارت‌دهنده او را ملاقات کرد، آن [پیراهن] را بر صورت او انداخت. و نور چشمانش برگشت و گفت: آیا به شما نگفته بودم من چیزها از خدا می‌دانم که شما از آن آگاهی ندارید! ﴿۹۶﴾ گفتند: ای پدر! به خاطر گناهانمان برای‌مان آمرزش بخواه، زیرا ما خطاکاریم ﴿۹۷﴾ گفت: به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش خواهم خواست، زیرا او بسیار آمرزنده و با گذشت است ﴿۹۸﴾ چون به حضور یوسف رسیدند، پدر و مادرش را در آغوش کشید و گفت: همگی داخل مصر شوید. که إن شاء الله در امنیّت خواهید بود! ﴿۹۹﴾ پدر و مادرش را بر تخت نشانند و همگی برای او به سجده افتادند. و یوسف گفت: ای پدر! این تعبیر خوابی بود که دیدم. خداوند آن را محقق ساخت. و به من نیکی روا داشت. هنگامی که مرا از زندان خارج کرد، و شما را از آن بیابان نزد من آورد. بعد از آن که شیطان، بین من و برادرانم فساد انداخته بود. حقیقتاً پروردگارم نسبت به هرچه اراده کند صاحب لطف است، زیرا او آگاه و حکیم است ﴿۱۰۰﴾ پروردگارا! تو نصیبی از فرمانروایی به من عطا کردی. و تو مرا تعبیر خواب آموختی. تو آفریننده آسمان‌ها و زمینی. تو در دنیا و آخرت دوست و تکیه‌گاهی. مرا در حال تسلیم بمیران. و به صالحان ملحق کن! ﴿۱۰۱﴾ ای پیامبر! این‌ها از اخبار غیب و نادیده هاست، که بر تو وحی می‌کنیم. حال آن که وقتی آن‌ها گرد هم آمده بودند و چاره‌اندیشی می‌کردند. تو نزد آن‌ها نبودی! ﴿۱۰۲﴾ اکثر مردم ایمان نمی‌آورند، هر چند تو به ایمان آوردنشان حریص باشی! ﴿۱۰۳﴾

تو از آن‌ها مزد نمی‌خواهی، زیرا قرآن یک یادآوری برای همهٔ جهانیان است! ﴿۱۰۴﴾
 و چه بسیار آیات و نشانه‌هایی که در آسمان‌ها و زمین وجود دارد، در حالی که آن‌ها
 از آن می‌گذرند، و توجهی نمی‌کنند ﴿۱۰۵﴾ اکثر آن‌ها به خدا ایمان نمی‌آورند، زیرا
 مشرکند ﴿۱۰۶﴾ آیا [می‌پندارند] اگر به صورت غافلگیرانه، عذاب همه‌گیر الهی به
 سراغ آن‌ها بیاید، یا ساعت رستاخیز برسد، در امان خواهند بود؟! ﴿۱۰۷﴾ بگو: این
 راه من است. و [از این راه] با بصیرت کامل، مردم را به سوی خدا می‌خوانم. راه من
 و راه هر کسی که از من تبعیت کند. و پاک و منزّه است خدا، و من از مشرکین
 نیستم ﴿۱۰۸﴾ ما قبل از تو [کسی را به رسالت] نفرستادیم. مگر مردانی از مردم
 شهرها، که به آن‌ها وحی می‌کردیم. آیا [بی‌ایمانان] در زمین، سیر و سیاحت نکردند،
 تا به عاقبت کسانی که قبل از آن‌ها بودند پی ببرند؟! بدانید! که زندگی جاوید، برای
 کسانی که حرمت الهی را نگاه می‌دارند بهتر است، چرا تعقل نمی‌کنید؟! ﴿۱۰۹﴾ چون
 پیامبران [از ایمان آوردن مخالفان] مأیوس شدند. و فهمیدند حتی عده‌ای [که به
 ظاهر ایمان آورده بودند] به آن‌ها دروغ گفته‌اند، یاری ما به سراغشان آمد، زیرا هر
 که را صلاح بدانیم نجات می‌دهیم. و مجازات و عذاب ما نسبت به جماعت گناهکار،
 دفع نشدنی است ﴿۱۱۰﴾ حقیقتاً در ماجراها و داستان‌های آن‌ها، برای خردمندان
 عبرت است. این‌ها داستان‌های دروغین نبود. بلکه وحی و مطابق کتب آسمانی
 پیشینیان است، و شرح هر چیزی در آن آمده و برای اهل ایمان سراسر هدایت و
 رحمت است ﴿۱۱۱﴾

سوره رعد

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

المر، این‌ها آیات کتابی است، که به حق از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است. هر چند اکثر مردم باور ندارند! ﴿۱﴾ الله، خدایی است که آسمان‌ها را آن چنان که می‌بینید، بدون هیچ ستونی بنا کرد. سپس به فرمانروایی پرداخت. و خورشید و ماه را تا زمانی معین، در مدار خودشان به حرکت واداشت. تمام امور را تدبیر می‌کند. و آیات و نشانه‌ها را شرح می‌دهد، شاید به دیدار پروردگارتان یقین پیدا کنید! ﴿۲﴾ او کسی است که زمین را وسعت داد. و در آن کوه‌ها و رودها ایجاد کرد. و از هر میوه‌ای به صورت جفت، پدید آورد. و شب را به روز می‌پوشاند! و در همه این‌ها نشانه‌هایی است برای قومی که اهل تفکرند! ﴿۳﴾ در زمین، قطعه زمین‌های مختلفی کنار هم وجود دارد!^۱ هم چنین باغ‌های انگور و کشتزارها و نخل‌هایی با دو تنه در یک ریشه، و یا یک تنه با یک ریشه، وجود دارد که همگی از یک آب سیراب می‌شوند، اما از نظر میوه، برخی را بر برخی دیگر برتری دادیم! در تمام این‌ها برای خردمندان نشانه‌هایی است! ﴿۴﴾ اگر [می‌خواهی از چیزی] تعجب کنی، عجیب حرف آنهاست که می‌گویند: اگر ما تبدیل به خاک شدیم چگونه باز زنده می‌شویم! آن‌ها کسانی‌اند که پروردگارشان را انکار کرده‌اند. در نتیجه غل و زنجیرها برگردن دارند. و بی‌تردید، اهل دوزخ‌اند و در آن جاودانه می‌مانند ﴿۵﴾

^۱ از منظر باطنی، قطعه زمین‌هایی وجود دارد که به چشم هرکس نمی‌آید جز آن کسانی که خدا چشمشان را باز کرده و آن‌ها را مشمول رحمت خویش نموده است. از این منظر، سرزمین موعود یا ارض مقدس از چنین سرزمین‌هایی است.

^۲ انسان‌ها و اوصاف‌شان چون گیاهان متنوع‌اند. برخی نیاز به حفاظت (داربست) دارند و برخی بر پای خویش استوارند، میوه‌ها و محصولاتشان نیز با توجه به استعدادشان مختلف است. با این وجود، در کنار هم و با هم یک کل را تشکیل می‌دهند.

قبل از آن که به کار نیک، و آمرزش الهی روی آورند، با شتاب از تو عذاب الهی را خواستارند! در حالی که قبل از آن‌ها، عبرت‌های قابل ملاحظه‌ای بوده ست! بدان که پروردگارت، هم نسبت به مردم، با وجود ظلمی که می‌کنند آمرزنده است. و هم مجازات شدیدی دارد! ﴿۶﴾ کسانی که کفر می‌ورزند می‌گویند: چرا از جانب پروردگارش معجزه‌ای بر او نازل نمی‌شود؟! تو فقط یک هشداردهنده‌ای. و برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای مجزاست ﴿۷﴾ خداوند بزرگ آن چه را که هر ماده‌ای حمل می‌کند می‌داند. هم‌چنین از آن چه رحم‌ها نگه نمی‌دارند و آنچه نگهداری می‌کنند، آگاه است. هر چیزی در قانون او به مقدار معین است ﴿۸﴾ دانای دیده‌ها و نادیده‌هاست و او بزرگ و متعالی است ﴿۹﴾ و چه سخنی را کتمان کنید، و چه بر زبان آرید، برای او یکسان است. هم‌چنین است اگر کسی به طور مخفیانه در شب حرکت کند و یا در روز روشن! ﴿۱۰﴾ هرانسانی به دستور خداوند فرشتگانی دارد، که از روبه رو و پشت سر، او را از حوادث [غیر حتمی] محافظت می‌کنند. بدانید! که خداوند وضع هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آن قوم، خود را تغییر دهند! و اگر خداوند بخواهد آسیبی به گروهی برساند، هیچ دفع‌کننده و یآوری به جز خودش وجود نخواهد داشت! ﴿۱۱﴾ اوست که برق آسمان را گاهی برای خوف و تنبه، گاهی برای امید [به باران] به شما نشان می‌دهد. و ابرهای بارور را به وجود می‌آورد ﴿۱۲﴾ رعد آسمان، تسبیح و حمد او را می‌گوید، فرشتگان نیز از خوف او [تسبیح گویند]. صاعقه‌ها را می‌فرستد تا هرکس را صلاح بداند بدان گرفتار کند، با این همه، هنوز در وجود خدا مجادله می‌کنند، حال آن که او قدرتی بی‌انتهای دارد! ﴿۱۳﴾

دعوت به حق، برای اوست و کسانی که به جای خداوند، [چیزهای دیگری را به خدایی] می‌خوانند. بدانند! اجابتشان نمی‌کنند! اینان، همان کسانی‌اند که کف دست‌های خود را از آب پر کرده، تا به دهان‌شان برسانند. اما هرگز نتوانند! و دعای کافران چیزی جز گمراهی نیست! ﴿۱۴﴾ هر کس در آسمان‌ها و زمین است، چه بخواهد چه نخواهد، در حال سجدهٔ الله است! حتی سایه‌هایشان، در هر صبح و شام [به سجده می‌رود] ﴿۱۵﴾ بگو: پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟ بگو: الله. بگو: چرا به جز او تکیه‌گاه‌هایی را برگزیده‌اید که حتی قادر به تأمین سود و زیان برای خود نیستند؟! بگو: آیا بینا و نابینا برابرنند؟! یا ظلمات و نور یکسانند؟! و یا شریکانی که برای خدا قائل شده‌اید، مخلوقاتی چون مخلوقات او دارند؟! حقیقت آفرینش بر آن‌ها مشتبه شده است. بگو: الله، خالق هر چیزی است. و او یگانه و مسلط است! ﴿۱۶﴾ و خداوند از آسمان آبی فرستاد، تا از دره‌ها و رودها به قدر ظرفیت‌شان، جاری شود. و روی این سیلاب‌ها کفی است، چنان‌که در [کوره زرگران و آهنگران] روی مواد مذابی که می‌خواهند از آن زیورآلات یا وسایل دیگر تهیه کنند، کفی مثل آن وجود دارد. خداوند این‌گونه برای حق و باطل مثال می‌زند، وقتی کف‌ها بروند و محو شوند، فقط آن‌چه در زمین باقی می‌ماند مورد استفادهٔ مردم است! آری خدا این‌گونه مثل می‌زند! ﴿۱۷﴾ برای کسانی که دعوت پروردگارشان [را به حق] پذیرفته‌اند، پاداش نیکویی است. و کسانی که نپذیرفته‌اند، اگر تمام ثروت‌های زمین و همانند آن را داشته باشند و بخواهند آن را بدهند تا از مجازات الهی در امان باشند، [امکان پذیر نیست]! حساب بدی برای آن‌ها باز شده است. و جایگاهشان جهنم است و چه بد جایگاهی است [این جهنم] ﴿۱۸﴾

^۱ ما همواره در یک فضای سجده خیز سیر می‌کنیم و غافلیم! همه از منظر تکوینی مطیع‌اند، چه بخواهند چه نخواهند!

آیا کسی که می‌داند آن‌چه از سوی پروردگارت نازل شده، حق است. با کسی که نسبت به این حقیقت کور است. برابر است؟! تنها خردمندان درک می‌کنند! ﴿۱۹﴾ همان کسانی که به عهد الهی، وفا می‌کنند. و تحت هیچ عنوان پیمانشان را نمی‌شکنند ﴿۲۰﴾ کسانی که آن‌چه را خداوند امر به پیوند آن کرده است، محترم شمرده و رعایت می‌کنند. و از قهر پروردگارشان، خوف دارند. و از بدی حساب و دستاوردها، بیمناکند ﴿۲۱﴾ کسانی که به خاطر جلب رضایت پروردگارشان ادر برابر سختی‌ها، صبر می‌کنند. و نماز به پا می‌دارند. و از آن‌چه روزی‌شان کردیم چه در نهان و چه در آشکار انفاق می‌کنند. و [تلاش می‌کنند تا] با نیکی کردن، بدی‌ها را از بین ببرند. بدون شک، زندگی جاودان، از آن‌هاست ﴿۲۲﴾ آن‌ها و هر کس از پدران و همسران و فرزندان‌شان، که عملکردی خوب و مفید داشته باشند، به بهشت‌های جاودان داخل می‌شوند. و فرشتگان نیز از هر دری به استقبالشان می‌آیند ﴿۲۳﴾ سلام بر شما، به خاطر آن همه صبر و استقامتی که از خود نشان دادید! مبارک است، این زندگی خوب جاودانی ﴿۲۴﴾ کسانی که عهد الهی را پس از تحکیم آن [گستاخانه]، می‌شکنند. و پیوندهایی را که خداوند امر به رعایت آن کرده، قطع می‌کنند. و در زمین فساد و تباهی به راه می‌اندازند. بدون تردید، نفرین بر آن‌ها باد! جایگاه بدی برای‌شان مهیاست ﴿۲۵﴾ این، الله است که روزی هر کس را صلاح بداند وسعت می‌بخشد، و [هر کس را صلاح بداند] بر او تنگ می‌گیرد. [مردم] به زندگی دنیوی، شادمانند. حال آن‌که، زندگی دنیا در برابر زندگی جاودان، چیزی جز یک بهره‌اندک نیست ﴿۲۶﴾ و کسانی که کافرند [و حقایق را انکار می‌کنند]، می‌گویند: چرا از جانب پروردگارش معجزه‌ای بر او نازل نمی‌شود؟! بگو: خداوند هر که را صلاح بداند در گمراهی می‌گذارد و کسانی را که روی سوی او می‌آورند، هدایت می‌کند ﴿۲۷﴾ آن‌ها که به حقایق ایمان آورده‌اند، قلب‌هایشان با یاد خدا آرام می‌گیرد. بدانید! که قلب‌ها فقط با یاد خدا آرام می‌گیرد! ﴿۲۸﴾

کسانی که به حقایق ایمان دارند، و عملکردشان سراسر خوبی و خدمت است، خوشا به حالشان. و گوارا باد سرنوشت نیکشان! ﴿۲۹﴾ ما تو را به سوی امتی فرستادیم، که قبل از آنها، امت‌های دیگری بودند. تا آن چه را بر تو وحی کردیم بر آنها بخوانی، هر چند آنها به خدای بخشنده کافر شوند! بگو: او پروردگار من است و جز او هیچ معبودی نیست، بر او توکل می‌کنم و توبه من به درگاه اوست! ﴿۳۰﴾ اگر [قرار بود] قرآنی، کوه‌ها را به جنبش وادارد و زمین را [از عظمت خود]، پاره پاره کند و مردگان را به سخن وادارد [جز این قرآن نبود]. همه امور به دست خداست! آیا اهل ایمان نمی‌دانند که اگر خدا می‌خواست، همه مردم را [به اجبار] هدایت می‌کرد؟! پیوسته به آنها که حقایق را انکار می‌کنند، به خاطر عملکردشان، مصائب سختی وارد می‌شود، و یا [این مصائب]، به نزدیکی خانه‌هایشان فرود می‌آید! [و این روند ادامه دارد]، تا زمانی که وعده الهی فرا رسد! و خداوند، هیچ‌گاه از وعده خود تخلف نمی‌کند ﴿۳۱﴾ بدان که پیامبران قبل از تو نیز، تمسخر می‌شدند. به منکران حقیقت مهلت دادم. سپس [گریبان] آنها را گرفتم، و چه سخت بود مجازات من! ﴿۳۲﴾ آیا کسی که، بر همه مسلط است. و اعمال همه را می‌بیند. [چون خدایان دروغین است]؟! آنها همتیانی برای خداوند قائل شده‌اند. بگو: آنها را نام ببرید. شاید می‌خواهید خداوند را از وجود چیزهایی در زمین با خبر کنید که نمی‌داند؟! و یا سخنان بی‌محتوا می‌گویند؟! نه! در نظر اهل کفر، نقشه‌های فریبکارانه‌شان زیبا جلوه‌گر شده است! راه [نجات‌بخش الهی] بر آنها بسته شده است! بدانید هر کس را خدا در گمراهی بگذارد، هیچ راهنمایی برای او وجود ندارد ﴿۳۳﴾ در زندگی دنیا، گرفتار عذاب خواهند بود. حال آن که عذاب آخرت، بسیار سخت‌تر است! و برای آنها در برابر مجازات خداوند، هیچ محافظی وجود ندارد ﴿۳۴﴾

به تمثیل، در آن بهشتی که به حرمت گزاران خداوند وعده داده شده است نهرها جاری است. میوه‌ها و سایه‌های درختانش همیشگی است. و این سرنوشت کسانی است که، حرمت خداوند را نگاه داشتند. اما سرنوشت منکران حقیقت، آتش است! ﴿۳۵﴾ کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده‌ایم. از آن چه بر تو نازل شده شادمانند. اما برخی گروه‌ها، بعضی از آن را انکار می‌کنند! بگو: من مأمور شده‌ام تا خدا را بنده باشم. و به او شرک نوزم. و به سوی او [مردم را] بخوانم، زیرا بازگشت همه به سوی اوست! ﴿۳۶﴾ و این چنین بر تو آیاتی حکیمانه، به زبانی روان و گویا نازل کردیم. چنانچه از خواهش‌های نفسانی آن‌ها پیروی کنی، آن هم بعد از آن که از حقیقت آگاه شده‌ای، بدان که در برابر مجازات خداوند، هیچ یاور و نگهداری نخواهی داشت ﴿۳۷﴾ ما پیامبرانی را قبل از تو فرستادیم، و برای آن‌ها همسران و فرزندان قرار دادیم. حال آن که هیچ پیامبری نمی‌توانست بدون اجازه خداوند معجزه‌ای بیاورد! بدان که برای هر زمانی، کتابی است [که پایانش در آن مشخص شده است] ﴿۳۸﴾ خداوند هر چه را صلاح بداند، محو و نابود می‌کند. و [هر چه را صلاح بداند] پایدار و استوار می‌گرداند! و امّ‌الکتاب [سرآمد همه کتابها] نزد اوست ﴿۳۹﴾ چه قسمتی [از مجازات‌هایی را] که به آن‌ها وعده داده‌ایم [در زمان حیات] به تو نشان دهیم، یا [قبل از آن] تو را بمیرانیم، بدان که تو فقط مأمور ابلاغ هستی. و حساب، برعهده ماست! ﴿۴۰﴾ آیا نمی‌بینند که ما پیوسته [عمر] زمین را از هر طرف کم می‌کنیم؟! این خداوند است که حکم می‌راند، هیچ کس توانایی جلوگیری از حکم او را ندارد و او کسی است که سریعاً به حساب‌ها رسیدگی می‌کند ﴿۴۱﴾ قبل از آن‌ها کسانی بودند که نقشه‌های فریبکارانه می‌کشیدند، حال آن که خداوند تدبیر کننده همه امور است. از دستاورد هر کس باخبر است. و به زودی منکران حقیقت خواهند دانست، که زندگی جاودانه از آن کیست؟! ﴿۴۲﴾

و کسانی که به حقایق کافرند، می‌گویند: تو پیامبر نیستی! بگو: خدا و کسانی که علم به قرآن دارند برای گواهی دادن به حقانیت رسالت من کافیست! ﴿۴۳﴾

سوره ابراهیم

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

الر، کتابی بر تو نازل کردیم [تا به واسطه آن]، مردم را از تاریکی های جهل و ظلم، به نور آگاهی و آرامش رهنمون باشی! به اذن پروردگارشان، به راه خدایی که قدرتمند و ستودنی است [هدایت کنی]. ﴿۱﴾ [هدایت به راه] خدایی که هر چه در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست. پس وای بر کافران از عذاب طاقت‌فرسایی، که در انتظارشان است! ﴿۲﴾ همان‌هایی که زندگی دنیا را به زندگی جاوید، ترجیح داده‌اند. [همان‌هایی که با حیل‌های مختلف] راه نجات‌بخش خدا را بر مردم می‌بندند، و آن را سخت و طاقت‌فرسا جلوه می‌دهند [تا بر مردم مسلط باشند]. بدانید! که این‌ها در اعماق گمراهی‌اند ﴿۳﴾ ما هیچ پیامبری را بر قومی نفرستادیم، مگر آن که [امر کردیم]، به زبان همان قوم سخن بگوید، تا [حقایق را] برای آن‌ها تبیین کند. بدانید که خداوند، هر کس را صلاح بداند در گمراهی می‌گذارد، و هر کس را صلاح بداند هدایت می‌کند! و او قدرتمند و حکیم است ﴿۴﴾ ما موسی را با آیات خویش فرستادیم که: ای موسی! قوم خود را از تاریکی‌های جهل و ظلم به نور آگاهی و آرامش رهنمون باش، و به آنان روزهای خدا را یادآور شو، زیرا در آن‌ها برای هر کس که صبور و شکور است، نشانه‌ها و عبرت‌هایی است! ﴿۵﴾

و هنگامی که موسی به قومش گفت: یاد آورید نعمت‌هایی را که خدا به شما عطا کرده است. آن هنگام که شما را از دست فرعونیان نجات داد. همان‌هایی که به بدترین وجهی شما را شکنجه می‌کردند، پسرانتان را سر می‌بریدند و دخترانتان را زنده نگاه می‌داشتند! و در همه این‌ها، امتحان بزرگی از جانب خداوند وجود داشت! ﴿۶﴾ و [یاد آورید!] آن هنگام را که پروردگارتان اعلام کرد: اگر شکر [نعمت‌ها را] به جا آورید بدون تردید آن‌ها را افزایش می‌دهم. اما اگر کفرانِ نعمت کنید، بدانید! که مجازات من سخت است! ﴿۷﴾ موسی گفت: ای مردم اگر همه شما و اهل زمین، کفران نعمت کنید [و حقایق را انکار نمایید]، باز بدانید که خداوند بزرگ، بی‌نیاز و در خور ستایش است! ﴿۸﴾ آیا اخبار سرگذشت کسانی که قبل از شما بودند چون قوم نوح و عاد و ثمود، و کسانی که بعد از آن‌ها آمدند، به شما نرسیده است؟! از حقیقت ماجرای آن‌ها، کسی جز خدا آگاه نیست. پیامبرانشان با دلایلی روشن به نزدشان آمدند. اما آن‌ها (از روی انکار)، دست‌هایشان را به سوی دهانشان بردند و گفتند: ما رسالتی را که شما آورده‌اید انکار می‌کنیم، و به چیزهایی که می‌گویید و ما را بدان می‌خوانید، سخت مشکوکیم! ﴿۹﴾ پیامبرانشان گفتند: آخر مگر می‌توان در وجود خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده شک کرد؟! (اصلاً شکی وجود دارد)؟! خدا شما را می‌خواند تا از گناهانتان درگذرد، و به شما مهلتی دیگر دهد! گفتند: شما پیامبران، بشری هستید مثل ما. فقط می‌خواهید ما را از آن‌چه پدرانمان می‌پرستیدند باز دارید! [به جای این حرف‌ها] دلیل روشنی برای‌مان بیاورید! ﴿۱۰﴾

پیامبران‌شان گفتند: درست است. ما نیز بشری مثل شما هستیم. اما بدانید! خداوند، بر هر کدام از بندگانش که صلاح بداند، نعمت رسالت عطا می‌کند و ما سزاوار نیستیم که معجزه و دلیلی بدون اذن خدا برایتان بیاوریم! بدانید که اهل ایمان، بر خداوند بزرگ توکل می‌کنند! ﴿۱۱﴾ و چگونه بر خداوند توکل نکنیم در حالی که او ما را به مسیرهایمان هدایت کرده است! پس نسبت به آزار شما، صبر و استقامت پیشه می‌کنیم، زیرا توکل‌کنندگان، بر خداوند بزرگ توکل می‌کنند ﴿۱۲﴾ و کسانی که حقایق را انکار کردند، به پیامبران‌شان گفتند: شما را از سرزمین‌مان بیرون می‌کنیم مگر آن که آئین ما را قبول کنید! پس خدا بر پیامبران وحی کرد [حال که چنین است]، بدون تردید ظالمان را هلاک می‌کنیم ﴿۱۳﴾ و شما را به جای آن‌ها در زمین مستقر می‌نماییم. و این موفقیت، از آن کسی است که از مقام رفیع من، پروا داشته باشد. و از مجازاتم بهراسد! ﴿۱۴﴾ [اهل ایمان از خداوند] تقاضای فتح و پیروزی کردند، و بدینسان، هر ظالم گردن‌کشی نابود گشت! ﴿۱۵﴾ و به دنبال او دوزخ است، تا در آن جا از آبی متعفن سیراب شود! ﴿۱۶﴾ [آبی چنان بد و متعفن] که به زحمت جرعه جرعه می‌نوشد، و اگر به میل خودش بود هرگز نمی‌آشامید! مرگ از هر سو بر او می‌تازد، و [با آن که آرزوی مرگش را می‌کند] هرگز نمی‌میرد، زیرا عذاب‌های سخت به سراغش می‌آیند! ﴿۱۷﴾ مثل اعمال کسانی که پروردگارشان را انکار کردند، چون خاکستری است که در یک روز طوفانی، باد شدیدی بر آن بوزد، در حالی که آن‌ها توانایی نگهداری دستاوردهایشان را ندارند! و این است اعماق گمراهی! ﴿۱۸﴾

^۱ اگر پرده از لذایذ نفسانی و خواهش‌های پست، برکشیده شود و حقایق آن آشکار گردد و چرک و نکبت و آلودگی‌اش، بر ملا شود، آیا باز کسی طمع به آن خواهد کرد؟! چون حقیقت امور روشن شود، آدمی از آنچه برایش حریص بوده است پشیمان خواهد شد! عذاب ما، در خواسته‌ها و آرزوهایمان مستتر است!

آیا نمی‌بینی که خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق خلق کرده است. و اگر بخواهد می‌تواند همهٔ شما را نابود کند، و مخلوقات جدیدی بیاورد! ﴿۱۹﴾ و این کار برای خدا دشوار نیست ﴿۲۰﴾ وقتی همه در پیشگاه خداوند حاضر شوند، ناتوانان به مستکبران گویند: ما [در دنیا]، پیرو شما بودیم. آیا اکنون می‌توانید برای ما [مفید باشید و] چیزی از عذاب الهی کم کنید؟! [مستکبران] گویند: اگر خدا ما را هدایت کرده بود، ما نیز شما را هدایت می‌کردیم؛ اما اکنون، همهٔ ما در یک وضعیت قرار داریم. چه صبر کنیم و چه بی‌تابی کنیم، هیچ راه خلاصی نداریم! ﴿۲۱﴾ و هنگامی که کار تمام شود شیطان گوید: خداوند به شما وعده‌ای به حق داد و آن را عمل کرد! من نیز به شما وعده دادم و عمل نکردم! من در دنیا بر شما تسلطی نداشتم، غیر از آن که شما را دعوت می‌کردم [و به چیزهای واهی می‌خواندم]. شما نیز دعوت مرا اجابت می‌کردید! پس اکنون مرا سرزنش نکنید. بلکه خودتان را ملامت کنید! حال، نه من نجات‌بخش شمایم و نه شما نجات‌بخش من! بدانید که من از آن زمان که، مرا و وسوسه‌هایم را پرستش می‌کردید بیزارم! راهی نیست و ظالمان گرفتار عذاب دردناکند! ﴿۲۲﴾ و اما آن‌ها که به حقایق ایمان دارند، و عملکردشان سراسر خوبی و خدمت است. به بهشت‌هایی وارد شوند که نهرها در آن جاری است. و در آن جا به فرمان خدا جاودانه می‌مانند. در حالی که با سلام، به یکدیگر خوشامد می‌گویند! ﴿۲۳﴾ آیا متوجه نشدی که خدا چگونه مثل زد؟! بدان که سخن پاک و با حقیقت، مثل درخت پاکیزه‌ای است که ریشه‌اش [در زمین]، محکم گشته و شاخه‌هایش سر به آسمان کشیده است ﴿۲۴﴾

این درخت به اذن خدا، در هر زمان میوه هایش را به ثمر می‌نشانند! و خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند، شاید [حقیقی را که فراموش کرده‌اند] بیاد آورند ﴿۲۵﴾ و مثل سخن زشت و ناحق، چون هرزه گیاهی پلید است که [عاقبت] از زمین کنده خواهد شد و ثبات و قراری نخواهد داشت ﴿۲۶﴾ و خداوند، اهل ایمان را به خاطر سخنان متین و استوارشان، هم در زندگی دنیا و هم در آخرت، ثابت قدم می‌دارد و ظالمان را در گمراهی می‌گذارد. بدانید که خداوند هرچه را صلاح بداند، بدان عمل می‌کند ﴿۲۷﴾ آیا کسانی که نعمت‌های خداوند را کفران کردند، و قومشان را به نابودی کشانند. مشاهده نکردی؟! ﴿۲۸﴾ آن‌ها به جهنم وارد می‌شوند و چه بد قرارگاهی است [این جهنم!] ﴿۲۹﴾ به کسانی که برای خداوند شریکانی قائل شدند تا مردم را از راه نجات‌بخش الهی منحرف کنند، بگو: [اکنون از دنیایتان] لذت ببرید! که به زودی سرنوشت‌تان به آتش ختم می‌شود! ﴿۳۰﴾ به بندگان من که اهل ایمانند بگو: پیش از آن که روزی برسد که دیگر در آن داد و ستدی نباشد و هیچ پیوند دوستی به کار نیاید، نماز به پا دارند، و از آن‌چه روزی‌شان کردیم در نهان و آشکار انفاق کنند ﴿۳۱﴾ الله، خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان بارانی فرستاد تا به وسیله آن میوه‌ها را به ثمر نشانند تا روزی شما شوند، و کشتی‌ها را زیر سلطه شما قرار داد تا به اذن خدا در دریاها به پیش روید، و هم‌چنین شما را بر رودها مسلط کرد ﴿۳۲﴾ و خورشید و ماه را که همواره در مدار خویش‌اند در خدمت شما قرار داد هم چنان که شب و روز را در اختیارتان گذاشته است ﴿۳۳﴾

و هرچه را خواستید خداوند در اختیارتان گذاشت. بدانید! اگر بخواهید نعمت‌های او را بشمارید هرگز نمی‌توانید آمار آن را بگیرید. حقیقتاً انسان [نسبت به حق] ظالم و ناسپاس است! ﴿۳۴﴾ و [یاد آر!] هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا! این شهر را محل امن قرار بده. و من و فرزندانم را از پرستش بتان دور کن! ﴿۳۵﴾ پروردگارا! آن بتان، بسیاری از مردم را گمراه کرده‌اند. پس هر کس از من تبعیت کرد، از من است و هر کس از دعوت من سرپیچی نمود، پروردگارا تو آمرزنده و با گذشتی! ﴿۳۶﴾ پروردگارا! من برخی فرزندانم را در چنین سرزمین خشک و بی آب و علفی کنار خانه مقدس تو ساکن کردم، تا نماز به پا دارند. پس قلب‌های مردم را چنان کن که همواره در تب و تاب دیدارشان باشند. و از هر نعمتی روزی‌شان ده، شاید به مقام شاکران نائل شوند ﴿۳۷﴾ پروردگارا! تو از هرچه نهان می‌کنیم و آشکار می‌سازیم آگاهی. زیرا هیچ چیز، نه در زمین و نه در آسمان بر خداوند مخفی نیست ﴿۳۸﴾ ستایش خدایی را که در سن سالخوردگی، اسماعیل و اسحاق را به من عطا کرد. حقیقتاً پروردگار من دعاها را خوب می‌شنود ﴿۳۹﴾ پروردگارا! من و فرزندانم را بر پا کننده نماز قرار ده و [خودت] دعای ما را بپذیر ﴿۴۰﴾ پروردگارا! مرا و پدر و مادر مرا و تمام اهل ایمان را، در روزی که حسابرسی آغاز می‌شود، بیامرز ﴿۴۱﴾ و مپندار که خداوند از عملکرد ظالمان غافل است! خدا آن‌ها را تا آن روزی که چشم‌ها مات و مبهوت می‌مانند، مهلت داده است! ﴿۴۲﴾

[در آن روز عذاب، از تعجب] گردن‌هایشان برافراشته و سرهایشان رو به آسمان است. و حتی از ترس پلک نمی‌زنند. در حالی که قلب‌هایشان از خوف فرو ریخته و خالی گشته است ﴿۴۳﴾ و مردم را نسبت به روزی که عذاب به سراغ‌شان می‌آید هشدار ده. همان روزی که ظالمان گویند: پروردگارا! مدّت کوتاهی را به ما مهلت ده، تا دعوت را بپذیریم و پیامبران را پیروی کنیم. [اما به آن‌ها گفته می‌شود]: آیا شما نبودید که قسم می‌خوردید، هیچ‌گاه زوال و نابودی برایتان نیست؟! ﴿۴۴﴾ [آیا شما نبودید که درست] در همان منازل و کاخ‌های کسانی که به خود ظلم روا داشتند ساکن شدید، در حالی که آن‌چه را بر سرشان آوردیم به خوبی می‌دانستید و مثل‌های زیادی برایتان زدیم؟! ﴿۴۵﴾ آن‌ها نقشه‌های فریبکارانه کشیدند، در حالی که خداوند، از نقشه‌هایشان آگاه بود. هر چند از حيله‌شان کوه از پای در می‌آمد! ﴿۴۶﴾ و مپندار که خداوند از وعده‌ای که به پیامبرانش داده تخلف خواهد کرد! خداوند، قدرتمند و انتقام‌گیرنده است ﴿۴۷﴾ و در آن روز که این زمین و آسمان‌ها به چیز دیگری تبدیل شوند، همه آن‌ها در پیشگاه یگانه قهار حاضر خواهند بود ﴿۴۸﴾ در آن روز مجرمان را کنار هم، با غل و زنجیر خواهی دید ﴿۴۹﴾ لباس‌شان (کالبد‌هایشان) از ماده بد - بوی سوزنده است و صورت‌هایشان را آتش پوشانده است ﴿۵۰﴾ تا خداوند هر کس را نسبت به دستاوردش جزا دهد. بدانید خدا به سرعت به حساب‌ها رسیدگی می‌کند ﴿۵۱﴾ این [قرآن] ابلاغی است برای مردم، تا [نسبت به مجازات الهی] انذار شوند! و بدانند که او خدای یگانه است و خردمندان نیز پند بگیرند ﴿۵۲﴾

سوره حجر

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

الر، اینها آیات کتاب و قرآن بیان کننده حقایق است! ﴿۱﴾ [هنگامی که دستاورد اعمال هر کس داده شود] چه بسا کافران آرزو کنند، ای کاش تسلیم [حق] شده بودند! ﴿۲﴾ رهایشان کن تا بخورند و در لذت‌های دنیوی غرق باشند و آرزوهای [دست نیافتنی] سرگرم‌شان سازد. به زودی حقایق را خواهند فهمید! ﴿۳﴾ و ما اهل هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم، مگر آن که [پایان] کارشان در کتابی مشخص شده بود ﴿۴﴾ هیچ جماعتی از اجلی که برای‌شان تعیین شده نه زودتر آیند و نه تأخیر کنند ﴿۵﴾ [منکران حقیقت] گفتند: ای کسی که قرآن بر تو نازل شده! بی‌شک تو دیوانه‌ای! ﴿۶﴾ اگر راست می‌گویی چرا فرشتگان را به ما نشان نمی‌دهی؟! ﴿۷﴾ ما فرشتگان را جز به حق نمی‌فرستیم. اما وقتی بیایند دیگر به آنها مهلتی داده نمی‌شود! ﴿۸﴾ این ماییم که قرآن را نازل کردیم و خود نیز حفاظتش می‌کنیم! ﴿۹﴾ ما رسولان خود را پیش از تو به سوی اقوام گذشته فرستادیم ﴿۱۰﴾ و بدان که هیچ پیامبری نزد آنها نیامد مگر آن که او را تمسخر کردند ﴿۱۱﴾ ما این‌چنین قرآن را در اعماق وجود مجرمان جاری می‌کنیم ﴿۱۲﴾ و به آن ایمان نمی‌آورند، و این راه و رسم اقوام پیشین نیز بوده است ﴿۱۳﴾ حتی اگر دری از [درهای] آسمان را به رویشان باز کنیم و از آن عروج کنند، ﴿۱۴﴾ باز می‌گویند: ما را چشم‌بندی کرده‌اند، بلکه همه ما جادو شده‌ایم! ﴿۱۵﴾

ما مجموعه ستارگانی را در آسمان قرار دادیم و آن‌ها را در نظر بینندگان، زیبا جلوه‌گر ساختیم ﴿۱۶﴾ و آن‌ها را از هر شیطان مطرودی حفظ نمودیم ﴿۱۷﴾ و جز آن که [خواسته باشد حقایق آسمانی را] استراق سمع کند، که در این صورت شهاب‌های روشن او را تعقیب می‌کنند! او آن‌ها را از چیزی که لیاقتش را ندارند دور خواهند کرد! ﴿۱۸﴾ و زمین را وسعت دادیم و کوه‌ها را در آن برافراشتیم و به طور دقیق و سنجیده از هر چیزی در آن رویاندیم ﴿۱۹﴾ و روزی و معیشت شما و کسانی را که شما روزی‌دهنده آن‌ها نیستید، در آن قرار دادیم ﴿۲۰﴾ و هیچ چیزی وجود ندارد مگر آن که خزائن آن نزد ماست (مجموعه‌ای از مقدرات، توانائی‌ها، روزی، اجل و ...) و ما آن را فقط به اندازه معین نازل می‌کنیم ﴿۲۱﴾ و ما بادهایی را که باعث باروری گیاهان و ابرها و ... می‌شوند فرستادیم، و از آسمان آبی نازل کردیم تا شما را به واسطه آن سیراب کنیم. در حالی که شما توانایی حفظ و نگهداری آن را ندارید! ﴿۲۲﴾ این ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و ما وارث هستیم! ﴿۲۳﴾ و این نکته را هم به گذشتگان و هم به آیندگان گوشزد کرده‌ایم [و از دستاورد همه آگاهیم] ﴿۲۴﴾ بدان! که پروردگارت [دوباره] آن‌ها را محشور خواهد کرد، زیرا او حکیم و آگاه است ﴿۲۵﴾ و ما انسان را از گل خشک و لجن بد بو آفریدیم! ﴿۲۶﴾ و جن را پیش از این از آتش گرم و سوزان خلق کردیم ﴿۲۷﴾ و یاد آر! هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: می‌خواهم بشری از گل خشک و لجن بد بو بیافرینم! ﴿۲۸﴾ و چون آفرینش او را تمام کردم و از روح خود در او دمیدم [به فرشتگان گفتم]: همه او را سجده کنید! ﴿۲۹﴾ همه فرشتگان سجده کردند ﴿۳۰﴾ مگر ابلیس که إبا کرد از سجده‌کنندگان باشد ﴿۳۱﴾

[او خدا] گفت: ای ابلیس، چرا تو همراه دیگران [آدم را] سجده نکردی؟! ﴿۳۲﴾ گفت: نمی‌خواهم بشری را سجده کنم که او را از گل خشک و لجن بدبو آفریده‌ای! ﴿۳۳﴾ [خدا] گفت: از این مقام و مرتبت بیرون رو که [از درگاه ما] رانده شده‌ای! ﴿۳۴﴾ و تا ابد نفرین بر تو باد! ﴿۳۵﴾ گفت: پروردگارا تا روز قیامت مهلتم ده! ﴿۳۶﴾ [خدا] گفت: تو از مهلت یافتگانی ﴿۳۷﴾ البته تا روزی که وقتش معلوم است ﴿۳۸﴾ گفت: پروردگارا به خاطر این که مرا فریب دادی، در روی زمین [زشتی‌ها را] در نظرشان زیبا جلوه‌گر کنم و همه آن‌ها را گمراه سازم. ﴿۳۹﴾ مگر آن بندگان که رهایی یافته‌اند! ﴿۴۰﴾ [خدا] گفت: این راه راست و درستی است که به من می‌رسد ﴿۴۱﴾ تو بر بندگان من هیچ سلطه‌ای نداری! مگر برکسانِ گمراهی که از تو تبعیت کنند ﴿۴۲﴾ که در این صورت وعده گاه همه شان جهنم خواهد بود! ﴿۴۳﴾ جهنمی که هفت دروازه دارد و برای هر گروهی دروازه‌های مشخص است ﴿۴۴﴾ [اما] کسانی که حرمت اوامر خدا را نگاه دارند در باغ‌های بهشت در کنار چشمه سارها هستند ﴿۴۵﴾ [به آن‌ها گویند]: در کمال سلامت و امنیت داخل این بهشت‌ها شوید! ﴿۴۶﴾ و هر گونه تعلقات باطل را از دل هایشان می‌زداییم، زیرا همه برادر یکدیگرند. و بر تخت‌ها روبه روی هم می‌نشینند ﴿۴۷﴾ هرگز خستگی و افسردگی سراغ آن‌ها نمی‌آید و از این بهشت زیبا بیرونشان نمی‌کنند ﴿۴۸﴾ بندگانم را آگاه کن تا بدانند! من آمرزنده و بسیار باگذشتم ﴿۴۹﴾ همچنان که مجازات من، مجازات دردناکی است ﴿۵۰﴾ و مردم را از مهمانانی که بر ابراهیم وارد شدند آگاه کن ﴿۵۱﴾

^۱ مگر فریبی در کار بوده است که ابلیس این‌گونه با خداوند سخن می‌گوید؟! الف - این‌گونه سخن گفتن نشانه غرور و تکبر ابلیس است که آیاتی از قرآن به آن اشاره کرده است، زیرا متکبر همواره به جای طلب عفو و بخشش، گستاخی می‌کند! ب- شاید ابلیس پنداشته است که خداوند با صدور چنین دستوری می‌خواهد فرشتگان را بیازماید، پس او که می‌داند فقط خداوند لایق سجده است، از این امر سرپیچی می‌کند تا به زعم خود در این امتحان قبول شده و از این رهگذر امتیاز و پاداش الهی برای خود دست و پا کند! اما هنگامی که متوجه می‌شود که دستور خداوند کاملاً حقیقی است احساس می‌کند فریب خورده است! و اگر چنین هم باشد فریب برداشت خود را خورده است، زیرا حکم فقط حکم خداست! وقتی امری از جانب خدا صادر می‌شود، مطاع است. آنکه رها از تعلق و آرزو و وابستگی است از بند شیطان، رسته است.

^۲ مخلصین، همان آزادگان و خلاص شده‌گانند. کسانی که از شر ذهن مخیط و شرطی‌شدگی‌ها رهایی یافته‌اند، این آزادی، این خلاصی این عدم تعلق، کلید فهم قرآن است. شروع رستگاری است و شیطان بر چنین کسانی هیچ تسلطی ندارد.

هنگامی که [رسولان] به نزدش آمدند و سلام کردند ابراهیم گفت: ما از شما می‌ترسیم! ﴿۵۲﴾ گفتند: از ما نترس، ما آمده‌ایم تا تو را به تولد پسری آگاه بشارت دهیم ﴿۵۳﴾ گفت: آمده‌اید تا مرا [به فرزندی] بشارت دهید در حالی که من پیر و سالخورده‌ام؟! بر چه اساسی این بشارت را می‌دهید؟! ﴿۵۴﴾ گفتند: این بشارت را به حق می‌دهیم. از ناامیدان نباش! ﴿۵۵﴾ گفت: هیچ کس از رحمت پروردگارش ناامید نمی‌شود مگر آن که از گمراهان باشد! ﴿۵۶﴾ و گفت: ای رسولان به چه کار آمده‌اید؟! ﴿۵۷﴾ گفتند: ما برای عذاب قوم مجرمان آمده‌ایم! ﴿۵۸﴾ به جز خانواده لوط، که موظفیم همه آن‌ها را نجات دهیم ﴿۵۹﴾ که البته به غیر از همسرش، زیرا مقرر کرده‌ایم او از جمله بازماندگان در شهر باشد! ﴿۶۰﴾ و چون رسولان نزد خانواده لوط آمدند ﴿۶۱﴾ لوط گفت: شما قومی ناشناخته‌اید! ﴿۶۲﴾ گفتند: آن چه را که مردم در آن شک می‌کردند آورده‌ایم! ﴿۶۳﴾ و ما با حق بر تو وارد آمده‌ایم و راست می‌گوییم ﴿۶۴﴾ پس نیمه شب خانواده‌ات را بیرون ببر و تو در پی آنها حرکت کن. و نباید هیچ کس از شما پشت سرش را نگاه کند! به هر جا که فرمانتان دادند حرکت کنید! ﴿۶۵﴾ و به او حقیقت ماجرا را گفتیم، که تا صبح ریشه همه این‌ها کنده خواهد شد! ﴿۶۶﴾ و اهل شهر، شادمان [به سوی خانه لوط] آمدند ﴿۶۷﴾ و لوط گفت: این‌ها مهمانان من هستند، آبروی مرا مرزید! ﴿۶۸﴾ و از خدا بترسید و سرافکننده‌ام مکنید! ﴿۶۹﴾ گفتند: مگر تو را از ارتباط با جهانیان نهی نکرده بودیم؟! ﴿۷۰﴾

^۱ خداوند را رسولانی قدرتمند است که در ناشناسی بسر می‌برند، آن‌چنان که ممکن است حتی پیامبران آن‌ها را نشناسند! ایشان بسیار قدرتمندند و بی هیچ کوتاهی فقط امر خدا را به انجام می‌رسانند، این نیروهای الهی توانایی آن را دارند که کالبد انسانی بگیرند. نیروهای «سلام» از جمله رسولان قدرتمندند که جهانی هستند! برای آگاهی بیشتر به کتاب «روح ربانی» از مترجم، رجوع شود.

لوط گفت: دختران من حاضرند اگر می‌خواهید کار صحیحی انجام دهید [با آن‌ها ازدواج کنید!] ﴿۷۱﴾ [ای پیامبر!] به جان تو قسم، که آن‌ها در مستی‌شان حیرانند! ﴿۷۲﴾ چون صبح طلوع کرد، صیحه‌ای [مرگبار] همه‌شان را فرا گرفت ﴿۷۳﴾ دیارشان را زیر و رو کردیم و بارانی از سنگ سجّیل بر آن‌ها باریدیم ﴿۷۴﴾ و در همهٔ این‌ها عبرت‌هایی برای هوشیاران است! ﴿۷۵﴾ ویرانه‌های آن شهر، اکنون بر سر راهی به جا مانده است! ﴿۷۶﴾ و در آن عبرتی برای اهل ایمان است ﴿۷۷﴾ اصحاب «ایکه»^۱ قطعاً قومی ظالم بودند! ﴿۷۸﴾ از آن‌ها انتقام گرفتیم. و اکنون [ویرانه‌های] قوم لوط و اصحاب ایکه بر سر راهی آشکار است! ﴿۷۹﴾ و اصحاب «حجر» (قوم ثمود) پیامبران را تکذیب کردند ﴿۸۰﴾ ما آیات نجات‌بخشمان را به آن‌ها دادیم اما آن‌ها از آن روی برگرداندند ﴿۸۱﴾ و رفتند خانه‌هایی از کوه تراشیدند تا در امنیت باشند! ﴿۸۲﴾ اما صبحگاهان، صیحه‌ای [مرگبار] همه‌شان را فرا گرفت ﴿۸۳﴾ و دستاوردها نتوانست نجات‌شان دهد ﴿۸۴﴾ و بدانید! که ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن‌هاست فقط براساس حق خلق کردیم و بدانید که قیامت آمدنی است! پس از همه، به زیبایی و بزرگواری درگذر! ﴿۸۵﴾ بدان که پروردگارت خَلّاقی آگاه است ﴿۸۶﴾ ما به تو سورهٔ حمد و قرآن بزرگی داده‌ایم ﴿۸۷﴾ و هرگز چشمت، به متاعی که به برخی از اهل دنیا داده‌ایم نباشد. و غصهٔ آن‌ها را مخور و برای اهل ایمان نهایت احترام را قائل شو! ﴿۸۸﴾ و بگو: من هشداردهندهٔ روشن‌گرم ﴿۸۹﴾ [ما بر منکران حقیقت عذاب می‌فرستیم] هم‌چنان که بر تجزیه‌کنندگان [قرآن] عذاب فرستادیم! ﴿۹۰﴾

^۱ قوم شعیب، که صاحب سرزمینی پر درخت و سرسبز بودند.

همان هایی که قرآن را تقسیم کردند [و آن چه به سودشان بود برداشتند و آن چه مخالف هوای نفسشان بود ترک کردند] ﴿۹۱﴾ و به پروردگارت قسم که همه آن ها را بازخواست خواهیم کرد ﴿۹۲﴾ [و این بازخواست] به خاطر عملکردشان خواهد بود ﴿۹۳﴾ و آن چه را که بدان مأمور شده‌ای، روشن و قاطع بگو و از مشرکان روی بگردان ﴿۹۴﴾ ما تو را در برابر آن ها که حقایق را تمسخر می کنند، کفایت می کنیم ﴿۹۵﴾ کسانی که با الله، خدای دیگری قائل می شوند، به زودی از حقیقت آگاه خواهند شد! ﴿۹۶﴾ ما می دانیم که تو از آن چه می گویند سینهات به درد آمده است ﴿۹۷﴾ پس پروردگارت را ستایش کن و از سجده کنندگان باش ﴿۹۸﴾ [آن قدر] پروردگارت را عبادت کن تا یقین تو را فرا گیرد ﴿۹۹﴾

سوره نحل

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

فرمان الهی [برای عذاب منکران حقیقت] صادر شده است. بدان عجله مکنید! پاک و منزّه است خدا، و نسبت به شرکی که می ورزند برتر و والاتر ﴿۱﴾ خدا، فرشتگان را همراه با روحی که با امر اوست، بر هر کدام از بندگانش که صلاح بداند نازل می کند تا هشدار دهند که: جز من هیچ خدایی نیست. پس فقط از من پروا داشته باشید! ﴿۲﴾ کسی که آسمان ها و زمین را به حق خلق کرده است. بدانید! خدا بلند مرتبه تر از شرکی است که می ورزند! ﴿۳﴾ خدایی که انسان را از نطفه ای به وجود آورد و اکنون او یک دشمن آشکار شده است! ﴿۴﴾ انعام (چهارپایان)^۳ را برای شما آفرید که در آن ها گرمای حیات بخشی برای شماست، هم چنین دارای منافع دیگرند و تعدادی از آن ها نیز برایتان قابل خوردن است ﴿۵﴾ و این [انعام] مایه شکوه و زینت شمایند آن گاه که به استراحتگاهشان برمی گردانید و آن گاه که به بیرون می فرستید! ﴿۶﴾

^۱ بسیاری یقین را در این جا به مرگ ترجمه کرده اند. اما بهتر دیدم که همان یقین باقی بماند.

^۲ امام علی (ع) : با یقین است که هدف نهایی بدست می آید. نهج البلاغه خطبه ۱۵۷، امام صادق (ع) : ایمان از اسلام برتر است و یقین از ایمان برتر است و چیزی کمیاب تر از یقین وجود ندارد. کافی، ج ۲، ص ۵۲؛ امام علی (ع) : نهایت یقین، اخلاص است و نهایت اخلاص «رهایی». غررالحکم ۵۴۸۸.

^۳ اهل معنا، انعام را کالبدها دانسته اند.

آن‌ها بارهای سنگین شما را به دیاری دیگر می‌برند، در حالی که [اگر نبودند] شما جز با مشقت فراوان نمی‌توانستید این کار را بکنید! بدانید که پروردگارتان مهربان و باگذشت است! ﴿۷﴾ اسب‌ها و استرها و الاغ‌ها را آفرید تا سوار آن‌ها شوید و مایهٔ زینت‌تان باشند، و نیز چیزهایی می‌آفریند که شما از آن بی‌خبرید! ﴿۸﴾ بر خداست که راه درست و نجات‌بخش را نمایان کند. بدانید که در میان راه‌ها، [راهی] انحرافی است! و اگر خدا صلاح می‌دانست همه شما را [به اجبار] هدایت می‌کرد ﴿۹﴾ و او کسی است که از آسمان آبی بر شما نازل کرد تا هم شما و هم گیاهان سیراب شوید و بتوانید چهارپایان را بچرانید ﴿۱۰﴾ و به واسطهٔ این آب، کشتزارها و باغ‌های زیتون و نخل و انگور و هر میوهٔ دیگر را می‌رویاند. بدانید در این‌ها برای اهل تفکر نشانه‌هایی است! ﴿۱۱﴾ و شب و روز و خورشید و ماه و ستارگان را در خدمت شما قرار داد، حال آن‌که به فرمان او به خدمت شما درآمده‌اند! در این‌ها نیز برای خردمندان نشانه‌هایی است ﴿۱۲﴾ در زمین نیز برایتان پدیده‌هایی آفرید که دارای رنگ‌های مختلف‌اند. در این نیز نشانهٔ روشنی است برای قومی که پند پذیرند! ﴿۱۳﴾ او کسی است که دریا را رام کرد تا شما از گوشت تازهٔ [آبزیان] بهره‌مند شوید، و از آن زیورآلاتی (چون مروارید) استخراج کنید، و خویشتن را به آن بیارایید، و می‌بینی که کشتی‌ها دریاها را می‌شکافند [و پیش می‌روند] تا شما از فضل و کرم بی‌انتهای خداوند روزی بطلبید، شاید شکرگزار شوید! ﴿۱۴﴾

و در زمین کوه‌های استوار و محکمی ایجاد کرد تا [توازن برقرار شود و زمین با حرکت خویش]، شما را نلرزاند. هم‌چنین رودها و راه‌هایی پدید آورد تا بتوانید به مقصد برسید ﴿۱۵﴾ و علاماتی ایجاد کرد و به واسطهٔ ستارگان، مردم راهنمایی شوند! ﴿۱۶﴾ آیا کسی که خلق می‌کند و می‌آفریند با کسی که نمی‌آفریند برابر است؟! پس چرا پند نمی‌گیرید؟! ﴿۱۷﴾ اگر [بخواهید تک تک] نعمت‌های خدا را بشمارید هرگز نمی‌توانید آمار آن را بگیرید! و خدا آمرزنده و با رحمت است ﴿۱۸﴾ خداوند بزرگ از آن‌چه پنهان می‌کنید، و یا آشکارا انجام می‌دهید آگاه است! ﴿۱۹﴾ کسانی که به جای خدا، دیگران را [برای نجات و آرامش خود] می‌خوانند، بدانند آن‌ها نمی‌توانند چیزی را به وجود آورند، زیرا خود مخلوق‌اند! ﴿۲۰﴾ مردگانی که زنده نیستند و نمی‌دانند که چه وقت دوباره زنده خواهند شد! ﴿۲۱﴾ خدای شما، خدای یکتا است. بدانید! کسانی که آخرت را باور ندارند قلب‌هایشان منکر حقایق است، و به همین سبب مستکبرانه عمل می‌کنند! ﴿۲۲﴾ قطعاً خداوند به آن‌چه پنهان می‌کنند و یا آشکارا انجام می‌دهند آگاه است. و بدانید که او مستکبران را دوست ندارد! ﴿۲۳﴾ وقتی به آن‌ها گفته شود پروردگار شما چه نازل کرده است؟ گویند: همان افسانه‌های پیشین! ﴿۲۴﴾ آن‌ها در روز قیامت، هم بار گناهان خود، و هم بار گناه نادانانی را که بی دلیل گمراه کرده‌اند به طور کامل به دوش خواهند کشید. و چه بارِ بد و طاقت‌فرسایی را به دوش می‌کشند! ﴿۲۵﴾ قبل از آن‌ها کسانی بودند که نقشه‌های فریبکارانه کشیدند. اما خدا بنیان‌شان را از اساس برکنند، و سقف را بر سرشان خراب نمود، و از جایی که نمی‌فهمیدند کجاست، عذاب الهی بر آن‌ها فرود آمد ﴿۲۶﴾

^۱ اهل معنا، این ستارگان را کنایه از اولیاء خدا می‌دانند، پیامبر(ص) فرمودند: «صحابی کنجوم السماء بأیهم اقتدیتم اهدیتم» (یاران من چون ستارگان آسمانند به هر کدام که اقتدا کنید؛ هدایت شده‌اید.)

سپس خداوند در روز قیامت، رسوایشان می‌سازد و می‌گوید: کجا هستند شریکانی که برای من قائل بودید. و به خاطر آن‌ها با دیگران دشمنی می‌کردید؟! صاحبان علم گویند: امروزه روز رسوایی و بدبختی منکران حقیقت است! ﴿۲۷﴾ وقتی فرشتگان جان کسانی را که به خود ظلم روا داشته‌اند می‌گیرند، [از ترس] سر تسلیم فرود می‌آورند و می‌گویند: ما کار بدی نکردیم! آری خداوند از [تک تک] عملکردتان آگاه است! ﴿۲۸﴾ از دروازه‌های جهنم داخل شوید که جاودانه در آن خواهید بود، و چه بد جایگاهی است برای متکبران! ﴿۲۹﴾ و از آن‌هایی که در دنیا حرمت خدا را نگاه داشتند می‌پرسند: پروردگارتان بر شما چه نازل کرد؟! گویند: خیر و برکت. بدانید! کسانی که خوبی کنند در همین دنیا پاداش خوب می‌بینند، حال آن‌که زندگی جاوید از آن هم بهتر است. بدانید! جایگاه کسانی که حرمت خدا را نگاه دارند جایگاه خوبی است! ﴿۳۰﴾ به بهشت‌هایی جاودانی داخل می‌شوند که از زیر آن نهرها جاری است و در آن جا هر چه بخواهند برای‌شان مهیاست. خداوند این‌چنین پاداش حرمتگزارانِ حریم الهی را می‌دهد ﴿۳۱﴾ هم آن‌هایی که وقتی فرشتگان جان‌شان را می‌گیرند، پاک و آرامند. پس خطابشان می‌کنند: سلام بر شما، به خاطر عملکردتان وارد بهشت شوید! ﴿۳۲﴾ آیا [منکران حقیقت] در انتظار چیزی جز آمدن فرشتگان مرگ، و یا فرمان عذاب الهی‌اند؟! بدانند قبل از آن‌ها نیز کسانی این‌چنین بودند! حال آن‌که خداوند به آن‌ها ظلمی نکرد، بلکه آن‌ها خود به خویشتن ستم کردند! ﴿۳۳﴾ سرانجام، دستاورد بدِ اعمالشان به آن‌ها رسید و آن‌چه را که روزی به تمسخر می‌گرفتند سراپای وجودشان را فرا گرفت! ﴿۳۴﴾

و کسانی که [در زندگی‌شان] شرک ورزیدند گویند: اگر خدا می‌خواست [می‌توانست کاری کند که] غیر از او چیز دیگری را پرستش نکنیم؟! در این صورت نه ما این کار را می‌کردیم نه پدرانمان! حتی بدون اجازهٔ او چیزی را حرام نمی‌کردیم. بدانید! کسانی قبل از آن‌ها نیز همین‌گونه عمل کرده‌اند! آیا پیامبران وظیفه‌ای جز یک ابلاغ روشن دارند؟! ﴿۳۵﴾ ما برای هر جماعتی، پیامبری را فرستادیم تا خداوند بزرگ را پرستش کنند. و از طاغوت و هر نوع بت بپرهیزند، برخی از آن‌ها هدایت الهی شامل حال‌شان شد، اما برخی دیگر گمراهی و حیرانی دامنگیرشان گشت. بروید و در زمین سیر کنید تا ببینید سرنوشت منکران حقیقت چگونه بوده است! ﴿۳۶﴾ [ای پیامبر!] هر قدر هم برای هدایت آن‌ها حریص باشی، بدان خداوند کسی را که در گمراهی گذاشته [و شایستگی سیر در حقیقت را ندارد] هدایت نخواهد کرد. و آن‌ها هیچ یآوری نخواهند داشت ﴿۳۷﴾ و آن‌ها با تمام وجود به خدا قسم خوردند که خداوند کسی را که مرده است دوباره زنده نمی‌کند! بدانید این وعدهٔ حقی است که بر عهده اوست هر چند که اکثر مردم از درکش عاجزند ﴿۳۸﴾ و خداوند حقیقتی را که شما بر سرش اختلاف می‌کنید آشکار خواهد کرد تا منکران حقیقت بفهمند که دروغگو آن‌ها هستند! ﴿۳۹﴾ و بدانید وقتی ارادهٔ ما به چیزی تعلق گیرد فقط می‌گوئیم: موجود شو بی‌درنگ موجود می‌شود! ﴿۴۰﴾ کسانی که در یک سیر الهی هجرت کرده‌اند آن هم بعد از آن که مظلوم واقع شده‌اند، در همین دنیا به آن‌ها جایگاه نیکی عطا می‌کنیم، هر چند که پاداش آخرت [به مراتب] بزرگ تر است، اگر بتوانند درکش کنند! ﴿۴۱﴾ همان کسانی که [در مقابل مصائب و سختی‌ها] صبر و استقامت نموده و بر پروردگارشان توکل می‌نمایند ﴿۴۲﴾

ما پیش از تو کسی را به رسالت نفرستادیم. مگر مردانی که به آن‌ها وحی می‌کردیم. اگر [این حقیقت را] نمی‌دانید، از اهل فهم و آگاهی سؤال کنید ﴿۴۳﴾ آن هم با دلایلی روشن و کتاب‌های آسمانی. و نیز قرآنی بر تو نازل کردیم تا آن‌چه را که برای مردم نازل شده برای‌شان بیان کنی، امید آن‌که اندیشه کنند! ﴿۴۴﴾ آیا کسانی که نقشه‌های پلید و گناه‌آلوده می‌کشند، از این که به فرمان خدا، زمین آن‌ها را فرو برد در امان خواهند بود؟! [و یا احساس امنیت خواهند کرد]. وقتی عذاب الهی از جایی سراغ‌شان بیاید که ندانند [از کجاست]؟! ﴿۴۵﴾ و یا در رفت و آمد روزمره‌شان، مصیبت‌زده‌شان کند و آن‌ها از دفع آن عاجز باشند! ﴿۴۶﴾ [و یا رحمی کند و] تدریجاً با حوادث تلخ گرفتارشان کند [شاید به حقایق ایمان بیاورند]، زیرا پروردگار شما بسیار مهربان و با گذشت است ﴿۴۷﴾ آیا به پدیده‌هایی که خداوند بزرگ آفریده است نمی‌نگرند که چگونه حتی سایه‌هاشان از چپ و راست حرکت کرده و خاضعانه خدا را سجده می‌کنند! ﴿۴۸﴾ [نه تنها سایه‌ها بلکه] آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است، از هر جنبنده‌ای که باشد در حال سجده خداست! بدانید که حتی فرشتگان در حال سجده‌اند. و تکبر نمی‌کنند! ﴿۴۹﴾ [زیرا] از خداوندی که بر آن‌ها مسلط است، می‌هراسند و آن‌چه را به آن‌ها امر شده انجام می‌دهند! ﴿۵۰﴾ الله گفت: دوگانگی در پرستش را کنار بگذارید. بدانید! او خدای یکتاست. [پند بگیرید] و تنها از [کیفر] من بترسید! ﴿۵۱﴾ آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است متعلق به اوست. حتی پرستش دائم از آن اوست. چرا از غیر خدا، می‌هراسید؟! ﴿۵۲﴾ هر نعمتی که شما را فرا گرفته از خداست. و هر گاه مصیبتی بر شما وارد شود به پیشگاه او زاری می‌کنید ﴿۵۳﴾ و هنگامی که آن مصیبت را از شما دور کند. باز گروهی از شما دوباره به پروردگارشان شرک می‌ورزند! ﴿۵۴﴾

تا نسبت به آن چه که به آن‌ها داده‌ایم ناسپاسی کنند، باشد. اکنون لذت ببرید! به زودی [حقیقت را] در خواهید یافت ﴿۵۵﴾ آن‌ها از آن چه روزی‌شان کردیم برای چیزهای واهی و خرافی (مثل بتان) سهمی می‌گذارند. به خداوند سوگند که نسبت به اعتقادات دروغین‌تان بازخواست خواهید شد! ﴿۵۶﴾ [حتی] برای خداوند دخترانی قائل می‌شوند! او پاک و منزّه است! حال آن‌که آن چه را بدان تمایل دارند برای خودشان است! ﴿۵۷﴾ و هنگامی که به یکی از آن‌ها مژده [تولد] دختری داده شود [از ناراحتی] صورتش سیاه شده خشمگین می‌گردد! ﴿۵۸﴾ و به خاطر چنین مژده شومی، [از فرط خجالت] خود را از انظار عموم پنهان می‌کند [و به فکر فرو می‌رود]؛ آیا این دختر را با خواری نگاه دارد و یا زنده به گورش سازد؟ آگاه باشید که بد حکمی می‌کنند! ﴿۵۹﴾ صفت بد از آن کسانی است که به آخرت ایمان ندارند و صفت برتر، از آن خداست، زیرا او قدرتمند و حکیم است ﴿۶۰﴾ و اگر خداوند [بخواهد] مردم را به خاطر ظلم‌شان مجازات کند هیچ جنبنده‌ای در روی زمین باقی نخواهد ماند! اما خدا [اراده کرده است] تا مدتی معین به آن‌ها مهلت دهد. آن‌گاه وقتی اجل‌شان فرا رسد، نه ساعتی تأخیر کنند و نه ساعتی جلوتر بیایند ﴿۶۱﴾ آن‌ها چیزهایی را که خود نمی‌پسندند، برای خدا می‌خواهند. و زبان‌هایشان به دروغ می‌گویند: که تمام خوبی‌ها متعلق به آن‌هاست. بی‌شک آتش نصیب آن‌هاست! بلکه آنان پیشگامان بسوی آتش‌اند! ﴿۶۲﴾ و به خدا قسم که ما پیش از تو پیامبرانی به سوی امت‌های پیشین فرستادیم، اما شیطان عملکردشان را در نظرشان زیبا جلوه گر کرد. و امروز نیز یار و یاورشان شیطان است، که برای‌شان عذابی دردناک است! ﴿۶۳﴾ و ما این قرآن را بر تو نازل نکردیم، مگر آن‌که آن چه را در آن اختلاف می‌کنند برای‌شان بیان کنی. و نیز هدایت و رحمتی باشد برای هر آن‌که به حقایق ایمان دارد ﴿۶۴﴾

و خداوند از آسمان آبی نازل کرد و به واسطهٔ آن، زمین مُرده و فسرده را حیات بخشید! بدانید در این عبرتی است برای آنان که گوش شنوا دارند! ﴿۶۵﴾ حتی در وجود چهارپایان برای شما عبرت‌هایی است. ما شما را از شیر خالصی که در شکم‌شان از میان سرگین و خون بیرون می‌آید سیراب می‌کنیم. شیری که گوارای نوشندگان است ﴿۶۶﴾ و از میوه‌های نخل و انگور هم مسکرات می‌گیرید و هم روزی‌های پاکیزه تهیه می‌کنید. در این نکته نیز عبرتی برای خردمندان است ﴿۶۷﴾ و پروردگارت به زنبور عسل وحی کرد که خانه‌های خود را از کوه‌ها و درختان و بناهای بلند، اختیار کن ﴿۶۸﴾ و آن‌گاه [به او گفتیم] از گُل هر میوه‌ای بهره‌مند شو، و فرمانبردار در همان راه‌هایی که پروردگارت مقدر نموده، سیر کن! از شکم همین زنبورها، شراب‌های رنگارنگی بیرون می‌آید که در آن شفای مردمان است. بدانید! که در این نکته عبرتی است برای آنان که اهل تفکرند! ﴿۶۹﴾ و خداست که شما را خلق کرد و سپس می‌میراند. برخی از شما را عمر دراز می‌دهد تا آن حدّ، که آن‌چه را دانسته، فراموش کند! و خداوند آگاه و تواناست! ﴿۷۰﴾ خداوند روزی برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده است. پس چرا آنان که روزی‌شان زیادتر است به زیردستان خود نمی‌دهند تا همه در برخورداری از رزق برابر شوند (و در این امتحان الهی سربلند باشند)؟! آیا نعمت الهی را انکار می‌کنند؟! ﴿۷۱﴾ خداوند بزرگ، همسرانی از جنس خودتان، برایتان آفرید تا از همسرانتان، فرزندان و فرزندزادگان پدید آورد. و نیز از نعمت‌های پاکیزه روزی‌تان داد. با این وجود باز به باطل ایمان می‌آورند و نعمت‌های الهی را انکار می‌کنند؟! ﴿۷۲﴾

بدانید که آن‌ها به جای خداوند، چیزهایی را می‌پرستند که توانایی عطای هیچ رزقی را از آسمان‌ها و زمین، برای‌شان ندارند ﴿۷۳﴾ برای خدا مثال زنید! خدا [همه چیز را خوب] می‌داند و این شمائید که ناآگاهید! ﴿۷۴﴾ [اما] خداوند مثل میزند: آیا بردهٔ مملوکی که اختیار و توانایی کاری را ندارد با انسان با ایمانی که به او رزق نیکو داده‌ایم و همواره در نهان و آشکار انفاق می‌کند، برابر هستند؟! ستایش مخصوص خداوند است! نه، اکثر آنها درک نمی‌کنند! ﴿۷۵﴾ و باز خداوند مثل می‌زند، دو مرد را که یکی از آن‌ها لال است و توانایی کاری را ندارد. و همواره سربارِ سرپرست خود است. و هر جا او را بفرستد نتیجهٔ مفیدی نمی‌گیرد. آیا چنین شخصی با آن کس که مردم را به عدل و داد فرمان می‌دهد و همواره در راه راست قدم بر می‌دارد، یکسان است؟! ﴿۷۶﴾ غیب و نادیدهٔ آسمان‌ها و زمین از آن خداست. بدانید فرا رسیدن روز قیامت به اندازهٔ یک چشم برهم زدن، بلکه کمتر از آن است! و خداوند بر هر کاری تواناست ﴿۷۷﴾ خداوند شما را از شکم‌های مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید. و [برای درک حقایق] شنوایی و بینایی و قلب‌هایتان را پدید آورد. امید آن که شکرگزار باشید! ﴿۷۸﴾ آیا به پرنده‌گان تسخیر شده در جو آسمان نظر نمی‌افکنند؟! چیزی جز خدا، آن‌ها را نگه نمی‌دارد. در این نکته نیز پندی است برای آنان که به حقایق ایمان دارند! ﴿۷۹﴾

خداوند خانه‌های شما را محل سکونت و آرامش قرار داده است. و از پوست چهارپایان برایتان خیمه‌هایی قرار داد، تا به هنگام سفر و یا اقامت، به راحتی بتوانید آن را جابه‌جا کنید، و از پشم و کرک و موی این چهارپایان تا وقتی زنده‌اید به عنوان مایحتاج و وسایل زندگی بهره‌مند شوید ﴿۸۰﴾ خداوند برای شما از چیزهایی که آفریده سایه‌هایی^۱ پدید آورد. و در کوه‌ها برایتان، غارها ایجاد کرد. و لباس‌هایی (کالبدهایی) برایتان پدید آورد، که شما را از گرما محفوظ بدارد. و نیز پوشش‌های دیگری که شما را به هنگام شدت [و یا وضعیت‌های سخت] محافظت نماید. این چنین نعمتش را بر شما تمام می‌کند. امید آن که [به خود آئید و] تسلیم حق شوید! ﴿۸۱﴾ [ای پیامبر!] اگر [از حقیقت] روی گردان شدند [باکی نیست]! وظیفه تو فقط یک ابلاغ روشن است ﴿۸۲﴾ و نعمت‌های خدا را می‌شناسند آن‌گاه انکارشان می‌کنند! حقیقتاً اکثر آن‌ها کافرند ﴿۸۳﴾ و روزی که از هر جماعتی، گواهی بگیریم، به منکران حقیقت اجازه سخن داده نشود و عذرشان پذیرفته نگردد ﴿۸۴﴾ وقتی که ظالمان، عذاب الهی را به خاطر دستاوردشان ببینند، هیچ عفوی شامل حالشان نمی‌شود و مهلتی برای‌شان در کار نیست! ﴿۸۵﴾ هنگامی که مشرکان، شریکانی را که برای خدا قائل شده‌اند می‌بینند، گویند: پروردگارا! این‌ها همان‌هایی هستند که به جای تو می‌خواندیم. و آنان پاسخ‌شان می‌دهند: شماها دروغگو هستید! ﴿۸۶﴾ در چنین روزی همه‌شان در پیشگاه خداوند اظهار تسلیم شدن می‌کنند [زیرا مقری نیست] و آن دروغ‌ها که می‌بافتند از نظرشان محو شود! ﴿۸۷﴾

^۱ سایه‌ها برای انسان یک نعمت بزرگ‌اند همچنان که نور خورشید یک نعمت بزرگ است. از منظر باطنی آن‌گاه که نور خدا بر مظهري بتابد، آن مظهر سایه خداست!

کسانی که [به حقایق] کافرند، و راه نجات بخش الهی را بر مردم می‌بندند. به خاطر دستاورد مفسده‌انگیزشان عذابی بر عذاب‌شان خواهیم افزود! ﴿۸۸﴾ روزی که از هر اُمّتی، گواهی از میان خودشان انتخاب کنیم، تو را به عنوان شاهد بر همه این‌ها بیاوریم. ما قرآنی بر تو نازل کردیم که همه چیز را بیان کرده است، و برای تسلیم شدگان، هدایت و رحمت و بشارت است ﴿۸۹﴾ خداوند به عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان امر می‌کند، و از پلیدی و فحشا و تجاوز به حقوق دیگران نهی می‌نماید. او شما را موعظه می‌کند، امید آن که پند گیرید ﴿۹۰﴾ وقتی با خدا عهدی بستید، به عهد الهی وفادار باشید، و سوگندهایی را که تأکید کرده‌اید مشکنید. زیرا شما خداوند را ضامن قسم‌هایتان کرده‌اید، و خدا نسبت به عملکردتان آگاه است ﴿۹۱﴾ همانند آن زن [سبک مغزی]، نباشید که پس از آن که ریسمانش را محکم تابیده است [دوباره آن را] باز می‌کند و رشته رشته می‌سازد! [شما این گونه عمل نکنید] تا بدین وسیله سوگندهایی را که محکم یاد کرده‌اید، وسیله فریب یکدیگر قرار دهید! آن هم به این بهانه که جمعیتی، تعدادشان بیشتر از گروه دیگری است (کثرت و قدرت دشمن باعث شکستن قسم‌هایتان نشود!). خداوند بدین وسیله شما را امتحان می‌کند. و در روز قیامت آن چه را مورد اختلاف‌تان است، روشن می‌سازد ﴿۹۲﴾ و اگر خدا می‌خواست همه شما را تبدیل به یک اُمّت واحد می‌کرد، اما [آزاده کرده است] هر که را صلاح بداند در گمراهی بگذارد و هر کس را صلاح بداند هدایت کند، و شما مطمئن باشید که نسبت به عملکردتان مورد مؤاخذه قرار خواهید گرفت!

﴿۹۳﴾

^۱ در ضرب المثل‌های عرب جاهلی یکی از نمونه‌های حماقت، زنی است به نام «رَبِیْطَه دختر عمرو بن سعد». وی تا پاسی از روز به پشم ریسی می‌پرداخت. آن‌گاه آن چه را رشته بود از هم می‌گشود و دیگر بار شروع به رشتن می‌کرد!

سوگندهایتان را وسیله فریب یکدیگر قرار ندهید، که قدم‌هایتان بعد از آن که استوار شده است، دوباره می‌لغزد. و در نتیجه مزهٔ بدی و پلیدی را خواهید چشید، زیرا راه الهی را بر مردم بسته‌اید. و از این رو غذایی بزرگ برایتان مهیاست! ﴿۹۴﴾ و پیمان الهی را به بهایی اندک نفروشید. [کاش می‌دانستید!] آن‌چه نزد خداست برای شما بهتر از هر چیز دیگر است. ﴿۹۵﴾ آن‌چه نزد شماست، نابودشدنی است. اما آن‌چه نزد خداست، جاوید و برقرار است. قطعاً پاداش کسانی را که صبر می‌کنند بهتر و بیشتر از عملکردشان خواهیم داد ﴿۹۶﴾ هر با ایمانی که کار نیکی انجام دهد - چه مرد باشد و چه زن - زندگی پاکیزه‌ای به او عطا خواهیم کرد و به همهٔ آن‌ها پاداشی به مراتب، بهتر و بیشتر از عملکردشان خواهیم داد! ﴿۹۷﴾ هنگامی که قرآن می‌خوانی از وسوسه‌های شیطان رانده شده به خدا پناه ببر ﴿۹۸﴾ زیرا شیطان بر وجود اهل ایمان، و کسانی که به پروردگارشان توکل می‌کنند مسلط نیست ﴿۹۹﴾ تسلط او فقط بر کسانی است که دوستش دارند، و به واسطهٔ او شرک می‌ورزند ﴿۱۰۰﴾ و هنگامی که آیه‌ای را با آیه‌ای دیگر جابه‌جا کنیم [بدانید این نکته به خدا ارتباط دارد]، زیرا خداوند به آن‌چه نازل می‌کند آگاه تر است. اما آنها می‌گویند: تو دروغ می‌بافی. بدانید که اکثر آن‌ها از حقیقت بی‌خبرند! ﴿۱۰۱﴾ بگو: قرآن را روح القدس از جانب پروردگارت به حق نازل کرده است، تا قدم‌های اهل ایمان را ثابت و استوار کند، و همواره برای تسلیم‌شدگان، مایهٔ هدایت و بشارت باشد ﴿۱۰۲﴾

ما می‌دانیم که می‌گویند قرآن را به پیامبر، بشری تعلیم می‌دهد! زبان کسی که قرآن را به او نسبت می‌دهند عجمی است. در حالی که زبان این [قرآن]، عربی روشن است! ﴿۱۰۳﴾ کسانی که به آیات خدا ایمان نمی‌آورند، خدا آن‌ها را [به راه حقیقت و آرامش] هدایت نمی‌کند. و [به خاطر دستاوردهایشان] گرفتار عذاب دردناکی خواهند بود ﴿۱۰۴﴾ تنها کسانی که به دروغ افترا می‌زنند، به آیات الهی ایمان ندارند. بدانید آن‌ها دروغگو هستند! ﴿۱۰۵﴾ کسی که به خدا کافر شود بعد از آن که ایمان آورده است. به استثنای آن‌هایی که به زور وادار شدند تا اظهار کفر کنند. در حالی که قلبشان مملو از ایمان به خداست - بلکه همان‌هایی که دروازه دل را به روی کفر و انکار حقیقت گشوده‌اند، گرفتار خشم الهی خواهند بود، و عذاب بزرگی نتیجه کارشان است! ﴿۱۰۶﴾ و این به خاطر آن است که زندگی فانی دنیا را به زندگی جاوید ترجیح دادند. بدانید که خداوند بزرگ، کسانی که حقایق را انکار کنند به راه نجات هدایت نخواهد کرد! ﴿۱۰۷﴾ آن‌ها کسانی هستند که خداوند بزرگ [به خاطر عملکرد گناه آلودشان]، قلب‌ها و گوشها و چشم‌هایشان را [از درک حقایق]، عاجز کرده و آن‌ها در غفلت به سر می‌برند! ﴿۱۰۸﴾ و قطعاً در آخرت نیز از جمله زیانکارانند! ﴿۱۰۹﴾ و کسانی که فریب خورده بودند ولی بعد از آن خالصانه هجرت کردند. و جهاد کردند. و صبر و استقامت ورزیدند، بدون شک بعد از همه این کارها که کرده‌اند، پروردگارت را آمرزنده و بسیار باگذشت خواهند یافت! ﴿۱۱۰﴾

در آن روز [قیامت] هر کس برای دفاع از عملکرد خویش، به مجادله می‌پردازد. اما بدانید که جزای دستاورد هر کس بی‌کم و کاست داده خواهد شد. و به آن‌ها ستم نمی‌شود ﴿۱۱۱﴾ خداوند شهری را مثال می‌زند که کاملاً در امنیت به سر می‌برد، و رزق و روزی فراوان از هر جا به آن شهر سرازیر می‌شد. اما اهل آن، به کفران نعمت‌های الهی پرداختند. و خداوند نیز به خاطر عملکردشان، بر آن‌ها لباس گرسنگی و ترس پوشاند ﴿۱۱۲﴾ به راستی از میان خودشان، پیامبری [برای راهنمایی] به سویشان آمد، اما او را تکذیب کردند، بدین سبب عذاب سراپای وجودشان را فرا گرفت، زیرا بدون شک ظالم بودند ﴿۱۱۳﴾ از روزی‌های حلال و پاکیزه‌ای که خداوند نصیب‌تان کرده بهره‌مند شوید. و اگر او را عبادت می‌کنید شکر نعمت‌هایش را به جا آورید! ﴿۱۱۴﴾ بدانید که خداوند، مردار و خون و گوشت خوک و آن‌چه را به نام غیر خدا ذبح شده است بر شما حرام کرده است. چنان‌چه کسی از روی ناچاری و با بی‌میلی از آن مصرف کند و خوردن را از حد نگذراند [گناهی بر او نیست]، زیرا خداوند بزرگ بسیار آمرزنده و با گذشت است ﴿۱۱۵﴾ با دروغ‌هایی که زبانتان توصیف می‌کند نگوئید این حلال است و آن حرام، تا این دروغ را به خداوند نسبت دهید! بدانید کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند رستگار نخواهند شد! ﴿۱۱۶﴾ [در این دنیا]، اندک بهره‌ای می‌برند، اما عاقبت گرفتار عذاب دردناکی خواهند شد ﴿۱۱۷﴾ آن‌چه را که پیشتر برای تو حکایت کردیم، بر یهودیان حرام نمودیم. ما به آن‌ها ظلم نکردیم بلکه آن‌ها، خود به خویشتن ستم روا داشتند! ﴿۱۱۸﴾

^۱ لباس در معنای استعاره‌ای‌اش، کالبدی لطیف است که مضاف‌الیه آن، نوعش را مشخص می‌کند. در آیه دیگری نیز از «لباس التقوی» سخن گفته است. آدمی کالبدهای روانی و فرا روانی بسیار دارد. برخی از آنها خیر و برکت‌اند در برخی دیگر دردسر ساز! روح باید از هر کالبد و هر ذهنیت که مانع وصال او به حق تعالی است، آزاد شود.

کسانی که از روی جهالت عملکرد بدی داشتند، اما بعد از آن توبه کردند و دست به کار نیک زدند، بدون تردید بعد از این که این گونه عمل کنند، پروردگارت را آمرزنده و با گذشت خواهند یافت ﴿۱۱۹﴾ ابراهیم، امتی بود مطیع فرمان خدا و یگانه پرست! و از مشرکان نبود ﴿۱۲۰﴾ سپاسگزار نعمت‌های الهی بود. و خداوند او را برگزید. و به راه راست هدایت کرد ﴿۱۲۱﴾ و در دنیا به او پاداش نیک داد. هم‌چنان که در آخرت نیز از جمله صالحان است ﴿۱۲۲﴾ سپس به تو وحی کردیم که از آیین پاک و یکتاپرستی ابراهیم تبعیت کن، زیرا او هرگز از مشرکان نبود ﴿۱۲۳﴾ [تحریم صید] در روز شنبه برای یهودیان یک مجازات بود که در آن هم اختلاف کردند! بدان که پروردگارت میان آن‌ها در روز قیامت، بر سر آن چه اختلاف می‌کنند قضاوت خواهد کرد ﴿۱۲۴﴾ با حکمت و موعظه نیک همواره مردم را به راه نجات‌بخش پروردگارت بخوان. و با مخالفان با بهترین شیوه گفت‌وگو کن. بدان که پروردگارت، نسبت به کسی که از راهش منحرف شده آگاه‌تر است! هم‌چنان که او از هدایت‌یافتگان کاملاً مطلع است ﴿۱۲۵﴾ اگر می‌خواهید مجازات کنید، متناسب با آن تعدی باشد که بر شما کرده‌اند. اما اگر شکیبایی به خرج دهید، بدون شک شکیبایی برای صابران بهترین چیزهاست ﴿۱۲۶﴾ تو شکیبایی کن. و بدان که شکیبایی تو، توفیقی از جانب خداست، و از عملکردشان غمگین مشو. و از توطئه‌های آنان خود را در تنگنا مبین! ﴿۱۲۷﴾ زیرا خداوند با کسانی است که حرمت فرمان او را نگاه می‌دارند و همواره عملکرد نیکی دارند ﴿۱۲۸﴾

^۱ حنیف یعنی آن‌که از همه چیز دل کنده و تنها به حق روی آورده است. یگانه پرست و یگانه بین حقیقی، خالی از هر انحراف.

سورهٔ اسراء

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

پاک و منزّه است خدایی که یک شبه بندهٔ خود (پیامبر) را از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی سیر داد! همان جایی که اطرافش را با برکت گرداندیم تا برخی آیات و نشانه‌های خود را به او نشان دهیم. قطعاً او شنوا و بیناست ﴿۱﴾ و به موسی کتاب عطا کردیم. و آن را مایهٔ هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم. [او گفتیم که] کارساز و تکیه گاهی جز من انتخاب نکنید! ﴿۲﴾ ای فرزندانِ کسانی که با نوح [در کشتی نجات] حمل‌تان کردیم! بدانید که او بندهٔ شاکری بود ﴿۳﴾ و در آن کتاب به بنی اسرائیل اعلام کردیم، که شما دو بار در زمین فساد و تباهی خواهید کرد و سلطه‌جویی بزرگی را مرتکب خواهید شد ﴿۴﴾ هنگامی که نخستین وعده تحقق یافت، گروهی از بندگانِ خویش را که جنگاورانی قدرتمند بودند، بر شما مسلط کردیم تا برای پیدا کردن مجرمان حتی خانه‌ها را جست‌وجو کنند! و این وعده عملی شد ﴿۵﴾ سپس شما را بر آن‌ها مسلط کردیم و به واسطهٔ اموال و فرزندان، یاریتان نمودیم و نفراتان را زیاد کردیم ﴿۶﴾ بدانید اگر نیکی کنید در حقیقت به خود کرده‌اید، و اگر مرتکب بدی شوید، باز به خود روا داشته اید! بدانید اگر وعدهٔ دوم فرا رسد [کسانی را بر سرتان خواهیم فرستاد که] آثار غم و اندوه در چهره‌هایتان نمایان شود، و [از وحشت] به مسجد الاقصی پناه خواهید برد، هم‌چنان که بار اول پناه بردید! بدانید آن‌ها هرچه را به زیر سلطهٔ خود بگیرند نابود می‌سازند! ﴿۷﴾

شاید پروردگارتان بر شما رحم کند! اگر [از انحراف] باز گردید ما نیز [از مجازات شما] باز می‌گردیم، و بدانید که جهنم را زندان کافران قرار داده‌ایم! ﴿۸﴾ به راستی این قرآن انسان را به بهترین و قابل اعتمادترین راه‌ها هدایت می‌کند. و به اهل ایمان - همان‌هایی که اعمال نیک و مفید انجام می‌دهند - بشارت می‌دهد که از پاداش بزرگی بهره‌مند خواهند شد ﴿۹﴾ و برای آنان که به آخرت ایمان ندارند، عذاب دردناکی تدارک دیده‌ایم! ﴿۱۰﴾ گاه انسان به واسطهٔ دعایش، شری را به جای خیر طلب می‌کند! حقیقتاً انسان همواره شتاب‌زده بوده است ﴿۱۱﴾ شب و روز را دو نشانه [از نشانه‌های خدا] قرار دادیم، پس وقتی نشانهٔ شب را محو می‌کنیم، نشانهٔ روز روشن‌گر را جایگزینش می‌کنیم، تا فضل پروردگارتان را بطلبید، و شمار سال‌ها و حساب کارتان را بفهمید. حقیقتاً هر چیزی را به تفصیل شرح کرده‌ایم ﴿۱۲﴾ پروندهٔ اعمال هر انسانی را چون طوق بر گردنش انداختیم، و کتابی را در روز قیامت، رو به رویش باز کنیم تا در آن بنگرد! ﴿۱۳﴾ بخوان نامهٔ اعمالت را، که امروز تو خود برای حسابرسی عملکردت کافی هستی! ﴿۱۴﴾ هر کس به راه حق هدایت شود، این هدایت به نفع خود اوست. و هر کس گمراهی پیشه کند، به زیان خود عمل کرده است. و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نخواهد کشید! و ما نیز تا پیامبری را [برای راهنمایی] نفرستیم، هیچ قومی را [به کیفر دستاوردشان] مجازات نمی‌کنیم ﴿۱۵﴾ هنگامی که بخواهیم اهل شهر و دیاری را نابود کنیم، ابتدا مرقهان آن شهر را امر به کاری کنیم و چون نافرمانی و مخالفت کنند و حجّت بر آنها تمام شود، بی‌درنگ آن‌جا را در هم می‌کوبیم! ﴿۱۶﴾ و چه بسیار مردمی را بعد از نوح [به خاطر عملکرد زشت‌شان] نابود کردیم! بدان همین قدر که پروردگارت از گناهان بندگانش آگاه و بیناست [برای قضاوت کردن]، کافی است ﴿۱۷﴾

هر کس خواهان زندگی زودگذر مادی است، آن اندازه که بخواهیم و به هر آن کس که اراده کنیم، به سرعت به او می‌دهیم. اما بدانند که عاقبتِ کارش دوزخی است که برایش تدارک دیده‌ایم! زیرا او مذموم و رانده شده [از درگاه الهی] است ﴿۱۸﴾ اما کسانی که به حقایق ایمان دارند و خواهان زندگی جاویدند، و تمام تلاش خود را برای رسیدن به آن مصروف می‌دارند، بدانند که سعی و تلاش‌شان بدون پاداش نیست ﴿۱۹﴾ و هم این‌ها (طلب‌کنندگان دنیا) و هم آن‌ها (طلب‌کنندگان زندگی جاوید) را از عطای پروردگارت بهره می‌دهیم، بدان که لطف و عطای پروردگارت از کسی منع نشده است! ﴿۲۰﴾ ببین [در دنیا] چگونه برخی را بر برخی دیگر [به خاطر نوع عملکردشان] برتری داده‌ایم، درجات و امتیازات آخرت از این هم بیشتر و والاتر است! ﴿۲۱﴾ هیچ گاه با الله، خدای دیگری را قائل مشو، که نکوهیده و خوار می‌شوی! ﴿۲۲﴾ و پروردگارت حکم کرده است تا هیچ چیزی را جز او پرستش نکنید، و به پدر و مادرتان نیکی کنید، و چنان‌چه هر کدام‌شان در سن پیری نزد تو باشند آنان را میازار. و صدایت را بر روی آنان بلند مکن. و همواره به بهترین شیوه با آنان سخن بگوی ﴿۲۳﴾ از روی مهربانی و تواضع، نهایت احترام را برای‌شان قائل شو. و برای آن‌ها دعا کن و بگو: پروردگارا! همان‌گونه که مرا در کودکی پرورش دادند، آن‌ها را مشمول رحمتِ خویش کن! ﴿۲۴﴾ پروردگارتان، به آن‌چه در وجودتان است از هر کس دیگر آگاه‌تر است! هرگاه انسان‌های صالحی باشید او برای جبران اعمال گذشته اقدام کنید، بدانید که خداوند توبه‌کنندگان را می‌آمرزد ﴿۲۵﴾ حق خویشاوند و نیز مسکین و در راه مانده را ادا کن. اما هرگز اسراف کاری مکن ﴿۲۶﴾ زیرا اسرافکاران برادران شیاطین‌اند و بدانید که شیطان، نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس بود ﴿۲۷﴾

و هرگاه [نتوانستی به مستمندان کمک کنی و] از آن‌ها روی گرداندی، در حالی که خودت انتظار رحمت پروردگارت را داری، لاقبل با آن‌ها به بهترین وجه سخن بگو! ﴿۲۸﴾ دستت را [از روی خست] به گردنت زنجیر مکن [تا به کسی چیزی ندهی]. و نیز چنان رفتار مکن که هرچه را داری از کف بدهی. و ملامت‌زده و حسرت خورده گوشه‌ای بنشین! ﴿۲۹﴾ بدان که پروردگارت رزق و روزی هر کس را که صلاح بداند وسعت می‌بخشد. و یا بر او سخت می‌گیرد. او به موقعیتِ تمامی بندگان آگاه و بیناست ﴿۳۰﴾ هیچ‌گاه از ترس فقر، فرزندان خود را نکشید، زیرا این ماییم که هم به آن‌ها و هم به شما روزی می‌دهیم. کشتن فرزندان، خطای بزرگی است! ﴿۳۱﴾ و به زنا نزدیک نشوید، زیرا علاوه بر آن که گناه بزرگی است، بد راهی می‌باشد! ﴿۳۲﴾ هم‌چنین، کسی که خدا جانش را محترم داشته، نکشید. مگر بر اساس موازین حق و عدالت! و بدانید کسی که مظلومانه کشته شود به اولیاءِ خونش قدرت انتقام داده‌ایم. اما آن‌ها نباید انتقام را از حدِّ عادلانهٔ آن بگذرانند، زیرا او نیز مورد حمایت است! ﴿۳۳﴾ جز به بهترین وجه به مال یتیم نزدیک نشوید، تا زمانی که به بلوغ و رشد عقلی برسد. به عهد وفادار باشید، زیرا عهد و پیمان مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت ﴿۳۴﴾ و هنگامی که چیزی را وزن و پیمانه می‌کنید، آن را با ترازوی درست و دقیق انجام دهید، زیرا علاوه بر آن که برای شما نیک و با برکت است، عاقبت به خیری نیز دارد ﴿۳۵﴾ و در رابطه با چیزی که از آن علم و آگاهی نداری پافشاری و سماجتِ جاهلانه مکن، زیرا دستاوردِ گوش و چشم و دل دقیقاً مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد ﴿۳۶﴾ و روی زمین با غرور و تفاخر راه مرو، زیرا با این کار نه می‌توانی زمین را بشکافی و نه به بلندی کوه‌ها برسی! ﴿۳۷﴾ تمام این کارهای ناپسند نزد پروردگارت ناخوشایند است ﴿۳۸﴾

این از حکمت هایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است. هیچ خدایی را با الله قائل مشو که در جهنّم می‌افتی. و ملامت‌زده و مطرود می‌شوی ﴿۳۹﴾ [این چگونه سخنی است] آیا خداوند پسران را برای شما قرار داده و خودش دخترانی از فرشتگان برگزیده است؟! حقیقتاً سخنِ گران و زشتی بر زبان جاری می‌کنید! ﴿۴۰﴾ ما حقایق گوناگونی را در این قرآن آورده‌ایم تا مردم پند بگیرند. هر چند که منکرانِ حقیقت را جز نفرت چیز دیگری نمی‌افزاید ﴿۴۱﴾ بگو: اگر همانطور که ادّعا می‌کنند؛ چنان چه با خداوند بزرگ، خدایان دیگری می‌بودند، تا به حال باید راهی به عرش الهی پیدا می‌کردند! ﴿۴۲﴾ او پاک و بی نقص است. و به مراتب برتر و والاتر از چیزی است که می‌پندارند ﴿۴۳﴾ تمامی آسمان‌های هفت گانه و زمین و هر چه در آن‌هاست، مشغول تسبیح خداوند بزرگ است! و هیچ چیزی وجود ندارد مگر آن که در حال تسبیح و ستایش خداست. اما شما این تسبیح و تقدیس را درک نمی‌کنید! بدانید که او بردبار و آمرزنده است ﴿۴۴﴾ هنگامی که قرآن می‌خوانی، ما بین تو و آن‌هایی که آخرت را باور ندارند پرده‌های ضخیم می‌کشیم ﴿۴۵﴾ بر دل‌هایشان پرده می‌کشیم تا حقیقتِ آن را درک نکنند. و گوش‌هایشان را چنان سنگین می‌کنیم تا هنگامی که پروردگارت را در قرآن، به یگانگی یاد می‌کنی به تو پشت کنند و از تو دور شوند ﴿۴۶﴾ ما خوب می‌دانیم که آن‌ها به چه نیّت، آیاتی را که تو می‌خوانی گوش می‌دهند! و یا در نجوای‌شان با یکدیگر چه می‌گویند! آن ظالمان می‌گویند: شما یک مرد جادو شده را پیروی می‌کنید ﴿۴۷﴾ ببین چگونه برای تو ضرب‌المثل درست می‌کنند! بدون تردید آن‌ها گمراه شده‌اند. و راه به جایی نخواهند داشت ﴿۴۸﴾ و گفتند: مگر می‌شود وقتی ما تبدیل به استخوان‌های پوسیده و مستی خاک شدیم دوباره با آفرینشی جدید برانگیخته گردیم؟! ﴿۴۹﴾

بگو: چه سنگ باشید چه آهن ﴿۵۰﴾ و یا هر مخلوقی که در نظر شما از آن سخت تر است [باز ما قادر به زنده کردن شما خواهیم بود]! بدان که آن‌ها خواهند گفت: چه کسی ما را [بعد از مرگ به حال اولمان] برمی‌گرداند؟! بگو: همان کسی که اول بار، شما را آفرید! آن‌ها سرهایشان را از روی تعجب، در برابر تو کج می‌کنند و می‌گویند: این وعده چه زمان خواهد بود؟! بگو: شاید نزدیک باشد! ﴿۵۱﴾ همان روزی که وقتی شما را فرا بخوانند، ستایش گویان اجابت می‌کنید. در حالی که گمان می‌کنید جز زمان اندکی نگذرانده‌اید! ﴿۵۲﴾ به بندگانم بگو [که با یکدیگر] به بهترین وجه سخن بگویند، زیرا شیطان [به واسطه کلام‌های زشت و ناپسند] درصدد فساد و تباهی ما بین آن‌هاست. بدانید که شیطان برای انسان یک دشمن واقعی است! ﴿۵۳﴾ پروردگارتان از هر کس دیگری، به حال شما آگاه‌تر است. اگر صلاح بدانند، شما را مشمول رحمتش قرار می‌دهد. و اگر صلاح بداند عذابتان می‌کند. و بدان که ما تو را به عنوان وکیل مدافع آن‌ها نفرستاده‌ایم! ﴿۵۴﴾ و پروردگارت به هر کس که در آسمان‌ها یا زمین است آگاه‌تر است. ما برخی از پیامبران را نسبت به برخی دیگر برتری دادیم و به داود زبور را بخشیدیم ﴿۵۵﴾ بگو: کسانی را که به جای خداوند می‌پندارید، بخوانید! آن‌ها نه می‌توانند بلاها را از شما دور کنند و نه می‌توانند تغییر [مثبتی] در زندگی‌تان ایجاد نمایند! ﴿۵۶﴾ کسانی را که به آن‌ها توسل می‌کنند، خودشان وسیله‌ای را می‌جویند تا به واسطه آن به پروردگارشان تقرب جویند! و به رحمت الهی امیدوارند. و از عذابش بیمناک، زیرا عذاب پروردگارت ترسناک است! ﴿۵۷﴾ هیچ دیاری نیست، مگر آن که قبل از وقوع قیامت نابودش کنیم، و یا [به سبب عملکردشان] به عذاب شدید گرفتارشان سازیم و همه این‌ها در کتاب الهی نوشته شده است ﴿۵۸﴾

آنچه مانع ارسال معجزات ما شد فقط این بود که، پیشینیان آن‌ها را تکذیب می‌کردند. چنان‌که ماده شتری را به عنوان معجزه به قوم ثمود دادیم، اما آن‌ها با [کشتن] آن، ستم روا داشتند. بدانید که ما معجزات را جز برای هشدار و اتمام حجت نمی‌فرستیم! ﴿۵۹﴾ و به تو گفتیم: که پروردگارت بر مردم احاطه کامل دارد. بدان! خوابی را که به تو نشان دادیم و درخت «ملعونه‌ای» که در قرآن ذکر شده فقط برای امتحان مردمان است! ما به آن‌ها هشدار می‌دهیم، اما جز بر طغیان و گستاخی خود نمی‌افزایند! ﴿۶۰﴾ [و یاد آر!] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید! همه [به حکم اطاعت] سجده کردند مگر ابلیس، که گفت: چرا کسی را که از گل آفریده‌ای سجده کنم؟! ﴿۶۱﴾ او ادامه داد: چرا چنین موجودی را به من برتری دادی؟! اگر تا روز قیامت مهلتم دهی، جز اندکی، همه فرزندانش را در اختیار خود می‌گیریم! ﴿۶۲﴾ [خدا] گفت: برو که جزای تو و هر کس که از تو تبعیت کند جهنم است، که مجازاتی تمام است! ﴿۶۳﴾ هر کدام از این آدمیان را که می‌توانی با صدای خود وسوسه کن، با سواره نظام و پیاده نظامت بر آن‌ها وارد شو، و در اموال و فرزندانشان شرکت جوی، و به آن‌ها وعده بده! اما بدانید که وعده‌های شیطان چیزی جز فریب نیست! ﴿۶۴﴾ و اما بدان که تو بر بندگان من [کسانی که تسلیم حق شده‌اند]، هیچ تسلطی نداری! زیرا حمایت پروردگار تو آن‌ها را کفایت می‌کند ﴿۶۵﴾ این پروردگار شماست، که کشتی را بر پهنه دریا به پیش می‌برد تا شما [روزی خود را] از فضل و گرمش جست‌وجو کنید، بدانید که او نسبت به شما مهربان است ﴿۶۶﴾

^۱ شاید این تعبیر، هر گروه و جماعتی را که با تمام شاخه‌ها و زیر مجموعه‌هایش اهل انکار حقایق هستند شامل شود، و در هر روزگاری مصادیقی دارند که برای مردم عبرت‌انگیز است. به تعبیری، هر آن‌که تسلیم حق نیست بخشی از این شجره ملعونه است.

هنگامی که در دریا بلایی دامنگیرتان شود، هر نجات‌بخشی جز خدا از نظرتان محو می‌شود، و هنگامی که خدا نجاتتان دهد و شما را به خشکی رساند، دوباره از او روی گردان می‌شوید! به راستی انسان موجود ناسپاسی است! ﴿۶۷﴾ آیا از این که شما را در ساحل فرو برد، خود را ایمن می‌دانید؟! یا طوفانی پر ریگ و خاک بر سرتان مسلط کند در حالی که هیچ پناهی نیابید؟! ﴿۶۸﴾ و یا خود را ایمن می‌دانید از این که بار دیگر شما را به دریا بازگرداند، و دچار طوفان کوبنده‌ای کند، و به خاطر دستاورد کفرآلودتان غرق‌تان کند؟! در حالی که کسی که ما را برای این کار مؤاخذه کند، نیابید ﴿۶۹﴾ اما بنی آدم را گرامی داشتیم. و هم در دریا و هم در خشکی آن‌ها را حمل کردیم. و از نعمت‌های پاکیزه روزی‌شان دادیم. و بر بسیاری از مخلوقات خویش تسلط و برتری بخشیدیم ﴿۷۰﴾ [به یاد آورید!] روزی که هر جماعتی را با رهبران‌شان فرا بخوانیم. در آن روز نامه اعمال هر کس به دست راستش داده شود، آن‌ها دستاوردشان را می‌خوانند در حالی که کمترین ظلمی به آن‌ها نخواهد شد ﴿۷۱﴾ و هر کس در دنیا [نسبت به درک حقایق] کور بوده است. در آخرت نیز نابینا و گمراه‌تر است ﴿۷۲﴾ نزدیک بود از حقایقی که به تو وحی کرده بودیم منحرفت کنند، تا غیر آن را به ما نسبت دهی! تا در آن صورت آن‌ها با تو دوست شوند! ﴿۷۳﴾ و اگر تو را [در راه حق] ثابت قدم نمی‌کردیم نزدیک بود کمی به آن‌ها مایل شوی ﴿۷۴﴾ [که اگر چنین می‌کردی و به باطل رغبت نشان می‌دادی]، تو را هم در دنیا و هم در آخرت دو برابر مجازات می‌کردیم در حالی که برای رهایی از مجازات ما، هیچ یآوری نمی‌یافتی! ﴿۷۵﴾

نزدیک بود [منکران حق]، تو را از این سرزمین برکنند و آوارهات سازند، هر چند خودشان هم بعد از تو مدت کمی باقی می‌ماندند! ﴿۷۶﴾ سنت ما در مورد پیامبرانی که قبل از تو فرستاده‌ایم چنین است. بدان که تغییری در سنت ما نخواهی یافت (آن چه خواهیم همان شود)! ﴿۷۷﴾ از زوال آفتاب تا نیمه شب، نماز را به پای دار و از قرآن صبحگاهی غفلت مکن، زیرا [تلاوت] قرآن صبحگاهی، کارآمد است! ﴿۷۸﴾ پاره‌ای از شب را به تهجد پرداز که این عبادت، امتیازی برای توست. امید آن که پروردگارت تو را به مقامی درخور ستایش برساند ﴿۷۹﴾ و بگو: پروردگار! مرا [در هر ماجرای] به راستی و صداقت داخل کن. و صادقانه و سرافراز خارج ساز. و همواره از سوی خودت، حاجتی یاری‌کننده برای من قرار بده! ﴿۸۰﴾ بگو: حق آمد و باطل رفت. بدان که باطل رفتنی است! ﴿۸۱﴾ و قرآن را نازل کردیم، زیرا برای اهل ایمان، شفا و رحمت است. هر چند ظالمان را جز خسارت نمی‌افزاید! ﴿۸۲﴾ هنگامی که به انسان نعمت می‌دهیم [از حق] روی برمی‌گرداند و مغرورانه دور می‌شود، و چون بلایی به او رسد مأیوس می‌گردد! ﴿۸۳﴾ بگو: هرکس براساس شیوه خویش عمل می‌کند. و این پروردگارتان است که بهتر می‌داند، کدام‌یک عملکردش به راه حق و هدایت نزدیک‌تر است! ﴿۸۴﴾ از تو درباره روح سؤال می‌کنند، بگو: روح نشأت گرفته از امر پروردگار من است. و به شما از علم و آگاهی، اندکی بیش نداده‌اند! ﴿۸۵﴾ بدان که اگر خواهیم، تمام آن چه را به تو وحی کرده‌ایم باز پس می‌گیریم، و در این صورت تو هیچ یآوری در برابر ما نخواهی یافت! ﴿۸۶﴾

^۱ تعبیر نماز صبح نیز صحیح است زیرا در آن قرآن تلاوت می‌شود.

مگر مشمول رحمت پروردگارت شوی، زیرا فضل و کرم او بر تو بسیار زیاد است ﴿۸۷﴾ بگو: اگر تمام انسان‌ها و جنیان جمع شوند تا مثل این قرآن را بیاورند و [با تمام قدرت نیز] یکدیگر را پشتیبانی کنند، امکان ندارد که بتوانند! ﴿۸۸﴾ و ما در این قرآن برای مردم از هر حقیقتی مثالی آوردیم، اما بیشتر مردم جز ناسپاسی کاری نکردند ﴿۸۹﴾ و گفتند: به تو ایمان نمی‌آوریم مگر آن که از زمین [خشک و سوزان]، برای ما چشمه‌ای جاری کنی! ﴿۹۰﴾ یا باغی از درختان نخل و انگور داشته باشی و از میان درختانش نهرها جاری کنی! ﴿۹۱﴾ یا پاره پاره آسمان را آن‌چنان که ادعا می‌کنی بر سرمان بباری، و یا خدا و فرشتگان را نزد ما حاضر کنی! ﴿۹۲﴾ یا خانه‌ای از خشت‌های طلا داشته باشی، یا به سوی آسمان بالا روی! و ما آسمان رفتنت را باور نکنیم. مگر آن که کتابی برای ما بیاوری تا آن را بخوانیم! بگو پاک و منزّه است پروردگار من. آیا مگر من غیر از یک بشر فرستاده خدا چیز دیگری هستم؟! ﴿۹۳﴾ هنگامی که هدایت قرآن به سراغ مردم آمد تنها چیزی که مانع پذیرش آن‌ها شد این بود که گفتند: مگر می‌شود خداوند، بشری را پیامبر گرداند؟! ﴿۹۴﴾ بگو: اگر حتی بر روی زمین، فرشتگان زندگی می‌کردند و با خیال راحت راه می‌رفتند باز ما فرشته‌ای از جنس خودشان را به پیامبری، از آسمان می‌فرستادیم! ﴿۹۵﴾ بگو: بین من و شما، گواهی خداوند کافی است! زیرا او به وضعیّت بندگانش آگاه و بیناست ﴿۹۶﴾

هر کس را خداوند هدایت کند او هدایت یافته‌ راستین است. و هر کس را در گمراهی بگذارد، هیچ یآوری غیر از خدا برای او نخواهی یافت! و آن‌ها را در روز قیامت بر صورت‌های (واقعی) شان محشور می‌کنیم. درحالی‌که کور و گنگ و کردند و جایگاهشان جهنمی است، که هرگاه زبانه آن فرو نشیند، شعله‌ای دیگر بر آن بیافزائیم ﴿۹۷﴾ و این به خاطر آن است که آیات [به حق] ما را انکار کردند و گفتند: چگونه ما وقتی تبدیل به استخوان‌های پوسیده و خاک شدیم دوباره به خلقتی تازه درخواهیم آمد؟! ﴿۹۸﴾ آیا نمی‌بینند خداوند کسی است که آسمان‌ها و زمین را خلق کرده. و قادر است مثل آن‌ها را بیافریند؟! و برای‌شان عمر معینی قرار داده که در آن تردیدی نیست؟! بدانید که ظالمان کاری جز انکار و ناسپاسی نمی‌کنند ﴿۹۹﴾ بگو: اگر شما مالک تمام گنجینه‌های رحمت پروردگارم بودید باز از ترس فقر، چیزی به کسی نمی‌دادید، زیرا انسان موجودی تنگ نظر و بخیل است! ﴿۱۰۰﴾ [ای پیامبر!] به موسی نه معجزه آشکار دادیم - از بنی اسرائیل بپرس - آن‌گاه که موسی نزدشان آمد و فرعون به او گفت: ای موسی گمان می‌کنم تو جادو شده‌ای ﴿۱۰۱﴾ و موسی گفت: خوب می‌دانی این معجزات را جز پروردگار آسمان‌ها و زمین نفرستاده است. و ای فرعون! تو را نابود شده می‌بینم! ﴿۱۰۲﴾ و فرعون قصد کرد تا آن‌ها را از آن سرزمین ریشه کن کند. اما ما، هم او و هم تمام کسانی که با او بودند را غرق کردیم ﴿۱۰۳﴾ و پس از او به بنی اسرائیل گفتیم: در این سرزمین ساکن شوید، و چون روز قیامت شود همه‌تان را با هم محشور گردانیم ﴿۱۰۴﴾

قرآن را به حق نازل کردیم و به حق نازل شده است. بدان که ما تو را نفرستادیم مگر برای آن که بشارت‌دهنده و هشداردهنده باشی! ﴿۱۰۵﴾ و قرآن را آیه آیه نمودیم تا با تأنی بر مردم بخوانی. بدانید قرآن را به کمال نازل کرده‌ایم! ﴿۱۰۶﴾ بگو: چه آن را باور کنید و چه نکنید، آن‌ها که پیش از این، دارای علم و آگاهی‌اند وقتی قرآن بر آن‌ها خوانده شود به خاک افتاده و سجد می‌کنند ﴿۱۰۷﴾ و می‌گویند: پاک و بی‌نقص است پروردگار ما. و قطعاً وعده‌اش تحقق یافتنی است ﴿۱۰۸﴾ به خاک می‌افتند و گریه‌های [عاشقانه] سر می‌دهند و این باعث ازدیاد فروتنی‌شان می‌شود ﴿۱۰۹﴾ بگو: چه او را الله بخوانید چه رحمان، هرچه که بخوانید [بدانید که] بهترین نام‌ها از آن اوست! و هنگام نماز نه صدایت را بلند کن و نه آهسته گردان، بلکه میان این دو، راهی معتدل را برگزین ﴿۱۱۰﴾ بگو ستایش مخصوص خدایی است که نه فرزندی برگزیده و نه شریکی برای اداره هستی دارد و نه یابوری به خاطر ضعف و ذلت اختیار کرده است! همواره او را بسیار بزرگ شمار ﴿۱۱۱﴾

سوره کُهِف

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ستایش مخصوص خدایی است که بر بنده خود قرآن را نازل کرد و هیچ انحرافی در آن ننهاد ﴿۱﴾ کتابی محکم و پابرجا، تا مردم را به واسطه آن نسبت به مجازات شدید الهی هشدار دهد. و اهل ایمان را، همان کسانی که عملکردشان نیک و مفید است - بشارت دهد که پاداشی نیک و زیبا در انتظارشان است ﴿۲﴾ [بهشتی] که جاودانه در آن خواهند ماند ﴿۳﴾ و نیز به کسانی که می‌گویند: خداوند فرزندی اختیار کرده، هشدار دهد ﴿۴﴾

نه آن‌ها آگاهی دارند، نه پدرانشان. حقیقتاً سخن گرانی از دهانشان خارج می‌شود. و آن‌ها جز دروغ چیزی نمی‌گویند! ﴿۵﴾ گویی از غم و اندوه به خاطر دستاورد [زشت] شان، می‌خواهی خود را هلاک کنی! که چرا به قرآن ایمان نمی‌آورند! ﴿۶﴾ ما هرچه را روی زمین قرار داده‌ایم، برای زینت آن گذاشتیم تا مردم را مورد آزمایش قرار دهیم. و مشخص شود کدام یک از آن‌ها عملکرد بهتری دارد ﴿۷﴾ و سرانجام نیز روی زمین را به خاک بی‌گیاهی تبدیل خواهیم کرد ﴿۸﴾ آیا گمان می‌کنی که اصحاب کهف و رقیم از نشانه‌های عجیب ما بوده‌اند؟! ﴿۹﴾ [یاد آر!] آن‌گاه که آن جوانمردان به غار پناه بردند و گفتند: پروردگارا! ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن و برای رهایی از این مشکل راه نجاتی پیش پای ما بگذار ﴿۱۰﴾ ما در آن غار آن‌ها را سال‌ها به خواب فرو بردیم ﴿۱۱﴾ آن‌گاه بیدارشان کردیم تا مشخص شود کدام‌یک از آن‌ها مدت خوابشان را بهتر تخمین زده است ﴿۱۲﴾ و ما سرگذشت آن‌ها را به حق بر تو حکایت می‌کنیم: آن‌ها جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان داشتند، و از همین رو بیش از پیش هدایتشان کردیم! ﴿۱۳﴾ ما دل‌های آن‌ها را یکپارچه و باثبات کردیم. آن هنگام که برخاستند و گفتند: پروردگارا، همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است. و ما هرگز به جای خداوند، کس دیگری را برای نجات خود نمی‌خوانیم، که اگر چنین کنیم سخنی بی‌اساس گفته‌ایم! ﴿۱۴﴾ این قوم ما که خدایانی به جز پروردگار بزرگ اختیار کرده‌اند، چرا [برای اثبات معبودان خویش] دلیل روشنی نمی‌آورند؟! به راستی آیا ظالم‌تر از کسی که بر خدا دروغ می‌بندد وجود دارد؟! ﴿۱۵﴾

حال که از این قوم ناسپاس و معبودان‌شان کناره‌گیری کرده‌اید و فقط خدا را می‌پرستید، به غار پناه ببرید، و مطمئن باشید که پروردگارتان شما را مشمول رحمتِ خویش می‌کند. و راه نجاتی پیش پایتان می‌گذارد ﴿۱۶﴾ ای پیامبر! موقعیت غار چنین بود که [نور خورشید به هنگام طلوع، در سمت راستِ غار قرار داشت و هنگام غروب، در سمت چپ آن. و آن‌ها نیز [نه در دهانهٔ غار بلکه] در محوطهٔ داخل آن قرار داشتند! این‌ها همه از آیات خداست، بدان که خداوند هر که را هدایت کند او هدایت شدهٔ واقعی است. و هر که را در گمراهی بگذارد، هرگز یاور و راهنمایی برای او نخواهی یافت! ﴿۱۷﴾ [موقعیت‌شان چنان بود که] می‌پنداشتی همه بیدارند، حال آن که همه در خواب بودند! حتی ما آن‌ها را به سمتِ راست و چپ بر می‌گردانیم! و سگ‌شان نیز در دهانهٔ غار، دو دستش را دراز کرده بود! [و گوئی نگهبانی می‌داد]. اگر به سراغ‌شان می‌رفتی از ترس پا به فرار می‌گذاشتی! ﴿۱۸﴾ و هنگامی که بیدارشان کردیم تا با یکدیگر گفت و گو کنند، یکی از آن‌ها گفت: [فکر می‌کنید] چه مدت خوابیده‌اید؟! گفتند: یک روز، شاید هم کمتر! گفتند: پروردگارتان به مدت زمانی که خوابیده‌اید آگاه‌تر است. یکی را از میان خودتان انتخاب کنید و با این پول‌تان به شهر بفرستید تا پاکیزه‌ترین غذا را تهیه کرده و رزق‌تان را بیاورد، و باید مراقب رفتار خود باشد تا کسی به وجود شما آگاهی نیابد! ﴿۱۹﴾ زیرا اگر [آن قوم ناسپاس] شما را ببیند، یا سنگسارتان خواهند کرد و یا شما را به آئین خودشان برمی‌گردانند. که در این صورت هرگز روی رستگاری را نخواهید دید! ﴿۲۰﴾

و بدین‌سان مردم را از موقعیت آنان آگاه کردیم، تا بفهمند وعده الهی حق است و هیچ شکی در وجود روز قیامت نیست! وقتی مردم درباره حقیقت امر آن‌ها به مجادله پرداختند، عده‌ای گفتند: بر روی [قبرهای] آنان بنایی بسازیم [تا محو شوند و دیگر سخنی از آن‌ها نباشد] زیرا پروردگارشان بهتر می‌داند با آن‌ها چه کند. اما عده‌ای که از امرشان مطلع بودند، گفتند: ما اینجا را عبادتگاه می‌گیریم! ﴿۲۱﴾ [برخی حقایق را نمی‌بینند و آن‌گاه بر سر تعدادشان مجادله می‌کنند!] عده‌ای می‌گویند: آن‌ها سه تن بودند و چهارمین‌شان سگ آن‌ها بود. عده‌ای می‌گویند: پنج تن بودند و ششمین‌شان سگ آن‌ها بود. همه این‌ها سخنان بی‌دلیل است. و برخی می‌گویند: هفت تن بودند و هشتمین‌شان سگ آنان بود! [ای پیامبر!] بگو: پروردگار من از تعداد آن‌ها آگاه‌تر است. و از حقیقت امر جز تعداد اندکی، کسی چیزی نمی‌داند! بنابراین درباره آنان جز با دلیل، سخن مگو. و از کسی نیز چیزی نپرس! ﴿۲۲﴾ و هرگز مگو که فردا چنین خواهم کرد! ﴿۲۳﴾ مگر آن که [بگویی]: اگر خدا بخواهد! و هرگاه فراموش کردی، پروردگارت را یاد کن و بگو: امیدوارم پروردگارم به راهی بهتر و روشن‌تر هدایت‌م کند! ﴿۲۴﴾ آن‌ها سیصد سال در آن غار خوابیدند و نه سال دیگر نیز بر آن مدت افزودند ﴿۲۵﴾ بگو: خداوند از مدت خوابشان آگاه‌تر است، زیرا غیب و نادیده‌های آسمان‌ها و زمین از آن اوست. به راستی چه بینا و شنواست! برای آن‌ها به غیر از خداوند هیچ تکیه‌گاهی نیست. و بدان خداوند احدی را در حکمش شریک نمی‌کند ﴿۲۶﴾ آن‌چه را از قرآن پروردگارت به تو وحی شده، تلاوت کن! هیچ چیز کلمات او را تغییر نمی‌دهد. و هرگز پناهگاهی جز او نخواهی یافت ﴿۲۷﴾

^۱ آن‌چه که مهم است حقیقت است، توجه به خداست. شخص پرستی خلاف مشی اسلام است. اگر بر روی قبور آن‌ها عبادتگاه بسازید در آن چهارچوب، در آن اطاق گیر خواهید کرد و مجبورید فلسفه و آیین بسازید و به این ترتیب از اصل دور خواهید افتاد باید نکته را گرفت و آزاد شد. حتی لازم نیست درباره تعداد آن‌ها به بحث بنشینید! زیرا نکته بر سر توانایی خدا در ایجاد قیامت است. توانایی او در زنده کردن و زنده نگاه داشتن است، باید به این نکته ایمان داشت!

ای پیامبر! تو نیز پا به پای کسانی که هر صبح و شام پروردگارشان را می‌خوانند، صبر و استقامت بورز، زیرا آن‌ها وجه الله^۱ را می‌طلبند. هرگز چشمان خود را به خاطر دیدن زینت‌های زندگی دنیا، از آن‌ها برنگیر. و از کسی که قلب و ادراکش را از یادمان غافل کرده‌ایم، و از هوای نفس‌اش پیروی می‌کند، اطاعت مکن، [زیرا چنین شخصی] در همه کارهایش افراط گراست! ﴿۲۸﴾ بگو: این حق است و از سوی پروردگارتان آمده است. هر کس بخواهد ایمان می‌آورد. و هر کس بخواهد انکار می‌کند. بدانید! که ما برای ستمگران آتشی مهیا کرده‌ایم که شعله‌هایش سرا پایشان را فرا می‌گیرد. و هنگامی که به زاری تمنا کنند، آبی به آن‌ها داده خواهد شد، که چون فلز گداخته‌ای صورت‌هایشان را بریان کند. چه شراب بدی است و چه بد جایگاهی! ﴿۲۹﴾ کسانی که به حقایق ایمان دارند و عملکردشان سراسر خوبی و خدمت است، بدانند! که ما پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم ﴿۳۰﴾ برای آن‌ها بهشت‌هایی مهیاست که نهرها در زیر پای‌شان جاری است. در حالی که به دستبندهای زرین آراسته می‌شوند و لباس‌هایی از حریر سبز رنگ نازک و ضخیم می‌پوشند. و بر تخت‌ها تکیه می‌زنند. چه پاداش خوبی و چه جایگاه نیکویی! ﴿۳۱﴾ برای آن‌ها مثال آن دو مردی را بزن که به یکی از آن‌ها دو باغ انگور دادیم، در حالی که پیرامون آن باغ‌ها را نخل قرار داده بودیم و مابین‌شان را کشتزار ﴿۳۲﴾ آن دو باغ، میوه خود را [به فراوانی] می‌دادند و ما میان آن دو، نهری جاری کردیم ﴿۳۳﴾ صاحب باغ در حال گفتگو رو به دوستش کرد و گفت: من از نظر مال و نفرت از تو برترم! ﴿۳۴﴾

^۱ وجه الله را تجلی حق در وجود انسان کامل، دانسته‌اند. همچنانکه امام صادق (ع) در حدیثی فرمود: «نحن وجه الله». اصول کافی، فصل امامت

^۲ وجه ظالمان، لیاقت تجلی حق را ندارد. آن‌ها متناسب با وجودشان، تغذیه می‌شوند. وجه‌شان، ناری است نه نوری!

^۳ لباس‌های حریر را کنابه از کالدهای لطیف بهشتی دانسته‌اند.

و این مرد به خود ستم کرده، به باغ پر برکت و زیبای خود وارد شد و گفت: گمان نکنم چنین باغی هیچ‌گاه از بین رفتنی باشد! ﴿۳۵﴾ هم‌چنان که گمان نکنم قیامتی در کار باشد! تازه اگر هم مرا نزد پروردگارم ببرند یعنی جایگاهی بهتر از این خواهم داشت؟! ﴿۳۶﴾ و دوستش در حین گفت‌وگو به او اظهار کرد: آیا خدایی که تو را از خاک و سپس از نطفه آفریده و عاقبت تبدیل به مردی کامل کرده است، انکار می‌کنی؟! ﴿۳۷﴾ اما من اعتراف می‌کنم که، الله پروردگار من است. و احدی را شریک پروردگارم نمی‌دانم ﴿۳۸﴾ چرا هنگامی که وارد باغت می‌شوی، نمی‌گویی ماشاء الله. و هیچ نیرویی جز از جانب خدا نیست؟! اگر می‌بینی که من از نظر مال و فرزندان از تو کمترم [به حکمت خدا تسلیم هستم] ﴿۳۹﴾ شاید پروردگارم به من، چیزی ارزشمندتر از باغ تو عطا کند. [غافل مشو] شاید خدا از آسمان بر آن باغ بلایی نازل کند و آن را به زمین بی‌گیاه و لغزنده‌ای بدل نماید ﴿۴۰﴾ یا شاید آب آن، به اعماق زمین فرو رود و تو هرگز نتوانی به آن دست‌یابی! ﴿۴۱﴾ تمام میوه‌های آن نابود شد و او به خاطر هزینه‌گرانی که برای باغ کرده بود [از شدت حسرت] دستانش را بهم می‌مالید! حال که آن باغ به کلی ویران شده می‌گوید: کاش هرگز کسی را شریک پروردگارم نمی‌پنداشتم! ﴿۴۲﴾ هیچ گروهی غیر از خدا، برای یاری او وجود نداشت، از خود او نیز کاری بر نمی‌آمد ﴿۴۳﴾ این جا آشکار شد که ولایت و قدرت از آن خداوند حق است. و بهترین پاداش‌ها و بهترین عاقبت‌ها نیز نزد اوست ﴿۴۴﴾ برای آن‌ها مثال بزن که، زندگی دنیا چون آبی است که از آسمان فرو می‌ریزیم و به واسطه آن گیاهان زمین می‌رویند و سپس خشک می‌شوند و باد آن‌ها را می‌پراکند! بدانید این خداست که بر هر کاری تواناست ﴿۴۵﴾

مال و فرزندان، زینت‌های زندگی دنیا هستند. اما بدانید آثارِ مفیدِ ماندگار، نزد پروردگارت بهتر و امید بخش‌ترند ﴿۴۶﴾ روزی که کوه‌ها را به حرکت درآوریم، زمین را بارز و آشکار می‌بینی! بدون شک همهٔ انسان‌ها را [برای حسابرسی] محشور خواهیم کرد. و حتی یک تن از آن‌ها را رها نمی‌کنیم ﴿۴۷﴾ آن‌ها در برابر پروردگارت به صف قرار می‌گیرند. اکنون مثل اولین باری که شما را خلق کردیم. به سوی ما آمدید، در حالی که تصوّر می‌کردید هیچ‌گاه شما را به چنین وعده‌گاهی نخواهیم آورد! ﴿۴۸﴾ و نامهٔ اعمالشان را در دست آن‌ها می‌گذارند. و در این حال، مجرمان را از آن‌چه که در دست‌شان است ترسان و وحشت‌زده خواهی دید. در حالی که می‌گویند: ای وای بر ما، این عجب نامهٔ اعمالی است! هیچ کار کوچک و بزرگی را برای محاسبه فراموش نکرده است! و این جاست که عملکردشان را آشکارا می‌بینند. در حالی که پروردگارت به احدی ظلم نخواهد کرد ﴿۴۹﴾ و یاد آر! هنگامی که به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید! پس همه سجده کردند مگر ابلیس که از جنیان بود. و از فرمان پروردگارش سرپیچی کرد! آیا [با این حال] ابلیس و فرزندان‌ش را به جای من، دوست و تکیه‌گاه خود قرار می‌دهید؟! حال آن که آن‌ها دشمنان شما هستند! و بدانید که ظالمان، بد چیزی را به جای خداوند قرار داده‌اند! ﴿۵۰﴾ اما هنگام خلقت آسمان‌ها و زمین، ابلیس و فرزندان‌ش را حاضر و ناظر بر کار قرار ندادیم. و حتی به هنگام آفرینش خودشان این کار را نکردیم [تا از اسرار آفرینش مطلع نباشند و دیگران نیز به ما تهمت نزنند که از آن‌ها یاری گرفته‌ایم]، زیرا ما از گمراهان یاری نمی‌گیریم! ﴿۵۱﴾ روزی که خدا گوید: آن شریکانی را که برای من قائل می‌شدید صدا بزنید! اما هرچه آن‌ها را بخوانند، هیچ جوابی نمی‌دهند، زیرا میان آن دو گروه هلاکت‌گاه قرار داده‌ایم! ﴿۵۲﴾ و هنگامی که مجرمان آتش دوزخ را ببینند، می‌انگارند در آن قرار گرفته‌اند و هیچ راه گریزی از آن نمی‌یابند! ﴿۵۳﴾

^۱ باقیات صالحات، آن محبت همیشگی است که گذشت زمان نمی‌تواند آن را از بین ببرد. محبتی که خالصانه است، جاودانه است.

ما در این قرآن، برای درک مردم هرگونه مثلی را آورده‌ایم. با این حال انسان بیش از هر چیز به بحث و جدل می‌پردازد! ﴿۵۴﴾ هنگامی که هدایت به سراغ مردم آمد، چیزی مانع ایمان آوردن و آمرزش خواستن آنان از خدا نشد، مگر گرفتار بودن آن‌ها در سنت‌های پیشینیان و یا دور بودن عذابی که مقرر است به سراغشان آید! ﴿۵۵﴾ ما پیامبران را فقط به عنوان بشارت‌دهنده و هشدار دهنده فرستادیم. در حالی که منکران حقیقت به واسطه باطل، مجادله به راه می‌اندازند تا [به گمان خویش] حق را از بین ببرند و آیات و هشدارهای ما را به تمسخر گیرند! ﴿۵۶﴾ آیا ستمکارتر از کسی که به آیات خدا یادآوری شده و آن‌گاه از آن روی برمی‌گرداند، وجود دارد؟! چنین کسانی دستاورد خود را فراموش کرده‌اند و ما نیز به کیفر این گناه بر قلب‌ها و مراکز ادراک آن‌ها پرده افکنده‌ایم تا درک حقایق نکنند، و گوش‌هایشان را سنگین کردیم [تا حقایق را نشنوند]. بدین‌سان چنان‌چه آن‌ها را به سوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نمی‌شوند! ﴿۵۷﴾ پروردگار تو آمرزنده و صاحب رحمت است. اگر می‌خواست به خاطر دستاوردشان گرفتارشان کند، بی‌درنگ عذاب سراپای وجودشان را در بر می‌گرفت. اما برای آن‌ها زمانی تعیین شده است که با اتمام آن هیچ راه‌گریزی نخواهند داشت ﴿۵۸﴾ این‌ها شهرهایی است که به خاطر دستاورد ظلم آلود اهل‌شان، ویران کرده‌ایم. در حالی که برای نابودی آن‌ها زمانی را تعیین کرده بودیم! ﴿۵۹﴾ [و یاد آر!] هنگامی که موسی به دستیار خود گفت: دست از تلاش بر نمی‌دارم تا این‌که به محل تلاقی این دو دریا برسیم، [و این کار را انجام می‌دهم] حتی اگر تمام عمر در راه باشم! ﴿۶۰﴾ و هنگامی که به نقطه تلاقی دو دریا رسیدند، از ماهی‌شان [که برای غذا داشتند] غفلت کردند و ماهی نیز راه خود را در دریا پیش گرفت و رفت! ﴿۶۱﴾

^۱ از هر چیز که انسان غفلت کند و به دست فراموشی بسپرد. آن چیز به اصل خود بر می‌گردد و در عین حال، همان نقطه و همان موقعیت، می‌تواند باردار چیزهای دیگر باشد!

وقتی از آن جا گذشتند [موسی] به دستیارش گفت: غذایمان را بیاور، که از این سفر سخت خسته شده‌ایم ﴿۶۲﴾ دستیارش گفت: آن لحظه را که کنار آن صخره به استراحت پرداختیم به یاد داری؟! حقیقت این است که من از ماهی غفلت کردم و این شیطان بود که باعث شد من آن را از خاطر ببرم و ماهی نیز به طرز شگفت‌انگیزی راه خود را در دریا پیش گرفت و رفت! ﴿۶۳﴾ موسی گفت: آن نقطه همان جایی است که ما در جست و جویش بودیم! بی‌درنگ به مسیر جای پایشان دقت کردند و برگشتند! ﴿۶۴﴾ در آن جا بنده‌ای از بندگان خاص ما را یافتند که او را مشمول رحمت خود ساخته و از علم الهی بهره‌مندش کرده بودیم ﴿۶۵﴾ موسی به او گفت: آیا اجازه می‌دهی همراه تو باشم تا از دانش نجات‌بخشی که تو را آموخته‌اند مرا تعلیم دهی؟! ﴿۶۶﴾ گفت: تو طاقت و صبر با من بودن را نداری! ﴿۶۷﴾ و چگونه می‌توانی نسبت به چیزی که حقیقتش را نمی‌دانی صبر و حوصله کنی؟! ﴿۶۸﴾ موسی گفت: ان‌شاءالله مرا صبور خواهی یافت، مطمئن باش از دستور تو سرپیچی نخواهم کرد! ﴿۶۹﴾ گفت: پس اگر می‌خواهی به دنبال من بیایی نباید چیزی از من بپرسی تا آن که خودم [به موقع] حقیقت آن را برایت بگویم! ﴿۷۰﴾ پس به راه افتادند تا این که سوار کشتی شدند، آن مرد کشتی را سوراخ کرد. [موسی] گفت: آیا کشتی را سوراخ کردی تا مسافران را غرق نمایی؟! قطعاً کار خطرناکی انجام دادی! ﴿۷۱﴾ گفت: نگفتم که تو طاقت صبر با من بودن را نداری؟! ﴿۷۲﴾ موسی گفت: [معذرت می‌خواهم] اگر عهد خود را فراموش کردم، مرا مؤاخذه مکن و بر من سخت مگیر! ﴿۷۳﴾ دوباره رهسپار شدند تا به نوجوانی رسیدند. آن مرد بی‌درنگ نوجوان را کشت. موسی گفت: چرا جان بی‌گناهی را گرفتی در حالی که قتلی مرتکب نشده بود؟! قطعاً کار زشتی مرتکب شده‌ای ﴿۷۴﴾

گفت: نگفتم که تو طاقت صبر با من بودن را نداری؟! ﴿۷۵﴾ موسی گفت: چنان چه از این به بعد سؤالی از تو بپرسم دیگر با من همراهی مکن! که برای من حجت تمام است. و تو معذور خواهی بود ﴿۷۶﴾ دوباره رهسپار شدند تا این که به روستایی رسیدند. از اهالی آن جا طعام خواستند، ولی آنان از مهمان کردنشان خودداری کردند. در آن جا دیوار مخروبه‌ای دیدند و مرد بی‌درنگ مشغول تعمیر آن شد. موسی گفت: لااقل در ازای این کار مزدی از اهالی می‌گرفتی! ﴿۷۷﴾ گفت: اکنون زمان جدایی من و تو رسیده است! من تو را از حقیقت آن چه توان صبر بر آن نداشتی آگاه خواهم کرد ﴿۷۸﴾ اما آن کشتی متعلق به مردم بیچاره‌ای بود که با آن در دریا به دنبال رزق و روزی خویش می‌رفتند. من در آن عیبی وارد کردم، زیرا آن سوتر پادشاهی کشتی‌ها را غصب می‌کرد. [من با این کار باعث شدم کشتی را از دست‌شان نگیرد] ﴿۷۹﴾ و اما نوجوان، پدر و مادر با ایمانی داشت ما نخواستیم که او آن‌ها را به کفر و طغیان وادارد ﴿۸۰﴾ و با این کار خواستم تا پروردگارشان فرزندی بهتر و مهربان‌تر از او عطایشان کند! ﴿۸۱﴾ و اما دیوار متعلق به دو نوجوان بود که زیر آن گنجی برای آنان وجود داشت، چون پدرشان مرد صالحی بود، پروردگارت [از روی رحمت] اراده کرد تا آن‌ها هنگامی که به رشد عقلی رسیدند، گنج‌شان را بیرون بیاورند. و من این کارها را خودسرانه انجام ندادم. و این بود حقیقت آن چیزهایی که تو توانایی تحملش را نداشتی! ﴿۸۲﴾ ای پیامبر! از تو درباره ذوالقرنین سؤال می‌کنند، بگو: از او نیز ذکری به میان خواهم آورد ﴿۸۳﴾

^۱ عامل این سه ماجرا چه حضرت خضر باشد چه الیاس، بی‌شک یک مأمور الهی تمام عیار است که به اذن خدا زمان را درنوردیده و گذشته و حال و آینده برایش یکسان و یک جا حاضر است! به تعبیری عرفانی با آن که در دنیاست ولی در آخرت زندگی می‌کند! برای همین است که آینده را به راحتی در زمان حال می‌بیند و به اذن خدا دست به اقدام می‌زند، بی‌شک این یک قدرت نمایی الهی است که فقط به اذن خداست. و برای ما که اسیر زمان هستیم قصاص قبل از وقوع جرم به هیچ وجه تجویز نشده است چنان که امام علی(ع) نسبت به ابن ملجم این درس را به روشنی به ما داده است. هابیل نیز نسبت به قابیل همین رویه را اتخاذ نمود.

^۲ نکته آموزنده این است که اگر موسی می‌خواهد در این سلوک همراه خوبی باشد، باید ذهنیات خود را کنار بگذارد. زیرا سلوک در این عالم، کیفیت دیگری است و هیچ چیز با ذهن سابق، جور نیست، سالک در این عالم، یک مشاهده‌گر است، مشاهده‌گری که نباید به ورطه قضاوت بیافتد. تسلیم به پیر، در اینجا نکته‌ای بارز است.

ما به او در روی زمین فرمان‌روایی عطا کردیم و راه استفاده از هر چیزی را در اختیارش گذاشتیم!^۱ (۸۴) او نیز از این امکان، استفاده کرد (۸۵) تا به محل غروب خورشید رسید؛ همان‌جایی که انگار خورشید در آب چشمه‌ای تیره و گل‌آلود پایین می‌رود! در آن‌جا مردمی را یافت که زندگی می‌کردند. به او گفتیم: ای ذوالقرنین! می‌خواهی آن‌ها را مجازات کنی یا این که پاداش نیکویی عطایشان کنی؟! (۸۶) گفت: کسانی را که ظلم کرده‌اند مجازات می‌کنیم، آن‌گاه آن‌ها را به سوی پروردگارشان می‌فرستیم تا او نیز به سختی عذاب‌شان کند! (۸۷) اما کسانی که به حقایق ایمان دارند و عملکردشان نیک و شایسته است، برای آن‌ها پاداش خوبی مهیاست، و دستوره‌های آسانی به آنان خواهیم داد! (۸۸) سپس بار دیگر از سببی که در اختیار داشت بهره گرفت (۸۹) این بار به محل طلوع خورشید رسید، دید خورشید بر قومی طلوع می‌کند که جز نور آن هیچ پوششی را در اختیارشان قرار نداده‌ایم!^۲ (۹۰) چنین بود و ما از تمام توانائی‌های ذوالقرنین آگاهی داشتیم (۹۱) دوباره با امکاناتش رهسپار شد (۹۲) این بار به میان دو کوه رسید، و در آن‌جا گروه دیگری غیر از دو گروه قبلی را دید که هیچ سخنی را نمی‌فهمیدند! (۹۳) گفتند: ای ذوالقرنین، یاجوج و ماجوج در روی زمین راه فساد و تباهی پیش گرفته‌اند، آیا ممکن است ما هزینه‌ای برای تو در نظر بگیریم تا سدی میان ما و آن‌ها ایجاد کنی؟! (۹۴) گفت: آن قدرتی که خدا در اختیار من قرار داده از هر چیز دیگری بهتر است! پس مرا با نیرویی یاری کنید، تا بین شما و آن‌ها سدی ایجاد کنم!^۳ (۹۵) قطعات آهنین را برایم بیاورید. و چون با آن قطعات بین آن دو کوه را پر کرد گفت: بر آن [آتش سوزان] بدمید تا گداخته گردد، سپس گفت: مس ذوب شده‌ای را بیاورید تا روی آن بریزم!^۴ (۹۶) [او بدین نحو سدی شد که] نه می‌توانستند از آن بالا روند و نه در آن نقبی ایجاد کنند (۹۷)

^۱ از منظر باطنی، اگر کسی به اذن خدا، از علم الاسماء برخوردار باشد، استفاده کاربردی او از اشیاء بالاترین کیفیت را خواهد داشت.

^۲ شاید مراد از یاجوج و ماجوج، کنایه از جماعت جهانی است که در هر دوره چون تحریک شوند. سیلی به راه انداخته و باعث ویرانی می‌شوند! از این منظر یاجوج، مظهر قوای نفسانی، افکار ذهنی و وهمی است و ماجوج، مظهر قوای جسمی و مادی.

گفت: این رحمتی از جانب پروردگار من است. پس هنگامی که وعده پروردگارم فرا رسد آن را در هم خواهد کوبید. بدانید که وعده پروردگار من حق است! ﴿۹۸﴾ در روز قیامت، آن‌ها را چنان وا می‌گذاریم تا چون موج در هم بولند، و چون در صور دمیده شود، همه را گرد خواهیم آورد ﴿۹۹﴾ و آن‌گاه جهنم را آشکارا بر کافران عرضه خواهیم کرد ﴿۱۰۰﴾ همان‌هایی که بر چشم‌هایشان پرده بود [و درک حقایق نمی‌کردند] و از یاد من غافل بودند! همان‌هایی که توانایی شنیدن هیچ حقیقتی را نداشتند! ﴿۱۰۱﴾ آیا منکران حقیقت، تصوّر می‌کنند می‌توانند بندگان مرا به جای من، معبود و تکیه‌گاه قرار دهند؟! ما برای منکران حقیقت، جهنم را به عنوان منزل‌گاه تدارک دیده‌ایم! ﴿۱۰۲﴾ بگو: آیا می‌خواهید شما را از بدترین عملکردها آگاه سازم؟ ﴿۱۰۳﴾ کسانی که همه تلاش‌شان در زندگی دنیا، تبدیل به هیچ شد. در حالی که تصور می‌کردند عملکرد نیکی داشته‌اند! ﴿۱۰۴﴾ آنان کسانی هستند که آیات نجات‌بخش پروردگارشان و نیز دیدار او را انکار کردند [و به خاطر این جرم]، دستاوردها تباه شد. و ما نیز در روز قیامت برای‌شان ارزشی قائل نیستیم! ﴿۱۰۵﴾ کیفر آنان به خاطر انکار حقیقت، و نیز تمسخر کردن آیات و پیامبران ما، جهنم است! ﴿۱۰۶﴾ کسانی که به حقایق ایمان دارند و دارای عملکردی پسندیده‌اند، باغ‌های فردوس منزلگاهشان است ﴿۱۰۷﴾ در آن‌جا جاودانند. و هرگز هوای ترک آن‌جا را در سر نمی‌پروراندند ﴿۱۰۸﴾ بگو: اگر تمام دریاها مرگب شوند، تا کلمات پروردگارم (تمامی نعمت‌ها و پدیده‌ها و مخلوقات او) را بنویسند، دریاها پایان می‌پذیرند قبل از آن‌که کلمات پروردگارم پایان پذیرد! حتی اگر همانند دریاها را کمک آن قرار دهیم [باز نمی‌توانند کلمات خدا را احصاء کنند]: ﴿۱۰۹﴾ ای پیامبر بگو: من هم بشری مثل شما هستم [تنها امتیازی که هست این است که] به من وحی می‌شود [که ابلاغ کنم] خدای شما خدای یگانه است. پس هر کس امید و اعتقادی به دیدار پروردگارش دارد باید عملکردی نیک و مفید داشته باشد. و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نکند! ﴿۱۱۰﴾

سورهٔ مریم

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

کهیص ﴿۱﴾ این یادِ رحمتِ آمیز پروردگار تو نسبت به بنده‌اش زکریاست! ﴿۲﴾ آن هنگام که پروردگارش را در نهان ندا داد ﴿۳﴾ و گفت: پروردگارا! از فرط پیری! استخوان‌هایم سست شده و موی سرم سپید گشته است. [اما در تمام این مدت] هرگز در دعای تو از اجابت محروم نمی‌شدم! ﴿۴﴾ من بعد از خودم، نسبت به آیندهٔ بستگانم نگرانم. حال آن که همسرم نازا است. پس لطف نما و از سوی خویش فرزندی جانشین به من عطا کن ﴿۵﴾ تا وارث من و آل یعقوب باشد! پروردگارا! از تو می‌خواهم که او [و عملکردش] را مورد رضایت خود قرار دهی ﴿۶﴾ ای زکریا، ما تو را به تولد فرزندی به نام یحیی بشارت می‌دهیم. نامی که قبل از او بر کس دیگر ننهاده‌ایم! ﴿۷﴾ گفت: پروردگارا! چگونه می‌توانم فرزندی داشته باشم در حالی که همسرم نازاست و من نیز پیر و فرتوت گشته‌ام؟! ﴿۸﴾ گفت: پروردگارت این چنین گفته است: که چنین کاری بر من آسان است. بدان که خودت قبلاً چیزی نبودى و من تو را آفریدم! ﴿۹﴾ زکریا گفت: پروردگارا! [در ارتباط با این امر]، برای من نشانه‌ای قرار بده [تا قلبم آرام گیرد و مطمئن شوم]! خدا گفت: نشانهٔ تو این است که در عین سلامتِ زبانت، سه شبانه روز با هیچ‌کس سخن نگویی! ﴿۱۰﴾ آن‌گاه از محراب عبادت به سوی قومش روان شد. و بر دلِ آن‌ها افکند که هر صبح و شام خداوند بزرگ را تسبیح کنند! ﴿۱۱﴾

ای یحیی! این کتاب را با قدرت بگیر [و نگهداری کن]! هر چند که ما به او در کودکی حکمت و دانایی عطا کردیم! ﴿۱۲﴾ و از جانب خودمان او را مورد لطف قرار دادیم و پاکیزه‌اش گرداندیم، زیرا او حرمت خدا را نگاه می‌داشت ﴿۱۳﴾ و به پدر و مادرش نیکی می‌کرد، و اهل ظلم و نافرمانی نبود ﴿۱۴﴾ پس سلام بر او روزی که متولد شد، و روزی که می‌میرد، و روزی که دوباره زنده برانگیخته می‌شود! ﴿۱۵﴾ در این کتاب، از مریم یاد کن! آن‌گاه که از خانواده‌اش فاصله گرفت و به ناحیه طلوع آفتاب آمد ﴿۱۶﴾ سپس پرده‌ای میان خود و آن‌ها کشید! آن‌گاه ما روح خود را به صورت یک انسان تمام‌به‌سوی او فرستادیم ﴿۱۷﴾ مریم گفت: اگر انسان خداترس و خدانشناسی هستی، بدان که من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم! ﴿۱۸﴾ گفت: من فرستاده پروردگارت هستم تا فرزند پاکیزه‌ای به تو عطا کنم! ﴿۱۹﴾ مریم گفت: چگونه بچه‌دار شوم در حالی که هیچ مردی با من تماس نداشته، و بدکاره نیز نبوده‌ام؟! ﴿۲۰﴾ گفت: پروردگار تو این چنین گفته که این کار بر من آسان است. ما این فرزند را معجزه و رحمتی از جانب خودمان برای همه جهانیان قرار می‌دهیم. و این یک فرمان قطعی است! ﴿۲۱﴾ سپس باردار شد و با فرزندش به مکانی دوردست رفت ﴿۲۲﴾ درد زایمان باعث شد تا کنار درختِ نخلی پناه بگیرد در حالی که می‌گفت: کاش قبل از این مرده بودم و از خاطره‌ها محو می‌گشتم! ﴿۲۳﴾ ناگاه از زیر پای او ندائی آمد که می‌گفت: غمگین مباش که پروردگارت چشمه‌ای در زیر پایت نهاده است! ﴿۲۴﴾ تنه نخل را تکان بده تا خرمایی تازه بر تو فرو ریزد! ﴿۲۵﴾

^۱ از این آیه می‌توان دریافت که روح می‌تواند به صورت انسان، تجلی یابد.

بخور و بیاشام و چشمت را روشن دار و اگر بشری را دیدی، بگو: من برای خداوند
 رحمان روزه‌ای نذر کرده‌ام که امروز با انسانی سخن نگویم! ﴿۲۶﴾ آن‌گاه طفلش را در
 آغوش گرفته به سوی قومش آمد. آن‌ها گفتند: ای مریم، تو مرتکب کار بسیار بد و
 عجیبی شده‌ای! ﴿۲۷﴾ ای خواهر هارون! [از این کار تو تعجب می‌کنیم] در حالی که
 نه پدر تو مرد بدی بود و نه مادرت بدکاره! ﴿۲۸﴾ مریم به طفل اشاره کرد [تا از او
 بپرسند] اما آن‌ها گفتند: چگونه با طفلی که در گهواره است سخن بگوئیم؟ ﴿۲۹﴾
 [طفل] گفت: من بنده‌ی خدایی هستم که به من کتاب عطا کرده. و پیامبرم گردانیده
 است ﴿۳۰﴾ و مرا در هر کجا که باشم مایه‌ی برکت گردانیده، و تا زنده‌ام به اقامه‌ی نماز
 و پرداخت زکات توصیه‌ی نموده است ﴿۳۱﴾ و نیز مرا توصیه کرده که نسبت به مادرم
 رفتار نیک داشته باشم، و مرا چون ظالمان و سنگدلان نخواسته است ﴿۳۲﴾ پس
 سلام بر روزی که متولد شدم و روزی که می‌میرم و روزی که دوباره زنده برانگیخته
 می‌شوم! ﴿۳۳﴾ این است عیسی ابن مریم، همان کلمه‌ی حقی که به آن شک و تردید
 داشتند! ﴿۳۴﴾ بدانید خداوند هیچ فرزندی اختیار نکرده است! پاک و بی‌عیب است
 خدا! چون اراده‌ی کاری کند فقط می‌گوید: موجود شو. بی‌درنگ موجود می‌شود ﴿۳۵﴾
 الله پروردگار من و پروردگار شماست. پس فقط او را پرستش کنید، که این راه راست
 و درست است! ﴿۳۶﴾ اما گروه‌ها با یکدیگر اختلاف کردند. پس وای به حال منکران
 حقیقت، در لحظه‌ی دیدار روز بزرگ قیامت! ﴿۳۷﴾ چه شنوا و بینا شده‌اند در آن روز
 که دوباره نزد ما می‌آیند! اما امروز ظالمان در گمراهی آشکارند! ﴿۳۸﴾

آن‌ها را نسبت به آن روز حسرت‌آمیز هشدار ده! آن‌گاه که کار پایان پذیرد آن‌ها هنوز در غفلت و بی‌ایمانی به سر می‌برند! ﴿۳۹﴾ بدون تردید ما وارث زمین و هر که به آن هست می‌باشیم. و همه به سوی ما بازگردانده خواهند شد ﴿۴۰﴾ در این کتاب از ابراهیم یاد کن، همو که پیامبری راستگو بود ﴿۴۱﴾ هنگامی که به پدرش گفت: ای پدر! چرا چیزی را که نه می‌شنود و نه می‌بیند و هیچ نیازی از تو برطرف نمی‌کند، پرستش می‌کنی؟! ﴿۴۲﴾ ای پدرم! علمی نصیب من شده است که تو از آن بی‌خبر و بی‌نصیبی! پس مرا پیروی کن تا تو را به راه درست و نجات بخش هدایت کنم ﴿۴۳﴾ ای پدرم! شیطان را پرستش مکن، زیرا شیطان نسبت به خدای رحمان نافرمان بوده است ﴿۴۴﴾ ای پدرم! از این که شما دوستدار شیطان باشید و گرفتار عذابی الهی شوید، نگرانم ﴿۴۵﴾ گفت: ای ابراهیم! آیا از خدایان من بیزار شده‌ای؟! اگر از این کار دست برداری قطعاً سنگسارت می‌کنم. فعلاً برای مدتی طولانی از من دور شو! ﴿۴۶﴾ ابراهیم گفت: سلام بر تو [پدر]! برای تو از پروردگرم آمرزش خواهم خواست، زیرا او به من لطف و مهربانی دارد ﴿۴۷﴾ من از شما و از آن‌چه به جای خدا می‌پرستید دوری می‌کنم. امیدوارم دعایم در پیشگاه خداوند بدون جواب نماند! ﴿۴۸﴾ و چون از آن‌ها و آن‌چه به جای خدا می‌پرستیدند دوری کرد، به او اسحاق و یعقوب را عطا کردیم و همه را به پیامبری رساندیم! ﴿۴۹﴾ و آن‌ها را مشمول رحمت-مان قرار دادیم و نام نیک آن‌ها را شهرهٔ آفاق کردیم ﴿۵۰﴾ در این کتاب از موسی یاد کن! که بنده‌ای مخلص و فرستاده‌ای پیامبر بود ﴿۵۱﴾

و از سمت راست کوه طور، موسی را خطاب نموده و به خود نزدیک کردیم تا اسراری با او در میان بگذاریم! ﴿۵۲﴾ و از روی رحمت‌مان، هارون را که او هم پیامبر بود در اختیارش قرار دادیم ﴿۵۳﴾ در این کتاب از اسماعیل یاد کن! که او مشهور به وفاداری و فرستاده‌ای پیامبر بود ﴿۵۴﴾ کسی بود که اهلش را همواره به اقامه نماز و پرداخت زکات امر می‌کرد، و بی‌شک او مورد رضایت پروردگارش بود ﴿۵۵﴾ در این کتاب از ادریس یاد کن! زیرا او نیز پیامبری بسیار راستگو بود ﴿۵۶﴾ و بدین سبب او را جایگاهی رفیع عطا کردیم ﴿۵۷﴾ همه آن‌ها کسانی هستند که خداوند نعمت خویش را شامل حالشان کرده است، همان پیامبران و فرزندان آدم و همه کسانی که با نوح سوار کشتی کردیم، و فرزندان ابراهیم و اسرائیل و هر کس دیگری را که هدایت کردیم و انتخابشان کردیم تا آیات خدای رحمان بر آن‌ها تلاوت شود! [همان کسانی که چون آیات خدای رحمان را شنیدند] به سجده افتادند و گریه [عاشقانه] سر دادند! ﴿۵۸﴾ اما کسانی بعد از آن‌ها جانشین‌شان شدند که نماز را متروک گذاشتند و به دنبال شهوات خویش رفتند، به زودی جزای گمراهی را خواهند دید! ﴿۵۹﴾ مگر کسانی که [از گذشته زشت خود] توبه کنند و به خدای بزرگ ایمان بیاورند و دست به کار نیک زنند. بدون تردید آن‌ها به بهشت وارد خواهند شد، و هیچ ستمی بر آن‌ها نخواهد رفت ﴿۶۰﴾ آن هم به بهشت‌های جاودانی که خدای رحمان به بندگانش وعده داده است. هر چند آن را ندیده‌اند، اما بدانند که وعده او تحقق‌یافتنی است ﴿۶۱﴾ در آن‌جا جز سخن از صلح و سلام و امنیت، هیچ کلام لغو و بیهوده دیگری نمی‌شنوند. و رزق و روزی‌شان هر صبح و شام آماده است ﴿۶۲﴾ این‌چنین بهشتی، متعلق به بندگانی از ماست که حرمت اوامر خدا را نگاه می‌دارند ﴿۶۳﴾ و ما فرشتگان، جز به امر پروردگارت فرود نمی‌آییم. آن‌چه پیش روی ما و پشت سر ما و حتی در این میان است از آن خداست! بدان که پروردگارت چیزی را فراموش نمی‌کند ﴿۶۴﴾

او پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست می‌باشد. پس فقط او را بپرست، و بر این پرستش صبر و استقامت داشته باش! آیا حتی همانم همطرازی برای او می‌شناسی؟! ﴿۶۵﴾ با این وجود انسان می‌گوید: آیا وقتی مردم دوباره زنده خواهیم شد؟! ﴿۶۶﴾ آیا انسان به یاد نمی‌آورد که قبلاً چیزی نبود و ما او را خلق کردیم؟! ﴿۶۷﴾ قسم به پروردگارت که همه‌شان را روزی با شیاطین جمع کنیم، و آنها را در اطراف جهنم به زانو درآوریم ﴿۶۸﴾ آن‌گاه از میان هر گروه، کسانی را که بیش از همه نسبت به خدای رحمان سرکشی کرده‌اند جدا می‌کنیم! ﴿۶۹﴾ و این ماییم که سزاوارترین آنها به آتش دوزخ را خوب می‌شناسیم! ﴿۷۰﴾ همه شما وارد دوزخ خواهید شد. و این یک امر حتمی و قطعی از سوی پروردگارت است! ﴿۷۱﴾ آن‌گاه کسانی که حرمت اوامر خدا را نگاه داشتند نجات خواهیم داد. و ظالمان به زانو در آمده‌اند، در دوزخ رها خواهیم کرد ﴿۷۲﴾ و هنگامی که آیات روشنگر ما بر آنها خوانده شود، منکران حقیقت به اهل ایمان گویند: کدام یک از دو گروه (ما یا شما) جایگاهشان بهتر و محفلشان گرم‌تر و زیباتر است؟! ﴿۷۳﴾ چه بسیار اقوامی پیش از آنها نبود کردیم، در حالی که هم ثروتمندتر بودند و هم خوش‌منظرترا! ﴿۷۴﴾ ای پیامبر! به آنها بگو: خدای رحمان به کسی که در گمراهی است مهلت می‌دهد تا آن‌گاه که وعده عذاب الهی را دریابد! یا در همین دنیا و یا در روز قیامت! آن وقت خواهند فهمید چه کسی جایگاهش بدتر و لشکرش ناتوان‌تر است؟! ﴿۷۵﴾ اما کسانی که به راه حق و نجات، هدایت شده‌اند خداوند بر هدایت‌شان می‌افزاید، زیرا دستاوردهای خوب و نیک نزد پروردگارت بهتر از هر چیز دیگر است، چه پاداشش بیشتر و هم ماندگارتر است ﴿۷۶﴾

آیا ندیدی آن کس را که آیات ما را انکار کرد و گفت: به من مال و فرزندان زیادی عطا خواهد شد! ﴿۷۷﴾ آیا از غیب خبر دارد و یا عهد و پیمانی از خدای رحمان گرفته است؟! ﴿۷۸﴾ این چنین نیست! اما آن چه را می گوید می نویسیم و همواره در عذاب گرفتارش می سازیم ﴿۷۹﴾ و چیزهایی را که به آن دل بسته است، از او می گیریم تا تک و تنها نزد ما بیاید! ﴿۸۰﴾ زیرا آن ها خدایانی به غیر الله اختیار کرده اند [تا به گمان خود] مایهٔ عزّت شان باشند! ﴿۸۱﴾ این چنین نیست! به زودی [خدایان دروغین آن ها] عبادات شان را انکار خواهند کرد و به ضدّیت با آن ها قد علم خواهند نمود ﴿۸۲﴾ آیا نمی بینی که ما شیاطین را به سوی منکران حقیقت فرستادیم تا آن ها را شدیداً وسوسه کنند ﴿۸۳﴾ پس در مورد آن ها عجله مکن، ما تک تک اعمال شان را مدّ نظر داریم! ﴿۸۴﴾ در آن روزی که حرمت گزاران او امر الهی را به سوی خدای رحمان، گرد آوریم ﴿۸۵﴾ و مجرمان را تشنه لب به سوی جهنّم سوق دهیم ﴿۸۶﴾ در آن روز هیچ کس مقام شفاعت کردن ندارد، مگر کسی که عهده ای از خدای رحمان گرفته است ﴿۸۷﴾ مشرکان گفتند: خدای رحمان فرزندی اختیار کرده است! ﴿۸۸﴾ چه مطلب زشت و زنده ای گفته ای! ﴿۸۹﴾ [چنان زشت] که حتّی نزدیک است آسمان ها از آن متلاشی شود، و زمین شکافته گردد، و کوه ها فرو ریزد! ﴿۹۰﴾ زیرا آن ها مدّعی شدند که خدای رحمان دارای فرزندی است! ﴿۹۱﴾ در حالی که سزاوار خداوند رحمان نیست که فرزندی اختیار کند ﴿۹۲﴾ همهٔ کسانی که در آسمان ها و زمین هستند بندگان خدای رحمانند ﴿۹۳﴾ تک تک آن ها را شمارش کرده است و تعدادشان را می داند ﴿۹۴﴾ همگی آن ها در روز قیامت به سوی او باز خواهند گشت در حالی که هیچ چیز با خود ندارند و تک و تنها هستند! ﴿۹۵﴾

کسانی که به حقایق ایمان دارند و عملکردشان سراسر خوبی و خدمت است، خدای رحمان آن‌ها را محبوب همه گرداند ﴿۹۶﴾ ما قرآن را بر زبان تو آسان و روان کردیم، تا به واسطه آن، به کسانی که حرمت خدا را نگاه می‌دارند بشارت دهی و به دشمنان لجوج هشداردهی ﴿۹۷﴾ چه بسیارند مردمانی که قبل از آن‌ها نابود کردیم. آیا چیزی از آن‌ها احساس می‌کنی؟! یا کمترین صدایی از آن‌ها می‌شنوی؟! ﴿۹۸﴾

سوره طه

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

طه ﴿۱﴾ ما قرآن را برای این نازل نکردیم که تو به زحمت بیافتی! ﴿۲﴾ قرآن فقط پندی است برای آن‌ها که [از عاقبت‌شان] بیمناکند ﴿۳﴾ کتابی که نازل شده از سوی خالق زمین و آسمان‌های بلند است ﴿۴﴾ بدان! که خدای رحمان بر عرش مسلط است (بر تمام مخلوقاتش فرمانروایی دارد) ﴿۵﴾ آن‌چه در آسمان‌ها و زمین و میان آن‌هاست، و حتی آن‌چه در زیر خاک‌هاست از آن اوست ﴿۶﴾ چه به صدای بلند سخن بگویی [و چه مخفی کنی]، بدان که او بر اسرار نهان و حتی مخفی‌تر از آن آگاه است! ﴿۷﴾ الله است که هیچ خدایی جز او نیست و تمامی نام‌های نیک از آن اوست ﴿۸﴾ آیا خبر سرگذشت موسی به تو رسیده است؟! ﴿۹﴾ آن هنگام که آتشی دید و به خانواده‌اش گفت: شما منتظر بمانید تا شعله‌ای از آتشی که می‌بینم برایتان بیاورم، و یا به واسطه نور آن، راه به جایی برم! ﴿۱۰﴾ هنگامی که به آتش رسید ندا آمد که: ای موسی! ﴿۱۱﴾ منم پروردگار تو! کفش‌هایت را در آور، زیرا تو در سرزمین مقدس «طوی» هستی! ﴿۱۲﴾

^۱ سرزمین مقدسی که مملو از برکات معنوی و نور خداست، به آن البقعة المبارکه نیز گفته شده است. قصص آیه ۳۰.

من تو را [به پیامبری] برگزیده‌ام، پس به آنچه بر تو وحی می‌شود گوش فرا ده!^۱ ﴿۱۳﴾ به راستی من الله هستم. و جز من هیچ خدایی نیست! فقط مرا پرستش کن. و به یاد من نماز به پای دار! ﴿۱۴﴾ بدان! که روز قیامت آمدنی است. اما من می‌خواهم زمان آن را مخفی نگاه دارم، تا هر کس نسبت به دستاوردش جزا ببیند! ﴿۱۵﴾ مراقب باش! کسانی که به قیامت ایمان ندارند و از هوای نفسانی خود پیروی می‌کنند، تو را از آن [روز عظیم] غافل نکنند که هلاک خواهی شد! ﴿۱۶﴾ ای موسی! در دست راستت چیست؟! ﴿۱۷﴾ گفت: این عصای من است، به آن تکیه می‌کنم و به واسطه آن برای گوسفندانم از شاخه‌های درختان، برگ می‌ریزم، البته برایم کاربردهای دیگر هم دارد ﴿۱۸﴾ گفت: ای موسی، آن را [بر زمین] بیانداز ﴿۱۹﴾ موسی آن را [بر زمین] انداخت، ناگاه تبدیل به ماری شد که می‌خزید ﴿۲۰﴾ گفت: حالا بگیرش و نترس! ما آن را به صورت اولش باز می‌گردانیم ﴿۲۱﴾ دستت را در گریبان خود فروبر تا بی‌هیچ عیبی سفید و درخشنده بیرون آید. این هم یک معجزه دیگر! ﴿۲۲﴾ ما می‌خواهیم آیات و معجزات بزرگ خود را بر تو نمایان کنیم ﴿۲۳﴾ به سوی فرعون حرکت کن. که او [از مرز حق] طغیان کرده است. ﴿۲۴﴾ موسی گفت: پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن (ظرفیت‌ام را بالا ببر) ﴿۲۵﴾ و مأموریت‌م را سهل و آسان گردان ﴿۲۶﴾ و گره از زبانم بگشا (تا واضح سخن بگویم) ﴿۲۷﴾ تا بدین‌سان پیامم را درک کنند ﴿۲۸﴾ یاوری از خاندانم برای من برگزین ﴿۲۹﴾ برادرم هارون [برای این کار مناسب است] ﴿۳۰﴾ پشت‌م را به او محکم گردان ﴿۳۱﴾ و او را در مأموریتی که به من داده‌ای شریک گردان ﴿۳۲﴾ تا تو را بسیار تسبیح کنیم ﴿۳۳﴾ و بسیار یادت نمائیم ﴿۳۴﴾ می‌دانیم که تو به تمام امور ما بینایی! ﴿۳۵﴾ [خدا] گفت: ای موسی! تمام خواسته‌هایت اجابت شد ﴿۳۶﴾ ما یک بار دیگر تو را مشمول رحمت‌مان قرار داده‌ایم. ﴿۳۷﴾

^۱ نکته لطیفی است! موسی به دنبال پاره‌ای از آتش می‌رود اما با مقام پیامبری باز می‌گردد! حقیقتاً امام صادق (ع) خوب فرمود که: نسبت به چیزهایی که امید نداری بیش از چیزهایی که به آن امید بسته‌ای امیدوار باش! زیرا موسی به دنبال یک شعله آتش رفت اما با مقام نبوت و رسالت بازگشت تفسیر نورالثقلین ۳/۳۷۴.

آن گاه که به مادرت آنچه را لازم بود وحی کردیم ﴿۳۸﴾ گفتیم: فرزندت را درون صندوقی بگذار، و آن را در دریا رها کن تا [امواج] دریا او را به ساحل برساند. و دشمن من و او، صندوق را بگیرد! [بدان ای موسی که] من محبتی از خودم را بر تو افکندم [تا محبوب آن‌ها شوی و بدون آسیبی، از تو نگهداری کنند] و بدین‌سان در برابر دیدگانم پرورش‌یابی! ﴿۳۹﴾ و آن هنگام که خواهرت [برای اطلاع از وضع تو به نزدیکی کاخ فرعون] رفت به آن‌ها گفت: می‌خواهید دایه‌ای را به شما نشان دهم که [شیر دادن و نگهداری از] این طفل را به خوبی عهده‌دار شود؟! و بدین‌سان تو را دوباره به مادرت بازگردانیم، تا چشمانش روشن شود و غمگین نباشد، (یک بار دیگر نیز بر تو لطف کردیم) آن گاه که کسی را کشتی و ما تو را از غم و اندوه نجات دادیم! سالیانی هم در میان مردم «مدین» زندگی کردی و ما تو را بارها آزمایش کردیم. اکنون نیز در زمان مُقَدَّر به اینجا آمده‌ای، ای موسی [تا رسالت دهیم]! ﴿۴۰﴾ بدان که تو را برای خودم ساخته‌ام! ﴿۴۱﴾ حال تو و برادرت با معجزات من [به سوی فرعون] بروید، و در یاد من کوتاهی نکنید! ﴿۴۲﴾ بروید سوی فرعون که [او از مرز حق] طغیان کرده است! ﴿۴۳﴾ با او به ملایمت سخن بگویید، شاید پند بگیرد و خداترس شود! ﴿۴۴﴾ [موسی و هارون] گفتند: پروردگارا! ما می‌ترسیم که بر ما ستم روا دارد و یا [بیش از پیش] طغیان کند! ﴿۴۵﴾ گفت: مترسید! من با شمایم، همه چیز را می‌بینم و می‌شنوم! ﴿۴۶﴾ شما به سوی فرعون بروید و به او بگویید: ما پیامبران پروردگارت هستیم، قوم بنی‌اسرائیل را با ما رهسپار کن و مورد آزارشان قرار مده. ما معجزه‌ای از جانب پروردگارت آورده‌ایم. پس سلام بر کسی که تابع هدایت است! ﴿۴۷﴾ [به او بگویید که] به ما وحی شده است؛ عذاب الهی شامل کسی است که حقیقت را انکار کند و از آن روی بگرداند ﴿۴۸﴾ فرعون گفت: ای موسی! پروردگار شما کیست؟! ﴿۴۹﴾ موسی گفت: پروردگار ما کسی است که به هر مخلوقی آنچه را که نیاز داشت عطا کرد، سپس در مسیر هستی رهنمونش شد ﴿۵۰﴾ گفت: پس آن‌ها که پیش از این می‌زیسته‌اند چه؟! ﴿۵۱﴾

گفت: آگاهی از آنان در کتابی نزد خداست. پروردگار من نه گمراه می‌شود و نه چیزی را فراموش می‌کند! ﴿۵۲﴾ او کسی است که زمین را برای شما محلّ آسایش قرار داد. و راه‌هایی در آن پدید آورد. و از آسمان آبی فرستاد تا به وسیله آن انواع گیاهان را رویانندیم و پرورش دادیم ﴿۵۳﴾ [از این نعمت‌ها] بخورید و چهارپایان‌تان را در این سبزه‌زارها به چرا برید و بدانید که در همه این‌ها نشانه‌هایی برای خردمندان است ﴿۵۴﴾ ما شما را از زمین خلق کردیم و به زمین بازمی‌گردانیم و بار دیگر زنده از آن‌جا بیرون خواهیم آورد! ﴿۵۵﴾ حقیقتاً ما به فرعون، تمامی آیات و معجزات خود را نشان دادیم، اما او انکار کرد و از حقیقت روی برگرداند! ﴿۵۶﴾ گفت: ای موسی! آیا تو آمده‌ای تا ما را از سرزمین‌مان به وسیله جادویت بیرون کنی؟! ﴿۵۷﴾ حال ما نیز جادویی مثل جادوی تو می‌آوریم. زمانی را برای وعده دیدار و مقابله معین کن. زمانی که نه ما از آن تخلف کنیم و نه تو، آن هم در یک مکان معین و با شرایط مساوی! ﴿۵۸﴾ گفت: وعده ما روز عید، هنگام بالا آمدن خورشید، همان زمانی که مردم جمع‌اند ﴿۵۹﴾ فرعون رفت و تمام یاران حيله‌گر خود را جمع کرد و [در موعد مقرر] باز آمد ﴿۶۰﴾ موسی رو به آن‌ها کرد و گفت: وای بر شما! بر خداوند بزرگ دروغ نبندید که همه شما را به عذابی هلاک می‌کند. بدانید ناامید کسی است که دروغ و افترا ببندد! ﴿۶۱﴾ پس آن‌ها به شور و مشورت پرداختند و راه‌هایی را به یکدیگر انتقال دادند ﴿۶۲﴾ به یکدیگر گفتند: این دو بدون تردید جادوگرند و می‌خواهند به وسیله جادویشان شما را از سرزمین‌تان بیرون کنند و آیین‌عالی‌تان را از بین ببرند! ﴿۶۳﴾ پس، تمام تدبیر و قدرت خود را به کار برید و در یک صف منسجم به مقابله آن دو برخیزید. هر که امروز کارش برتر باشد پیروز است! ﴿۶۴﴾

گفتند: ای موسی اول تو جادویت را می افکنی یا ما بیافکنیم؟! ﴿۶۵﴾ موسی گفت: شما بیاندازید. هنگامی که طنابها و عصاهایشان را می انداختند بر اثر سحرشان چنان به نظر رسید که [روی زمین] حرکت می کنند! ﴿۶۶﴾ موسی چون این صحنه را دید، ترس خفیفی در دلش راه یافت ﴿۶۷﴾ به او گفتیم: نترس. [شک نداشته باش] که تو برتری! ﴿۶۸﴾ اکنون آن چه در دست راست داری بیانداز تا هر چه را که ساخته اند ببلعد. زیرا کار آن ها جادو و چشم بندی است! بدان که جادوگر هر جا برود پیروز و رستگار نمی شود ﴿۶۹﴾ [هنگامی که موسی این کار را کرد] تمامی جادوگران به سجده افتادند و گفتند: به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم! ﴿۷۰﴾ فرعون گفت: قبل از آن که من به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟! قطعاً او بزرگ و استاد شماست، و او به شما جادوگری آموخته است! بی شک دست و پایتان را به جهت خلاف هم قطع خواهیم کرد، و همه تان را بر تنه های نخل به دار خواهیم آویخت، تا بفهمید کدام یک از ما مجازاتش شدیدتر و ماندگارتر است! ﴿۷۱﴾ گفتند: قسم به خدایی که ما را آفریده، تو را بر دلائل روشنی که به ما رسیده است ترجیح نمی دهیم. هر کاری که دلت می خواهد بکن! زیرا اگر کاری بتوانی بکنی فقط در همین دنیا خواهد بود ﴿۷۲﴾ ما به پروردگاران ایمان آورده ایم تا از خطاهایمان و جادوگری هایی که به اجبار تو مرتکب شده ایم در گذرد، زیرا خدا بهتر و ماندگارتر است ﴿۷۳﴾ هر که در پیشگاه خداوند به عنوان مجرم حاضر شود، بدون شک جهنم نصیب او خواهد بود که در آن نه می میرد و نه زنده می شود (دائماً بین مرگ و زندگی در نوسان است) ﴿۷۴﴾ و هر کس با ایمان در محضر او حاضر شود، در حالی که عملکرد نیک داشته باشد. بدون تردید دارای درجات و مقامی عالی است ﴿۷۵﴾ و در بهشت های ماندگاری که نهرها در آن جاری است جاودان خواهند بود. و این پاداش کسی است که خود را [از هر پلیدی] پاکیزه گرداند ﴿۷۶﴾

به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه [از مصر] خارج کن و برای شان راه خشکی را در دریا نمایان کن. و از این که فرعونیان به شما دست یابند ترس به دل راه مده. و هیچ بیمی نداشته باش! ﴿۷۷﴾ فرعون با لشکریانش به تعقیب آنها پرداخت. و عاقبت موج‌های سهمگین دریا آنها را فرا گرفت ﴿۷۸﴾ بدانید که فرعون قوم خود را گمراه کرد نه هدایت! ﴿۷۹﴾ ای بنی اسرائیل! به راستی ما شما را از دست دشمنانتان نجات دادیم و با شما در طرف راست کوه طور^۱ وعده گذاشتیم و بر شما نعمت‌های چون منّ و سلوی^۲ اعطا کردیم ﴿۸۰﴾ از چیزهای پاکیزه‌ای که روزیتان کردیم بخورید اما کفران نعمت نکنید. که خشم من به شما خواهد رسید. و کسی که دچار خشم من شود سقوط خواهد کرد! ﴿۸۱﴾ بدانید که من نسبت به کسی که توبه کند و ایمان بیاورد و عملکرد خوبی داشته باشد و به راه آید، بسیار آمرزنده‌ام ﴿۸۲﴾ ای موسی! چه چیز باعث شد که از قوم خود [در رسیدن به کوه طور] جلو بیفتی؟! ﴿۸۳﴾ موسی گفت: این آنها هستند که پشت سر منند و من [با تمام هوش و حواسم] به سوی تو که پروردگارم هستی، شتافتم تا خشنود شوی! ﴿۸۴﴾ ما قوم تو را پشت سر تو آزمایش کردیم. سامری [با گوساله‌ای] آنها را گمراه کرده است! ﴿۸۵﴾ بی‌درنگ موسی خمشگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: ای قوم من، مگر پروردگارتان وعده خوب به شما نداده است؟! مگر مدت زمان جدایی من از شما بیش از حد شده است؟! مگر می‌خواهید غضب و خشم خدا شما را فرا گیرد که از وعده من تخلف کردید؟! ﴿۸۶﴾ گفتند: ما از روی اختیار، از وعده تو تخلف نکردیم، اما با وسوسه‌های سامری، دیدیم بهتر است این زیورآلات و طلاجاتی را که از فرعونیان همراه داریم در آتشی ذوب کنیم ﴿۸۷﴾

^۱ اهل معنی، طور را سینه‌ای که به تسلیم حق، گشوده شده، دانسته‌اند. «و جانب ایمن» را جانب عالم ارواح طیبه می‌دانند که سرشار از آگاهی‌اند.

^۲ من و سلوی را غالباً ترنجبین و بلدرچین دانسته‌اند. یک مائه آسمانی.

و او [از موآد مذاب آن]، پیکرِ گوساله‌ای ساخت که صدایی چون صدای گوساله داشت و گفتند: این خدای شما و خدای موسی است! بدان که [سامری عهد خود را با خدا] فراموش کرده بود ﴿۸۸﴾ آیا نمی‌دیدند که [گوسالهٔ زرین سامری] هیچ پاسخی به سخنانشان نمی‌دهد و هیچ سود و زیانی برای‌شان ندارد؟! ﴿۸۹﴾ و حقیقتاً هارون پیش از این به آن‌ها گفته بود که: ای قوم من، شما به وسیلهٔ این گوساله مورد آزمایش الهی قرار گرفته‌اید. بدانید! که پروردگار شما خدای رحمان است. اگر در پی راه نجات و آرامش هستید، از من پیروی نمایید، و دستور مرا اطاعت کنید! ﴿۹۰﴾ ولی آن‌ها گفتند: تا زمانی که موسی به نزد ما برگردد، ما هم چنان به گوساله‌پرستی ادامه می‌دهیم ﴿۹۱﴾ موسی گفت: ای هارون، چرا وقتی دیدی آن‌ها گمراه شدند ﴿۹۲﴾ به دنبال من نیامدی؟ آیا تو هم از فرمان من سرپیچی کردی؟ ﴿۹۳﴾ ای پسر مادرم، ریش و موی سرم را رها کن! من ترسیدم وقتی می‌آیی بگویی: تو بین بنی‌اسرائیل تفرقه انداختی و به توصیه‌های من اهمیتی نداده‌ای! ﴿۹۴﴾ و موسی گفت: و تو ای سامری! این چه کاری بود که کردی؟! ﴿۹۵﴾ سامری گفت: من چیزی دیدم که آن‌ها نمی‌دیدند! من قسمتی از آثار رسول را گرفتم و در آن انداختم! نفس من این کار را در نظرم آراسته ساخت ﴿۹۶﴾ موسی گفت: برو که نصیب تو از دنیا همین باشد که فقط [به دیگران] بگویی: با من تماس مگیر و نزدیک مشو! (یک تنهایی مفرط!) و زمانی معین برای [عذاب الهی] تو خواهد بود که هرگز از آن تخلف نتوانی کرد. اکنون به خدای دست‌ساز خود که عبادتش می‌کردی بنگر! بنگر چگونه آن را می‌سوزانیم و ذراتش را به دریا می‌افکنیم ﴿۹۷﴾ بدانید که خدای شما، الله است، خدایی که هیچ معبودی جز او نیست. خدایی که علم و آگاهی‌اش همه چیز را در بر گرفته است ﴿۹۸﴾

^۱ عده‌ای از مفسرین گفته‌اند، منظور از آثار رسول، اثر جای پای اسب جبرئیل بر روی خاک است در آن هنگام که برای شکافتن دریا آمده بود، سامری آن اثر را دید و مشتت از آن خاک را برگرفت و در موادی که قرار بود مجسمهٔ گوساله را بسازد ریخت تا اعجاب‌انگیز شود! و تعدادی دیگر از مفسران معتقدند که منظور از آثار رسول، قسمتی از تعلیمات موسی است که از نظر سامری و نفس او باید در آتش افکنده می‌شد.

ای پیامبر! ما این چنین حکایت‌های پیشین را برای تو بیان می‌کنیم. و بی‌شک قرآن را از جانب خودمان به تو عطا کرده‌ایم ﴿۹۹﴾ هر کس از قرآن روی بگرداند تا روز قیامت بار گناهی را به دوش خواهد کشید ﴿۱۰۰﴾ در حالی که جاودانه در آن خواهد ماند. بدانید که بد باری را در روز قیامت به دوش می‌کشند! ﴿۱۰۱﴾ و روزی که در صور دمیده شود مجرمان را در حالی که [از شدت ضعف] چشمان‌شان کبود گشته است، گرد می‌آوریم ﴿۱۰۲﴾ به آهستگی به یکدیگر می‌گویند: گویی شما بیش از ده روز [در برزخ] نبوده‌اید! ﴿۱۰۳﴾ ما به آن چه می‌گویند، آگاه‌تریم. به ویژه وقتی روشن بین‌ترین آن‌ها اظهار می‌دارد: شما بیش از یک روز درنگ نکرده‌اید! ﴿۱۰۴﴾ از تو درباره کوه‌ها می‌پرسند، بگو: خداوند آن‌ها را متلاشی کرده و بر باد می‌دهد ﴿۱۰۵﴾ سپس زمین را یکدست بایر و بی‌گیاه رها می‌کند ﴿۱۰۶﴾ به طوری که در آن هیچ پستی و بلندی نخواهی دید ﴿۱۰۷﴾ آن روز که همه از دعوت‌کننده الهی پیروی کنند، صدای‌شان از عظمت خدای رحمان خفه شده است. و از کسی جز صدای پایی چیزی نخواهی شنید! ﴿۱۰۸﴾ در آن روز، شفاعت کسی مفید نخواهد بود مگر آن که خدای رحمان به او اجازه داده باشد، و نظر و رأی‌اش مورد رضایت خدا باشد! ﴿۱۰۹﴾ خدا، آن چه را پیش روی دارند و آن چه را که پشت سر گذاشته‌اند، می‌داند. اما هیچ کس به علم و آگاهی او احاطه ندارد ﴿۱۱۰﴾ همه چهره‌ها در آن روز، در برابر خدای زنده و پاینده، خاضع و خاشع است. و کسانی که با باری از ظلم و ستم آمده‌اند بی‌شک مأیوس و زیان‌کارند ﴿۱۱۱﴾ اما اهل ایمانی که عملکردی سراسر نیک و پسندیده دارد نه از ظلم و ستم می‌ترسد و نه از این که حقش پایمال شود! ﴿۱۱۲﴾ و این چنین قرآنی را به زبان روشن بر تو نازل کردیم، و در آن انواع هشدارها را بیان کردیم، شاید آدمیان حرمت خداوند را نگاه دارند و یا پندی تازه بگیرند ﴿۱۱۳﴾

بدان، الله که فرمانروایی به حق است، از هر چیز دیگری برتر است. و نسبت به [خواندن و نتیجه گیری از] قرآن عجله مکن. مگر آن که وحی آن به تمامی بر تو عرضه شود! [و حقایق را آن گونه که هست دریابی] و همواره بگو: پروردگارا، علم و آگاهی مرا زیاد کن! ﴿۱۱۴﴾ قبل از این ما با آدم نیز پیمان بستیم. اما او فراموش کرد و ما او را فرد راسخی نیافتیم! ﴿۱۱۵﴾ در آن هنگام که به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید، همه سجده کردند مگر ابلیس که از فرمان، سرباز زد! ﴿۱۱۶﴾ گفتیم: ای آدم! این ابلیس دشمن تو و همسر توست، مراقب باش تا شما را از بهشت امن و راحت تان بیرون نکند که به زحمت خواهی افتاد! ﴿۱۱۷﴾ تو در این بهشتی که هستی هیچ گاه نه گرسنگی خواهی دید و نه عریان و بی لباس خواهی شد! ﴿۱۱۸﴾ در این بهشت نه تشنگی به سراغت می آید، نه حرارت آفتاب آزارت می رساند! ﴿۱۱۹﴾ اما شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم! آیا می خواهی تو را به درخت جاودانگی و فرمانروایی و قدرتی که هیچ گاه از بین نمی رود، راهنمایی کنم؟! ﴿۱۲۰﴾ بدین سان آدم و حوا از آن درخت خوردند [و بی درنگ پوشش بهشتی شان فرو ریخت] و عورت شان نمایان شد. آن گاه تلاش کردند تا از برگ های درختان بهشتی برای خود پوششی ترتیب دهند. بدانید که آدم نافرمانی پروردگارش را کرد و از بهشت او محروم شد! ﴿۱۲۱﴾ سرانجام خداوند او را مورد توجه قرار داد، و توبه اش را پذیرفت، و به راه درست و نجات بخش هدایتش کرد ﴿۱۲۲﴾ [خدا] گفت: همگی از بهشت و این مقام و مرتبت پایین روید، که دشمن یکدیگر خواهید بود! اما هر گاه هدایت من به سراغتان آمد هر که از آن تبعیت کند بدانند که در هیچ امری نه گمراه می شود و نه به زحمت می افتد ﴿۱۲۳﴾ و هر که از یاد من روی بگرداند، زندگی سخت و طاقت فرسایی نصیبش خواهد شد. و در روز قیامت [که همه جا مملو از حقیقت است] او را نابینا محسور خواهیم کرد! ﴿۱۲۴﴾ چنین شخصی گوید: پروردگارا! چرا مرا نابینا محسور کردی در حالی که در دنیا بینا بودم؟! ﴿۱۲۵﴾

[خدا] گوید: همان طور که آیات و حقایق ما، در دنیا به تو رسید و تو آن‌ها را فراموش کردی [و به هیچ انگاشتی] امروز نیز تو فراموش می‌شوی! ﴿۱۲۶﴾ این چنین، جزای کسی که اسراف کند، و آیات پروردگارش را باور نکند، خواهیم داد. بدانید که عذاب آخرت شدیدتر و ماندگارتر است! ﴿۱۲۷﴾ آیا این همه انسان‌هایی که قبل از اینان نابود کردیم، و اکنون اینان در خانه‌های آن‌ها راه می‌روند و زندگی می‌کنند، مایهٔ عبرت و هدایت‌شان نمی‌شود؟! به راستی در این نکات، نشانه‌هایی برای خردمندان است! ﴿۱۲۸﴾ اگر قول مهلتی که پروردگارت قبلاً داده، وجود نداشت هم اکنون و در همین دنیا مجازاتشان حتمی بود ﴿۱۲۹﴾ بر حرف‌هایی که می‌زنند صبر داشته باش! و پروردگارت را قبل از طلوع خورشید و قبل از غروبش به پاکی ستایش کن. و نیز در ساعاتی از شب و ساعاتی از روز، تسبیح خداوند را به جای آور تا خشنود شوی و آرامش یابی ﴿۱۳۰﴾ اگر کسانی را از یک زندگی خوش و پر نعمت بهره‌مند کردیم، تو چشم خود را به آن ندوز! زیرا این چیزها شکوفه‌های چند روزهٔ دنیاست و ما به همین وسیله، آن‌ها را مورد آزمایش قرار می‌دهیم! بدان که رزق و روزی پروردگارت، بهتر و ماندنی‌تر از هر چیز دیگر است! ﴿۱۳۱﴾ خانوادهٔ خود را به اقامهٔ نماز امر کن، و خود بر انجام آن صبر و استقامت بورز. بدان که ما هیچ روزی از تو نمی‌خواهیم، زیرا خود ما روزی تو را می‌دهیم. و بدان که عاقبت خیر از آن کسانی است که حرمت اوامر خدا را نگاه می‌دارند ﴿۱۳۲﴾ و گفتند: چرا معجزه‌ای از سوی پروردگارش برای ما نمی‌آورد؟! آیا دلائل روشن [و سرگذشت اقوام گذشته] که در کتب آسمانی پیشین آمده به آن‌ها نرسیده است؟! ﴿۱۳۳﴾ اگر ما آن‌ها را قبل از نزول قرآن، نابود می‌کردیم [روز قیامت] می‌گفتند: پروردگارا! اگر پیامبری به سوی ما می‌فرستادی از راهنمائی‌های تو تبعیت می‌کردی، و امروز این چنین ذلیل و رسوا نمی‌شدیم! ﴿۱۳۴﴾ بگو: همهٔ ما در انتظار به سر می‌بریم، شما نیز منتظر بمانید. به زودی خواهید فهمید چه کسی در راه خداست و چه کسی هدایت یافته است! ﴿۱۳۵﴾

^۱ عملکردت در دنیا این را می‌گوید که چشم حقیقت بین به کارت نمی‌آید. پس در این جا به همان صورت، نابینا باقی بمان!

سورة انبياء

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

روز حسابرسی مردم نزدیک شده، اما آنها هم چنان در غفلت خویش حیرانند! ﴿۱﴾ هر آیه و پند جدیدی که از سوی پروردگارشان آمد، آنها در حال بازی روزمرگی شان شنیدند [و پشت سر انداختند]! ﴿۲﴾ قلب‌هایشان سرگرم چیزهای بی‌ارزش است [و جاهلانه به خود ظلم می‌کنند]. و این ظالمان در گوش هم نجوا می‌کنند و می‌گویند: مگر غیر از این است که پیامبر هم بشری مثل شماست؟! با آن که می‌بینید، باز به طرف جادو می‌روید؟! ﴿۳﴾ گفت: پروردگار من از هر سخنی در آسمان و زمین با خبر است، زیرا او شنوا و داناست ﴿۴﴾ آنها گفتند: [آن چه که می‌گوید وحی خدا نیست] بلکه خواب‌های آشفته است، بلکه دروغی است که به خدا نسبت می‌دهد، بلکه او شاعر است [اگر راست می‌گوید] برای ما معجزه‌ای مثل معجزات پیامبران پیشین بیاورد! ﴿۵﴾ قبل از آنها [اهالی] شهری که به حقایق ایمان نیاوردند، نابود کردیم. آیا اینها حقایق را باور می‌کنند؟! ﴿۶﴾ و ما هیچ پیامبری قبل از تو نفرستادیم، مگر مردانی که به آنها وحی می‌کردیم. اگر نمی‌دانید از اهل حقیقت بپرسید! ﴿۷﴾ [بدانید که] ما پیامبران را بدن‌هایی ندادیم که به غذا نیاز نداشته باشند! [هم چنین در دنیا] آنها را جاودانه نکردیم! (آنها هم بشری مثل شما هستند)! ﴿۸﴾ سرانجام هم به وعده‌هایی که به پیامبران داده بودیم وفا کردیم، و آنها و هر کس دیگر را که صلاح دانستیم [از بلا و مصیبت‌ها] نجات بخشیدیم. و کسانی که عمر و امکانات خود و مردم را هدر می‌دادند هلاک کردیم ﴿۹﴾ کتابی برای شما نازل کردیم که ذکر شما (و راز موفقیت شما) در آن است پس چرا در آن تعقل نمی‌کنید؟! ﴿۱۰﴾

^۱ آن چه می‌گوییم عین وحی است و دروغی به خدا نمی‌بندم.

چه بسیار آبادی‌هایی که به خاطر ظلم‌شان نابود کردیم، و به جای‌شان اقوام دیگری نشاندیم! ﴿۱۱﴾ آن‌ها هنگامی که احساس کردند عذاب ما آمدنی است از دیارشان پا به فرار گذاشتند! ﴿۱۲﴾ فرار نکنید! برگردید به همان زندگی پر زرق و برق‌تان! شاید [فقرا] به در خانه‌هایتان بیایند و از شما چیزی بخواهند! ﴿۱۳﴾ گفتند: ای وای بر ما که ظالمانه زندگی کردیم! ﴿۱۴﴾ و پیوسته همین کلام لقلقهٔ زبان‌شان بود تا این که ما همه‌شان را [چون کشتزار] درو شده و خاموش ساختیم ﴿۱۵﴾ بدانید ما آسمان و زمین و آنچه را بین آن‌هاست برای بازی خلق نکردیم! ﴿۱۶﴾ اگر به دنبال سرگرمی و بازیچه می‌بودیم توانایی آن را داشتیم که خودمان بازیچه‌ای خلق کنیم! [و نیاز به این همه صبر و گذشت و ارسال پیامبران و معجزات و هدایت و غیره نبود] ﴿۱۷﴾ بلکه اراده کرده‌ایم [با توجه به اختیاری که به شما داده‌ایم] حق را بر باطل بکوبیم تا آن را متلاشی کند، [آن‌گاه خواهید دید که] باطل رفتنی است. پس وای بر شما به خاطر توصیف‌هایی که [از خدا] می‌کنید ﴿۱۸﴾ هر که در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست و هر که نزد اوست، نه از عبادتش تکبر می‌ورزد و نه خسته می‌شود ﴿۱۹﴾ شبانه روز تسبیح خداوند را می‌گویند و سستی نمی‌کنند ﴿۲۰﴾ آیا آن‌ها خدایانی زمینی اختیار کرده‌اند [که می‌توانند خلق کنند] و پدیده‌هایشان را منتشر نمایند؟! ﴿۲۱﴾ بدانید اگر خدایان دیگر - چه از نوع زمینی و چه آسمانی - [در به وجود آوردن آفرینش] با الله شریک می‌بودند، بی‌شک فساد و تباهی زمین و آسمان را فرا می‌گرفت. خدایی که پروردگار عرش است، از وصفی که می‌کنند مبراست! ﴿۲۲﴾ هیچ کس نمی‌تواند خدا را مورد بازخواست قرار دهد. اما دیگران نسبت به عملکردشان بازخواست خواهند شد! ﴿۲۳﴾ آیا آن‌ها به جز خداوند بزرگ، خدایان دیگری را برگزیده‌اند؟ [اگر چنین است] بگو دلائلتان را بیاورید! این سخن کسانی است که با من هستند و سخن کسانی است که پیش از من بوده‌اند! بدانید که اکثر آن‌ها حق را نمی‌شناسند و از آن گریزانند! ﴿۲۴﴾

ما هیچ پیامبری را پیش از تو نفرستادیم، مگر آن که به او وحی کردیم که: هیچ معبودی جز من نیست پس فقط مرا پرستش کنید! ﴿۲۵﴾ و ادعا کردند خدای رحمان، فرزندی (چون عیسی مسیح و عزیز و یا از جنس فرشتگان) اختیار کرده است! خداوند سبحان از این اوهام مبرّاست. آن‌ها فقط بندگان گرامی و محترم خدا هستند! ﴿۲۶﴾ در سخن گفتن، از خدا پیشی نمی‌گیرند و همواره به دستور او عمل می‌کنند. ﴿۲۷﴾ خدا از آینده و گذشته‌شان با خبر است و آن‌ها شفاعت کسی را بدون رضایت و اجازه خدا نمی‌کنند. و همواره از هیبت او بیم‌ناکند ﴿۲۸﴾ بی‌شک هر کس از آن‌ها بگوید به جز او، من هم خدا هستم، جزایش جهنّم است. و ما این چنین کیفر ظالمان را می‌دهیم! ﴿۲۹﴾ آیا منکران حقیقت نمی‌دانند که روزی درهای آسمان‌ها و زمین بسته بود (نعمت و برکت حیات نازل نشده بود). و ما آن‌ها را گشودیم [تا حیات و زندگی جریان پیدا کند] و از آب، هر چیزی را حیات و زندگی بخشیدیم؟! آیا باز هم حقایق را باور نمی‌کنند؟! ﴿۳۰﴾ و در زمین کوه‌های ثابت و پابرجایی قراردادیم تا مایهٔ ثبات و آرامش انسان‌ها باشند. و در آن دره‌ها و راه‌هایی ایجاد کردیم تا راحت‌تر به مقصد رسند ﴿۳۱﴾ و آسمان را چون سقف محفوظی به وجود آوردیم [تا آدمیان در امنیت زندگی کنند]. اما باز آن‌ها از آیات آن روی گردانند [و حاضر به درک حقیقت و ایمان به آن نیستند]! ﴿۳۲﴾ او کسی است که شب، روز، خورشید و ماه را خلق کرده است و هرکدام در مدار خویش شناورند! ﴿۳۳﴾ قبل از تو ما هیچ بشری را زندگی جاودان ندادیم. آیا [تو که پیامبر هستی] بمیری، و آن‌ها جاودانه باشند؟! ﴿۳۴﴾ بدانید! هر کس مزهٔ مرگ را می‌چشد. و ما شما را، هم به امور شرو هم به امور خیر امتحان می‌کنیم، و [آن‌گاه با دستاوردتان] به سوی ما باز خواهید گشت! ﴿۳۵﴾

^۱ جو آسمان، زمین را از برخورد اجرام آسمانی و نیز نفوذ اشعه‌های مضر و کشنده مصون می‌دارد. و از وجهی باطنی می‌توان گفت، وجود کالبد روحانی از قوی‌ترین پوشش‌ها برای حفظ تمامی لایه‌های وجودی آدمی است. با این وصف، کالبد روحی همان آسمان است.

کافران چون تو را ببینند به تمسخرت می گیرند [او می گویند: آیا این همان کسی است که درباره خدایان شما سخن می گوید؟! حال آن که خودشان یاد خدای رحمان را انکار می کنند! ﴿۳۶﴾ انسان، عجول و شتاب کار آفریده شده است! عجله مکنید به زودی نشانه هایم را برایتان نمایان خواهم کرد! ﴿۳۷﴾ می گویند: اگر راست می گویند، این وعده کی تحقق می یابد؟! ﴿۳۸﴾ آن گاه که منکران حقیقت بی هیچ یاورى نتوانند آتش الهی را از پشت و روی خود دفع کنند، خواهند فهمید! ﴿۳۹﴾ [بلکه این مجازات الهی] به طور ناگهانی گرفتارشان خواهد کرد. در حالی که نه می توانند آن را دفع کنند و نه مهلتی به آنها داده می شود ﴿۴۰﴾ بدان که پیامبران قبل از تو را نیز تمسخر می کردند، اما سرانجام، آنچه را به باد تمسخر می گرفتند دامن گیرشان شد! ﴿۴۱﴾ بگو: کیست که بتواند شما را از مجازات شبانه روزی خدای رحمان محفوظ بدارد؟! با این وجود، آنها از یاد پروردگارشان روی گردانند! ﴿۴۲﴾ شاید به جز ما، خدایان دیگری دارند که از عذاب الهی مصون شان می دارند! [بدانید که آن خدایان دروغین]، توانایی مراقبت از خود را ندارند [چه رسد به دیگران]! از جانب ما نیز پناهی نخواهند داشت ﴿۴۳﴾ ما اینها و پدران شان را [از نعمت های زندگی] بهره مند کردیم و عمر طولانی دادیم. با این وجود آیا درک نمی کنند که ما عمر زمین را از جهات مختلف کم می کنیم! آیا آنها بر امور مسلط اند؟! ﴿۴۴﴾

بگو: من فقط به واسطه وحی به شما هشدار می‌دهم. اما آن‌ها گوش‌هایشان کر است و از این هشدارها نمی‌هراسند! ﴿۴۵﴾ اگر شمه‌ای از عذاب پروردگارت را درک کنند، فریاد برمی‌آورند: ای وای بر ما که ظالمانه زندگی کردیم! ﴿۴۶﴾ ترازوهای عدالت را روز قیامت برپا می‌کنیم تا به هیچ‌کس ظلمی روا نرود. اگر عملکردی به قدر دانه خردل باشد، آن را به دقت محاسبه خواهیم کرد، بدانید! که ما برای حساب کشیدن، کافی هستیم! ﴿۴۷﴾ ما به موسی و هارون کتابی عطا کردیم که هم ملاک تمایز حق از باطل است، و هم روشنی و پند است برای آن‌ها که حرمت خداوند بزرگ را نگاه می‌دارند ﴿۴۸﴾ همان کسانی که در نهان نسبت به پروردگارشان بیم‌ناکند و از قیامت [و محاسبه عملکردها] می‌هراسند ﴿۴۹﴾ این قرآن با برکت است و ما آن را نازل کردیم، آیا شما آن را انکار می‌کنید؟! ﴿۵۰﴾ پیش از این نیز به ابراهیم نیروی رشد و آگاهی [مورد نیازش] را عطا کردیم، و به موقعیت او دقیقاً آگاه بودیم ﴿۵۱﴾ و هنگامی که به پدر و قومش گفت: این مجسمه‌هایی که به پرستش آن‌ها دل بسته‌اید چیستند؟! ﴿۵۲﴾ جواب دادند: [از وقتی چشم باز کردیم] پدرانمان را دیده‌ایم که آن‌ها را می‌پرستیدند! ﴿۵۳﴾ ابراهیم گفت: هم شما و هم پدرانتان در یک گمراهی آشکار بوده‌اید! ﴿۵۴﴾ گفتند: آیا نکته حقی برایمان آورده‌ای یا ما را به بازی گرفته‌ای؟! ﴿۵۵﴾ ابراهیم گفت: [آری، نکته حقی آورده‌ام] بدانید! که پروردگار شما همان پروردگاری است که آسمان‌ها و زمین را آفریده است. و من بر این ادعا، گواهی می‌دهم ﴿۵۶﴾ به الله سوگند، چون بروید، نقشه‌ای برای نابودی بت‌هایتان خواهیم کشید! ﴿۵۷﴾

سرانجام [ابراهیم]، همهٔ بت‌ها به جز بزرگ‌ترین‌شان را خُرد کرد تا به سراغ آن بروند! ﴿۵۸﴾ گفتند: چه کسی چنین کاری با بت‌های ما کرده است؟! هر که باشد ظالم است! ﴿۵۹﴾ جواب دادند: شنیده‌ایم جوانی که به او ابراهیم می‌گویند، چنین کرده است ﴿۶۰﴾ گفتند: او را نزد انظار عمومی بیاورید تا مردم هم شاهد محاکمه‌اش باشند ﴿۶۱﴾ آن‌گاه گفتند: ای ابراهیم! آیا تو این کار را با خدایان ما کرده‌ای؟! ﴿۶۲﴾ ابراهیم گفت: بلکه بزرگ‌ترین بت‌ها این کار را کرده باشد، [او حاضر است و] می‌توانید از او سوال کنید، البته اگر بت‌ها جوابتان را بدهند! ﴿۶۳﴾ آن‌گاه به درونشان رجوع کردند و با خود گفتند: حَقّاً که شماها ظالمید! ﴿۶۴﴾ آن‌گاه وجدان‌شان را زیر پا گذاشتند و گفتند: تو خوب می‌دانی که این بت‌ها حرف نمی‌زنند! ﴿۶۵﴾ ابراهیم گفت: پس چرا به جای خداوند، چیزهایی را می‌پرستید که نه می‌توانند به شما سود برسانند و نه زیان؟! ﴿۶۶﴾ وای از انحراف شما و از معبودهای دروغینی که به جای الله می‌پرستید! چرا تعقل نمی‌کنید؟! ﴿۶۷﴾ گفتند: اگر اهل عمل هستید او را بسوزانید، تا با این کار خدایانتان را یاری کرده باشید! ﴿۶۸﴾ و گفتیم ای آتش! برای ابراهیم سرد و مایهٔ سلامت باش! ﴿۶۹﴾ خواستند در مورد او نیرنگ دیگری بیاندیشند، که ما آن‌ها را دچار بدترین خسارت‌ها کردیم! ﴿۷۰﴾ و ما ابراهیم و لوط را نجات دادیم و آن‌ها را به سرزمینی که برای جهانیان پربرکت قرار داده‌ایم، بردیم! ﴿۷۱﴾ و به ابراهیم، اسحاق و متعاقب آن یعقوب را عطا کردیم. و همهٔ آن‌ها را انسان‌های صالح و نیکوکار قرار دادیم ﴿۷۲﴾

و آن‌ها را پیشوایانی قرار دادیم که تحت امر ما، مردم را هدایت می‌کردند. کارهای خوب و اقامه نماز و پرداخت زکات را به آن‌ها وحی کردیم. و بی‌شک همه آن‌ها ما را بنده بودند! ﴿۷۳﴾ و به لوط حکمت و علم عطا کردیم و او را از شهری که اهلش مرتکب کارهای زشت می‌شدند نجات دادیم، زیرا آن‌ها مردمی بدکاره و زشت سیرت بودند ﴿۷۴﴾ و او را به بیکران رحمت خود داخل کردیم، زیرا در زمره صالحان بود ﴿۷۵﴾ و نوح را یاد کن! که پیش از این‌ها [به درگاه ما] دعا کرد، و ما نیز دعای او را اجابت کردیم و او و خانواده‌اش را از اندوهی بزرگ نجات دادیم ﴿۷۶﴾ و او را بر مردمی که آیات به حق ما را تکذیب می‌کردند پیروز کردیم. بدانید! که آن قوم عملکرد بدی داشتند [و به همین دلیل]، همه‌شان را غرق کردیم! ﴿۷۷﴾ و داود و سلیمان را یاد کن! آن هنگام که در مورد گوسفندان آن قوم که به هنگام چرای شبانه، کشتزاری را خراب کرده بودند، داوری کردند و ما نیز شاهد قضاوت آن‌ها بودیم ﴿۷۸﴾ این ما بودیم که حکم درست را به سلیمان تفهیم کردیم، و این چنین به همه آن‌ها حکمت و دانش عطا کردیم. کوه‌ها و پرندگان را در اختیار داود گذاشتیم [آن چنان که با هم تسبیح خداوند بزرگ می‌گفتند] و ما بر همه این کارها توانا بودیم! ﴿۷۹﴾ و به او یاد دادیم که چگونه برایتان زره بسازد، تا هنگام جنگ بپوشید و محفوظتان بدارد. آیا شکر این نعمت‌ها را به جا می‌آورید؟! ﴿۸۰﴾ تندباد را در اختیار سلیمان قرار دادیم تا به فرمان او در سرزمینی که با برکتش کرده‌ایم بوزد، و این ماییم که از همه چیز آگاهیم! ﴿۸۱﴾

و حتی گروهی از شیاطین را [در اختیارش گذاشتیم] تا برایش در دریاها غواصی کنند، و عامل دستورات دیگرش باشند. و در تمام این موارد ما مراقب شیاطین بودیم که سرکشی نکنند ﴿۸۲﴾ و ایوب را یاد کن! آن گاه که پروردگارش را دعا کرد و گفت: پروردگارا! بلایی دامنگیرم شده در حالی که تو ارحم الراحمین هستی! ﴿۸۳﴾ دعای او را اجابت کردیم و بلاها را از او دور نمودیم و خانواده‌اش را به او بازگرداندیم و همانند آن [چه را از دست داده بود] به او عطا کردیم! و این کارها رحمتی از سوی ما بود تا عبادت‌کنندگان همواره پند بگیرند! ﴿۸۴﴾ بدان! که اسماعیل و ادریس و ذوالکفل، همه‌شان اهل صبر و استقامت بوده‌اند ﴿۸۵﴾ و آن‌ها را در حوزهٔ رحمت خویش داخل کردیم، زیرا همه‌شان عملکردی نیک و صالح داشتند ﴿۸۶﴾ و ذوالنون^۱ (یونس) را یاد کن! هنگامی که خشمگینانه [از میان قوم خود] برفت و گمان کرد که ما بر او سخت نمی‌گیریم. [آن گاه که در شکم نهنگی جایش دادیم] از اعماق تاریکی فریاد برآورد که: ای خدای پاک و منزّه! هیچ معبودی جز تو نیست، و من اعتراف می‌کنم که از جماعت ظالمان بوده‌ام! ﴿۸۷﴾ ما نیز دعایش را اجابت کردیم و او را از غم و اندوه رها ساختیم. بدانید که ما این چنین اهل ایمان را نجات می‌دهیم ﴿۸۸﴾ و زکریا را یاد کن، هنگامی که پروردگارش را ندا داد: پروردگارا! مرا تک و تنها می‌پسند [و وارثی به من عطا کن] هر چند که تو خود از هر وارثی بهتری! ﴿۸۹﴾ پس دعای او را نیز اجابت کردیم و فرزندی به نام یحیی به او بخشیدیم و برای این کار همسر [نازای] او را بارور کردیم، زیرا آن‌ها همواره در کارهای خیر و خدمت‌رسانی شتاب می‌کردند و همیشه به درگاه ما از روی بیم و امید دعا می‌کردند و در برابر ما خاشع و فروتن بودند! ﴿۹۰﴾

^۱ مشهور این است که از پیامبران الهی بوده است، و به پاس اعمال نیکی که در طول زندگی انجام داده و همواره وفادار به عهد الهی و خادم مردم در راه خدا بوده و به او ذوالکفل یعنی صاحب بهرهٔ وافی (کسی که از پاداش وفاداریش به خاطر خدمات و اعمال صالحی که انجام داده بهره مند است) می‌گویند.

^۲ نون: نهنگ یا ماهی بزرگ. ذوالنون: صاحب نهنگ.

و مریم را یاد کن! که دامن خود را [از بی عفتی] پاک نگاه داشت. و ما نیز از روح خودمان در او دمیدیم. و هم او و هم فرزندش عیسی را معجزه بزرگی برای جهانیان قرار دادیم! ﴿۹۱﴾ این‌ها که به آن اشاره کردیم امت شمایند که امتی واحدند. و بدانید! که من پروردگار شما هستم پس فقط مرا پرستش کنید! ﴿۹۲﴾ اما جماعتی، کارشان را به تفرقه کشاندند [و این امت واحد را فرقه فرقه کردند]. بدانید! که همه-تان به سوی ما باز خواهید گشت ﴿۹۳﴾ هر با ایمانی که عملکرد نیکی داشته باشد، پاداش تلاشش ضایع نخواهد شد، زیرا ما بی کم و کاست همه را می نویسیم! ﴿۹۴﴾ بر اهل دیاری که نابودشان کردیم حرام است و آن‌ها باز نمی گردند! ﴿۹۵﴾ مگر آن که راه، بر یاجوج و ماجوج باز شود. و آن‌ها از هر ارتفاعی سرازیر گردند! ﴿۹۶﴾ چون وعده حق، نزدیک گردد در آن هنگام چشمان منکران حقیقت مات و مبهوت خواهند ماند. در حالی که می گویند: ای وای بر ما که در غفلت به سر می بردیم، و ظالمانه زندگی می کردیم! ﴿۹۷﴾ شما و آن چیزهایی که به جای خدا می پرستید هیزم‌های جهنم‌اید، پس در آن وارد شوید! ﴿۹۸﴾ اگر آن‌ها واقعاً خدایان بودند، به جهنم وارد نمی شدند! [اما همه دروغین‌اند] و جاودانه در جهنم خواهند بود! ﴿۹۹﴾ آن‌ها در جهنم فریاد می کشند، اما هیچ جوابی نمی شنوند ﴿۱۰۰﴾ اما انسان‌های شایسته‌ای که به آن‌ها وعده نیک داده‌ایم، همه‌شان از این جهنمیان به دورند

﴿۱۰۱﴾

آن‌ها صدای آتش دوزخ را نمی‌شنوند، [زیرا در جایگاه امنی قرار دارند] و هرچه خواهند جاودانه برای‌شان مهیاست ﴿۱۰۲﴾ وحشتِ بزرگ [روز قیامت] آن‌ها را غمگین نمی‌کند، بلکه فرشتگان به استقبالشان می‌روند [و می‌گویند]: این همان روز خوبی است که به شما وعده داده‌اند! ﴿۱۰۳﴾ روزی که آسمان را چون طوماری در هم بپیچیم، و همان‌گونه که در ابتدا همه چیز را شروع کردیم دوباره آن را بازگردانیم! تحقق این وعده بر عهدهٔ ماست و یقیناً این کار را انجام خواهیم داد! ﴿۱۰۴﴾ ما در زبور، قبل از تورات مقرر کردیم که وارث زمین، بندگان شایسته‌ام خواهند بود ﴿۱۰۵﴾ در این نکته ابلاغ روشنی برای مردم خداپرست است! ﴿۱۰۶﴾ ای پیامبر! ما تو را فقط برای رحمت جهانیان فرستادیم ﴿۱۰۷﴾ بگو فقط به من وحی می‌شود که خدای شما، خدای یگانه است. آیا تسلیم او می‌شوید؟! ﴿۱۰۸﴾ و اگر [از حقیقت] روی گردانند بگو: [شاهد باشید که] همهٔ شما را آگاهی یکسان دادم، و من نمی‌دانم وعدهٔ عذاب الهی شما دور است یا نزدیک! ﴿۱۰۹﴾ به راستی خدا، هم به آن چه آشکارا می‌گویید آگاه است و هم به آن چه کتمان می‌کنید! ﴿۱۱۰﴾ و نمی‌دانم، شاید این ماجرا آزمایشی الهی و مهلتی معین شده برای شماست! ﴿۱۱۱﴾ گفت: پروردگارا! به حق، حکم نما! و پروردگار بخشایندهٔ ما به رغم آن‌چه می‌پندارند باز همه از او یاری می‌جویند! ﴿۱۱۲﴾

سورهٔ حج

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ای مردم! حرمت پروردگارتان را نگاه دارید که زلزله روز قیامت، واقعه بزرگی است! ﴿۱﴾ روزی که هر مادر شیردهنده‌ای را می‌بینید که طفل شیرخوارش را از یاد می‌برد. و حتی هر حامله‌ای، جنین خود را از عظمت آن روز می‌اندازد. و مردم را می‌بینی که چون مستان، حیران و از خود بی‌خودند. اما در حقیقت مست نیستند، عذاب الهی شدید است! ﴿۲﴾ گروهی از مردم هستند که بدون علم و آگاهی در مورد خداوند مجادله می‌نمایند، و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌کنند ﴿۳﴾ بر او (شیطان) چنین نوشته شده که هر کس او را دوست بدارد، او نیز گمراهش گرداند، و به عذاب آتش راهنمائی‌اش کند! ﴿۴﴾ ای مردم! اگر در مورد زنده شدن دوباره، در شک و تردیدید [توجه داشته باشید که] در ابتدا ما شما را از خاک آفریدیم؛ و آن‌گاه نطفه کردیم سپس لخته خونی شدید و بعد پاره گوشتی به صورت تمام و ناتمام! [این کارها را کردیم تا قدر خود را] بر شما آشکار کنیم. و در رحم‌ها آن‌چه را صلاح بدانیم تا مدتی معین حفظ می‌کنیم. سپس شما را چون کودکی بیرون می‌آوریم تا به رشد و تکامل خویش برسید. برخی از شما می‌میرند و برخی دیگر به سن سالخوردگی برده خواهند شد. تا جایی که از فرط پیری هرچه را خوانده و دانسته است فراموش کند! حتی زمین را در ابتدا خشک و مرده و بی‌گیاه می‌بینی، اما هنگامی که باران را بر آن نازل کنیم به حرکت درآمده، جان می‌گیرد. و متعاقب آن انواع گیاهان زیبا و شاداب را می‌رویاند ﴿۵﴾

همه این‌ها به این دلیل است که او حق است. اوست که مرده را زنده می‌کند و بر هر کاری تواناست ﴿۶﴾ قطعاً روز قیامت آمدنی است. هیچ شکی در آن نیست و یقیناً خدا، کسانی را که در گورند، زنده برمی‌انگیزد! ﴿۷﴾ در میان مردم کسانی هستند که همواره بدون علم و آگاهی و بدون راهنمایی و کتابِ روشنی، به مجادله در مورد خدا می‌پردازند ﴿۸﴾ با تکبر و گردنکشی می‌خواهند مردم را از راه نجات- بخش الهی منحرف کنند. بی‌شک در همین دنیا رسوا می‌شوند. و در روز قیامت نیز عذاب سوزان را به آن‌ها می‌چشانیم! ﴿۹﴾ [و اگر کسی اعتراضی کند خواهیم گفت]: این دستاورد خودت است. و خداوند بزرگ به بندگان ظلم نمی‌کند! ﴿۱۰﴾ برخی مردم فقط خدا را از روی حرف می‌پرستند. این‌گونه آدم‌ها هر وقت خیری به آن‌ها رسد نسبت به او آرامش و اطمینان پیدا می‌کنند، و هرگاه بلایی دامنگیرشان شود از او روی برمی‌گردانند. این چنین کسان، هم در دنیا و هم در آخرت زیان می‌بینند، زبانی که کاملاً آشکار است! ﴿۱۱﴾ به جای خدا، چیزهایی را برای نجات و آرامش خود می‌خوانند که هیچ سود و زبانی برای‌شان ندارد. بدانید که این اعماقِ گمراهی است ﴿۱۲﴾ حتی گاهی کسانی را [برای نجات خویش] می‌خوانند که ضررشان نزدیک‌تر از نفع‌شان است! بی‌شک چه بد تکیه‌گاه و همنشینی انتخاب کرده- اند! ﴿۱۳﴾ خداوند بزرگ، کسانی را که به حقایق ایمان دارند و دارای عملکردی پسندیده‌اند، به بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است وارد می‌کنند، و قطعاً خداوند آن چه بخواهد انجام می‌دهد! ﴿۱۴﴾ هرکس گمان کند خداوند هرگز پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نمی‌کند [بهتر است]، خود را برای خفه شدن با طنابی از سقف آویزان کند تا ببیند آیا این حيله می‌تواند کینه‌اش را فرو نشاند! ﴿۱۵﴾

^۱ برای پرستش خدا، از علم و عمل و معرفت و صفت و نفسانیت و اسم خویش برون آی! از حرف و محتوای حرف به در آی! عبارت را پشت خویش افکن و معنا را از پس عبارت همه را فرو انداز و تنها سوی خدا آی تا فقط او را ببینی؟

و این چنین قرآن را با آیاتی روشنگر نازل کردیم. بدانید خداوند بزرگ هر که را صلاح بداند هدایت می‌کند ﴿۱۶﴾ کسانی که به حقایق ایمان آوردند و نیز یهودیان و صابئین و مسیحیان و مجوسان^۱ و مشرکان بدانند، که خداوند در روز قیامت [در مورد عملکرد آن‌ها] داوری خواهد کرد! قطعاً خداوند بر هر امری شاهد و گواه است ﴿۱۷﴾ آیا نمی‌بینی هر کس در آسمان‌ها، و هر کس در زمین است، و هم‌چنین خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و گیاهان و حیوانات و بسیاری از مردم، در حال سجده برای خداوند بزرگانند؟! و بسیاری نیز گرفتار عذابند! بدان هر کس را خدا خوار کند، دیگر هیچ کس احترامش نمی‌گذارد، و خداوند هر کاری را صلاح بداند، انجام می‌دهد ﴿۱۸﴾ این دو گروه (اهل ایمان و بی‌ایمانان) در مورد وجود پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند. بدانید! کسانی که به حقایق ایمان ندارند، برای‌شان لباس‌هایی از جنس آتش دوخته‌اند، و آبی سوزان از بالای سرشان فرو می‌ریزند! ﴿۱۹﴾ آب سوزانی که هم درونشان را ذوب می‌کند هم پوست‌هایشان را^۲ ﴿۲۰﴾ و گرزهای آهنین بر آن‌ها مسلط است ﴿۲۱﴾ هرگاه بخواهند از این عذاب و این غم و اندوه خارج شوند، آن‌ها را به آن باز می‌گردانند [و به آن‌ها می‌گویند]: بچشید عذاب سوزان را! ﴿۲۲﴾ اما کسانی که به حقایق ایمان دارند و دارای عملکردی نیک و شایسته‌اند، خداوند به بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است واردشان کند، و در آن جا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته شوند. در حالی که لباس‌شان از حریر نرم و زیباست^۳ ﴿۲۳﴾

^۱ زرتشتیان.

^۲ این وضعیت متناسب با کالبدهایشان است. زیرا چنان که گفته شد لباس‌ها (کالبدهای) آن‌ها از جنس آتش است. ناری است. ظاهراً این بهترین روند تطهیر برای زایل شدن اوصاف ناپسند است. در دنیا نیز این حالت ناری مشهود است و در روند تطهیر به کار می‌رود.

^۳ از منظر اهل معنا، لباس حریر در این مقام، اشاره به کالبدهای لطیف است.

زیرا آن‌ها به بهترین و پاکیزه‌ترین سخنان و راه‌ها هدایت شده‌اند، هدایت به راه خداوندِ ستودنی! ﴿۲۴﴾ کسانی که به حقایق کافر شدند، و مردم را از راه خدا و مسجدالحرام باز می‌دارند [گرفتار عذاب دردناک خواهند شد]! مسجدالحرام [محل امن الهی است] که برای همهٔ مردم - چه آن‌ها که مقیم هستند و چه آن‌ها که از بیرون می‌آیند - یکسان است (همه می‌توانند از آن‌جا بهره‌مند گردند) و هر کس بخواهد در این سرزمین با انحراف از حقیقت، دست به ظلم و ستم زند، عذاب دردناکی به او می‌چشانیم! ﴿۲۵﴾ و یاد آر! هنگامی که به ابراهیم محلّ خانهٔ خدا را نشان دادیم [وگفتم که]: هیچ چیز را شریک من قرار مده. و خانه‌ام را برای طواف-کنندگان و نمازگزاران و رکوع‌کنندگان و سجده‌کنندگان پاکیزه گردان! ﴿۲۶﴾ و مردم را به حج فرا بخوان تا پیاده، و یا سوار بر شترهای نحیف، از راه‌های دور به سوی تو بیایند! ﴿۲۷﴾ تا منافعی را که برای آن‌ها در نظر گرفتیم، ببینند. و در روزهای معین، به خاطر چهارپایانی که روزی آن‌ها نموده، خدا را یاد کنند! از آن‌ها بخورید و فقرای بینوا را نیز بهره‌مند کنید ﴿۲۸﴾ سپس آلودگی‌ها را از خود بزدایند و نذرهایشان را ادا کنند. و بر گردِ خانهٔ شریف، طواف کنند ﴿۲۹﴾ حج چنین است! هر کس که حریم اوامر خداوند را محترم شمارد بی‌شک این کار نزد پروردگارش [از هر چیز دیگری] بهتر است. بدانید! که دام‌ها بر شما حلال گشته است. مگر آن‌چه [دستورش] برای شما بیان خواهد شد. و از کلیهٔ پلیدی‌ها، چون بُتان اجتناب کنید، و از سخن زور و ناحق نیز بپرهیزید. ﴿۳۰﴾

^۱ خانهٔ خدا در آفاق، همان است که در مکه مکرمه است. اما در انفس، قلب مومن است. «قلب المومن عرش الرحمن». هم‌چنین در حدیثی قدسی آمده است و زمین و آسمانم گنجایش مرا ندارند ولی قلب بندهٔ مومنم این گنجایش را دارد. قرآن نیز می‌گوید: «بدانید که خدا، بین آدمی و قلبش حائل است». انفال - ۲۴.

همواره یکتاپرستانی برای خدا باشید، که هیچ نوع شرکی به او نمی‌ورزند، زیرا کسی که به خداوند بزرگ شرک بورزد، همانند کسی است که از آسمان سقوط کرده در بین راه پرنندگان او را برابند! یا طوفانی او را به محلی دوردست پرتاب کند! ﴿۳۱﴾ آری، هر کس شعائر الهی را بزرگ و محترم شمارد، بدانید! که این کار نشانه وجود تقوایی است، که در دل، خانه کرده است! ﴿۳۲﴾ در چهارپایان تا زمان معین، منافی برای شما قرار داده‌ایم [اما آن‌گاه که قرار است قربانی شوند] محل آن‌ها همان خانه شریف خداست! ﴿۳۳﴾ و برای هر امتی شیوه‌ای قرار دادیم تا بر چهارپایانی که روزی آن‌ها کردیم نام خدا را ببرند. بدانید! که خدای شما، خدای یکتاست. و فقط سراپا تسلیم او باشید. [ای پیامبر!] به آن‌ها که در برابر اوامر الهی متواضعند بشارت ده ﴿۳۴﴾ همان کسانی که وقتی نام الله به میان آید قلب‌هایشان [از عظمت الهی] مملو از خوف می‌گردد، و در مقابل مصیبت‌ها صبر و استقامت می‌نمایند، و نماز به پا می‌دارند، و از آن‌چه روزی‌شان کردیم دیگران را نیز بهره‌مند می‌کنند! ﴿۳۵﴾ شتران گوشتی^۱ را برای شما جزو شعائر الهی قرار داده‌ایم، در آن‌ها برای شما خیر و برکت است. [هنگام ذبح] وقتی هنوز ایستاده‌اند نام خدا را بر آن‌ها بخوانید و چون پهلوی‌شان به زمین رسید [و جان دادند] از آن‌ها بخورید، و هم فقرای قانع و هم فقرای معترض به قسمت خویش را اطعام کنید. این‌چنین آن نعمت‌ها را در اختیار شما گذاشتیم تا شاید شکرگزار شوید ﴿۳۶﴾ نه گوشت آن‌ها به خدا می‌رسد و نه خون آن‌ها؛ اما تقوای شما و حرمت نگاه داشتن شما، به خدا می‌رسد! این‌چنین آن نعمت‌ها را در اختیار شما گذاشت تا به شکرانه راهنمایی‌هایی که به شما ارزانی کرد، خداوند را به بزرگی یاد کنید. [ای پیامبر!] نیکوکاران را [به پاداشی بزرگ] بشارت ده ﴿۳۷﴾ خداوند مدافع کسانی است که به حقایق ایمان آورده‌اند. بدانید که خداوند بزرگ، هیچ خائن ناسپاسی را دوست ندارد ﴿۳۸﴾

^۱ این چنین کسی هیچ‌گاه در محل امن و با آسایش فرود نمی‌آید. همواره مضطرب و در معرض خطر است.

^۲ کالبدهای قابل بهره‌برداری.

به کسانی که مورد ظلم قرار گرفته‌اند [و جنگ بر آن‌ها تحمیل شده] اجازهٔ مقابله با دشمن داده شده است. و خداوند بر نصرت آن‌ها تواناست ﴿۳۹﴾ کسانی که از سرزمین‌شان به ناحق رانده شده‌اند، آیا غیر از این می‌گفتند که: پروردگار ما الله است؟! و اگر خداوند عده‌ای را به وسیلهٔ عده‌ای دیگر منکوب نمی‌کرد، بدون شک دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و مسیحیان و بسیاری از مساجدی که نام الله در آن برده می‌شود، ویران می‌شد. بدانید! هرکس خدا را [در اجرای اوامرش] یاری کند، خداوند نیز او را یاری خواهد کرد! قطعاً خداوند مقتدر و پیروز است ﴿۴۰﴾ همان کسانی که چون بر زمین مسلط‌شان کنیم نماز به پا می‌دارند، و زکات پرداخت می‌کنند، و مردم را به نیکی امر کرده، و از بدی و زشت‌کاری نهی می‌نمایند. بدانید! عاقب و نتیجهٔ همهٔ کارها با خداست! ﴿۴۱﴾ [ای پیامبر!] اگر [حقانیت] تو را تکذیب می‌کنند، بدان که قبل از آن‌ها، قوم نوح و عاد و ثمود نیز پیامبران‌شان را تکذیب کرده‌اند ﴿۴۲﴾ هم‌چنین قوم ابراهیم و قوم لوط نیز این‌گونه عمل کردند ﴿۴۳﴾ مردم مدین^۱ نیز چنین بودند و موسی هم تکذیب شد! من به منکرانِ حقیقت مهلت دادم، آن‌گاه به موقع گریبان‌شان را گرفتم. [تصور کن] مجازات من چگونه بود! ﴿۴۴﴾ چه شهرهایی را به خاطر رفتار ظالمانه‌شان نابود کردیم به گونه‌ای که سقف خانه‌هایشان فرو ریخت، و چاه‌های پر آب‌شان و قصرهای بلند گچکاری شده-شان بی‌صاحب ماند! ﴿۴۵﴾ چرا مردم در زمین، سیر نمی‌کنند تا دارای قلب‌هایی شوند که با آن حقایق را درک کنند، و یا صاحب گوش‌هایی شوند تا [ندای حقیقت] را بشنوند، زیرا در غیر این صورت با آن که چشم‌ها در ظاهر کور نیستند، اما قلب-هایی که در سینه‌ها می‌تپد نسبت به درک حقایق نابینا می‌گردند! ﴿۴۶﴾

۱. قوم شعیب پیامبر.

از تو شتابانه عذاب الهی را خواستارند! بدانند که خداوند بزرگ هرگز از وعده خود تخلف نمی‌کند. یک روز در نزد پروردگارت، همانند هزار سال شماسست که می‌شمردند! ﴿۴۷﴾ و چه شهرهایی که اهلش ظالمانه رفتار کردند و من به آنها مهلت دادم! سپس به موقع گریبان‌شان را گرفتم. و سرانجام کارشان با من بود! ﴿۴۸﴾ ای پیامبر! بگو: ای مردم، من برای شما یک هشداردهنده آشکارم ﴿۴۹﴾ بدانید! کسانی که به حقایق ایمان آورده و عملکردی سراسر نیک و پسندیده دارند، مغفرت و رزق با ارزشی برای‌شان مهیاست! ﴿۵۰﴾ و کسانی که برای رد و تخریب آیات و نشانه‌های حق، تلاش می‌کنند بدون شک اهل جهنم‌اند ﴿۵۱﴾ ما هیچ فرستاده و پیامبری را قبل از تو نفرستادیم، مگر آن که آرزو می‌کرد بتواند [از قدرت کلمات و آیات الهی بهره بگیرد] و شیطان [برای جلوگیری از این امر] در آرزویش القائاتی می‌افکند [تا به این هدف نرسد]. اما خداوند، القائات شیطان را از بین می‌برد و آیات خود را استحکام می‌بخشید. بدان که خداوند بزرگ، آگاه و حکیم است! ﴿۵۲﴾ هدف آن بود که القائات شیطان مایه آزمایش کسانی گردد که یا سنگدل‌اند و یا قلب و فهم‌شان [نسبت به درک حقایق]، بیمار و ناتوان است. بدون شک ظالمان، گرفتار عداوتی بزرگ‌اند ﴿۵۳﴾ تا آن‌ها که دانش عطایشان شده بفهمند که قرآن حق است. و از جانب پروردگارت آمده، آن‌گاه به آن ایمان بیاورند. قلب‌هایشان تسلیم حق شود [و به مقام آرامش برسند]. بدانید! خداوند بزرگ، کسانی را که به حقایق ایمان بیاورند به راه راست و درست هدایت می‌کند ﴿۵۴﴾ هنوز که هنوز است منکران حقیقت در مورد قرآن در شک و تردیدند مگر این که روز قیامت به طور ناگهانی فرا برسند، و یا عذاب روزی که در آن دیگر کاری از کسی بر نمی‌آید گرفتارشان کند!

﴿۵۵﴾

حکومتِ مطلق در آن روز، از آنِ خداست. و میان‌شان قضاوت خواهد کرد و سرانجام کسانی که به حقایق ایمان آوردند، و عملکردی نیک و شایسته داشته‌اند در بهشت-های پر نعمت جای خواهند گرفت ﴿۵۶﴾ و کسانی که کفر ورزیدند و آیات [نجات بخش] ما را انکار کردند، به غذایی خوارکننده گرفتار آیند ﴿۵۷﴾ هم‌چنین کسانی که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند و یا مردند، خداوند همه‌شان را به رزقی نیکو روزی می‌دهد. قطعاً خداوند بزرگ بهترین روزی دهندگان است ﴿۵۸﴾ و بی‌شک خدا آن‌ها را به مکانی وارد می‌کند که باعث رضایت و خوشنودیشان خواهد بود. بدانید! که خداوند، آگاه و بردبار است ﴿۵۹﴾ و آن کس که به ناحق مجازات شده است اگر به همان اندازه تلافی کند و سپس بر او [چیره شوند و] استم کنند، بدون شک خداوند یاری‌اش خواهد کرد. و خداوند بزرگ عفوکننده و آمرزنده است ﴿۶۰﴾ این بدان سبب است که خداوند شب و روز را از دل یکدیگر بیرون می‌آورد! به راستی خداوند شنوا و بیناست! ﴿۶۱﴾ و نیز بدان سبب است که بفهمید خداوند بزرگ حق است. و به جای او آن‌چه را [که نجات‌بخش] می‌خوانید باطل است! و خداوند بلندمرتبه و بزرگ است ﴿۶۲﴾ آیا نمی‌بینید خداوند از آسمان باران نازل می‌کند، تا زمین سبز گردد؟! بدان که خداوند بزرگ، نکته‌سنج و آگاه است. و آن‌چه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین است از آن اوست، حال آن‌که خداوند بی‌نیاز و ستودنی است ﴿۶۴﴾

۱. وضع همیشه به یک منوال نیست، هر کسی طعم پیروزی و شکست را می‌چشد. چنان که همیشه نور نیست گاهی هم تاریکی شب می‌آید. این قانون آفرینش است. مهم این است که در هر شرایطی تسلیم خداوند حکیم باشیم، پیروزی واقعی این است!

آیا نمی‌بینی خداوند بزرگ، آن‌چه در زمین وجود دارد، در اختیار شما گذاشته است؟! حتی کشتی‌ایی^{۱)} که در دریا به پیش می‌رود به امر اوست! او [با قدرت و قوانین خود]، آسمان را نگاه داشته که - به جز به فرمانش - بر زمین سقوط نکند! حقیقتاً خداوند نسبت به مردم، رئوف و مهربان است^{۲)} ﴿۶۵﴾ او کسی است که به شما زندگی بخشید، سپس همه‌تان را می‌میراند و دوباره زنده می‌کند. [با همه این احوال] باز، انسان ناسپاسی می‌کند! ﴿۶۶﴾ برای هر امتی راه و رسمی قرار دادیم، که به واسطه آن عبادت می‌کنند، پس در این امر نباید با تو به نزاع برخیزند! اما تو مردم را به سوی پروردگارت دعوت کن، زیرا تو همواره بر هدایت راست و راستین قرارداری ﴿۶۷﴾ و اگر با تو به مجادله برخاستند بگو: خداوند نسبت به عملکردتان [از هر کس دیگری] آگاه‌تر است! ﴿۶۸﴾ خداوند بزرگ میان شما در مسائل مورد اختلافتان، در روز قیامت قضاوت خواهد کرد ﴿۶۹﴾ و آیا نمی‌دانی که خداوند بزرگ از هر چه در آسمان و زمین است باخبر است. همه این‌ها در کتابی [نوشته شده] است، و این کار برای خدا بسیار آسان است ﴿۷۰﴾ آن‌ها به جای خداوند، چیزهایی را می‌پرستیدند که هیچ دلیل آسمانی ندارد و بر آن نیز آگاه نیستند. حقیقتاً ظالمان یابوری ندارند! ﴿۷۱﴾ وقتی آیات روشنگر ما بر آن‌ها خوانده می‌شود نشانه‌های انکار را در چهره کافران می‌بینی! چنان خشمگین می‌شوند که می‌خواهند بر آن‌ها که آیات خدا را می‌خوانند حمله‌ور شوند! بگو: آیا می‌خواهید شما را به چیزی بدتر از آن آگاه کنم! بدتر از آن، آتشی است که خداوند به منکران حقیقت وعده داده است. و چه سرنوشت بدی خواهد بود! ﴿۷۲﴾

۱. برخی از اهل معنا، فلک را وسیله یا کالبدی می‌دانند که سالک را در بحر ملکوت نفس، انتقال داده تا برکت و فضل الهی را به دست آورد.

۲. سماء را عالم روحانیات و ارض با عالم جسمانیات دانسته‌اند. این دو همواره باید در یک هماهنگی الهی به سر برند تا جریان هستی به روند حیات خود ادامه دهد.

ای مردم! برای شما مثالی زده شده، به آن گوش فرا دهید. کسانی را که به جای الله به خدایی می‌خوانید، هرگز توانایی خلق یک مگس را هم ندارند حتی اگر همه-شان جمع شوند [و دست به دست هم دهند]! اگر مگسی چیزی از آن‌ها برآید نمی‌توانند از او پس بگیرند، هم طالب و هم مطلوب هردو ناتوانند! ﴿۷۳﴾ قدر منزلتِ خداوند بزرگ را آن‌چنان که باید، نشناخته‌اند. خداوند، قدرتمند و پیروز است ﴿۷۴﴾ خداوند هم از فرشتگان و هم از آدمیان پیامبرانی برگزیده است. بدانید! که خداوند شنوا و بیناست ﴿۷۵﴾ و از آینده و گذشته‌شان با خبر است. و بی‌شک تمامی امور به خداوند باز می‌گردد ﴿۷۶﴾ ای همهٔ کسانی که به حقایق ایمان آورده-اید! رکوع کنید، و به سجده روید، و پروردگارتان را عبادت نمایید، و همواره اعمال خیر انجام دهید، امید آن‌که رستگار شوید! ﴿۷۷﴾ و در [راه] خداوند، آن‌گونه که شایسته است، جهاد نمایید، زیرا او شما را انتخاب کرده است! بدانید که در دین، هیچ مشقت و سختی برایتان قرار نداده، زیرا همان آیین پدرتان ابراهیم است. او همهٔ شما را مسلمان نامیده، چه آن زمان و چه در این زمان! تا پیامبر گواه و الگوی شما باشد، و شما نیز گواه و الگوی همهٔ مردم. پس نماز به پای دارید و زکات پرداخت کنید، و به خدا توسل جویید، که او دوست و تکیه‌گاه شماست، و خدا چه دوست و یاور خوبی است! ﴿۷۸﴾

سوره مؤمنون

۱. هم عبادت‌کنندگان‌شان ضعیف‌اند و هم معبودان دروغین‌شان!

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

بدون شک اهل ایمان رستگارند! ﴿۱﴾ همان کسانی که متواضعانه نماز می‌گزارند ﴿۲﴾ و از بیهوده‌گویی بدورند ﴿۳﴾ کسانی که زکات پرداخت می‌کنند ﴿۴﴾ و دامان خود را از آلودگی حفظ می‌نمایند ﴿۵﴾ مگر آن که با همسرانشان و یا کنیزانشان^۱ همبستر شوند، که در این صورت مورد ملامت قرار نمی‌گیرند ﴿۶﴾ و اگر کسی جز از این طریق، دنبال راه دیگری برود بی‌تردید تجاوزگر است! ﴿۷﴾ اهل ایمان کسانی هستند؛ که هم نسبت به اماناتی که به آن‌ها سپرده شده و هم به عهدی که بسته‌اند، وفادارند. و آن را رعایت می‌نمایند ﴿۸﴾ هم آن‌ها که به عبادت‌ها اهمیت می‌دهند، و آن را زنده نگاه می‌دارند ﴿۹﴾ این‌ها وارثان [حقیقی میراث الهی] اند ﴿۱۰﴾ کسانی که بهشت برین را ارث می‌برند و در آن جاودانه‌اند ﴿۱۱﴾ به راستی انسان را از عصارهٔ گل آفریدیم ﴿۱۲﴾ سپس او را به صورت نطفه‌ای در یک جای مطمئن (رحم) قرار دادیم ﴿۱۳﴾ آن‌گاه از نطفه، لختهٔ خونی آفریدیم، و آن لخته خون را به پاره گوشتی بدل کردیم، سپس اسکلتش را ساختیم، و بر آن گوشت رویاندیم، و سرانجام او را به شکل جدیدی درآوردیم. حقیقتاً بزرگ است خدایی که بهترین خلق‌کنندگان است! ﴿۱۴﴾ و بعد [از همه این کارهای شگفت] بالاخره همه‌تان خواهید مرد! ﴿۱۵﴾ و در روز قیامت دوباره زنده خواهید شد [تا دست‌آورد اعمالتان را] ببینید ﴿۱۶﴾ به راستی ما بر فراز شما هفت راه قرار دادیم^۲ و هرگز از مخلوقات غافل نیستیم ﴿۱۷﴾

^۱ همبستر شدن با کنیزانی که سرپرستی آن‌ها را عهده‌دار می‌باشند شرایط خاصی دارد که در کتب فقهی مفصل در این باره آمده است. شرایطی که در بسیاری از جهات همان شرایط همسران می‌باشد. در معنایی باطنی، این همسران به مثابهٔ نیروهای مکملی هستند که سالک را در سلوک یاری می‌دهند. ذکر و انثی دو نیروی هستی‌ساز به شمار می‌روند.

^۲ برخی به هفت آسمان تعبیر کرده‌اند اما بهتر دیده شد همان «راه» باقی بماند!

از آسمان آبی به اندازه نازل کردیم، و آن را [در مخازنی] در زمین نگه داشتیم، حال آن که بر نابود کردن آن توانائیم! ﴿۱۸﴾ و به واسطهٔ آن آب، باغ‌هایی از درختان نخل و انگور برایتان ایجاد کردیم، که در آن میوه‌های بسیاری است. و شما از آن می‌خورید ﴿۱۹﴾ و درختی در طور سینا^۱ می‌روید که روغنی می‌دهد^۲ و از آن [روغن] طعامی قابل خوردن تهیه می‌گردد! ﴿۲۰﴾ در وجود چهارپایان نیز برای شما عبرتی است. از آن‌چه در بطن‌شان است شما را سیراب می‌کنیم. از گوشت آن‌ها می‌خورید و از منافع دیگری که برای شما دارند بهره‌مند می‌شوید ﴿۲۱﴾ و هم بر آن‌ها و هم بر کشتی‌ها سوار می‌شوید ﴿۲۲﴾ ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و به آن‌ها گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که جز او هیچ خدایی [و فریادرسی] برای شما نیست، چرا [از عاقبت عملکردتان] پروا نمی‌کنید؟! ﴿۲۳﴾ اشراف کافر قومش گفتند: این نوح کسی نیست جز بشری مثل شما، با این حرف‌ها می‌خواهد بر شما مسلط شود! اگر خدا می‌خواست [پیامبری بفرستد] حتماً فرشتگانی را می‌فرستاد، تا به حال چنین چیزی حتی از نیاکان‌مان نشنیده‌ایم! ﴿۲۴﴾ نوح فقط یک مرد جن‌زده است! چند صباحی به او مهلت دهید [شاید خوب شود و یا بمیرد] ﴿۲۵﴾ نوح گفت: پروردگارا! حال که مرا تکذیب می‌کنند یاریم کن! ﴿۲۶﴾ سرانجام به او وحی کردیم تا زیر نظر ما و با بهره‌گیری از وحی ما، کشتی الهی را بسازد و هنگامی که دستور ما صادر شد، و آب از تنور جوشیدن گرفت^۳ به او گفتیم: از هر حیوانی یک جفت به همراه خانواده‌ات سوار کشتی کن [تا نجات یابند]. البته به جز کسانی که قبلاً وعدهٔ هلاک‌شان را داده‌ایم! و دیگر در مورد این ظالمان با من سخن مگو که همه غرق شدنی هستند! ﴿۲۷﴾

۱. کوهی که موسی برای عبادت به آن جا رفت.

۲. بسیاری آن را درخت زیتون دانسته‌اند. در آیه نور آمده است که چراغ الهی به تمثیل از روغن زیتون روشن است!

۳. جوشیدن آب از تنوری که در آن نان می‌پزند علامت بود برای آن که بدانند موقع سوار شدن بر کشتی فرارسیده است. و از منظر باطنی جوششی است که در سینه سالک هنگام گذر از موقفی به موقف دیگر اتفاق می‌افتد.

و هنگامی که تو و همه کسانی که با تو هستند، بر کشتی سوار شدید. بگو: الحمدلله که ما را از دست قوم ظالمان نجات داد! ﴿۲۸﴾ و بگو: پروردگارا! مرا در جایی امن و با برکت فرود آر، زیرا تو بهترین راهبرانی ﴿۲۹﴾ قطعاً در همه این‌ها، عبرت‌هایی است و ما فقط مورد آزمایش بوده‌ایم ﴿۳۰﴾ آن‌گاه بعد از آن‌ها مردمی دیگر بیافریدیم ﴿۳۱﴾ و به سوی آن‌ها نیز پیامبری فرستادیم تا بگوید: خدا را پرستید که هیچ خدایی [و فریادرسی] جز او برای شما نیست! چرا [از عاقبت علمکردتان] پروا نمی‌کنید؟! ﴿۳۲﴾ و اشراف قومش - همان‌هایی که حقایق را انکار می‌کردند، و دیدار آخرت را تکذیب می‌نمودند، و در این دنیا عیش و نعمت‌شان داده بودیم - گفتند: این مرد چیزی نیست مگر بشری مثل شما! هرچه شما می‌خورید، او هم می‌خورد. و هرچه می‌آشامید، او نیز می‌آشامد! ﴿۳۳﴾ اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید، بی‌تردید زیان کرده‌اید! ﴿۳۴﴾ آیا به شما وعده می‌دهد وقتی مرید و تبدیل به مشتی خاک و استخوان شدید، دوباره شما را [زنده از قبر] بیرون می‌آورند؟! ﴿۳۵﴾ وعده‌هایی که به شما می‌دهند بعید است، بعید! ﴿۳۶﴾ زندگی دنیا چیزی نیست، مگر همین که [می‌بینید غیر از این چیز دیگری نیست]. عده‌ای می‌میریم و عده‌ای به دنیا می‌آییم! مسلماً هیچ کدامان دوباره زنده نخواهیم شد! ﴿۳۷﴾ این شخص مردی است که بر خدا دروغ می‌بندد و ما او را باور نداریم ﴿۳۸﴾ گفت: پروردگارا! حال که مرا تکذیب کردند یاریم کن! ﴿۳۹﴾ [خدا] گفت: به زودی از اندیشه و عملکردشان پشیمان خواهند شد! ﴿۴۰﴾ سرانجام صیحه‌ای مرگبار و به حق، آن‌ها را فرا گرفت و همه‌شان را چون گیاهی خشکیده نمودیم. [رحمت الهی] از جماعت ظلم - پیشه دور باد! ﴿۴۱﴾ باز بعد از آن‌ها مردمانی دیگر آفریدیم ﴿۴۲﴾

اوقتی زمان مرگ فرا رسد، هیچ امتی، نه بر اجل خود سبقت گیرد، و نه لحظه‌ای تأخیر کند ﴿۴۳﴾ سپس پیامبرانمان را پی‌درپی فرستادیم، اما هر گاه پیامبری به سوی امتی آمد، تکذیبش کردند. و ما نیز این امت‌ها را یکی پس از دیگری به دیار هلاکت فرستادیم، تا فقط داستان ماجرای‌شان را بر سرزبان‌ها جاری کنیم! [از رحمت الهی] دور باد، قومی که حقایق را باور نمی‌کنند! ﴿۴۴﴾ سپس موسی و برادرش هارون را با معجزات و دلائل روشن فرستادیم ﴿۴۵﴾ آن‌هم به سوی فرعون و درباریان‌ش که همه نسبت به حق متکبر بودند، و خود را برتر می‌پنداشتند! ﴿۴۶﴾ گفتند: آیا می‌خواهید به دو بشری که مثل ما هستند و قوم و قبیله‌شان همگی بنده ما بودند، ایمان بیاورید؟! ﴿۴۷﴾ سرانجام موسی و هارون را تکذیب کردند و در نتیجه همگی هلاک شدند ﴿۴۸﴾ در حالی که ما به موسی کتاب دادیم، امید آن‌که [به راه نجات] هدایت شوند ﴿۴۹﴾ وجود عیسی و مادرش را آیه و معجزه‌ای قرار دادیم و آن‌ها را در قلمرو بلند امنی گذاشتیم که آبی جاری داشت! ﴿۵۰﴾ ای پیامبران! از نعمت‌های پاکیزه خداوند بخورید، و اعمال نیک و شایسته انجام دهید. و بدانید! که من از عملکرد شما آگاهم! ﴿۵۱﴾ [در حقیقت] این دین شما، دین واحد است و من پروردگار شما هستم، پس فقط از من پروا داشته باشید! ﴿۵۲﴾ اما سرانجام، دین خود را فرقه‌فرقه کردند، و هر فرقه‌ای به آن‌چه دارد دلخوش گشته است! ﴿۵۳﴾ پس آن‌ها را چندی در جهل و گمراهی‌شان رها کن [تا یا مرگ‌شان فرا رسد و یا دچار عذاب الهی گردند]. ﴿۵۴﴾ آیا می‌پندارند آن مال و فرزندی که به آن‌ها دادیم ﴿۵۵﴾ برای این است، که تلاش می‌کنیم به آن‌ها خیر و برکت برسانیم؟! واقعاً آن‌ها حقایق را درک نمی‌کنند! ﴿۵۶﴾ بدانید! آن‌ها که از خوف پروردگارشان بیمناکند ﴿۵۷﴾ و آن‌ها که به آیات نجات‌بخش پروردگارشان ایمان دارند، ﴿۵۸﴾ و کسانی که به پروردگارشان شرک نمی‌ورزند ﴿۵۹﴾

و آن‌ها که پرداختنی‌ها را پرداخت می‌کنند. و با وجود این، باز از این که به سوی پروردگارشان رهسپارند قلب‌هایشان در هراس است! ﴿۶۰﴾ و همهٔ این‌ها [کسانی هستند که] در انجام نیکی‌ها شتاب می‌کنند و از دیگران پیشی می‌گیرند! ﴿۶۱﴾ ما هیچ‌کس را بیش از طاقتش تکلیف نکرده‌ایم، زیرا نزد ما کتابی است که براساس حق سخن می‌گوید [و تقدیر می‌کند]، و قطعاً بر آن‌ها ستم نخواهد رفت ﴿۶۲﴾ دل‌های مخالفان از نتیجهٔ اعمالشان در بی‌خبری است. غیر از این کارها، عملکرد دیگری نیز دارند، که پیوسته مرتکب می‌شوند! [و ما از آن آگاهیم] ﴿۶۳﴾ هنگامی که مرگ‌هین آن‌ها را دچار عذاب کنیم آن‌گاه همه‌شان استغاثه کرده، ناله سر می‌دهند ﴿۶۴﴾ ناله و فریاد نکنید که امروز از سوی ما هیچ کمکی به شما نخواهد رسید! ﴿۶۵﴾ در دنیا آیات [نجات‌بخش] من بر شما خوانده می‌شد، اما شما از آن، روی برمی‌گردانید و به عقب باز می‌گشتید! ﴿۶۶﴾ نسبت به آن تکبر می‌ورزیدید و در شب‌نشینی‌هایتان به بدگوئی می‌پرداختید! ﴿۶۷﴾ چرا آن‌ها در این آیات تدبّر نمی‌کنند؟! شاید مطالبی انحصاری به آن‌ها رسیده که به نیاکان‌شان نرسیده است؟! ﴿۶۸﴾ و شاید هم پیامبرشان را نشناخته انکار می‌کنند؟! ﴿۶۹﴾ و شاید هم می‌گویند: او دیوانه است؟! نه! قطعاً او حق را به آن‌ها رسانده، اما اکثرشان از حق کراهت دارند! ﴿۷۰﴾ اگر قرار بود که حق از پی هوس‌های آن‌ها برود تاکنون سراپای آسمان‌ها و زمین و هر که را در آن‌هاست فساد و تباهی فراگرفته بود! ما فقط اندرزشان داده‌ایم. اما آن‌ها از این پند و اندرز هم روی گردانند! ﴿۷۱﴾ شاید هم تو از آن‌ها مزدی می‌طلبی؟! [اما می‌دانی که] مزد پروردگارت بهتر از هر مزد دیگری است. و او بهترین روزی‌دهندگان است ﴿۷۲﴾ یقیناً تو آن‌ها را در همهٔ امور به راه راست و درست دعوت می‌کنی ﴿۷۳﴾ به راستی کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند از راه درست و نجات‌بخش انحراف یافته‌اند ﴿۷۴﴾

ابرخی چنان لجوجند، اگر به آن‌ها رحم کنیم و مصیبتی را که دامنگیرشان شده برطرف کنیم، باز سرسختانه در کفر و طغیان، سرگشته و حیران باقی می‌مانند ﴿۷۵﴾ ما آن‌ها را گرفتار عذاب الهی کردیم، زیرا هیچ تواضع و فروتنی نسبت به پروردگارشان ندارند، و به درگاهش تضرع و زاری نمی‌کنند ﴿۷۶﴾ وقتی دروازهٔ عذاب سخت را بر روی آن‌ها بگشاییم، دیگر از همه جا نا امید می‌گردند! ﴿۷۷﴾ او کسی است که برایتان شنوایی، بینایی و دل پدید آورد! اما چه اندک و کم ارزش است شکرگزاریتان! ﴿۷۸﴾ او کسی است که شما را در زمین آفرید [با این وجود]، به سویش جمع خواهید شد ﴿۷۹﴾ او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند. حتی گردش شب و روز به خاطر اوست. چرا تعقل نمی‌کنید؟! ﴿۸۰﴾ نه! آن‌ها هم، همان [اباطیلی را] می‌گویند، که پیشینیانشان می‌گفتند! ﴿۸۱﴾ گفتند: آیا هنگامی که مُردیم و تبدیل به مستی خاک و استخوان شدیم دوباره زنده خواهیم شد؟! ﴿۸۲﴾ پیش از این نیز به ما و پدرانمان چنین وعده‌هایی داده‌اند. این حرف‌ها فقط افسانه‌های پیشینیان است ﴿۸۳﴾ بگو: پس این زمین و موجودات روی آن، متعلق به کیست [از کجا آمده است]؟! اگر می‌دانید [بگوئید!] ﴿۸۴﴾ به زودی خواهند گفت: از آن خداست! بگو: آیا اکنون پند نمی‌گیرید؟! ﴿۸۵﴾ بگو: چه کسی پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه و پروردگارِ عرضِ عظیم است؟! ﴿۸۶﴾ به زودی خواهند گفت: از آن خداست! ﴿۸۷﴾ بگو: چرا حرمت نگاه نمی‌دارید؟! ﴿۸۷﴾ بگو: ملکوت و تقدیرات هر موجودی به دست کیست؟! و چه کسی است که به دیگران پناه می‌دهد، اما خود به پناه کسی نیاز ندارد؟! اگر می‌دانید [بگوئید] ﴿۸۸﴾ به زودی خواهند گفت: از آن خداست! بگو: به کدامین سو جادو شده‌اید؟! ﴿۸۹﴾

۱. «لله» (از آن خداست) جواب صحیح و مناسبی برای سؤال‌های پرسیده شده، نیست. گویی مشرکان دست به استهزاء می‌زنند تا حقیقت مطلب را لوث کنند.

نه! ما حق را تقدیم آن‌ها کرده‌ایم. اما آن‌ها به دروغ انکارش می‌کنند ﴿۹۰﴾ خداوند، هیچ فرزندی اختیار نکرده. و هیچ خدایی با او همکاری ندارد! اگر چنین بود هر خدایی با مخلوقات خویش به سویی می‌رفت. و بعضی بر بعضی دیگر سلطه‌جویی می‌کردند. منزّه است خدا از آن چه که توصیف می‌کنند! ﴿۹۱﴾ او خدای دانای نادیده‌ها و دیده‌هاست و از هر چه شریکش قلمداد می‌کنند برتر و بلندمرتبه‌تر است ﴿۹۲﴾ بگو: پروردگارا! اگر عذابی را که به آن‌ها وعده داده‌ای بر من بنمایی! ﴿۹۳﴾ پروردگارا! مرا از آن قوم ظالم قرار مده! ﴿۹۴﴾ ما اگر بخواهیم آن چه را به آن‌ها وعده داده‌ایم، به تو نشان دهیم می‌توانیم! ﴿۹۵﴾ تو بدی را با نیکی از میان بردار. ما خودمان نسبت به آن چه وصف می‌کنند، آگاه‌تریم ﴿۹۶﴾ و بگو: پروردگارا! از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم ﴿۹۷﴾ [نه تنها از وسوسه‌هایشان] بلکه هنگامی که خودشان هم حاضر شوند، باز به تو پناه می‌برم! ﴿۹۸﴾ هنگامی که یکی از آن‌ها بمیرد، گوید: پروردگارا! مرا [دوباره به دنیا] بازگردان! ﴿۹۹﴾ امید آن که این بار اعمال خوب و شایسته‌ای را که ترک گفته بودم، انجام دهم! [به او گفته شود]: هرگز! این سخنی است که او می‌گوید [و مورد پذیرش نیست]. و پشت سرشان برزخی است. تا روزی که برانگیخته شوند ﴿۱۰۰﴾ هنگامی که در صور دمیده شود، دیگر در آن روز هیچ خویشاوندی بین آن‌ها وجود نخواهد داشت، و از حال یکدیگر نپرسند! ﴿۱۰۱﴾ پس هر کس میزان عملکرد خوبش سنگین باشد، بی‌شک از رستگاران است ﴿۱۰۲﴾ و آن‌ها که میزان عملکردشان، سبک و بی‌ارزش است؛ کسانی هستند که به خود زیان رسانده‌اند. آن‌ها در جهنّم جاودانه خواهند بود ﴿۱۰۳﴾ آتش، چهره‌هایشان را می‌سوزاند. در حالی که مأیوس و ناخشنودند! ﴿۱۰۴﴾

آیا آیات نجات‌بخش من بر شما خوانده نمی‌شد، و شما هم تکذیب‌شان می‌کردید؟! ﴿۱۰۵﴾ گویند: پروردگارا! شقاوت و بدبختی بر ما غلبه کرده بود. و [اعتراف می‌کنیم] همه ما گمراه بوده‌ایم ﴿۱۰۶﴾ پروردگارا! ما را از این آتش خارج کن، اگر [یک بار دیگر به کفر و باطل] برگردیم، قطعاً ستمکار خواهیم بود! ﴿۱۰۷﴾ [خدا] گوید: [به خاطر دستاوردتان] به اعماق دوزخ روید و با من حرف مزیند! ﴿۱۰۸﴾ [یادتان می‌آید!] هنگامی که در دنیا گروهی از بندگان من می‌گفتند: پروردگارا! ما به حقایق ایمان آورده‌ایم، پس از ما درگذر. و رحم‌آور. که تو بهترین رحم‌کنندگان! ﴿۱۰۹﴾ اما شما آن‌ها را مسخره می‌کردید و پرداختن به آن‌ها باعث شد تا یاد مرا فراموش کنید، و همواره به آن‌ها می‌خندیدند! ﴿۱۱۰﴾ ولی امروز [کسانی را که به آن‌ها می‌خندیدید]، به پاس صبر و استقامتی که [در راه خدا] داشتند، پاداش‌شان می‌دهم. و قطعاً آن‌ها پیروز و رستگارانند! ﴿۱۱۱﴾ [خدا] گوید: چند سال در روی زمین زندگی کرده‌اید؟! ﴿۱۱۲﴾ گویند: یک روز و یا کمتر! از کسانی که هوش و حواس شمردن دارند سوال فرما ﴿۱۱۳﴾ [خدا] گوید: جز اندکی در دنیا نبوده‌اید، البته اگر بتوانید درک کنید! ﴿۱۱۴﴾ آیا پنداشته‌اید که ما شما را بیهوده خلق کرده‌ایم، و هیچ‌گاه به سوی ما باز نمی‌گردید؟! ﴿۱۱۵﴾ بلندمرتبه است خدایی که فرمانروایی حق است. هیچ معبودی جز او نیست و پروردگار عرش کریم است! ﴿۱۱۶﴾ هر کس با الله، خدایی دیگر را بخواند نسبت به ادعایش هیچ برهانی ندارد. و حساب [اعتقاد و عملکردش]، نزد پروردگارش موجود است! و خدا کافران را رستگار نمی‌کند ﴿۱۱۷﴾ و بگو: پروردگارا! مرا بیمارز و بر من رحم کن که تو بهترین رحم‌کنندگان! ﴿۱۱۸﴾

سوره نور

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

این سوره ای است که ما آن را نازل کردیم، و فرض نمودیم، و در آن آیات روشنگری را فرو فرستادیم. امید آن که پند بگیرید! ﴿۱﴾ مرد و زن زناکار را به هر یک صد تازیانه بزنید. و در دین خدا، نسبت به آن دو، محبت کاذب شما را فرا نگیرد، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید! حتی گروهی از اهل ایمان، شاهد این مجازات باشند ﴿۲﴾ مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی کند. و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به ازدواج خود در نمی آورد. و همه این موارد برای اهل ایمان حرام است ﴿۳﴾ کسانی که زنان پاکدامن را به زنا متهم می کنند، سپس برای اثبات ادعای خود چهار شاهد عادل نمی آورند، هشتاد تازیانه بزنید، و دیگر هرگز شهادتشان را در هیچ موردی نپذیرید، زیرا آن ها زشت کردار و بد سیرت اند! ﴿۴﴾ مگر کسانی که بعد از آن، توبه کنند و به صلاح آیند (و جبران نمایند)، زیرا خداوند آمرزنده و با گذشت است ﴿۵﴾ و کسانی که همسران خود را به زنا متهم می کنند، و غیر از خودشان هیچ شاهد دیگری ندارند، هر یک از آن ها باید چهار مرتبه به نام الله، شهادت دهد که از راستگویان است! ﴿۶﴾ و بار پنجم بگوید: نفرین خدا بر او باد، اگر از دروغگویان باشد! ﴿۷﴾ و اگر زن چهار مرتبه به نام الله شهادت دهد که مرد از دروغگویان است، حدّ از او برداشته می شود ﴿۸﴾ و برای بار پنجم بگوید: غضب خدا بر او باد، اگر مرد از راستگویان باشد! ﴿۹﴾ [تا به حال فکر کرده اید] اگر فضل و رحمت خدا بر شما نمی بود چه می شد؟! حال آن که خداوند توبه پذیر و حکیم است! ﴿۱۰﴾

۱. انجام چنین کاری در فقه، لعان گفته می شود. اگر زن بخواهد از خود رفع اتهام کند طبق قوانین فقهی و نیز به تعداد شهادت مرد، به نام الله شهادت می دهد که مرد دروغگوست ... کار که به این جا رسید چهار حکم بر این زوج مترتب می شود: ۱- بدون صیغه طلاق از هم جدا می شوند ۲- برای همیشه نسبت به یکدیگر حرام می شوند و رجوعی در کار نیست ۳- حد قذف (برای مرد) و حد زنا (برای زن) برداشته می شود ۴- اگر فرزندی در این ماجرا به وجود آمده نسبتش به مرد منتفی است. در نهایت کار آن ها به خداوند واگذار می گردد.

کسانی که تهمت بزرگ را مرتکب شدند، گروهی از شما بودند. ای کسانی که تهمت خورده‌اید! آن را شر مپندارید، بلکه خیری برای شما است (خدا حقایق را روشن می‌کند). هر کدام از آن‌ها که این گناه را مرتکب شده، جزا می‌بیند، و آن که عامل اصلی این بُهتان بزرگ است، گرفتار عذاب بزرگی خواهد شد! ﴿۱۱﴾ چرا هنگامی که مردان و زنانِ اهل ایمان، این تهمت بزرگ را شنیدند، خوش‌بینانه برخورد نکردند، و گفتند: که این فقط یک تهمت آشکار است؟! ﴿۱۲﴾ و چرا چهار شاهد عادل [برای اثبات ادّعی خود] نیاوردند؟! بدانید اگر شاهدان عادل را نیاورند، همه آن‌ها نزد خدا دروغگو هستند! ﴿۱۳﴾ بدانید! اگر فضل و رحمت الهی، در دنیا و آخرت شامل حالتان نبود، به کیفر اتهاماتی که می‌بستید، گرفتار عذابی بزرگ می‌شدید! ﴿۱۴﴾ آن‌گاه که دهان به دهان شایعه‌پردازی می‌کردید آن‌چه را به زبان می‌آوردید، هیچ آگاهی از آن نداشتید، و آن را کارِ کوچک و بی‌اهمیتی می‌پنداشتید. در حالی که نزد خداوند، بسیار بزرگ است! ﴿۱۵﴾ چرا هنگامی که تهمت را شنیدید نگفتید: شایسته ما نیست که این گونه تکلم کنیم! پروردگارا! پاک و منزّه‌ی، و این یک تهمت بزرگ است! ﴿۱۶﴾ خداوند شما را موعظه می‌کند، چنان‌چه اهل ایمانید، هرگز گرد چنین کاری نگردید! ﴿۱۷﴾ خداوند آیات روشن‌گرش را برای شما بیان می‌کند، زیرا او آگاه و حکیم است ﴿۱۸﴾ کسانی که دوست دارند درباره اهل ایمان، اتهامات زشت، شایع شود. هم در دنیا و هم در آخرت، گرفتار عذاب دردناکند. خداوند نسبت به همه چیز آگاه است. در حالی که شما آگاه نیستید! ﴿۱۹﴾ اگر فضل و رحمت الهی شامل حالتان نبود، چه می‌شد؟! حال آن‌که خداوند، مهربان و با گذشت است ﴿۲۰﴾

ای همه کسانی که به حقایق ایمان آورده‌اید، پا جای پای شیطان مگذارید! هر کس از راه او تبعیت کند، بداند! که شیطان فقط امر به زشت کاری و منکر می‌کند. اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود، هیچ کدام از شما هرگز روی پاکیزگی و طهارت را نمی‌دید! اما خدا هر کس را صلاح بداند پاکیزه می‌گرداند، و خدا شنوا و آگاه است ﴿۲۱﴾ آن‌ها که دارای مال و وسعت رزق و روزی هستند نباید قسم بخورند که به خویشاوندان و مساکین و مهاجران راه خدا، چیزی نمی‌دهیم. بلکه باید ببخشند و گذشت نمایند! مگر دوست ندارید خدا نیز از گناهان شما در گذرد؟! بدانید! که خداوند، آمرزنده و با گذشت است ﴿۲۲﴾ کسانی که زنان پاکدامن و مؤمنه و بی‌خبر از گناه را تهمت زنا می‌زنند، هم در دنیا و هم در آخرت گرفتار نفرین‌اند. و عذابی بزرگ برای‌شان مهیاست! ﴿۲۳﴾ روزی که زبان و دست‌ها و پاهایشان، برضد آن‌ها، نسبت به عملکردشان شهادت می‌دهند ﴿۲۴﴾ در آن روز خداوند کیفر دستاورده‌شان را به تمامی خواهد داد. و خواهند فهمید که خداوند، حق آشکار است ﴿۲۵﴾ زنان ناپاک، برای مردان ناپاک‌اند. و مردان ناپاک، برای زنان ناپاک‌اند. برای مردان پاک‌اند. و مردان پاک، برای زنان پاک‌اند. آن‌ها از اتهاماتی که درباره‌شان می‌گویند بری هستند. و آمرزش الهی و رزق ارزشمند، برای آن‌هاست. ﴿۲۶﴾ ای اهل ایمان! به غیر از خانه‌های خودتان به خانه‌ای وارد مشوید، مگر آن‌که اجازه بگیرید. و بر اهل آن خانه سلام کنید! این کار برای شما خیر و برکت است. امید آن که پند بگیرید ﴿۲۷﴾

و اگر کسی در آن خانه نبود [و کسی را نیافتید]، هرگز وارد نشوید. تا زمانی که اجازه داده شود. و اگر اهل خانه‌ای به شما گفتند: برگردید! پس برگردید. این کار برای [حفظ شرف] شما بهتر است. بدانید! که خداوند به عملکردتان آگاه است ﴿۲۸﴾ اما گناهی بر شما نیست اگر به خانه‌های غیرمسکونی، که متاعی در آن دارید وارد شوید. بدانید! هرچه را آشکار انجام دهید، و یا کتمان‌ش کنید، خدا از آن آگاه است ﴿۲۹﴾ به مردان اهل ایمان بگو: که چشمان خود را از نگاه بد و وسوسه‌انگیز فرو گیرند. و پاکدامنی خود را حفظ کنند، زیرا این کار برای [حفظ شرف]شان بهتر است. و بدانند! که خداوند از عملکردشان با خبر است ﴿۳۰﴾ و به زنان اهل ایمان نیز بگو: که چشمان خود را از نگاه بد و وسوسه‌انگیز فرو گیرند، و پاکدامنی خود را حفظ نمایند. و زیبایی‌های خود را جز آن مقدار که [قهرأ] پیداست آشکار نکنند، و دنباله دستمال سر خود را بر گریبان بیاندازند، و زینت‌های خود را آشکار نکنند. مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان و یا پسران خواهرانشان، و یا زنان هم‌کیش‌شان، یا بندگانشان، و یا خدمتگزارانشان، که تمایلی به جنس زن ندارند. و یا کودکانی که از وضعیت جنسی زنان بی‌خبرند! هم‌چنین زنان نباید چنان پای بر زمین بکوبند که زینت‌ها و زیبایی‌هایی که مخفی کرده‌اند دانسته شود. ای اهل ایمان! همگی به سوی خداوند بزرگ توبه کنید. امید آن که رستگار شوید ﴿۳۱﴾

مردان و زنان مجرد، و هم‌چنین غلامان و کنیزان شایسته و درستکار خود را همسر دهید، و اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خویش آن‌ها را غنی می‌سازد، زیرا خداوند گشایش دهنده و آگاه است ﴿۳۲﴾ اما کسانی که توانایی ازدواج ندارند، عفت و پاکدامنی پیشه کنند، تا این‌که خداوند بزرگ از فضل خویش آن‌ها را غنی سازد. و از بردگان شما، آن‌ها که طالب آزادی‌شان هستند، اگر در آن‌ها خیری یافتید و می‌توانند خود را اداره کنند با درخواست‌شان موافقت نمایید و از اموالی که خدا در اختیار شما گذاشته به آن‌ها چیزی بدهید. و کنیزانتان را به خاطر مال دنیا به خودفروشی وادار مکنید، اگر می‌خواهند پاک بمانند. و هر کس آن‌ها را وادار به این کار کند خداوند نسبت به آن زنان که مجبور شده‌اند، بخشنده و با گذشت است ﴿۳۳﴾ حقیقتاً ما آیاتی روشن‌گر و داستان‌هایی از گذشتگان شما و موعظه‌ای برای حرمت‌گزاران حریم الهی، نازل کرده‌ایم ﴿۳۴﴾ الله، نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او چون چراغ‌دانی است، که در آن چراغی است که درون حبابی قرار گرفته است، حبابی که از فرط درخشندگی، همانند ستاره‌ای پرنور است. این چراغ به واسطهٔ روغن درخت با برکت زیتونی که نه شرقی است و نه غربی، روشن می‌شود! روغنی چنان شفاف که گویی خود روشنی‌دهنده است، هرچند آتشی به آن نرسد. نور غرق در نور! بدانید! که خداوند به واسطهٔ این نور، هر که را صلاح بداند هدایت می‌کند. و برای [آگاهی] مردم مثل‌ها می‌آورد. و خداوند بر هر چیزی آگاه است^۱ ﴿۳۵﴾ آن نور در خانه‌هایی است که خداوند اجازه فرموده تا تکریمش کنند^۲ و نام او را در آن جا یاد کنند. و هر صبح و شام در آن مکان‌ها تسبیح خداوند را بگویند ﴿۳۶﴾

^۱ به نظر می‌رسد که این آیه شریفه، بیان تجلی نور الهی در انسان کامل است. نوری که لایه به لایه وجود را در می‌نوردد و منور می‌سازد. حیات بخش است و بر هر چیزی آگاه.

^۲ این خانه‌ها را سینه‌های اهل ایمان دانسته‌اند زیرا خداوند فرمود: «بدانید که خدا بین آدمی و قلبش قرار دارد» (۲۴ انفال)

مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آن‌ها را از یاد خدا و اقامه نماز و پرداخت زکات غافل نمی‌کند، و همواره از روزی که قلب‌ها و دیدگان در آن دگرگون شود بیمناکند! ﴿۳۷﴾ تا خداوند بزرگ، بهتر و افزون‌تر از عملکردشان عطا فرماید، بلکه از فضل و گرمش بر آن بیافزاید. بدانید! خداوند هر که را صلاح بداند بی‌هیچ حسابی روزی می‌دهد ﴿۳۸﴾ و کسانی که به حقایق کافر شده‌اند، عملکردشان چون سرابی در بیابان است. تشنه آن را آبی زلال تصور می‌کند اما هنگامی که به آن می‌رسد، چیزی نمی‌بیند جز خدایی که در برابرش است. و او هم جزایش را به تمام می‌دهد! بدانید! که خداوند سریعاً حساب‌ها را پرداخت می‌نماید! ﴿۳۹﴾ یا عملکردشان همانند تاریکی‌های اعماق دریاست که موج‌های پی در پی آن را پوشانده است. و بر فراز آن، لایه‌های متعدد ابرهای تاریک است. به طوری که اگر کسی بخواهد دست خود را خارج کند، هرگز آن را نمی‌بیند! [آری] کسی که خدا نوری برای او قرار نداده هیچ نوری برایش وجود ندارد! ﴿۴۰﴾ آیا نمی‌بینی هر که در آسمان‌ها و زمین وجود دارد، و حتی پرنندگان در حال پرواز، تسبیح خداوند بزرگ را می‌گویند؟ همه نسبت به نماز و تسبیح او آشنا هستند و خداوند از عملکردشان آگاه است! ﴿۴۱﴾ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و سرنوشت همه، حضور به نزد اوست ﴿۴۲﴾ آیا نمی‌بینی که خداوند ابرهایی را به آرامی حرکت می‌دهد و به هم می‌رساند و توده‌ای ابر متراکم تشکیل می‌دهد، آن‌گاه باران را می‌بینی که از میان آن می‌بارد و نیز از آسمان و کوه‌های سر به فلک کشیده در آن، تگرگی می‌فرستد تا بر هر کس صلاح بداند ببارد، و از هر کس صلاح بداند باز دارد. حال آن‌که روشنیِ برقش نزدیک است قدرتِ دیدش را از بین ببرد! ﴿۴۳﴾

۱. این کسان، از جمال حضرت حق، محجوبند، زیرا به غیر او مشغولند. پس در تاریکی‌های جهل به سر می‌برند. اینان به مرتبهٔ وجود ناب نرسیده‌اند. لذا به آن‌چه کرده‌اند، امیدی نیست، سراب است.

خداوند شب و روز را به گردش در می‌آورد. و در این عبرتی برای صاحب‌نظران است ﴿۴۴﴾ این خداست که هر جنبنده‌ای را از آب آفرید. و اکنون بعضی از آن‌ها بر شکم خود می‌خزند، و بعضی روی دو پای خود راه می‌روند، و برخی بر چهارپا! خداوند آن چه بخواهد خلق می‌کند، زیرا بر هر کاری تواناست ﴿۴۵﴾ حقیقتاً ما آیاتی روشن‌گر نازل کرده‌ایم و خداوند بزرگ هر که را صلاح بداند به راه راست و درست هدایت می‌کند ﴿۴۶﴾ می‌گویند: ما به خدا و پیامبرش ایمان آورده و مطیع شده‌ایم! اما بعد از این اقرار، گروهی از آن‌ها به حقیقت پشت می‌کنند. بدانید! که آن‌ها اهل ایمان نیستند! ﴿۴۷﴾ و اگر به سوی خدا و پیامبرش دعوت شوند تا میان‌شان داوری کند، گروهی از آن‌ها [را می‌بینی که] روی برمی‌گردانند ﴿۴۸﴾ و اگر حق با آن‌ها باشد [داوری به نفع آن‌ها شود]، سراپا تسلیم او می‌شوند! ﴿۴۹﴾ آیا در قلب‌هایشان (مراکز فهم و ادراک‌شان) بیماری [نفهمی] است؟! یا این که همواره در شک و تردیدند؟! و شاید از خدا و پیامبرش می‌ترسند [مبادا به آن‌ها ظمی کند]؟! بدانید، خود اینان ظالمند! ﴿۵۰﴾ اما جواب اهل ایمان وقتی آن‌ها را به سوی خدا و پیامبرش دعوت کنند تا میان‌شان حکم کند این است که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم! بی‌شک اینان رستگارند! ﴿۵۱﴾ هر کس، خدا و پیامبرش را اطاعت کند، و خداترس باشد و حرمت اوامر او را نگاه دارد، بی‌شک اینان پیروز و رستگارند ﴿۵۲﴾ قسم‌های سخت و بزرگی به خدا می‌خورند اگر به آن‌ها دستور دهی، خانه و کاشانه را ترک کنند [و سراپا تسلیم شوند] بگو: لازم نیست قسم بخورید! طاعتی خالصانه داشته باشید! زیرا خداوند از عملکردتان آگاه است! ﴿۵۳﴾

بگو: از خدا و پیامبر اطاعت کنید. چنانچه از حقیقت روی برگردانید بدانید! که پیامبر مسؤول اعمال خویش است. و شما نیز مسؤول اعمال خودتان هستید؟ اگر او را اطاعت کنید [به راه نجات و آرامش] هدایت می‌یابید، و بدانید! که وظیفهٔ پیامبر فقط ابلاغ روشن و شفاف است ﴿۵۴﴾ خداوند به کسانی از شما که به حقایق ایمان آورده و عملکردی شایسته دارند وعده داده است که آنها را در روی زمین جانشین دیگران خواهد کرد. هم‌چنان که کسان دیگر را قبل از آنها جانشین کرده بود! و خدا دین و آیینی را که برای آنها پسندیده است پابرجا قرار می‌دهد. و ترس و وحشت‌شان را به امنیت و آرامش بدل خواهد کرد. تا فقط مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند! و اگر کسی بعد از آن به حقایق کافر شود، بدون شک زشت کردار و بدسیرت است! ﴿۵۵﴾ و نماز را به جا آورید. و زکات را پرداخت نمائید. و از پیامبر اطاعت کنید. امید آنکه مشمول رحمت شوید ﴿۵۶﴾ مپندار که کافران راه گریزی در زمین خواهند داشت! آنها جایگاهشان آتش است، و چه بد سرنوشتی است آتش! ﴿۵۷﴾ ای اهل ایمان! خدمتگزاران شما و نیز آنان که هنوز به بلوغ نرسیده‌اند، در سه نوبت [برای وارد شدن] بر شما اجازه بگیرند! یکی پیش از نماز صبح، دیگری در نیمروز هنگامی که لباس بیرون از خانه را از تن بیرون می‌آورید، و سوم، بعد از نماز عشاء، اما غیر از این سه وقت، که وقت‌های خصوصی شماست. باکی بر شما و آنها نیست [اگر بدون اجازه بر شما وارد شوند]. نسبت به یکدیگر توجه داشته باشید، خدمت یکدیگر کنید، بدانید! که خداوند آیاتش را این چنین برای شما بیان می‌کند و خدا آگاه و حکیم است ﴿۵۸﴾

^۱. این آیه را بیانگر آداب ورود اهل خانه به اتاق خصوصی زن و شوهر می‌دانند. در معنایی باطنی، «غیر» نمی‌تواند بی‌اذن واصل به حریم وارد شود!

و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسیدند [برای ورود بر شما] اجازه بگیرند، همان طور که کسان قبل از ایشان اجازه می‌گرفتند! این چنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند، بدانید که خدا آگاه و حکیم است ﴿۵۹﴾ و زنان پیر و از کار افتاده‌ای که امیدی به ازدواجشان نیست، بر آن‌ها گناهی نیست اگر حجابشان را بردارند به شرط آن که جلوه‌آرایی نکنند، اما اگر خود را بپوشانند برای‌شان بهتر است! بدانید که خدا شنوا و آگاه است ﴿۶۰﴾ بر نابینا و لنگ و بیمار گناهی نیست. و نیز بر شما گناهی نیست اگر از خانه‌هایتان و یا خانه پدران‌تان یا خانه مادران‌تان یا خانه برادران‌تان یا خانه خواهران‌تان یا خانه عموهایتان یا خانه عمه‌هایتان یا خانه دایی‌هایتان یا خانه خاله‌هایتان یا خانه‌ای که کلید آن نزد شماست و یا خانه دوستان‌تان، چیزی بخورید، چه همه با هم بخورید و چه تک‌تک. پس هنگامی که خواستید به خانه‌ای داخل شوید به یکدیگر سلام کنید. این تحیتی با برکت و پاکیزه از سوی خداست. این چنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند، امید آن که

تعقل نمایند! ﴿۶۱﴾

اهل ایمان کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. و چون در کاری گروهی با پیامبر شرکت نمایند، نباید بدون اجازه او محل خدمت را ترک کنند. و کسانی که از تو اجازه می‌طلبند، همان کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. ای پیامبر! اگر برای انجام پاره‌ای از کارهای شخصی‌شان از تو رخصت بخواهند، به هر کدام از آنها که صلاح میدانی رخصت ده و برای‌شان از خداوند آمرزش طلب کن، زیرا خداوند آمرزنده و با گذشت است ﴿۶۲﴾ ندا کردن پیامبر را در میان خودتان، هم چون ندا کردن بعضی از شما از بعضی دیگر تصور نکنید! خداوند از آن‌هایی که پشت سر دیگران پنهان می‌شوند تا یکی پس از دیگری فرار کنند به خوبی آگاه است. کسانی که از دستور پیامبر تخلف می‌کنند، باید از این بترسند که مبدا فتنه‌ای و یا عذاب دردناکی گرفتارشان کند! ﴿۶۳﴾ آگاه باشید! که هرچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست. موقعیت شما را می‌داند؛ و آن روز که همه به سوی او باز می‌گردند، بی‌شک از عملکردشان آگاه‌شان خواهد کرد، و خداوند بزرگ بر هر کاری آگاه است ﴿۶۴﴾

سوره فرقان

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

با برکت و بزرگ است، کسی که فرقان^{۱)} را بر بنده‌اش نازل کرد، تا هشداردهنده‌ای برای همهٔ جهانیان باشد ﴿۱﴾ همان کسی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست، و هیچ‌گاه فرزندی اختیار نکرده. و شریکی برای خود در امر ادارهٔ آفرینش برنگزیده است. خدایی که همه چیز را خلق کرد و به دقت اندازه‌گیری نمود (آن‌ها را به اندازه و ظرفیت مناسب آفریده است) ﴿۲﴾

۱. جداکننده حق از باطل: قرآن.

[اما] آن‌ها به جای خدا، معبودان دیگری برگزیده‌اند که توانایی خلق هیچ چیزی را ندارند. در حالی که همه‌شان مخلوق‌اند، و نمی‌توانند مالکِ سود و زیان خود باشند. حتی مالکِ هیچ مرگ و زندگی و رستاخیزی نیستند! ﴿۳﴾ و کسانی که نسبت به حقایق کافرنند، گفتند: این قرآن فقط دروغی است که او بافته است. و گروه‌های دیگری، در به وجود آوردن قرآن او را یاری داده‌اند! به راستی آن چه می‌گویند، ظلم و دروغ است ﴿۴﴾ گفتند: این همان افسانه‌های پیشینیان است که او از روی آن‌ها رونویسی می‌کند، و هر صبح و شام به او دیکته می‌شود! ﴿۵﴾ بگو: قرآن را کسی نازل کرده که اسرار آسمان‌ها و زمین را می‌داند و حقیقتاً آمرزنده و با گذشت است! ﴿۶﴾ و گفتند: این چه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازار راه می‌رود؟! چرا فرشته‌ای بر او نازل نمی‌شود تا با هم هشدارهای الهی را برسانند؟! ﴿۷﴾ چرا [از آسمان] گنجی برایش فرو نمی‌افتد؟! و چرا باغی ندارد تا از آن بهره‌مند شود؟! و ظالمان گفتند: شما فقط یک مردِ جادو شده را پیروی می‌کنید! ﴿۸﴾ ببین برای تو چگونه مثل‌ها و داستان‌ها می‌سازند! بی‌شک آن‌ها گمراه شده‌اند و توانایی یافتن راه درست را ندارند! ﴿۹﴾ با برکت و بزرگواری است خدایی که اگر بخواهد، بهتر از این‌ها را به تو می‌دهد! بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری باشد و قصرهای مجللی برایت ایجاد کند! ﴿۱۰﴾ نه! این‌ها قیامت را انکار کرده‌اند! و ما برای هر کس که قیامت را انکار کند، آتشِ سوزانی مهیّا کرده‌ایم! ﴿۱۱﴾

هنگامی که از دور، آتش دوزخ را ببینند، جوش و خروش هراس‌آورش را خواهند شنید ﴿۱۲﴾ هنگامی که کت‌بسته در گوشه‌ای از آن گرفتار شوند به فریاد، مرگ خویش را خواستار شوند ﴿۱۳﴾ امروز نه فقط یک‌بار بلکه بارها مرگ خویش را طلب کنید! ﴿۱۴﴾ بگو: آیا این وضعیّت بهتر است یا بهشت جاودانی که به حرمت‌گزاران حریم الهی وعده داده شده است؟! بهشتی که بی‌شک پاداشِ اعمال و سرنوشت نهایی آن‌ها خواهد بود! ﴿۱۵﴾ همواره در آن‌جا هرچه بخواهند مهیّاست. و این وعده‌ایست که انجام آن بر عهدهٔ پروردگارت است ﴿۱۶﴾ روزی که خدا، هم آن‌ها و هم معبودهای دروغین‌شان را محشور کند، به آن‌ها گوید: آیا شما این بندگان مرا از راه حق گمراه کردید؟! یا خودشان راه حق را گم کردند؟! ﴿۱۷﴾ گویند: پاک و منزّهی تو. سزاوار ما نیست که جز تو، دوست و تکیه‌گاهی برگزینیم! تو خود، آن‌ها و نیاکان‌شان را از نعمت‌های دنیوی برخوردار کردی. آن‌چنان‌که از یاد تو غافل شدند و در نتیجه هلاک گشتند! ﴿۱۸﴾ [خدا گوید]: دیدید که این معبودهای دروغین، ادّعایتان را تکذیب کردند. اکنون نه می‌توانید عذاب الهی را از خود دور کنید و نه می‌توانید یآوری بیابید! بدانید! هر کس از شما ظالمانه زندگی کند، عذاب بزرگی به او می‌چشانیم! ﴿۱۹﴾ هیچ پیامبری را قبل از تو نفرستادیم مگر آن‌که آن‌ها هم غذا می‌خوردند، و در بازارها راه می‌رفتند! بدانید که شما را مایهٔ آزمایش یکدیگر قرار داده‌ایم. آیا توانایی صبر بر آن دارید؟! بدان که پروردگارت بیناست ﴿۲۰﴾

و کسانی که امید و ایمانی به دیدار ما ندارند، گویند: چرا فرشته‌ها بر ما نازل نمی‌شوند؟! چرا پروردگاران را نمی‌بینیم؟! حقیقتاً خود را بزرگ پنداشته‌اند و گستاخی را از حد گذرانده‌اند! ﴿۲۱﴾ روزی که فرشتگان را ببینند، آن روز برای مجرمان قطعاً خوشایند نخواهد بود! و بی‌درنگ خواهند گفت: به ما امان دهید و از ما صرف‌نظر کنید ﴿۲۲﴾ به سراغ عملکردهایشان می‌رویم و آنچه را که انجام داده‌اند چون غباری در هوا می‌پراکنیم! ﴿۲۳﴾ در آن روز، مقر و جایگاه اهل بهشت، از همه بهتر و نیکوتر است ﴿۲۴﴾ روزی که آسمان‌ها با ابرها شکافته می‌شود و فرشتگان نازل گردند ﴿۲۵﴾ حکومت و فرمانروایی در آن روز، حقیقتاً از آن خدای رحمان است. چنین روزی قطعاً بر کافران، سخت و طاقت فرساست! ﴿۲۶﴾ روزی که ظالمان از فرط پشیمانی، دستان خود را به دندان گزند و گویند: کاش با پیامبر راه نجات را پیش می‌گرفتیم! ﴿۲۷﴾ ای وای بر من، کاش فلانی را به عنوان دوست و تکیه‌گاه خود انتخاب نمی‌کردم! ﴿۲۸﴾ به راستی مرا از یاد خدا غافل کرد. آن هم بعد از آن که حق به سراغم آمده بود! حقیقتاً شیطان همواره خوارکننده انسان بوده است! ﴿۲۹﴾ و پیامبر گوید: پروردگارا، این قوم من‌اند که قرآن را متروک و مهجور گذاشته‌اند! ﴿۳۰﴾ و این چنین برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار داده‌ایم. اما بدان که برای هدایت و یاری تو، پروردگارت کافی است! ﴿۳۱﴾ کافران گویند: چرا این قرآن به یکباره بر او نازل نشده است؟! به خاطر این است که قلب تو را به واسطه آن، همواره محکم و با ثبات گردانیم. و به همین سبب آن را به آرامی و به ترتیب بر تو خوانده ایم ﴿۳۲﴾

و آن‌ها هیچ مَثَلی را برای تو نمی‌سازند [و هیچ سخنی در ردّ تو نمی‌آورند] مگر آن‌که پاسخ‌شان را با قاطع‌ترین سخن و بهترین بیان بیاوریم ﴿۳۳﴾ کسانی که بر چهره‌های واقعی‌شان به سوی جهنّم محشور می‌شوند، بی‌شک آن‌ها بدترین جایگاه را دارند، و از همه گمراه‌ترند ﴿۳۴﴾ ما به موسی کتاب دادیم، و برادرش هارون را به عنوان مساعد همراهش کردیم. ﴿۳۵﴾ و به آن‌ها گفتیم: به سوی قومی که آیات ما را تکذیب کردند رهسپار شوید. و سرانجام همه تکذیب‌کنندگان حق را به سختی هلاک کردیم! ﴿۳۶﴾ و قوم نوح را هنگامی که پیامبران را تکذیب کردند، غرق‌شان کردیم تا از آن‌ها عبرتی برای مردم به وجود آوریم. بدانید! که برای ظالمان، عذاب دردناکی تدارک دیده‌ایم! ﴿۳۷﴾ هم‌چنین قوم عاد و ثمود و اصحاب رَسّ^۱ و مردمان دیگری را که میان آن‌ها بودند هلاک کردیم ﴿۳۸﴾ [ابتدا] برای همه‌شان مَثَل‌ها آوردیم [تا حقایق را بدانند. چون سودی نکرد] همه‌شان را نیست و نابود کردیم! ﴿۳۹﴾ آن‌ها از کنار شهری^۲ که باران بدی بر آن باریده بود گذشتند، آیا عذاب الهی را ندیدند؟! [چرا دیدند]، آن‌ها به روز قیامت امید و اعتقادی ندارند! ﴿۴۰﴾ هنگامی که تو را می‌بینند به تمسخرت می‌گیرند و می‌گویند: این همان کسی است که خدا پیامبرش گردانیده؟! ﴿۴۱﴾ اگر ما نسبت به پرستش خدایانمان استقامت نورزیم، او ما را گمراه خواهد کرد! هنگامی که عذاب الهی را ببینند، خواهند فهمید چه کسی گمراه‌تر است! ﴿۴۲﴾ آیا کسی که هوای نفسش را خدای خود قرار داده، دیده‌ای؟! آیا تو می‌توانی از او دفاع کنی؟! ﴿۴۳﴾

^۱. قومی کافر و ظالم بودند که پیامبرانشان را می‌کشتند (نهج‌البلاغه، خطبة ۱۸۰)، و نیز زنانشان دارای انحراف همجنس‌گرایی بودند، (نورالثقلین ۱۹/۴).

^۲. شهر قوم لوط.

آیا گمان می‌کنی اکثر آن‌ها حقایق را می‌شنوند و درک می‌کنند؟! آن‌ها چون چهارپایانند، بلکه از آن‌ها نیز گمراه‌ترند! ﴿۴۴﴾ آیا نمی‌بینی که خداوند [توسط نور] چگونه سایه را می‌کشد (کوتاه و بلند می‌کند). اگر می‌خواست می‌توانست همواره آن را ساکن و یک اندازه کند، اما آفتاب را دلیل آن قرار دادیم ﴿۴۵﴾ ما آهسته‌آهسته آن سایه را جمع می‌کنیم! ﴿۴۶﴾ او کسی است که شب را چون پوششی برای شما قرار داد. و خواب را مایه آرامش‌تان گرداند و روز را زمان کار و فعالیت ﴿۴۷﴾ اوست که قبل از نزول رحمت خود، بادها را چون پیک مژده‌رسان می‌فرستد تا از آسمان، آبی پاکیزه نازل کنیم ﴿۴۸﴾ تا به واسطه آن، سرزمین‌های مرده را حیات بخشیم. و چهارپایان و بسیاری از مردم را که آفریده‌ایم سیراب نماییم ﴿۴۹﴾ ما این‌گونه آیات را به صورت‌های گوناگون برای آن‌ها بیان کردیم تا تفکر کنند و پند بگیرند. اما اکثر مردم جز ناسپاسی کاری نمی‌کنند! ﴿۵۰﴾ اگر صلاح می‌دانستیم برای هر بادی، پیامبر هشداردهنده می‌فرستادیم ﴿۵۱﴾ از منکران حقیقت اطاعت مکن. بلکه به وسیله قرآن، جهاد بزرگی را علیه‌شان آغاز کن! ﴿۵۲﴾ اوست که دو دریایی را کنار هم قرار داده که یکی آبش شیرین و گوارا و دیگری شور و تلخ است. در حالی که مابین آن‌ها مانع و حائلی گذاشته تا مخلوط نشوند.^{۱۰} ﴿۵۳﴾ او کسی است که انسان را از آب آفرید و برای او نَسَب و سبب قرار داد [تا باعث ازدیادشان شود]. بدان! که پروردگار تو تواناست! ﴿۵۴﴾ به جای خداوند، چیزهایی را می‌پرستند که نه نفعی به آن‌ها می‌رسانند و نه آسیبی به آن‌ها می‌زنند. بدانید! که اهل کفر همواره در مقابل پروردگارشان، پشتیبان یکدیگرند! ﴿۵۵﴾

۱۰. اهل معنی، مراد از دو دریا را، یکی عالم محسوسات دانسته‌اند و دیگری را عالم روحانیات. نفس آدمی نیز حائل است و حکم رابط را دارد.

ما فقط تو را به عنوان مژده‌دهنده و هشداردهنده فرستاده‌ایم ﴿۵۶﴾ بگو: من به خاطر انجام رسالتم از شما مزدی نمی‌خواهم. و این کار را برای آن می‌کنم تا هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش بیابد! ﴿۵۷﴾ به زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد توکل کن، و برای ستایش او تسبیح گوی. همین بس که او از گناهان بندگانش آگاه است! ﴿۵۸﴾ کسی که آسمان‌ها و زمین و آن چه را در میان آن‌هاست در شش روز آفرید، سپس به عرش پرداخت! این خدای رحمان است، پس از او بپرس تا آگاه شوی! ﴿۵۹﴾ هنگامی که به آن‌ها گفته شود: خدای رحمان را سجده کنید، گویند: خدای رحمان دیگر کیست؟! چرا باید کسی را که تو دستور می‌دهی سجده کنیم؟! و بدینسان بر نفرت‌شان افزوده می‌شود ﴿۶۰﴾ با برکت و بزرگ است کسی که در آسمان، برج‌هایی قرار داد و در میان آن‌ها چراغ‌های روشن و ماه تابانی بیافرید ﴿۶۱﴾ او کسی است که شب و روز را از پی یکدیگر قرار داد تا آن‌ها که می‌خواهند، پند بگیرند و شکرگزار باشند! ﴿۶۲﴾^۱ بندگان خدای رحمان کسانی هستند که با فروتنی روی زمین راه می‌روند، و هنگامی که نادانان، آن‌ها را مورد خطاب قرار دهند جز سلام چیزی نمی‌گویند! ﴿۶۳﴾ و کسانی که شب را به یاد پروردگارشان، در سجده و قیامند! ﴿۶۴﴾ و کسانی که می‌گویند: پروردگارا! عذاب دوزخ را از ما دور فرما، زیرا عذاب آن سنگین و پیوسته است ﴿۶۵﴾ به راستی جهنم، بد مکان و قرارگاهی است! ﴿۶۶﴾ و کسانی که چون دست به انفاق و بخشش می‌زنند، زیاده‌روی نمی‌کنند و کم نیز نمی‌دهند و همواره بین این دو امر، متعادل رفتار می‌کنند ﴿۶۷﴾

^۱. شب و روز، فرصتی است برای آگاهی و شکرگزاری سکن و فعل!

و کسانی که برای خدا شریک دیگری قائل نیستند، و کسی را که خدا جانش را محترم دانسته، نمی‌کشند. مگر براساس قوانین حق، و زنا نمی‌کنند، که هر کس چنین کند جزایش را می‌بیند ﴿۶۸﴾ عذاب چنین کسی در روز قیامت مضاعف می‌شود و با خواری، جاودانه در آن جا خواهد ماند ﴿۶۹﴾ مگر کسی که توبه کند و به حقایق ایمان بیاورد، و عملکردی شایسته و مفید داشته باشد، بی‌شک اینان کسانی هستند که خداوند گناهان‌شان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند، زیرا خداوند آمرزنده و با گذشت است ﴿۷۰﴾ کسی که توبه کند، و دست به کار نیک زند بداند! که خدا به شایستگی توبه‌اش را می‌پذیرد ﴿۷۱﴾ و کسانی که به دروغ شهادت نمی‌دهند، و هنگامی که از کنار کار بیهوده و ناپسندی می‌گذرند، بزرگوارانه از آن گذر می‌کنند ﴿۷۲﴾ و کسانی که چون آیات پروردگارش بر آن‌ها خوانده شود، کر و کور روی آن نمی‌افتند! ﴿۷۳﴾ و کسانی که می‌گویند: پروردگارا! وجود همسران و فرزندانمان را مایهٔ روشنی چشم ما قرار ده، و ما را پیشوای پرهیزگاران کن! ﴿۷۴﴾ همهٔ اینان کسانی هستند که به خاطر صبر و استقامتی که کردند، غرفه‌های بهشت را پاداش خواهند گرفت. و در بهشت با درود و سلام رو به رو خواهند شد ﴿۷۵﴾ و جاودانه در آن جا خواهند ماند. چه جایگاه و مکان خوبی است! [بهشت] ﴿۷۶﴾ بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگار من برای شما ارزش قائل نیست، زیرا آیاتش را تکذیب کردید. و به زودی [عواقب این تکذیب] دامنگیرتان خواهد شد! ﴿۷۷﴾

سورهٔ شعراء

۱. آیات را باید فهمید و در آن تدبر کرد نه این که نسبت به آن‌ها کر و کور بود! از کلمهٔ کر و کور معلوم می‌شود که آیات خدا هم دیدنی‌اند و هم شنیدنی. یعنی وجودی زنده دارند!

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

طسم ﴿۱﴾ این‌ها آیات کتاب بیان‌کننده حقایق است ﴿۲﴾ گویی از شدت اندوه به خاطر این‌که آن‌ها ایمان نمی‌آورند، می‌خواهی جانت را از دست بدهی! ﴿۳﴾ اگر ما بخواهیم، می‌توانیم معجزه‌ای از آسمان بر آن‌ها نازل کنیم، تا گردن‌هایشان در مقابل آن خاضع گردد! ﴿۴﴾ بدان! هیچ ذکر جدیدی از جانب خدای رحمان برای‌شان نمی‌آید. مگر آن‌که از آن اعراض می‌کنند! ﴿۵﴾ آن‌ها حقایق را تکذیب کردند. و به زودی اخبار حقایقی که به تمسخر می‌گرفتند، به آن‌ها خواهد رسید (جزای دستاوردها را خواهند دید) ﴿۶﴾ آیا نمی‌بینند! بر روی زمین چه گیاهان متنوع و مفیدی رویانده‌ایم؟! ﴿۷﴾ در همه آن‌ها نشانه‌هایی از حقیقت است. اما اکثرشان حقایق را باور ندارند! ﴿۸﴾ بدان! که پروردگارت قدرتمند و با گذشت است ﴿۹﴾ و [یاد آر!] هنگامی که پروردگارت به موسی ندا داد: که به سوی قوم ستمگر حرکت کن! ﴿۱۰﴾ به سوی قوم فرعون! آیا نمی‌خواهند حرمت خدا را نگاه دارند؟! ﴿۱۱﴾ موسی گفت: پروردگارا! می‌ترسم که مرا تکذیب کنند ﴿۱۲﴾ سینه‌ام تنگ می‌شود (ظرفیتم برای انجام چنین رسالتی زیاد نیست) و زبانم گویا نمی‌باشد. هارون را نیز رسالت ده [تا با من بیاید] ﴿۱۳﴾ از دید آن‌ها جرمی دارم (در مورد قتل یکی از فرعونیان که سال‌ها پیش اتفاق افتاده مرا مجرم می‌دانند) و می‌ترسم مرا به قتل رسانند ﴿۱۴﴾ [خدا] گفت: هرگز! [این چنین نمی‌شود]! با معجزات من به سوی آن‌ها بروید. و بدانید! که ما با شما هستیم. و همه سخنان را می‌شنویم ﴿۱۵﴾ به سوی فرعون بروید. و به او بگویید: که ما پیامبری از سوی پروردگار جهانیانیم ﴿۱۶﴾ و بنی‌اسرائیل را با ما رهسپار کن! ﴿۱۷﴾ [فرعون] گفت: آیا ما تو را هنگامی که طفلی بیش نبود، پرورش ندادیم و چند سالی از عمرت را نزد ما زندگی نکردی؟! ﴿۱۸﴾ و سرانجام آن کارت را [که نمی‌بایست انجام دهی]، انجام دادی (و یک نفر از ما را کشتی) قطعاً تو از کافرانی! ﴿۱۹﴾

موسی گفت: آری، من این کار را کردم. اما در حالی که غافل و بی‌خبر بودم ﴿۲۰﴾ و هنگامی که از [مجازات] شما ترسیدم، از نزد شما فرار کردم. اما خداوند، بر من حکمت و دانشی عطا کرد [تا حقایق را بینم] و مرا از پیامبران قرار داد ﴿۲۱﴾ و منت این نعمت (پرورش دادن من در کودکی را) بر سر من می‌گذاری؟! در حالی که تو بنی‌اسرائیل را برده ساخته‌ای او من نتوانستم در خانه خودم پرورش یابم! ﴿۲۲﴾ فرعون گفت: این پروردگار جهانیان، دیگر کیست؟! ﴿۲۳﴾ موسی گفت: اگر اهل یقین باشید او پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن هاست، می‌باشد ﴿۲۴﴾ آن‌گاه فرعون رو به اطرافیانش کرد و گفت: آیا نشنیدید؟! ﴿۲۵﴾ گفت: پروردگار شما و پروردگار نیاکان شما! ﴿۲۶﴾ فرعون گفت: پیامبری را که برای [نجات] شما فرستاده‌اند دیوانه است! ﴿۲۷﴾ موسی گفت: اگر عقل‌تان را به کار برید، خواهید فهمید که او پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آن‌هاست می‌باشد ﴿۲۸﴾ فرعون گفت: اگر خدایی غیر از من اختیار کنی تو را زندانی خواهیم کرد! ﴿۲۹﴾ موسی گفت: حتی اگر معجزه‌ای روشن‌تر برایت بیاورم؟! ﴿۳۰﴾ فرعون گفت: اگر راست می‌گویی آن را بیاور [تا بینم] ﴿۳۱﴾ آن‌گاه موسی عصایش را [بر زمین] افکند. و بی‌درنگ مار بزرگی نمایان شد ﴿۳۲﴾ و دستش را [در گریبان خود فرو برد و هنگامی] که بیرون آورد در برابر بینندگان سفید و روشن بود ﴿۳۳﴾ فرعون به بزرگان پیرامونش گفت: این مرد یک جادوگر بسیار دانا است ﴿۳۴﴾ می‌خواهد شما را از سرزمین‌تان به واسطه جادویش بیرون کند! چه چاره‌ای تدبیر می‌کنید؟ ﴿۳۵﴾ گفتند: او و برادرش را نگهدار و پیک‌هایی به شهرهای مختلف بفرست ﴿۳۶﴾ تا هر جادوگر دانایی را [که می‌یابند] نزد تو آورند ﴿۳۷﴾ سرانجام، جادوگران در روز معین در وعده‌گاه جمع شدند ﴿۳۸﴾ و به مردم گفته شد: آیا همه‌تان جمع شده‌اید؟! ﴿۳۹﴾

^۱ جادو، واقعیت دارد اما حقیقت ندارد. حقیقت، خداست. جادو مربوط به بخش بی‌خردی انسان است و آن‌گاه تاثیرگذار می‌شود که آدمی به کسی یا چیزی دل‌بسته باشد. مجذوب شدن و تعلق یافتن به چیزی، زمینه را برای تاثیرگذاری جادو، مهیا می‌کند. بی‌خواهی و بی‌آرزویی باعث رفع آن است. از آنجا که جادو مربوط به طبقات زیرذهنی است، آدمی می‌تواند با بهره‌گیری از هنر مراقبه، ذهن آلوده را متوقف کرده و از ورطه جادو بگذرد. آنکه به خرد حقیقی نائل آمده است از جادو مصون است. زیرا او مافوق طبقات ذهنی است. چنین کسی در یگانه ماوا گزیده است.

تا اگر جادوگران پیروز شدند از آن‌ها تبعیت کنیم! ﴿۴۰﴾ و هنگامی که جادوگران آمدند، به فرعون گفتند: آیا اگر ما [بر موسی] پیروز شویم، پاداش قابل توجهی خواهیم داشت؟! ﴿۴۱﴾ فرعون گفت: آری، بی شک همه شما از مقربان [درگاه من] خواهید بود ﴿۴۲﴾ موسی به آن‌ها گفت: آن چه را که می‌خواهید بیان‌دازید، بیان‌دازید! ﴿۴۳﴾ آن‌گاه جادوگران طناب‌ها و عصاهای خود را [بر زمین] افکندند و گفتند: به عزت فرعون قسم که ما پیروزیم! ﴿۴۴﴾ سپس موسی عصای خود را بر زمین افکند و ناگاه تمام چشم‌بندی‌های دروغین آن‌ها را بلعید! ﴿۴۵﴾ در این هنگام جادوگران به سجده افتادند ﴿۴۶﴾ گفتند: اکنون به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم ﴿۴۷﴾ همان پروردگار موسی و هارون! ﴿۴۸﴾ فرعون گفت: قبل از آن که به شما اجازه بدهم ایمان آوردید؟! بی شک موسی استاد شماست، هم اوست که جادوگری را به شما آموخته! به زودی خواهید فهمید [که قدرت از آن کیست]. دست و پایتان را به خلاف یکدیگر قطع می‌کنم. و همگی شما را به دار می‌آویزم! ﴿۴۹﴾ گفتند: باکی نیست، [در عوض] به سوی پروردگاران باز می‌گردیم ﴿۵۰﴾ ما شدیداً امیدواریم که پروردگاران، گناهانمان را مورد آمرزش قرار دهد. بدانکه ما نخستین کسانی هستیم که ایمان آوردیم! ﴿۵۱﴾ و به موسی وحی کردیم شبانه، بندگانم را [از مصر] خارج کن. قطعاً آن‌ها شما را تعقیب می‌کنند ﴿۵۲﴾ و فرعون مأمورانی برای جمع کردن سپاه به شهرهای مختلف فرستاد ﴿۵۳﴾ و گفت: این‌ها گروهی اندک‌اند ﴿۵۴﴾ و باعث خشم‌مان شده‌اند ﴿۵۵﴾ در حالی که همه ما آماده مبارزه‌ایم ﴿۵۶﴾ سرانجام ما فرعونیان را از باغ‌ها و چشمه‌سارها خارج کردیم! ﴿۵۷﴾ و از گنج‌ها و قصرهای مجلل [دور ساختیم] ﴿۵۸﴾ این چنین کردیم و بنی‌اسرائیل را وارث آن‌ها ساختیم ﴿۵۹﴾ فرعونیان هنگام طلوع آفتاب آن‌ها را تعقیب کردند ﴿۶۰﴾

هنگامی که دو گروه همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: ما گرفتار شدیم! ﴿۶۱﴾
 موسی گفت: هرگز چنین نیست، پروردگارم با من است، و راهنمایی خواهد کرد!
 ﴿۶۲﴾ پس به موسی وحی کردیم که عصایت را به آب دریا بزن، تا دریا شکافته
 شود. [وقتی که موسی این کار را کرد و راه باز شد]، هر بخشی [از آب] چون کوهی
 بزرگ بود! ﴿۶۳﴾ آن گروه دیگر را نیز به آب نزدیک کردیم ﴿۶۴﴾ آن گاه موسی و
 تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم ﴿۶۵﴾ و دیگران را غرق کردیم ﴿۶۶﴾ در
 این ماجرا عبرتی است، زیرا اکثرشان به حقیقت ایمان نیاوردند ﴿۶۷﴾ بدان که
 پروردگار تو قدرتمند و با گذشت است! ﴿۶۸﴾ سرگذشت ابراهیم را برای شان بخوان
 ﴿۶۹﴾ هنگامی که به پدرش و قومش گفت: چه می پرستید؟! ﴿۷۰﴾ گفتند: بت‌هایی
 را می پرستیم که همواره مشغول عبادت‌شان هستیم ﴿۷۱﴾ آیا وقتی آن‌ها را به دعا
 می خوانید صدایتان را می شنوند؟! ﴿۷۲﴾ یا می توانند سود یا زبانی به شما برسانند؟!
 ﴿۷۳﴾ گفتند: نیاکانمان را یافتیم که این گونه عمل می کردند [اما نیز از آن‌ها تبعیت
 می کنیم] ﴿۷۴﴾ آیا می فهمید که چه می پرستید! ﴿۷۵﴾ شما و نیاکانتان؟! ﴿۷۶﴾
 ابراهیم گفت: همه آن‌ها دشمنان منند، مگر پروردگار جهانیان [که دوست من
 است] ﴿۷۷﴾ بدانید! همان خدایی که مرا خلق کرده هدایتم می کند ﴿۷۸﴾ همان که
 مرا طعام می دهد و سیرابم می کند ﴿۷۹﴾ و هنگامی که بیمار شوم، شفایم می دهد
 ﴿۸۰﴾ همان که مرا می میراند و دوباره زنده می کند ﴿۸۱﴾ همان کسی که به او
 امید دارم تا از گناهانم در روز قیامت در گذرد! ﴿۸۲﴾ پروردگار! به من حکمت عطا
 کن، و مرا به صالحین ملحق نما ﴿۸۳﴾

برای من در میان امت‌های آینده زبان صدق قرار ده ﴿۸۴﴾ و مرا از وارثان بهشت پر نعمت کن ﴿۸۵﴾ و پدرم را بیمارز، زیرا از گمراهان بود ﴿۸۶﴾ و در آن روز که همه برانگیخته می‌شوند، مرا رسوا مکن ﴿۸۷﴾ روزی که نه مال به درد می‌خورد و نه فرزند ﴿۸۸﴾ [تنها چیزی که به درد می‌خورد] این است که کسی با قلب سلیم (سراپا تسلیم حق) به سوی خداوند بزرگ بیاید ﴿۸۹﴾ و در آن روز بهشت، برای حرمت‌گزاران حریم الهی نزدیک می‌شود ﴿۹۰﴾ و جهنم برای گمراهان آشکار می‌گردد ﴿۹۱﴾ و به آن‌ها گفته می‌شود: پس خدایانی که به جای الله پرستش می‌کردید کجایند؟! ﴿۹۲﴾ آیا می‌توانند شما را یاری کنند؟! یا حتی خودشان یاری می‌شوند؟! ﴿۹۳﴾ سرانجام، هم معبودان دروغین و هم عابدان گمراهشان به جهنم سرازیر می‌شوند؟! ﴿۹۴﴾ و همه لشکریان ابلیس [نیز چنین سرنوشتی دارند] ﴿۹۵﴾ در حالی که با یکدیگر نزاع می‌کنند، و می‌گویند: ﴿۹۶﴾ به خداوند بزرگ سوگند، که ما در یک گمراهی واقعی بودیم ﴿۹۷﴾ آن‌گاه که شما را (معبودان دروغین را) با پروردگار جهانیان یکسان می‌پنداشتیم ﴿۹۸﴾ ما را فقط مجرمان گمراه کردند ﴿۹۹﴾ و اکنون هیچ شفیعی و پناهی نداریم ﴿۱۰۰﴾ و هیچ دوست صمیمی در کنارمان نیست ﴿۱۰۱﴾ اگر یک بار دیگر برگردیم، قطعاً از اهل ایمان خواهیم بود! ﴿۱۰۲﴾ بدانید! که در تمام این‌ها عبرتی است، زیرا اکثرشان ایمان نیاوردند ﴿۱۰۳﴾ به راستی پروردگارت قدرتمند و با گذشت است ﴿۱۰۴﴾ قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند ﴿۱۰۵﴾ هنگامی که برادرشان نوح به آن‌ها گفت: چرا حرمت خداوند را نگاه نمی‌دارید؟! ﴿۱۰۶﴾ من برای شما یک پیامبر امین هستم ﴿۱۰۷﴾ حرمت اوامر خداوند را نگاه دارید و از من اطاعت کنید! ﴿۱۰۸﴾ من از شما به خاطر انجام رسالتم هیچ مزدی نمی‌خواهم، زیرا مزد و پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است ﴿۱۰۹﴾ حرمت اوامر خداوند را نگاه دارید و از من اطاعت کنید ﴿۱۱۰﴾ گفتند: به تو ایمان بیاوریم در حالی که اراذل از تو پیروی می‌کنند؟! ﴿۱۱۱﴾

^۱ تا دیگران به راستی و درستی از من یاد کنند.

گفت: دانش و آگاهی من بر عملکرد آنها احاطه ندارد ﴿۱۱۲﴾ حساب کار آنها فقط بر عهدهٔ پروردگارم است. البته اگر بفهمید! ﴿۱۱۳﴾ و من هیچ‌گاه اهل ایمانی را [که شما آنها را اراذل می‌گویید] از خودم طرد نمی‌کنم! ﴿۱۱۴﴾ و من کسی نیستم جز یک هشداردهندهٔ واقعی ﴿۱۱۵﴾ گفتند: ای نوح! اگر [از این حرف‌ها] دست برداری بدون شک سنگسار می‌شوی ﴿۱۱۶﴾ نوح گفت: پروردگارا! قوم من، مرا تکذیب کردند ﴿۱۱۷﴾ پس بین من و آنها راه چاره‌ای بگشا، و من و اهل ایمانی را که با من هستند از دست آنها نجات‌بخش! ﴿۱۱۸﴾ سرانجام ما، نوح و هر کس را که با او در آن کشتی مملو [از موجودات] بود نجات دادیم ﴿۱۱۹﴾ و بقیه را غرق کردیم ﴿۱۲۰﴾ به راستی در این ماجرا عبرتی است، زیرا اکثرشان ایمان نیاوردند ﴿۱۲۱﴾ بدان که پروردگارت قدرتمند و با گذشت است ﴿۱۲۲﴾ قوم عاد پیامبران را تکذیب کردند ﴿۱۲۳﴾ هنگامی که برادرشان هود به آنها گفت: چرا حرمت خداوند را نگاه نمی‌دارید؟! ﴿۱۲۴﴾ من برای شما پیامبری امین هستم ﴿۱۲۵﴾ پس حرمت اوامر خداوند را نگاه دارید. و از من اطاعت کنید ﴿۱۲۶﴾ من از شما به خاطر انجام رسالتم مزدی نمی‌خواهم، زیرا مزد و پاداش من فقط بر عهدهٔ پروردگار جهانیان است! ﴿۱۲۷﴾ چرا بر روی هر بلندی، بیهوده برج‌هایی می‌سازید؟! ﴿۱۲۸﴾ برج‌هایی چنان محکم که می‌پندارید در آن جاودانه خواهید بود! ﴿۱۲۹﴾ و هنگامی که قصد مجازات کسی را دارید، ظالمانه مجازات می‌کنید! ﴿۱۳۰﴾ حرمت اوامر الهی را نگاه دارید و از من تبعیت کنید ﴿۱۳۱﴾ بترسید از خدایی که شما را به آنچه که خود می‌دانید، یاریتان رسانده است! ﴿۱۳۲﴾ یاریتان رسانده است به انواع چهارپایان و فرزندان ﴿۱۳۳﴾ باغ‌ها و چشمه‌سارها ﴿۱۳۴﴾ من برای شما از عذابِ روزِ بزرگ بیمناکم! ﴿۱۳۵﴾ [غافلانه] گفتند: چه ما را موعظه کنی و چه نکنی برای ما یکسان است! ﴿۱۳۶﴾

این حرف‌ها، همان شیوه قدیمی‌هاست! ﴿۱۳۷﴾ و ما هرگز عذاب نمی‌شویم! ﴿۱۳۸﴾ سرانجام هود را تکذیب کردند. و ما نیز همه‌شان را هلاک کردیم. بدانید! که در این ماجرا نشانه‌ای است، زیرا اکثرشان به حقایق ایمان نیاوردند ﴿۱۳۹﴾ بدان که پروردگارت، قدرتمند و با گذشت است! ﴿۱۴۰﴾ قوم ثمود پیامبران را تکذیب کردند ﴿۱۴۱﴾ هنگامی که برادرشان صالح به آن‌ها گفت: چرا حرمت خداوند را نگاه نمی‌دارید؟! ﴿۱۴۲﴾ من برای شما یک پیامبر امین هستم ﴿۱۴۳﴾ پس حرمت اوامر الهی را نگاه دارید. و از من اطاعت کنید ﴿۱۴۴﴾ من از شما به خاطر انجام رسالتم مزدی نمی‌خواهم، زیرا مزد و پاداش من فقط به عهده پروردگار جهانیان است! ﴿۱۴۵﴾ آیا می‌پندارید شما را با این نعمت‌های عطا شده در امنیت مطلق، رها می‌کنند؟! ﴿۱۴۶﴾ در این باغ‌ها و چشمه‌سارها! ﴿۱۴۷﴾ در این کشتزارها و نخل‌ها که میوه‌هایش شیرین و رسیده است ﴿۱۴۸﴾ و شما از کوه‌ها، خانه‌هایی می‌تراشید و در آن خوش‌گذرانی می‌کنید ﴿۱۴۹﴾ حرمت اوامر الهی را نگاه دارید. و از من اطاعت کنید! ﴿۱۵۰﴾ و از فرمان افراط‌گرایان اطاعت مکنید ﴿۱۵۱﴾ همان کسانی که در زمین فساد و تباهی می‌کنند و اهل اصلاح و خدمت نیستند ﴿۱۵۲﴾ گفتند: [ای صالح] تو فقط جادو شده‌ای! ﴿۱۵۳﴾ تو هم فقط بشری مثل ما هستی! اگر راست می‌گویی [که پیامبری]، معجزه‌ای برای ما بیاور! ﴿۱۵۴﴾ صالح گفت: این شتری است که سهم آبی دارد. هم‌چنان که شما در روزهای معین سهم آبی دارید ﴿۱۵۵﴾ به آن آسیبی نرسانید که عذاب روز بزرگ سراپایتان را فرا می‌گیرد ﴿۱۵۶﴾ سرانجام شتر را کشتند، سپس پشیمان شدند ﴿۱۵۷﴾ پس عذاب الهی آن‌ها را گرفتار کرد، بدانید! که در این ماجرا عبرتی است، زیرا اکثرشان به حقایق ایمان نیاوردند! ﴿۱۵۸﴾ بدان که پروردگارت قدرتمند و با گذشت است! ﴿۱۵۹﴾

قوم لوط، پیامبران را تکذیب کردند ﴿۱۶۰﴾ هنگامی که برادرشان لوط به آن‌ها گفت: چرا حرمت خداوند را نگاه نمی‌دارید؟! ﴿۱۶۱﴾ من برای شما پیامبری امین هستم ﴿۱۶۲﴾ پس حرمت اوامر الهی را نگاه دارید و از من تبعیت کنید ﴿۱۶۳﴾ و من به خاطر انجام رسالتم از شما مزدی نمی‌خواهم، زیرا مزد و پاداش من بر عهدهٔ پروردگار جهانیان است ﴿۱۶۴﴾ چرا از میان جهانیان، شما با نران می‌آمیزید؟! ﴿۱۶۵﴾ و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده، رها می‌کنید؟! نه! شما قومی منحرف هستید ﴿۱۶۶﴾ گفتند: [ای لوط] اگر این حرف‌ها را بس نکنی از شهر تبعید می‌شوی! ﴿۱۶۷﴾ لوط گفت: من دشمنِ عملکرد شما هستم! ﴿۱۶۸﴾ پروردگارا! من و خانواده‌ام را از آن‌چه این‌ها انجام می‌دهند نجات‌بخش! ﴿۱۶۹﴾ سرانجام او و خانواده‌اش را نجات دادیم ﴿۱۷۰﴾ مگر پیرزنی که در میان آن‌ها ماند ﴿۱۷۱﴾ بدینسان دیگران را هلاک کردیم ﴿۱۷۲﴾ و بارانی [از بلا] بر آن‌ها باریدیم. و چه باران بدی بود باران اندازشدگان! ﴿۱۷۳﴾ در این ماجرا عبرتی است، زیرا اکثرشان به حقایق ایمان نیاوردند! ﴿۱۷۴﴾ بدان که پروردگارت، قدرتمند و با گذشت است! ﴿۱۷۵﴾ اصحابِ ایکه پیامبران را تکذیب کردند ﴿۱۷۶﴾ هنگامی که شعیب به آن‌ها گفت: چرا حرمت خداوند را نگاه نمی‌دارید؟! ﴿۱۷۷﴾ من برای شما پیامبری امین هستم ﴿۱۷۸﴾ پس حرمت اوامر الهی را نگاه دارید، و از من اطاعت کنید ﴿۱۷۹﴾ و من برای انجام رسالتم از شما مزدی نمی‌خواهم، زیرا مزد و پاداش من فقط بر عهدهٔ پروردگار جهانیان است! ﴿۱۸۰﴾ حقّ پیمانانه را ادا کنید و دیگران را به خسارت نیندازید! ﴿۱۸۱﴾ با ترازوی درست و دقیق وزن کنید ﴿۱۸۲﴾ و حق مردم را کم ندهید و در زمین، فساد و تباهی به راه میاندازد! ﴿۱۸۳﴾

حرمت اوامر خدایی که شما و اقوام پیشین را آفریده، نگاه دارید! ﴿۱۸۴﴾ گفتند: [ای شعیب] تو را جادو کرده اند! ﴿۱۸۵﴾ تو هم یک بشر مثل ما هستی، هر چند تو را یک دروغگو می‌پندازیم! ﴿۱۸۶﴾ اگر راست می‌گویی [که پیامبری]، پاره‌ای از آسمان را بر سر ما بیانداز! ﴿۱۸۷﴾ شعیب گفت: پروردگرم به عملکرد شما آگاه‌تر است! ﴿۱۸۸﴾ سرانجام او را تکذیب کردند و عذاب آن روز ابری آن‌ها را فرا گرفت. حقیقتاً آن، عذاب روز بزرگ بود! ﴿۱۸۹﴾ در این ماجرا عبرتی است، زیرا اکثر آن‌ها به حقایق ایمان نیاوردند ﴿۱۹۰﴾ بدان که پروردگارت قدرتمند و با گذشت است ﴿۱۹۱﴾ و این قرآن از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است ﴿۱۹۲﴾ روح الامین^۱ آن را نازل کرده است ﴿۱۹۳﴾ آن هم بر قلب تو، تا [مردم را نسبت به دستاوردها] هشدار دهی ﴿۱۹۴﴾ آن را به زبان واضح و روشن نازل کرد ﴿۱۹۵﴾ نشانه‌های آن در کتب آسمانی گذشتگان موجود است ﴿۱۹۶﴾ آیا همین نشانه کافی نیست که علمای بنی اسرائیل از آن با خبرند؟! ﴿۱۹۷﴾ اگر آن را بر یکی از مبهم‌گویان نازل می‌کردیم ﴿۱۹۸﴾ و او، آن را برای‌شان می‌خواند، قطعاً ایمان نمی‌آوردند ﴿۱۹۹﴾ ما این چنین قرآن را در قلب‌های مجرمان نفوذ می‌دهیم ﴿۲۰۰﴾ آن‌ها به آن ایمان نمی‌آورند مگر زمانی که عذاب دردناک را با چشم خود ببینند! ﴿۲۰۱﴾ آن عذاب، ناگهان به سراغ‌شان می‌آید در حالی که کاملاً غافل و بی‌خبرند! ﴿۲۰۲﴾ و می‌گویند: آیا به ما مهلتی خواهند داد؟! ﴿۲۰۳﴾ آیا باز نسبت به عذاب ما عجله می‌کنند؟! ﴿۲۰۴﴾ دیدی که سال‌ها در زندگی دنیا از نعمت‌ها برخوردارشان کردیم ﴿۲۰۵﴾ و آن‌چه [از عذاب الهی] به آن‌ها وعده داده شده بود گرفتارشان کرد؟! ﴿۲۰۶﴾

^۱ جبرائیل

^۲ این آیه جواب کسانی است که پیامبران را مسخره می‌کردند و می‌گفتند: اگر راست می‌گویی از خدا بخواه تا عذاب ما زودتر بیاید!

و آن نعمت‌ها که در دنیا داشتند، این جا به کارشان نیامد ﴿۲۰۷﴾ ما اهل هیچ دیاری را هلاک نکردیم، مگر آن که قبل از آن هشداردهنده‌ای [برای‌شان] فرستادیم ﴿۲۰۸﴾ تا حقایق را یادآور شوند و ما هیچ‌گاه ظالم نیستیم! ﴿۲۰۹﴾ این قرآن را شیاطین نازل نکرده‌اند ﴿۲۱۰﴾ آن‌ها شایسته این کار نیستند و قدرت‌ش را هم ندارند ﴿۲۱۱﴾ شیاطین از شنیدن وحی [و اسرار آسمانی] محروم شده‌اند ﴿۲۱۲﴾ پس هیچ‌گاه خدای دیگری را با الله مخوان، که مستحق عذاب می‌گردد! ﴿۲۱۳﴾ خویشاوندان نزدیک را هشدار ده ﴿۲۱۴﴾ و برای اهل ایمانی که از تو تبعیت می‌کنند نهایت احترام را قائل شو! ﴿۲۱۵﴾ و اگر از فرمان تو سرپیچی کردند بگو: من از عملکرد شما بیزارم! ﴿۲۱۶﴾ و بر خداوند قدرتمند و با گذشت، توکل کن ﴿۲۱۷﴾ همان خدایی که هرگاه به عبادت می‌ایستی، تو را می‌بیند ﴿۲۱۸﴾ و حرکت تو را میان سجده‌کنندگان [نظاره می‌کند]! ﴿۲۱۹﴾ به راستی او شنوا و داناست ﴿۲۲۰﴾ آیا شما را آگاه کنم که شیاطین بر چه کسانی نازل می‌شوند؟! ﴿۲۲۱﴾ شیاطین بر گناه‌کارانی که بسیار دروغ می‌گویند، نازل می‌شوند ﴿۲۲۲﴾ شیاطین آن چه را که شنیده‌اند به پیروان خود القاء می‌کنند و اکثرشان دروغ‌گویند ﴿۲۲۳﴾ [این آیات شعر نیستند و پیامبر نیز شاعر نیست] زیرا شعرا را گمراهان تبعیت می‌کنند ﴿۲۲۴﴾ آیا نمی‌بینی که شعرا در هر وادی حیران و سرگردانند؟! ﴿۲۲۵﴾ و چیزهایی می‌گویند که به آن عمل نمی‌کنند! ﴿۲۲۶﴾ مگر کسانی که به حقایق ایمان بیاورند و عملکردی نیک و شایسته داشته باشند؛ هم آن‌هایی که بسیار یاد خدا می‌کنند، و چون مورد ظلم واقع شوند، به مقابله برمی‌خیزند. و کسانی که ظلم کردند، به زودی خواهند فهمید که بازگشتشان به کدامین مکان است! ﴿۲۲۷﴾

سوره نمل

^۱ در عصر عرب جاهلی، شاعر به کسی گفته می‌شد که تحت تصرف جتنی قرار گرفته و آن جن، است که اشعار را به او القاء می‌کند. مثلاً گفته شده که الاعشى الاکبر، از شاعران جاهلی، جتنی به نام «مسحل» داشته و خود مکرراً در اشعارش اعتراف می‌کند که آنچه می‌سراید، گفته‌های اوست. این چنین اعتقاد داشته‌اند که وقتی جتنی کسی را مستعد می‌دید، او را بر زمین می‌زد و با دو زانو روی سینه‌اش می‌نشست و او را ناگزیر می‌کرد که بلندگوی او در جهان بیرون باشد!

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

طس، این‌ها آیات قرآن و کتاب بیان‌کننده حقایق است! ﴿۱﴾ و برای اهل ایمان سراسر، هدایت و بشارت است ﴿۲﴾ همان کسانی که نماز به پا می‌دارند، و زکات پرداخت می‌نمایند، و به وجود آخرت یقین دارند ﴿۳﴾ کسانی که آخرت را باور ندارند، اعمالشان را در نظرشان زیبا جلوه‌گر می‌کنیم، به طوری که [همواره در زندگی] حیران و سرگردان بمانند! ﴿۴﴾ آن‌ها کسانی هستند که عذاب سختی برای آن‌هاست، و در آخرت نیز زیان‌کارترین مردم خواهند بود ﴿۵﴾ به راستی قرآن از جانب خدای حکیم و دانا به تو القاء می‌شود ﴿۶﴾ [یاد آر!] هنگامی که موسی به خانواده خود گفت: من آتشی را از دور می‌بینم [شما بمانید] تا خبری از آن برایتان بیاورم و یا شعله آتشی از آن را برای گرم شدن تان حاضر نمایم! ﴿۷﴾ هنگامی که موسی به آتش رسید، ندایی شنید که گفت: با برکت است آن که درون آتش است، و آن که در کنار آن است! منزّه است خدایی که پروردگار جهانیان است ﴿۸﴾ ای موسی! به راستی منم خدایی که قدرتمند و حکیم است ﴿۹﴾ و عصایت را بیانداز! [چون این کار را کرد] دید، عصایش چون ماری به سرعت می‌جنبد! موسی به عقب بازگشت و [از ترس] حتی پشت سرش را نگاه نکرد! ای موسی نترس! پیامبران هنگامی که نزد من هستند نمی‌ترسند! ﴿۱۰﴾ مگر کسی که ظلم کرده باشد. اما چون بدی را به نیکی تبدیل کند [خواهد فهمید که] من آمرزنده و با گذشتم ﴿۱۱﴾ دستت را در گریبان‌ات داخل کن تا بی‌هیچ عیبی، سفید و درخشنده خارج گردد. این یکی دیگر از معجزات نه‌گانه‌ای است که با آن‌ها به سوی فرعون و قومش می‌روی. آن‌ها قومی زشت‌کردار و بدسیرت‌اند! ﴿۱۲﴾ هنگامی که معجزات روشن‌گر ما به آن‌ها رسید گفتند: این یک جادوی واقعی است! ﴿۱۳﴾

^۱ شاید منظور، جلوه‌ای از نور خدا و موسی که کنارش ایستاده، باشد.

با آن که در دل، به حقانیت آیات و معجزات یقین داشتند، از روی ظلم و برتری‌جویی انکارشان کردند! پس بنگر عاقبتِ مفسدان چگونه بود! ﴿۱۴﴾ ما به داود و سلیمان دانش عطا کردیم و هر دو گفتند: سپاس خدای را که ما را بر بسیاری از بندهای مؤمن‌اش برتری داده است! ﴿۱۵﴾ سلیمان، وارث داود شد. و رو به مردم کرد و گفت: ای مردم! طرز سخن گفتن پرندگان را به ما آموخته‌اند، و از هر چیزی به ما عطا شده است. و این یک فضیلت آشکار است ﴿۱۶﴾ و همه لشکریان سلیمان از جن و انس گرفته تا پرندگان گرد آمدند در حالی که به صفوفی به نظم بودند ﴿۱۷﴾ تا این که به وادی مورچگان رسیدند. مورچه‌ای گفت: ای مورچگان! به خانه‌هایتان بروید مبادا سلیمان و لشکریانش در بی‌خبری شما را زیر پا له کنند! ﴿۱۸﴾ [سلیمان] از لحن مورچه، لبخندی زد و گفت: پروردگارا! به من توفیق ده تا نعمت‌هایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، شاکر باشم و عملکرد نیک و شایسته‌ای داشته باشم که تو را خشنود کند. و مرا به برکت رحمت خود در زمرهٔ بندگان صالحت قرار ده ﴿۱۹﴾ آن‌گاه میان پرندگان گشت و گفت: چرا هدهد را نمی‌بینم، شاید او غایب است؟! ﴿۲۰﴾ [به خاطر غیبتش] او را مجازات سختی خواهم کرد و یا ذبحش می‌کنم. مگر آن که دلیل روشنی داشته باشد! ﴿۲۱﴾ چندی نگذشت که هدهد آمد و گفت: به چیزی آگاهی یافتم که تو از آن خبر نداری! از سرزمین سبا برایت یک خبر موثق آورده‌ام ﴿۲۲﴾

^۱ نکتهٔ ارزشمند این که حتی پیامبر خدا در غیاب متهم حکم قطعی نمی‌دهد و به او فرصت دفاع می‌بخشد!

من زنی را یافتم که بر اهل آن جا فرمان‌روایی می‌کند. و از هر نعمتی برخوردار است. و یک تخت سلطنتی بزرگ دارد ﴿۲۳﴾ دیدم که او و مردمش به جای خدا، خورشید را سجده می‌کنند. شیطان نیز اعمالشان را در نظرشان زیبا جلوه‌گر می‌کند. و از این طریق، راه نجات‌بخش الهی را بر آن‌ها می‌بندد، و نمی‌گذارد آن‌ها هدایت یابند ﴿۲۴﴾ چرا الله را سجده نمی‌کنند؟! همان خدایی که نهان آسمان‌ها و زمین را آشکار می‌کند! و از آن‌چه پنهان می‌کنید و یا عیان می‌سازید آگاه است! ﴿۲۵﴾ این الله است که هیچ معبودی جز او نیست، هم او که پروردگارِ عرش بزرگ است ﴿۲۶﴾ سلیمان گفت: با دقت بررسی می‌کنیم تا ببینیم راست گفتی یا از جماعت دروغ‌گویانی! ﴿۲۷﴾ این نامه مرا [بگیر و] ببر و به سوی آن‌ها بیا. آن‌ها از آن‌ها روی برگردان و [منتظر بمان]، ببین چه جوابی می‌دهند! ﴿۲۸﴾ زن گفت: ای بزرگان! نامه مهمی به سوی من ارسال شده است! ﴿۲۹﴾ نامه از سلیمان است. با نام خداوند رحمن و رحیم [آغاز شده است]! ﴿۳۰﴾ و بر من برتری نجوید، و در حالی که سراپا تسلیم حق هستید به نزد من آیید! ﴿۳۱﴾ زن گفت: ای بزرگان! نظرتان را در مورد امری که برایم پیش آمده بگویید. می‌دانید که هیچ‌گاه بدون حضور شما کار مهمی را خودسرانه انجام نداده‌ام! ﴿۳۲﴾ گفتند: ما قدرتمند و جنگاورانی بزرگ هستیم اما فرمان به دست تو است، پس دقت کن که چه دستور می‌دهی! ﴿۳۳﴾ زن گفت: پادشاهان هرگاه وارد شهری شوند آن را به فساد و تباهی می‌کشند. و بزرگان آن جا را خوار و ذلیل می‌کنند، همواره عملکردشان این‌گونه است! ﴿۳۴﴾ من هدیه گران‌بهایی نزد آن‌ها می‌فرستم [و منتظر می‌مانم] تا ببینم بیک‌ها چه جوابی می‌آورند ﴿۳۵﴾

هنگامی که پیک نزد سلیمان رسید، سلیمان گفت: آیا می‌خواهید مرا با مال دنیا یاری کنید؟! بدانید آنچه خداوند به من عطا کرده از آنچه به شما عطا کرده بهتر و بیشتر است. و این شما می‌بینید، که به هدایای تان دل خوش می‌شوید! ﴿۳۶﴾ اکنون به سوی آن‌ها بازگرد [و اعلام کن] که ما با لشکریانی به سوی آن‌ها خواهیم آمد که تابِ مقابله با آن را نداشته باشند، و بی‌شک آن‌ها را از آن سرزمین، خوار و ذلیل بیرون خواهیم کرد! ﴿۳۷﴾ سلیمان گفت: ای بزرگان، کدام یک از شما می‌تواند قبل از آن که آن‌ها تسلیم من شوند، تخت سلطنت آن زن را برایم بیاورد؟! ﴿۳۸﴾ عفرتی از جنیان گفت: من آن تخت را برایت می‌آورم قبل از آن که از جای بلند شوی، زیرا من نسبت به این کار قدرتمند و قابل اعتمادم! ﴿۳۹﴾ کسی که از کتاب الهی، علم و بهره‌ای داشت گفت: من آن را برایت می‌آورم، پیش از آن که پلک بر هم زنی! و هنگامی که سلیمان آن را نزد خود دید گفت: این نمونه‌ای از فضل پروردگار من است تا مرا بدان بیازماید. که آیا شکرگزار خواهم بود یا ناسپاس! هر کس شکرگزاری کند به نفع خود کرده است. و هر کس هم ناسپاسی کند [بداند که] خداوند بی‌نیاز و کریم است! ﴿۴۰﴾ [سلیمان] گفت: کاری کنید که تخت سلطنت او ناشناخته شود (آن را از صورت اولش خارج کنید) تا ببینم آن زن، تخت را باز خواهد شناخت یا از آن‌هاست که [به حقیقت] هدایت نمی‌شود! ﴿۴۱﴾ هنگامی که زن آمد به او گفته شد: آیا این چنین است تخت سلطنت تو؟! زن گفت: گویا همان تخت است! ما پیش از این [از حقایق] آگاه شده بودیم. و تسلیم حق شده‌ایم! ﴿۴۲﴾ بدینسان او را از پرستش هر آنچه به غیر از خدا می‌پرستید بازداشت، زیرا آن زن از قوم کافران بود ﴿۴۳﴾ به زن گفته شد: به بارگاه قصر وارد شو. هنگامی که وارد شد پنداشت که کف آن استخری از آب است. دامنش را از ساق‌هایش بالا زد. سلیمان گفت: [این آب نیست] بلکه قصری از جنس بلور و صاف است! زن گفت: پروردگارا! من به خود ستم کردم! و اکنون همراه با سلیمان سراپا تسلیم خدایی می‌شوم که پروردگار جهانیان است ﴿۴۴﴾

ما به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را فرستادیم که : خدا را بپرستید. اما آن‌ها دو گروه شدند و به جدال با یکدیگر پرداختند! ﴿۴۵﴾ صالح گفت: ای قوم من! چرا پیش از آن که به نیکی روی آورید، به بدی کردن عجله می‌کنید؟! چرا از خداوند بزرگ آمرزش نمی‌خواهید تا رحمت او شامل حالتان شود؟! ﴿۴۶﴾ گفتند: ما تو و همراهان تو را بدشگون و بدیمن می‌دانیم! صالح گفت: همهٔ مقدراتتان به دست خداست! [این توجیه است که می‌کنید] شما قومی فریب خورده‌اید! ﴿۴۷﴾ و در شهرشان نه گروهک بود که در آن سرزمین دست به فساد و تباهی می‌زدند، و اهل اصلاح و خدمت نبودند ﴿۴۸﴾ گفتند: همگی به خدا قسم خورید [و هم پیمان شویم] که به او و اهلش شبیخون بزنیم. آن‌گاه به خون خواهانش بگوئیم: ما از این قتل عام خبر نداریم و از راستگویانیم! ﴿۴۹﴾ آن‌ها نقشه‌ای فریب‌کارانه کشیدند، ما نیز چاره‌ای تدبیر کردیم در حالی که شعور درکش را نداشتند! ﴿۵۰﴾ بنگر که نتیجهٔ نقشه‌شان چه شد! ما همگی آن‌ها و قوم‌شان را زیر و رو کردیم! ﴿۵۱﴾ آن خانه‌های آن هاست که اکنون به خاطر ظلمی که کردند خالی و بی‌سکنه گشته است. به راستی در آن برای مردم دانا عبرتی است! ﴿۵۲﴾ و کسانی که به حقایق ایمان آورده بودند و حرمت اوامر الهی را نگاه می‌داشتند همه را نجات دادیم ﴿۵۳﴾ و لوط را به یاد آور! آن هنگام که به قوم خود گفت: چرا آگاهانه اعمال زشت مرتکب می‌شوید؟! ﴿۵۴﴾ چرا از روی شهوت به جای زنان، به سراغ مردان می‌روید؟! حقیقتاً شما قوم نادانی هستید! ﴿۵۵﴾

و جواب قوم لوط چیزی نبود جز آن که گفتند: خانواده لوط را از شهرتان بیرون کنید، زیرا آن‌ها خواهان طهارت و پاکی هستند! ﴿۵۶﴾ سرانجام لوط و اهلیش را نجات دادیم به جز همسرش، که تقدیر کرده بودیم. از بازماندگان در شهر باشد ﴿۵۷﴾ و بر آن‌ها بارانی باریدیم! و باران کسانی که قبلا به آن‌ها هشدار داده شده بود، چه باران بدی بود! ﴿۵۸﴾ بگو: ستایش مخصوص خداوند است. و سلام بر بندگان برگزیده‌اش! آیا الله بهتر است یا آن چه شریک او می‌دانند؟! ﴿۵۹﴾ (شریکی که قائل‌اند بهتر است) یا کسی که آسمان‌ها و زمین را خلق کرده و از آسمان برای شما آبی فرستاده تا به واسطه آن باغ‌های زیبا و دیدنی برویانیم؟! شما را توانایی رویاندن درختی از آن نیست [با این وجود] آیا خدای دیگری با الله است؟! نه! آن‌ها قومی منحرف هستند! ﴿۶۰﴾ [شریکی که قائل‌اند بهتر است] یا کسی که زمین را جایگاه با ثباتی ساخته است؟! آن که در آن رودها و کوه‌های مختلفی ایجاد کرده و میان آبِ دو دریا مانعی قرار داده [تا آب شور با شیرین مخلوط نشود، با این وجود] آیا خدای دیگری با الله است؟! نه! اکثرشان ناآگاه‌اند! ﴿۶۱﴾ [شریکی که قائل‌اند بهتر است] یا آن کسی که چون انسان گرفتاری، او را بخواند اجابتش می‌کند، و بلا را از او دور می‌گرداند؟! آن که شما را جان‌نشینان زمین قرار داده است؟! [با این وجود] باز خدای دیگری با الله است؟! چه اندک و کم ارزش پند می‌گیرید! ﴿۶۲﴾ [شریکی که قائل‌اند بهتر است] یا کسی که در تاریکی‌های خشکی و دریا راهنمایی‌تان می‌کند و پیش از نزول رحمتش بادها را به مژده می‌فرستد؟! [با وجود این] آیا خدای دیگری با الله است؟! بلندمرتبه است الله، از هر شریکی که برایش قائل می‌شوند! ﴿۶۳﴾

[شریکی که قائل اند بهتر است] یا آن که آفرینش را آغاز کرده، سپس همه را باز می‌گرداند؟! هم‌او که شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟! [با وجود این] آیا خدای دیگری با الله است؟! بگو: اگر راست می‌گویید، دلائل‌تان را بیاورید! ﴿۶۴﴾
 بگو: هیچ کس از نادیده‌ها و اسرار آسمان‌ها و زمین آگاه نیست. مگر خداوند بزرگ! آن‌ها حتی نمی‌دانند چه زمانی دوباره زنده مبعوث خواهند شد! ﴿۶۵﴾ مگر دربارهٔ آخرت به آگاهی کامل رسیده‌اند؟! نه! آن‌ها در مورد آن در شک و تردیدند. بلکه نسبت به حقایق آن نابینا هستند! ﴿۶۶﴾ آنان که به حقایق کافرند گفتند: چگونه وقتی ما و پدرانمان تبدیل به مستی خاک شدیم دوباره [زنده از قبرها] خارج می‌گردیم؟! ﴿۶۷﴾ از این وعده‌ها قبلاً هم به ما و پدرانمان داده بودند، این حرف‌ها چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست! ﴿۶۸﴾ بگو: در زمین سیر کنید، و ببینید عاقبت مجرمان چگونه بوده است! ﴿۶۹﴾ از [اندیشه و عملکرد] آن‌ها اندوهگین مباش. و از نقشه‌هایی که می‌کشند خود را در تنگنا مبین ﴿۷۰﴾ می‌گویند: اگر راست می‌گویید، این وعدهٔ عذاب چه زمان تحقق خواهد یافت؟! ﴿۷۱﴾ بگو: شاید پاره‌ای از آن عذابی که عجلوانه آن را طلب می‌کنید، نزدیک شما باشد! ﴿۷۲﴾ بدان که پروردگارت فضل و کرم خود را بر همهٔ مردم می‌گستراند، اما اکثرشان سپاسگزار نیستند! ﴿۷۳﴾ به راستی پروردگار تو آن‌چه را مردم در دل مخفی کرده‌اند، و آن‌چه را آشکارا انجام می‌دهند، می‌داند! ﴿۷۴﴾ هیچ نادیده‌ای در آسمان و زمین وجود ندارد. مگر آن که [تقدیراتش] در کتابی روشن نگاشته شده است! ﴿۷۵﴾ این قرآن بسیاری از مواردی را که بنی‌اسرائیل مورد اختلاف قرار داده‌اند، بیان می‌کند ﴿۷۶﴾

قرآن برای اهل ایمان، سراسر هدایت و رحمت است ﴿۷۷﴾ پروردگار تو میان آنها به حکم خویش قضاوت خواهد کرد، زیرا او قدرتمند و آگاه است ﴿۷۸﴾ پس بر خداوند بزرگ توکل نما، زیرا تو بر طریقه حقی روشن قرار داری! ﴿۷۹﴾ بدان که تو نمی‌توانی مردگان را شنوا کنی! همان طور که نمی‌توانی صدایت را به گوش کرانی برسانی که از تو روی برگردانده‌اند! ﴿۸۰﴾ و نمی‌توانی کسانی را که نسبت به حقایق کوراند، از گمراهی‌شان به راه هدایت برگردانی! فقط می‌توانی کسانی را نسبت به حقایق شنوا کنی که به آیات ما ایمان دارند، و سراپا تسلیم خداوند بزرگ‌اند ﴿۸۱﴾ و هنگامی که قیامت فرا رسد، جنبنده‌ای را برای آنان از زمین خارج می‌کنیم تا با مردم سخن بگویند که: این مردم به آیات ما یقین نمی‌آوردند! ﴿۸۲﴾ روزی که از هر امتی گروهی که آیات ما را تکذیب کردند محشور کنیم، در صف‌هایی مشخص‌اند! ﴿۸۳﴾ تا زمانی که به محشر برسند. [خدا] گوید: چرا ناآگاهانه و بدون آن که از حقایق آیات من با خبر باشید، آن را تکذیب کردید؟! این چه کاری بود که مرتکب شدید؟! ﴿۸۴﴾ به خاطر دستاورد ظلم آلودی که داشتند مجازات الهی بر آنها واقع می‌شود. در حالی که حرفی برای گفتن ندارند ﴿۸۵﴾ آیا ندیدند که شب را برای آرامش‌شان قرار دادیم و روز را روشنی بخشیدیم؟! در همه این‌ها برای اهل ایمان عبرت‌هایی است! ﴿۸۶﴾ روزی که در صور دمیده شود هر کس که در آسمان و زمین است وحشت‌زده می‌شود مگر آن که خدا بخواهد! همه‌شان با ذلت و خواری به سوی او روانند ﴿۸۷﴾ و کوه‌ها را می‌بینی و می‌پنداری جامد و ثابت‌اند. حال آن که به سرعت ابر و باد در حرکت‌اند. آفرینش خدا این‌گونه است که همه چیز را متفن و حساب شده آفریده است! بدانید که او از عملکردتان آگاه است! ﴿۸۸﴾

هر کس عملکرد نیکی داشته باشد، بهتر از آن را پاداش می‌گیرد و آن‌ها در آن روز از هر ترس و وحشتی در امانند ﴿۸۹﴾ و هر کس عملکرد بدی داشته باشد، با چهرهٔ [واقعی‌اش] به آتش افکنده می‌شود! مگر شما به غیر از دستاوردتان عذاب می‌بینید؟! ﴿۹۰﴾ من مأمور شده‌ام که پروردگار این شهر را عبادت نمایم، شهری که حرمتش را واجب گردانیده است. بدانید همه چیز از آن خداست. و مأمور شده‌ام که از تسلیم‌شدگان باشم! ﴿۹۱﴾ و قرآن را تلاوت کنم. پس هر کس [به راه خدا] هدایت شد، این هدایت به نفع اوست و هر کس گمراهی پیشه کرد، بگو: من فقط یک هشداردهنده‌ام! ﴿۹۲﴾ بگو: ستایش مخصوص خداست. و به زودی آیاتش را به شما نشان خواهد داد، تا آن‌ها را بشناسید! و بدان که پروردگارت از عملکردتان غافل نیست! ﴿۹۳﴾

سورهٔ قصص

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

طسم ﴿۱﴾ این‌ها آیات کتاب بیان‌کننده حقایق است ﴿۲﴾ به خاطر اهل ایمان، سرگذشت موسی و فرعون را به حق بر تو می‌خوانیم ﴿۳﴾ فرعون در زمین برتری جوئی کرد و مردم را فرقه فرقه نمود، به طوری که گروهی را مستضعف نگاه داشت، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را زنده نگاه می‌داشت! بی‌شک او از تبه‌کاران بود! ﴿۴﴾ اما اراده کرده‌ایم که بر مستضعفان نعمت دهیم. و آن‌ها را پیشوا و وارثان روی زمین قرار دهیم! ﴿۵﴾

و به مستضعفان در روی زمین قدرت دهیم و به فرعون و هامان^۱ و لشکرهایشان، عذابی را که از آن می‌ترسیدند نشان دهیم! ﴿۶﴾ و به مادر موسی وحی کردیم که موسی را شیر ده و اگر بر جانش بیمناکی، او را در دریا بیفکن. و نترس. و غمگین مباش! ما او را به تو باز می‌گردانیم. و از پیامبرانش قرار می‌دهیم ﴿۷﴾ آن‌گاه خانواده فرعون، او را یافتند تا دشمن و غم جانکاه‌شان باشد! زیرا فرعون و هامان و لشکرهایشان از خطاکاران بودند! ﴿۸﴾ همسر فرعون گفت: او را مکشید زیرا مایه روشنی چشم من و توست، شاید برای من سودمند باشد، یا او را به عنوان فرزندمان برگزینیم! بدانید! که آن‌ها [حقایق پشت پرده را] درک نمی‌کردند ﴿۹﴾ و قلب مادر موسی تهی شد! و اگر قلب او را به ایمان قوی نمی‌کردیم تا از مومنان باشد، نزدیک بود آن راز را فاش کند! ﴿۱۰﴾ و به خواهر موسی گفت: برو و طفل را زیر نظر داشته باش! هنگامی که خواهر از دور به او می‌نگریست فرعونیان نمی‌فهمیدند ﴿۱۱﴾ ما پیش از این، شیر هر زن شیردهی را بر موسی تحریم کرده بودیم [تا فقط از شیر مادر خودش بخورد]. آن‌گاه خواهرش به فرعونیان گفت: آیا می‌خواهید شما را به خانواده‌ای معرفی کنم که طفل را برایتان نگهداری کنند و خیرخواه او باشند؟! ﴿۱۲﴾ بدینسان موسی را به مادرش برگرداندیم تا روشنی چشمش باشد و غمگین نشود و این که بفهمد وعده خدا حق است، هر چند که اکثر آنان نمی‌دانند! ﴿۱۳﴾

^۱ هامان وزیر با نفوذ و قدرتمند فرعون بود. نماد فریب‌کاری.

و چون موسی انسانی بالغ و کامل شد، به او حکمت و دانش عطا کردیم. ما این چنین پاداش نیکوکاران را می‌دهیم! ﴿۱۴﴾ و موسی هنگامی که اهل شهر در غفلت و بی‌خبری بودند به آن وارد شد، ناگهان دو مرد را دید که به جدال پرداخته‌اند. یکی از پیروانش و دیگری از دشمنانش. در این هنگام آن که پیرو موسی بود از او کمک خواست، موسی [داخلت کرد و] با مشتی طرف دیگر را نقش بر زمین کرد. [موسی] گفت: این کار از عمل شیطان بود، به راستی او برای انسان یک دشمن گمراه‌کننده واقعی است! ﴿۱۵﴾ [موسی] گفت: پروردگارا! من به خود ظلم کردم پس مرا بیامرز! خدا او را بخشید، زیرا آمرزنده و با گذشت است ﴿۱۶﴾ گفت: پروردگارا! به برکت نعمتی که به من عطا کردی هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم شد! ﴿۱۷﴾ روز دیگر که موسی وحشت‌زده و محتاط در شهر می‌گشت، دید همان کسی که دیروز او را به کمک طلبیده بود دوباره از موسی کمک می‌خواهد. موسی به او گفت: به راستی تو یک گمراه واقعی هستی! ﴿۱۸﴾ پس هنگامی که خواست آن مردی را که دشمن هر دو آنها بود به سختی تنبیه کند، آن مرد گفت: ای موسی! آیا می‌خواهی همان طور که دیروز یک نفر را کشتی مرا هم بکشی؟! تو می‌خواهی در این سرزمین ستمکار باشی و از مصلحان نباشی؟! ﴿۱۹﴾ در این هنگام مردی از نقطه دور دست شهر شتابان آمد و گفت: ای موسی! بزرگان شهر برای کشتن تو به مشورت نشستند. [از شهر] خارج شو که من خیرخواه توأم! ﴿۲۰﴾ وحشت‌زده و نگران از شهر خارج شد و گفت: پروردگارا! مرا از دست ستمکاران نجات ده! ﴿۲۱﴾

هنگامی که روی سوی شهر مدین کرد گفت: امیدوارم پروردگارم مرا به راه درست و نجات بخش راهنمایی کند! ﴿۲۲﴾ وقتی به چاه آب شهر مدین رسید گروهی از مردم را دید که چهارپایان خود را آب می دهند و در کنارشان دو زن را دید که مشغول گوسفندان خویشند. به آن ها گفت: کار شما چیست؟ آن دو زن گفتند: ما گوسفندان را آب نمی دهیم [و منتظریم] که چوپان ها همگی گوسفندان خود را بازگردانند! بدان که پدر ما شیخ کبیر است! ﴿۲۳﴾ موسی گوسفندان آن ها را آب داد سپس به زیر سایه ای رفت و گفت: پروردگارا! هر خیری که نصیبم کنی به آن محتاجم! ﴿۲۴﴾ ناگهان یکی از آن دو زن در حالی که در نهایت شرم و حیا راه می رفت به سوی موسی آمد و گفت: پدرم تو را می خواند تا مزد آب دادن [به گوسفندان] را به تو پرداخت نماید. هنگامی که موسی به سراغ پدر آمد، قصه خود را برای او باز گفت. پدر گفت: نترس. که تو از دست ستمکاران نجات یافته ای! ﴿۲۵﴾ یکی از آن دو زن گفت: ای پدر او را استخدام کن. که اگر چنین کنی بهترین مرد قوی و امین را استخدام کرده ای! ﴿۲۶﴾ پدر گفت: می خواهم یکی از این دو دختر خود را به ازدواج تو در بیاورم. به شرط آن که به مدت هشت سال در استخدام من باشی. و اگر به ده سال رساندی، خدمتی از جانب تو خواهد بود. آمن نمی خواهم کار طاقت فرسایی بر عهده ات بگذارم و ان شاء الله مرا از صالحان خواهی یافت! ﴿۲۷﴾ موسی گفت: [باشد]، این قراردادی است بین من و تو، پس هر یک از این دو مدت را سپری کنم [وظیفه ام را انجام داده ام] و ستمی بر من نخواهد بود، و خدا بر آن چه می گوئیم وکیل است ﴿۲۸﴾

^۱ شیخ کبیر در لغت ظاهر، پیرمرد مسن را گویند اما در حوزه معنا، به صاحب روح بزرگی که توانایی تربیت و راهبرد سالکان را دارد اطلاق می شود. به او قطب نیز می گویند.

^۲ ثمانی حجج، را در لغت هشت سال دانسته اند اما نزد اهل معنا، هشت مرحله عروجی است که البته بالاتر از آن نیز مراحل وجود دارد. در سلوک باید از افلاک سبعة گذر کرد و بر فراز آن یعنی فلک هشتم رسید. این گونه یک دوره کامل می شود برای اطلاعات بیشتر به کتاب «کلمات بارانی» و نیز «هفت عمق آگاهی» از مترجم، رجوع شود.

پس هنگامی که موسی آن مدّت را به اتمام رساند. با خانواده‌اش رهسپار شد. از سوی کوه طور آتشی را دید. به خانواده‌اش گفت: لحظه‌ای درنگ کنید، من آتشی دیدم، [می‌روم تا] شاید خبری از آن برایتان بیاورم و یا شعله‌ای از آتش را برای گرم شدنتان بگیرم و نزدتان آورم! ﴿۲۹﴾ هنگامی که نزد آتش رسید، از سمت راست وادی آن سرزمین مقدّس، از آن درخت، ندایی آمد که: ای موسی! منم الله پروردگار جهانیان ﴿۳۰﴾ عصایت را بیانداز! وقتی این کار را کرد دید مثل ماری می‌جنبد! موسی بازگشت و از وحشت به عقب نگاه نکرد! ای موسی، جلو بیا و نترس. تو در امانی! ﴿۳۱﴾ دست خود را در گریبان ببر تا سفید و درخشنده و بی‌عیب خارج شود! دست خود را بر سینه‌ات بگذار تا ترس و وحشت از تو دور شود! این دو دلیل روشن از جانب پروردگارت به سوی فرعون و اشراف اوست، زیرا آن‌ها جماعتی زشت‌کار و بدسیرت‌اند! ﴿۳۲﴾ موسی گفت: پروردگارا! من یکی از آنان را کشته‌ام و به همین خاطر می‌ترسم مرا بکشند ﴿۳۳﴾ برادرم هارون نسبت به من زبان فصیح‌تری دارد، او را همراه من رهسپار کن تا تصدیق‌کننده و یاور من باشد، زیرا می‌ترسم که مرا تکذیب کنند! ﴿۳۴﴾ [خدا] گفت: بازوان تو را به واسطه برادرت نیرومند می‌کنیم. و به شما قدرت و برتری می‌دهیم. و به برکت آیات ما بر شما چیره خواهند شد، بدانید که شما و پیروان شما پیروزید! ﴿۳۵﴾

پس هنگامی که موسی آیات و معجزات روشن ما را نزدشان آورد، گفتند: این چیزی جز جادویی دروغین نیست و ما چنین چیزی را تا به حال از نیاکانمان نشنیده‌ایم!

﴿۳۶﴾ و موسی گفت: پروردگار من، به آن کسی که هدایت را از نزدش آورده، و به کسانی که عاقبت نیک سرای‌شان است، آگاه‌تر است. بدانید او ظالمان را رستگار نخواهد کرد! ﴿۳۷﴾ فرعون گفت: ای درباریان! غیر از خودم، خدای دیگری برای شما نمی‌شناسم. ای هامان! آتش کوره را بر خشت‌های خام بیافروز، و برجی بلند برابیم بساز تا [از آن بالا روم و] از خدای موسی اطلاع یابم! هر چند که او را از دروغ‌گویان می‌پندارم! ﴿۳۸﴾ سرانجام فرعون و لشکریانش متکبران و به ناحق در زمین سرکشی کردند و گمان بردند که هرگز به نزد ما باز نمی‌گردند! ﴿۳۹﴾ پس او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا انداختیم. بنگر عاقبت ظالمان چگونه بود! ﴿۴۰﴾ و آن‌ها را از آن دسته پیشوایانی قرار دادیم که مردم را به سوی آتش دعوت می‌کنند! و در روز قیامت یاری نخواهند شد ﴿۴۱﴾ در این دنیا نیز نفرین [پی در پی] نصیب‌شان کردیم. و در روز قیامت از زشت رویان خواهند بود! ﴿۴۲﴾ بعد از آن که مردم روزگاران پیشین را هلاک کردیم. به موسی کتاب دادیم تا برای مردم، بصیرت و هدایت و رحمت باشد. امید آن که پند بگیرند! ﴿۴۳﴾

آن‌گاه که به موسی فرمان پیامبری دادیم، تو نه در جانب غربی [طوراً] بودی و نه از حاضران! ﴿۴۴﴾ ما نسل‌هایی را پدید آوردیم که طول عمر درازی داشتند، حال آن‌که تو در میان مردم شهر مدین نبودی که آیات ما را بر آن‌ها بخوانی! اما این ما بودیم که پیامبرانی می‌فرستادیم ﴿۴۵﴾ تو در کنار کوه طور نبودی هنگامی که ما موسی را ندا دادیم! بدان این رحمتی از سوی پروردگارت است. تا مردمی را که قبل از تو هشداردهنده‌ای نداشتند، هشدار دهی. شاید پند بگیرند! ﴿۴۶﴾ و اگر به خاطر دستاوردها مصیبتی آنان را گرفتار کند گویند: پروردگارا! اگر پیامبری را به سوی ما می‌فرستادی از آیات تو پیروی می‌کردیم و مؤمن می‌شدیم! ﴿۴۷﴾ پس هنگامی که حق از نزد ما برای آن‌ها آمد گفتند: چرا آن‌چه به موسی داده شده به او عطا نشده است؟! آیا پیش از این به همان چیزهایی که به موسی داده شد کفر نورزیدند؟! و گفتند: که موسی و هارون هر دو جادوگرند، دست به دست داده‌اند [تا فریب کاری کنند]؟! و گفتند: ما به هر دوی آن‌ها کافریم! ﴿۴۸﴾ بگو: اگر راست می‌گویید، پس کتابی از جانب خدا بیاورید که مردم را بهتر از این دو کتاب هدایت کند. تا من نیز پیروی‌اش کنم! ﴿۴۹﴾ چنان‌چه جواب تو را ندهند، بدان که آن‌ها از هواهای نفسانی خود تبعیت می‌کنند. و چه کسی گمراه‌تر از کسی است که بی آن‌که از خدا راهنمایی بخواند از هوای نفسش پیروی کند؟! بدانید که خداوند ظالمان را هدایت نخواهد کرد! ﴿۵۰﴾

^۱ تورات و قرآن. و از منظری دیگر می‌توان آن را کتاب هستی و کتاب انسان یعنی عالم کبیر و عالم صغیر دانست.

برای آن‌ها آیات را پیوند دادیم و مرتبط کردیم تا شاید حقایق را دریابند! ﴿۵۱﴾

کسانی که پیش از این، به آن‌ها کتاب آسمانی عطا کردیم به قرآن ایمان می‌آورند ﴿۵۲﴾ وقتی آیات بر آن‌ها خوانده شود گویند: آن را باور کردیم به راستی حق است و از جانب پروردگاران است، و ما پیش از آن تسلیم حق شده بودیم! ﴿۵۳﴾ اینان به پاس صبر و استقامتی که کرده‌اند دو بار پاداش خواهند گرفت. اینان بدی را با نیکی از بین می‌برند، و از آن‌چه روزی‌شان کردیم، انفاق می‌کنند ﴿۵۴﴾ و چون سخن لغو و بیهوده‌ای بشنوند از آن روی برمی‌گردانند و می‌گویند: ما مسؤول اعمال خویش هستیم و شما نیز مسؤول اعمال خودتان! سلامت باشید (به سلامت)! ما در پی جاهلان نیستیم! ﴿۵۵﴾ ای پیامبر! این طور نیست که هر کس را تو دوست داشته باشی می‌توانی هدایت کنی! بلکه این خداست که هر که را صلاح بداند هدایت می‌کند، و او [نسبت به هر کس دیگری] از هدایت یافتگان آگاه‌تر است ﴿۵۶﴾ می‌گویند: اگر از آیین تو پیروی کنیم ریشه‌ ما را از سرزمین مان برمی‌کنند؟ آیا ما آن‌ها را در حرم امنی قرار ندادیم؟! جایی که همه نوع ثمرات به سوی آن سرازیر می‌شود؟! این رزقی از جانب ماست. هر چند اکثرشان نمی‌دانند! ﴿۵۷﴾ و چه بسا اهل شهرهایی که سرمست از زندگی مرفه‌شان بودند، و ما نابودشان کردیم. و این خانه‌هایشان است که جزمّت اندکی، کسی در آن‌ها ساکن نگشت و ما وارث آن‌ها بودیم! ﴿۵۸﴾ پروردگار تو هرگز شهرها را نابود نمی‌کند. مگر آن‌که قبل از آن پیامبری را در مرکز آن مبعوث کند، تا آیات نجات‌بخش ما را بر آن‌ها بخواند! و بدان‌که ما هیچ شهری را نابود نکردیم. مگر آن‌که مردمش ظالم و ستمکار بودند!

﴿۵۹﴾

آن چه به شما داده شده است، متاع دنیا و زینت‌های آن است در حالی که آن چه نزد خداوند است [از هر چیز دیگری] بهتر و ماندگارتر است. چرا تعقل نمی‌کنید؟! ﴿۶۰﴾

آیا کسی را که به او وعدهٔ نیکو داده‌ایم و قطعاً هم به آن می‌رسد، با کسی که از نعمت‌های دنیوی بهره‌مندش کردیم و تازه باید در روز قیامت هم برای جواب دادن حاضر شود، همانند است؟! ﴿۶۱﴾ روزی که آن‌ها را ندا دهد، گوید: کجایند شریکانی که برای من می‌پنداشتید؟! ﴿۶۲﴾ کسانی که حکم عذاب بر آن‌ها محقق شده، گویند: پروردگارا! این‌ها کسانی بودند که ما گمراهشان کردیم. ما چون خود گمراه بودیم، گمراهشان کردیم! اکنون از آن‌ها بیزاری می‌جوییم و به سوی تو می‌آییم. آن‌ها هرگز ما را عبادت نمی‌کردند! ﴿۶۳﴾ به آن‌ها گفته شود: اکنون شریکانتان را بخوانید، و چون می‌خوانند، هیچ جوابی به آن‌ها نمی‌دهند. و عذاب الهی را که ببینند آرزو می‌کنند که ای کاش از هدایت‌یافتگان بودند! ﴿۶۴﴾ روزی که آن‌ها را ندا دهد، گوید: [هنگامی که شما را به حق می‌خواندند] چه جوابی به پیامبران دادید؟! ﴿۶۵﴾ در این روز خبرها بر آن‌ها پوشیده می‌شود. حتی نمی‌توانند از یکدیگر سوال کنند! ﴿۶۶﴾ اما کسی که توبه کند و به حقایق ایمان بیاورد، و عملکرد نیک داشته باشد. امید است که از رستگاران شود ﴿۶۷﴾ پروردگار تو آن چه بخواهد خلق می‌کند و برمی‌گزیند. در حالی که آن‌ها هیچ اختیار ندارند. منزّه است خداوند بزرگ و بلندمرتبه از شریکانی است که برایش قائل می‌شوند ﴿۶۸﴾ و پروردگار تو آن چه را در دل‌هایشان پنهان می‌کنند، و آن چه را آشکار می‌سازند، می‌داند! ﴿۶۹﴾

او الله است و هیچ معبودی جز او نیست، ستایش مخصوص اوست، چه در دنیا و چه در آخرت! و حکومت از آن اوست و همه به سوی او باز می‌گردید ﴿۷۰﴾

بگو: به من خبر دهید اگر خداوند، شب تاریک را بر شما تا روز قیامت طولانی کند، کدام خدا به جز الله می تواند به شما نور برساند؟! چرا حقایق را نمی شنوید؟! ﴿۷۱﴾

بگو: به من خبر دهید، اگر خداوند روز را بر شما تا روز قیامت طولانی کند، کدام خدا به جز الله می تواند شب را به شما ارزانی کند تا در آن آرامش یابید؟! چرا حقایق را نمی بینید؟! ﴿۷۲﴾ و این از رحمت الهی است که شب و روز را برای شما ایجاد کرد، تا در یکی آرامش داشته باشید، و در دیگری در جست و جوی رزق و فضل الهی روید. شاید که شکرگزار نعمت های الهی شوید! ﴿۷۳﴾ روزی که آن ها را ندا دهد، گوید: کجایند شرکایی که برایم می پنداشتید؟! ﴿۷۴﴾ روزی که از هر ملتی گواهی بگیریم و بگوییم دلائل تان را [بر افتراهایی که زدید] بیاورید، آنان می دانند که خدا حق است! و تمام آن افتراها که می بستند، از دیدشان گم خواهد شد ﴿۷۵﴾ قارون مردی از قوم موسی بود که بر آن ها ستم کرد. ما به او گنج هایی دادیم که حمل کلیدهایش برای گروهی از مردان قوی بُنیه، سخت و طاقت فرسا بود! به یاد آر! روزی که قومش به او گفتند: [ای قارون] این همه مغرورانه خوشحالی مکن! زیرا خداوند شادی کنندگان [این چنین] را دوست ندارد! ﴿۷۶﴾ [ای قارون] در آنچه خداوند به تو عطا کرده سرای آخرت را بجوی! و قسمت خویش را در دنیا فراموش مکن (شکرگزار باش) و نیکی کن همان گونه که خدا به تو نیکی کرده است، و راه فساد و تباهی در زمین پیشه مکن، زیرا خداوند تبهکاران را دوست ندارد! ﴿۷۷﴾

[قارون] گفت: آن چه به دست آورده‌ام دستاوردِ دانش و علم خود من است! آیا نمی‌داند که خداوند مردمان بسیاری را قبل از او هلاک کرده است؟! کسانی که قدرتمندتر از او، و ثروتمندتر از او بوده‌اند؟! بدانید! [هنگامی که عذاب فرا رسد] مجرمان را دربارهٔ گناهان‌شان سوال نکنند [زیرا مهلتی نخواهد بود]! ﴿۷۸﴾ قارون آراسته به تمام زینت‌های خود به میان قومش آمد و آنان که عاشق زندگی دنیا بودند گفتند: کاش آن چه را به قارون داده‌اند ما نیز می‌داشتیم! به راستی او بهرهٔ عظیمی دارد! ﴿۷۹﴾ اما کسانی که به آن‌ها آگاهی عطا شده بود گفتند: وای بر شما! پاداش الهی برای کسانی که به حقایق ایمان بیاورند، و عملکرد خوب داشته باشند [از هر چیز دیگری] بهتر است! و این پاداش فقط برای صابران خواهد بود ﴿۸۰﴾ سرانجام قارون و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم، در حالی که هیچ گروهی در برابر مجازات الهی توانایی یاری او را نداشت. و او خود نیز نمی‌توانست خویشتن را یاری کند! ﴿۸۱﴾ و کسانی که دیروز آرزو می‌کردند به جای او باشند، گفتند: وای بر ما! این خداوند است که روزی هر کس را بخواهد فراوان می‌دهد و یا بر او تنگ می‌گیرد. اگر خدا به ما [چون قارون] فراوان داده بود، اکنون ما را نیز فرو می‌برد! وای که منکرانِ حق، هرگز رستگار نمی‌شوند! ﴿۸۲﴾ این سرای [پر آرامش و زیبای] آخرت را برای کسانی قرار داده‌ایم که در زمین تکبر و برتری جویی و تباهی نکنند [بدانید که]! عاقبتِ خیر برای کسانی است که حرمت خداوند را نگاه می‌دارند! ﴿۸۳﴾ هر کس کار نیکی انجام دهد بهتر از آن پاداش می‌بیند، و هر کس کار بدی مرتکب شود، بدانید! بدکاران به اندازهٔ عملکردشان مجازات می‌شوند! ﴿۸۴﴾

همان کسی که قرآن را بر تو ابلاغ کرده است. تو را به جایگاه اصلی ات برمی گرداند.^۱ بگو: پروردگار من بهتر می داند چه کسی در راه هدایت است و چه کسی در گمراهی واقعی! ﴿۸۵﴾ اگر رحمت پروردگارت نبود تو هرگز امید نداشتی چنین کتابی به تو القا شود. [پس شکرگزار باش] و هرگز از کافران پشتیبانی مکن! ﴿۸۶﴾ [مراقب باش! پس از آن که قرآن بر تو نازل شده، تو را از آیات الهی منحرف نکنند. همواره مردم را به سوی پروردگارت بخوان. و هرگز از مشرکان مباش! ﴿۸۷﴾ و هیچ گاه خدای دیگری را با الله مخوان، زیرا هیچ معبودی جز او نیست. همه چیز نابود شدنی است. مگر آن چه رو سوی او دارد [موجب رضایت اوست]. حکومت از آن اوست و همه به سوی او باز می گردید ﴿۸۸﴾

سوره عنکبوت

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

الم ﴿۱﴾ آیا مردم پنداشته اند همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می شوند و امتحان پس نمی دهند؟! ﴿۲﴾ ما نسل های قبل از آنها را امتحان کردیم تا خداوند معلوم کند چه کسانی صداقت داشتند و چه کسانی دروغگو بودند! ﴿۳﴾ آیا آنان که عملکردشان بد و پلید است، پنداشته اند که می توانند بر قدرت ما چیره شوند؟! چه بد داوری می کنند! ﴿۴﴾ هر کس به دیدار خداوند امید دارد بداند وعده دیدار الهی آمدنی است. و او شنوا و آگاه است! ﴿۵﴾ هر کس [در راه حق] تلاش کند به نفع خود عمل کرده است، زیرا خداوند از همه جهانیان بی نیاز است! ﴿۶﴾

^۱ این آیه را اشاره به بازگشت پیامبر به مکه می دانند. بازگشت به اصل، نوعی از «معاد» است که البته پیروزمندانه است. به تعبیری پایان سلوک نیز تلقی می شود.

کسانی که به حقایق ایمان آورند و عملکردی نیک و شایسته داشته باشند، ما گناهان آنان را محو می‌کنیم و پاداشی بهتر از عملکردشان عطاایشان می‌کنیم ﴿۷﴾ و به انسان سفارش کردیم که نسبت به پدر و مادرش رفتار نیکی داشته باشد. و اگر آن دو بکوشند تا چیزی را که بدان آگاه نیستی شریک من سازی، از آن‌ها اطاعت مکن! بازگشت همه شما به سوی من است. و سرانجام شما را نسبت به عملکردتان آگاه خواهیم کرد ﴿۸﴾ و کسانی را که به حقایق ایمان آورند، و دارای عملکردی خوب و شایسته باشند در زمره صالحان بیاوریم ﴿۹﴾ گروهی از مردم می‌گویند: ما به خداوند ایمان آورده‌ایم! اما هنگامی که در راه خدا، آزاری ببینند، فتنه دشمنان را چون عذاب الهی می‌پندارند [و قلبشان از ایمان خالی می‌شود] و هنگامی که پیروزی از سوی پروردگارت فرا رسد و [فتنه و آزار تمام شود]. می‌گویند: ما نیز با شما بودیم! آیا خداوند به آن چه در دل‌های جهانیان است آگاه‌تر نیست؟! ﴿۱۰﴾ خداوند قطعاً می‌داند اهل ایمان کیست، و منافق کدام است! ﴿۱۱﴾ کافران به اهل ایمان گویند: به راه ما بیائید، [اگر گناهی داشت] گناهتان بر عهده ما! بدانید! که آن‌ها کوچک‌ترین گناه کسی را به گردن نمی‌گیرند و دروغ می‌گویند! ﴿۱۲﴾ بلکه بار سنگین دیگری بر بار گناهان خودشان افزوده و آن را سنگین‌تر کرده و به دوش می‌کشند! مسلماً در روز قیامت نسبت به دروغ‌هایی که می‌بافتند بازخواست خواهند شد ﴿۱۳﴾ ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او نهصد و پنجاه سال در میان آن‌ها زندگی کرد. سرانجام طوفان آن‌ها را فرا گرفت، زیرا مردمی ظالم بودند ﴿۱۴﴾

و نوح و کسانی را که در کشتی بودند نجات بخشیدیم. و آن کشتی را عبرتی برای جهانیان قرار دادیم! ﴿۱۵﴾ و [یاد آر] ابراهیم را هنگامی که به قومش گفت: خدا را پرستش کنید و حرمتش نگاه دارید. که اگر درک کنید این کار برای شما بهتر از هر چیز دیگر است! ﴿۱۶﴾ اما شما به جای خدا، بتان را عبادت می کنید و دروغ های بزرگ می سازید. بدانید! آن هایی را که به جای خدای یکتا می پرستید، توانایی دادن رزقی را به شما ندارند. رزق و روزی را از خداوند بزرگ طلب کنید. و او را عبادت نمایید. و شکر او را به جا آورید، زیرا همه تان به سوی او باز می گردید! ﴿۱۷﴾ اگر [حق را] تکذیب کنید، بدانید که ملت های قبل از شما نیز تکذیب کرده اند! و بر پیامبر وظیفه ای جز یک ابلاغ روشن نیست! ﴿۱۸﴾ آیا آن ها نمی بینند که خدا چگونه آفرینش را آغاز می کند سپس به سوی خود باز می گرداند؟! این کار برای خدا آسان است ﴿۱۹﴾ بگو: در زمین سیر کنید و بنگرید که خدا چگونه مخلوقات را می آفریند، سپس آخرت را ایجاد می نماید! بدانید که خداوند بر هر کاری تواناست ﴿۲۰﴾ خدا هر کس را صلاح بداند مجازات می کند. و هر کس را صلاح بداند مشمول رحمت می نماید. بدانید که همگی به سوی او دگرگون می شوید! ﴿۲۱﴾ امکان ندارد که شما بتوانید از خداوند بگریزید، نه در آسمان و نه در زمین! و جز خداوند هیچ یار و یآوری نخواهید داشت ﴿۲۲﴾ کسانی که آیات الهی و دیدار خدا را انکار نمودند همه شان از رحمت من مأیوسند! و برای شان عذابی دردناک مهیاست ﴿۲۳﴾

اما جواب قوم ابراهیم چیزی نبود جز آن که گفتند: او را بکشید، یا در آتش بیاندازید! سرانجام خداوند او را از آتش نجات داد. به راستی در این ماجرا برای اهل ایمان عبرت‌هایی است! ﴿۲۴﴾ ابراهیم گفت: شما به جای خداوند، بتانی را اختیار کرده‌اید تا در این زندگی دنیا، میان شما مایهٔ مودت و دوستی باشند! اما در روز قیامت یکدیگر را انکار خواهید کرد و نفرین خواهید نمود! و جایگاه همهٔ شما آتش دوزخ است و هیچ یآوری نخواهید داشت! ﴿۲۵﴾ لوط به ابراهیم ایمان آورد و گفت: من مهاجری به سوی پروردگارم هستم! او قدرتمند و حکیم است ﴿۲۶﴾ ما به ابراهیم، اسحاق و یعقوب را عطا نمودیم و در دودمان او پیامبری و کتاب را به ودیعت گذاشتیم. و پاداشش را در دنیا عطا کردیم، و در آخرت نیز از صالحان است ﴿۲۷﴾ و لوط [را به پیامبری فرستادیم، و] به قوم خود گفت: شما اعمال زشتی انجام می‌دهید که قبل از شما هیچ کس از مردم جهان مرتکب نشده است! ﴿۲۸﴾ چرا شما به سراغ مردان می‌روید و راه [بقای نسل] را قطع می‌کنید و در محافل خود کارهای زشت مرتکب می‌شوید؟! جواب قومش جز این نبود که گفتند: عذاب الهی را برای‌مان بیاور اگر راست می‌گویی؟! ﴿۲۹﴾ لوط گفت: پروردگارا! مرا بر این قوم فاسد و تبه‌کار یاری فرما! ﴿۳۰﴾

هنگامی که رسولان ما، برای ابراهیم مژده آوردند، گفتند: ما نابودکنندگان اهل این شهر هستیم، زیرا اهالی آن ظالم‌اند! ﴿۳۱﴾ [ابراهیم] گفت: در آنجا لوط [پیامبر] هست! گفتند: ما بهتر می‌دانیم چه کسانی در شهرند. او و خانواده‌اش را نجات خواهیم داد. مگر همسرش که با بازماندگان در شهر می‌ماند! ﴿۳۲﴾ و هنگامی که رسولان ما به سوی لوط آمدند، از دیدن آن‌ها اندوهگین شد. و در کارشان بماند. گفتند: نترس، و غمگین مباش! ما نجات‌دهندگان تو و خانواده‌ات هستیم، البته به جز همسرت که در شهر با بازماندگان خواهد ماند ﴿۳۳﴾ ما به خاطر اعمال زشت اهالی این شهر، از آسمان، بر سرشان عذاب نازل خواهیم کرد ﴿۳۴﴾ ما از آن شهر، برای خردمندان عبرتی آشکارا بر جا گذاشتیم ﴿۳۵﴾ و به سوی شهر مدین برادرشان شعیب را فرستادیم، و او گفت: ای قوم من! خدا را عبادت کنید، و به روز قیامت امید داشته باشید، و در زمین فساد و تباهی به راه نیاندازید! ﴿۳۶﴾ سرانجام او را تکذیب کردند و زلزله‌ای آن‌ها را گرفتار کرد. و در خانه‌هایشان بر جای مُردند! ﴿۳۷﴾ ما قوم عاد و ثمود را نیز هلاک کردیم، [آثار] خانه‌هایشان برای شما آشکار است! شیطان اعمالشان را در نظرشان زیبا جلوه‌گر نمود. و از راه [نجات‌بخش خدا] بازداشت. در حالی که مردمی صاحب بصیرت بودند! ﴿۳۸﴾

و قارون و فرعون و هامان را [نیز هلاک کردیم]، زیرا موسی با دلائلی روشن نزدشان آمد. اما آن‌ها در روی زمین تکبر ورزیدند. و برتری‌جویی نمودند و عاقبت نیز نتوانستند از مجازات الهی بگریزند! ﴿۳۹﴾ همه را به سبب گناهان‌شان گرفتار کردیم، بر بعضی طوفان شن فرستادیم، و بعضی را صیحه‌ای مرگبار فرو گرفت، برخی را در زمین فرو بردیم و برخی را غرق کردیم، بدانید! که خداوند به آن‌ها ظلم نکرد، بلکه این آنان بودند که به خویشتن ستم کردند! ﴿۴۰﴾ مثل کسانی که چیزهای دیگری را به جای خداوند، تکیه‌گاه و دوست خود برمی‌گزینند، مثل عنکبوت است که سرپناهی [سُست] اختیار کرده است! بدانید سُست‌ترین خانه‌ها، خانهٔ عنکبوت است! کاش این نکته را درک می‌کردند! ﴿۴۱﴾ خداوند بزرگ می‌داند که آن‌ها چه چیزهایی را سوای خودش به خدایی می‌خوانند. او قدرتمند و حکیم است ﴿۴۲﴾ این‌ها مثل‌هایی است که برای مردم می‌زنیم، حال آن‌که جز اهل دانش، کس دیگری آن را درک نمی‌کند ﴿۴۳﴾ خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق خلق کرده است و این خود برای اهل ایمان، عبرت است ﴿۴۴﴾ آن‌چه را که از کتاب، بر تو وحی شده تلاوت کن. و نماز به پای دار! زیرا نماز از فحشا و زشتی‌ها باز می‌دارد. و بدان که یاد خدا بزرگ‌تر از [هر چیز دیگری] است، و خداوند نسبت به رفتارشان آگاه است ﴿۴۵﴾

با اهل کتاب، فقط به نیکوترین وجه مجادله کنید. مگر کسانی از آن‌ها که ظلم و ستم کرده باشند. [به آنها] بگویید: ما به هرچه بر ما نازل شده و هرچه بر شما نازل گشته است، ایمان داریم. خدای ما و شما یکی است و ما سراپا تسلیم او هستیم! ﴿۴۶﴾ و این چنین قرآن را بر تو نازل کردیم. پس کسانی که کتاب آسمانی عطایشان کردیم، به قرآن ایمان می‌آورند. برخی از این گروه نیز به قرآن ایمان می‌آورند. بدانید! کسی آیات ما را انکار نمی‌کند مگر این که [به حقایق] کافر باشد! ﴿۴۷﴾ تو قبل از قرآن هیچ کتابی را نخوانده‌ای و به دست خود آن را ننوشته‌ای. مبادا اهل باطل شک و تردید کنند! ﴿۴۸﴾ بلکه قرآن، آیات روشنگری است که جایگاهش سینه‌های اهل دانش است. و غیر از ظالمان کسی آیات ما را انکار نمی‌کند! ﴿۴۹﴾ و گفتند: چرا معجزاتی از جانب پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟! بگو: آیات و معجزات نزد خداوند است و من فقط هشداردهنده‌ای آشکارم! ﴿۵۰﴾ آیا همین قدر که کتاب بر تو نازل کردیم تا بر آن‌ها خوانده شود برای‌شان کافی نیست؟! در این کتاب برای اهل ایمان سراسر رحمت و پند است ﴿۵۱﴾ بگو: خدا به عنوان گواه بین من و شما کافی است، [خدایی که] آن چه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند. آگاه باشید! کسانی که باطل را باور کردند و به خدا کفر ورزیدند بی‌شک زیان کرده‌اند ﴿۵۲﴾

^۱ مشرکان

^۲ تا اهل باطل نگویند قرآن نسخه‌برداری از کتاب‌های پیشینیان است!

از تو عجلولانه عذاب را می‌خواهند! اگر آن مهلت مقرر نبود، مجازاتشان آمده بود! و به صورت ناگهانی بی‌آن‌که خبردار شوند همه‌شان را در بر می‌گرفت ﴿۵۳﴾ از تو عجلولانه عذاب را می‌خواهند! حال آن‌که جهنم بر کافران احاطه دارد! ﴿۵۴﴾ روزی که عذاب سراپایشان را فرا گیرد [خدا] گوید: به خاطر عملکردتان عذاب را بچشید! ﴿۵۵﴾ ای بندگان من، ای کسانی که به حقایق ایمان آورده‌اید! زمین من وسیع است. پس فقط مرا عبادت کنید! ﴿۵۶﴾ هر کس طعم مرگ را خواهد چشید. و به سوی من بازگردانده خواهید شد! ﴿۵۷﴾ کسانی که به حقایق ایمان آوردند، و عملکردی نیکو و شایسته دارند، در غرفه‌های بهشتی که از زیر آن‌ها نهرها جاری است، جایشان می‌دهیم. و در آن جاودان خواهند ماند. و چه پاداش خوبی است برای اهل عمل! ﴿۵۸﴾ همان کسانی که صبر و استقامت کردند و بر پروردگارشان توکل نمودند ﴿۵۹﴾ و چه بسیار جنبندگانی که توانایی به دست آوردن رزق خود را ندارند، اما خداوند روزی آن‌ها و شما را می‌دهد! زیرا او شنوا و آگاه است ﴿۶۰﴾ چنان‌چه از آن‌ها بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را خلق کرد، و خورشید و ماه را رام نمود، بی‌شک خواهند گفت: الله! پس چگونه از راه حق منحرف می‌شوند؟! ﴿۶۱﴾ خداوند روزی هر کدام از بندگان را که صلاح بداند، فراوان می‌دهد، و یا بر او تنگ می‌گیرد. بدانید! که خداوند بر هر چیزی آگاه است ﴿۶۲﴾ چنان‌چه از آن‌ها بپرسی چه کسی آبی را از آسمان نازل می‌کند تا به وسیله آن زمین را پس از مردنش حیات بخشد؟! بی‌شک خواهند گفت: الله! بگو: ستایش مخصوص خداوند است. هر چند اکثرشان درک نمی‌کنند! ﴿۶۳﴾

^۱ اگر در نقطه‌ای بر اثر فشارهای مختلف نمی‌توانید ایمان و آرامش الهی‌تان را حفظ کنید، زمین خدا وسیع است به جای دیگری که میسر است هجرت نمایید!

این زندگی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست، بدانید! که سرای آخرت سرای زندگی حقیقی است. کاش این نکته را می‌فهمیدند! ﴿۶۴﴾ هنگامی که سوار بر کشتی هستید، خدا را با اخلاص تمام می‌خوانند. اما هنگامی که [از طوفان] نجاتشان دادیم، و به خشکی رساندیم، شروع به شرک‌ورزی می‌کنند ﴿۶۵﴾ تا نعمت‌هایی را که به آن‌ها عطا کرده‌ایم کفران کنند. [بگذار] اکنون لذت ببرند و بهره‌مند باشند، به زودی حقایق را خواهند فهمید! ﴿۶۶﴾ آیا نمی‌دانند که ما حرم امنی را ایجاد کرده‌ایم، و حال آن‌که در اطراف آن مردم را می‌ربایند! چرا باطل را باور می‌کنند. و نعمت‌های الهی را کفران می‌نمایند؟! ﴿۶۷﴾ چه کسی ستمکارتر از کسی است که بر خدا دروغ می‌بندد؟! و یا حق را تکذیب می‌کند، آن هم پس از آن که حق برایش روشن شده است؟! آیا جایگاه کفران و منکران حقیقت در جهنم نیست؟! ﴿۶۸﴾ آنان که برای ما خالصانه تلاش کنند، بی‌شک آن‌ها را به راه‌های نجات‌بخش مان هدایت می‌کنیم. بدانید خداوند با نیکوکاران است! ﴿۶۹﴾

سوره الروم

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

الم ﴿۱﴾ رومیان شکست خوردند ﴿۲﴾ [و این شکست] در سرزمین نزدیکی روی داد! اما آن‌ها بعد از آن به زودی پیروز خواهند شد ﴿۳﴾ در ظرف چند سال! بدانید تمام کارها به دست خداست چه قبل چه بعد از این [شکست و پیروزی]! و در آن روز، اهل ایمان خوشحال خواهند شد ﴿۴﴾ به یاری الهی، خداوند هر که را صلاح بداند یاری خواهد کرد، و او قدرتمند و با رحمت است ﴿۵﴾

^۱ همه جا در خطر ناامنی است مگر حرم امن الهی! چه ایمنی‌بخش است ایمان به خدا! و تسلیم محض! این ربایش چه آفاقی باشد چه انفسی، نگرشی معنوی را القاء می‌کند. آنکه به باطل ایمان بیاورد از مسیر فطری اصلی‌اش، ر بوده شده است!

^۲ از منظر اهل معنی، روم، مظهر نیروی معنوی است که ابتدا در ارض جسمانیت، مغلوب به نظر می‌رسد. اما پس از دوره‌ای بر آن ارض، تسلط می‌یابد و باعث شادمانی روح اهل ایمان می‌گردد. نماد مظهریت معنوی روم، به ویژه در تقابل با چینیان که نماد صورت و صورت‌گری‌اند، در آثار بسیاری از عرفا، مشهود است.

این وعده الهی است. و خداوند هرگز از وعده خویش تخلف نمی‌کند، ولی اکثر مردم نمی‌دانند! ﴿۶﴾ آن‌ها فقط ظاهری از زندگی دنیا را درک می‌کنند و از آخرت غافل و بی‌خبرند ﴿۷﴾ آیا آن‌ها با خود فکر نکرده‌اند که خداوند، آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن‌هاست جز به حق خلق نکرده است؟! آن‌ها هم تا زمانی معین! [بدانید] که بسیاری از مردم به دیدار پروردگارشان کافرند! ﴿۸﴾ آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا بینند عاقبت کسانی که قبل از آن‌ها زندگی کرده‌اند چگونه بوده است؟! آن‌ها نیرومندتر بودند و زمین را دگرگون کردند، و بیش از آن‌چه که اینان آباد نموده‌اند عمران ساختند! و پیامبران‌شان هم با دلایل روشن به سویشان آمدند! بدانید که خداوند به آن‌ها ظلم نکرد. بلکه این، خود آن‌ها بودند که به خویشتن ستم روا داشتند! ﴿۹﴾ عاقبتِ سوء، سرانجام کسانی بود که عملکرد بدی داشتند، زیرا آیات خدا را تکذیب کردند، و آن‌ها را به استهزاء گرفتند! ﴿۱۰﴾ خداوند آفرینش را آغاز می‌کند و دوباره آن‌ها را زنده برمی‌انگیزد. سپس همگی به سوی او باز خواهید گشت ﴿۱۱﴾ روزی که قیامت برپا شود، مجرمان در غم و اندوه فرو روند ﴿۱۲﴾ هیچ کدام از معبودان دروغین‌شان به عنوان شفیع برای‌شان کارساز نیست، و سرانجام نسبت به این تکیه‌گاه‌های دروغین، کافر می‌شوند! ﴿۱۳﴾ روزی که قیامت برپا شود، در آن روز از یکدیگر جدا می‌شوند ﴿۱۴﴾ اما کسانی که ایمان آوردند، و عملکردی نیک و شایسته داشتند، در باغی از بهشت شادمان و مسرورند ﴿۱۵﴾

و اما کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب کردند، همه در عذاب الهی حاضر می‌گردند ﴿۱۶﴾ خداوند را تسبیح نمایید. آن‌گاه که به شب و یا به صبح در می‌آیید! ﴿۱۷﴾ ستایش در آسمان‌ها و زمین از آن اوست. چه هنگام عصر و چه هنگامی که به ظهر در می‌آیید! ﴿۱۸﴾ او زنده را از مرده و مرده را از زنده خارج می‌کند، و زمین مرده را حیات می‌بخشد، و این چنین در روز قیامت بیرون آورده می‌شوید ﴿۱۹﴾ از نشانه‌هایش این است که شما را از خاک خلق کرده و بشر شدید. و در زمین پراکنده گشتید ﴿۲۰﴾ از نشانه‌هایش این است که برای شما همسرانی از جنس خودتان بیافرید، تا در کنارشان آرام گیرید، و میان شما مودت و رحمت برقرار کرد. در تمام این‌ها برای اهل تفکر نشانه‌هایی است! ﴿۲۱﴾ از نشانه‌هایش آفرینش آسمان‌ها و زمین و نیز تفاوت زبان و رنگ‌های شماس، در همه این‌ها نیز برای اهل دانش نشانه‌هایی است! ﴿۲۲﴾ از نشانه‌هایش، خوابیدن شما در شب و روز است و نیز هنگامی که از فضل او روزی طلب می‌کنید! در همه این‌ها برای کسانی که گوش شنوا دارند نشانه‌هایی است! ﴿۲۳﴾ و از نشانه‌هایش این است که برق آسمان را به شما نشان می‌دهد، که هم مایه امید است [برای آمدن باران] و هم باعث ترس و وحشت شماس است [به خاطر صاعقه‌های مرگبار]! خدا از آسمان آبی نازل می‌کند تا به واسطه آن زمین مرده را زنده گرداند. در این‌ها نیز برای خردمندان نشانه‌هایی است! ﴿۲۴﴾

^۱ سبحان الله و الحمد لله، دو ذکر قدرتمند است، که این آیات، زمان و موقعیت این اذکار را بیان می‌کند. برای آگاهی بیشتر از این دو ذکر، به کتاب «مدرسه نامتعارف» از مترجم رجوع شود.

و از نشانه‌هایش این است که آسمان و زمین به فرمان او پا بر جا هستند. سرانجام وقتی شما را در روز قیامت از زمین فرا بخواند همه‌تان از قبرها خارج می‌شوید ﴿۲۵﴾ هر که در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست، همه مطیع و فرمانبردار اویند! ﴿۲۶﴾ او کسی است که مخلوقات را آفرید، سپس آن‌ها را باز می‌گرداند و این کار برای او آسان‌تر است، بدانید! صفت برترین در آسمان‌ها و زمین از آن اوست، و او قدرتمند و حکیم است! ﴿۲۷﴾ خداوند مثلی برایتان از خودتان می‌زند. مگر مملوک‌هایتان در نعمت‌ها و رزق‌هایی که به شما عطا کردیم شریک می‌باشند که نصیب و بهره‌تان با هم مساوی باشد؟! تا هم‌چنان که از شرکای آزادتان بیمناک هستید از آن‌ها هم بیمناک باشید؟! ما این چنین آیات را برای خردمندان شرح می‌دهیم ﴿۲۸﴾ قطعاً کسانی که ظلم می‌کنند، بدون آگاهی از هواهای نفسانی‌شان پیروی می‌کنند! پس چه کسی می‌تواند آن کس را که خدا در گمراهی گذاشته، هدایت نماید؟! حال آن‌که آن‌ها هیچ یآوری نخواهند داشت ﴿۲۹﴾ به یکتاپرستی و تسلیم شدن در برابر حق روی بیاور! این فطرتی الهی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده است. و آفرینش خدا تبدیل نگردد. این دین پا برجاست هر چند اکثر مردم از آن بی‌خبرند! ﴿۳۰﴾ به سوی او بازگردید، و حرمتش نگه دارید، و نماز به جا آورید، و از مشرکان نباشید! ﴿۳۱﴾ از آن‌ها نباشید که دین‌شان را فرقه فرقه کردند و خود به دسته‌های مختلف تقسیم شدند. بدانید! هر گروهی به آن‌چه نزدشان است دل خوش کرده اند! ﴿۳۲﴾

هنگامی که به انسان‌ها آسیبی رسد به زاری، خدایشان را می‌خوانند و به سوی او باز می‌گردند. و وقتی خدا، رحمت خود را به آن‌ها می‌چشاند گروهی از آنان را می‌بینی که باز به پروردگارشان شرک می‌ورزند! ﴿۳۳﴾ [بگذار] نعمت‌هایی که به آن‌ها ارزانی داشتیم کفران کنند! اکنون لذت ببرید و بهره‌مند باشید! به زودی حقایق را خواهید فهمید! ﴿۳۴﴾ آیا برای آن‌ها دلیلی نازل کرده‌ایم که از شرک‌شان سخن بگویند؟! او عملکردشان را توجیه کند؟! ﴿۳۵﴾ هنگامی که رحمتی را به مردم بچشانیم، به آن شادمان می‌شوند اما هنگامی که به خاطر دستاوردشان مصیبتی به آن‌ها برسد، ناگهان همه ناامید می‌شوند! ﴿۳۶﴾ آیا نمی‌بینند خداوند روزی هر که را صلاح بداند فراوان می‌دهد و یا تنگ می‌گیرد. به راستی در این نکته نشانه‌هایی برای اهل ایمان است! ﴿۳۷﴾ حقّ نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن، بدان که این کار برای کسانی که رضایت خدا را می‌طلبند از هر کار دیگری بهتر است! به راستی این‌ها هستند که رستگارند ﴿۳۸﴾ آن‌چه را به عنوان ربا می‌پردازید تا اموال مردم زیادتر شود، بدانید! که نزد خداوند افزایش نمی‌یابد! اما آن‌چه را به عنوان زکات به خاطر رضایت خداوند پرداخت می‌نمایید، چنین کسانی دارای پاداش مضاعف خواهند بود ﴿۳۹﴾ خدا کسی است که شما را آفرید سپس روزی تان داد. آن‌گاه شما را می‌میراند و دوباره زنده می‌کند. آیا شریکانی که برای خداوند قائل شده‌اید توانایی انجام چیزی از این کارها را دارند؟! منزّه است او، و بلندمرتبه‌تر از شریکانی است که قائل می‌شوند ﴿۴۰﴾ فساد و تباهی که در خشکی و دریا نمایان شده است نتیجه‌ی عملکرد مردم است! خداوند می‌خواهد جزای بعضی از عملکردهایشان را به آن‌ها بچشاند شاید [به راه حق] برگردند! ﴿۴۱﴾

بگو: در زمین سیر کنید، و ببینید عاقبتِ گذشتگان که اکثرشان مشرک بودند، چه بوده است؟! ﴿۴۲﴾ روی خود را سوی دین پایدار بدار. آن هم قبل از آن که روزی فرا برسد که هیچ کس توان دفعش را در برابر خداوند نداشته باشد! مردم در آن روز گروه‌هایی شوند ﴿۴۳﴾ کسانی که به حقایق کافر شدند، کفرشان به زیان‌شان است و کسانی که عملکرد نیک و شایسته داشتند، برای خویش پاداشی نیکو مهیا نموده‌اند ﴿۴۴﴾ تا خدا کسانی را که به حقایق ایمان آوردند و عملکرد شایسته و نیک داشتند از فضل و گرمش پاداش دهد، زیرا او منکرانِ حقیقت را دوست ندارد ﴿۴۵﴾ از نشانه‌هایش این است که بادهای مژده‌رسان را می‌فرستد تا از رحمتش به شما بچشانند، و کشتی‌ها به فرمانش حرکت کنند. و شما از فضل او روزی طلب کنید، شاید سپاسگزار [نعمت‌هایش] شوید ﴿۴۶﴾ ما قبل از تو پیامبرانی را به سوی قوم‌شان فرستادیم. و آن‌ها دلائل آشکار را برای‌شان آوردند. سرانجام از مجرمان‌شان انتقام گرفتیم، حال آن که یاری کردن اهل ایمان حقی است که بر عهدهٔ ما است ﴿۴۷﴾ این خداست که بادهای مژده‌رسان را می‌فرستد تا ابرها را به حرکت در آورد، سپس آنطور که بخواهد در آسمان بگسترانند و متراکم کند. بدین‌سان باران را می‌بینی که از لابه لای آن‌ها بیرون می‌زند، و هنگامی که آن را به هر کس از بندگانش که صلاح بدانند، می‌رساند آن‌ها هم شادمان می‌گردند! ﴿۴۸﴾ حال آن که پیش از این نزول، همه‌شان مأیوس بودند! ﴿۴۹﴾ به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین مرده را زندگی می‌بخشد! چنین خدایی زنده‌کنندهٔ مردگان است و او بر هر کاری تواناست! ﴿۵۰﴾

^۱ اهل معنا، این آب را ویژه و از ابر رحمت می‌دانند. آب و روح دو مفهوم بلند در حوزه علوم باطنی است. سالکانی که از این نکته با خبرند، همواره برای چنین بارش‌های روحانی که به اذن خدا صورت می‌گیرد آماده‌اند. چنین بارش‌هایی که روح سالک آن را درک می‌کند، حیات‌بخش آگاهی‌بخش، و آرامش‌بخش است.

اگر ما بادی [مخرب را] بفرستیم که بر اثر آن مزارعشان را زرد و پژمرده ببینند از آن پس به کفر روی می‌آورند! ﴿۵۱﴾ تو نمی‌توانی مُردگان را شنوا کنی، هم‌چنان که نمی‌توانی سخت را به گوشِ کرانی که روی برگردانده‌اند برسانی! ﴿۵۲﴾ و نیز نمی‌توانی کسانی را که نسبت به حقایق کورند از گمراهی به راه هدایت برگردانی! تو تنها می‌توانی سخن خود را به کسانی که به آیات ما ایمان دارند و سراپا تسلیم حق هستند برسانی ﴿۵۳﴾ این خداست که ابتدا شما را ناتوان و ضعیف خلق کرد، سپس بعد از ناتوانی نیرومندتان کرد، دوباره پس از نیرومندی ضعیف و پیرتان کرد. بدانید! خدا آن‌چه بخواهد خلق می‌کند و او آگاه و قدرتمند است ﴿۵۴﴾ هنگامی که قیامت برپا شود مجرمان قسم می‌خورند که جز ساعتی [در گور] درنگ نکرده‌اند! همین‌گونه نیز از حق منحرف می‌شوند! ﴿۵۵﴾ و کسانی که به آن‌ها دانش و ایمان داده شده می‌گویند: شما طبق کتابِ خدا تا روز قیامت درنگ کرده‌اید، اما شما درک نمی‌کردید و امروز روز قیامت است! ﴿۵۶﴾ در این روز معذرت‌خواهی کسانی که ظلم کرده‌اند سودی نبخشد. و توبه‌شان پذیرفته نمی‌شود ﴿۵۷﴾ به راستی در این قرآن برای روشن شدنِ مردم هر مثلی را آوردیم. چنان‌چه آیه‌ای برای‌شان بیاوری، کافران گویند: شما فقط یاوه می‌گویید! ﴿۵۸﴾ بدین‌سان خداوند قلب‌های کسانی را که از آگاهی بی‌بهره‌اند مُهر می‌زند! ﴿۵۹﴾ صبر و استقامت کن، وعدهٔ الهی حق است. مبدا آن‌ها که از یقین بی‌بهره‌اند تو را بی‌ثبات نمایند! ﴿۶۰﴾

سوره لقمان

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

الم ﴿۱﴾ اینها آیات کتاب حکیم است ﴿۲﴾ که برای نیکوکاران هدایت و رحمت است ﴿۳﴾ هم آنان که نماز به پا می‌دارند، و زکات پرداخت می‌نمایند و به وجود آخرت یقین دارند! ﴿۴﴾ آن‌ها در جریان هدایت الهی‌شان قرار دارند، و بی‌شک همه‌شان رستگارند ﴿۵﴾ برخی از مردم خریدار سخنان بی‌ارزش و بی‌اساس‌اند تا به واسطه آن دیگران را از روی نادانی از راه نجات‌بخش الهی گمراه کنند. و آیات الهی را به استهزاء بگیرند، بدانید! برای آن‌ها عذابی خوارکننده است! ﴿۶﴾ هنگامی که آیات ما بر چنین شخصی خوانده شود متکبرانه روی برمی‌گرداند، چنان که گوئی اصلاً آن را نشنیده است و گوش‌هایش سنگین است. چنین کسی را به عذابی دردناک بشارت ده! ﴿۷﴾ برای کسانی که به حقایق ایمان آورده و عملکردی نیک و شایسته دارند، بهشت‌های پرنعمتی مهیاست ﴿۸﴾ که در آن جاودان خواهند بود. بدانید که وعده الهی حق است و او قدرتمند و حکیم است ﴿۹﴾ خدایی که آسمان‌ها را همانطور که می‌بینید، بی‌هیچ ستونی بنا کرد. و در زمین کوه‌هایی پدید آورد تا باعث لرزش شما نشود (توازن زمین برقرار گردد). و هرگونه جنبنده‌ای را در زمین پراکند. و از آسمان آبی فرستادیم و به وسیله آن هرگونه گیاه مفیدی را رویاندیم ﴿۱۰﴾ این آفرینش خداست، پس به من نشان دهید آن‌ها که غیر خدا هستند چه چیز آفریده‌اند! حقیقتاً ظالمان در یک گمراهی واقعی به سر می‌برند! ﴿۱۱﴾

ما به لقمان حکمت عطا کردیم [و گفتیم]: شکر خدا را به جا آور، زیرا هر کس شکرگزاری کند، به نفع خود عمل کرده است. و کسی که کفران و ناسپاسی کند، بداند که خدا بی‌نیاز و درخور ستایش است ﴿۱۲﴾ و لقمان در حالی که پسرش را پند می‌داد گفت: ای پسر! برای خداوند شریک قائل مشو، زیرا شرک ظلم بزرگی است ﴿۱۳﴾ و به انسان در مورد پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادری که او را باردار شده و هر روز ضعیف و ضعیف‌تر گشته، هم او که پس از دو سال از شیرش باز گرفته است. [آری، به او سفارش کردیم] که سپاسگزار من و پدر و مادرش باشد. بدانید! بازگشت همه به سوی من است ﴿۱۴﴾ و اگر آن پدر و مادر تلاش کنند تا چیزی را که بدان آگاه نیستی شریک من قرار دهی، اطاعت‌شان مکن. اما با آن‌ها به نحو شایسته و نیک معاشرت کن. و همواره از راه کسانی که رو سوی من دارند پیروی نما. بازگشت همه شما به سوی من است. و سرانجام از عملکردتان آگاهتان خواهیم کرد! ﴿۱۵﴾ ای پسر! اگر عملی به اندازه یک دانه خردل درون صخره‌ای یا در آسمان‌ها و زمین باشد، خداوند آن را به حساب می‌آورد. بدان که خداوند لطیف و آگاه است! ﴿۱۶﴾ ای پسر! نماز را به پای دار و همواره به نیکی امر کن. و از بدی نهی نما. و در برابر مصیبت‌ها صبر و استقامت داشته باش، زیرا این کارها مهم و اساسی است ﴿۱۷﴾ هیچ‌گاه به تکبر از مردم روی مگردان. و در روی زمین مغرورانه راه مرو، زیرا خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد! ﴿۱۸﴾ در مشی خود متعادل باش، صدایت را بلند مکن، که ناشناخته‌ترین صداهای، صدای خران است! ﴿۱۹﴾

^۱ صوت، قابلیت آن را دارد که محمل معنا باشد. هر صوت دارای مفهومی، آهنگی متناسب با خود را داراست. چنانچه این آهنگ از تناسب حقیقی‌اش خارج شود، معنا نیز دگرگونه خواهد شد. و به تعبیری ناشناخته می‌گردد. نکته دیگر اینکه اگر در اینجا «انکر» را به «اقبح» (زشت‌ترین) ترجمه کنیم با آیات عیدیه‌ای که همه چیز را تسبیح گوی خدا می‌داند، ناسازگاری ایجاد کرده‌ایم. نکته سوم اینکه معنای اصلی «نکر» همان ناشناخته‌ترین است. از نکره است! نکته چهارم این است که در کلام خداوند حتماً حقایقی نهفته است تاکنون دانشمندان زیادی بر روی صداهای وال‌ها و دلفین‌ها و غیره پژوهش کرده‌اند اما تاکنون نشنیده‌ام که کسی روی صدای این حیوانات خدم و رام پژوهشی ارائه داده باشد. نکته پنجم «حمار» در حوزه عرفانی معانی ویژه‌ای دارد و حتی برخی از انبیاء (ع)، شروع رسالتشان با تعبیر سوارشدن بر چنین مرکبی بیان شده است!

آیا نمی‌بینید که خداوند آن‌چه را در آسمان‌ها و آن‌چه را در زمین است در اختیار شما گذاشته، و نعمت‌هایش را چه آشکار و چه پنهان به تمامی عطایان کرده است؟! اما برخی مردم بدون علم و آگاهی و بی‌هیچ هدایت و کتاب روشنی در مورد خداوند مجادله می‌نمایند! ﴿۲۰﴾ و اگر به آن‌ها گفته شود از آن‌چه خداوند نازل کرده پیروی کنید گوید: نه! ما از آن‌چه نزد پدرانمان یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. حتی اگر شیطان آن‌ها را به عذاب آتش دعوت کند؟! ﴿۲۱﴾ کسی که تمام وجود خود را تسلیم خداوند کند در حالی که نیکوکار باشد، حقیقتاً به دستگیره‌ای محکم چنگ زده است، بدانید! که عاقبت همه کارها به خدا ختم می‌شود! ﴿۲۲﴾ هرکس به حقایق کافر شد، کفرش باعث غمگینی تو نشود! بازگشت همه‌شان به سوی ماست. و سرانجام از عملکردشان آگاهشان می‌سازیم! بدان که خداوند به آن‌چه درون سینه هاست آگاه است ﴿۲۳﴾ اکنون اندکی آن‌ها را از نعمت‌های دنیا بهره‌مند می‌کنیم سپس آن‌ها را به تحمل عذاب سختی وادار می‌سازیم ﴿۲۴﴾ چنان‌چه از آن‌ها سوال کنی چه کسی آسمان‌ها و زمین را خلق کرده است؟! بی‌شک گویند: الله! بگو: ستایش مخصوص خداوند است، هرچند اکثرشان درک نمی‌کنند! ﴿۲۵﴾ آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست. و خداوند بی‌نیاز و درخور ستایش است ﴿۲۶﴾ چنان‌چه تمام درختان زمین قلم شوند و دریا مرکب گردد، و هفت دریای دیگر از پیاپی آیند، باز کلمات الهی پایان نمی‌گیرد! بدان که خداوند قدرتمند و حکیم است ﴿۲۷﴾ آفرینش همه شما و زنده کردن دوباره همه شما، همانند زنده کردن یک نفس است! به راستی خداوند شنوا و بیناست ﴿۲۸﴾

^۱ مخلوقات و نعمت‌های الهی بی‌شمارند و ما را توانایی شمارش نیست!

آیا نمی‌بینی که خداوند شب و روز را از دل یکدیگر در می‌آورد، و خورشید و ماه را مُسَخَّر ساخته. و هر کدام تا سرآمد معینی به حرکت خود ادامه می‌دهند؟! به راستی خداوند نسبت به عملکردتان آگاه است ﴿۲۹﴾ این‌ها دلیل آن است که خداوند حق است. و آنچه به جای او می‌خوانند باطل! به راستی خداوند بلند مرتبه و بزرگ است ﴿۳۰﴾ آیا نمی‌بینی که کشتی به واسطهٔ نعمت خدا در دریا حرکت می‌کند تا پاره‌ای از نشانه‌های خود را به شما نشان دهد؟! در همهٔ این‌ها برای هر بُردبار سپاسگزاری نشانه‌هایی نهفته است! ﴿۳۱﴾ هنگامی که موج‌های عظیم، چون ابرها آن‌ها را فرا گیرد، خداوند را با اخلاص تمام می‌خوانند. و هنگامی که آن‌ها را [به سلامت] به خشکی برسانیم و نجات دهیم [فقط] برخی به عهد خود وفادار می‌مانند! بدانید! که آیات ما را فقط انسان‌های پیمان‌شکن و ناسپاس انکار می‌کنند! ﴿۳۲﴾ ای مردم! حرمت اوامر پروردگارتان را نگاه دارید، و بترسید از روزی که هیچ پدری به جای فرزند جزا نبیند، و هیچ فرزندی نیز به جای پدر مجازات نشود! وعدهٔ الهی حق است [پس مراقب باشید]. زندگی دنیا شما را فریب ندهد و شیطان شما را در برابر خدا، مغرور نسازد! ﴿۳۳﴾ آگاهی از زمان وقوع قیامت نزد خداست. باران را او نازل می‌کند. او از درون رحم‌ها آگاهی دارد. هیچ کس نمی‌داند که فردا چه به دست می‌آورد! و هیچ کس نمی‌داند که در کدامین سرزمین می‌میرد! فقط خداوند آگاه و با خبر است ﴿۳۴﴾

سورهٔ سجده

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

الم ﴿۱﴾ نازل شدن این کتاب که در آن تردیدی نیست، از جانب پروردگار جهانیان است ﴿۲﴾ آیا می‌گویند: دروغی است که پیامبر بافته است؟! نه، قرآن حق است و از جانب پروردگارت آمده تا مردمی را که قبل از تو هیچ هشداردهنده‌ای نداشته‌اند [نسبت به دستاوردهای] هشدار دهی، شاید [به راه نجات] هدایت شوند! ﴿۳﴾ الله کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست را در شش روز خلق کرد. سپس به عرش پرداخت. بدانید! که به غیر از او هیچ تکیه‌گاه و هیچ شفيعی ندارید، آیا هنوز هم پند نمی‌گیرید؟! ﴿۴﴾ امر آفرینش - از آسمان‌ها تا زمین - را تدبیر می‌کند سپس در روزی که به مقدار هزار سال شماسست به سوی او عروج می‌کند! ﴿۵﴾ او دانای نهان و آشکار است، او قدرتمند با رحمت است ﴿۶﴾ کسی است که هر چیزی را به بهترین وجه ممکن خلق کرد. و آفرینش انسان را از گل آغاز نمود ﴿۷﴾ سپس بقای نسل او را در عصارة آبی بی‌مقدار قرار داد! ﴿۸﴾ بعد [قامت] او را موزون کرد و از روح خود در او دمید و برای شما گوش و چشم و دل آفرید. شکرگزاریتان چه اندک است! ﴿۹﴾ و گفتند: آیا هنگامی که در خاک ناپدید شویم دوباره آفرینشی جدید خواهیم یافت؟! نه آن‌ها به دیدار پروردگارشان کافرند! ﴿۱۰﴾ بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده است، شما را می‌میراند و سرانجام به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید ﴿۱۱﴾

اگر مجرمان را ببینی، که سرافکننده نزد پروردگارشان هستند [او می‌گویند]:
پروردگارا! [ما حقایق را] دیدیم و شنیدیم، اکنون ما را بازگردان تا عملکرد خوب و
شایسته داشته باشیم. ما به یقین همه چیز را دریافتیم! ﴿۱۲﴾ اگر صلاح
می‌دانستیم هدایت هر کسی را عطایش می‌کردیم، اما وعدهٔ من که گفتم: جهنم را
از همه جنیان و مردم پُر می‌کنم حق است! ﴿۱۳﴾ به خاطر فراموش کردن دیدار
چنین روزی، بچشید عذاب الهی را، امروز ما نیز شما را فراموش می‌کنیم! به خاطر
عملکردتان بچشید عذاب جاودان را! ﴿۱۴﴾ فقط کسانی به آیات ما ایمان دارند که
وقتی به آن یادآور می‌شوند، به سجده می‌افتند و به حکم ستایش، پروردگارشان را
تسبیح می‌گویند. و تکبر نمی‌ورزند! ﴿۱۵﴾ آن‌ها در دل شب، از بسترهای خواب
برمی‌خیزند، و از خوف [قهر الهی] و طمع [به رحمتش] پروردگارشان را می‌خوانند.
و همواره از آن چه روزی‌شان کردیم دیگران را نیز بهره‌مند می‌سازند ﴿۱۶﴾ هیچ
کس نمی‌داند برای آن‌ها، چه پاداش مهمی که مایهٔ روشنی چشم است، نهفته شده!
به واقع این، پاداش عملکردشان است! ﴿۱۷﴾ آیا کسی که به حقیقت ایمان دارد،
همانند انسان زشت کردار است؟! هرگز مساوی نیستند! ﴿۱۸﴾ اما کسانی که ایمان
آورده و عملکردی نیک و پسندیده دارند به پاس عملکردشان جایگاهی در بهشت
خواهند داشت ﴿۱۹﴾ اما کسانی که اعمال زشت و پلید مرتکب شده‌اند جایگاهشان
آتش است. هرگاه بخواهند از آن خارج شوند دوباره به آن بازگردانده می‌شوند و به
آن‌ها گفته می‌شود: بچشید عذاب آتشی را که روزی انکارش می‌کردید! ﴿۲۰﴾

قبل از عذاب بزرگ‌تر، عذاب دنیوی را به آن‌ها می‌چشانیم، شاید از انحراف باز گردند! ﴿۲۱﴾ چه کسی ظالم‌تر از کسی است که به آیات پروردگارش متذکر شود آن‌گاه از آن روی بگرداند؟! بدانید! ما از مجرمان انتقام می‌گیریم ﴿۲۲﴾ و ما به موسی کتاب عطا کردیم. [پس] در مورد دیدارش در تردید مباش! و او را مایهٔ هدایت بنی‌اسرائیل قرار دادیم ﴿۲۳﴾ از میان آن‌ها پیشوایانی برگزیدیم که به فرمان ما مردم را هدایت می‌کردند. و این به پاس شکیبایی و یقینی بود که به آیات ما داشتند ﴿۲۴﴾ قطعاً پروردگار تو در روز قیامت میان آن‌ها، در آن‌چه که مورد اختلافشان بوده، قضاوت خواهد کرد ﴿۲۵﴾ آیا نسل‌های زیادی را که پیش از این هلاک کردیم و اکنون اینان در خانه‌هایشان راه می‌روند، مایهٔ هدایت‌شان نشده است؟! در این نکته عبرت‌هایی است چرا گوش شنوا ندارند؟! ﴿۲۶﴾ آیا نمی‌بینند که ما آب را به سوی زمین‌های خشک و بایر جاری می‌کنیم تا از آن کشتی برویانیم که آن‌ها و چهارپایان‌شان از آن بخورند! چرا این حقایق را نمی‌بینند؟! ﴿۲۷﴾ و می‌گویند: اگر راست می‌گویید چه وقت پیروزی الهی فرا می‌رسد؟! ﴿۲۸﴾ بگو: در روز پیروزی، ایمان آوردن کافران ثمری نخواهد داشت، زیرا به آن‌ها مهلت داده نمی‌شود! ﴿۲۹﴾ از آن‌ها روی بگردان و منتظر باش، آن‌ها نیز منتظرند! ﴿۳۰﴾

^۱ تو منتظر رحمت الهی باش و آن‌ها منتظر عذاب!

سوره احزاب

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ای پیامبر! حرمت خدا را نگاه دار و از کافران و منافقان اطاعت مکن! بدان که خداوند آگاه و حکیم است ﴿۱﴾ از آن چه از نزد پروردگارت به تو وحی می‌شود تبعیت کن، که خداوند از عملکردتان باخبر است ﴿۲﴾ به خدا توکل کن، زیرا کارسازی او کافی است [و به چیز دیگری نیاز نیست] ﴿۳﴾ خداوند برای هیچ کس دو قلب، درون‌اش قرار نداده است. خداوند همسرانتان را که مورد «ظهار»^۱ قرار می‌دهید مادرانتان قرار نداده است! هم‌چنین فرزند خوانده‌هایتان را فرزندان شما قرار نداده است! این سخن شماس است که به دهان خود می‌گویید. خداوند، حق را می‌گوید. و اوست که مردم را به راه درست هدایت می‌کند ﴿۴﴾ آن‌ها را به نام پدرانشان بخوانید [و به آن‌ها نسبت دهید] که این نزد خداوند عادلانه‌تر است. و چنان چه پدرانشان را نمی‌شناسید، برادران دینی و دوستان شما خواهند بود. اگر پیش از این، در این موارد خطایی کرده‌اید بر شما گناهی نیست. ولی اگر تعمداً بگوئید [مورد بازخواست خواهید بود] بدانید! که خدا آمرزنده با گذشت است ﴿۵﴾ پیامبر نسبت به اهل ایمان از خودشان سزاوارتر است. و همسران پیامبر، مادران مومنان هستند. و در کتاب خدا خویشاوندان نسبی به یکدیگر سزاوارتر از مومنان و مهاجران دیگر می‌باشند. مگر آن که بخواهید نسبت به یکی از دوستانتان نیکی کنید، که این حکم در کتاب خدا نوشته شده است ﴿۶﴾

^۱ ظهار سنتی جاهلی بود که به موجب آن مرد با گفتن «انت علی کظهر اُمی» همسر خود را چون مادر خویش فرض می‌کرد، که در نتیجه همسر بدون این که آزادی یک زن مطلقه را داشته باشد بر او حرام می‌گشت. اسلام نه تنها این شیوه جاهلی را قبول نکرد بلکه برای آن مجازات و تنبیه نیز قرار داد!

^۲ اهل معنا این خویشاوندی را ارحام روحی می‌دانند. برای همین می‌فرماید که سزاوارتر از مومنان و مهاجران هستند.

[به یاد آر]! هنگامی که از پیامبران پیمان گرفتیم، از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی ابن مریم! بدانید از همه آن‌ها پیمان محکمی گرفتیم! ﴿۷﴾ تا خدا راستگویان را از صداقت‌شان بپرسد، و برای کافران [به سبب دروغ و کتمان حقایق] عذاب دردناکی را مهیا کند ﴿۸﴾ ای اهل ایمان! به یاد آورید نعمت‌هایی را که خدا به شما عطا کرده است، آن هنگام که لشکریانی به سوی شما آمدند، و ما باد مرگباری را با سپاهی که نمی‌دیدید بر آن‌ها فرستادیم [و شکست‌شان دادیم]! بدانید! که خداوند نسبت به عملکردتان بیناست ﴿۹﴾ [به یاد آورید]! هنگامی که از بالا و پایین شهرتان بر شما تاختند! همان زمان که چشم‌ها از وحشت مبهوت بود و جان‌ها به لب رسیده بود! و شما گمان‌های بدی به خدا بردید! ﴿۱۰﴾ در آن جا اهل ایمان، امتحان شدند و به شدیدترین وجهی لرزیدند! ﴿۱۱﴾ همان هنگام که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری کفر و نفاق بود گفتند: خدا و پیامبرش به ما وعده‌ای جز فریب نداده‌اند! ﴿۱۲﴾ [و به یاد آورید]! هنگامی که گروهی از آن‌ها گفتند: ای اهل مدینه! این جا، جای شما نیست. به خانه‌هایتان برگردید! حتی عدّه‌ای از آن‌ها از پیامبر اجازه می‌خواستند و می‌گفتند: به راستی خانه‌های ما بدون حفاظ است! در حالی که بدون حفاظ نبود، آن‌ها فقط می‌خواستند [از جهاد] فرار کنند ﴿۱۳﴾ و اگر دشمنان از هر سو خانه‌هایشان را محاصره می‌کردند و پیشنهاد می‌دادند که از دین برگردند، آن‌ها قبول می‌کردند و جز اندکی درنگ روا نمی‌داشتند ﴿۱۴﴾ آن‌ها قبلاً با خدا پیمان بسته بودند که به دشمن پشت نکنند. بی‌شک خدا از پیمانی که با او بسته‌اند همه آن‌ها را بازخواست خواهد کرد! ﴿۱۵﴾

بگو: فرار برای شما سودی ندارد! اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزید جز مدت اندکی از زندگی دنیا بهره‌مند نخواهید بود ﴿۱۶﴾ بگو: چنانچه خداوند قصد بدی برایتان داشته باشد، و یا بخواهد رحمتی عطایتان کند، چه کسی مانع اوست؟! مسلماً غیر از خدا هیچ یار و یآوری نخواهند یافت ﴿۱۷﴾ خدا خوب می‌داند چه کسانی از شما، مردم را از جهاد باز می‌دارند. و نیز خوب می‌شناسد کسانی را که به برادرانشان می‌گویند: نزد ما بیائید (به جهاد نروید)! و جز اندکی به جهاد نمی‌آیند ﴿۱۸﴾ آن‌ها نسبت به هر چیزی بر شما بخل می‌ورزند! هنگامی که لحظات وحشت و اضطراب فرا رسد، می‌بینی که آن‌ها به تو می‌نگرند، آن‌ها هم با چشمانی که [از ترس] در حدقه می‌گردد، درست مثل کسی که از خوف مرگ، بیهوش شده باشد! و هنگامی که وحشت و اضطراب از بین می‌رود از حرص غنایم، با زبان‌های تیزشان شما را می‌آزارند. اینان به حقایق ایمان نیآورده‌اند، بنابراین خدا عملکردشان را باطل می‌کند و این کار بر خداوند آسان است ﴿۱۹﴾ آن‌ها می‌پندارند هنوز لشکر احزاب نرفته‌اند. چنانچه نیروهای احزاب دوباره بیایند، آن‌ها آرزو می‌کنند که در میان اعراب بادیه نشین باشند (سر به بیابان بگذارند) و فقط از وضع شما خبر بگیرند! و اگر هم در میان شما بودند، جز اندکی پیکار نمی‌کردند ﴿۲۰﴾ رسول الله برای شما یک الگوی خوب است، نه تنها برای شما بلکه برای هر کسی که به خدا و روز قیامت دل بسته و خداوند را زیاد یاد می‌کند! ﴿۲۱﴾ اما هنگامی که اهل ایمان لشکریان احزاب را دیدند، گفتند: این همان چیزی است که خداوند و پیامبرش به ما وعده دادند، و هم خدا و هم پیامبرش راست گفتند. و این ماجرا جز بر ایمان و تسلیم‌شان نیافزاید ﴿۲۲﴾

از اهل ایمان مردانی هستند که بر سر پیمان‌شان با خدا صادقانه ایستادند. عده‌ای پیمان خود را به آخر بردند. و عده دیگری در انتظارند او هرگز دنبال راه فراری نسبت به عهد و پیمان‌شان نگشتند] و آن را به چیز دیگری تبدیل نکردند! ﴿۲۳﴾

تا خداوند صادقان را به پاس صداقت‌شان پاداش دهد و منافقان را اگر بخواهد مجازات نماید، یا توبه‌شان را بپذیرد، زیرا خداوند بسیار آمرزنده و با گذشت است. ﴿۲۴﴾ خداوند کافران کینه‌توز را عقب زد و آن‌ها هیچ نتیجه‌ای از کار خود نگرفتند. و خدا اهل ایمان را از پیکار بی‌نیاز کرد، زیرا خداوند قدرتمند و شکست‌ناپذیر است. ﴿۲۵﴾ و خدا، عده‌ای از اهل کتاب را که مشرکان را حمایت می‌کردند از قلعه‌های مستحکم‌شان پایین کشید، و در دل‌هایشان وحشت انداخت. تا سرانجام شما برخی از آن‌ها را کشتید و برخی دیگر را اسیر کردید! ﴿۲۶﴾ و [خدا] زمین و خانه‌ها و اموال آن‌ها و حتی سرزمینی را که در آن پا نگذاشته بودید در اختیار شما گذاشت! و خداوند بر همه این کارها توانا بود ﴿۲۷﴾ ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر خواستار زندگی دنیا و زینت‌های آن هستید، بیائید هدیه‌ای به شما بدهم و به خوبی رهایتان کنم! ﴿۲۸﴾ و اگر خواهان خداوند و پیامبر و آخرت هستید، بدانید! که خداوند برای زنان نیکوکار پاداش بزرگی تدارک دیده است! ﴿۲۹﴾ ای همسران پیامبر! چنان‌چه هر کدام از شما مرتکب گناه آشکار و فاحش گردد، عذابش دو برابر خواهد بود، و این کار بر خداوند آسان است ﴿۳۰﴾

و اما هر کس از شما فرمانبردار خدا و پیامبرش باشد، و عملکردی نیک و شایسته داشته باشد، دو بار به او پاداش عطا خواهیم کرد و برای او رزق پر ارزشی را تدارک دیده‌ایم ﴿۳۱﴾ ای همسران پیامبر! شما چون یکی از زنان معمولی نیستید، اگر حرمت اوامر الهی را نگاه می‌دارید نباید به ناز سخن بگویید، مبدا کسانی که قلب‌شان از وسوسه‌های شیطانی بیمار است در طمع بیافتند، بلکه همواره خوب و شایسته سخن بگویید! ﴿۳۲﴾ در خانه‌هایتان بمانید. و چون جاهلیت پیشین، در میان مردم ظاهر نشوید و نماز به پای دارید، و زکات پرداخت نمایید، و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. زیرا خداوند می‌خواهد پلیدی و آلودگی را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را تطهیر نماید ﴿۳۳﴾ و از آن‌چه از آیات الهی و نکات حکمت‌آمیز در خانه‌های شما تلاوت می‌شود یاد کنید، که خداوند نکته‌سنج و آگاه است! ﴿۳۴﴾ خدا برای مردان و زنان مسلمان، مردان و زنان مؤمن، مردان و زنان فرمانبردار، مردان و زنان با صداقت، مردان و زنان اهل صبر، مردان و زنان متواضع، مردان و زنان صدقه‌دهنده، مردان و زنان روزه‌دار، مردان و زنان با عفت و پاکدامن، و مردان و زنان اهل ذکر الهی، مغفرت و پاداش بزرگی تدارک دیده است! ﴿۳۵﴾

هیچ مرد و زن با ایمانی سزاوار نیست، وقتی خدا و پیامبر دستور به کاری می‌دهند از خودشان «خودمختاری» نشان دهند، زیرا هر کس در مقابل خدا و پیامبرش نافرمانی کند بی‌شک در گمراهی آشکار افتاده است ﴿۳۶﴾ [به یاد آر]! هنگامی که به آن کس که خدا به او نعمت داده بود و تو نیز نعمت داده بودی گفتی: همسرت را نگاه دار و از خدا بترس! در حالی که در دل خود چیزی را مخفی می‌کردی که خدا آشکارش نمود. و تو از مردم می‌ترسیدی در حالی که خدا، سزاوارتر است که از او بترسی! پس هنگامی که زید، همسرش را طلاق داد، او را به همسری تو در آوردیم تا مشکل اهل ایمان در مورد ازدواج با همسران پسرخوانده‌هایشان پس از آن که طلاق گیرند برطرف شود. بدان که فرمان خدا شدنی است! ﴿۳۷﴾ بر پیامبر در مورد آن چه خدا بر او مقرر کرده است جرمی نیست. این سنت الهی برای کسانی که پیش از این بوده‌اند نیز وجود داشت. بدانید! که اوامر خداوند دقیق و حساب شده است! ﴿۳۸﴾ کسانی که پیام‌های الهی را به مردم می‌رسانند و فقط از خدا می‌ترسند، و از احدی غیر از خدا نمی‌ترسند، همین بس که خداوند حسابگر اعمال نیک آن‌هاست! ﴿۳۹﴾ محمد، پدر هیچ کدام از مردان شما نیست. او رسول خدا و «خاتم» پیامبران است. و خداوند به هر چیزی آگاه است ﴿۴۰﴾ ای اهل ایمان! خداوند بزرگ را بسیار یاد کنید ﴿۴۱﴾ و هر صبح و شام او را تسبیح گوئید ﴿۴۲﴾ او کسی است که بر شما درود می‌فرستد، فرشتگان او نیز این چنین می‌کنند، تا شما را از تاریکی‌های جهل و گناه، به نور آگاهی و حقیقت هدایت کنند، بدانید! که خداوند نسبت به اهل ایمان با رحمت است! ﴿۴۳﴾

تحت آن‌ها، روزی که خدا را دیدار کنند «سلام» است و [بدین‌سان] پاداش پر
ارزشی برای آن‌ها مهیا ساخته است ﴿۴۴﴾ ای پیامبر! ما تو را، هم به عنوان شاهد،
و هم به عنوان بشارت‌دهنده، و هشداردهنده فرستاده‌ایم ﴿۴۵﴾ به فرمان خداوند،
تو را دعوت کننده مردم به سوی خدا، و نیز چراغی روشنگر قرار دادیم ﴿۴۶﴾ اهل
ایمان را مؤذره‌سان، زیرا برای آن‌ها از سوی خدا پاداشی بزرگ است ﴿۴۷﴾ و از
کافران و منافقان اطاعت مکن و به آزار و اذیت آن‌ها اعتنایی نداشته باش و بر خدا
توکل کن، زیرا خداوند برای «دفاع» از تو کافی است! ﴿۴۸﴾ ای اهل ایمان! اگر
زنان مومن را به عقد خود در آوردید و خواستید پیش از آن که با آنان آمیزش داشته
باشید طلاقشان دهید، شما را بر آن‌ها عده‌ای نیست که بخواهید حسابش را نگاه
دارید. پس با هدیه‌ای شایسته آن‌ها را به نیکوترین وجهی رها سازید! ﴿۴۹﴾ ای
پیامبر! ما زنانی را که مهر آن‌ها را پرداخت کرده‌ای بر تو حلال نمودیم هم‌چنین
آنان که به عنوان غنایم، خداوند به تو عطا کرده، و نیز دختران عموها و دختران
عمه‌ها و دختران دایی‌ها و دختران خاله‌هایت که با تو هجرت کرده‌اند، و نیز هر زن
مومنه که خود را به پیامبر ببخشد. در صورتی که پیامبر بخواهد او را به همسری
بگیرد، فقط ویژه‌توست نه مومنان دیگر! زیرا ما می‌دانیم چه حکمی برای آن‌ها در
مورد همسرانشان و کنیزانشان کرده‌ایم. این به خاطر آن است که برای تو مشکلی
پیش نیاید. بدان که خداوند آمرزنده و با رحمت است! ﴿۵۰﴾

[موعد] هر کدام از همسرانت را که بخواهی، می‌توانی به تاخیر بیاندازی و هر کدام را که بخواهی نزد خود آوری. هرگاه بخواهی یکی از آنان را که موعدشان را به تاخیر انداخته‌ای نزد خود جای دهی، بر تو گناهی نیست. این حکم الهی برای روشنی چشم آنان است. و غمگین نشوند. و به آن چه در اختیار همگی آن‌ها قرار می‌دهی باید راضی باشند. خداوند از آن چه در دل‌های شما می‌گذرد آگاه است. بدانید! که خدا آگاه و بردبار است ﴿۵۱﴾ بعد از این زنان، دگر هیچ زنی بر تو حلال نیست و نمی‌توانی همسرانت را به زنان دیگری تبدیل کنی (آن‌ها را طلاق دهی و زنان دیگری به جایشان عقد کنی) هر چند حُسن آن‌ها مورد پسند تو واقع شود، مگر کنیزی که تحت سرپرستی تو در آید. [بدان که]! خداوند مراقب همه چیز است! ﴿۵۲﴾ ای اهل ایمان! به خانه‌های پیامبر داخل شوید، مگر آن که شما را به خوردن طعامی دعوت کرده باشند، مشروط بر آن که در انتظار آمدن غذا ننشینید (زودتر از موعد مقرر نیایید)، اما هنگامی که دعوت شدید داخل شوید، و هنگامی که غذایتان را خوردید پراکنده شوید، و به حرف و سخن منشینید! این چنین کاری، پیامبر را آزار می‌دهد، چون از شما حیا می‌کند (نمی‌گوید بروید). اما خداوند در مورد [بیان] حق شرم ندارد. و اگر چیزی از وسائل زندگی [به عنوان عاریه] از همسران پیامبر خدا خواستید از پشت پرده بخواهید این کار دل‌های شما و دل‌های زنان پیامبر را پاکیزه‌تر می‌دارد. نباید پیامبر خدا را بیازارید و نیز هرگز بعد از او همسرانش را به همسری خود در نیاورید، که این کارها نزد خداوند، بزرگ است! ﴿۵۳﴾ بدانید! اگر چیزی را آشکارا انجام دهید و یا پنهانش دارید خداوند از همه چیز آگاهی کامل دارد! ﴿۵۴﴾

بر همسران پیامبر گناهی نیست، اگر نزد پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و برادرزاده‌هایشان و خواهرزاده‌هایشان و زنان مسلمان و خدمتگزارانِ خویش بدون حجاب باشند. حرمت اوامر الهی را نگاه دارید، زیرا خداوند بر همه چیز گواه است! ﴿۵۵﴾ خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای اهل ایمان شما نیز بر او درود بفرستید و سلامی شایسته کنید و همواره تسلیم او باشید! ﴿۵۶﴾ کسانی که خدا و پیامبرش را آزار می‌رسانند خداوند آن‌ها را در دنیا و آخرت نفرین کرده و برای‌شان عذاب خوارکننده‌ای تدارک دیده است! ﴿۵۷﴾ کسانی که مردان و زنان اهل ایمان را به خاطر کاری که انجام نداده‌اند، آزار می‌رسانند بار تهمت و گناه آشکاری را به دوش می‌کشند ﴿۵۸﴾ ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و به زنان اهل ایمان بگو: که پوشش‌هایشان را بر خود فرو افکنند، این کار برای این است که شناخته شوند (مشخص شود که اهل ایمان و پاکدامن هستند) تا مورد آزار قرار نگیرند [و اگر قبلاً خطایی کرده‌اند] بدانند که خدا همواره آمرزنده و باگذشت است! ﴿۵۹﴾ اگر منافقان و کسانی که در قلب‌هایشان بیماری (وسوسه‌های شیطانی) است. هم‌چنین آن‌ها که شایعات دروغ و بی‌اساس در مدینه منتشر می‌کنند، از کارهای خود دست بردارند، تو را چنان بر آن‌ها مسلط می‌کنیم که جز اندکی با تو در شهر نباشند! ﴿۶۰﴾ این‌ها نفرین شدگانند، هر جا یافته شوند باید دستگیر گردند و به قتل رسند! ﴿۶۱﴾ این سنت الهی است که در اقوام پیشین نیز بوده است. و برای سنت الهی هیچ دگرگونی نخواهی یافت ﴿۶۲﴾

^۱ آزار رساندن به خدا، همان منکر شدن حقایق و ناسپاسی است، که موجب خشم الهی می‌شود.

مردم از تو دربارهٔ زمان وقوع قیامت می‌پرسند، بگو: آگاهی از آن فقط نزد خداوند است. و تو چه دانی شاید که روز قیامت نزدیک باشد! ﴿۶۳﴾ خداوند کافران را نفرین کرده و برای‌شان آتش دوزخ را مهیا نموده است ﴿۶۴﴾ در آن جاودانه خواهند ماند در حالی که هیچ یار و یآوری پیدا نمی‌کنند ﴿۶۵﴾ روزی که صورت‌هایشان را در آتش دگرگون کنند، گویند: ای کاش ما هم خدا و پیامبر را اطاعت کرده بودیم! ﴿۶۶﴾ و گویند: پروردگارا! ما سروران و بزرگان خودمان را اطاعت کردیم و آن‌ها ما را از راه حق گمراه کردند ﴿۶۷﴾ پروردگارا! به آن‌ها دو برابر عذاب رسان و نفرین بزرگی را شامل حالشان گردان! ﴿۶۸﴾ ای کسانی که به حقایق ایمان آورده‌اید! مثل کسانی نباشید که موسی را آزار رساندند، بدانید! خداوند از آن‌چه که به او نسبت می‌دادند مبرایش ساخت و نزد خدا آبرومند بود ﴿۶۹﴾ ای اهل ایمان! حرمت اوامر الهی را نگاه دارید، و همواره سخن متین بگویید! ﴿۷۰﴾ خداوند کارهای شما را اصلاح می‌کند و از گناهانتان می‌گذرد، بدانید! که هر کس از خداوند و پیامبرش اطاعت کند به پیروزی بزرگی دست یافته است! ﴿۷۱﴾ ما این امانت الهی را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، اما آن‌ها از تحمل آن سر باز زدند و از قبول آن ترسیدند. اما انسان آن را به دوش گرفت، زیرا او ستمکار و نادان بود! ﴿۷۲﴾ تا خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را مجازات نماید، و توبهٔ مردان و زنان اهل ایمان را بپذیرد، زیرا خداوند آمرزنده و باگذشت است ﴿۷۳﴾

سوره سبأ

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ستایش مخصوص خداوندی است که آن چه در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست، ستایش در آخرت نیز از آن اوست و او حکیم و آگاه است ﴿۱﴾ آن چه در زمین فرو می‌رود و آن چه از آن بیرون می‌آید، و آن چه از آسمان فرود می‌آید، و آن چه به آسمان بالا می‌رود، همه را می‌داند! و او با گذشت و آمرزنده است ﴿۲﴾ و کسانی که به حقایق کافر شدند گفتند: روز قیامتی برای ما در کار نیست! بگو: آری به پروردگارم که آگاه از نادیده‌هاست سوگند، که قیامت، شما را در بر خواهد گرفت! بدانید که به قدر ذره‌ای، چه کوچک‌تر از آن و چه بزرگ‌تر از آن، در آسمان‌ها و زمین از خدا مخفی نیست و همه در کتابی روشن نوشته شده است ﴿۳﴾ تا پاداش کسانی را که به حقایق ایمان آوردند و عملکرد شایسته و نیکی داشتند عطا کند، زیرا برای آن‌ها مغفرت و رزقی پرارزش است ﴿۴﴾ و کسانی که سعی در [تخریب] آیات ما داشتند و گمان کردند می‌توانند از حوزه قدرت ما بگریزند. بی‌شک برای اینان عذابی بد و دردناک خواهد بود! ﴿۵﴾ کسانی که به آن‌ها دانش عطا شده است، به خوبی می‌دانند آن چه از سوی پروردگارت به تو نازل شده، حق است و به راه خدای قدرتمند و ستودنی راهنمایی می‌کند ﴿۶﴾ کسانی که به حقایق کافر شدند گفتند: آیا می‌خواهید مردی را به شما نشان دهیم که ادعا می‌کند هنگامی که اجساد شما متلاشی شود دوباره همه‌تان زنده خواهید شد؟! ﴿۷﴾

آیا او (پیامبر) بر خدا دروغ می‌بندد؟! یا دیوانه است؟! نه! بلکه کسانی که آخرت را باور ندارند، در عذاب‌اند و درگمراهی سختی گرفتار آمده‌اند! ﴿۸﴾ آیا به آسمان و زمینی که روبه‌رویشان و پشت سرشان قرار دارد، نگاه نمی‌کنند [تا عظمت هستی و آفرینش را دریابند]؟! اگر ما بخواهیم آن‌ها را در زمین فرو می‌بریم و یا پاره‌ای از آسمان را بر سرشان فرود می‌آوریم. و در این عبرتی برای هر بنده توبه کار خواهد بود ﴿۹﴾ ما از فضل خودمان فضیلتی را به داود عطا کردیم [و گفتیم]: ای کوه‌ها و ای پرندگان! با داود هم آواز شوید [و تسبیح مرا بگویید]! هم چنین آهن را برای او نرم کردیم ﴿۱۰﴾ [و گفتیم که] زره‌های کامل بساز و اندازه‌ها را رعایت کن! و [همه تان] عملکرد خوب و شایسته داشته باشید. که من نسبت به عملکردتان بینا هستم! ﴿۱۱﴾ باد را در اختیار سلیمان قرار دادیم، بادی که در هر صبحگاه به اندازه یک ماه مسافت طی می‌کرد و هم‌چنین در شبانگاه نیز به اندازه یک مسافت یک ماهه راه می‌پیمود. چشمه مس [مذاب] را برای او جاری کردیم در حالی که گروهی از جنیان به اذن خداوند برایش کار می‌کردند، و اگر کسی از آن‌ها از فرمان ما سرپیچی می‌کرد، او را عذاب آتش سوزان می‌چشانیدیم ﴿۱۲﴾ آن‌ها هرچه سلیمان می‌خواست برایش می‌ساختند، معبدها و مجسمه‌ها و کاسه‌هایی چون حوض و دیگ‌های بزرگ و ثابت! [و گفتیم] ای خاندان داود برای شکر نعمت‌های الهی کاری کنید، که تعداد اندکی از بندگان من شاکرند! ﴿۱۳﴾ چون جانش را گرفتیم هیچ کس، مردم را از مرگش آگاه نکرد مگر جنبنده زمین که عصایش را می‌خورد! هنگامی که [سلیمان] بر زمین افتاد، جنیان دریافتند. اگر از غیب و نادیده‌ها مطلع بودند هرگز در عذاب خوارکننده نمی‌ماندند! ﴿۱۴﴾

در مسکن قوم سبأ عبرتی وجود داشت. دو باغ [بزرگ و پر میوه] از راست و چپ [احاطه شان کرده بود. گفتیم]: از روزی پروردگارتان بخورید و شکر گزار او باشید! یک شهر پاکیزه و یک خدای آمرزنده [دیگر چه می خواهید؟! ﴿۱۵﴾] اما آن‌ها [از خدا] روی گردان شدند، ما نیز سیل ویرانگر را بر آن‌ها فرستادیم. و دو باغ [زیبا و پر میوه] شان را به دو باغ [بی ارزش] با میوه‌های تلخ، و درختچه‌های شوره گز و اندکی درخت سدر تبدیل کردیم! ﴿۱۶﴾ و این کیفر را به خاطر دستاورد کفرآلودشان نصیب‌شان کردیم. آیا جز گُفران‌کنندگان نعمت‌ها را به این چنین مجازاتی می‌رسانیم؟! ﴿۱۷﴾ و میان آن‌ها و سرزمین‌هایی که با برکت کرده بودیم، آبادی‌های آشکاری قرار دادیم و سفر میان آن‌ها را به طور متناسب مقرر داشتیم! در امنیت کامل می‌توانید شب و روز در میان این آبادی‌ها تردد نمایید! ﴿۱۸﴾ ولی آن‌ها گفتند: پروردگارا! بین منزلگاه‌های ما فاصله بیانداز! بدین‌سان به خود ظلم کردند، و ما نیز آن‌ها را درس عبرتی برای دیگران قرار دادیم و جمعیت‌شان را متلاشی کردیم. و در این ماجرا برای هر صبور شکرگزاری عبرت‌هاست! ﴿۱۹﴾ بدین سان ابلیس، گمان و وسوسه خود را در دل‌هایشان به یقین تبدیل کرد. و آن‌ها به جز اندکی از اهل ایمان، همگی از او پیروی کردند ﴿۲۰﴾ [بدانید که!] ابلیس بر آن‌ها سلطه نداشت. فقط ما می‌خواستیم کسانی که آخرت را باور دارند، از آن‌هایی که در شک و تردیدند مشخص نمائیم. بدان که پروردگار تو، مراقب و حافظ همه چیز است! ﴿۲۱﴾ بگو: همه معبودهایی را که به جای خدا می‌پنداشتید، بخوانید! آن‌ها حتی مالک ذره‌ای در آسمان‌ها و زمین نیستند. و در به وجود آوردن آسمان و زمین شرکت نداشته‌اند، و خدا نیز از میان آن‌ها مساعد و پشتیبانی انتخاب نکرده است ﴿۲۲﴾

^۱ آبادی‌هایی که آشکارند و دیده می‌شوند، و سرزمین‌هایی که با برکت است و هر کسی نمی‌بیند! چنین سیری فقط به لطف خدا ممکن است! از این منظر، زمین فقط این نیست که می‌بینیم و چون حجاب برافتد، حقایقی از زمین آشکار خواهد شد!

هیچ شفاعتی نزد خداوند به جز به آن‌ها که خود اذن داده است، کارساز نخواهد بود. هنگامی که اضطراب از دل‌هایشان برود به [شفیعان] گویند: پروردگارتان چه گفت؟! گویند: سخن حق گفت: (فقط کسانی را که خدا بخواند شفاعت می‌کنیم). و او بلندمرتبه و بزرگ است ﴿۲۳﴾ بگو: چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟! بگو: الله. اینک ما و شما یا بر طریقهٔ هدایت‌ایم یا در گمراهی آشکارا! ﴿۲۴﴾ اگر ما جرمی مرتکب شده باشیم، شما را مؤاخذه نمی‌کنند [هم‌چنان که اگر شما جرمی مرتکب شده باشید]، ما در برابر عملکرد شما بازخواست نمی‌شویم! ﴿۲۵﴾ بگو: پروردگاران، همهٔ ما را گرد می‌آورد، سپس به حق میان ما داوری می‌کند، زیرا او داوری آگاه است ﴿۲۶﴾ بگو: شُرکایی را که برای او قائل شدید نشانم دهید! هرگز [شریکی نداشته است]. بلکه او خدای قدرتمند و حکیم است ﴿۲۷﴾ ما تو را [به پیامبری] نفرستادیم، مگر آن که برای تمامی مردم جهان، بشارت‌دهنده و هشداردهنده باشی. ^۱ هر چند اکثر مردم درک نمی‌کنند! ﴿۲۸﴾ و می‌گویند: اگر راست می‌گویید، این وعده [قیامت] کی فرا می‌رسد؟! ﴿۲۹﴾ بگو: وعدهٔ شما روزیست که [وقتی فرا رسد]، نه ساعتی از آن تاخیر خواهید کرد، و نه ساعتی جلوتر خواهید آمد! ﴿۳۰﴾ کسانی که به حقایق کافر گشته‌اند گویند: ما هرگز به این قرآن و به کتاب‌های آسمانی پیش از آن ایمان نمی‌آوریم! اگر ببینی آن روز را که این ظالمان نزد پروردگارشان «بازداشت» شده‌اند [تعجب می‌کنی]! هر کدام از آن‌ها گناهش را به گردن دیگری می‌اندازد. مستضعفان رو به مستکبران می‌کنند و می‌گویند: اگر شما نبودید ما از اهل ایمان بودیم! ﴿۳۱﴾

^۱ بشارت برای عملکردهای خوب و شایسته و هشدار برای عملکردهای پلید و ناشایست.

و مستکبران رو به مستضعفان کنند و گویند: آیا بعد از آن که شما را به راه حق دعوت کردند ما جلوی شما را گرفته بودیم؟! نه! شما خود گناهکارید! ﴿۳۲﴾ و مستضعفان به مستکبران گویند: شما شبانه‌روز فریب کاری می‌کردید، آن هنگام که به ما امر می‌کردید تا به خدا کافر شویم و برایش شریکانی قائل گردیم! اما هنگامی که عذاب الهی را ببینند، در دل پشیمان می‌شوند. و ما نیز غل و زنجیر را بر گردن کافران می‌اندازیم. آیا به غیر از دستاورد پلیدشان جزا می‌بینند؟! ﴿۳۳﴾ ما هیچ هشداردهنده‌ای را به دیاری نفرستادیم، مگر آن که نازپرورده‌های آن جا گفتند: ما نسبت به پیام‌هایی که به خاطر آن فرستاده شدید کافریم! ﴿۳۴﴾ و ادامه دادند: ما اموال و فرزندان بسیاری داریم و هیچ مجازاتی شامل حالمان نمی‌شود! ﴿۳۵﴾ بگو: این پروردگار من است که به هر که بخواهد روزی فراوان می‌دهد. و یا بر او تنگ می‌گیرد. اما اکثر مردم درک نمی‌کنند! ﴿۳۶﴾ نه اموالتان و نه فرزندانان، هیچ کدام مایهٔ تقرب‌تان به ما نمی‌شود. مگر آنان که به حقایق ایمان بیاورند، و عملکردی مفید و شایسته داشته باشند. پس بی‌شک آن‌ها به پاس عملکردشان پاداشی دو برابر خواهند داشت. و آن‌ها در غرفه‌های [بهشتی] در امنیت کامل به سر خواهند برد ﴿۳۷﴾ آنان که در ردّ و تخریب آیات ما تلاش می‌کنند، همه‌شان گرفتار عذاب خواهند بود! ﴿۳۸﴾ بگو: به راستی پروردگار من هر کدام از بندگان را که صلاح بداند روزی فراوان می‌دهد، و یا بر او تنگ می‌گیرد. بدانید! هر چه را انفاق کنید او عوضش را خواهد داد، زیرا او بهترین روزی‌دهندگان است! ﴿۳۹﴾

روزی که خدا همه آن‌ها را گرد آورد به فرشتگان می‌گوید: آیا این‌ها بودند که شما را عبادت می‌کردند؟! ﴿۴۰﴾ گویند: پاک و منزه‌ی تو، تو سرپرست ما هستی نه آن‌ها. اینان جانیان را عبادت می‌کردند، و به آن‌ها ایمان داشتند! ﴿۴۱﴾ امروز، روزی است که هیچ کدامتان نمی‌توانید هیچ سود و زبانی به یکدیگر برسانید. و به کسانی که ظلم کردند، خواهیم گفت: به خاطر حقایقی که تکذیب کردید عذاب آتش را بچشید! ﴿۴۲﴾ و هنگامی که آیات روشن‌گر و نجات‌بخش ما بر آن‌ها خوانده شود گویند: این مرد می‌خواهد شما را از آن چه پدران‌تان می‌پرستیدند باز دارد! و گفتند: این [قرآن] چیزی جز یک دروغ بزرگ بافته شده، [چیز دیگری] نیست! و اهل کفر هنگامی که حق را دیدند گفتند: این فقط یک جادوی آشکار است! ﴿۴۳﴾ پیش از این، ما هیچ کتاب آسمانی را به آن‌ها نداده‌ایم که آن را بخوانند [تا با استناد به آن، قرآن را تکذیب کنند]، هم‌چنین قبل از تو هیچ هشداردهنده‌ای را برای‌شان نفرستادیم ﴿۴۴﴾ کسانی که پیش از آن‌ها، زندگی می‌کردند نیز [پیامبران را] تکذیب کردند. اما این‌ها به یک دهم آن‌چه که به آن‌ها داده‌ایم هم نرسیده‌اند. با این حال پیامبران مرا تکذیب می‌کنند! [تصور کن] مجازات من نسبت به آن‌ها چگونه بود؟! ﴿۴۵﴾ بگو: من شما را به یک چیز موعظه می‌کنم و آن این که دو نفر دو نفر و یا تک تک برای درک حقایق الهی قیام کنید، و سپس بیندیشید تا بفهمید این دوست شما (پیامبر) هیچ‌گونه جنونی ندارد! او برای شما فقط یک هشداردهنده از نزول عذاب شدید الهی است! ﴿۴۶﴾ بگو: هر مزد و پاداشی که از شما خواسته‌ام ارزانی خودتان باد! مزد من تنها بر عهده خداوند است. و بدانید! که او بر هر چیزی گواه است ﴿۴۷﴾ بگو: این پروردگار من است که سخن حق [بر دل پیامبران خود] می‌افکند. او دانای همه نادیده‌هاست ﴿۴۸﴾

بگو: حق آمده است و باطل، نه می‌تواند آغازگر چیزی باشد، و نه بازگرداننده آن! ﴿۴۹﴾ بگو: اگر همراه شدم، به ضرر خود همراه شده‌ام. و اگر به راه نجات هدایت یابم، به خاطر وحی است که پروردگارم به من نازل می‌کند، زیرا او شنوا و بسیار نزدیک است ﴿۵۰﴾ اگر ببینی آن لحظه را که [از فرط عذاب] فریادشان بلند است، و هیچ گریزگاهی ندارند [تعجب می‌کنی]! آن‌ها را از مکان نزدیکی [که برای‌شان قابل تصور نیست] می‌گیرند! ﴿۵۱﴾ گویند: حال [به پیامبر] ایمان آوردیم. اما چگونه می‌توانند از مسافتی دور به او دسترسی یابند؟! ﴿۵۲﴾ آن‌ها قبلاً او را انکار کرده بودند و دورادور غایبانه به او تهمت‌های عجیب می‌زدند! ﴿۵۳﴾ اکنون میان آن‌ها و آن آرزوهایشان جدایی افتاده است. همین‌گونه با امثال‌شان پیش از این رفتار گردید! زیرا همه‌شان [نسبت به حقایق] در شک و تردید بودند ﴿۵۴﴾

سوره فاطر

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ستایش مخصوص خدایی است که آفریننده آسمان‌ها و زمین است؛ [همان خدایی که] فرشتگان را رسولانی قرار داده که صاحب بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند (دارای توانائی‌های مختلف هستند). هرچه بخواهد در آفرینش می‌افزاید، و خداوند بر هرکاری تواناست! ﴿۱﴾ رحمتی را که خداوند برای مردم بگشاید، کسی نمی‌تواند از آن جلوگیری کند. و چیزی را که خداوند جلوگیری نماید، کسی غیر از او نمی‌تواند آن را به مردم برساند. بدانید که او قدرتمند حکیم است! ﴿۲﴾ ای مردم، نعمت خدا بر خودتان را به یاد آورید! آیا خالق به جز خدا هست تا شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟! هیچ معبودی جز او نیست. پس چرا از مسیر حق منحرف می‌شوید؟! ﴿۳﴾

ای پیامبر! اگر تو را تکذیب می‌کنند، بدان که پیامبران قبل از تو را نیز تکذیب کرده‌اند. بدان که سرانجام، همه کارها به خدا باز می‌گردد! ﴿۴﴾ ای مردم! وعده خداوند حق است. مراقب باشید زندگی دنیا شما را نفریبد و شیطان شما را نسبت به خداوند بزرگ مغرور نکند! ﴿۵﴾ به راستی شیطان دشمن شماست، شما هم دشمن او باشید. بدانید که او همواره پیروانش را دعوت می‌کند تا از دوزخیان باشند! ﴿۶﴾ کسانی که به حقایق کافر شدند، عذاب سختی برای‌شان مهیاست، و کسانی که به حقایق ایمان آوردند و عملکردی نیک و شایسته دارند، برای آن‌ها مغفرت و پاداشی بزرگ است ﴿۷﴾ آیا آن که عملکرد زشتش در نظرش زیبا جلوه‌گر می‌شود آن‌چنان که آن را عملی نیک و شایسته می‌داند [همانند کسی است که عمل صالح دارد؟! خداوند هر کس را صلاح بداند، در گمراهی می‌گذارد. و هر که را صلاح بداند، به راه نجات هدایت می‌کند. بنابراین جان خودت را به خاطر شدت تأسف بر آنان [از این که چرا به حقایق ایمان نمی‌آورند] تباه مکن! زیرا خداوند نسبت به عملکردشان داناست ﴿۸﴾ الله کسی است که باها را می‌فرستد، تا ابرها را به حرکت درآورند. و ما نیز آن‌ها را بارور کرده و به سرزمین‌های مرده می‌بریم، تا زمین مرده را زنده گردانیم. زنده شدن در روز قیامت نیز چنین است ﴿۹﴾ و هر کس خواهان عزت است، بداند که تمامی عزت و اقتدار از آن خداست. سخنان پاکیزه به سوی او بالا می‌روند و این عملکرد خوب است که آن‌ها را به اوج الهی می‌رساند. و آن‌هایی که فریبکارانه دست به کار زشتی‌ها می‌شوند برای‌شان عذاب سختی مهیاست. حال آن که فریب‌کاری اینان نابودشدنی است! ﴿۱۰﴾ این خداست که شما را از خاک آفرید و سپس از نطفه، آن‌گاه شما را همسران یکدیگر قرار داد. بدانید که هیچ ماده‌ای باردار نمی‌شود و وضع حمل نمی‌کند مگر به علم خدا! و هیچ انسانی عمر طولانی نمی‌کند، و هیچ کس از عمرش کم نمی‌شود، مگر آن که در کتاب [علم الهی] نوشته شده باشد. بدانید که این امور برای خداوند آسان است!

﴿۱۱﴾

دو دریا یکسان نمی‌باشند، یکی، دارای آبی شیرین و گواراست و دیگری شور و تلخ! اما از هر دو، گوشت تازه می‌خورید. و از آن‌ها زینت آلات استخراج می‌کنید. و خود را با آن‌ها آراسته می‌سازید. کشتی‌ها را در دریا می‌بینی که امواج را می‌شکافند [و به پیش می‌روند]، تا شما روزی خود را از فضل و کرم الهی جست‌وجو کنید. شاید شکرگزار [نعمت‌های الهی] شوید! ﴿۱۲﴾ خداوند شب و روز را از دل یکدیگر در می‌آورد. و خورشید و ماه را مسخر کرده، هریک تا سرآمد معینی به حرکت خود ادامه می‌دهد، آری الله پروردگار شماست. حکومت از آن اوست و کسانی را که به جای خداوند می‌خوانید حتی مالک پوست نازک یک هسته خرما نیستند! ﴿۱۳﴾ هرچه آن‌ها را بخوانید، دعای شما را نمی‌شنوند. و اگر هم می‌شنیدند توانایی اجابت شما را نداشتند. و در روز قیامت، خود آن‌ها شرک‌ورزی شما را انکار می‌کنند! [علاوه بر همه این‌ها] آن‌ها هرگز نمی‌توانند مثل خدای دانا، تو را [از حقایق] آگاه سازند! ﴿۱۴﴾ ای مردم! همه شما نیازمند خدائید، حال آن‌که خدا بی‌نیاز و ستودنی است ﴿۱۵﴾ اگر اراده کند می‌تواند همه شما را از بین ببرد و خلق جدیدی بیافریند! ﴿۱۶﴾ و چنین کاری بر خداوند سخت نیست ﴿۱۷﴾ هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نخواهد کشید. و اگر مجرمی گران‌بار، کسی را برای حمل گناهانش به یاری طلبد، او را یاری نخواهد کرد. اگر چه از خویشاوندانش باشد! تو فقط کسانی را هشدار می‌دهی که در نهان، نسبت به پروردگارشان هراسانند. همان کسانی که نماز به پای می‌دارند. بدانید هر کس خود را از آلودگی‌ها پاکیزه گرداند به نفع خویش کار کرده است، و سرانجام همه به سوی خداست! ﴿۱۸﴾

نابینا و بینا یکسان نیستند ﴿۱۹﴾ [هم چنان که] تاریکی و نور یکسان نمی‌باشند ﴿۲۰﴾ سایه و بادِ داغ و سوزان نیز یکسان نیستند ﴿۲۱﴾ مردگان نیز با زندگان یکسان نمی‌باشند! بدان! خداوند می‌تواند سخن خود را به گوش هر کس که بخواهد برساند. حال آن که تو نمی‌توانی سخن خود را به آن‌ها که در قبرها به سر می‌برند، برسانی ﴿۲۲﴾ تو فقط هشداردهنده‌ای ﴿۲۳﴾ ما تو را به حق، به عنوان یک بشارت‌دهنده و هشداردهنده فرستاده‌ایم. هم چنان که هیچ ملّتی بدون هشداردهنده نبوده است ﴿۲۴﴾ و اگر [حقانیت] تو را تکذیب می‌کنند، بدان که پیامبران قبل از تو را نیز تکذیب کرده‌اند. پیامبرانشان با دلائل روشن و با نوشته‌ها و کتابی روشن‌گر به سراغ‌شان آمده بودند! ﴿۲۵﴾ سرانجام کسانی که حقایق را انکار کردند [به عذابی] فرو گرفتم [تصور کن] مجازات من چگونه بود! ﴿۲۶﴾ آیا نمی‌بینی خداوند از آسمان آبی نازل می‌کند و ما به واسطهٔ آن انواع میوه‌ها را در رنگ‌های گوناگون می‌رویانیم؟! هم چنین در کوه‌ها، راه‌هایی با رنگ‌های مختلف چون سفید و قرمز و سیاه سیاه ایجاد کرده‌ایم! ﴿۲۷﴾ حتی آدمیان و جنبندها و چهارپایان، رنگ‌های مختلفی دارند. آری این چنین است! از میان بندگان خدا فقط اهل دانش از او می‌هراسند! بدانید که خداوند، قدرتمند و با گذشت است! ﴿۲۸﴾ کسانی که کتاب الهی را تلاوت می‌کنند و نماز به پای می‌دارند و از آن چه روزی‌شان کردیم دیگران را نیز چه پنهان و چه آشکار بهره‌مند می‌کنند، امیدوار به تجارتی هستند که هرگز زیان نمی‌کند ﴿۲۹﴾ و خدا پاداش‌شان را بی‌کم و کاست می‌دهد. بلکه از فضل و کرم خود بر آن می‌افزاید. زیرا او آمرزنده و قدرشناس است ﴿۳۰﴾

^۱ برخی چون مرده‌های قبرستان‌اند، هر چه به آن‌ها بگویی که حقیقت این است، درک نمی‌کنند!

آنچه از این کتاب به تو وحی کرده‌ایم حق است. تصدیق کننده کتب آسمانی پیشین است. بدان که خداوند نسبت به تمامی بندگان آگاه و بیناست! ﴿۳۱﴾ سرانجام، این کتاب را به گروهی از بندگان منتخب خود به میراث دادیم. اما جمعی از میان آنها به خود ستم کردند، جمعی میانه‌رو بودند، و جمعی دیگر در خیر و خدمت، به اذن خدا از دیگران پیشی گرفتند. این همان فضل بزرگ است ﴿۳۲﴾ آنها به بهشت‌های جاودان داخل می‌شوند و در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌گردند. و لباس‌شان از حریر است ﴿۳۳﴾ و گویند: سپاس خدایی که از ما غم و اندوه را زایل کرد، زیرا پروردگار ما بسیار آمرزنده و قدرشناس است ﴿۳۴﴾ همان خدایی که از روی فضلش ما را در سرایی جاودان جای داد، تا نه رنجی به ما رسد و نه خستگی بر ما غلبه نماید ﴿۳۵﴾ و کسانی که به حقایق کافر شدند برای آنها آتش دوزخ است. نه فرمان مرگ‌شان صادر می‌شود تا بمیرند و نه تخفیفی در مجازاتشان داده می‌شود! ما این چنین هر کفران کننده‌ای را مجازات می‌کنیم! ﴿۳۶﴾ آنها در جهنم مرتب فریاد می‌کشند، که پروردگارا ما را از این جا بیرون بیاور تا اعمال شایسته و نیکی، غیر از آنچه قبلاً انجام داده بودیم، انجام دهیم! آیا شما را [به اندازه کافی] عمر ندادیم تا کسی که اهل پند است پند گیرد؟! ضمن آن که شما را [پیامبری] هشداردهنده هم آمده بود! اکنون بچشید عذاب دستاوردتان را که ظالمان هیچ یآوری ندارند! ﴿۳۷﴾ خداوند، دانای غیب و نادیده‌های آسمان‌ها و زمین است و او بر آنچه درون سینه هاست آگاه است ﴿۳۸﴾

اوست که شما را جانشینانی در زمین قرار داد. بدانید! هر کس به حقایق کافر شود، کفرش به ضرر خودش است. و این چنین کسان، کفرشان نزد پروردگارشان جز بر خشم و غضب الهی نمی‌افزاید، هم‌چنان که کفرشان فقط زیان و خسارت آن‌ها را افزایش می‌دهد! ﴿۳۹﴾ بگو: آیا شریکانی را که به جای خدا می‌خوانید نمی‌بینید؟! به من نشان دهید آن‌ها چه چیزی در روی زمین خلق کرده‌اند؟! یا در آفرینش آسمان‌ها چه مشارکتی داشته‌اند؟! آیا ما بر آن‌ها کتابی فرستاده‌ایم که به آن، در این موارد استناد کنند؟! نه! ظالمان فقط به یکدیگر وعده‌های دروغین و فریب‌کارانه می‌دهند ﴿۴۰﴾ به راستی خداوند بزرگ، آسمان‌ها و زمین را نگاه داشته تا زوال نیابند. و اگر به زوال خود رسند هیچ احدی غیر از خودش نمی‌تواند آن‌ها را نگه دارد. بدانید که او بردبار و آمرزنده است! ﴿۴۱﴾ به خدا، قسم‌های سختی می‌خورند که اگر برای آن‌ها پیامبر هشداردهنده‌ای بیاید، از همهٔ امت‌های دیگر بهتر و متعالی‌تر می‌گردند! و هنگامی که پیامبر هشداردهنده‌شان به سراغشان آمد جز بر نفرت‌شان افزوده نشد! ﴿۴۲﴾ این‌ها همه به خاطر استکبارشان در زمین و نیرنگ‌های بدشان بود. بدانید که نیرنگ‌های بد فقط به اهل خودش می‌رسد! آیا در انتظار چیزی غیر از سنت پیشینیان نشست‌اند؟! (آن‌ها مورد عذاب واقع شدند)! در سنت الهی (قوانین و مقررات خداوند) نه تبدیلی خواهی یافت و نه تغییری! ﴿۴۳﴾ آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آن‌ها زندگی می‌کردند چگونه بوده است؟! آن‌ها از اینان نیرومندتر بودند! هیچ چیز در آسمان‌ها و زمین وجود ندارد که خدا را ناتوان کند (تا بتواند از دست خدا بگریزد)، زیرا او آگاه و قدرتمند است. ﴿۴۴﴾

اگر خداوند بخواهد مردم را به خاطر دستاوردشان مجازات کند هیچ جنبنده‌ای بر روی زمین باقی نخواهد ماند! اما خداوند مردم را تا مدتی معین مهلت داده است، هنگامی که اجل آن‌ها فرا رسد [هرکس جزای دستاوردش را می‌بیند]، بدانید خداوند نسبت به بندگانش بی‌ناست! ﴿۴۵﴾

سوره یسی

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

یس ﴿۱﴾ قسم به قرآن حکیم ﴿۲﴾ که تو از پیامبران هستی ﴿۳﴾ و بر راهی راست او الهی قرار گرفته‌ای ﴿۴﴾ [این قرآن] نازل شده از سوی آن قدرتمند با رحمت است ﴿۵﴾ تا مردمی را [نسبت به دستاوردشان] هشدار دهی که پدرانشان هشدار داده نشدند زیرا آنان غافل اند ﴿۶﴾ فرمان الهی دربارهٔ اکثرشان تحقق یافته است، به همین دلیل ایمان نمی‌آورند. ﴿۷﴾ ما در گردن‌های آن‌ها غل‌هایی انداختیم که تا چانه‌هایشان ادامه دارد، آن چنان که نمی‌توانند به تسلیم سر فرود آورند! ﴿۸﴾ هم در جلو آن‌ها دیواری کشیده‌ایم و هم در پشت سرشان! و بر روی چشم‌هایشان نیز پرده‌ای انداخته‌ایم تا [هیچ حقیقتی] را نبینند^۳ ﴿۹﴾ بنابراین چه آن‌ها را از عاقبت کارشان بترسانی یا نترسانی، هر دو یکسان است و به حقایق ایمان نمی‌آورند! ﴿۱۰﴾ تو فقط می‌توانی کسانی را که از قرآن تبعیت می‌کنند و همواره در نهان از خدای رحمان می‌ترسند، هشدار دهی! پس به چنین کسانی مغفرت الهی و پاداش با ارزشی را بشارت ده ﴿۱۱﴾ به راستی ما مردگان را زنده می‌کنیم و تمامی عملکردها و دستاوردهای آن‌ها را می‌نویسیم! بدانید هر چیزی را در امام مبین^۴ محاسبه کرده‌ایم ﴿۱۲﴾

^۱ آن‌ها از تمام کتب آسمانی بی‌بهره بوده‌اند، زیرا نه آن‌ها را می‌خواندند و نه خود به دنبال درک حقایق می‌رفتند.

^۲ آن‌ها به علت دستاورد ظالمانه‌شان در زندگی، قلب‌ها و قوای فهم و درکشان - طبق سنت الهی - از کار افتاده و درک حقایق نمی‌کنند.

^۳ فهم و درک حقایق بر آن‌ها حرام شده، زیرا با نوع زندگی‌شان ثابت کرده‌اند که استحقاق این معانی را ندارند.

^۴ نکتهٔ بسیار مهم این است که قرآن را «امام مبین» خطاب کرده است، و «امام» صفتی برای موجود زنده است! آیا غیر از این است که این کتاب، زنده و دارای حیات و قدرت است؟! در آیهٔ دوم همین سوره نیز برای قرآن صفت «حکیم» آورده است. حکیم نیز صفت موجود زنده است! از این منظر ما با یک موجود «زندهٔ راهنمایی‌کننده» طرف هستیم!

برای آن‌ها، اصحاب قریه‌ای را مثال بزن که پیامبران به سراغشان آمدند ﴿۱۳﴾ آن هنگام که دو تن از پیامبران را بر آن‌ها فرستادیم، آن‌ها هر دو را تکذیب کردند! پس به واسطه پیامبر سوّم، آن دو را تقویت کردیم و گفتند: همه ما به سوی شما فرستاده شده‌ایم ﴿۱۴﴾ گفتند: شما جز بشری مثل ما نیستید! و خدای رحمان هیچ چیز نفرستاده و شما فقط دروغ می‌گویید ﴿۱۵﴾ گفتند: پروردگاران آگاه است که ما به سوی شما فرستاده شده‌ایم ﴿۱۶﴾ و ما وظیفه‌ای جز ابلاغ روشن حقایق نداریم ﴿۱۷﴾ آن‌ها گفتند: ما شما را بد یمن و بدشگون می‌پنداریم، اگر [از سخنانتان] دست بردارید همه شما را سنگسار می‌کنیم و از ما به شما عذاب سختی خواهد رسید! ﴿۱۸﴾ پیامبران گفتند: شومی شما از خود شماست! اگر خوب بیندیشید! نه، شما هدردهندگان نعمت‌های الهی هستید! ﴿۱۹﴾ مردی از نقطه دور دست شهر شتابان آمد و گفت: ای قوم من! پیامبران را تبعیت کنید! ﴿۲۰﴾ از کسانی تبعیت کنید که از شما هیچ مزدی نمی‌خواهند و هدایت یافته‌اند ﴿۲۱﴾ آخر چرا خدایی که مرا آفریده و سرانجام نیز همه به سوی او باز می‌گردید نپرستم؟! ﴿۲۲﴾ چرا به جای او، خدایان دیگر اختیار کنم، حال آن که اگر خدای رحمان بخواهد آسیبی به من برساند شفاعت هیچ کدام از آن‌ها سودی به حال من نخواهد داشت و آنان باعث نجات من نخواهند شد! ﴿۲۳﴾ و اگر چنین کنم بی‌شک در گمراهی واقعی خواهم بود ﴿۲۴﴾ اما من به پروردگارتان ایمان آورده‌ام، پس حرف مرا گوش دهید! ﴿۲۵﴾ به او گفته شد وارد بهشت شو! ^۱[مرد] گفت: کاش قوم من حقایق را درک می‌کردند! ﴿۲۶﴾ این که خداوند مرا آمرزید و در زمره انسان‌های گرامی و با ارزش قرار داده است ﴿۲۷﴾

^۱ عجب نکته لطیفی! به یک فردی که به عنوان ناشناس از او نام می‌برد، به صرف دفاع از حق، بی‌مقدمه می‌گوید: وارد بهشت شو! در حالی که پیامبران هم حضور دارند!

و ما بعد از او هیچ لشکری را از آسمان بر سر قومش نفرستادیم، حقیقتاً نفرستادیم (آن‌ها ارزش عذاب شدن توسط لشکریان آسمانی را نداشتند!) ﴿۲۸﴾ فقط «صیحه» ای مرگبار بود. و ناگاه همه‌شان خشک و خاموش شدند! ﴿۲۹﴾ ای دریغ از این بندگان! هر پیامبری که به سوی‌شان آمد، فقط او را به تمسخر گرفتند! ﴿۳۰﴾ آیا ندیدند چه بسیار مردمانی را قبل از آن‌ها هلاک کردیم، و دیگر به سوی‌شان باز نمی‌گردند؟! ﴿۳۱﴾ همه جمع خواهند شد و نزد ما حاضر می‌گردند ﴿۳۲﴾ زمین مرده، برای آن‌ها نشانه‌ای است، ما آن را زنده می‌کنیم و دانه‌هایی از آن می‌رویانیم تا از آن بخورند! ﴿۳۳﴾ و در زمین باغ‌های نخل و انگور پدید آوردیم و چشمه‌سارها در آن جاری نمودیم ﴿۳۴﴾ تا از میوه‌های آن بخورند، حال آن‌که دست آنان هیچ دخالتی در ساختن آن نداشته است! با این همه چرا شکرگزاری نمی‌کنند؟! ﴿۳۵﴾ منزّه است آن‌که همهٔ زوج‌ها را آفرید. چه از آن‌چه زمین می‌رویاند و چه از جنس خودشان، و چه از چیزهایی که آن‌ها توانایی درکش را ندارند! ﴿۳۶﴾ شب نیز برای مردم نشانه‌ای است، آن هنگام که نور روز را از آن برمی‌کشیم و همه در تاریکی فرو می‌روند! ﴿۳۷﴾ آفتاب به سوی جایگاه خویش روان است، و این تقدیرِ خدای قدرتمند و آگاه است! ﴿۳۸﴾ برای ماه نیز هلال‌هایی را مقدر کردیم که چون شاخهٔ زرد و خشکیده و منحنی شکل خرما شود ﴿۳۹﴾ [همه چنان منظم شده‌اند] که نه خورشید باید به ماه برسد و نه شب بر روز پیشی گیرد. همه در مدارهای از پیش تعیین شدهٔ خود شناورند ﴿۴۰﴾

نشانه دیگری که برای مردم وجود دارد، این است که ما نیاکان‌شان را در کشتی مملو [از موجودات مختلف] سوار کردیم ﴿۴۱﴾ و برای‌شان چیزهایی مثل آن آفریدیم که بر آن سوار شوند! ﴿۴۲﴾ که اگر می‌خواستیم همه‌شان را غرق می‌کردیم، و هیچ فریادرسی نداشتند، و تحت هیچ عنوان راه نجات پیدا نمی‌کردند! ﴿۴۳﴾ مگر آن که رحمت ما به یاریشان بیاید. و دوباره یک فرصتی دیگر! ﴿۴۴﴾ و هنگامی که به مردم گفته شود: از آن چه در پیش روی شماست (حسابرسی دقیق و عادلانه الهی) و آن چه پشت سر گذاشته‌اید (عملکرد بدتان) بترسید، شاید مشمول رحمت الهی شوید [توجهی نمی‌کنند] ﴿۴۵﴾ هیچ آیه‌ای از آیات پروردگارشان به سراغشان نیامد، مگر آن که از آن روی برگرداندند! ﴿۴۶﴾ و هنگامی که به آن‌ها گفته شود از آن چه خداوند روزی شما کرده دیگران را نیز بهره‌مند کنید! اهل کفر به اهل ایمان گویند: چرا باید کسانی را اطعام کنیم در حالی که اگر خدا می‌خواست می‌توانست خود، آن‌ها را اطعام کند؟! بدانید شما جز در گمراهی واقعی نیستید؟! ﴿۴۷﴾ هم‌چنین می‌گویند: اگر راست می‌گویید، این وعده [قیامت] کی می‌رسد! ﴿۴۸﴾ آن‌ها فقط در انتظار یک صیحه مرگبار [آسمانی] اند تا هنگام درگیری‌های روزمره شان، به ناگاه آن‌ها را فرا گیرد! ﴿۴۹﴾ به طوری که نه می‌توانند وصیتی کنند، و نه به خانواده خویش بازگردند! ﴿۵۰﴾ و هنگامی که در صور دمیده شود، ناگاه از قبرها برمی‌خیزند و به سوی پروردگارشان رهسپار می‌شوند! ﴿۵۱﴾ گویند: ای وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاه‌مان برانگیخت؟! این همان وعده خداوند رحمان است. و پیامبران راست گفتند! ﴿۵۲﴾ جز یک صیحه‌ای چیزی نبود! در نتیجه همه‌شان جمع شدند و نزد ما حاضر گردیدند! ﴿۵۳﴾ امروز بر هیچ کس هیچ ظلمی نمی‌رود، فقط مطابق دستاوردتان مجازات می‌شوید! ﴿۵۴﴾

امروز اهل بهشت به بهره‌مندی از نعمت‌های بهشتی مشغولند ﴿۵۵﴾ آن‌ها و همسرانشان در سایه‌هایی بر تخت‌هایی راحت تکیه زده‌اند ﴿۵۶﴾ هر نوع میوه‌ای و هر چه اراده کنند برای‌شان مهیاست ﴿۵۷﴾ این سلام و امنیت، وعده‌ای از جانب پروردگار با رحمت است ﴿۵۸﴾ شما ای گناهکاران و مجرمان، امروز کنار روید! ﴿۵۹﴾ ای آدمیان! آیا با شما پیمان نبستم که شیطان را عبادت نکنید، زیرا او دشمن واقعی شماست؟! ﴿۶۰﴾ و این که فقط مرا عبادت کنید، این راه راست و درست و نجات‌بخش است؟! ﴿۶۱﴾ شیطان عده زیادی از شما را [از راه امن الهی] گمراه کرد، آیا در آن موقع عقل‌تان را به کار نمی‌گرفتید؟! ﴿۶۲﴾ این همان جهنمی است که بدان وعده داده شده‌اید! ﴿۶۳﴾ امروز به خاطر دستاورد کفرآلودتان در آن داخل شوید و به آتش آن بسوزید ﴿۶۴﴾ امروز زبان‌هایشان را می‌بندیم، تا دست‌هایشان با ما سخن بگویند. و پاهایشان شهادت دهند که دستاورد آن‌ها چه بوده است! ﴿۶۵﴾ اگر بخواهیم می‌توانیم نور چشمان آن‌ها را بگیریم! پس چگونه خواهند توانست با شتاب به پیش روند وقتی که جایی را نمی‌بینند؟! ﴿۶۶﴾ اگر بخواهیم آن‌ها را در سر جایشان مسخ می‌کنیم (چون مجسمه‌ای خشک و منجمد می‌سازیم) تا نه بتوانند قدمی جلو بروند و نه قدمی به عقب گذارند ﴿۶۷﴾ بدانید! هر که را عمر دراز دهیم، دوباره به ناتوانی اولیه‌اش باز می‌گردانیم (مثل دوران کودکی که به تنهایی کاری از پیش نمی‌برد) چرا در این موارد اندیشه نمی‌کنند؟! ﴿۶۸﴾ [این آیات، شعر نیستند] و ما به پیامبر شعر آموزش نداده‌ایم، اصلاً شعر سزاوار کسی چون او نیست! این کتاب، فقط یادآوری حقایق و قرآنی روشنگر است ﴿۶۹﴾ تا به واسطه آن هر زنده [دارای فهمی] را هشدار دهد. و حق بر منکران آن ثابت گردد. ﴿۷۰﴾

آیا نمی‌بینند که ما با دستان خویش، چهارپایانی برای آن‌ها خلق کردیم. و آن‌ها مالک‌شان شده‌اند! ﴿۷۱﴾ و آن‌ها را رام‌شان کردیم. برخی از آن‌ها را سوار می‌شوند و از برخی دیگر می‌خورند! ﴿۷۲﴾ و در همه آن‌ها، برای‌شان منافی، چون آشامیدنی هاست. چرا شکرگزار نعمت‌های الهی نمی‌شوند؟! ﴿۷۳﴾ با این همه به جای خدا، خدایان دیگری اختیار می‌کنند تا [شاید در مشکلات] یاریشان کنند! ﴿۷۴﴾ حال آن‌که توانایی یاریشان را ندارند. و این، آن‌ها هستند که همواره چون سپاهی در خدمت‌شان قرار گرفته‌اند! ﴿۷۵﴾ سخنان و ادعاهایشان تو را غمگین نسازد. ما آن‌چه را نهان می‌کنند، و آشکارا انجام می‌دهند. همه را به خوبی می‌دانیم! ﴿۷۶﴾ آیا انسان نمی‌بیند که ما او را از نطفه‌ای خلق کردیم. و اکنون او تبدیل به یک دشمن آشکار شده است؟! ﴿۷۷﴾ [این انسان نادان]، در حالی که آفرینش خود را فراموش کرده، برای ما مثل میزند و می‌گوید: این استخوان‌های پوسیده را چه کسی زنده می‌کند؟! ﴿۷۸﴾ بگو: آن را زنده می‌کند همان کسی که اول بار خلقشان کرده! و او بر هر خلقتی آگاه است ﴿۷۹﴾ همان کسی که از درخت سبز، آتشی برای شما قرار داده. و شما به وسیله آن آتش می‌افروزید ﴿۸۰﴾ آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را خلق کرده، توانایی آن را ندارد تا مثل چیزهایی را که آفریده دوباره خلق کند؟! آری، [قطعاً می‌تواند]! زیرا او آفریننده‌ای داناست ﴿۸۱﴾ بدانید! که وقتی اراده‌اش بر چیزی واقع شود، به آن می‌گوید: موجود شو، بی‌درنگ موجود می‌شود! ﴿۸۲﴾ پس منزّه است خدایی که حکومت و فرمانروایی مطلق هر چیز به دست توانای اوست، و بی‌شک همه‌تان به سوی او باز خواهید گشت! ﴿۸۳﴾

سوره صافات

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

سوگند به فرشتگانی که در صفوف منظم، گوش به فرمان خدایند ﴿۱﴾ سوگند به فرشتگانی که بدی‌ها و پلیدی‌ها را دور می‌کنند ﴿۲﴾ و قسم به تلاوت‌کنندگان قرآن ﴿۳﴾ که حقیقتاً خدای شما یکتاست! ﴿۴﴾ پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست می‌باشد. او پروردگار مشرق‌هاست. ﴿۵﴾ به راستی ما آسمان دنیا را با وجود ستارگان زینت بخشیدیم ﴿۶﴾ و آن را از گزند هر شیطان خبیثی در امان داشتیم ﴿۷﴾ آن‌ها توانایی شنیدن اسرار عالم بالا را ندارند! و اگر چنین قصدی کنند، از هر سو آن‌ها را عقب می‌رانند! ﴿۸﴾ تا از حقایق دور گردند، زیرا آن‌ها لایق عذابی دائمی هستند ﴿۹﴾ مگر شیاطینی که استراق سمع کنند. که در این صورت با شهابی سوزان و نافذ تحت تعقیب قرار می‌گیرند! ﴿۱۰﴾ از منکران حقیقت بی‌رس آیا آفرینش آن‌ها سخت‌تر است، یا آفرینش کل هستی؟! ما آن‌ها را فقط از یک گل چسبنده آفریده‌ایم! ﴿۱۱﴾ تو از عظمت حقایق در شگفت می‌شوی، ولی آن‌ها تمسخر می‌کنند! ﴿۱۲﴾ و هنگامی که به آن‌ها تذکر داده شود، پند نمی‌گیرند ﴿۱۳﴾ و آن‌گاه که معجزه‌ای ببینند مسخره می‌کنند ﴿۱۴﴾ و گویند این چیزی جز یک جادوی آشکار نیست! ﴿۱۵﴾ آیا وقتی مُردیم و تبدیل به مشتی خاک و استخوان شدیم، دوباره زنده، برانگیخته خواهیم شد؟! ﴿۱۶﴾ آیا پدرانمان نیز همین طور؟! ﴿۱۷﴾ بگو: آری، همه زنده برانگیخته می‌شوید، در حالی که خوار و ذلیل هستید! ﴿۱۸﴾ خواهند دید که با یک صیحه بلند برانگیخته خواهند شد! ﴿۱۹﴾ و گویند: ای وای بر ما! این همان روز قیامت است! ﴿۲۰﴾ این همان روز جدایی [حق از باطل] است، که شما همواره آن را تکذیب می‌کردید! ﴿۲۱﴾ ظالمان و همسرانشان و آنچه را که پرستش می‌کردند، همه را جمع کنید ﴿۲۲﴾ همان چیزهایی را که به جای خدا می‌پرستیدند، همه آن‌ها را به راه جهنم راهنمایی کنید! ﴿۲۳﴾ و نگه داریدشان، باید [از عملکردشان] بازخواست شوند! ﴿۲۴﴾

چرا اکنون یکدیگر را یاری نمی‌کنید؟ ﴿۲۵﴾ نه! آن‌ها همه‌شان امروز مجبور به تسلیم هستند ﴿۲۶﴾ امروز آن‌ها یکدیگر را مؤاخذه می‌کنند ﴿۲۷﴾ [به رهبران گمراه‌کننده‌شان] گویند: شما بودید که از در خیرخواهی بر ما وارد می‌شدید [و اکنون کارمان به این جا کشیده شده است] ﴿۲۸﴾ آن‌ها جواب دهند: نه! شما خودتان به حقایق ایمان نیاوردید! ﴿۲۹﴾ ما هیچ سلطه‌ای بر شما نداشتیم، بلکه خودتان قومی سرکش بودید! ﴿۳۰﴾ امروز حکم [عذاب] الهی بر ما محقق گشته. و بی‌شک همه آن را خواهیم چشید! ﴿۳۱﴾ آری، ما شما را گمراه کردیم، زیرا خودمان نیز گمراه بودیم! ﴿۳۲﴾ در آن روز همه‌شان در عذاب الهی مشترک‌اند! ﴿۳۳﴾ بدانید! ما با مجرمان این‌گونه عمل می‌کنیم ﴿۳۴﴾ زیرا به آن‌ها هرگاه در زندگی دنیا گفته می‌شد هیچ معبودی به جز الله نیست، متکبرانه برخورد می‌کردند ﴿۳۵﴾ و می‌گفتند: ما به خاطر یک شاعر دیوانه، خدایانمان را ترک گوییم؟! ﴿۳۶﴾ نه! او حق را آورده است. و پیامبران راست گفته‌اند ﴿۳۷﴾ و شما [به خاطر انکار حقایق]، عذاب دردناک را خواهید چشید! ﴿۳۸﴾ بدانید که فقط به خاطر عملکرد بدتان مجازات می‌شوید! ﴿۳۹﴾ مگر بندگان آزادشده خدا [که نجات خواهند یافت] ﴿۴۰﴾ زیرا برای آن‌ها رزق و روزی مشخصی است ﴿۴۱﴾ چون میوه‌های پرارزش! و آن‌ها محترم و گرامی‌اند ﴿۴۲﴾ در بهشت‌های پر نعمت ﴿۴۳﴾ بر تخت‌هایی رو به روی هم تکیه داده‌اند ﴿۴۴﴾ و جام‌هایی از شراب طهور و گوارا میان‌شان به گردش در می‌آید ﴿۴۵﴾ شرابی سفید و درخشان که برای نوشندگان بسیار گواراست ﴿۴۶﴾ شرابی که نه عقل‌شان را زایل می‌کند، و نه موجب مستی‌شان می‌شود ﴿۴۷﴾ و در کنارشان همسران زیبا چشمی است که جز به شوهرانشان عشق نمی‌ورزند ﴿۴۸﴾ اینان [در لطافت و سفیدی] چون تخم مرغ‌هایی هستند که از دسترس هر کس دور بوده‌اند! ﴿۴۹﴾ برخی رو به برخی دیگر کرده و سؤال می‌کنند ﴿۵۰﴾ یکی از آن‌ها گوید: من [در دنیا] هم‌نشینی داشتم ﴿۵۱﴾

که می‌گفت: آیا تو این حقایق را تصدیق می‌کنی؟! ﴿۵۲﴾ آیا وقتی مُردیم و تبدیل به مستی خاک و استخوان شدیم، دوباره ما را مجازات می‌کنند؟! ﴿۵۳﴾ یکی گفت: آیا می‌توانید از او خبری بگیرید؟! ﴿۵۴﴾ هنگامی که از وضعیت مطلع شدند، او را در وسط جهنم دیدند! ﴿۵۵﴾ و [آن بهشتی به او] گوید: به خدا قسم، نزدیک بود که مرا [چون خودت] به هلاکت بکشانی! ﴿۵۶﴾ اگر لطف و عنایت پروردگارم نبود، من نیز اکنون [در جهنم] حاضر بودم! ﴿۵۷﴾ [بهشتی به دوستانش می‌گوید]: آیا ما دیگر نمی‌میریم؟! ﴿۵۸﴾ به جز همان دفعهٔ اوّل که مُردیم، یعنی مجازات نمی‌شویم؟! ﴿۵۹﴾ بدانید این همان پیروزی بزرگ است (شما در بهشت جاودانه‌اید)! ﴿۶۰﴾ برای مثل این، عمل‌کنندگان باید عمل کنند! ﴿۶۱﴾ آیا این [امانده‌های بهشتی] بهتر است یا درخت زقوم؟! ﴿۶۲﴾ ما این درخت را برای عذاب ظالمان آفریده‌ایم ﴿۶۳﴾ و درختی است که از اعماق جهنم می‌روید ﴿۶۴﴾ شکوفه‌های آن مانند سرهای شیاطین است ﴿۶۵﴾ جهنمیان از آن می‌خورند و شکم‌هایشان را از آن پُر می‌سازند ﴿۶۶﴾ آن‌گاه، روی آن، آب سوزان و متعفّنی می‌خورند ﴿۶۷﴾ بازگشت‌شان همواره به سوی جهنم است (خروجی در کار نیست) ﴿۶۸﴾ زیرا آن‌ها پدران خود را [در دنیا] گمراه یافتند ﴿۶۹﴾ و با وجود این، شتابان به دنبال‌شان می‌رفتند! ﴿۷۰﴾ قبل از آن‌ها نیز اکثر پیشینیان گمراه بودند ﴿۷۱﴾ ما، پیامبران هشداردهنده‌ای بر آن‌ها فرستادیم ﴿۷۲﴾ پس بنگر عاقبتِ کارِ اخطارشدگان چه شد! ﴿۷۳﴾ جز بندگان آزادشدهٔ خدا [همه مجازات شدند] ﴿۷۴﴾ نوح ما را دعا کرد [اما اجابتش کردیم] و چه خوب اجابت‌کننده‌ای هستیم! ﴿۷۵﴾ و او و خاندانش را از آن اندوه بزرگ رهان‌دیم ﴿۷۶﴾

^۱ به نظر می‌رسد که زقوم، کنایه از درخت تعلقات است. درختی که ریشه در خواهش‌های نفسانی و آرزوهای طول و دراز دارد. این همان درختی است که میوه‌هایش تلخ و دردسرساز است. درخت بی‌عقلی و حماقت.

^۲ مُخْلِص، به معنای خلاص شده و رها گشته است. انسانی که از هر ذهنیت و هر تعلّقی آزاد شود و فقط رو به ذات حق تعالی داشته باشد، مُخْلِص نامیده می‌شود. چنین کسی تحت سیطرهٔ کسی جز خدا نیست.

بدینسان فرزندانش را بر زمین زنده باقی گذاشتیم ﴿۷۷﴾ و نام نیک او را در امت‌های بعد، باقی نهادیم ﴿۷۸﴾ سلام بر نوح، در میان همهٔ جهانیان ﴿۷۹﴾ ما این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم ﴿۸۰﴾ زیرا نوح از بندگان با ایمان ماست ﴿۸۱﴾ سرانجام دیگران را غرق کردیم ﴿۸۲﴾ یکی از پیروان نوح، ابراهیم است ﴿۸۳﴾ آن‌گاه که با قلبی سراسر تسلیم، نزد خدا آمد ﴿۸۴﴾ و به پدرش و قوم خود گفت: چه چیز را پرستش می‌کنید؟! ﴿۸۵﴾ چرا به جای خداوند به سوی این خدایان دروغین می‌روید؟! ﴿۸۶﴾ مگر چه تصویری از پروردگار جهانیان دارید؟! ﴿۸۷﴾ آن‌گاه نگاهی به ستارگان انداخت ﴿۸۸﴾ و گفت من بیمارم (با شما به جشن عمومی نمی‌آیم) ﴿۸۹﴾ پس جماعت نیز به او پشت کرده، رفتند ﴿۹۰﴾ ابراهیم مخفیانه وارد بت‌خانه شد و به بت‌ها گفت: چیزی نمی‌خورید؟! ﴿۹۱﴾ چرا حرف نمی‌زنید؟! ﴿۹۲﴾ سپس ضربه‌ای محکم با دست، بر پیکر آن‌ها فرود آورد ﴿۹۳﴾ مردم به سرعت به سوی او رو آوردند ﴿۹۴﴾ ابراهیم گفت: چرا چیزهایی را که [با دست‌تان] می‌تراشید می‌پرستید؟! ﴿۹۵﴾ حال آن‌که هم شما و هم آن‌چه را که می‌سازید، خدا آفریده است ﴿۹۶﴾ گفتند: برج بلندی برای او بسازید و از آن‌جا او را در جهنمی از آتش بیاندازید! ﴿۹۷﴾ آن‌ها نقشهٔ نابودی ابراهیم را کشیدند، اما ما آن‌ها را مغلوب کردیم ﴿۹۸﴾ ابراهیم گفت: من به سوی پروردگارم می‌روم، یقین دارم که او مرا باز هدایت خواهد کرد! ﴿۹۹﴾ ابراهیم گفت: پروردگارا! به من فرزند صالح و شایسته‌ای عطا کن ﴿۱۰۰﴾ ما نیز او را به فرزندى بردبار بشارت دادیم ﴿۱۰۱﴾ هنگامی که با فرزندش به مقام رفیع تلاش [فقط برای خدا]، رسید به فرزندش گفت: پسر، من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم. فکر کن و نظرت را بیان کن! پسر گفت: ای پدر! به هر آن‌چه به تو امر شده عمل کن، ان‌شاءالله مرا صبور خواهی یافت! ﴿۱۰۲﴾

هنگامی که هر دو سراپا تسلیم امر خدا شدند و ابراهیم فرزند را به پیشانی خواباند ﴿۱۰۳﴾ ما ابراهیم را ندا دادیم که ای ابراهیم! ﴿۱۰۴﴾ نسبت به خوابت صادقانه رفتار کردی! ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم ﴿۱۰۵﴾ به راستی این همان آزمایش آشکار و بزرگ بود! ﴿۱۰۶﴾ [و به جای فرزندش]، ذبح بزرگ و ارزشمندی را فدیه قرار دادیم ﴿۱۰۷﴾ و نام نیک او را در امت‌های بعد، باقی نهادیم ﴿۱۰۸﴾ سلام بر ابراهیم ﴿۱۰۹﴾ ما این چنین پاداش نیکوکاران را می‌دهیم ﴿۱۱۰﴾ زیرا او از بندگان با ایمان ماست ﴿۱۱۱﴾ و او را به تولد اسحاق، که پیامبری از صالحان بود مرده دادیم ﴿۱۱۲﴾ و او و اسحاق را با برکت گرداندیم. درحالی که برخی از دودمان‌شان نیکوکار بودند، و برخی به خود آشکارا ستم می‌نمودند ﴿۱۱۳﴾ و ما به موسی و هارون نعمت عطا کردیم ﴿۱۱۴﴾ و آن دو و قوم‌شان را از اندوه بزرگ، رهاندم ﴿۱۱۵﴾ یاریشان کردیم تا پیروز شدند ﴿۱۱۶﴾ و به آن دو، کتاب آسمانی روشنگری دادیم ﴿۱۱۷﴾ و هر دو را به صراط مستقیم هدایت نمودیم ﴿۱۱۸﴾ و نام نیک‌شان را در امت‌های بعد باقی نهادیم ﴿۱۱۹﴾ سلام بر موسی و هارون ﴿۱۲۰﴾ ما این چنین پاداش نیکوکاران را می‌دهیم ﴿۱۲۱﴾ زیرا آن‌ها از بندگان با ایمان ما هستند ﴿۱۲۲﴾ الیاس نیز از پیامبران است ﴿۱۲۳﴾ به مردم خود گفت: چرا حرمت خداوند را نگاه نمی‌دارید؟! ﴿۱۲۴﴾ آیا بت «بعل» را می‌پرستید و خدای أحسن الخالقین را و می‌گذارید؟! ﴿۱۲۵﴾ الله پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست ﴿۱۲۶﴾

الیاس را تکذیب کردند و عاقبت، آن‌ها [همه در عذاب] حاضر شدند! ﴿۱۲۷﴾ مگر بندگان آزاد شده خدا [که در نعمت و برکت‌اند] ﴿۱۲۸﴾ نام نیک الیاس را در میان امت‌های بعد باقی گذاردیم ﴿۱۲۹﴾ سلام بر آل یاسین ﴿۱۳۰﴾ ما این چنین پاداش نیکوکاران را می‌دهیم ﴿۱۳۱﴾ زیرا او از بندگان با ایمان ماست! ﴿۱۳۲﴾ لوط نیز از پیامبران است ﴿۱۳۳﴾ او و همهٔ خاندانش را نجات دادیم ﴿۱۳۴﴾ مگر پیرزنی که از بازماندگان در شهر بود ﴿۱۳۵﴾ سرانجام همه را نابود کردیم ﴿۱۳۶﴾ شما همواره صبحگاهان بر آن‌ها عبور می‌کنید! ﴿۱۳۷﴾ و هم‌چنین شبانگاهان، پس چرا تعقل^۱ نمی‌کنید؟! ﴿۱۳۸﴾ یونس نیز از پیامبران است ﴿۱۳۹﴾ هنگامی که به قصد فرار، به کشتی سنگین و مملو [از مسافران] نشست ﴿۱۴۰﴾ قرعه انداختند [تا به علت سنگین بودن کشتی یکی را به آب بیاندازند، پس قرعه به نام یونس افتاد] و مغلوب شد ﴿۱۴۱﴾ [او را به دریا انداختند و] ماهی بزرگ او را بلعید در حالی که خود را ملامت می‌کرد ﴿۱۴۲﴾ و اگر او از تسبیح‌کنندگان نبود ﴿۱۴۳﴾ تا روز قیامت در شکم ماهی باقی می‌ماند ﴿۱۴۴﴾ [سرانجام او را رهائی بخشیدیم]. و او را در سرزمین بایری افکندیم. در حالی که بیمار بود ﴿۱۴۵﴾ برای او بوتهٔ کدویی رویاندیم [تا زیر سایهٔ برگ‌های پهن آن آرام گیرد] ﴿۱۴۶﴾ و او را به سوی جماعتی صد هزار نفره، بلکه بیشتر فرستادیم ﴿۱۴۷﴾ آن‌ها ایمان آوردند و ما نیز از نعمت‌های مختلف، تا مدتی معین برخوردارشان کردیم ﴿۱۴۸﴾ از آن‌ها پرس: آیا دختران از آن پروردگار توست، و پسران از آن آن‌هاست؟! ﴿۱۴۹﴾ آیا فرشتگان را مؤنث خلق کرده‌ایم و آن‌ها هم شاهد بودند؟! ﴿۱۵۰﴾ آگاه باشید! که آن‌ها با این تهمت بزرگ می‌گویند: ﴿۱۵۱﴾ خداوند فرزندی آورده، حال آن‌که دروغ می‌گویند! ﴿۱۵۲﴾ آیا دختران را بر پسران ترجیح داده؟! ﴿۱۵۳﴾

^۱ اگر سالک حق، در دو موقعیت خطیر صباح و شام با ذکر «سبحان» حوزه «خردورزی» وارد شود، از مخاطرات و مخاطرنشینان گذر خواهد کرد! خرد، فکر نیست، خرد، نور است. خرد مشاهدهٔ ناب است. مشاهدهٔ بی‌قضاوت! خرد، اتصال به کل است و خود، کل است. دیدن تمام، با مشاهدهٔ بی‌قضاوت ممکن است.

شما را چه شده است. چگونه حکم می‌کنید؟! ﴿۱۵۴﴾ چرا پند نمی‌گیرید؟! ﴿۱۵۵﴾ شاید [برای ادعاهایتان] دلیل روشنی دارید؟! ﴿۱۵۶﴾ اگر راست می‌گویید کتاب‌تان را [که به آن استناد می‌کنید] بیاورید ﴿۱۵۷﴾ آن‌ها میان خدا و جنیان نسبت خویشاوندی قائل شده‌اند، حال آن‌که جنیان می‌دانند که، برای بازخواست به سویش احضار خواهند شد! ﴿۱۵۸﴾ منزّه است خدا از آن‌چه می‌گویند! ﴿۱۵۹﴾ مگر بندگان آزاد شده خدا [که هیچ‌گاه از این توصیف‌ها بر زبان نمی‌آورند] ﴿۱۶۰﴾ شما و آن‌چه که پرستش می‌کنید! ﴿۱۶۱﴾ نمی‌توانید کسی را فریب دهید ﴿۱۶۲﴾ مگر کسانی که به جهنم وارد می‌شوند! ﴿۱۶۳﴾ [فرشتگان گویند]: هر کدام از ما مقام مشخصی دارد ﴿۱۶۴﴾ و ما همگی [برای اطاعت از خدا] به صف ایستاده‌ایم ﴿۱۶۵﴾ همه ما تسبیح‌گوی خداوندیم ﴿۱۶۶﴾ مشرکان همواره گویند: ﴿۱۶۷﴾ چنان‌چه یکی از کُتُب آسمانی پیشینیان نزد ما بود ﴿۱۶۸﴾ بی‌شک همه ما از بندگان آزاد شده خدا بودیم! ﴿۱۶۹﴾ [اما قرآن که نزدشان آمد] به آن کفر ورزیدند! به زودی [نتیجه کفرشان را] خواهند فهمید! ﴿۱۷۰﴾ وعده و فرمان ما از قبل، برای بندگان مرسل ما مسلم شده است ﴿۱۷۱﴾ و آن این‌که همه‌شان [در انجام رسالت‌شان] یاری می‌شوند ﴿۱۷۲﴾ زیرا لشکریان ما پیروزند ﴿۱۷۳﴾ از مشرکان تا مدتی روی بگردان! ﴿۱۷۴﴾ ببین که چه خواهند شد، آن‌ها هم خواهند دید! ﴿۱۷۵﴾ آیا نسبت به مجازات ما عجله دارند؟! ﴿۱۷۶﴾ هنگامی که عذاب الهی، به ساحتِ خانه‌هایشان فرود آید، چه صبح بدی خواهند داشت اخطارشدگان! ﴿۱۷۷﴾ از آن‌ها تا مدتی روی بگردان! ﴿۱۷۸﴾ بنگر! آن‌ها هم عاقبتشان را خواهند دید! ﴿۱۷۹﴾ پروردگار تو، آن با عزّت، از هر وصفی که می‌کنند منزّه است! ﴿۱۸۰﴾ و سلام بر همه پیامبران ﴿۱۸۱﴾ و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار همه جهانیان است! ﴿۱۸۲﴾

سوره ص

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ص، قسم به قرآن پند آموز ﴿۱﴾ که کافران همواره گرفتار قدرت طلبی و اختلافند! ﴿۲﴾ چه مردمان بسیاری را قبل از آنها هلاک کردیم. در حالی که فریاد می‌کشیدند و گریزگاهی نداشتند ﴿۳﴾ آنها تعجب کردند که پیامبر هشداردهنده‌ای از جنس خودشان به سراغ‌شان آمده! و کافران گفتند: این [پیامبر] جادوگری دروغ‌گوست! ﴿۴﴾ و آیا او (پیامبر) به جای این همه خدایان، خدای واحدی قرار داده است؟! این واقعاً چیز عجیبی است! ﴿۵﴾ بزرگان آنها رفتند و به مردم گفتند: بروید و محکم به خدایانتان بچسبید. این چیزی است که اراده شده است! ﴿۶﴾ اما چنین توحیدی را حتی از آیین واپسین گرایان، نشنیده‌ایم، این فقط یک دروغ است! ﴿۷﴾ چرا قرآن از بین همه ما فقط بر او نازل شده است؟! نه! آنها از وحی من در شک و تردیدند! نه، هنوز عذاب مرا نچشیده‌اند! ﴿۸﴾ شاید هم خزاین رحمت پروردگار قدرتمند و بخشنده‌ات نزد آنهاست [که آن قدر گستاخی می‌کنند]! ﴿۹﴾ یا شاید فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست متعلق به ایشان است؟! [اگر چنین است] با نردبانی به آسمان بروند [و جلو وحی را بگیرند]! ﴿۱۰﴾ این‌ها فقط لشکری شکست خورده از احزاب‌اند! ﴿۱۱﴾ قبل از آنها قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت، [پیامبران را] تکذیب کردند ﴿۱۲﴾ هم‌چنین قوم ثمود و قوم لوط و مردم «ایکه» این‌ها هم گروه‌هایی بودند [که پیامبران را تکذیب کردند] ﴿۱۳﴾ همه این‌ها حقانیت پیامبران را تکذیب کردند، و سرانجام نیز گرفتار عذاب الهی شدند ﴿۱۴﴾ این‌ها در حقیقت منتظر چیزی نبودند جز یک صیحه‌ای مرگبار، صیحه‌ای که راه بازگشتی برای کسی باقی نمی‌گذارد ﴿۱۵﴾ آنها [به استهزاء] می‌گفتند: پروردگارا: عذاب ما را هرچه سریع‌تر، آن هم قبل از روز قیامت، بفرست! ﴿۱۶﴾

بر آن چه می‌گویند صبر داشته باش! به خاطر بیاور بنده‌مان داود، صاحب قدرت و پیامبری، توبه کار بود ﴿۱۷﴾ ما کوه‌ها را در اختیار او گذاشتیم تا هر شامگاه و صبحگاه توأمان تسبیح خدا را بگویند ﴿۱۸﴾ و پرندگان را نیز در اختیارش گذاشتیم [تا با هم تسبیح خدا گویند] بدان که همه این‌ها به سوی او باز می‌گشتند! ﴿۱۹﴾ فرمانروائیش را مستحکم کردیم و به او حکمت و مقام داوری عادلانه عطا کردیم ﴿۲۰﴾ آیا خبر آن شاکیان هنگامی که از دیوار محراب [داود] بالا رفتند به تو رسیده است؟! ﴿۲۱﴾ آن‌ها بر داود وارد شدند به طوری که داود از آن‌ها ترسید! گفتند: «نترس، ما دوشاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ظلم کرده است. اکنون بین ما به حق، قضاوت کن و خلاف انصاف و عدالت مگو، و ما را به راه راست راهنمایی کن! ﴿۲۲﴾ این [مرد] برادر من است که نود و نه میش دارد. و من فقط یک میش دارم. می‌گوید: این یکی را هم باید به من واگذار کنی. و در بیان و سخن گفتن نیز از من قوی‌تر است! ﴿۲۳﴾ داود گفت: او با مطالبه میش تو، برای آن که به میش‌های خود اضافه کند، قطعاً به تو ستم نموده است. بسیاری از دوستان نیز نسبت به یکدیگر ستم می‌کنند. مگر آنان که به حقایق ایمان دارند و عملکردشان نیک و شایسته است، هر چند این‌گونه افراد تعدادشان اندک است! داود فهمید که ما او را [با این ماجرا] آزموده‌ایم، (قبل از آن که از طرف دیگر نیز، ماجرا را سؤال کند، قضاوت عجولانه کرد) از پروردگارش طلب آموزش کرد و به سجده افتاد و توبه نمود^۱ ﴿۲۴﴾ ما او را آموزدیم، زیرا او مقرب درگاه ماست و عاقبت به خیر است. ﴿۲۵﴾ ای داود! ما تو را جانشینی بر روی زمین قرار داده‌ایم، پس بین مردم به حق حکم کن، و از هوای نفس تبعیت مکن، که از راه نجات‌بخش الهی منحرف می‌گردی! و کسانی که از راه خدا منحرف شوند، به سبب فراموش کردن روز حسابرسی، عذاب سختی خواهند شد! ﴿۲۶﴾

^۱ از منظری، انسان نود و نه درصد حیوانیت است و یک درصد چیز برتر، اما این یک، بسیار مهم است. پایه است. این یک باید آن نود و نه دیگر را به نیکی و سازندگی جذب کرده به وحدت برساند. آنگاه است که صد، ظهور می‌کند و «ق» قاف، فتح می‌شود. سلوک، نیل به وحدت است. اگر جدایی ایجاد کنی، بازنده جنگیده‌ای! تمامیت تو مهم است. تمامیت خود را دریاب!

ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن‌هاست به باطل خلق نکرده‌ایم. این گمان کسانی است که به حقایق ایمان ندارند. پس وای بر بی‌ایمانان از آتش [دوزخ]! ﴿۲۷﴾ آیا تصور می‌کنید آن‌هایی را که به حقایق ایمان آوردند و عملکرد نیک و شایسته دارند، با تبهکاران روی زمین همانند قرار می‌دهیم! و یا حرمت‌گزاران حریم الهی را با مفسدان گنهکار یکسان می‌داریم؟! ﴿۲۸﴾ این کتابی است پربرکت، که بر تو نازل کرده‌ایم تا [مردم] در آیات تدبّر کنند و اهل خرد از آن پند بگیرند ﴿۲۹﴾ ما سلیمان را به داود عطا کردیم. چه بنده خوبی بود همواره رو به سوی خدا داشت ﴿۳۰﴾ [به یاد آر]! آن زمان که هنگام عصر، اسبان تندرویی را بر او عرضه داشتند ﴿۳۱﴾ سلیمان گفت: حبّ و اشتیاق به اسبان، مرا از یاد پروردگارم غافل کرد! و بدین سبب آن اسبان از دیدگانش پنهان شدند! ﴿۳۲﴾ سپس گفت: آن اسبان را برایم بازگردانید، آن‌گاه بر ساق‌ها و گردن آن‌ها دست کشید ﴿۳۳﴾ ما سلیمان را آزمایش کردیم و [او را چون] جسدی بر تختش افکندیم! آن‌گاه او به درگاه خداوند توبه نمود ﴿۳۴﴾ گفت: پروردگارا مرا بیامرز و حکومتی به من عطا کن که در خور احدی بعد از من نباشد، زیرا تو بسیار بخشنده‌ای! ﴿۳۵﴾ ما باد را در اختیار او قرار دادیم، تا به دستورش به نرمی جریان یابد و هر جا که او بخواهد بوزد ﴿۳۶﴾ هر بتّاً و غواصی از شیاطین را در اختیار او گذاشتیم ﴿۳۷﴾ حتی گروهی دیگر [از شیاطین] را در حالی که در غل و زنجیر بودند فرمانبردارش کردیم ﴿۳۸﴾ [و به او گفتیم]: این عطای ماست، بر هر کس خواستی ببخش، و یا از او امساک کن! بر تو حسابی نخواهد بود ﴿۳۹﴾ زیرا او نزد ما مقرب بود و عاقبت بخیر ﴿۴۰﴾ ایوب را یاد کن! آن هنگام که پروردگارش را ندا داد که شیطان به من رنج و عذاب رسانده است! ﴿۴۱﴾ [به او گفتیم]: پای خود را بر زمین بزن! این چشمه‌ای از آب خنک برای شستشو و نوشیدن است! ﴿۴۲﴾

^۱ برای انسانی چون سلیمان توجه فقط باید خاص خداوند باشد، زیرا همه پدیده‌ها مسخر او شده‌اند!

و خانواده‌اش را به او برگردانیدیم و همانند آن چه را از دست داده بود به او عطا کردیم، تا هم رحمتی از سوی ما باشد و هم پندی برای خردمندان! ﴿۴۳﴾ [به او گفتیم]: دسته‌ای از شاخهٔ گیاه را برگیر و [به همسرت] بزن و قسم خود را مشکن، زیرا ما او را بردبار یافتیم. چه بنده خوبی بود و بسیار روی به خدا می‌آورد ﴿۴۴﴾ بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که قدرتمند و صاحب بصیرت بودند، یاد کن! ﴿۴۵﴾ ما آن‌ها را به خالص‌ترین وجه خالص کردیم و آن چیزی نبود جز یاد آخرت! ﴿۴۶﴾ زیرا آن‌ها نزد ما جزو برگزیدگان و نیکان هستند ﴿۴۷﴾ یاد کن! اسماعیل و الیسع و ذوالکفل را که همگی از نیک مردان‌اند ﴿۴۸﴾ این یک پند است و برای حرمت نگاه‌داران حریم الهی عاقبت بخیری است ﴿۴۹﴾ درهای بهشت‌های جاودان بر روی آن‌ها همواره باز است ﴿۵۰﴾ و بر روی تخت‌های بهشتی تکیه زده‌اند و هر میوه و نوشیدنی گوارا در اختیارشان است ﴿۵۱﴾ در کنار آن‌ها حورانی هم سن و سال است، که نگاه‌شان سرشار از محبت و وفاست! ﴿۵۲﴾ این همان چیزی است که به آن وعده داده شده‌اید ﴿۵۳﴾ حقیقتاً این روزی ماست که هرگز تمام شدنی نیست! ﴿۵۴﴾ و اما برای طغیانگران [از اوامر الهی] بدترین محل بازگشت است ﴿۵۵﴾ و آن جهنمی است که در آن وارد می‌شوند. و چه بد بستی است ﴿۵۶﴾ و این حمیم و غساق است (چرک و خونابه‌ای که در کالبد است) که باید از آن بچشند! ﴿۵۷﴾ و غیر از این‌ها مجازات‌های همانند آن را باید بچشند ﴿۵۸﴾ این گروه (رهبران گمراهی) با شما در آتش دوزخ وارد می‌شوند، خوش آمدشان مباد که همگی به آتش می‌افتند! ﴿۵۹﴾ آن‌ها [به رهبران گمراه‌شان] گویند: خوش آمد مباد شما را، که این [عذاب] را در حقیقت، شما برای ما فراهم کردید، چه بد قرارگاهی است [این جهنم]! ﴿۶۰﴾ و باز گویند: پروردگارا! هر کس کار ما را به این جا رسانده عذابش را از آتش زیادت‌ر کن! ﴿۶۱﴾

^۱ گفته‌اند، هنگامی که ایوب به سختی بیمار بود روزی شیطان به شکل آدمی بر همسر ایوب ظاهر می‌شود و به او می‌گوید: من همسر تو را شفا می‌دهم، به شرط آن که وقتی شفا یافت اعتراف کند که من او را شفا داده‌ام! همسر ایوب که از بیماری شوهرش در رنج بود و می‌خواست هرچه سریع‌تر از بیماری شفا یابد، ظاهراً شرط را پذیرفت. اما هنگامی که موضوع را با ایوب در میان گذاشت او سخت برآشف و قسم خورد که وقتی از بیماری شفا یابد او را تنبیه کند. به موجب آیهٔ فوق به علت این که همسر ایوب وفادار بود و بسیار رنج و زحمت کشید، خداوند فرمود که ایوب با دسته‌ای از ساقه‌های گندم که در حقیقت حکم نوازش را دارد این کار را بکند تا قسمش را نشکند! اما وجه دیگر آنکه، در ظاهر آیه اشاره به زنی نیست! بلکه این مفهوم باطنی را اشاره به یک شیوه خاص درمانی در امور باطنی دانسته‌اند. در عرفان عملی مباحثی عملی است که از شاخ و برگ گیاهان انرژی می‌گیرند.

و نیز گویند: چرا افرادی را که جزو اشرار می‌پنداشتیم [در جهنّم] نمی‌بینیم؟! ﴿۶۲﴾
 آیا آن‌ها را [بسی جهت] مسخره می‌کردیم، یا اکنون دیده‌ها آن‌ها را نمی‌بینند؟! ﴿۶۳﴾
 این‌ها واقعیّات گفت‌وگوهای جهنمیان است! ﴿۶۴﴾ بگو: من فقط هشدار دهنده‌ام،
 و هیچ خدایی جز خداوند واحد قهار وجود ندارد ﴿۶۵﴾ پروردگار آسمان‌ها و زمین
 و آنچه میان آن‌هاست، پروردگار قدرتمند و بسیار آمرزنده است ﴿۶۶﴾ بگو: این
 همان خبر بزرگ است ﴿۶۷﴾ که شما همواره از آن روی بر می‌گردانید! ﴿۶۸﴾
 من از عالم بالا، آن هنگام که [فرشتگان دربارهٔ خلقت آدم] مخاصمه می‌کردند آگاهی
 نداشتم! ﴿۶۹﴾ تنها چیزی که به من وحی می‌شود این است که من هشداردهنده‌ای
 آشکار هستم ﴿۷۰﴾ هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: می‌خواهم بشری از
 گل بیافرینم ﴿۷۱﴾ پس آن‌گاه که آن را نظام بخشیدم، از روح خویش در او دمیدم،
 [گفتم]: اکنون همه سجده‌اش کنید! ﴿۷۲﴾ همهٔ فرشتگان به سجده افتادند ﴿۷۳﴾
 مگر ابلیس که تکبر کرد و از کافران بود! ﴿۷۴﴾ [خدا] گفت: ای ابلیس! چه چیز
 باعث شد تا موجودی را که با دست‌انم خلق کرده‌ام سجده نکنی؟! آیا تکبر کردی یا
 مقام بلندی داشتی؟! ﴿۷۵﴾ ابلیس گفت: من بهتر از او هستم، مرا از آتش آفریده‌ای
 و او را از گل! ﴿۷۶﴾ [خدا] گفت: از این جا و این مقام بیرون شو که تو مطرودی!
 ﴿۷۷﴾ بدان که تا روز قیامت نفرین من بر تو باد! ﴿۷۸﴾ ابلیس گفت: مرا تا روزی
 که انسان‌ها برانگیخته می‌شوند، مهلت ده ﴿۷۹﴾ [خدا] گفت: تو از مهلت داده
 شدگانی ﴿۸۰﴾ ولی تا روز و زمان معین! ﴿۸۱﴾ ابلیس [که با این امان‌نامه خیالش
 راحت شد] گفت: به عزّت سوگند که همهٔ آدمیان را گمراه خواهم کرد! ﴿۸۲﴾
 مگر آن‌ها که از بندگان رهایی یافته‌توانند ﴿۸۳﴾

^۱ عالون (عالین) را فرشتگان بلند مرتبه‌ای دانسته‌اند که از فرط عشق و توجه به ذات حق تعالی، نمی‌دانند که خلقتی
 شکل گرفته و آدمی آفریده شده است. اینان جز به ذات حق تعالی، توجه‌شان به چیز و کسی نیست.

خدا] گفت: قسم به حق و حق می‌گویم ﴿۸۴﴾ که جهنم را از تو و از تمام کسانی که از تو پیروی کنند، پُر خواهیم کرد! ﴿۸۵﴾ [ای پیامبر] بگو: من از شما به خاطر انجام رسالتم مزدی نمی‌خواهم. من از متکلفین نیستم! ﴿۸۶﴾ این [قرآن] فقط پندنامه‌ای برای جهانیان است ﴿۸۷﴾ و خبر [حقانیت] آن را بعد از مدتی درخواهید یافت! ﴿۸۸﴾

سوره زمر

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

این کتاب، نازل شده از جانب خداوند قدرتمند و حکیم است ﴿۱﴾ ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم تا خداوند را بیپرستی، و دین را خالص و تمام برای او بخواهی! ﴿۲﴾ آگاه باشید که دین خالص،^{۱۰} از آن خداست، و کسانی که به جای او تکیه‌گاه‌های دیگری بر می‌گزینند [ادعا می‌کنند که] ما این چیزها را فقط به خاطر تقرب به خدا می‌پرستیم! خداوند در آن چه اختلاف می‌کنند، میان‌شان قضاوت خواهد کرد، زیرا او کسی را که دروغگو و ناسپاس است به راه نجات و آرامش هدایت نمی‌کند ﴿۳﴾ اگر خدا می‌خواست فرزندی برای خود برگیرد، از میان مخلوقاتش آن چه را که می‌خواست برمی‌گزید. اما او پاک و منزّه است. او خدای واحد قهار است! ﴿۴﴾ او آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید. شب را بر روز چیره می‌کند و روز را بر شب! و خورشید و ماه را رام خود کرده، تا هر کدام تا زمان معین [در مدارهای از پیش تعیین شده خود] جریان داشته باشند. بدانید که او قدرتمند و بسیار با گذشت است! ﴿۵﴾

۱. دین در جهان ظاهر، دو گونه است. یکی دین خالص، که همان دین خداست و در قرآن به «دین الله» مشهور است. دیگر، دین ناخالص مردمان که به دین ملوک‌شان درآمده‌اند. چنان‌چه پیامبر (ص) به او فرمودند: «الناس علی دین ملوکهم». ملوک آن کسانی که مالکیت جسمی و ذهنی مردمان را در اختیار گرفته‌اند. ما در روند حیات‌مان موظف‌ایم که دین خالص را دریابیم و به آن وارد شویم. «یدخلون فی دین الله أفواجا». زیرا این دین خالص است که رهاننده است و رنج را می‌زداید. خالص، خلاص‌کننده است و از این رو ناب و بی‌شرک است. عاری از هر تعلق و ذهنیت [صاحب چنین دینی، یک آزاده تمام عیار است.

شما را از یک تن آفرید. سپس از او جفتش را پدید آورد. آن گاه هشت جفت از انعام برایتان^{۱)} به وجود آورد. شما را در شکم‌های مادرانتان طوری به وجود آورد که مرحله به مرحله، آفرینش جدیدی می‌گرفتید! آن هم درون تاریکی‌های سه گانه!^{۲)} این چنین است خداوندی که پروردگار شماست، فرمانروایی مطلق، آن اوست و هیچ معبودی جز او نیست. با وجود این، چگونه از حقایق منحرفتان می‌کنند؟! ﴿۶﴾ اگر کفران [نعمت‌های الهی] کنید بدانید! که خداوند از همه شما بی‌نیاز است! اما ناسپاسی را برانزده بندگان نمی‌داند. و اگر شکرگزار نعمت‌ها باشید آن را برانزده شما می‌داند. بدانید! که هیچ کس بارِ گناه کس دیگری را به دوش نمی‌کشد، و سرانجام بازگشت‌تان همه به سوی پروردگارتان است تا از عملکردتان آگاه‌تان سازد، زیرا او از آن چه درون سینه‌هاست، آگاه است ﴿۷﴾ هنگامی که بلا و مصیبتی به انسان می‌رسد پروردگارش را دعا می‌کند، و به درگاهش انابه و زاری می‌نماید، آن گاه چون خدا نعمتی را از جانب خود به او عطا کند. آن دعاها و زاری‌ها را که قبلاً کرده، فراموش می‌کند [حتی خود نعمتی را هم که به او داده شده فراموش می‌کند و برایش عادی می‌شود] دوباره برای خدا همتیانی قائل می‌شود (قدرت الهی را به این و آن نسبت می‌دهد) تا مردم را از راه نجات‌بخش الهی منحرف سازد. بگو: اکنون چند صباحی از کفر خویش لذت ببر و بهره‌مند شو! که به زودی اهل جهنم خواهی بود! ﴿۸﴾ آیا کسی که به عشق خداوند، تمام ساعات شب را به عبادت پرداخته یا در قیام بوده یا در سجده، و از مجازات روز حسابرسی بیمناک است، و [در عین حال سراپای وجودش] امیدوار به رحمت الهی است [با کسی که از این لذت‌ها بویی نبرده یکسان است]؟! [ای پیامبر] بگو: آیا آن‌ها که حقایق را می‌دانند با آن‌ها که از آن بی‌خبرند یکسانند؟! فقط خردمندان از این نکات پند می‌گیرند! ﴿۹﴾ بگو: ای بندگان من که اهل ایمانید! حرمت پروردگارتان را نگاه دارید و بدانید هر کس در این دنیا نیکی کند، پاداش نیکی خواهد داشت. زمین خدا وسیع است (هجرت برای نیل به آرامش و برخورداری از نعمت‌ها و فرصت‌هایی جدید، یک لطف بسیار بزرگ خداوند است) و پاداش صابران، بی‌حساب به آن‌ها داده خواهد شد! ﴿۱۰﴾

۱. اهل ذوق و معنا، انعام را کالبدهای متنوعی دانسته‌اند که به طور لایه‌لایه وجود آدمی را در بر گرفته‌اند.

۲. تاریکی‌های سه گانه را موقعیتی برای شکل‌پذیری دانسته‌اند. اولین شکل دارای سه ضلع است که مثلث است. تمام موجوداتی که به دنیای تاریک ما آمده‌اند دارای سه بعد هستند و برای ظهور در دنیا، قهراً باید که این سه بعد را بپذیرند.

بگو: من مأمور شده‌ام، تا فقط خدا را بپرستم. و دین را برای او خالص گردانم^(۱۱) و نیز امر شده‌ام سرآمد تسلیم شدگان باشم!^(۱۲) بگو: من از نافرمانی پروردگارم به خاطر مجازاتِ روز بزرگ، بیمناکم^(۱۳) بگو: خدا را می‌پرستم و دینم را فقط برای او خالص و ناب می‌کنم^(۱۴) شما هرچه را خواستید به جای او بپرستید! بگو: زیانکاران کسانی هستند که به خود و خانواده‌شان در روز قیامت زیان می‌رسانند! آگاه باشید که این یک زیان و خسران واقعی است^(۱۵) این چنین افراد، هم از بالای سرشان طبقاتی از آتش است و هم از زیر پاهایشان! و این سرنوشتی است که خداوند بندگان را از آن بیم می‌دهد. پس ای بندگان من! حرمت اوامر نجات بخش مرا نگاه دارید^(۱۶) کسانی که از پرستش هر نوع بت و طاغوت اجتناب می‌کنند، و به خداوند بزرگ روی می‌آورند، بر آن‌ها بشارت باد! تو نیز بندگانم را به پاداشی بزرگ بشارت ده!^(۱۷) همان کسانی که انواع سخن‌ها و راه حل‌ها را گوش می‌کنند. و از میان آن‌ها بهترین‌شان را بر می‌گزینند. این چنین کسانی مشمول هدایت الهی شده‌اند. و حقیقتاً جزو خردمندان هستند^(۱۸) آیا کسی را که حکم عذاب برای او صادر شده است تو می‌توانی از آتش دوزخ نجات دهی؟!^(۱۹) اما کسانی که حرمت اوامر پروردگارشان را نگاه داشتند، بناهای زیبایی برای آن‌هاست که دارای غرفه‌هایی بر روی هم است و زیر آن نهرها جاری است. این وعده الهی است، و خداوند هیچ‌گاه از وعده‌اش تخلف نمی‌کند!^(۲۰) آیا نمی‌بینی که خداوند از آسمان آبی نازل می‌کند تا چون چشمه‌سارها در زمین جاری شود، آن‌گاه به واسطه آن، محصولات مختلفی با رنگ‌های گوناگون می‌رویند، سپس آن‌ها را زرد و خشک می‌کند و تبدیل به هیزم خرد شده می‌گرداند. بدانید در تمام این نکات برای خردمندان عبرت‌هایی است!^(۲۱)

۱. هرگونه شرک و ناخالصی از دین بزدایم تا دین، رهاننده شود! خالص: رهاننده، خلاص کننده .

۲. سراپای وجودم تسلیم خداوند بزرگ باشد!

آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام (تسلیم شدن در برابر حق گشوده او) ظرفیتش را بالا برده [و همواره در مسیر پر نور الهی است. [با کسانی که از این معانی بویی نبرده همانند است]؟! پس وای بر سخت‌دلانی که یاد خدا در دل‌های ایشان جایی ندارد! بی‌شک اینان در گمراهی واقعی به سر می‌برند ﴿۲۲﴾ خدا بهترین سخن را نازل کرده است، کتابی که آیاتش [از نظر عمق و زیبایی] همانند یکدیگرند و مکرر شده‌اند، کتابی که با شنیدن آن لرزه بر اندام کسانی که نسبت به خدا خاشعند می‌افتد، سپس سراسر وجودشان و قلب‌هایشان با یاد خدا آرامشی زیبا می‌گیرد. این همان هدایت الهی است که خدا هر که را صلاح بداند به آن رهنمون می‌سازد. و بدانید هر که را در گمراهی بگذارد هیچ هدایت‌کننده‌ای برایش وجود نخواهد داشت! ﴿۲۳﴾ آیا کسی که در روز قیامت با چهره [واقعی] خود، با عذاب الهی روبه‌رو می‌شود [همانند کسی است که در امتیّت کامل به سر می‌برد، و آتش هیچ‌گاه به سراغش نمی‌آید]؟! بدانید! به ظالمان گفته شود: بچشید نتیجه دستاوردتان را! ﴿۲۴﴾ کسان دیگری که قبل از آن‌ها بودند نیز آیات ما را تکذیب کردند، و سرانجام عذاب الهی از جایی که فکرش را هم نمی‌کردند به سراغشان آمد! ﴿۲۵﴾ خداوند به آن‌ها در زندگی دنیا، مزه خواری و ذلّت را چشاند، هر چند عذاب آخرت به مراتب بزرگتر است! کاش این نکات را درک می‌کردند! ﴿۲۶﴾ ما برای مردم در این قرآن از هر نوع حکایت و مثلی آوردیم تا شاید پند بگیرند! ﴿۲۷﴾ آن هم در قرآنی فصیح و روشن که هیچ کژی و انحرافی در آن راه ندارد. امید آن که مردم حرمت اوامر الهی را نگاه دارند! ﴿۲۸﴾ خداوند مثالی می‌زند: آیا فردی که مملوک شریکانی است و آن‌ها پیوسته، درباره مالکیت او مشاجره می‌کنند، با کسی که تنها تسلیم یک نفر است مساوی هستند؟! ستایش مخصوص خداوند بزرگ است. هر چند اکثر آن‌ها درک نمی‌کنند! ﴿۲۹﴾ هم تو می‌میری و هم آن‌ها خواهند مرد! ﴿۳۰﴾ سپس [همگی‌تان] در روز قیامت نزد خداوند به مخاصمه خواهید پرداخت ﴿۳۱﴾

چه کسی ستمکارتر از شخصی است که بر خدا دروغ بندد و هنگامی که راستی به سراغش بیاید آن را تکذیب کند؟! آیا جهنم جایگاه کافران نیست؟! ﴿۳۲﴾ اما کسی که صدق و راستی را بیاورد و آن که تصدیقش کند، همه آن‌ها حرمت‌گزاران حریم الهی‌اند ﴿۳۳﴾ هر چه بخواهند نزد پروردگارشان برای آن‌ها مهیاست و این چنین است پاداش نیکوکاران! ﴿۳۴﴾ بدین سان خداوند از بدترین اعمالی که مرتکب شده‌اند می‌گذرد، و به بهترین عملکردشان پاداش می‌دهد ﴿۳۵﴾ آیا خداوند برای بنده‌اش کافی نیست؟! حال آن که کافران، تو را از غیر خدا می‌ترسانند! بدان که خداوند هر کس را در گمراهی بگذارد، هیچ هدایت‌کننده‌ای نخواهد داشت! ﴿۳۶﴾ و هر کس را خدا هدایت کند، هیچ گمراه‌کننده‌ای برایش وجود نخواهد داشت! آیا خداوند، قدرتمند و صاحب انتقام نیست؟! ﴿۳۷﴾ چنانچه از آن‌ها بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده، خواهند گفت: الله! بگو پس در مورد این‌هایی که به جای خدا می‌خوانید چه تصور می‌کنید؟! اگر خداوند قصد رساندن آسیبی به من را داشته باشد، آیا این خدایان دروغین می‌توانند این آسیب را برطرف نمایند؟! یا اگر خداوند قصد رساندن رحمتی را به من داشته باشد، آیا آن‌ها می‌توانند از رحمت الهی جلوگیری کنند؟! بگو: خداوند مرا کافی است! و هر توکل‌کننده‌ای بر او توکل می‌کند ﴿۳۸﴾ بگو: ای قوم من! هر کاری می‌توانید بکنید، من نیز کار خودم را می‌کنم! به زودی خواهید فهمید ﴿۳۹﴾ بر چه کسی عذاب خوارکننده وارد می‌شود، و متعاقب آن عذاب جاودان گرفتارش می‌سازد! ﴿۴۰﴾

ما این قرآن را برای هدایت مردم، به حق بر تو نازل کرده‌ایم. پس هر کس هدایت خویش را بر گرفت به نفع خود کار کرده است، و هر که گمراه شد به زیان خود گمراه شده است. و تو وکیل مدافع آن‌ها نیستی! ﴿۴۱﴾ خداوند روح مردم را هنگام مرگ‌شان می‌گیرد. و آن‌هایی که زنده‌اند، روح‌شان را در خواب می‌گیرد. چنان‌چه فرمان مرگ‌شان صادر شده باشد، روح آن‌ها را ننگه می‌دارد، و دیگران را [که موقع مرگ‌شان فرا نرسیده] بر می‌گرداند، آن هم تا مدتی معین و تقدیر شده! بدانید که در این نکات برای اهل تفکر نشانه‌هایی است! ﴿۴۲﴾ آیا به غیر از خدا شفیعیانی انتخاب کرده‌اند؟! بگو: اگر چه آن‌ها مالک چیزی نباشند و عقل و درکی هم نداشته باشند؟! ﴿۴۳﴾ بگو: تمامی شفاعت از آن خداست! فرمانروایی آسمان‌ها و زمین نیز از آن اوست، و سرانجام همه به سوی او باز خواهید گشت! ﴿۴۴﴾ هنگامی که خداوند به یگانگی یاد می‌شود، قلب‌های کسانی را که به آخرت ایمان ندارند تنفر فرا می‌گیرد، ولی هنگامی که به جای خدا از کسان دیگر یاد شود، آن‌ها شادمان می‌گردند! ﴿۴۵﴾ بگو: خداوند! تو آفریننده آسمان‌ها و زمین هستی، تو دانای نهان و آشکاری، و تو در مورد اختلاف میان بندگان، داوری! ﴿۴۶﴾ چنان‌چه تمامی آن‌چه در زمین است، متعلق به ظالمان باشد و حتی همانند آن نیز به آن اضافه شود، حاضرند با دادن همه این‌ها خود را از مجازات روز قیامت معاف کنند! حال آن‌که از سوی خدا چیزهایی برای‌شان آشکار می‌شود که در مخیله‌شان هم نخواهد گنجید! ﴿۴۷﴾

بدی‌ها و پلیدی‌های دستاوردشان بر آن‌ها آشکار می‌شود و آنچه را که روزی به تمسخر می‌گرفتند محاصره‌شان خواهد کرد! ﴿۴۸﴾ هنگامی که بلا و مصیبتی به انسان رسد به دعا ما را می‌خواند، و هنگامی که نعمتی را از جانب خود به او عطا می‌کنیم گوید: این نعمت، دستاورد علم و دانش خود من است! نه، این یک امتحانی بیش نیست، هرچند اکثرشان درک نمی‌کنند! ﴿۴۹﴾ این همان چیزهایی است که پیشینیان نیز می‌گفتند، اما آنچه به دست آوردند هیچ سودی به حال‌شان نکرد ﴿۵۰﴾ و سرانجام، بدی‌های دستاوردشان به آن‌ها رسید. و ظالمان این گروه نیز به زودی آثار پلید عملکردشان به آن‌ها خواهد رسید، و هرگز نخواهند توانست از دست انتقام الهی بگریزند! ﴿۵۱﴾ آیا نمی‌دانند که خداوند به هر که صلاح بداند روزی فراوان می‌دهد و یا بر او تنگ می‌گیرد. در این نکته برای اهل ایمان عبرت-هایی است ﴿۵۲﴾ بگو: ای بندگان من که بر خویش اسراف روا داشته‌اید [و عملکردتان بد بوده است!] از رحمت الهی ناامید مشوید! خداوند بزرگ، تمامی گناهان را می‌بخشد، زیرا او آمرزنده و با گذشت است ﴿۵۳﴾ به سوی پروردگارتان برگردید و [سراپا] تسلیم او شوید، قبل از آن که عذاب به سراغتان بیاید، و دیگر هیچ یآوری نداشته باشید! ﴿۵۴﴾ همواره از بهترین دستورهایی که از جانب پروردگارتان برایتان نازل شده پیروی کنید. قبل از آن که عذاب به طور ناگهانی شما را فرا گیرد. در حالی که کاملاً بی‌خبر هستید! ﴿۵۵﴾ [این پندها برای آن است] که مبدا کسی در روز قیامت بگوید: افسوس بر من که در فرمان‌های الهی کوتاهی کردم و از تمسخرکنندگان بودم! ﴿۵۶﴾

و یا این که بگوید: اگر خداوند مرا [به راه نجات] هدایت می‌کرد حتماً از نگاه-دارندگان حرمت الهی می‌شدم! ﴿۵۷﴾ و یا این که چون عذاب را ببیند بگوید: اگر یک بار دیگر به دنیا باز گردهم حتماً از نیکوکاران خواهم شد! ﴿۵۸﴾ آری، آیات نجات‌بخش من، به سراغت آمد، اما تو آن‌ها را تکذیب کردی و تکبر ورزیدی و از کافران بودی! ﴿۵۹﴾ در روز قیامت، چهرهٔ کسانی را که بر خداوند دروغ بستند سیاه می‌بینی؟ آیا جهنم جایگاه متکبران نیست؟! ﴿۶۰﴾ و خداوند کسانی را که حرمت فرمان‌های او را نگاه داشتند با رستگاری رهایی می‌بخشد، و به آن‌ها هیچ آسیبی نمی‌رسد. و غمگین نخواهند شد ﴿۶۱﴾ الله، خالق همه چیز است و او وکیل هر چیزی است! ﴿۶۲﴾ و کلیدهای آسمان‌ها و زمین از آن اوست. بدانید که منکران آیات الهی همه‌شان زیانکارند! ﴿۶۳﴾ بگو: ای نادانان! آیا به من دستور می‌دهید که غیر خدا را بپرستم؟! ﴿۶۴﴾ هم به تو و هم به پیامبران پیش از تو وحی شده است. چنان‌چه به خداوند بزرگ شرک ورزید، تمامی اعمال‌تان از بین می‌رود (بی‌پاداش می‌ماند) که در این صورت قطعاً از زیانکاران خواهید بود! ﴿۶۵﴾ بلکه تو باید خداوند بزرگ را عبادت کنی و شکرگزار نعمت‌های او باشی ﴿۶۶﴾ خدا را آن‌گونه که شایسته است نشناختند! حال آن‌که در روز قیامت تمام زمین در ید قدرت اوست. و آسمان‌ها نیز به دست او در هم پیچد. پاک و منزّه است او، و بی‌شک از شریکانی که برایش قائل می‌شوند بلند مرتبه‌تر! ﴿۶۷﴾

در صور دمیده شود، و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند بمیرند مگر آن‌ها که خدا بخواهد! سپس دوباره در صور دمیده شود، ناگهان همه برخیزند و منتظر حسابرسی شوند! ﴿۶۸﴾ [در آن روز] زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود! نامه‌های اعمال را پیش می‌نهند، و پیامبران و گواهان را می‌آورند. و میان مردم به حق قضاوت می‌شود، حال آن‌که به کسی هیچ ظلمی نخواهد شد ﴿۶۹﴾ و جزای دستاورد هر کس بی‌کم و کاست داده شود، زیرا خدا نسبت به عملکردشان از هر کس دیگری آگاه‌تر است! ﴿۷۰﴾ آن‌گاه کسانی که به حقایق کافر شدند، گروه‌گروه به سوی جهنم برده شوند. و هنگامی که به آن‌جا می‌رسند درهای جهنم باز شود. و نگهبانان آن‌جا به آن‌ها گویند: آیا پیامبران شما به سویتان نیامدند تا آیات نجات‌بخش پروردگارتان را بر شما بخوانند، و شما را از دیدار چنین روزی هشدار دهند؟! گویند: آری! اما دیگر، فرمان مجازات کافران تحقق یافته است! ﴿۷۱﴾ به آن‌ها گفته شود: از درهای جهنم داخل شوید که در آن جاودان خواهید بود، و چه بد جایگاهی است جایگاه متکبران! ﴿۷۲﴾ اما کسانی که حرمت پروردگارش را نگاه داشتند، گروه‌گروه به سوی بهشت سوق داده شوند، وقتی به آن‌جا می‌رسند درهای بهشت گشوده شود. و نگهبانان آن‌جا گویند: سلام بر شما. بهشت گواریتان باد! به آن داخل شوید که جاویدانید ﴿۷۳﴾ و گویند: ستایش مخصوص خدایی است که هر وعده‌ای به ما داد راست بود! زمین را میراث ما قرار داد، در بهشت هر جایش که بخواهیم منزلگاه خود را قرار می‌دهیم! این چه پاداش خوبی است برای اهل عمل! ﴿۷۴﴾

و فرشتگان را می‌بینی که دور تا دور عرش حلقه زده‌اند و در حال تسبیح و ستایش پروردگارشان هستند. میان آن‌ها نیز به حق داوری می‌گردد، او سرانجام این حقیقت [گفته خواهد شد: ستایش فقط سزاوار خداوندی است که پروردگار جهانیان است! ﴿۷۵﴾]

سوره غافر

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

حم ﴿۱﴾ این کتاب نازل شده از جانب خداوند قدرتمند آگاه است ﴿۲﴾ همان خدایی که بخشاینده گناهان است، توبه‌پذیر است، دارای عقوبت سخت است، صاحب کرم و نعمت است، هیچ معبودی جز او نیست و سرنوشت همه به سوی او ختم می‌شود! ﴿۳﴾ هیچ کس در حقانیت آیات الهی مجادله نمی‌کند مگر کسانی که به حقایق کافر شده‌اند! مراقب باش جولان دادن آنان در شهرها [و قدرت نمائیشان] باعث فریب تو نشود! ﴿۴﴾ قبل از آن‌ها قوم نوح و اقوام دیگری که بعداً آمدند، حقایق را تکذیب کردند. و هر امتی توطئه چید تا پیامبرشان را بگیرند [و منزوی کنند] و به وسیله باطل به مجادله برخاستند تا حق را از بین ببرند، اما من گرفتار عذاب‌شان کردم. تصور کن عذاب من چگونه بود! ﴿۵﴾ و این چنین فرمان عذاب الهی بر کسانی که به حقایق کافر شدند، تحقق یافت و همه آن‌ها اهل آتش شدند! ﴿۶﴾ کسانی که حاملان عرش الهی‌اند، و کسانی که گرداگرد آن تسبیح و ستایش پروردگارشان را می‌کنند و به او ایمان دارند، برای کسانی که اهل ایمانند استغفار می‌کنند [و می‌گویند]: پروردگارا! تو که رحمت و علمت را در همه جا گسترده‌ای، توبه‌کنندگان و کسانی را که به راه نجات بخش تو آمده‌اند ببخش و همه‌شان را از عذاب جهنم حفظ فرما! ﴿۷﴾]

پروردگارا! آن‌ها را به بهشت‌های جاودانی که وعده داده‌ای داخل کن. [نه تنها آنها]، بلکه هر نیکوکاری از پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان را نیز داخل کن، زیرا تو قدرتمند و حکیمی! ﴿۸﴾ و آن‌ها را از ارتکاب بدی‌ها حفظ نما، زیرا هر کسی را که در آن روز از بدی‌ها حفظ نمایی حقیقتاً مشمول رحمتش قرار داده‌ای، و این همان پیروزی بزرگ است! ﴿۹﴾ به آن‌هایی که نسبت به حقایق کافر شدند، ندا دهند که دشمنی خداوند نسبت به شما از دشمنی خودتان نسبت به خودتان بزرگ‌تر است، زیرا [در دنیا] به ایمان آوردن به حقایق دعوت شدند اما کفر ورزیدید! ﴿۱۰﴾ گویند: پروردگارا! تا به حال ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کرده‌ای.^{۱)} اکنون به گناهانمان اعتراف داریم. آیا راه خروجی برای ما هست؟! ﴿۱۱﴾ این عذاب به خاطر آن است که وقتی خداوند به یکتایی خوانده می‌شد شما این حقیقت را انکار می‌کردید، و اگر برای خداوند شریک قائل می‌شدند شما آن را باور می‌کردید. اکنون حکم، حکم خداست، خدایی که بلند مرتبه و بزرگ است ﴿۱۲﴾ همان کسی که آیات و نشانه‌های بحقش را نشانتان می‌دهد و برای شما از آسمان رزق و روزی می‌فرستد. با این همه هیچ کدام پند نمی‌گیرند، مگر آن کسی که روی سوی خدا آورد ﴿۱۳﴾ پس [تا فرصت هست] فقط خدا را بخوانید و دین خود را برای او خالص و ناب کنید، هر چند منکران حقیقت خشنود نباشند! ﴿۱۴﴾ او درجات [صالحان] را ترفیع می‌دهد، او صاحب عرش و فرمانروایی مطلق است، اوست که آن روح را به امر خویش بر هر کدام از بندگانش که صلاح بداند، می‌افکند تا [مردم را نسبت] به روز ملاقات الهی هشدار دهد! ﴿۱۵﴾ روزی که همه آنان آشکار می‌شوند و هیچ چیز آن‌ها بر خداوند پوشیده نمی‌ماند [گفته می‌شود]: امروز حکومت از آن کیست؟! از آن خدای یکتای قهار! ﴿۱۶﴾

۱. یک احیاء در زندگی، یک احیاء پس از روشن شدن چشم‌شان به حقایق!

امروز هر کس نسبت به دستاوردش جزا می‌بیند، امروز هیچ ظلمی وجود نخواهد داشت. و خداوند سریعاً به تمامی حساب‌ها رسیدگی می‌کند! ﴿۱۷﴾ نسبت به آن روز نزدیک، آن‌ها را هشدار ده! همان روزی که از شدت اندوه و اضطراب قلب‌ها به گلوگاه می‌رسد! در این هنگام ظالمان نه دوست صمیمی خواهند داشت و نه شفיעی که شفاعتش پذیرفته گردد! ﴿۱۸﴾ او نه تنها چشم‌های خیانت پیشه را می‌شناسد بلکه از آن‌چه درون سینه‌هاست آگاه است! ﴿۱۹﴾ خداوند به حق قضاوت می‌کند، اما آن کسان که به جای خدا می‌خوانید هیچ قضاوت ندانند [و نتوانند]، زیرا این خداست که هم می‌شنود و هم می‌بیند! ﴿۲۰﴾ آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا ببینند سرنوشت کسانی که قبل از آن‌ها زندگی می‌کردند چگونه بوده است؟! آن‌ها نیرومندتر از اینان بودند، حتی آثاری که در زمین به جای گذاشتند، بیشتر از اینان بود. اما خداوند به خاطر گناهان‌شان همه را گرفتار عذاب کرد به طوری که هیچ کس در برابر این مجازات الهی نگهدارنده آن‌ها نبود! ﴿۲۱﴾ این عذاب به خاطر آن بود که پیامبرانشان با دلائل روشن به سراغشان آمدند. اما آن‌ها حقایق را انکار کردند. و خدا نیز همه آن‌ها را فرو گرفت، زیرا او قدرتمند و عقوبت‌ش سخت و طاقت‌فرساست! ﴿۲۲﴾ ما موسی را با آیات و دلیل آشکار فرستادیم ﴿۲۳﴾ به سوی فرعون و هامان و قارون، اما آن‌ها در جواب گفتند: موسی جادوگری دروغگوست! ﴿۲۴﴾ هنگامی که از جانب ما حق به سراغشان آمد گفتند: پسران کسانی را که به موسی ایمان آورده‌اند بکشید و زانشان را زنده نگاه دارید! بدانید نقشه و فریب کافران جز در گمراهی نیست! ﴿۲۵﴾

و فرعون گفت: بگذارید موسی را بکشم تا او خدایش را به یاری بطلبد! من از این می‌ترسم که موسی دین شما را به چیز دیگری تبدیل کند، و یا این که در این سرزمین، فساد و تباهی به راه بیاندازد! ﴿۲۶﴾ موسی گفت: من از دست هر متکبری که به روز قیامت ایمان ندارد، به پروردگار خودم و شما پناه می‌برم! ﴿۲۷﴾ و مرد مؤمنی از خاندان فرعون که ایمانش را پنهان داشته بود گفت: آیا می‌خواهید مردی را بکشید که فقط می‌گوید: پروردگار من الله است؟! در حالی که از جانب پروردگارتان دلائل روشن نیز آورده است؟! بدانید که اگر او دروغ گفته باشد، دروغش به زبان خودش است، و چنان چه راست بگوید، شما دچار پاره‌ای از عذاب‌هایی که وعده داده است خواهید شد! [بدانید که] خداوند هیچ گزاف‌کار دروغگویی را هدایت نمی‌کند! ﴿۲۸﴾ ای قوم من! امروز حکومت از آن شماست و شما فرمانروای این سرزمین هستید. [اما بگویید بینم] اگر خشم و غضب خداوند بیاید، چه کسی ما را در برابر آن یاری می‌کند؟! فرعون گفت: آن چه را به نظرم می‌آید به شما می‌گویم، و [مطمئن باشید] شما را فقط به راه پیروزی و موفقیت راهنمایی خواهم کرد! ﴿۲۹﴾ آن مرد مؤمن گفت: ای قوم من، می‌ترسم مثل آن چه بر سر اقوام منقرض شده آمد، بر سر شما نیز بیاید! ﴿۳۰﴾ همانند قوم نوح و عاد و ثمود و اقوامی که بعد از آنها آمدند! حال آن که خداوند بر بندگان ظلم نمی‌خواهد! ﴿۳۱﴾ ای قوم من! از آن روزی که یکدیگر را به فریادرسی بخوانید بیمناکم! ﴿۳۲﴾ آن روز که روی می‌گردانید و فرار می‌کنید در حالی که هیچ کس شما را در برابر عذاب خداوند حفاظت نخواهد کرد! بدانید هر کس را خداوند در گمراهی گذارد دیگر هیچ راهنمایی نخواهد داشت! ﴿۳۳﴾

قبلاً نیز یوسف با دلایل روشنی به سوی شما آمده بود اما پیوسته در مورد حقایقی که به سراغتان می‌آمد در شک و تردید بودید، تا این که یوسف مُرد و ادعا کردید که دیگر هرگز خداوند پیامبری بعد از او نمی‌فرستند؛ بدانید! که خداوند این چنین هر شک‌کننده و هدردهنده نعمتی را در گمراهی می‌گذارد ﴿۳۴﴾ کسانی که بدون دلیل در آیات الهی مجادله می‌کنند، نزد خداوند و نزد اهل ایمان، گناه بزرگی را مرتکب می‌شوند! و خداوند این چنین قلبِ هر متکبرِ جباری را از درک حقیقت، عاجز می‌کند! ﴿۳۵﴾ فرعون گفت: ای هامان! برج بلندی برایم بساز. شاید به نیرویی دست یابم ﴿۳۶﴾ نیروی آسمان‌ها! تا از خدای موسی اطلاع حاصل کنم، هر چند گمان می‌کنم موسی دروغگو باشد! بدین‌سان، اعمال بد فرعون در نظرش زیبا جلوه‌گر شد. و او را از پذیرش راه حق منحرف کرد. [بدانید که!] توطئه فرعون جز به نابودی نمی‌انجامد! ﴿۳۷﴾ آن مرد مؤمن گفت: ای قوم من! از من تبعیت کنید تا شما را به راه رشد و موفقیت راهنمایی کنم ﴿۳۸﴾ ای قوم من! زندگی این دنیا فقط متاعی اندک و چند روزه است، حال آن که آخرت سرای زندگی پایدار است ﴿۳۹﴾ [بدانید!] هر کس کار بدی مرتکب شود فقط به اندازه همان جزا می‌بیند، اما هر مرد یا زن با ایمانی که کار خوب و شایسته‌ای انجام دهد بی‌شک وارد بهشت خواهد شد، و در آن جا بی‌حساب رزق و روزی نثارش می‌شود ﴿۴۰﴾

ای قوم من! چگونه است که من شما را به راه نجات می‌خوانم، اما شما مرا به آتش فرا می‌خوانید؟! ﴿۴۱﴾ مرا دعوت می‌کنید تا به خداوند بزرگ کفر بورزم و چیزی را که از آن آگاهی ندارم شریک‌اش سازم، حال آن‌که من شما را به سوی خدای قدرتمند و بخشاینده دعوت می‌کنم! ﴿۴۲﴾ مسلماً آن‌چه که مرا بدان می‌خوانید، هیچ حاکمیتی در دنیا و آخرت ندارد. بدانید که بازگشت ما فقط به سوی خداست. و قطعاً هدر دهندگان نعمات الهی در آتش دوزخند! ﴿۴۳﴾ به زودی آن‌چه را که به شما می‌گویم به یاد خواهید آورد! من کار خود را به خداوند بزرگ وا می‌گذارم، زیرا خداوند نسبت به بندگانش بیناست ﴿۴۴﴾ بدین‌سان خداوند، او را از نقشه‌های پلیدی که برایش کشیده بودند حفظ نمود، و فرعونیان را عذاب سختی فرا گرفت ﴿۴۵﴾ آن‌ها هر صبح و شام در معرض آتش قرار می‌گیرند. و روزی که قیامت برپا شود ندا دهند که فرعونیان را به عذاب سختی درآورید! ﴿۴۶﴾ هنگامی که در آتش دوزخ با هم مجادله می‌کنند، ضعفا به مستکبران گویند: ما در دنیا پیرو شما بودیم، آیا امروز می‌توانید اندکی از این آتشی را که نصیب ما شده است برطرف نمایید؟! ﴿۴۷﴾ مستکبران گویند: [چگونه]؟! همه ما در آن واقع شده‌ایم! و این خداوند است که میان بندگانش قضاوت کرده است [و کاری از ما بر نمی‌آید] ﴿۴۸﴾ کسانی که در آتش دوزخ هستند به نگهبانان آن‌جا گویند: از پروردگارتان بخواهید لاقلاً یک روز از عذاب ما بکاهد! ﴿۴۹﴾

آن‌ها جواب دهند: آیا پیامبران تان با دلائل روشن به سوی تان نیامدند؟! گویند: آری! جواب دهند: پس خودتان دعا کنید! اما دعای کافران بی نتیجه و پوچ است! ﴿۵۰﴾

ما پیامبرانمان و اهل ایمان را، هم در زندگی دنیا و هم در روزی که گواهان بر می‌خیزند یاری می‌کنیم! ﴿۵۱﴾ روزی که عذرخواهی ظالمان هیچ سودی برای شان نخواهد داشت. و نصیب آن‌ها نفرین است و سرای بد! ﴿۵۲﴾ ما به موسی هدایت عطا کردیم. و بنی اسرائیل را وارثان کتاب الهی قرار دادیم ﴿۵۳﴾ کتابی که سراسر هدایت است و برای خردمندان پندآموز ﴿۵۴﴾ پس صبر کن، قطعاً وعده خداوند حق است! و از گناهت استغفار کن. و هر صبح و شام تسبیح و ستایش پروردگارت را بگویی! ﴿۵۵﴾ کسانی که بدون هیچ دلیل آسمانی در حقانیت آیات الهی مجادله می‌کنند، در سینه‌هایشان جز عقده رسیدن به بزرگی نیست. اما هرگز به بزرگی نخواهند رسید! پس به خدا پناه ببر که او شنوا و بیناست ﴿۵۶﴾ آفرینش آسمان‌ها و زمین از آفرینش مردم عظیم‌تر است. اما اکثر مردم درک نمی‌کنند! ﴿۵۷﴾ بدانید نابینا با بینا برابر نیست، هم چنان که اهل ایمان و عمل صالح با شخص گناهکار یکسان نیست! چه اندک پند می‌پذیرید! ﴿۵۸﴾

روز قیامت آمدنی است. و هیچ شکی در وجود آن نیست. هر چند اکثر مردم باور نمی‌کنند! ﴿۵۹﴾ و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم بدانید کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند به زودی خوار و ذلیل وارد جهنم خواهند شد! ﴿۶۰﴾ این خداست که شب را برای شما مایه آرامش و آسایش قرار داد، و روز را روشنایی بخشید. خداوند بر همه مردم فضل و کرم خویش را ارزانی کرده است، اما اکثر مردم شکرگزار نعمت‌های الهی نیستند! ﴿۶۱﴾ این چنین است خدایی که پروردگار شماست. خالق همه چیز است و هیچ معبودی جز او نیست. پس چگونه شما را از حق منحرف‌تان می‌کنند؟! ﴿۶۲﴾ کسانی که آیات الهی را انکار می‌کنند، از حقایق روی برگردانده‌اند! ﴿۶۳﴾ این خداست که زمین را قرارگاه امن شما قرار داد و آسمان را بر افراشت و به بهترین وجه شما را صورتگری کرد، و از نعمت‌های پاکیزه روزی‌تان داد! این چنین است خدایی که پروردگار شماست. با برکت است خدایی که پروردگار جهانیان است ﴿۶۴﴾ آن زنده است که هیچ معبودی جز او نیست. فقط او را بخوانید و دین خود را برای او خالص و ناب کنید. که ستایش فقط مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است! ﴿۶۵﴾ بگو: من نهی شده‌ام آن کسانی را که شما به جای خدا می‌خوانید بپرستم، حال آن که از جانب پروردگارم برایم دلائل روشنی آمده است. و من مأمور شده‌ام تا سرا پا تسلیم پروردگار جهانیان باشم! ﴿۶۶﴾

او کسی است که شما را از خاک آفرید سپس از نطفه، سپس از علقه (لخته خون)، و سرانجام شما را چون طفلی [از شکم مادرانتان] خارج نمود تا به مرحله رشد و قوت رسیدید. بعد از آن پیر می‌شوید. و گروهی از شما پیش از رسیدن به این مرحله می‌میرند. بدین‌سان هر کس از شما عمر مقدرش را خواهد کرد. امید آن که [نسبت به این نکات] تعقل کنید! ﴿۶۷﴾ او کسی است که زنده می‌کند. و می‌میراند. و اگر اراده بر کاری کند فقط می‌گوید: موجود شو و بی‌درنگ موجود می‌شود! ﴿۶۸﴾ آیا نمی‌بینی آن‌هایی که در آیات و نشانه‌های الهی مجادله می‌کنند چگونه از راه حقیقت منحرف می‌شوند؟! ﴿۶۹﴾ همان کسانی که کتاب آسمانی و آیاتی را که به پیامبران نازل کرده‌ایم تکذیب می‌کنند، همه آن‌ها به زودی حقایق را خواهند دانست! ﴿۷۰﴾ آن‌گاه که غل‌ها را به گردنشان اندازند، و آن‌ها را با زنجیرها بکشانند! ﴿۷۱﴾ ابتدا در آب سوزان و سپس در آتش گداخته گردند ﴿۷۲﴾ آن‌گاه به آن‌ها گفته شود: کجایند شریکانی که برای خدا قائل می‌شدید؟! ﴿۷۳﴾ همان خدایان [دروغینی] که به جای خداوند بزرگ پرستش می‌کردید؟! گویند: آن‌ها از جلوی چشممان ناپدید شده‌اند، گویی اصلاً قبل از این چیزی را پرستش نمی‌کردیم! این چنین خداوند، کافران را در گمراهی می‌گذارد! ﴿۷۴﴾ این به خاطر آن است که به ناحق در زمین خوشحالی می‌کردید و در ناز و تکبر غرق بودید! ﴿۷۵﴾ از درهای جهنم داخل شوید و در آن جاودانه بمانید. و جایگاه متکبران چه جایگاه بدی است! ﴿۷۶﴾ پس صبر کن. قطعاً وعده خداوند حق است. چه پاره‌ای از عذابی را که به آن‌ها وعده داده‌ایم در زمان حیاتت به تو نشان دهیم. و چه قبل از آن تو را از دنیا ببریم، به هر حال همه‌شان به سوی ما باز می‌گردند ﴿۷۷﴾

قبل از تو پیامبرانی را به رسالت فرستادیم، سرگذشت برخی از آن‌ها را برایت حکایت کردیم. و ماجرای برخی دیگرشان را برایت حکایت نکرده‌ایم. بدان که سزاوار هیچ پیامبری نیست، که آیه یا معجزه‌ای بیاورد مگر به اذن خدا! بنابراین چون فرمان خدا فرا رسد به حق قضاوت می‌گردد و در چنین جایی اهل باطل زیان خواهند دید! ﴿۷۸﴾ این خداست که چهارپایان را برای شما آفرید تا بر بعضی سوار شوید و از گوشت بعضی بخورید! ﴿۷۹﴾ در وجود آن‌ها برای شما منافی است، تا به واسطه آن‌ها به حاجاتی که در دل خود دارید برسید! حال آن‌ها که هم بر آن‌ها و هم بر کشتی‌ها سوار می‌شوید! ﴿۸۰﴾ خداوند آیات و نشانه‌هایش را به شما نشان می‌دهد. پس کدامین آیتش را انکار می‌کنید؟! ﴿۸۱﴾ آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آن‌ها زندگی می‌کردند چگونه بوده است؟! آن‌ها هم نیرومندتر از اینان بودند. و هم آثاری که در زمین به جای گذاشتند بیشتر بوده است. اما دستاوردهایشان باعث نجاتشان نشد! ﴿۸۲﴾ چون پیامبرانشان با دلائل روشن به سراغشان آمدند، به دانش و علم خودشان دلخوش بودند او رسالت پیامبران را مسخره می‌کردند! تا این‌که حقایقی را که تمسخر می‌کردند محاصره‌شان نمود! ﴿۸۳﴾ و چون مجازات ما را دیدند گفتند: به خدای یکتا ایمان آوردیم و چیزهایی را که شریک خدا می‌پنداشتیم انکار می‌کنیم! ﴿۸۴﴾ اما حال که عذاب ما را دیدند این ایمان آوردن به حالشان سودی نخواهد داشت، این سنت و قانون الهی است که [از قبل نیز] در مورد بندگان جاری بوده است. و بی شک در چنین جایی کافران زیان بینند ﴿۸۵﴾

سوره فُصِّلَتْ

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

حم ﴿۱﴾ این قرآن نازل شده از جانب خدای بخشاینده و با رحمت است ﴿۲﴾ کتابی که آیاتش مشروح است، قرآنی فصیح که برای مردم داناست ﴿۳﴾ [قرآنی که] بشارت دهنده و هشدار دهنده است، اما اکثر مردم از آن روی بر می گردانند، پس آن‌ها هیچ حقیقتی را نمی شنوند! ﴿۴﴾ گفتند: قلب‌های ما در حجاب است و از آن چه ما را بدان می خوانی [غافلیم]، گوش‌های ما سنگین است (حقیقت را نمی شنویم)، بین ما و تو پرده‌ای ضخیم است (یکدیگر را درک نمی کنیم) پس تو کار خودت را بکن، ما نیز مشغول کار خویش می شویم! ﴿۵﴾ بگو: من فقط بشری مثل شما هستم، [با این تفاوت که] به من وحی می شود که خدای شما خدای یکتاست! پس با تمام وجودتان روی سوی او کنید و از او آموزش طلبید. و وای به حال مشرکان! ﴿۶﴾ همان کسانی که زکات پرداخت نمی کنند و آخرت را انکار می نمایند ﴿۷﴾ کسانی که به حقایق ایمان آورند و عملکردی نیک و شایسته داشته باشند، برای آن‌ها پاداشی جاودانه مهیاست ﴿۸﴾ بگو: چرا نسبت به کسی که زمین را در دو روز آفریده کافر می شوید؟! و برای او همتایانی قرار می دهید! او پروردگار جهانیان است! ﴿۹﴾ او کسی است که بر روی زمین کوه‌هایی استوار قرار داد. و زمین را با برکت کرد. و رزق و روزی موجود در آن را در چهار روز مساوی مقدر نمود، تا هر نیازمندی نیازش را بر طرف نماید! ﴿۱۰﴾ سپس به آسمان پرداخت در حالی که دودی بیش نبود. آن‌گاه به آسمان و زمین گفت: [سوی من] آید چه بخواهید چه نخواهید! و آن دو گفتند: سراپا فرمانبردار آمدیم! ﴿۱۱﴾

۱. به نظر می‌سد که این چهار روز و با چهار دوره کنایه از چهار فصل سال است که هر کدام برکات خودش را داراست. و خدا داناتر است.

پس آن‌ها را به صورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و کار هر آسمان را به آن وحی کرد. و آسمان دنیا را به چراغ‌هایی آراست و محفوظش داشت. این تقدیر آفرینش خدای قدرتمند و آگاه است ﴿۱۲﴾ چنان‌چه از حقایق روی برگرداندند بگو: [شاهد باشید] که شما را از صاعقه‌ای چون صاعقه مرگبار قوم عاد و ثمود هشدار دادم! ﴿۱۳﴾ آن هنگام که پیامبرانشان از پیش و از پس به سراغشان آمدند [و گفتند]: جز خداوند بزرگ چیزی را نپرستید! و آن‌ها گفتند: اگر پروردگار ما می‌خواست، فرشتگان را نازل می‌کرد! و ما رسالتی را که به آن مبعوث شده‌اید انکار می‌کنیم ﴿۱۴﴾ و اما قوم عاد به ناحق و متکبرانه در روی زمین سرکشی کردند و مغرورانه گفتند: چه کسی از ما قوی‌تر است؟! آیا نمی‌دانستند خدایی که آن‌ها را خلق کرد از آن‌ها قوی‌تر است؟! آن‌ها همواره آیات نجات‌بخش ما را انکار می‌کردند ﴿۱۵﴾ سرانجام تندباد رعب‌آور سختی را، هم در روزهای نحس و پرغبار ابر سرشان [فرستادیم تا عذاب خوارکننده‌ای را در دنیا به آن‌ها بچشانیم، هر چند که عذاب آخرت خوارکننده‌تر است و کسی به یاریشان برنخیزد! ﴿۱۶﴾ و اما قوم ثمود، آن‌ها را راهنمایی کردیم. ولی آن‌ها کور بودن نسبت به حقیقت را، بیشتر از هدایت دوست می‌داشتند! سرانجام نیز به خاطر دستاوردشان صاعقه عذاب خوارکننده گرفتارشان کرد ﴿۱۷﴾ و ما کسانی را که به حقایق ایمان آوردند و حرمت اوامر الهی را نگاه می‌داشتند نجات دادیم ﴿۱۸﴾ [بترسید از] روزی که همه دشمنان خدا را جمع کنند و آن‌ها را در صفوفی به آتش برانند ﴿۱۹﴾ تا جایی که وقتی به آتش می‌رسند گوش‌ها و چشم‌ها و پوست‌هایشان علیه آن‌ها به خاطر عملکردشان شهادت می‌دهند ﴿۲۰﴾

و آن‌ها به پوست‌شان^۱ گویند: چرا علیه ما شهادت دادید؟! جواب دهند: خداوند ما را به سخن واداشت، همان خدایی که هر چیز را به سخن و می‌دارد! هم او که اول بار شما را خلق کرد و به سویش باز می‌گردید ﴿۲۱﴾ شما اگر اعمال بدتان را [در دنیا] مخفی نگاه می‌داشتید، به خاطر این نبود که می‌ترسید روزی گوش‌ها و چشم‌ها و پوست‌های شما علیه شما شهادت دهند، بلکه به خاطر این بود که گمان می‌کردید خداوند، بسیاری از عملکردهای شما را نمی‌داند ﴿۲۲﴾ و این گمان باطلی بود که نسبت به پروردگارتان می‌پنداشتید! و همین نیز هلاکتان کرد. و همه زیانکار شدید! ﴿۲۳﴾ آن‌ها چه صبر کنند [چه بی‌تابی نمایند] در هر حال آتش جایگاهشان است! و چنان‌چه درخواست عفو کنند، مشمول عفو نخواهند شد ﴿۲۴﴾ [در دنیا] برای آنان هم‌نشینی قرار دادیم که از پیش و از پس، آثار اعمال و اعتقاداتشان را به نظرشان زیبا جلوه می‌دادند، تا این‌که فرمان عذاب الهی بر آن‌ها محقق شد و آن‌ها نیز چون اقوام گناهکاری از جن و انس که قبل از آن‌ها بودند، گرفتار [عذاب] شدند، زیرا همه‌شان زیانکار بودند! ﴿۲۵﴾ اهل کفر گفتند: به این قرآن اصلاً گوش ندهید و در آن، لغو و بیهوده‌گویی به راه بیاندازید، تا همیشه مسلط و پیروز باشید! ﴿۲۶﴾ ما به کافران عذاب سختی خواهیم چشاند، و آن‌ها را به بدترین اعمالی که انجام داده‌اند مجازات می‌کنیم ﴿۲۷﴾ بی‌شک این آتش جزای دشمنان خداست و برای‌شان سرای جاودانه محسوب می‌شود، و این کیفر به خاطر آن است که آیات [نجات‌بخش] ما را انکار کردند و کافران گویند: پروردگار! جن و انسی که باعث گمراهی ما شدند نشانمان ده که آن‌ها را زیر پا گذاریم تا [در این عذاب] پایین‌تر از همه روند! ﴿۲۹﴾

^۱ جلود (پوست‌ها)، اهل معنا آنها را از جمله کالبدها دانسته‌اند.

کسانی که گفتند: الله پروردگار ماست، و بر این باور استقامت ورزیدند، فرشتگان رحمت بر آنها نازل شوند که: هیچ خوف و یأس و اندوهی به خود راه ندهید. و بشارت باد شما را به همان بهشتی که وعده‌تان داده‌اند! ﴿۳۰﴾ ما همه، دوستان شما در دنیا و آخرت هستیم و در بهشت هرچه بخواهید و هرچه طلب کنید برایتان مهیاست! ﴿۳۱﴾ این مائدهٔ پر نعمتی از جانب خدای آمرزنده و با رحمت است ﴿۳۲﴾ و سخن چه کسی بهتر از سخن آن کس است که انسان را به سوی خدا می‌خواند، و همواره عملکرد خوب و شایسته دارد؟! حال آن که می‌گوید: به راستی من از تسلیم شدگان خدایم ﴿۳۳﴾ خوبی با بدی یکسان نیست. بدی را با خوبی دفع کن تا دشمنان پر کینهٔ تو به دوستان صمیمی تبدیل شوند ﴿۳۴﴾ اما به این مقام و مرتبه کسی نائل نمی‌گردد جز کسانی که اهل صبرند و بهره از ایمانی بزرگ دارند! ﴿۳۵﴾ چنانچه از سوی شیطان دچار وسوسه‌ای شدی به خداوند بزرگ پناه ببر، زیرا او شنوا و آگاه است! ﴿۳۶﴾ شب و روز و خورشید و ماه آیات و نشانه‌های او هستند. خورشید و ماه، را سجده نکنید. خدایی را سجده کنید، که آنها را آفریده است. اگر می‌خواهید که او را عبادت کنید! ﴿۳۷﴾ اگر آنها [از عبادت خدا] متکبران سرپیچی کردند، بدان کسانی که همواره در حضور پروردگارت هستند شب و روز او را تسبیح می‌کنند و هیچ‌گاه خسته و ملول نمی‌شوند! ﴿۳۸﴾

همین که زمین را رام و خاشع می‌بینی، یکی دیگر از نشانه‌های خداست. آن‌گاه که باران بر او نازل می‌کنیم جان می‌گیرد، و [گیاهان را] می‌رویاند. آن‌خدایی که زمین را زنده می‌کند، مردگان را نیز زنده خواهد کرد! زیرا او بر هر کاری تواناست ﴿۳۹﴾ کسانی که آیات ما را انکار می‌کنند، از ما پوشیده نیستند. آیا کسی که در آتش می‌افتد بهتر است، یا آن که در روز قیامت در کمال امنیتی می‌آید؟! هر کاری خواستید انجام دهید که او نسبت به عملکردتان بیناست! ﴿۴۰﴾ آن‌ها که وقتی قرآن به سراغشان آمد، به آن کفر ورزیدند [نتیجه کفرشان را خواهند دید] زیرا قرآن کتاب عزیزی است! ﴿۴۱﴾ هیچ باطلی از هیچ سو، به آن راه ندارد، زیرا نازل شده از جانب خدای حکیم و در خور ستایش است ﴿۴۲﴾ به تو همان نسبت‌هایی را می‌دهند که به پیامبران قبل از تو داده‌اند! بدان که پروردگارت، هم صاحب مغفرت و هم صاحب عقوبتی دردناک است ﴿۴۳﴾ چنان‌چه قرآن را به زبان گنگ و نامفهوم قرار می‌دادیم می‌گفتند: چرا آیاتش مشروح و روشن نیست؟! یک کتاب گنگ و نامفهوم از زبان پیامبری فصیح؟! بگو: قرآن برای کسانی که به آن ایمان دارند هدایت و شفاست. بی‌ایمانان گوش‌هایشان نسبت به شنیدن حقایق سنگین است و چشم‌هایشان نسبت به دیدن حقایق کور است، گویی آن‌ها را همواره از جایی دور ندا می‌دهند! ﴿۴۴﴾ و ما به موسی کتاب آسمانی عطا کردیم، اما در آن اختلاف کردند. و اگر قول گذشته خداوند نبود کارشان تمام بود! بدانید که آن‌ها همواره در شک و تردیدند! ﴿۴۵﴾ هر کس عملکرد خوب و شایسته‌ای داشته باشد به نفع خودش خواهد بود، و هر کس عملکرد بدی داشته باشد به زیان خودش! بدان که پروردگارت نسبت به بندگان ظالم نیست ﴿۴۶﴾

آگاهی از زمان وقوع قیامت تنها به خدا باز می‌گردد. بدانید که هیچ میوه‌ای از شکوفه‌اش بیرون نمی‌زند و هیچ مادری حامله نمی‌شود و وضع حمل نمی‌کند مگر به علم خدا! ^(۴۷) روزی که مشرکان را ندا دهد که شریکانی که برای من می‌پنداشتید کجایند؟! جواب گویند: اعلام می‌کنیم که ما هیچ شاهدهی برای ادعای خود نداریم! ^(۴۷) آن چیزهایی را که از قبل [برای نجات و آرامش خود] می‌خواندند از نظرشان ناپدید شده است، و اکنون دریافتند که هیچ راه گریزی ندارند! ^(۴۸) انسان هرگز از تقاضای خیر و برکت خسته نمی‌شود. اما هرگاه شر و مصیبتی به او رسد مأیوس و ناامید می‌گردد ^(۴۹) و چنان‌چه مزهٔ رحمت خویش را بعد از مصیبتی که به او رسیده، نثارش کنیم، ادعا می‌کند این از لیاقت و شایستگی خود من است! و گمان نمی‌کنم قیامتی در کار باشد! اگر هم [راست باشد و] روزی به سوی پروردگرم برگردم، پاداش خوبی نزد او خواهم داشت! به زودی کافران را نسبت به عملکردشان با خبر خواهیم کرد، و عذاب سختی به آن‌ها خواهیم چشاند ^(۵۰) هرگاه انسان را مشمول رحمت و نعمتی می‌کنیم روی بر می‌گرداند و از حقیقت دور می‌شود، و هرگاه شر و مصیبتی به او رسد شروع به دعا‌های عریض و طویل می‌کند! ^(۵۱) بگو: به من بگویید بینم چنان‌چه این قرآنی که شما بدان کافر شده‌اید از جانب خدا باشد، چه کسی گمراه‌تر از کسی است که با آن مخالفت نموده است؟! ^(۵۲) به زودی آیات و نشانه‌هایمان را، چه در بیرون و چه در دورنشان، به آن‌ها نشان خواهیم داد تا برای‌شان روشن شود که او حق است. آیا همین که پروردگارت در همه جا حاضر است برای‌شان کافی نیست؟! ^(۵۳) آگاه باش که آن‌ها در مورد دیدار پروردگارش در شک‌اند، آگاه باش که او بر هر چیزی احاطه دارد! ^(۵۴)

۱. آگاهی خداوند و قوانین علمی او در همه جا و همه چیز جاری است، و هر پدیده‌ای طبق قوانین علمی او حرکت می‌کند.

سوره شوری

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

حم ﴿۱﴾ عسق ﴿۲﴾ خداوند حکیم و قدرتمند این چنین بر تو و بر پیامبران قبل از تو وحی می‌کند! ﴿۳﴾ آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست و او بلند مرتبه و بزرگ است ﴿۴﴾ نزدیک است که آسمان‌ها [به خاطر انکار حقایق] از فرازشان متلاشی شوند! حال آن‌که فرشتگان پیوسته تسبیح و ستایش پروردگارش را به جای می‌آورند، و برای ساکنان زمین طلب مغفرت می‌کنند! بدانید که خداوند آمرزنده و با گذشت است ﴿۵﴾ کسانی که به جای خداوند تکیه‌گاه‌های دیگری بر می‌گزینند، خداوند تمامی عملکردشان را ثبت می‌کند! و تو وکیل آن‌ها نیستی ﴿۶﴾ و این قرآنی فصیح و گویا را بر تو وحی کردیم تا اهل ام‌القری^{۱)} و تمام کسانی را که در اطراف آن هستند [نسبت به دستاوردشان] هشداردهی و آن‌ها را از روزی که همه خلائق جمع خواهند شد و هیچ شکی در وجود آن نیست بیم دهی! همان روزی که عده‌ای در بهشتند و عده‌ای در آتش دوزخ! ﴿۷﴾ اگر خدا می‌خواست همه شما را امت واحدی قرار می‌داد. اما هر که را صلاح بداند مشمول رحمتش می‌کند حال آن‌که ظالمان هیچ یار و یابوری نخواهند داشت ﴿۸﴾ آیا تکیه‌گاه‌هایی به جز خداوند اختیار کرده‌اند؟! الله ولیّ و تکیه‌گاه است، اوست که مرده را زندگی می‌بخشد و اوست که بر هر کاری تواناست ﴿۹﴾ در هر چه که اختلاف کنید حکم آن نزد خداوند است. این الله پروردگار من است، بر او توکل می‌کنم و روی سوی او می‌آورم ﴿۱۰﴾

۱. مادر همه شهرها، مکه مکرمه جایی که خدا خانه داشته باشد، اصل است و قلب مؤمن نیز اصل است، چه عرش رحمان است.

او آفریننده آسمان‌ها و زمین است، او همسرانی از جنس خودتان برایتان آفریده است، هم چنین جفت‌هایی از انعام پدید آورده است^{۱)} و بر شمار و تعدادتان می‌افزاید بدانید چیزی چون مثل او نیست و او شنوا و بیناست! ﴿۱۱﴾ کلیدهای آسمان و زمین در دست اوست، هر که را صلاح بداند روزی فراوان می‌دهد یا بر او تنگ می‌گیرد، زیرا او نسبت به همه چیز آگاه است! ﴿۱۲﴾ خداوند همان دینی را که به نوح سفارش کرده بود برای شما تشریح کرد. و آن چه به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم، این است که: دین را به پا دارید (به آن عمل کنید) و در آن فرقه‌فرقه نشوید (در آن تفرقه ایجاد نکنید) بدانید پذیرفتن حقایقی که مشرکان را به آن دعوت می‌کنید، برای‌شان سخت و سنگین است! و بدانید که خداوند هر که را صلاح بداند [برای انجام رسالت خود] بر می‌گزیند و هر که روی سوی او کند هدایت می‌نماید ﴿۱۳﴾ و آن‌ها فرقه‌فرقه نشدند مگر بعد از آن که آگاهی به سراغشان آمده بود، و این تفرقه‌جویی به خاطر سرکشی از حق بود! و اگر قول و مهلت پروردگارت نبود که تا مدت معینی باشند، در میان آن‌ها داوری می‌شد! [بدین‌سان حتی] کسانی که کتاب الهی را بعد از آن‌ها به میراث برده‌اند، درباره آن به شک و تردید افتاده‌اند! ﴿۱۴﴾ بدین سبب تو [مردم را به پذیرش حق] دعوت کن و در این راه استقامت بورز همان‌گونه که مأمور شده‌ای! و هرگز از خواهش‌های نفسانی آن‌ها پیروی مکن و بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان دارم و دستور دارم میان شما عادلانه رفتار کنم. الله پروردگار ما و شماست، پس اعمال ما برای ما، اعمال شما نیز برای خودتان! هیچ خصومت شخصی میان ما نیست. بدانید که خداوند همه ما را جمع خواهد کرد و سرنوشت‌ها به سوی او ختم می‌شود ﴿۱۵﴾

^{۱)} قبلاً گفته شد که اهل معنای در وجهی انعام را کالبدها دانسته‌اند.

کسانی که در مورد خدا مجادله می‌کنند، آن هم بعد از آن که دعوت او را اجابت کرده‌اند، حجت‌شان نزد خدا باطل و بی‌اساس است! غضب الهی شامل حالشان شده و برای‌شان عذاب سختی مهیاست! ﴿۱۶﴾ این خداست که کتاب را براساس حق و میزان نازل کرده است. و تو چه دانی شاید قیامت نزدیک باشد! ﴿۱۷﴾ آن‌ها که به قیامت ایمان ندارند در مورد آن شتاب می‌کنند! اما آن‌ها که ایمان آورده‌اند پیوسته با هراس مراقب آن هستند و می‌دانند که حق است. بدانید آنان که در وجود قیامت در تردیدند، در گمراهی عمیقی گرفتارند! ﴿۱۸﴾ خداوند نسبت به بندگانش مهربان است، هر که را بخواهد روزی می‌دهد و او قدرتمند و پیروز است ﴿۱۹﴾ هر کس کشت و زراعت آخرت را بخواهد بر محصولش می‌افزاییم [و برکت می‌دهیم] و هر کس فقط کشت این دنیا را بخواهد از آن به او عطا می‌کنیم، اما دیگر در آخرت نصیبی نخواهد داشت! ﴿۲۰﴾ آیا آن‌ها معبودانی دارند که بی‌اذن خدا برای‌شان دین و آیینی ترتیب داده‌اند؟! بدانید اگر قول فضل و کرم الهی نبود کارشان تمام بود! و بی‌شک برای ظالمان عذابی دردناک است ﴿۲۱﴾ ظالمان را می‌بینی که از دستاوردها بی‌مناکند. حال آن‌ها که از هم اکنون در کیفر دستاوردها گرفتارند؛ اما کسانی که به حقایق ایمان دارند و عملکردشان نیک و شایسته است در باغ‌های بهشتند، و هر چه بخواهند در محضر پروردگارش مهیاست، و این همان فضل و کرم بزرگ است! ﴿۲۲﴾

این است آن چیزی که خداوند به بندگانش مژده می‌دهد. همان کسانی که ایمان آورده و عملکردی نیک و شایسته دارند. بگو: من به خاطر انجام رسالتم از شما مزدی نمی‌خواهم، جز دوست داشتن خویشاوندان! ^{۱)} بدانید! هر کس کار نیکی انجام دهد، به پاداش نیک آن می‌افزاییم، زیرا خداوند آمرزنده و قدرشناس است ﴿۲۳﴾ یا می‌گویند: که پیامبر بر خداوند دروغ می‌بندد در حالی که [اگر چنین بود] خداوند قلب تو را چنان چه بخواهد مَهر می‌زد! و خدا باطل را محو می‌کند و حق را با کلماتش استوار می‌ساخت، زیرا او به آن چه در سینه‌ها می‌گذرد، آگاهی کامل دارد ﴿۲۴﴾ او کسی است که توبهٔ بندگانش را می‌پذیرد و از بدی‌ها در می‌گذرد، بدانید که خداوند از عملکردتان آگاه است! ﴿۲۵﴾ خداوند دعای اهل ایمان و عمل صالح را اجابت می‌نماید. و از فضل و کرم خویش بر پاداش آن‌ها می‌افزاید، حال آن که کافران در عذاب سختی گرفتارند! ﴿۲۶﴾ اگر خدا روزی بندگانش را بیافزاید، در زمین فساد و تباهی به راه می‌اندازند. برای همین آن چه را بخواهد به اندازه نازل می‌کند. زیرا او به احوال بندگانش آگاه و بیناست! ﴿۲۷﴾ او کسی است که باران را بعد از آن که مایوس شده‌اند نازل می‌کند؛ و رحمتش را منتشر می‌سازد، زیرا او سرپرستی، درخور ستایش است! ﴿۲۸﴾ آفرینش آسمان‌ها و زمین و جنبنده‌های مختلفی که در آن‌ها پراکنده است از نشانه‌های اوست. و او هرگاه بخواهد قادر بر جمع‌آوری آن‌هاست ﴿۲۹﴾ هر مصیبتی که به شما وارد شود به خاطر دستاورد خودتان است هر چند که از بسیاری در می‌گذرد! ﴿۳۰﴾ شما هرگز نمی‌توانید در روی زمین از قدرت الهی فرار کنید و غیر از خداوند برای شما هیچ یار و یآوری وجود ندارد ﴿۳۱﴾

۱. خویشاوندان بنا به قول جمعی از مفسران، علی و فاطمه و حسن و حسین(ع) است. به تعبیری، کسانی که در یک طبقه روحی به سر می‌برند، خویشاوند محسوب می‌شوند.

از نشانه‌های او کشتی‌هایی است که چون کوه در آب‌ها روانند! ﴿۳۲﴾ اگر بخواهد باد را از حرکت باز می‌دارد، تا کشتی‌ها بر روی آب از حرکت باز بمانند! در همه این‌ها برای هر صبور و شکرگزاری نشانه‌هایی است! ﴿۳۳﴾ اگر بخواهد، کشتی‌ها را به خاطر دستاورد سرنشینانش غرق می‌نماید، اما در عین حال از بسیاری، گذشت می‌کند! ﴿۳۴﴾ تا کسانی که در آیات و نشانه‌های ما مجادله می‌کنند، بفهمند که هیچ پناهی ندارند! ﴿۳۵﴾ آن چیزی که به شما عطا شده متاع اندک زندگی دنیاست، اما آن چه نزد خداوند است برای اهل ایمانی که بر پروردگارشان توکل می‌کنند بهتر و پایدارتر است! ﴿۳۶﴾ همان کسانی که از گناهان بزرگ و زشتی‌ها اجتناب می‌کنند، و هنگامی که خشمگین می‌شوند عفو می‌کنند! ﴿۳۷﴾ هم آنانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده، و نماز به پا می‌دارند، و کارهایشان با مشورت یکدیگر حل و فصل می‌شود. از آن چه روزی‌شان کرده‌ایم دیگران را بهره‌مند می‌سازند! ﴿۳۸﴾ همان کسانی که وقتی ستمی بر آن‌ها رود، بی‌شک غلبه می‌یابند! ﴿۳۹﴾ بدانید! که جزای بدی، همانند آن بدی است. اما اگر کسی عفو کند و اقدام به اصلاح نماید، پاداشش بر عهده خداوند است. بدانید! خداوند ظالمان را دوست ندارد! ﴿۴۰﴾ بر کسی که پس از مظلوم واقع شدنش، غلبه نماید ایرادی نیست! ﴿۴۱﴾ بلکه ایراد بر کسانی است که به مردم ظلم می‌کنند و به ناحق در روی زمین سرکشی می‌نمایند. بدانید آن‌ها گرفتار عذابی دردناکند! ﴿۴۲﴾ اما کسی که صبر کند و عفو نماید، کار او، از کارهای پر ارزش و بزرگ است! ﴿۴۳﴾ هر کس را خداوند در گمراهی گذارد، هیچ یآوری غیر از خدا نخواهد داشت. و خواهی دید وقتی ظالمان، عذاب الهی را مشاهده کنند می‌گویند: آیا راهی برای بازگشت و جبران کردن وجود دارد؟! ﴿۴۴﴾

۱. قصاص با آن‌که مجاز شمرده شده است لکن بهترین راه نیست و این نکته با استناد به معنای «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا» مشهود است. لذا قرآن، راه عفو و جبران نمودن را پیشنهاد می‌کند. یادمان باشد که شیوه قرآن تبعیت از «بهترین» است. «و اتبعوا أحسن ما أنزل إليكم من ربكم». (همواره از بهترین آنچه که از سوی پروردگارتان نازل شده، پیروی نمایید) بهترین سخن، بهترین رفتار، بهترین بخشش ...

و آن‌ها را می‌بینی که در معرض آتش قرار می‌گیرند. در حالی که از فرط ذلت و حقارت خاشعند و زیرچشمی به آن نگاه می‌کنند! و اهل ایمان گویند: زیانکاران کسانی هستند که در روز قیامت به خود و اهلشان زیان رسانده‌اند! بدانید که ظالمان در عذابی جاودانی به سر می‌برند! ﴿۴۵﴾ آن‌ها به جز خدا هیچ دوست و تکیه‌گاهی ندارند تا یاریشان کند. بدانید! خداوند هر کس را در گمراهی گذارد، هیچ راه نجاتی نخواهد داشت ﴿۴۶﴾ دعوت پروردگارتان را اجابت کنید، قبل از آن که روزی بیاید که از جانب خدا بازگشتی نداشته باشید! در آن روز دیگر نه پناهی خواهید داشت و نه مدافعی! ﴿۴۷﴾ چنان‌چه روی برگرداندند، بدان که تو را به عنوان نگهبان آن‌ها نفرستاده‌ایم! وظیفه تو فقط ابلاغ است! هنگامی که به انسان از رحمت خودمان بچشانیم، خوشحال می‌شود. و هنگامی که به خاطر دستاوردش مصیبتی بر او وارد آید، انسان بسیار ناسپاس است! ﴿۴۸﴾ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن خداست، هر چه بخواهد خلق می‌کند، به هر که صلاح بداند دختر می‌بخشد و به هر که صلاح بداند پسر عطا می‌کند ﴿۴۹﴾ و یا هم پسر می‌دهد و هم دختر. و هر که را صلاح بداند عقیم می‌گرداند، و او بر همه امور تواناست ﴿۵۰﴾ سزاوار هیچ انسانی نیست که خداوند با او سخن بگوید، مگر از طریق وحی یا از ورای حجاب و یا به اذن خدا، به واسطه رسولی آن‌چه را که بخواهد وحی می‌نماید، زیرا او بلند مرتبه و حکیم است ﴿۵۱﴾

و این چنین روحی را از امر خود بر تو افکندیم^{۱)} حال آن که تو پیش از این نمی - دانستی که کتاب چیست، و ایمان کدام است! ولی ما آن را نوری قرار دادیم تا به واسطه آن هر کس از بندگانمان را که صلاح بدانیم، راهنمایی کنیم. بدان که تو مردم را به سوی راه راست و درست هدایت می کنی ﴿۵۲﴾ راه خدایی که آن چه در آسمان ها و آن چه در زمین است از آن اوست، بدان که همه امور به خدا باز می - گردد ﴿۵۳﴾

سوره زخرف

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

حم ﴿۱﴾ قسم به این کتاب بیان کننده حقایق ﴿۲﴾ ما این قرآن را فصیح و گویا قرار دادیم تا در آن تعقل کنید ﴿۳﴾ و آن در ام‌الکتاب^{۲)}، نزد ماست و بی شک بلند مرتبه و حکیم است ﴿۴﴾ که آیا این قرآن پندآموز را از شما دریغ کنیم، به خاطر آن که مردمی هدردهنده نعمات الهی هستید؟! ﴿۵﴾ چه بسیارند پیامبرانی که برای پیشینیان فرستادیم ﴿۶﴾ هر پیامبری که به سراغشان رفت فقط او را تمسخر کردند! ﴿۷﴾ سرانجام کسانی را که نیرومندتر از اینان بودند هلاک کردیم. و بدین سان ماجرای پیشینیان گذشت ﴿۸﴾ چنانچه از آن ها بپرسی چه کسی آسمان ها و زمین را آفرید؟ بی شک گویند: همه آن ها را خدای قدرتمند و آگاه آفریده است! ﴿۹﴾ همان خدایی که زمین را بستر شما قرار داد و در آن راههایی ایجاد کرد، امید آن که راه یابید! ﴿۱۰﴾

۱. این روح نورانی از مرتبت و کیفیت دیگر است، سرشار از نور آگاهی و معرفت است. آنکه به او این روح عطا می شود، نسبت به کتاب و ایمان، معرفت یافته و هدایت شده است. لذا مفاهیم آیات خدا را، باید از کسانی دریافت نمود که از چنین روحی برخوردار شده اند.

۲. ام‌الکتاب: مادر کتاب ها، کتاب مرجع، لوح محفوظ الهی.

همان کسی که از آسمان آبی به اندازه، نازل کرد تا به واسطه آن سرزمین مرده را زنده گردانیم! همین گونه نیز [زنده از قبرها] خارج خواهید شد! ﴿۱۱﴾ کسی که همه جفت‌ها را بیافرید و برای شما مرکب‌هایی از قَلک و انعام ساخت تا بر آنها سوار شوید ﴿۱۲﴾ چون بر پشت آنها قرار گرفتید نعمت‌های پروردگارتان را یاد کنید. و بگویید: منزّه است خدایی که این [نعمات] را در اختیار ما گذاشت، حال آن که ما توانایی خلق چنین چیزهایی را نداشتیم! ﴿۱۳﴾ و ما به سوی پروردگاران باز می‌گردیم ﴿۱۴﴾ آنها برای خداوند از میان بندگانش فرزندی قائل شدند! به راستی انسان یک ناسپاس واقعی است ﴿۱۵﴾ آیا [خداوند] از میان مخلوقاتش دختران را برای خود اختیار کرده و پسران را برای شما برگزیده است؟! ﴿۱۶﴾ و چون به یکی از آنها تولّد همان چیزی را که به خدا نسبت می‌دهد مژده دهند [از خجالت] رویش سیاه شده و وجودش را خشم فرا می‌گیرد ﴿۱۷﴾ آیا کسی که در زینت و آرایش، پرورش یافته و هنگام جنگ و جدال ناپیداست [از آن خداست]؟! ﴿۱۸﴾ آنها فرشتگان را که بندگان خدای رحمان هستند، دختران پنداشته‌اند؟! آیا شاهد خلق آنها بوده‌اند؟! گواهی آنان نوشته می‌شود و در مورد آن بازخواست خواهند شد! ﴿۱۹﴾ گفتند: اگر خدای رحمان می‌خواست ما آنها را پرستش نمی‌کردیم. آنها ناآگاهند و سخنی جز به دروغ نمی‌گویند ﴿۲۰﴾ شاید هم کتابی پیش از این برای‌شان آورده‌ایم و آنها به آن متمسک شده‌اند؟! ﴿۲۱﴾ این گونه نیست! آن‌ها می‌گویند: ما پدرانمان را بر آیینی یافته‌ایم و از آثار آنها راهنمایی می‌گیریم! ﴿۲۲﴾

۱. اهل معنا می‌دانند که فلک (کشتی) و انعام (چهارپایان)، دو وسیله‌اند که سالک را در سلوکش در عوالم معنا مساعدت می‌نمایند. یکی بحری و دیگری برّی. راهنمای بحری را حضرت خضر(ع) و راهنمای برّی را حضرت الیاس(ع) دانسته‌اند. بدینسان سالکان را تا «و انا اِلی رَبّنا لمنقلبون» (آیه ۱۴) یاری می‌دهند. از این رو دو کلمه در اینجا ترجمه نشدند تا قرآن خوان با وجه دیگری آشنا گردد.

بدین‌سان، ما هیچ پیامبر هشداردهنده‌ای را قبل از تو به سرزمینی نفرستادیم مگر آن‌که نازپرورده‌هایشان گفتند: ما پدرانمان را بر آیینی یافته‌ایم و فقط به آثار آن‌ها اقتدا می‌کنیم! ﴿۲۳﴾ [پیامبر] گفت: آیا اگر من آیین بهتر و هدایت بخش‌تر از آن‌چه نزد پدرانتان یافته‌اید بیاورم [باز هم حقایق را انکار می‌کنید؟!]. گفتند: ما نسبت به آن‌چه شما آورده‌اید کافریم! ﴿۲۴﴾ پس ما نیز از آن‌ها انتقام گرفتیم. بنگر عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود! ﴿۲۵﴾ و [به یاد آر!] هنگامی که ابراهیم به پدر و قومش گفت: من از آن‌چه شما می‌پرستید بیزارم! ﴿۲۶﴾ فقط آن‌ خدایی را که مرا آفریده است [می‌پرستم]. و هم‌او نیز مرا [به راه نجات] هدایت خواهد کرد ﴿۲۷﴾ بدین‌سان ابراهیم کلمهٔ توحید را یک کلمهٔ جاودان، در أعقاب و فرزندان خود به جا گذاشت، تا همواره به سوی خدا بازگردند ﴿۲۸﴾ لکن، این‌ها و پدرانشان را از نعمت‌های زندگی بهره‌مند کردم تا آن‌گاه حق و پیامبرِ روشنگر، به سراغشان آمد ﴿۲۹﴾ و هنگامی که حق بر آن‌ها آشکار شد گفتند: این سحر و جادوست و ما آن را انکار می‌کنیم! ﴿۳۰﴾ و گفتند: چرا این قرآن بر بزرگ مردی از این دو قریه، (مکه و طائف) نازل نشده است؟! ﴿۳۱﴾ آیا مگر آن‌ها تقسیم‌کننده رحمت پروردگارت هستند؟! ما معیشت و رحمت الهی را در زندگی دنیا بین آن‌ها تقسیم می‌کنیم. و بعضی را بر بعضی دیگر [به درجاتی] برتری می‌بخشیم، تا برخی، برخی دیگر را به خدمت گیرند [و کارها پیش برود]. بدان که رحمت پروردگارت از آن‌چه جمع می‌کنند بهتر است! ﴿۳۲﴾ اگر مردم تبدیل به یک امت واحد [گمراه] نمی‌شدند، ما برای خانه‌های کسانی که به خدای رحمان کافرند، سقفی از نقره و پلکان‌هایی قرار می‌دادیم تا از آن بالا روند! ﴿۳۳﴾

و برای خانه‌هایشان درها و تخت‌هایی قرار می‌دادیم که بر آن تکیه کنند! ﴿۳۴﴾ هم‌چنین انواع زیورآلات را عطایشان می‌کردیم. اما تمام این‌ها متاع ناچیز زندگی دنیاست، حال آن که حیات جاودان در محضر پروردگارت، خاص کسانی است که؛ حرمت خداوند را نگاه می‌دارند! ﴿۳۵﴾ هر کس از یاد خدای رحمان روی بگرداند، شیطانی را به سویش می‌فرستیم که همواره قرینش باشد ﴿۳۶﴾ و آن شیاطین، آن‌ها را از راه نجات‌بخش الهی باز می‌دارند، در حالی که می‌پندارند هدایت شده‌اند! ﴿۳۷﴾ تا آن هنگام که نزد ما بیاید و گوید: کاش بین من و تو فاصله مشرق تا مغرب وجود داشت! حقیقتاً چه بد همنشینی هستی! ﴿۳۸﴾ امروز این حرف‌ها برایتان سودی ندارد، زیرا ظلم کرده‌اید و همه‌تان در عذاب شریک یکدیگرید! ﴿۳۹﴾ آیا تو می‌توانی سختی را به گوش ناشنوایان برسانی، یا نابینایان و کسانی را که در گمراهی آشکاری به سر می‌برند هدایت نمایی؟! ﴿۴۰﴾ هرگاه تو را از میان آن‌ها ببریم قطعاً از آن‌ها انتقام می‌گیریم ﴿۴۱﴾ و یا اگر عذابی را که به آن‌ها وعده داده‌ایم [در زمان حیات] به تو نشان دهیم، باز ما بر آن‌ها قادریم! ﴿۴۲﴾ آن‌چه را به تو وحی شده است محکم بگیر. که تو بر راه راست و درستی! ﴿۴۳﴾ قرآن مایهٔ پند تو و قوم تو است. و به زودی همگی بازخواست خواهید شد ﴿۴۴﴾ از پیامبرانی که قبل از تو فرستاده‌ایم بپرس: آیا ما به جز خدای رحمان، خدایان دیگری را برای پرستش آنان قرار داده بودیم؟! ﴿۴۵﴾ ما موسی را با آیات مان به سوی فرعون و اشراف قومش فرستادیم، و [موسی] گفت: من پیامبر پروردگار جهانیانم! ﴿۴۶﴾ و هنگامی که آیات ما را برای‌شان آورد به ناگاه همه از آن به خنده افتادند! ﴿۴۷﴾

هر آیه و معجزه‌ای که به آن‌ها نشان دادیم از معجزه دیگر بزرگ‌تر بود، حتی آن‌ها را گرفتار بلا کردیم شاید [از انحراف] باز گردند! ﴿۴۸﴾ [هنگامی که گرفتار بلا شدند] گفتند: ای جادوگر! بنا بر عهده‌ی که خدا با تو دارد پروردگارت را به خاطر ما دعا کن [تا بلاها رفع شود]، و قطعاً ما هدایت یافتگانیم! ﴿۴۹﴾ اما چون بلا را از آن‌ها برداشتیم پیمان خود را شکستند! ﴿۵۰﴾ فرعون قوم خود را ندا داد و گفت: آیا این سرزمین مصر و نهرهای جاری در آن از آن من نیست؟! مگر نمی‌بینید؟! ﴿۵۱﴾ آیا من بهترم با این مرد خوار و ذلیل که حتی درست حرف زدن را نمی‌داند؟! ﴿۵۲﴾ چرا دستبندهایی از طلا بر دستانش نیست؟! و یا فرشتگانی همراه او نیامده‌اند؟! ﴿۵۳﴾ فرعون چون قوم خود را کم ارزش کرد از او اطاعت کردند! زیرا آن‌ها قومی زشت‌کار و بدسیرت‌اند ﴿۵۴﴾ چون [با نپذیرفتن حق] ما را از خود ناامید ساختند^(۱) از آن‌ها انتقام گرفتیم و همه‌شان را غرق نمودیم ﴿۵۵﴾ و آن‌ها را جزو اولین درس عبرت‌های آیندگان قرار دادیم! ﴿۵۶﴾ چون ماجرای عیسی پسر مریم گفته شد، قوم تو شادمانه سر و صدا به راه انداختند^(۲) ﴿۵۷﴾ و گفتند: آیا خدایان ما بهتر است یا او (عیسی)؟! و این سخن را جز برای جدال با تو نگفتند، زیرا آن‌ها مردمی ستیزه جویند ﴿۵۸﴾ او فقط بنده‌ای بود که نعمت عطایش کرده بودیم، و او را الگوی بنی‌اسرائیل قرار دادیم ﴿۵۹﴾ بدانید اگر بخواهیم، فرشتگانی را به جای شما در زمین پدید می‌آوریم تا جانشین شما باشند! ﴿۶۰﴾

۱. گویی در اینجا فرشتگانی که مأمور به امر بوده‌اند انتظار دیگری داشتند که این جمع از بشر، انتظار آنان را برآورده نکرده‌اند.

۲. مشرکان هنگامی که شنیدند عده‌ای از پیروان مسیح، او را به عنوان خدا فرض کرده‌اند شادمان شدند و گفتند: اگر این طور باشد خدایان ما که از او بهتر هستیم!

او (مسیح) نشانهٔ فرا رسیدن رستاخیز است. هرگز در آن تردید نکنید. و از من تبعیت کنید که راه راست و درست همین است! ﴿۶۱﴾ و شیطان شما را از راه نجات و آرامش الهی [باز ندارد، که او برای شما یک دشمن واقعی است! ﴿۶۲﴾ هنگامی که عیسی با دلایل روشنی آمد، گفت: من برای شما حکمت آورده‌ام تا پاره‌ای از آن چیزهایی را که در آن اختلاف می‌کنید بیان نمایم، پس حرمت او امر الهی را نگاه دارید، و از من اطاعت کنید! ﴿۶۳﴾ الله پروردگار من و شماست، پس او را بپرستید که این راه راست و درست است! ﴿۶۴﴾ اما گروه‌ها در بین خود اختلاف کردند! پس وای به حال ظالمان از عذاب آن روز دردناک! ﴿۶۵﴾ آیا جز این انتظار دارند که قیامت ناگهان به سراغشان آید در حالی که نمی‌فهمند! ﴿۶۶﴾ در آن روز به جز کسانی که حرمت خدا را نگاه داشتند، همهٔ دوستان، دشمنان یکدیگر خواهند بود! ﴿۶۷﴾ ای بندگان من! امروز هیچ ترسی بر شما نیست و هیچ اندوهی در شما راه ندارد! ﴿۶۸﴾ همان بندگان که به آیات ما ایمان دارند و سراپا تسلیم حق-اند! ﴿۶۹﴾ شما و همسرانتان شادمانه به بهشت داخل شوید! ﴿۷۰﴾ ظرف‌ها و جام-های زرین را در اطراف آن‌ها می‌گردانند و در بهشت آن‌چه که دل بخواهد و چشم از آن لذت ببرد، موجود است. و شما در آن جاودانه خواهید بود! ﴿۷۱﴾ این همان بهشتی است که شما به پاس عملکرد خوبتان به ارث بردید! ﴿۷۲﴾ در آن جا برای شما میوه‌های فراوانی است که از آن بهره‌مند می‌شوید! ﴿۷۳﴾

اما مجرمان در عذاب جهنم جاودانند ﴿۷۴﴾ عذابشان تخفیف نمی‌یابد و سراپا مایوسند ﴿۷۵﴾ [بدانید!] ما به آن‌ها ظلم نکردیم، بلکه آن‌ها خود به خویشتن ظلم روا داشتند ﴿۷۶﴾ در آنجا فریاد زنند: ای مالک جهنم! کاش پروردگار تو ما را بکشد! و جواب دهد: [نه!] شما در این جا ماندنی هستید! ﴿۷۷﴾ [یادتان می‌آید!] حق را برایتان آوردیم، اما اکثر شما از حق کراهت داشتید! ﴿۷۸﴾ [بدانید!] که آن‌ها بر اندیشه باطل خود پای فشردند. ما نیز بر اراده حق محکم بودیم! ﴿۷۹﴾ آن‌ها می‌پنداشتند، ما اسرار و نجواهاشان را نمی‌شنویم؛ حال آن‌که رسولان ما، نزد آن‌ها همه چیز را می‌نوشتند ﴿۸۰﴾ بگو: اگر خدای رحمان فرزندی می‌داشت من اولین کسی بودم که مطیع او می‌شدم! ﴿۸۱﴾ اما منزّه است پروردگار آسمان‌ها و زمین. همان پروردگار عرش، از تهمت‌هایی که می‌زنند! ﴿۸۲﴾ اکنون رهایشان کن تا در افکار باطل خویش فرو روند و سرگرم باشند، تا روزی را که به آن‌ها وعده داده شده ملاقات نمایند! ﴿۸۳﴾ او کسی است که در آسمان، خدا و در زمین نیز خداست. اوست خدای حکیم و دانا! ﴿۸۴﴾ با برکت و بزرگ است خدایی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آن‌چه میان آن‌هاست از آن اوست! آگاهی از زمان وقوع قیامت نزد اوست. و همه شما به سوی او باز می‌گردید ﴿۸۵﴾ کسانی که [مشرکین] به جای خداوند می‌خوانند، قادر به شفاعت کسی نیستند، مگر کسانی که از روی علم و آگاهی به حق شهادت داده باشند! ﴿۸۶﴾^۵ چنان‌چه از آن‌ها سؤال کنی چه کسی آن‌ها را آفریده است؟! بی‌شک خواهند گفت: الله! پس چگونه است که از حق منحرف می‌شوند؟! ﴿۸۷﴾ [چگونه] از دعای پیامبر که گفته است: پروردگار! این‌ها مردمی هستند که به حقایق ایمان نمی‌آورند، [غافل می‌شوند]؟! ﴿۸۸﴾ تو از آن‌ها در گذر و فقط بگو: سلام! به زودی حقایق را خواهند فهمید! ﴿۸۹﴾

۱. حتی اگر کسی بدون علم و آگاهی به صورت اتفاقی به حق گواهی یا به حق قضاوت کند ارزشی ندارد، گواهی و قضاوت به حق حتما باید منبث از علم و آگاهی باشد.

سوره دخان

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

حم ﴿۱﴾ قسم به این کتاب بیان کننده حقایق ﴿۲﴾ که ما آن را در شبی مبارک نازل کردیم. و ما هشداردهندگان حقیقی بودیم ﴿۳﴾ در آن شب هر کاری بر اساس حکمت تنظیم می‌گردد ﴿۴﴾ کار ماست و ما فرستنده بودیم! ﴿۵﴾ همه این‌ها رحمتی از جانب پروردگار توست، زیرا او شنوا و آگاه است ﴿۶﴾ اوست پروردگار آسمان‌ها و زمین و آن چه میان آنهاست، اگر یقین داشته باشید! ﴿۷﴾ هیچ معبودی جز او نیست، زنده می‌کند و می‌میراند. پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست ﴿۸﴾ نه! آنها هنوز در شک خود سرگرم بازی‌اند! ﴿۹﴾ پس منتظر روزی باش که آسمان، دود آشکاری ظاهر نماید! ﴿۱۰﴾ و مردم را فرا بگیرد! این همان عذاب دردناک است ﴿۱۱﴾ پروردگارا! عذاب را از ما برطرف کن که ایمان می‌آوریم! ﴿۱۲﴾ چگونه و از کجا متذکر می‌شوند، در حالی که پیامبر، آشکارا به سراغشان آمد؟! ﴿۱۳﴾ سپس از او روی برگرداندند و گفتند تعلیم یافته‌ای دیوانه است ﴿۱۴﴾ ما اندکی از عذاب را برطرف می‌کنیم، اما بار دیگر شما [به شیوه پیشین] باز می‌گردید! ﴿۱۵﴾ در آن روز که قدرتمندان آنها را گرفتار کنیم، انتقام خواهیم گرفت ﴿۱۶﴾ قبل از آنها قوم فرعون را امتحان کردیم در حالی که پیامبری گرامی به سراغشان آمد ﴿۱۷﴾ [وگفت]: بندگان خدا را به من تحویل دهید، زیرا من برایتان پیامبری امین هستم! ﴿۱۸﴾

و نسبت به خداوند تکبر و برتری جویی مکنید، زیرا من دلیل روشنگری برایتان آورده‌ام! ﴿۱۹﴾ و اگر مرا [محکوم به] سنگسار کنید، بدانید که من به پروردگار خود و شما پناه برده‌ام! ﴿۲۰﴾ و چنانچه به رسالت من ایمان نمی‌آورید، از من کناره‌گیری کنید! ﴿۲۱﴾^۱ سرانجام پروردگارش را دعا کرد که اینها قومی مجرم‌اند! ﴿۲۲﴾ [پس گفتیم]: شبانه بندگانم را ببر تا آنها تعقیب‌تان کنند! ﴿۲۳﴾ دریا را در آرامش کامل، پشت سر بگذار که آنها لشکری غرق‌شدنی هستند! ﴿۲۴﴾ آنها چه باغ‌ها و چشمه‌سارهایی از خود به جای گذاشتند! ﴿۲۵﴾ کشتزارها و قصرهای زیبا! ﴿۲۶﴾ و نعمتهایی که در آن [غرق] در شادمانی بودند! ﴿۲۷﴾ بدین سان همه آن نعمتها را میراث مردم دیگر قرار دادیم! ﴿۲۸﴾ نه آسمان و نه زمین هیچ کدام بر آنها گریه نکردند! و هیچ مهلتی به آنها داده نشد! ﴿۲۹﴾ ما بنی‌اسرائیل را از عذاب خوارکننده رهان‌دیم! ﴿۳۰﴾ از [دست] فرعون، زیرا او برتری جوی و اسراف‌کار بود! ﴿۳۱﴾ ما آنها را آگاهانه برگزیدیم، و بر مردم جهان برتری دادیم! ﴿۳۲﴾ و آیات و نشانه‌ها را به آنها دادیم. حال آن که در همه آنها امتحانی آشکار بود! ﴿۳۳﴾ اینها می‌گویند: ﴿۳۴﴾ مرگ ما، فقط همان مرگ اول است، و ما دوباره زنده نخواهیم شد! ﴿۳۵﴾ اگر راست می‌گویید پدرانمان را [به دنیا] بیاورید! ﴿۳۶﴾ آیا آنها بهترند یا قوم تبع^۲ و کسانی که پیش از آنها بودند؟! ما همه‌شان را هلاک کردیم، زیرا مردمی مجرم بودند! ﴿۳۷﴾ ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آنهاست به بازیچه خلق نکردیم! ﴿۳۸﴾ ما آنها را جز به حق نیافریدیم، هر چند اکثر مردم درک نمی‌کنند! ﴿۳۹﴾

^۱ بگذار مردم ایمان بیاورند، زیرا ظلم به من و رسالت من، مساوی است با عذاب شما!

^۲ در سرزمین یمن در جنوب عربستان پادشاهانی وجود داشتند که به آنها تبع (تباعه) می‌گفتند و دارای قدرت و نیروی فراوان بودند.

روز جدایی [حق از باطل] میعادگاه همه آن‌هاست ﴿۴۰﴾ روزی که هیچ دوستی برای دوست خود نفعی ندارد، و هیچ کدام آن‌ها یاری نشوند! ﴿۴۱﴾ مگر کسی که مشمول رحمت الهی گردد، زیرا او قدرتمند و با رحمت است ﴿۴۲﴾ به راستی درخت زقوم ﴿۴۳﴾ غذای گناهکاران است ﴿۴۴﴾ همانند فلز مذاب در شکم‌ها، غلیان می‌زند ﴿۴۵﴾ غلیانی چون آب سوزان ﴿۴۶﴾ این مجرم گناهکار را بگیرد و به میان آتش پرتاب کنید ﴿۴۷﴾ آن‌گاه بر سر او عذاب سوزان بریزید ﴿۴۸﴾ بچش که تو [همانی که می‌پنداشتی] قدرتمند و محترم هستی! ﴿۴۹﴾ این همان عذابی است که پیوسته در وجود آن تردید می‌کردید! ﴿۵۰﴾ اما حرمت نگاهداران حریم الهی در جای امنی هستند ﴿۵۱﴾ و در باغ‌ها و چشمه‌سارها ﴿۵۲﴾ آن‌ها لباس‌هایی از حریر نازک، حریر ضخیم، پوشیده و روبه‌روی یکدیگر می‌نشینند ﴿۵۳﴾ حال بهشتی‌یان این چنین است و آن‌ها را با حوران بهشتی تزویج می‌دهیم ﴿۵۴﴾ که هر میوه‌ای که بخواهند در اختیارشان است و آن‌ها در امتیّت کاملند ﴿۵۵﴾ در آن جا مزه هیچ مرگی را نمی‌چشند، مگر همان مرگ اول [که در دنیا چشیدند] و خداوند، آن‌ها را از عذاب جهنّم حفظ می‌نماید ﴿۵۶﴾ این‌ها فضل و رحمتی از جانب پروردگار توست. و این همان پیروزی بزرگ است ﴿۵۷﴾ ما بیان رسالت را بر زبان تو آسان کردیم، امید آن‌که حقایق را بفهمند و پند بگیرند ﴿۵۸﴾ پس تو منتظر باش آن‌ها نیز منتظرند! ﴿۵۹﴾

سوره جاثیه

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

حم ﴿۱﴾ این کتاب نازل شده از سوی خداوند قدرتمند و حکیم است ﴿۲﴾ در آسمان‌ها و زمین نشانه‌هایی برای اهل ایمان وجود دارد ﴿۳﴾ و هم چنین در آفرینش شما و جنبندگانی که در سراسر زمین پراکنده‌اند نشانه‌هایی برای اهل یقین وجود دارد ﴿۴﴾ و نیز در اختلاف شب و روز و آن نعمتی را که خدا از آسمان نازل کرده تا به واسطه آن زمین مرده را حیات بخشد. و نیز در وزش باده‌ها، نشانه‌هایی برای خردمندان وجود دارد ﴿۵﴾ این‌ها همه، آیات و نشانه‌های خداست که بر تو به حق تلاوت می‌کنیم. پس بعد از خدا و آیاتش به کدام سخن می‌خواهند ایمان بیاورند؟! ﴿۶﴾ پس وای بر هر دروغگوی گناهکار! ﴿۷﴾ که پیوسته آیاتی را که برایش تلاوت می‌شود می‌شنود، اما از روی تکبر اصرار بر مخالفت دارد! گویی اصلاً آیات را نشنیده است! این چنین کسی را به عذاب دردناک بشارت ده ﴿۸﴾ هرگاه به بعضی از آیات ما آگاهی یابند آن را به تمسخر می‌گیرند، [بدانید!] برای آن‌ها عذابی خوارکننده است ﴿۹﴾ و پشت سر آن‌ها جهنم است. و دستاوردها هیچ به دردشان نخورد و کسانی را که به جای خدا به عنوان تکیه‌گاه برگزیدند هیچ نفعی به آن‌ها نرساند و برای آن‌ها عذابی بزرگ است ﴿۱۰﴾ این قرآن هدایت است و کسانی که آیات پروردگارش را انکار می‌کنند، عذابی سخت و دردناک دارند ﴿۱۱﴾ این خداست که دریا را در اختیار شما گذاشت تا کشتی‌ها به فرمان او جریان یابند، و شما از فضل و گرمش [روزی خود را] جست و جو کنید، امید آن‌که شکرگزار نعمات الهی گردید ﴿۱۲﴾ و آن‌چه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین است همه را از سوی خود در اختیار شما گذاشت. بدانید که در تمام این‌ها نشانه‌هایی برای اهل تفکر وجود دارد! ﴿۱۳﴾

به اهل ایمان بگو: از آن‌هایی که به روزهای الهی، امید و اعتقادی ندارند درگذرند تا خودِ خدا، آن مردم را نسبت به دستاوردهایشان جزا دهد ﴿۱۴﴾ هر کس عملکرد خوب و مفیدی داشته باشد به سود خود اوست، و هر کس عملکرد بدی داشته باشد به زیان اوست. سرانجام همه شما به سوی پروردگارتان باز می‌گردید ﴿۱۵﴾ ما به بنی‌اسرائیل کتاب آسمانی و قدرت و نبوت عطا کردیم، و از نعمت‌های پاکیزه روزی-شان دادیم. و آن‌ها را بر جهانیان برتری بخشیدیم ﴿۱۶﴾ و دلائل روشنی از امر خدا را عطایشان کردیم. و آن‌ها در آن اختلاف نکردند، مگر آگاهانه و از روی ظلم و ستم! بدان که پروردگارت در روز قیامت، میان آن‌ها در مورد اختلاف‌شان داوری خواهد کرد ﴿۱۷﴾ آن‌گاه تو را بر راه و آیین حقی قرار دادیم، پس از آن تبعیت کن و از هوای نفسانی ناآگاهان پیروی منما! ﴿۱۸﴾ آن‌ها هیچ نفعی برای تو در برابر خداوند بزرگ نخواهند داشت! [بدان که] ظالمان پشتیبان یکدیگرند و خداوند، سرپرست و تکیه‌گاه حرمت نگاهداران حریم الهی است ﴿۱۹﴾ این قرآن مایه بصیرت مردم است و برای اهل یقین سراسر هدایت و رحمت است ﴿۲۰﴾ آیا کسانی که عملکرد بدی دارند، می‌پندارند ما آن‌ها را چون اهل ایمان و عمل صالح قلمداد می‌کنیم؟! مگر نوع زندگی و مرگ‌شان یکسان است؟! حقیقتاً چه بد حکم می‌کنند! ﴿۲۱﴾ خداوند، آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید تا به هر کس نسبت به دستاوردهایش جزا داده شود، حال آن‌که به هیچ کس ظلم نخواهد شد ﴿۲۲﴾

^۱ روزهای الهی: روزهای نزول نعمت الهی، وعده‌های الهی، و حتی قیامت است.

آیا آن کس که هوای نفس خویش را خدای خود قرار داده، دیده‌ای؟! خدا آگاهانه گمراهش کرد و [قوای ادراک او چون] گوش و قلب وی را از درک حقایق عاجز نمود! و بر دیدگانش پرده‌ای افکند [تا درک حقایق نتواند] پس چه کسی به غیر از خدا می‌تواند او را هدایت کند؟! چرا پند نمی‌گیرید؟! ﴿۲۳﴾ و گفتند: زندگی ما فقط همین زندگی دنیاست. عده‌ای می‌میریم و عده‌ای به دنیا می‌آییم! و این روزگار است که ما را از بین می‌برد! آن‌ها از حقایق آگاهی ندارند. و فقط گمان می‌کنند ﴿۲۴﴾ هنگامی که آیات روشن‌گرمان بر آن‌ها تلاوت می‌شود، حجت‌شان جز این نیست که می‌گویند: اگر راست می‌گویید، پدرانمان را به دنیا برگردانید! ﴿۲۵﴾ بگو: این خداست که شما را زنده می‌کند، سپس می‌میراند. و سرانجام همه شما را در روز قیامت جمع خواهد کرد. در آن هیچ شکی نیست هر چند اکثر مردم درک نمی‌کنند ﴿۲۶﴾ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن خداست و آن روز که قیامت برپا شود، اهل باطل زیان خواهند دید! ﴿۲۷﴾ خواهی دید که هر امتی به زانو در آمده است! هر امتی را برای [رؤیت] نامه اعمالش فرا بخوانند! امروز به خاطر عملکردتان جزا خواهید دید! ﴿۲۸﴾ این است کتاب ما، که به حق، علیه شما سخن می‌گوید! [آری] ما تمامی عملکردتان را نوشته‌ایم! ﴿۲۹﴾ اما کسانی که به حقایق ایمان دارند و عملکردشان خوب و شایسته است پروردگارشان آن‌ها را در رحمت خویش وارد می‌کند! این همان پیروزی واقعی است ﴿۳۰﴾ و اما کسانی که نسبت به حقایق کافر شدند [به آن‌ها گویند]: آیا آیات نجات‌بخش ما بر شما خوانده نمی‌شد؟! و شما هم تکبر می‌کردید و مردمی مجرم شدید؟! ﴿۳۱﴾ و هنگامی که گفته می‌شد، وعده خدا حق است و در وجود قیامت شکی نیست، شما می‌گفتید: ما نمی‌دانیم قیامت چیست! جز گمانی نمی‌بریم و به یقین نرسیده‌ایم! ﴿۳۲﴾

[اکنون] بدی‌های عملکردشان بر آن‌ها آشکار شده و حقایقی را که به تمسخر می‌گرفتند محاصره‌شان نموده است! ﴿۳۳﴾ گفته شود: امروز ما شما را فراموش می‌کنیم. همانطور که شما دیدار چنین روزی را فراموش کردید. جایگاه شما آتش است. و هیچ یآوری نخواهید داشت ﴿۳۴﴾ این به آن خاطر است که آیات الهی را به تمسخر می‌گرفتید، و زندگی [چند روزه] دنیا فریب‌تان داد! پس امروز از آتش خارج نمی‌شوید و هیچ عذری از شما پذیرفته نیست! ﴿۳۵﴾ ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین است. پروردگار همهٔ جهانیان است ﴿۳۶﴾ بزرگواری و عظمت در آسمان‌ها و زمین براندهٔ اوست، زیرا او قدرتمند و حکیم است ﴿۳۷﴾

سورهٔ احقاف

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

حم ﴿۱﴾ این کتاب از جانب خداوند قدرتمند و حکیم نازل شده است ﴿۲﴾ ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن‌هاست جز به حق خلق نکردیم، آن هم برای مدتی معین! بدانید کسانی که به حقایق کافرنند، از هشدارها روی می‌گردانند! ﴿۳﴾ بگو: آن چیزهایی را که به جای الله به خدایی می‌خوانید نشانم دهید تا ببینم در زمین چه خلق کرده‌اند و یا چه مشارکتی در آفرینش آسمان‌ها داشته‌اند؟! اگر به کتابی قبل از قرآن، و یا به آثار علمی پیشینیان استناد می‌کنید همه را بیاورید! اگر راست می‌گویید! ﴿۴﴾ چه کسی گمراه‌تر از کسی است که به جای خدا، چیزهای دیگری را به دعا می‌خواند که اگر تا قیامت هم آن‌ها را بخوانند جوابشان را نمی‌دهند! زیرا از خواندن آن‌ها بی‌خبرند! ﴿۵﴾

هنگامی که همهٔ مردم محشور می شوند، همان‌ها (معبودان دروغین) دشمنانشان هستند و عبادتشان را انکار می‌کنند! ﴿۶﴾ هنگامی که آیات روشنگر ما بر کافران تلاوت شود، آن‌ها حقیقتی را که به سراغشان آمده، جادوی آشکار می‌نامند! ﴿۷﴾ یا می‌گویند: این قرآن دروغی است که [پیامبر] بافته است، بگو: اگر من آن را به دروغ بافته باشم شما نمی‌توانید [ذره‌ای] از خشم خدا را از من دفع نمایید! او از کارهایی که نسبت به آن مرتکب می‌شوید از هر کس دیگری آگاه‌تر است. بدانید! که گواهی خدا بین من و شما کافی است. و او آمرزنده و با گذشت است ﴿۸﴾ بگو: من بدعت گذار پیامبران گذشته نیستم،^۱ و نمی‌دانم که بر من و شما چه خواهد رفت! من فقط از آن‌چه به سویم وحی می‌شود تبعیت می‌کنم، و من چیزی جز یک هشدار دهندهٔ آشکار نیستم! ﴿۹﴾ بگو: چه تصور می‌کنید اگر قرآن از جانب خدا باشد در حالی که شما به آن کفر ورزیده‌اید؟! حال آن‌که یکی از بنی‌اسرائیل به [حقانیت] آن شهادت داده و ایمان آورده است، آما شما تکبر می‌ورزید. بدانید که خداوند ظالمان را به راه نجات هدایت نمی‌کند! ﴿۱۰﴾ اهل کفر به اهل ایمان گفتند: اگر [در قرآن] خیری بود، نمی‌گذاشتیم مردم دیگر، نسبت به ما در آن پیشی گیرند! و چون به حقانیت آن راه نیافته‌اند، ادعا می‌کنند که قرآن دروغی قدیمی است ﴿۱۱﴾ قبل از قرآن، کتاب موسی راهنما و رحمت بود. این کتابی است تصدیق‌کنندهٔ آن! به زبانی فصیح تا ظالمان را هشدار دهد و نیکوکاران را مژده رساند ﴿۱۲﴾ کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس بر این ایمان پایداری کردند، هیچ ترس و یأس و اندوهی به خود راه ندهند! ﴿۱۳﴾ زیرا آن‌ها اهل بهشتند و به پاس عملکرد خوبشان جاودانه در آن خواهند ماند! ﴿۱۴﴾

^۱ دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه چیز جدیدی نیست، پیامبران دیگر نیز همین رسالت را داشته‌اند!
^۲ برخی مفسرین این شخص را عبدالله بن سلام دانسته‌اند. او یکی از بزرگان یهود در مدینه بود که با شجاعت در معابد یهود به حقانیت پیامبر اسلام اعتراف نمود و اقرار کرد که القاب حاشر و عاقب که در تورات آمده است برای رسول اسلام است.

ما انسان را سفارش کردیم تا نسبت به پدر و مادرش نیکی کند. مادری که با زحمت دوران حاملگی را تحمل کرد، و با دشواری او را وضع حمل نمود. حال آن که دوران بارداری و باز گرفتنش از شیر، سی ماه بود. تا آن وقت که به قوت و نیرومندی رسید، و چهل ساله شد و گفت: پروردگارا! به من توفیق ده تا شکر نعمت‌هایی که به من و پدر و مادرم عطا کرده‌ای به جا بیاورم. و اعمال نیک و شایسته‌ای که باعث خشنودی توست انجام دهم، و فرزندان مرا صالح گردان، زیرا من به سوی تو بازگشته‌ام و تسلیم تو شده‌ام! ﴿۱۵﴾ این‌ها کسانی هستند که ما بهترین عملکردهایشان را قبول می‌کنیم و از گناهان‌شان می‌گذریم. آن‌ها در زمره اهل بهشتند. این همان وعده راستی است که به آن‌ها داده شده است ﴿۱۶﴾ و کسی که به پدر و مادرش بگوید اُف بر شما! آیا شما به من وعده می‌دهید که از گور برمی‌خیزم در حالی که قبل از من مردم بسیاری مرده‌اند [و برنخاسته‌اند؟!]^۱ و با این وجود شما از درگاه خدا استغاثه می‌کنید؟! وای بر تو! به حقیقت ایمان بیاور، زیرا وعده خدا حق است! و او جواب دهد: این چیزها جز افسانه پیشینیان نیست ﴿۱۷﴾ آن‌ها کسانی هستند که فرمان عذاب الهی همراه با اقوام پیشین از جن و انس، بر آن‌ها تحقق یافته است. زیرا همه آن‌ها جماعتی زیانکار بوده‌اند ﴿۱۸﴾ هر گروه نسبت به دیگری به خاطر عملکردشان دارای درجات [متفاوتی] است، بدین‌سان خداوند پاداش همه را بی‌کم و کاست می‌دهد و به هیچ‌کس ظلم نخواهد شد ﴿۱۹﴾ روزی که اهل کفر در معرض آتش قرار می‌گیرند [به آن‌ها گویند]: از لذائد و نعمت‌های پاکیزه در زندگی دنیا بهره‌مند شدید، اما امروز به کیفر دستاورد متکبرانه و ناحق‌تان در روی زمین، و نیز به جرم گناهانی که مرتکب شدید، عذاب خوارکننده‌ای از آن شماست! ﴿۲۰﴾

^۱ اُف یک کلمه تحقیرآمیز است که در مقام توهین گفته می‌شود.

و از برادر قوم عاد یاد کن، آن گاه که قوم خود را در سرزمین «أحقاف» هشدار داد، حال آن که پیامبران بسیاری قبل و بعد از او آمده بودند که: جز خداوند را نپرستید! زیرا من بر شما از عذاب روز بزرگ بیمناکم!» ﴿۲۱﴾ گفتند: آیا آمده‌ای تا ما را از خدایانمان منحرف کنی؟! اگر راست می‌گویی آن چه را که به ما وعده می‌دهی بیاور! ﴿۲۲﴾ وی گفت: علم و آگاهی فقط نزد خداست (موقع عذاب شما را او می‌داند) من فقط مأمور شده‌ام تا پیام‌های الهی را به شما برسانم، اما شما را قوم نادانی می‌بینم! ﴿۲۳﴾ هنگامی که دیدند [آن عذاب] چون ابری گسترده از جانب آبیگیرهایشان می‌آید [مسرورانه] گفتند: این ابری باران زاست! نه! این همان عذابی است که به شتاب آن را می‌طلبیدید؟ باد است و در آن عذابی دردناک! ﴿۲۴﴾ [بادی که] به فرمان پروردگارش همه چیز را زیر و زبر می‌کند! [بلایی بر سرشان آمد که] اکنون چیزی جز [ویرانه‌های] خانه‌هایشان نمی‌بینی! ما این چنین مجرمان را جزا می‌دهیم ﴿۲۵﴾ به آن‌ها چنان مقام و منزلتی داده بودیم که به شما نداده بودیم! به آن‌ها قدرت شنوایی و بینایی و قلب (مرکز ادراک) داده بودیم اما دستاورد گوش و چشم و قلب‌های آن‌ها به دردشان نخورد! زیرا آیات نجات‌بخش ما را انکار می‌کردند، و سرانجام حقایقی را که مسخره می‌کردند محاصره‌شان نمود! ﴿۲۶﴾ ما اهل تمام آبادی‌هایی را که در اطراف شما بودند نابود کردیم در حالی که آیات‌مان را به انحاء مختلف [برایشان] بیان کردیم، شاید [از انحراف] بازگردند! ﴿۲۷﴾ پس چرا کسانی را که به جای خدا، آن هم به بهانهٔ تقرب به خدا، برگزیده بودند آن‌ها را یاری نکردند؟! بلکه همهٔ آن‌ها از جلو چشم‌شان ناپدید شدند! این‌ها دروغ‌ها و تهمت‌هایی بود که می‌بافتند! ﴿۲۸﴾

^۱ آن را سرزمینی ریگستان در جنوب عربستان دانسته‌اند. به تعبیری دیگر می‌توان آن را موقفی در سلوک سالکان دانست موقف کثرت!

[به یاد آر!] هنگامی که گروهی از جنیان را به سوی تو روانه کردیم تا قرآن را گوش دهند. آن‌ها وقتی حضور یافتند به یکدیگر گفتند: ساکت! گوش کنید. و هنگامی که تمام شد. به سوی قوم خود بازگشتند قوم خود را نسبت به حقایق هشدار دادند! ﴿۲۹﴾ گفتند: ای قوم ما [آیات] کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده است، در حالی که تصدیق کننده کتب آسمانی پیشینیان است! این کتاب به سوی حق راهنمایی می‌کند. و همواره بر راه راست و درست است ﴿۳۰﴾ ای قوم ما! دعوت کننده الهی را اجابت کنید، و به او ایمان بیاورید، که [خداوند] همه گناهان شما را می‌آمرزد و از عذاب دردناک پناهتان می‌دهد! ﴿۳۱﴾ و هر کس دعوت کننده الهی را اجابت نکند، در زمین در امان نیست. و غیر از خدا هیچ تکیه گاه و پناهی ندارد. و چنین کسانی در گمراهی واقعی‌اند! ﴿۳۲﴾ آیا نمی‌بینند که خداوند آسمان‌ها و زمین را خلق کرد و از آفرینش آن‌ها ناتوان نگشته است، او قادر است که مردگان را زندگی بخشد، زیرا او بر هر کاری تواناست ﴿۳۳﴾ روزی که کافران در معرض آتش قرار گیرند [به آن‌ها گفته می‌شود]: آیا این حق نیست! گویند: به پروردگاران سوگند آری! اینک به خاطر دستاورد کفرآلودتان عذاب را بچشید ﴿۳۴﴾ پس صبر کن! همان‌گونه که پیامبران «اولوالعزم» صبر کردند. و در مورد [عاقبت] آن‌ها عجله مکن! هنگامی که آن‌چه را که به آن‌ها وعده داده شده، ببینند [خواهند پنداشت] که ساعتی از یک روز را، بیشتر در دنیا نبوده‌اند. این یک ابلاغ و هشدار همگانی است! آیا به جز زشت‌کاران بد سیرت هلاک می‌شوند؟! ﴿۳۵﴾

سورة محمد

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

کسانی که به حقایق کافر شدند و مردم را از راه نجات بخش الهی بازداشتند، خداوند اعمالشان را باطل می‌کند ﴿۱﴾ اما کسانی که به حقایق ایمان آورده و عملکردی نیک و شایسته دارند، و به قرآن حقی که از جانب پروردگارشان بر محمد نازل شده ایمان دارند، خداوند گناهان‌شان را می‌پوشاند و کارهایشان را اصلاح می‌کند ﴿۲﴾ و این به خاطر آن است که اهل کفر از باطل تبعیت می‌کنند. ولی اهل ایمان از حقی که از جانب پروردگارشان است پیروی می‌نمایند. خداوند این چنین [حقایق زندگی] مردم را برای‌شان توصیف می‌کند ﴿۳﴾ هنگامی که در میدان جنگ با کافران روبرو شدید گردن‌هایشان را بزیند، تا آن‌ها را در هم بکوبید. اسیران را محکم ببندید. سپس یا بر آن‌ها منت گذاشته [آزادشان کنید]. و یا در قبال آزادی‌شان فدیة بگیرید. تا آن‌گاه که جنگ پایان پذیرد. بدانید! اگر خدا می‌خواست خودش از آن‌ها انتقام می‌گرفت، اما اراده کرده تا برخی از شما را به واسطهٔ برخی دیگر مورد امتحان قرار دهد! کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، خداوند هرگز عملکردشان را نابود نمی‌کند ﴿۴﴾ هدایتشان خواهد کرد و کارهای‌شان را اصلاح می‌نماید ﴿۵﴾ و به بهشتی که قبلاً برای‌شان وصف کرده واردشان می‌کند ﴿۶﴾ ای اهل ایمان! اگر خدا را یاری کنید خدا نیز شما را یاری خواهد کرد و گام‌هایتان را استوار می‌دارد ﴿۷﴾ نابودی بر اهل کفر باد، زیرا خدا اعمالشان را نابود کرد! ﴿۸﴾ و این به خاطر آن است که آن‌ها از آن چه خدا نازل کرده کراهت داشتند، سرانجام نیز خدا اعمالشان را از بین برد ﴿۹﴾ آیا مردم در زمین سیر نمی‌کنند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آن‌ها زندگی می‌کردند چگونه بوده است؟! خداوند آن‌ها را هلاک کرد! اهل کفر نیز عاقبتی آن چنان خواهند داشت! ﴿۱۰﴾ این چنین خداوند دوست و تکیه‌گاه اهل ایمان است، حال آن‌که کافران هیچ تکیه‌گاهی ندارند! ﴿۱۱﴾

^۱ یاری کردن خدا، ظهور بخشیدن حق است. یک سالک باید حق را چه در کلام و چه در رفتارش، ظهور بخشد.

خداوند کسانی را که به حقایق ایمان آورند، و عملکردی مفید و شایسته داشته باشند، به بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است وارد می‌نماید. و کسانی که به حقایق کافر گشته‌اند، از متاع زودگذر دنیا بهره می‌گیرند. و هم چون چهارپایان می‌خورند! و سرانجام آتش دوزخ جایگاهشان خواهد بود ﴿۱۲﴾ چه بسیار شهرهایی که از شهر تو، که از آنجا بیرون رفتند قدرتمندتر بودند و ما همه آن‌ها را هلاک کردیم و هیچ یآوری نداشتند! ﴿۱۳﴾ آیا کسی که دلیل روشنی از جانب پروردگارش دارد، همانند کسی است که عملکرد بدش در نظرش زیبا جلوه‌گر می‌شود، و از هواهای نفسانی پیروی می‌کند؟! ﴿۱۴﴾ وصف بهشتی که به نگاه دارندگان حرمت حریم الهی وعده داده شده است این‌گونه است؛ نهرهایی از آب زلال، نهرهایی از عسل مصفی! و برای آن‌ها در بهشت از تمامی میوه‌ها موجود است و [از همه بهتر] مغفرتی از جانب پروردگارشان! آیا چنین کسانی همانند آن‌هایی هستند که جاودانه در آتش‌اند و آب سوزنده خورنده می‌شوند، که امعاء آن‌ها را پاره پاره می‌کند؟! ﴿۱۵﴾ گروهی از آنان به سخنان تو گوش فرا می‌دهند و آن‌گاه که از نزد تو بیرون می‌روند [از روی تمسخر] به اهل دانش می‌گویند: [این مرد] همین حالا چه می‌گفت؟ آن‌ها کسانی هستند که خداوند قلب‌هایشان را از درک حقایق عاجز نموده است، زیرا از هواهای نفسانی‌شان تبعیت می‌کنند ﴿۱۶﴾ و کسانی که هدایت یافته‌اند، بیش از پیش برهدایتشان می‌افزاید و تقوای مورد نیازشان را اعطا می‌کند! ﴿۱۷﴾ آیا آن‌ها جز این انتظار دارند که ناگاه قیامت برپا شود؟! حال آن‌که از هم اکنون نشانه‌های آن آمده است؛ وقتی آن‌ها را در بر بگیری، دیگر پند دادنشان چه سود خواهد داشت؟! ﴿۱۸﴾ بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست، از گناه خود و گناه مردان و زنان اهل ایمان استغفار کن. که خدا هم محل حرکت و هم محل قرارگاه شما را می‌داند! ﴿۱۹﴾

و اهل ایمان می‌گویند: چرا سوره‌ای نازل نمی‌شود؟! پس هنگامی که سوره محکمی که در آن سخن از جنگ آمده نازل می‌شود، چهره کسانی که در قلبشان بیماری [کفر] است، می‌بینی که از ترس، چون انسان در آستانه مرگ، به تو می‌نگرند. پس همان مرگ و نابودی برای‌شان سزاوارتر است! ﴿۲۰﴾ حال آن که اگر اطاعت کنند، و سخن نیکو بگویند برای‌شان بهتر است! و چون تصمیم به جنگ گرفته شود، اگر با خدا صادق باشند باز برای‌شان بهتر خواهد بود! ﴿۲۱﴾ اگر سرپیچی کردید و از حق روی برگردانید جز این نیست که زمین را به فساد و تباهی می‌کشید و پیوندهای خویشاوندی را قطع می‌نمائید؟! ﴿۲۲﴾ آن‌ها کسانی هستند که خدا نفرین‌شان کرده و گوش‌هایشان را کر و چشم‌هایشان را کور نموده است [و درک حقایق نمی‌کنند] ﴿۲۳﴾ چرا در قرآن تدبر نمی‌کنند؟! شاید بر قلب‌هایشان قفل هاست! ﴿۲۴﴾ کسانی که به گذشته زشت و کفرآلود خود برمی‌گردند آن هم بعد از آن که هدایت برای‌شان تبیین شده است، بدانند که شیطان اعمال پلیدشان را در نظرشان زیبا جلوه‌گر کرده و آن‌ها را با آرزوهای دور و دراز فریفته است! ﴿۲۵﴾ این به خاطر آن است که آن‌ها به آن گروه که از آیات الهی کراهت داشتند گفتند: در بعضی از کارها از شما اطاعت خواهیم کرد! بدانید خداوند اسرار همه‌شان را می‌داند! ﴿۲۶﴾ چه حالی خواهند داشت زمانی که فرشتگان [مرگ، جان‌شان را می‌گیرند] بر صورت و پشت‌هایشان می‌زنند! ﴿۲۷﴾ این به خاطر آن است که از آن چه که خدا را به خشم می‌آورد پیروی می‌کردند و از خشنودی خدا کراهت داشتند! سرانجام [خداوند] عملکردشان را نابود و بی‌اثر ساخت ﴿۲۸﴾ آیا آن‌هایی که در قلب‌هایشان بیماری [کفر و نفاق] است پنداشتند که خدا هرگز کینه‌هایشان را [که در دل نهان کرده‌اند] آشکار نخواهد کرد؟! ﴿۲۹﴾

اگر بخواهیم آن‌ها را به تو نشان می‌دهیم تا آن‌ها را از چهره‌هایشان بشناسی! هر چند که از لحن سخن‌شان آن‌ها را می‌شناسی! خداوند از تمامی عملکرد شما مطلع است ﴿۳۰﴾ ما همه شما را امتحان می‌کنیم، تا مشخص نماییم مجاهدان و صابران شما چه کسانی هستند! تا اخبار و حدیث‌تان را بیازماییم ﴿۳۱﴾ کسانی که به حقایق کافرنده و مردم را از راه نجات‌بخش الهی باز می‌دارند و با آن‌ها راه هدایت برای‌شان آشکار شده، با پیامبر مخالفت می‌ورزند، هیچ آسیبی به خدا نمی‌رسانند، و به زودی خداوند اعمال‌شان را نابود و بی‌اثر می‌سازد ﴿۳۲﴾ ای اهل ایمان! از خدا و پیامبر اطاعت کنید و اعمال‌تان را با دست خودتان باطل و بی‌ارزش نکنید! ﴿۳۳﴾ کسانی که به حقایق کافر شدند و مردم را از راه نجات‌بخش الهی بازداشتند، و سرانجام با کفر از دنیا رفتند، خداوند هرگز آن‌ها را نمی‌آمرزد ﴿۳۴﴾ در راه حق سستی نکنید تا [دشمنان را] به صلح [ذلت بار] دعوت نکنید! حال آن‌که شما برترید زیرا خداوند با شماست، و از اعمال شما هرگز نمی‌کاهد ﴿۳۵﴾ بدانید که زندگی دنیا فقط بازیچه و سرگرمی است. چنان‌چه به حقایق ایمان بیاورید و حرمت پروردگارتان را نگاه دارید، خدا نیز پاداش شما را عطا خواهد کرد و خدا اموال شما را نمی‌خواهد! ﴿۳۶﴾ هر چند که اگر اموال شما را طلب کند، و با اصرار هم طلب کند، شما بخل می‌ورزید! خداوند این‌چنین بخل و کینه‌های شما را آشکار می‌کند ﴿۳۷﴾ آگاه باشید شما همان جماعتی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت شده‌اید، اما عده‌ای از شما بخل می‌ورزند؛ بدانید هر که بخل بورزد به ضرر خود، بخل ورزیده است، زیرا خداوند بی‌نیاز است و این شما هستید که محتاج‌اید! و چنان‌چه از حق سرپیچی کنید خداوند مردم دیگری را به جای شما می‌آورد که مثل شما نخواهند بود! ﴿۳۸﴾

^۱ از پیامبر (ص) پرسیدند: این کسانی که اگر ما روی برتاییم، خداوند آن‌ها را جایگزین ما می‌کند، کیستند؟! حضرت در حالی که سر بر شانه سلمان فارسی می‌زد فرمود: این مرد و هموطنان او. سوگند به آن که جانم در دست اوست اگر ایمان به ثریا آویزان باشد، مردانی از فارس به آن دست می‌یابند. میزان، ج ۱۸ ص ۲۵۰

سوره فتح

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ما تو را پیروزی آشکار بخشیدیم ﴿۱﴾ تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ات را بپامرزد^۱ و نعمتش را بر تو تمام کند، و به راه راست و درست هدایتت نماید ﴿۲﴾ و خداوند تو را به یک پیروزی شکست‌ناپذیر یاری نماید! ﴿۳﴾ او آرامش را بر دل‌های اهل ایمان فرستاد تا پیوسته ایمان بر ایمانشان بیفزایند. بدانید لشکریان آسمان و زمین همه از آن خداست و خدا آگاه و حکیم است ﴿۴﴾ تا مردان و زنان اهل ایمان را به بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است وارد کند و جاودانه در آن بمانند و گناهانشان را بپوشاند. بدانید که چنین چیزی نزد خداوند پیروزی بزرگ است ﴿۵﴾ و این که مردان و زنان منافق و مشرکی را که بر خدا بدگمانند مجازات نماید. آن‌ها در محاصره بدی و پلیدی هستند. و خداوند بر آن‌ها خشم گرفته و نفرین‌شان می‌کند و جهنم را برای‌شان تدارک دیده است. و چه سرنوشت بدی است! این جهنم ﴿۶﴾ لشکریان آسمان‌ها و زمین از آن خداست و او قدرتمند و حکیم است ﴿۷﴾ ما تو را به عنوان پیامبری شاهد، مژده‌دهنده و هشداردهنده فرستادیم ﴿۸﴾ تا همه به خداوند و پیامبرش ایمان بیاورید، و یاریش کنید و گرامی‌اش دارید، و او را هر صبح و شام تسبیح گوید ﴿۹﴾

^۱ مشرکان گناهان زیادی را به پیامبر نسبت می‌دادند، او را متهم به دروغ و افترا می‌کردند و نسبت‌های ناروا می‌زدند. این آیه می‌تواند جوابی استهزاء‌آمیز برای آن‌ها باشد!

کسانی که دست بیعت به تو می‌دهند، در واقع با خدا بیعت کرده‌اند. دست خدا بالای دست آنان است، پس کسی که عهدش را بشکند به زیان خود رفتار کرده است، و هرکس به عهده‌ی که با خدا بسته وفادار بماند به زودی او را پاداشی بزرگ عطا نماید ﴿۱۰﴾ به زودی اعراب بادیه‌نشینان [که در حرکت به سوی مکه با تو نیامدند] خواهند گفت: ما گرفتار اموال و خانواده شدیم! پس برای ما [از خداوند] آمرزش بخواه! حال آن که چیزی را بر زبان می‌آورند که در دل‌هایشان نیست. بگو: اگر خداوند بخواهد آسیبی به شما برساند و یا نفعی شامل حالتان کند چه کسی می‌تواند در برابر خدا، مانع آن شود؟! بدانید که خداوند از عملکردتان آگاه است! ﴿۱۱﴾ نه! شما گمان می‌کردید که دیگر هرگز پیامبر و اهل ایمان به سوی خانواده‌هایشان بر نمی‌گردند! و به این دل خوش بودید و گمان بد زدید، زیرا شما جماعتی نابودشدنی هستید! ﴿۱۲﴾ هرکس به خدا و پیامبرش ایمان نیاورد بداند که ما برای کافران آتشی سوزان تدارک دیده‌ایم! ﴿۱۳﴾ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن خداست. هر کس را صلاح بداند، می‌آمزد و هر که را صلاح بداند مجازات می‌کند. بدانید که خداوند آمرزنده و با گذشت است! ﴿۱۴﴾ چون برای گرفتن غنایم رهسپار شوید، متخلفین خواهند گفت: بگذارید ما نیز به دنبال شما بیائیم! بدان که می‌خواهند فرمان خدا را به چیز دیگری تبدیل کنند! بگو: شما هرگز به دنبال ما نخواهید آمد! خداوند از قبل چنین فرمان داده است! سپس خواهند گفت: شما بر ما حسودی می‌کنید؟ نه، آن‌ها جز اندکی درک نمی‌کنند! ﴿۱۵﴾

به اعراب متخلف بگو: به زودی شما به جنگ با قومی نیرومند دعوت می‌شوید، با آن‌ها پیکار کنید تا تسلیم خدا گردند. چنان‌چه از این فرمان اطاعت کنید، خداوند پاداش نیکی به شما خواهد داد. و اگر سرپیچی کنید چنان‌چه قبلاً هم سرپیچی کردید، بی‌شک خداوند به عذاب دردناکی مجازات‌تان خواهد نمود! ﴿۱۶﴾ بر نابینا و لنگ و بیمار گناهی نیست [اگر به جهاد نروند] بدانید! هر کس از خدا و پیامبرش اطاعت کند، خداوند او را به بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است داخل می‌نماید. و هر کس [از فرمان حق] روی برگرداند او را به عذاب دردناکی مجازات می‌کند! ﴿۱۷﴾ خداوند از اهل ایمان، آن هنگام که زیر آن درخت با تو بیعت کردند، راضی است زیرا می‌دانست در دل‌هایشان چه می‌گذرد! برای همین خداوند آرامش را بر دل‌های آن‌ها نازل کرد و به پیروزی نزدیکی پاداش‌شان داد! ﴿۱۸﴾ غنایم بسیاری را به دست خواهند آورد و خداوند قدرتمند و حکیم است ﴿۱۹﴾ خداوند به شما وعده داده است که غنایم بسیاری را به دست خواهید آورد، ولی این یکی را زودتر به شما عطا کرد. و دست‌آزار مردم را از شما کوتاه نمود، تا نشانه‌ای برای اهل ایمان باشد و شما را به راه راست و درست هدایت نماید ﴿۲۰﴾ و پیروزی‌های دیگری که شما توانایی بر آن ندارید، اما خداوند بر آن کاملاً احاطه دارد، زیرا خداوند بر هر کاری تواناست! ﴿۲۱﴾ چنان‌چه اهل کفر به جنگ با شما برمی‌خاستند بی‌شک به جنگ پشت می‌کردند [پا به فرار می‌گذاشتند]، و عاقبت نیز هیچ یار و یآوری نمی‌یافتند! ﴿۲۲﴾ این سنت الهی است که از قبل نیز جاری بوده است و تو در سنت الهی تبدیل و دگرگونی نخواهی یافت! ﴿۲۳﴾

^۱ درختی که در منطقه حدیبیه قرار داشت و از اهل ایمان در آنجا با پیامبر(ص) بیعت نمودند. این بیعت، به بیعت رضوان معروف است.

او کسی است که دست آزار آن‌ها را از شما کوتاه کرد. و چون در دل مگه پیروزتان کرد دست شما را نیز از آن‌ها بازداشت! زیرا خدا به عملکردتان بیناست! ﴿۲۴﴾ آن‌ها کسانی بودند که به حقایق کفر ورزیدند، و شما را از ورود به مسجدالحرام باز داشتند، و نگذاشتند قربانی‌های شما به قربانگاهش برسد. و [هنگام فتح] اگر مردان و زنان با ایمانی در این میان - که شما آن‌ها را نمی‌شناسید- در زیر تاخت و تازتان از بین نمی‌رفتند، و نادانسته مرتکب گناه نمی‌شدید، خدا دست شما را از کفار باز نمی‌داشت! خداوند هر کس را که بخواهد مشمول رحمت خویش می‌کند، بدانید اگر اهل ایمان و اهل کفر [در مکه] از هم جدا بودند بی‌شک کافران را به عذاب دردناکی مجازات می‌کردیم! ﴿۲۵﴾ آن‌گاه که کافران، دل به تعصبی چون تعصب جاهلیت سپردند، خداوند بر پیامبر و اهل ایمان، آرامش الهی را نازل کرد! و آن‌ها را ملزم به نگاه داشتن حرمت حریم الهی نمود، زیرا آن‌ها نسبت به هر کس دیگر، استحقاق و اهلیت آن را داشتند. بدان‌که خداوند به هر چیزی آگاه است ﴿۲۶﴾ خداوند آن‌چه را به پیامبرش در عالم خواب نشان داد راست گفت، یقیناً همه شما این‌شاءالله در کمال امنیّت وارد مسجدالحرام خواهید شد در حالی‌که سرهای خود را تراشیده و ناخن‌های خود را کوتاه کرده‌اید و از هیچ چیز خوفی ندارید. خداوند چیزهایی می‌داند که شما از آن بی‌خبرید، و غیر از آن برای شما پیروزی نزدیکی قرار داده است! ﴿۲۷﴾ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاده تا سرآمد همه ادیان دیگر گرداند. و برای این نکته شهادت خداوند کافی است ﴿۲۸﴾

^۱ در مراسم حج، قربانی محل مخصوصی دارد که باید به آن برسد و در حوزه معنوی اگر صفتی از اوصاف ذمیمه را قربانی می‌کنید، آن را به نام خدا و در پیشگاه خداوند قربانی کنید. خصلت‌های کفرآلود نفسانی را قربانی کنید که این‌گونه، جا در وجودتان برای نزول برکت باز می‌شود.

محمد رسول خداست، و کسانی که با او هستند نسبت به کفار، سرسخت و نسبت به یکدیگر با عطوفت و مهربانند. آن‌ها را می‌بینی که اهل رکوع و سجودند و همواره فضل و رضای خداوند را جست و جو می‌کنند. نشانه آن‌ها اثر سجودی است که در چهره‌هایشان نمایان است. وصف‌شان در تورات آمده! و توصیف‌شان در انجیل، چون گیاهی است که جوانه‌اش را برآورد و به تقویت آن پرداخته تا محکم شود، و بر پای خود بایستد و کشاورزان را به شگفتی وا دارد! و کافران را خشمگین سازد! بدانید خداوند از میان آن‌ها کسانی را که به حقایق ایمان بیاورند، و عملکردی نیک و شایسته داشته باشند، به مغفرت و پاداش بزرگی وعده داده است! ﴿۲۹﴾

سورهٔ حجرات

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ای اهل ایمان از خداوند و پیامبرش پیشی نگیرید! و حرمت خدا را نگه دارید که خداوند شنوا و آگاه است ﴿۱﴾ ای اهل ایمان صدای خود را از صدای پیامبر بلندتر مکنید. و آن چنان که با یکدیگر با صدای بلند سخن می‌گویید با او با صدای بلند سخن نگوئید. که عملکرد شما، باطل و بی‌ارزش می‌گردد و شما خبر ندارید! ﴿۲﴾ کسانی که صدای خود را در محضر پیامبر پایین می‌آورند، همان کسانی هستند که خدا به واسطهٔ حرمت نگه داشتن، قلب‌های آن‌ها را خالص کرده است! بدانید برای آن‌ها مغفرت و پاداشی بزرگ است ﴿۳﴾ کسانی که تو را از پشتِ حُجره‌ها صدا می‌زنند اکثرشان اهل خرد نیستند! ﴿۴﴾

چنانچه آن‌ها صبر کنند تا تو خود به سوی آن‌ها بروی برای‌شان بهتر است، و خدا آمرزنده و با گذشت است ﴿۵﴾ ای اهل ایمان! اگر فاسقی خبری برای شما آورد تحقیق کنید تا مبدا [بر اثر این خبر] ناآگاهانه به مردم آسیب برسانید، و سرانجام به خاطر کاری که کردید پشیمان شوید! ﴿۶﴾ بدانید که پیامبر خدا میان شماست. چنانچه در بسیاری از امور از شما پیروی کند به رنج و مشقت خواهید افتاد! ولی خداوند ایمان را محبوب شما کرده و آن را در قلب‌های شما آراسته است، و کفر و گناه و عصیان را منفور دل‌های شما کرده است، هر که این چنین است به راه رشد و عظمت دست یافته است ﴿۷﴾ این فضل و نعمتی از جانب خداست، زیرا خداوند آگاه و حکیم است ﴿۸﴾ چنانچه دو گروه از اهل ایمان به جدال با یکدیگر پرداختند بین آن‌ها صلح و آشتی برقرار نمایید، و اگر یکی از آن‌ها بر دیگری ستم کرده است، با ستمکار بجنگید تا این‌که به فرمان خدا باز گردد و اگر [به فرمان حق] بازگشت، عادلانه بین آن‌ها صلح برقرار کنید. همواره با عدالت رفتار کنید، زیرا خداوند عادلان را دوست دارد ﴿۹﴾ و بدانید مؤمنان، برادران یکدیگرند، پس بین برادرانتان صلح و سازش برقرار کنید، و حرمت اوامر الهی را نگاه دارید، امید آن‌که مشمول رحمت الهی شوید! ﴿۱۰﴾ ای اهل ایمان! مبدا گروهی، گروه دیگر را مسخره کنند. شاید آن‌ها بهتر از اینان باشند، مبدا گروهی از زنان، زنان دیگری را مسخره کنند، شاید آن زنان بهتر از اینان باشند! هیچ‌گاه از یکدیگر عیب‌جویی نکنید، و همدیگر را با القاب زشت صدا نزنید. حقیقتاً پلیدی و ناپاکی، آن هم بعد از ایمان آوردن، زشت و زننده است! بدانید هر کس به درگاه خداوند توبه نکند بدون شک ظالم است! ﴿۱۱﴾

ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان‌هایتان اجتناب کنید، زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است! [در امور یکدیگر] تجسس نکنید. و از همدیگر غیبت نکنید. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! همه‌تان از آن کراهت دارید! پس حرمت اوامر الهی را نگاه دارید و بدانید خداوند توبه‌پذیر و با گذشت است! ﴿۱۲﴾ ای مردم! ما شما را از یک مذکر و یک مؤنث آفریدیم. آن‌گاه شما را گروه‌ها و قبایل مختلفی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید [بدانید] گرمی‌ترین شما نزد خداوند، حرمت‌گزارترین شما به حریم الهی است! براستی خداوند از همه چیز آگاه و با خبر است! ﴿۱۳﴾ اعراب بادیه‌نشین گفتند: ما ایمان آوردیم! بگو: شما! ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگوئید: اسلام آوردیم [تسلیم شده‌ایم]، زیرا هنوز ایمان به قلب‌های شما وارد نشده است! چنان‌چه خدا و پیامبرش را اطاعت کنید، از پاداش عملکرد شما چیزی کم نخواهد شد، زیرا خداوند آمرزنده و با گذشت است! ﴿۱۴﴾ بدانید، اهل ایمان کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان داشته باشند و دیگر شکی نداشته باشند، و با اموال و جان‌های خویش در راه خدا جهاد کنند. بی‌شک اینان در ایمان خود صادق‌اند! ﴿۱۵﴾ بگو: آیا می‌خواهید خداوند را از دین داریتان آگاه کنید؟! خداوند آن‌چه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند! بلکه خداوند به هر چیزی آگاه است! ﴿۱۶﴾ بر تو منت می‌گذارند که اسلام آورده‌اند، بگو: به خاطر اسلام‌تان بر من منت مگذارید، بلکه این خداست که باید به خاطر هدایت‌تان به راه ایمان، بر شما منت گذارد، اگر صادق‌اید! ﴿۱۷﴾ خداوند غیب و نادیده‌های آسمان‌ها و زمین را می‌داند، و بی‌شک خداوند نسبت به عملکردتان بیناست! ﴿۱۸﴾

سوره ق

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ق، سوگند به قرآن مجید ﴿۱﴾ که آن‌ها از این‌که پیامبر هشداردهنده‌ای از میان خودشان به سراغشان آمده در شگفتند! و اهل کفر گویند: این چیز عجیبی است! ﴿۲﴾ آیا وقتی مُردیم و خاک شدیم [دگر باره زنده خواهیم شد]؟ این چنین بازگشتی بعید است! ﴿۳﴾ اما ما آن‌چه را زمین از بدن آن‌ها می‌کاهد می‌دانیم! زیرا نزد ما کتابی است که همه چیز در آن محفوظ است! ﴿۴﴾ آن‌ها هنگامی که حق به سراغشان آمد آن را تکذیب کردند، و به همین خاطر در امور پریشان خود متحیرند! ﴿۵﴾ آیا به آسمان بالای سرشان نمی‌نگرند که چگونه آن را بنا کردیم و با ستارگان زینتش دادیم، حال آن‌که هیچ خلل و شکافی در آن نیست! ﴿۶﴾ زمین را گسترانیدیم و در آن کوه‌هایی ایجاد کردیم و بر پهنه آن، از هر نوع گیاه مفید و زیبایی رویانیدیم ﴿۷﴾ تا مایه بصیرت و عبرت هر بنده‌ای باشد که روی سوی خدا دارد ﴿۸﴾ و از آسمان آب با برکتی نازل کردیم، تا به واسطه آن‌ها باغ‌ها و دانه‌های درو شده را برویانیم ﴿۹﴾ نخل‌های بلند با میوه‌های انبوه و فراوان ﴿۱۰﴾ تا روزی بندگان باشد. و به واسطه آن، سرزمین‌های مرده را حیات بخشیم. خروج شما از قبرها! این چنین است ﴿۱۱﴾ قبل از آن‌ها نیز قوم نوح و اصحاب رسّ، و ثمود، پیامبرانشان را انکار کردند ﴿۱۲﴾ قوم عاد و فرعون و برادران لوط ﴿۱۳﴾ و نیز اصحاب ایکه^۲ و قوم تبع^۳ همه‌شان پیامبران را تکذیب کردند و مستحق مجازات من شدند ﴿۱۴﴾ آیا [تصور می‌کنند] به خاطر آفرینش اول عاجز و ناتوان شده‌ایم! نه! آن‌ها از آفرینش جدید در شک و تردیدند! ﴿۱۵﴾

^۱ جماعتی بودند که در یمامه می‌زیستند و پیامبرشان را در چاه افکندند.

^۲ اصحاب ایکه، قوم شعیب پیامبر بودند.

^۳ گروهی از مردم یمن بودند که پادشاهانی قدرتمند داشتند.

ما انسان را خلق کرده‌ایم و کاملاً از وسوسه‌های نفسانی‌اش آگاهییم، زیرا ما از رگ گردنش به او نزدیک‌تریم ﴿۱۶﴾ [به یاد داشته باشید که!] آن دو فرشته موجود در چپ و راست انسان، عملکردهای او را ضبط می‌نمایند ﴿۱۷﴾ انسان هیچ کلامی را نمی‌گوید، مگر آن‌که در کنارش مراقبی آماده، او را زیر نظر دارد! ﴿۱۸﴾ [ای انسان] سکرآت مرگ، به حق فرا رسید. و این همان چیزی است که همواره از آن می‌گریختی! ﴿۱۹﴾ در صور دمیده شود و آن روز، روز وعده‌های مجازات الهی است ﴿۲۰﴾ و هر انسانی به سوی محشر آید، در حالی که با او یک سوق‌دهنده و یک گواه همراه است! ﴿۲۱﴾ [به او گفته شود]: تو از وجود این صحنه‌ها در غفلت بودی. و ما امروز پرده را از چشم تو کنار زدیم و تیزبین شده‌ای! ﴿۲۲﴾ فرشته قرین او گوید: این نامه اعمال اوست که من آماده کرده‌ام! ﴿۲۳﴾ [خدا گوید]: تمام کافران لجوج را به جهنم افکنید! ﴿۲۴﴾ همان کسانی که مانع خیر بودند و تجاوز، پیشه کردند و [همواره در مورد حقایق] در تردید به سر می‌بردند! ﴿۲۵﴾ همان‌که با خداوند، خدای دیگری قائل شد! پس او را به عذاب سختی درافکنید! ﴿۲۶﴾ فرشته قرین او گوید: پروردگارا من او را به طغیان و سرکشی وادار نکردم! خود او در اعماق گمراهی بود ﴿۲۷﴾ [خدا] گوید: نزد من مجادله نکنید. قبل از این درباره مجازات‌ها با شما سخن گفته بودم! ﴿۲۸﴾ سخن من تغییر پیدا نمی‌کند، حال آن‌که به بندگانم نیز ظلم روا نمی‌دارم ﴿۲۹﴾ [به یاد آورید!] روزی را که به جهنم می‌گوییم: آیا پر شده‌ای؟! و جواب دهد: مگر باز هم هست؟! ﴿۳۰﴾ بهشت به حرمت‌گزاران حریم الهی نزدیک می‌شود و فاصله‌ای نخواهد داشت ﴿۳۱﴾ این همان چیزی است که به شما وعده داده شده است، [نه تنها برای شما بلکه] برای هر که به سوی خدا بازگشته و حافظ حریم الهی بوده است! ﴿۳۲﴾ آن‌که از خدای رحمان در نهان می‌ترسید و به درگاهش دلی توبه‌کار آورده است! ﴿۳۳﴾ [به آن‌ها گویند]: به سلامت وارد بهشت شوید، این همان روز جاودان است! ﴿۳۴﴾ آن‌چه بخواهند در بهشت برای‌شان مهیاست حال آن‌که نزد ما بیشتر است! ﴿۳۵﴾

^۱ آنچه نزد ماست غیرقابل تصور است.

چه مردمان بسیاری را قبل از آن‌ها هلاک کردیم، در حالی که از اینان نیرومندتر بودند و فاتح سرزمین‌های بسیاری شدند! آیا مگر راه فراری وجود دارد؟! ﴿۳۶﴾ در همه این‌ها برای صاحبان دل‌های سلیم، عبرت است هم‌چنین برای کسانی که حقایق را می‌شنوند آن‌چنان که گویی شاهد همه صحنه‌ها بوده‌اند! ﴿۳۷﴾ ما آسمانها و زمین و آنچه میان آن‌هاست را در شش روز خلق کردیم. و هیچ خسته و ملول نشدیم ﴿۳۸﴾ پس بر آنچه می‌گویند: صبر داشته باش. و قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن، تسبیح و ستایش پروردگارت را بگوی ﴿۳۹﴾ و هم پاره‌ای از شب را تسبیح گوی او باش. و هم بعد از هر سجده! ﴿۴۰﴾ به آن روز که منادی از مکانی نزدیک ندا دهد، گوش فرا ده [و منتظر باش]! ﴿۴۱﴾ روزی که همه، صیحه رستاخیز را به حق می‌شنوند. آن روز، روز خروج [از قبرها] است! ﴿۴۲﴾ ما زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و همه سرنوشت‌ها به ما ختم می‌شود ﴿۴۳﴾ روزی که زمین بر آن‌ها شکافته شود، تا به سرعت [از قبرها] خارج گردند، این همان حشر است. و بر ما بسیار آسان است! ﴿۴۴﴾ و ما نسبت به آنچه می‌گویند آگاه‌تریم. تو مأمور به اجبار آن‌ها نیستی! پس به وسیله قرآن، کسانی را که از مجازات الهی می‌ترسند پند و اندرز ده! ﴿۴۵﴾

سوره ذاریات

(به نام الله که بخشایشگر و با رحمت است)

سوگند به بادهایی که ذرات می‌پراکنند ﴿۱﴾ سوگند به ابرهای سنگین و باران‌زا ﴿۲﴾ سوگند به کشتی‌هایی که به آسانی به حرکت در می‌آیند ﴿۳﴾ سوگند به فرشتگانی که کارها را تقسیم می‌کنند ﴿۴﴾ آنچه به شما وعده داده شده، درست است! ﴿۵﴾ و روز جزا پاداش به وقوع خواهد پیوست ﴿۶﴾

^۱ هر چیز پراکنده‌شده‌ی چون ابر، گرد و غبار، گرده گیاهان و بذره‌های مختلف و دانه الهی و حتی آثار اعمال ما!

سوگند به آسمان با راه‌های روشنش ﴿۷﴾ که شما در اعتقادات مختلفید ﴿۸﴾ هر که از قبول حق سر باز زند از حق منحرف شده است ﴿۹﴾ مرگ بر دروغ گویان! ﴿۱۰﴾ همان‌هایی که در نادانی و غفلت فرو رفته‌اند ﴿۱۱﴾ می‌پرسند: روز قیامت چه زمان است؟! ﴿۱۲﴾ روزی که آن‌ها را در آتش عذاب کنند! ﴿۱۳﴾ بچشید مجازاتان را، این همان چیزی است که بدان شتاب می‌کردید! ﴿۱۴﴾ حرمت‌گزاران حریم الهی در باغ‌ها و چشمه‌سارها هستند ﴿۱۵﴾ آن‌چه را که پروردگارشان داده است دریافت کرده‌اند، زیرا آن‌ها قبل از این، نیکوکار بوده‌اند ﴿۱۶﴾ و اندکی از شب را می‌خوابیدند ﴿۱۷﴾ و سحرها در حال استغفار بوده‌اند ﴿۱۸﴾ و در اموال‌شان برای سائل و محروم حقی بود [که ادا کرده بودند] ﴿۱۹﴾ در زمین نشانه‌هایی برای اهل یقین وجود دارد ﴿۲۰﴾ هم‌چنین در درونتان! آیا نمی‌بینید؟! ﴿۲۱﴾ رزق شما و آن چه به شما وعده داده شده است، در آسمان است ﴿۲۲﴾ پس قسم به پروردگار آسمان و زمین که این مطلب حق است آن‌چنان که سخن می‌گوئید (آن نیز مُحَقَّق است) ﴿۲۳﴾ آیا حکایت مهمانانِ گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟! ﴿۲۴﴾ هنگامی که بر او وارد شدند گفتند: سلام. ابراهیم گفت: سلام، قومی ناشناخته‌اند؟! ﴿۲۵﴾ آن‌گاه پنهانی به طرف خانواده خود رفت و [گوشت بریان] گوساله فربه‌ی آورد ﴿۲۶﴾ آن را نزدیک آن‌ها گذاشت و گفت چرا نمی‌خورید؟! ﴿۲۷﴾ از آن‌ها ترسی به دلش افتاد! گفتند: نترس! و او را به تولد فرزندی دانا بشارت دادند ﴿۲۸﴾ در این هنگام همسرش جلو آمد و در حالی که [از تعجب] بر روی خود زد گفت: من پیرزنی نازا هستم! ﴿۲۹﴾ به همسر ابراهیم گفتند: پروردگار تو چنین گفته است، زیرا او حکیم و آگاه است ﴿۳۰﴾

^۱ برای آشنایی بیشتر با قوم قدرتمند «سلام» که از رسولان و نیروهای الهی‌اند به کتاب «روح ربانی» از مترجم رجوع کنید.

[ابراهیم] گفت: ای رسولان مأموریت شما چیست؟! ﴿۳۱﴾ گفتند: ما به سوی قوم
 مجرمان فرستاده شده‌ایم ﴿۳۲﴾ تا پاره‌های کلوخ بر آن‌ها فرو ریزیم! ﴿۳۳﴾
 کلوخ‌هایی که نشان الهی دارد! و خاصّ هدردهندگان نعمات الهی و گزافه‌کاران
 است! ﴿۳۴﴾ سرانجام، اهل ایمان را از شهر خارج کردیم ﴿۳۵﴾ هر چند در آن شهر
 جز یک خانواده با ایمان نیافتیم! ﴿۳۶﴾ و آن شهر را برای کسانی که از عذاب دردناک
 می‌ترسند، چون عبرتی رها کردیم! ﴿۳۷﴾ هم‌چنین در ماجرای موسی عبرتی است،
 آن هنگام که او را با دلیلی روشن‌گر به سوی فرعون فرستادیم ﴿۳۸﴾ او با تمام توان
 از حق اعراض کرد و گفت: موسی یا جادوگر است و یا دیوانه! ﴿۳۹﴾ سرانجام ما
 نیز او و لشکریانش را گرفتیم و در دریا انداختیم، حال آن که قابل نکوهش بود! ﴿۴۰﴾
 و در ماجرای قوم عاد [نیز عبرتی است] آن هنگام که بر آن‌ها بادِ مرگ زار
 فرستادیم ﴿۴۱﴾ بادی که بر هر چیزی که وزید آن را چون استخوانی پوسیده
 کرد! ﴿۴۲﴾ در ماجرای قوم ثمود نیز عبرتی است. آن هنگام که به آن‌ها گفته شد،
 فعلاً تا چندی [از زندگی] لذت ببرید ﴿۴۳﴾ آن‌ها از فرمان پروردگارش سر باز
 زدند. و سرانجام جلوی چشمان‌شان صاعقه مرگ بار گرفتارشان کرد ﴿۴۴﴾ [چنان
 بود که] حتی نتوانستند بایستند و از کسی یاری بطلبند! ﴿۴۵﴾ هم‌چنین قوم نوح
 را که قبل از آن‌ها بودند هلاک کردیم، زیرا جماعتی زشت‌کار و بد سیرت
 بودند ﴿۴۶﴾ ما آسمان را با قدرت برافراشتیم و آن را وسعت می‌بخشیم! ﴿۴۷﴾ و
 زمین را وسیع و گسترده ساختیم، و چه خوب گسترش دادیم! ﴿۴۸﴾ و از هر چیزی
 یک جفت آفریدیم، شاید مایه پند و تذکر شما گردد! ﴿۴۹﴾ پس به سوی خدا
 بگریزید! من از جانب خدا برای شما یک هشداردهنده آشکارم ﴿۵۰﴾ همراه با
 خداوند بزرگ، خدای دیگری را قائل نشوید. من از جانب او برای شما
 هشداردهنده‌ای آشکارم! ﴿۵۱﴾

بدین‌سان هیچ پیامبری بر آن‌هایی که قبل از اینان بودند فرستاده نشد، مگر آن‌که گفتند: یا جادوگر است و یا دیوانه! ﴿۵۲﴾ آیا یکدیگر را به این [چنین جوابی] وصیت کرده‌اند؟! نه! آن‌ها مردمی طغیانگرند! ﴿۵۳﴾ پس از آن‌ها روی بگردان، زیرا تو سرزنش نخواهی شد ﴿۵۴﴾ پند و تذکر ده، که پند و تذکر، اهل ایمان را سود می‌رساند ﴿۵۵﴾ جن و انس را خلق نکردم مگر برای آن‌که بنده‌ام باشند! ﴿۵۶﴾ من از آن‌ها روزی نمی‌خواهم و انتظار اطعام خود را نیز ندارم ﴿۵۷﴾ زیرا این خداست که روزی همه را می‌دهد، خدایی که قدرتمند و استوار است ﴿۵۸﴾ ظالمان را از عذاب، نصیبی است مثل نصیبی که یاران‌شان داشتند! پس با شتاب چیزی از من نخواهند! ﴿۵۹﴾ پس وای بر کافران از روزی که به آن‌ها وعده داده شده است! ﴿۶۰﴾

سوره طور

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

قسم به کوه طور ﴿۱﴾ و کتاب نوشته شده ﴿۲﴾ در صفحه گسترده، ﴿۳﴾ و قسم به بیت المعمور ﴿۴﴾ قسم به این سقف برافراشته ﴿۵﴾ و قسم به دریای پر و مواج ﴿۶﴾ که مجازات پروردگارت واقع شدنی است! ﴿۷﴾ در برابر آن هیچ دفع‌کننده‌ای وجود ندارد ﴿۸﴾ روزی که آسمان از هر سو به جنبش افتند ﴿۹﴾ و کوه‌ها به حرکت درآیند ﴿۱۰﴾ پس در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان حقایق! ﴿۱۱﴾ همان‌ها که سرگرم اوهام خویشند ﴿۱۲﴾ و آن روز که آن‌ها را به سوی جهنم کشند ﴿۱۳﴾ [گفته شود]: این همان آتشی است که آن را تکذیب می‌کردید! ﴿۱۴﴾

^۱ خانه ای در آسمان مجازی کعبه. برخی بیت المعمور را قلب مؤمن گفته‌اند. به هر حال چه در این آسمان و چه در آسمان قلب، خانه خداست!

آیا این جادوست یا شما چشم بصیرت ندارید؟! ﴿۱۵﴾ به آتش در آید، چه صبر کنید و چه صبر نکنید برایتان یکسان است، شما فقط به خاطر عملکردتان مجازات می‌شوید! ﴿۱۶﴾ کسانی که حرمت خدا را نگه داشتند در بهشت‌ها و نعمت‌ها غرق‌اند ﴿۱۷﴾ و از آن چه پروردگارش عطا کرده خوشحالند و پروردگارش آن‌ها را از عذاب جهنم حفظ می‌نماید ﴿۱۸﴾ بخورید و بیاشامید گوارایتان! این نتیجهٔ عملکرد [خوب]تان است! ﴿۱۹﴾ آن‌ها بر روی تخت‌های کنار هم چیده شده تکیه داده‌اند. و حوران بهشتی را به آن‌ها تزویج کرده‌ایم ﴿۲۰﴾ آن‌ها که به حقایق ایمان آوردند و فرزندان‌شان را که به تبع آنان ایمان آوردند [در بهشت] به آن‌ها ملحق می‌کنیم و از پاداش اعمال آن‌ها چیزی نمی‌کاهیم. بدانید! هر کس در گرو اعمال خویش است! ﴿۲۱﴾ پیوسته آن‌ها را از انواع میوه‌ها و گوشت‌هایی که دلخواهشان است بهره‌مند می‌سازیم ﴿۲۲﴾ همواره به یکدیگر جام‌هایی می‌دهند که در آن نه بیهوده‌گویی است و نه گناه! ﴿۲۳﴾ نوجوانانی به خدمت، دور آن‌ها می‌گردند، در حالی که مثل مروارید در صدف‌اند! ﴿۲۴﴾ رو به یکدیگر کرده و پرسش می‌کنند ﴿۲۵﴾ گویند: قبل از این، ما در میان خانواده‌مان ترسان بودیم! ﴿۲۶﴾ سرانجام خداوند بر ما منت نهاد و ما را از عذاب کشنده حفظ نمود ﴿۲۷﴾ ما پیش از این او را می‌خواندیم و او با احسان و با گذشت است ﴿۲۸﴾ و به آن‌ها پند و تذکر ده، زیرا تو به لطف نعمت پروردگارت، نه کاهن هستی و نه دیوانه! ﴿۲۹﴾ شاید ادعا می‌کنند که او شاعر است و ما انتظار مرگش را می‌کشیم؟! ﴿۳۰﴾ بگو: منتظر بمانید من نیز با شما منتظر می‌مانم! ﴿۳۱﴾

^۱ کاهن شخصی را گویند که به نوعی تحت تصرف جن و موجودات غیر ارگانیک قرار دارد. و از این طریق از برخی از نیروهای نهانی برخوردار است. کار کاهن به پیشگویی، طالع بینی، تعبیر خواب، یافتن گمشده، طبابت، و حتی به تدهین پادشاهان نیز مربوط می‌شد. هر منطقه و قبیله‌ای از کاهن برخوردار بود و میزان قدرت چنین شخصی به میزان ارتباطش با موجودات غیر ارگانیک بستگی داشت. دستمزدی را که کاهنان دریافت می‌کردند «حلوان» می‌گفتند.

آیا رؤیاهایشان آن‌ها را به این اوهام می‌کشاند، یا این که مردمی طغیان‌گرنده؟ ﴿۳۲﴾
 آن‌ها می‌گویند: قرآن را به خدا نسبت می‌دهد! آن‌ها اهل ایمان نیستند ﴿۳۳﴾ اگر
 راست می‌گویند سخنی همانند آن بیاورند! ﴿۳۴﴾ آیا آن‌ها از هیچ، خود به خود
 پدید آمدند، یا این که خودشان خالق‌اند؟! ﴿۳۵﴾ شاید هم آسمان‌ها و زمین را خلق
 کرده‌اند؟! نه! آن‌ها به حقایق یقین ندارند ﴿۳۶﴾ آیا به خزائن پروردگارت دست
 یافته‌اند؟ و یا بر چیزی مسلط شده‌اند؟! ﴿۳۷﴾ آیا نردبانی دارند [که به آسمان بالا
 می‌روند] و وحی و اسرار الهی را می‌شنوند؟! اگر کسی چنین ادعایی دارد، دلیل
 روشنش را بیاورد! ﴿۳۸﴾ آیا برای خدا دختران است و برای شما پسران؟! ﴿۳۹﴾ آیا
 تو از آن‌ها مزدی می‌طلبی که پرداختش برای آن‌ها سنگین است؟ ﴿۴۰﴾ شاید هم
 علم غیب می‌دانند و می‌نویسند؟! ﴿۴۱﴾ شاید هم نقشه‌ای برای تو کشیده‌اند؟! اما
 خود کافران دچار حیل‌اند! ﴿۴۲﴾ آیا خدایی غیر از الله دارند؟! منزّه است خدا از
 هر چه شریکش می‌دانند! ﴿۴۳﴾ [چنان غرق در باطل‌اند که] حتی اگر ببیند پاره‌ای
 از آسمان بیفتد، می‌گویند: ابری متراکم بود! ﴿۴۴﴾ پس آن‌ها را رها کن تا روز مرگ
 شان را ببینند ﴿۴۵﴾ روزی که مکرها و نقشه‌هایشان هیچ به دردشان نخواهد خورد
 و [به واسطهٔ هیچ کس] یاری نشوند! ﴿۴۶﴾ برای ظالمان غیر از این عذاب، عذاب
 دیگری است هر چند اکثرشان نمی‌دانند! ﴿۴۷﴾ در برابر حکم پروردگارت صبور
 باش، که تو کاملاً تحت نظر ما هستی! هرگاه برمی‌خیزی تسبیح و ستایش
 پروردگارت را به جای آر ﴿۴۸﴾ در پاره‌ای از شب و نیز هنگامی که ستارگان ناپدید
 می‌شوند خدای را تسبیح گوی ﴿۴۹﴾

سورهٔ نجم

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

قسم به آن ستاره که ناپدید شد ﴿۱﴾ یار شما (محمد(ص)) نه گمراه شده و نه منحرف گشته است! ﴿۲﴾ و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید ﴿۳﴾ این وحی است که به او نازل می‌شود ﴿۴﴾ آن کس که قدرتمند است، او را تعلیم داده است ﴿۵﴾ همان کس که تواناست و سلطه بر همه چیز دارد ﴿۶﴾ او در افق بلند [آسمان] قرار داشت ﴿۷﴾ سپس نزدیک و نزدیک‌تر شد ﴿۸﴾ [تا فاصله‌اش] به اندازه طول دو کمان یا کمتر شد! ﴿۹﴾ پس خداوند به بنده‌اش آنچه را باید وحی می‌کرد، وحی کرد! ﴿۱۰﴾ دل، آنچه را که دید دروغ‌اش ندانست ﴿۱۱﴾ آیا در آنچه می‌بیند با او مجادله می‌کنید؟! ﴿۱۲﴾ آن را بار دیگر دیده است! ﴿۱۳﴾ نزد سدره المنتهی ﴿۱۴﴾ که جنۃ المأوی^۲ کنار آن است ﴿۱۵﴾ در این هنگام چیزی سدره المنتهی را پوشانده بود ﴿۱۶﴾ چشم او منحرف نگشت، و از حد خویش هم فراتر نرفت! ﴿۱۷﴾ به راستی پاره‌ای از آیات و نشانه‌های بزرگ پروردگارش را دید ﴿۱۸﴾ آیا بت‌های لات و عزی را دیده‌اید؟! ﴿۱۹﴾ و منات، بت سوم دیگر را؟! ﴿۲۰﴾ آیا سهم شما پسر است و سهم او دختر؟! ﴿۲۱﴾ این تقسیمی ناعادلانه است! ﴿۲۲﴾ این‌ها فقط نام‌هایی است که شما و پدران‌تان بر آن‌ها گذاشته‌اید، و خداوند هرگز دلیلی بر آن نازل نکرده است. آن‌ها فقط از گمان خود و هوای نفسانی‌شان پیروی می‌کنند. حال آن که هدایت از جانب پروردگارشان به سراغشان آمده است! ﴿۲۳﴾ آیا هرچه انسان آرزو کند برایش مهیا است؟! ﴿۲۴﴾ آخرت و دنیا هر دو از آن خداست! ﴿۲۵﴾ چه بسیار فرشتگانی در آسمان‌ها وجود دارند که شفاعت‌شان هیچ سودی ندارد، مگر بعد از آن که خدا اجازه دهد، آن هم برای کسی که صلاح بداند و راضی باشد! ﴿۲۶﴾

^۱ سدره المنتهی را، مقامی دانسته‌اند که همه حقایق به آن منتهی می‌شود.

^۲ بهشتی خاص

کسانی که به آخرت ایمان ندارند فرشتگان را نام‌گذاری زنانه می‌کنند! ﴿۲۷﴾ در حالی که نسبت به آن علم و آگاهی ندارند، آن‌ها فقط از گمان خود پیروی می‌کنند و گمان و پندار، کسی را از شناخت حق بی‌نیاز نمی‌کند! ﴿۲۸﴾ از کسی که از یاد ما روی برگردانده است اعراض کن، زیرا چنین کسی خواستار چیزی جز زندگی دنیا نیست! ﴿۲۹﴾ نتیجهٔ دانش‌شان همین است! به راستی پروردگارت به آن که از راهش گمراه شده و نیز آن که هدایت یافته، از هر کس دیگر آگاه‌تر است ﴿۳۰﴾ آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است از آن خداست، تا بدکاران را به خاطر عملکردشان کیفر دهد و نیکوکاران را به پاس نیکی‌شان پاداش عطا نماید! ﴿۳۱﴾ کسانی که از گناهان کبیره و زشتی‌ها به غیر از صغیره اجتناب می‌کنند، بدانند! که مغفرت پروردگارت وسیع است. و او نسبت به شما از آن هنگام که شما را از زمین خلق کرد و آن هنگام که به صورت جنین‌هایی در شکم مادرانتان بودید، آگاه‌تر است. خود را بی‌گناه ندانید، زیرا خدا کسانی را که حرمت حریم الهی را نگاه می‌دارند خوب می‌شناسد! ﴿۳۲﴾ آیا آن کس را که [از حق] روی گردان شد دیده‌ای؟! ﴿۳۳﴾ اندک می‌بخشید، و بخل می‌رزید؟! ﴿۳۴﴾ آیا او علم غیب دارد و می‌بیند؟! ﴿۳۵﴾ آیا از آن چه در کُتُب موسی است بی‌خبر است؟! ﴿۳۶﴾ و یا از ابراهیم که حق توحید را ادا کرد [بی‌خبر است]؟! ﴿۳۷﴾ بدانید! هیچ‌کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد! ﴿۳۸﴾ دستاورد انسان جز تلاش و کوشش او نیست! ﴿۳۹﴾ تلاشش به زودی دیده خواهد شد (به نتیجه می‌رسد) ﴿۴۰﴾ سرانجام به او پاداشی تمام دهند! ﴿۴۱﴾ پایان راه همه به پروردگار تو ختم می‌شود! ﴿۴۲﴾ و اوست که می‌خنداند و می‌گریاند! ﴿۴۳﴾ اوست که می‌میراند و زنده می‌کند! ﴿۴۴﴾

اوست که جفت‌های نر و ماده را آفریده است ﴿۴۵﴾ و آن هم از نطفه‌ای که ریخته می‌شود! ﴿۴۶﴾ به عهدهٔ خداوند است ایجاد عالم دیگر ﴿۴۷﴾ راه خداست که بی‌نیاز می‌کند و سرمایه می‌بخشد ﴿۴۸﴾ اوست پروردگار ستارهٔ شعری ﴿۴۹﴾ اوست که عاد، آن قوم پیشین را نابود ساخت ﴿۵۰﴾ و از قوم ثمود کسی را باقی نگذاشت ﴿۵۱﴾ و پیش از آن‌ها قوم نوح را [هلاک کرد] که ستمکارتر و سرکش‌تر بودند ﴿۵۲﴾ و شهرهای قوم لوط را زیر و رو کرد ﴿۵۳﴾ و آن‌ها را پوشاند و چه پوشاندنی! ﴿۵۴﴾ پس به کدامین نعمت‌های پروردگارت شک می‌کنی؟! ﴿۵۵﴾ این هشداردهنده‌ای از هشداردهندگان قبلی است! ﴿۵۶﴾ قیامت نزدیک شده است ﴿۵۷﴾ کسی جز خداوند آشکارش نکند! ﴿۵۸﴾ آیا از این سخن تعجب می‌کنید؟! ﴿۵۹﴾ و می‌خندید و گریه نمی‌کنید؟! ﴿۶۰﴾ شما از حقایق غافل‌اید! ﴿۶۱﴾ پس خداوند بزرگ را سجده کنید و او را پرستید ﴿۶۲﴾

سورهٔ قمر

(به نام الله که بخشایشگر و با رحمت است)

قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت! ﴿۱﴾ چنان‌چه آیهای ببینند از آن روی برمی‌گردانند و می‌گویند: این جادوی مستمر است! ﴿۲﴾ آن‌ها [حقایق] را تکذیب کردند، و از هواهای نفسانی‌شان پیروی نمودند! هر کاری را قرارگاهی است! ﴿۳﴾ به راستی برای آن‌ها اخباری آمد تا از گناه بازشان دارد ﴿۴﴾ یک حکمت تمام! اما هشدارها سودشان نبخشید ﴿۵﴾ تا آن روزی که دعوت‌کنندهٔ الهی آن‌ها را به چیز دشواری بخواند، از آن‌ها روی بگردان! ﴿۶﴾

^۱ ستاره‌ای است نورانی در فلک کلب اکبر. در جاهلیت آن را می‌پرستیدند.

دیدگان خود را از خواری فرو انداخته‌اند آن هنگام که چون ملخ‌های پراکنده از قبرها بیرون می‌آیند! ﴿۷﴾ [از ترس] به سوی دعوت‌کننده الهی گردن می‌کشند و کافران گویند: امروز، روز سختی است! ﴿۸﴾ قوم نوح پیش از آن‌ها [پیامبرانشان را] تکذیب کردند. آری بنده ما را تکذیب کردند و گفتند: او دیوانه است. و منزوی‌اش کردند! ﴿۹﴾ نوح پروردگارش را دعا کرد و گفت: من مغلوب شدم. از آن‌ها انتقام بگیر! ﴿۱۰﴾ سرانجام درهای آسمان را گشودیم و آبی فراوان و پیوسته بارید ﴿۱۱﴾ از زمین نیز چشمه‌ها را جوشاندیم تا آب به اندازه مقدر جمع شود ﴿۱۲﴾ و او را بر آن [کشتی] که از تخته و میخ بود سوار کردیم! ﴿۱۳﴾ [کشتی‌ای که] زیر نظر ما حرکت می‌کرد. این پاداش کسی است که مورد آزارِ کفر واقع شده است! ﴿۱۴﴾ ما این ماجرا را چون عبرتی برای مردم باقی گذاشتیم. آیا کسی هست که پند گیرد؟! ﴿۱۵﴾ [تصور کنید] عذاب و انذار من چگونه بود! ﴿۱۶﴾ ما قرآن را برای پند و تذکر سهل و آسان نمودیم. آیا کسی هست که پند گیرد؟! ﴿۱۷﴾ قوم عاد، [پیامبرشان را] تکذیب کردند، [تصور کنید] عذاب و انذار من چگونه بود؟! ﴿۱۸﴾ ما بادِ مرگ‌زایی را در روزی نحس و شوم به طور مستمر بر آن‌ها فرستادیم ﴿۱۹﴾ [بادی که] مردم را چون نخل از ریشه کنده شده، برمی‌کند ﴿۲۰﴾ [تصور کنید] عذاب و انذار من چگونه بود! ﴿۲۱﴾ ما قرآن را برای پند و تذکر، سهل و آسان نمودیم. آیا کسی هست که پند گیرد؟! ﴿۲۲﴾ قوم ثمود هشدارهای الهی را تکذیب کردند! ﴿۲۳﴾ و گفتند: اگر از بشری مثل خودمان پیروی کنیم گمراه و دیوانه باشیم! ﴿۲۴﴾ آیا از میان همه ما، وحی فقط بر این مرد نازل می‌شود؟! او دروغ‌گویی خودخواه است! ﴿۲۵﴾ فردا خواهند فهمید چه کسی دروغگو و خودخواه است! ﴿۲۶﴾ ما آن شتر را برای امتحان آن‌ها فرستاده‌ایم، پس آن‌ها را زیر نظر بگیر و صبر کن! ﴿۲۷﴾

و به آن‌ها بگو، آب موجود باید بین آن‌ها تقسیم شود (یک روز شتر، یک روز آن‌ها) و هریک در روز سهم خویش حاضر شود! ﴿۲۸﴾ آن‌ها یکی از یاران خود را ندا دادند (توطئه کردند) و او نیز به سراغ شتر رفت و آن را کشت ﴿۲۹﴾ [تصور کنید] عذاب و انذار من چگونه بود؟! ﴿۳۰﴾ ما صیحه‌ای [مرگبار] را بر آن‌ها فرستادیم، و همگی چون علف‌های خشک، ریز ریز شدند! ﴿۳۱﴾ ما قرآن را برای پند و تذکر، سهل و آسان نمودیم. آیا کسی هست که پند گیرد؟! ﴿۳۲﴾ قوم لوط هشدارهای الهی را تکذیب کردند ﴿۳۳﴾ ما بر آن‌ها بادی که ریگ‌ها را به حرکت در می‌آورد فرستادیم. جز خاندان لوط که سحرگهان نجاتشان دادیم [بقیه را هلاک کردیم] ﴿۳۴﴾ [نجات خاندان لوط] نعمتی از جانب ما بود. این چنین انسان شکرگزار را پاداش می‌دهیم ﴿۳۵﴾ لوط آن‌ها را از مجازات ما هشدار داده بود، اما آن‌ها اصرار بر مخالفت و شک به هشدارها داشتند ﴿۳۶﴾ آن‌ها از لوط خواستند که مهمانانش را در اختیار آن‌ها بگذارد! ما نیز چشمان‌شان را کور کردیم! پس بچشید عذاب و انذار مرا! ﴿۳۷﴾ صبحگاهان عذابی پایدار به سراغ‌شان آمد ﴿۳۸﴾ پس بچشید عذاب و انذار مرا! ﴿۳۹﴾ ما قرآن را برای پند و تذکر، سهل و آسان نمودیم آیا کسی هست که پند گیرد؟! ﴿۴۰﴾ هشدارها به سراغ فرعونیان آمد ﴿۴۱﴾ آن‌ها تمام آیات ما را تکذیب کردند و ما نیز آن‌ها را چون مقتدری توانا گرفتیم و مجازات کردیم ﴿۴۲﴾ آیا کافران شما بهتر از این‌ها هستند؟! شاید هم امان‌نامه‌ای برای شما در کُتب آسمانی است! ﴿۴۳﴾ شاید هم می‌گویند: ما جماعتی قدرتمند و پیروزیم! ﴿۴۴﴾ به زودی جمع‌شان شکست خورده پا به فرار می‌گذارند! ﴿۴۵﴾ نه! قیامت میعادگاه آنان است. و بی‌شک عذاب قیامت سنگین‌تر و تلخ‌تر است ﴿۴۶﴾ به راستی مجرمان در گمراهی و شعله‌های آتش اند! ﴿۴۷﴾ آن روزی که بر صورت در آتش کشیده می‌شوند [به آنان گویند]: بچشید آتش جهنم را! ﴿۴۸﴾ بدانید ما هر چیزی را به اندازه خلق کرده‌ایم! ﴿۴۹﴾

فرمان ما یک فرمان است همچون یک چشم بر هم زدن! ﴿۵۰﴾ ما کسانی را که چون شما بودند (حقایق را انکار می‌کردند) هلاک کردیم، آیا کسی هست پند گیرد؟! ﴿۵۱﴾ هر عملکردی که داشته‌اند در کتاب‌ها ثبت شده است! ﴿۵۲﴾ هر کار کوچک و بزرگی نوشته شده است ﴿۵۳﴾ کسانی که حرمت خداوند را نگاه دارند در باغ‌ها و [کنار] نهرها هستند! ﴿۵۴﴾ در جایگاهی راستین و ارزشمند، آن هم نزد فرمانروایی مقتدر! ﴿۵۵﴾

سورهٔ رحمن

(به نام الله که بخشایشگر و با رحمت است)

خدای رحمان ﴿۱﴾ قرآن را تعلیم داد ﴿۲﴾ انسان را خلق کرد ﴿۳﴾ به او سخن گفتن آموخت! ﴿۴﴾ آفتاب و ماه در مدار دقیق خود در حرکتند ﴿۵﴾ هم ستاره و هم درخت سجده‌اش می‌کنند ﴿۶﴾ [بدانید خدای رحمان] آسمان را برافراشت و میزان را وضع کرد ﴿۷﴾ تا از میزان طغیان نکنید ﴿۸﴾ عادلانه وزن کنید و کم‌فروشی نکنید! ﴿۹﴾ و زمین را برای مردم آفرید ﴿۱۰﴾ که در آن میوه‌ها و نخل‌هایی با شکوفه‌های فراوان است ﴿۱۱﴾ دانه‌هایی که شکل کاهند و گیاهان خوشبوی دیگر ﴿۱۲﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۱۳﴾ انسان را از گل خشکیده چون سفال آفرید ﴿۱۴﴾ و جن را از شعله‌های رنگارنگ آتش آفرید ﴿۱۵﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۱۶﴾ او پروردگار دو مشرق و دو مغرب است ﴿۱۷﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۱۸﴾

^۱ آن‌که قرآن را از خدای رحمان بیاموزد داناترین افراد به قرآن است. هر که حرمت خدا را نگه دارد، خدا معلمش خواهد بود. « و اتقو الله و یعلمکم الله » و چون این شود، وجوه دیگر معانی دیگر از آیات خدا، نمایان می‌شود و گاه خواهی دید، در میان آیاتی که ظاهرش اشاره به عذاب است، گنجی پنهان نموده اند! و این لطایف نصیب کسی می‌شود که برداشت‌ها و ذهنیات خود را کنار گذاشته و سراپا تسلیم خداوند است.

^۲ ستاره، نمادی آسمانی که نورش رو سوی زمین است. درخت نمادی زمینی که شاخه‌هایش رو سوی آسمان است. این دو نماد زمین و آسمان، خدای رحمان را سجده می‌کنند. الزامی نیست که نجم، گیاه گرفته شود.

^۳ میزان به معنای ملاک سنجش است، و ترازو یکی از این ملاک‌هاست.

^۴ خطاب آیه را به گروه جن و انسان دانسته‌اند.

^۵ شاید مراد از دو مشرق و دو مغرب، یکی همین مشرق و مغرب طبیعی است و دیگری تولد و مرگ. عالم محسوسات و عالم معنا.

دو دریای مختلف را کنار هم قرار داد تا به هم برسند ﴿۱۹﴾ میان‌شان حائلی است تا در هم نیامیزند! ﴿۲۰﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۲۱﴾ از آن [دو دریا] مروارید و مرجان خارج می‌شود ﴿۲۲﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۲۳﴾ کشتی‌هایی که چون کوهی در دریا روانند از آن اوست ﴿۲۴﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۲۵﴾ هر که بر روی زمین است فانی است ﴿۲۶﴾ و فقط وجه پروردگار صاحب جلال و گرامی‌ات باقی می‌ماند ﴿۲۷﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۲۸﴾ همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین‌اند از او تقاضا دارند، و او هر روز در کاری است ﴿۲۹﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۳۰﴾ ای دو گروه جن و انس به زودی به حساب شما خواهیم رسید ﴿۳۱﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۳۲﴾ ای جماعت انس و جن اگر می‌توانید از مرزهای آسمان‌ها و زمین بگذرید! ولی هرگز قادر نخواهید بود، مگر با نیروی [الهی] ﴿۳۳﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۳۴﴾ بر شما شعله‌هایی با دود و بی‌دود می‌فرستد، حال آن‌که نمی‌توانید از کسی یاری بگیرید! ﴿۳۵﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۳۶﴾ آن‌گاه که آسمان شکافته شود و چون روغن سرخ شده گلگون می‌گردد! ﴿۳۷﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۳۸﴾ در آن روز از گناه هیچ جن و انسی نمی‌پرسند [زیرا هیچ مهلتی نخواهند داشت] ﴿۳۹﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۴۰﴾ مجرمان از علامت چهره‌هایشان شناخته می‌شوند و بر اساس پیشانی نوشت و اقدامات‌شان مواخذه می‌گردند! ﴿۴۱﴾

پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۴۲﴾ این همان جهنمی است که مجرمان تکذیبش می‌کردند! ﴿۴۳﴾ همواره میان آن و آب جوشان در رفت و آمدند! ﴿۴۴﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۴۵﴾ پس هر کس از مقام پروردگارش خوف داشته باشد دو بهشت دارد ﴿۴۶﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۴۷﴾ [آن دو بهشت] پُر از درختان متنوع است ﴿۴۸﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۴۹﴾ در آن دو بهشت دو چشمه جاری است ﴿۵۰﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۵۱﴾ در آن [دو بهشت] از هر میوه‌ای دو قسم است! ﴿۵۲﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۵۳﴾ آن‌ها بر بسترهایی که آسترش از پارچهٔ ابریشمی است تکیه داده‌اند، و میوه‌های رسیدهٔ آن دو بهشت در دسترس است ﴿۵۴﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۵۵﴾ در آن‌جا همسرانی زیبا و وفادار هست که هیچ‌انس و جنی پیش از این به آن‌ها دست نزنده است ﴿۵۶﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۵۷﴾ آن زنان مثل یاقوت و مرجان‌اند ﴿۵۸﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۵۹﴾ آیا جزای نیکی به جز نیکی است؟! ﴿۶۰﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۶۱﴾ غیر از دو بهشت، دو بهشت دیگر نیز هست ﴿۶۲﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۶۳﴾ هردو کاملاً سبز و خرم هستند ﴿۶۴﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۶۵﴾ در آن دو، دو چشمهٔ جوشان است ﴿۶۶﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۶۷﴾ در آن دو بهشت، میوه هست و نخل و انار ﴿۶۸﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۶۹﴾

در آن جا همسرانی زیبا و خوش خلق است ﴿۷۰﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۷۱﴾ حوریانی که در خیمه‌ها مستورند^۱ ﴿۷۲﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۷۳﴾ قبل از بهشتیان هیچ جن و انسی به آن‌ها دست نزده است ﴿۷۴﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۷۵﴾ بهشتیان بر پستی‌هایی تکیه داده‌اند که با بهترین و زیباترین پارچه‌های سبز رنگ پوشانده شده است ﴿۷۶﴾ پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! ﴿۷۷﴾ با برکت است نام پروردگار صاحب جلال و گرمی‌ات! ﴿۷۸﴾

سوره واقعه

(به نام الله که بخشایشگر و با رحمت است)

هنگامی که قیامت واقع شود، ﴿۱﴾ که در وقوع آن هیچ دروغی نیست، ﴿۲﴾ گروهی را خوار کند و گروهی را بالا برد! ﴿۳﴾ هنگامی که زمین به سختی بلرزد ﴿۴﴾ و کوه‌ها در هم کوبیده شود ﴿۵﴾ و [چون] غباری پراکنده گردند ﴿۶﴾ در این هنگام شما سه گروه خواهید بود: ﴿۷﴾ گروهی خوشبخت و چه گروه خوشبختی! ﴿۸﴾ گروهی بد بخت و چه گروه بدبختی! ﴿۹﴾ و گروهی که در خوبی و خدمت کردن از همه پیشی گرفته‌اند ﴿۱۰﴾ آن‌ها مقربانند ﴿۱۱﴾ در بهشت‌های پر نعمت جای دارند ﴿۱۲﴾ گروه کثیری از مردم پیشین هستند ﴿۱۳﴾ و اندکی از متأخران ﴿۱۴﴾ بر تخت‌هایی بهم پیوسته ﴿۱۵﴾ در حالی که بر آن تکیه زده و رو به روی یکدیگرند ﴿۱۶﴾

^۱ اهل معنی، حوران بهشتی راه اسرار و مکنونات علوم دانسته‌اند که از چشم نامحرم پوشیده و در حجابند. از این منظر، این حقایق همواره برای اهلس بکر خواهند بود. حقایقی که وصل به آن بسیار لذت بخش است.

نوجوانانی جاودانی، پیوسته دور آن‌ها می‌گردند ﴿۱۷﴾ و با قدح‌ها و کوزه‌ها و جام‌هایی از نهرهای جاری بهشت ﴿۱۸﴾ شرابی که با نوشیدنش نه سردرد گیرند و نه بیهوش شوند ﴿۱۹﴾ و انواع میوه‌هایی که خود انتخاب می‌کنند ﴿۲۰﴾ و گوشت لذیذ هر پرنده‌ای که بخواهند ﴿۲۱﴾ و حوران زیبا چشم ﴿۲۲﴾ که مثل مروارید در صدف‌اند ﴿۲۳﴾ این پاداش عملکردشان است ﴿۲۴﴾ و هیچ حرف بیهوده و گناهی در آن جا نمی‌شنوند ﴿۲۵﴾ به جز این که گفته می‌شود: سلام، سلام ﴿۲۶﴾ اما گروه خوشبخت، و چه گروه خوشبختی! ﴿۲۷﴾ آن‌ها زیر درختان سدر بی‌خارند ﴿۲۸﴾ زیر سایهٔ درخت پر برگ طلح^۱ به سر می‌برند ﴿۲۹﴾ یک سایهٔ مداوم ﴿۳۰﴾ در کنار آبشار ﴿۳۱﴾ و میوه‌های فراوان ﴿۳۲﴾ نه چیده شده است نه دست زدن به آن ممنوع است ﴿۳۳﴾ و همسرانی ارجمند ﴿۳۴﴾ و آن همسران را ما آفرینشی نوین بخشیده‌ایم ﴿۳۵﴾ و آن‌ها را دوشیزه گردانیدیم! ﴿۳۶﴾ همسرانی با محبت و وفادار که هم سن و سالند ﴿۳۷﴾ این‌ها همه برای گروه خوشبخت است ﴿۳۸﴾ که جمعی از مردم پیشین هستند ﴿۳۹﴾ جمعی از متأخران ﴿۴۰﴾ و گروه بدبخت، چه گروه بدبختی! ﴿۴۱﴾ در بادهای کشنده و آب سوزانند ﴿۴۲﴾ در سایه‌ای از دود غلیظ قرار دارند ﴿۴۳﴾ سایه‌ای که نه خنک است و نه مفید ﴿۴۴﴾ زیرا آن‌ها قبل از این در ناز و نعمت دنیا بوده‌اند! ﴿۴۵﴾ و بر ارتکاب گناهان بزرگ اصرار می‌ورزیدند ﴿۴۶﴾ و می‌گفتند: آیا هنگامی که مُردیم و مشتی خاک و استخوان شدیم، دوباره زنده برانگیخته می‌شویم؟! ﴿۴۷﴾ یا نیاکان ما [این چنین می‌شوند]؟! ﴿۴۸﴾ بگو: همه از اولین گرفته تا آخرین ﴿۴۹﴾ همه در میعادگاه روز معین جمع خواهند شد ﴿۵۰﴾

^۱ درختی پر برگ و خوشبو و خوشرنگ که برخی آن را درخت موز می‌دانند.

سپس شما ای گمراهان تکذیب‌کننده حقایق! ﴿۵۱﴾ از درخت زقوم خواهید خورد ﴿۵۲﴾ و شکم‌های خود را از آن پر خواهید کرد ﴿۵۳﴾ و روی آن آب سوزان خواهید نوشید ﴿۵۴﴾ مثل شتر تشنه خواهید نوشید! ﴿۵۵﴾ این پذیرایی از آن‌ها در روز قیامت است ﴿۵۶﴾ ما شما را خلق کردیم، چرا تصدیق نمی‌کنید؟ ﴿۵۷﴾ آیا از منی‌یی که در رحم می‌ریزید آگاهید؟! ﴿۵۸﴾ آیا شما آن را آفریده‌اید یا ما آفریده‌ایم؟! ﴿۵۹﴾ ما بر شما مرگ را مقدر کرده‌ایم و هرگز از آن عاجز نیستیم ﴿۶۰﴾ که به جای شما مردمی دیگر را بیاوریم و شما را در جایی آفرینش بخشیم که از آن خبر ندارید! ﴿۶۱﴾ و شما از آفرینش نخستین آگاهید، پس چرا پند نمی‌گیرید؟! ﴿۶۲﴾ آیا چیزی را که کشت می‌کنید دیده‌اید؟ ﴿۶۳﴾ شما آن را رویانیدید یا ما رویانیدیم؟! ﴿۶۴﴾ اگر بخواهیم آن را به خار و خاشاک تبدیل می‌کنیم، تا در شگفت بمانید ﴿۶۵﴾ گویند: ما ورشکستگانیم ﴿۶۶﴾ بلکه از همه چیز محرومیم! ﴿۶۷﴾ آیا آبی را که می‌نوشید نمی‌بینید؟! ﴿۶۸﴾ آیا شما آن را از ابر نازل کردید یا ما نازل کرده‌ایم؟! ﴿۶۹﴾ اگر می‌خواستیم می‌توانستیم آن را تلخ گردانیم. پس چرا شکرگزار نیستید؟ ﴿۷۰﴾ آیا آتشی را که می‌افروزید، نمی‌بینید؟! ﴿۷۱﴾ آیا درختش را شما پدید آورده‌اید یا ما پدید آورده‌ایم؟! ﴿۷۲﴾ ما آن را هم مایهٔ یادآوری و هم متاعی برای مسافران قرار داده‌ایم! ﴿۷۳﴾ پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی! ﴿۷۴﴾ سوگند به موقعیت ستارگان ﴿۷۵﴾ که اگر بفهمید این سوگندی بزرگ است! ﴿۷۶﴾

حقیقتاً این قرآنی کریم است ﴿۷۷﴾ که در کتابی محفوظ جای دارد! ﴿۷۸﴾ جز پاکان به آن تماس نگیرند ﴿۷۹﴾ نازل شده از جانب پروردگار جهانیان است ﴿۸۰﴾ آیا این کلام را کوچک می‌پندارید؟! ﴿۸۱﴾ و به جای شکر روزی‌هایی که به شما داده شده آن را تکذیب می‌کنید؟! ﴿۸۲﴾ پس چرا زمانی که جان به گلو می‌رسد ﴿۸۳﴾ در آن حال شما فقط نظاره می‌کنید! ﴿۸۴﴾ ما از شما به او نزدیک‌تریم ولی چشم بصیرت ندارید ﴿۸۵﴾ اگر جزای قیامت را انکار می‌کنید، ﴿۸۶﴾ اما اگر راست می‌گوئید بازش گردانید! ﴿۸۷﴾ بدانید اگر انسان از مقربان باشد ﴿۸۸﴾ برای او آرامش و برکت و بهشت پرنعمت است ﴿۸۹﴾ اما اگر از گروه خوشبخت بود ﴿۹۰﴾ پس تو را از سوی گروه خوشبخت سلام است ﴿۹۱﴾ و اما اگر از تکذیب‌کنندگان همراه بود ﴿۹۲﴾ مایه پذیرایی آب سوزان است! ﴿۹۳﴾ و سرنوشتش ورود به جهنم! ﴿۹۴﴾ این همان حق و یقین است ﴿۹۵﴾ پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی! ﴿۹۶﴾

سورهٔ حدید

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح‌گوی خداوند است. و او قدرتمند و حکیم است! ﴿۱﴾ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست، زنده می‌کند و می‌میراند و او بر هر کاری تواناست ﴿۲﴾ او اول و آخر و ظاهر و باطن است و او به هر چیزی آگاه است ﴿۳﴾

^۱ آن‌که پاک است از برداشتها و ذهنیت‌های خویش، آزاد است. و دارای ذهنی شفاف و به دور از شرطی‌شدگی‌هاست. چنین روحی با مفاهیم قرآن تماس حاصل می‌کند.

او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز خلق کرد، سپس به فرمانروایی بر مخلوقات پرداخت. بدانید! هرچه در زمین فرو می‌رود و هر چه از آن خارج می‌شود، و هر چه از آسمان نازل می‌شود، و هر چه به سوی آن بالا می‌رود همه را به خوبی می‌داند. او با شماست، هرکجا که باشید!^۱ و خداوند نسبت به عملکردتان بیناست ﴿۴﴾ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست، و همهٔ امور به او باز می‌گردد ﴿۵﴾ شب و روز را از دل یکدیگر در می‌آورد و او بر آن چه در سینه‌ها می‌گذرد آگاه است ﴿۶﴾ به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید، و از آن چه شما را جانشین و نماینده در آن قرار داده انفاق کنید. بدانید! کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و انفاق کردند برای‌شان پاداشی بزرگ است ﴿۷﴾ از چه روست که شما به خدا ایمان نمی‌آورید؟! حال آن‌که پیامبر همواره شما را دعوت می‌کند تا به پروردگارتان ایمان بیاورید، و اگر اهل ایمان‌اید از شما پیمان گرفته است! ﴿۸﴾ او کسی است که بر بنده‌اش آیات روشن‌گر را نازل می‌کند، تا شما را از تاریکی‌ها خارج و به سوی نور رهنمون کند، زیرا خداوند نسبت به شما مهربان و با رحمت است ﴿۹﴾ از چه روست که شما در راه خدا انفاق نمی‌کنید؟! حال آن‌که میراث آسمان‌ها و زمین از آن خداست او کسی چیزی با خود نمی‌برد! بدانید! کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند، سپس جهاد کردند [با کسانی که بعد از پیروزی انفاق می‌کنند] برابر نیستند، آن‌ها بلند مرتبه‌تر از کسانی هستند که بعد از پیروزی انفاق کردند و به جهاد رفتند! هر چند خداوند به هردوی این‌ها وعده نیکو داده است! بدانید که خداوند نسبت به عملکردتان آگاه است ﴿۱۰﴾ کیست که به خدا وام نیکو بدهد تا دو چندان‌ش کند و پاداش ارزشمند از آن او باشد ﴿۱۱﴾

^۱ خدا با ما هست، آیا ما هم با خدا هستیم؟! هر کس با حق تعالی نباشد در حالی که حق تعالی با اوست، یک غافل است، یک بت است و اگر خواستار وصل به حقیقت محض است باید بت خود را بشکند!

روزی، مردان و زنان اهل ایمان را خواهی دید که نور وجودشان پیشاپیش آن‌ها و در سمت راست‌شان حرکت می‌کند! در آن روز بشارت‌شان بهشت‌هایی است که نهرها در آن جاری است و جاودانه در آن خواهید بود. این همان پیروزی بزرگ است ﴿۱۲﴾ روزی که مردان و زنان منافق، به اهل ایمان گویند: نظری بر ما بیفکنید تا فروغی از نور شما بگیریم! گفته شود، برگردید به دنیایتان و از آن جا، نور التماس کنید! دیواری بین آن‌ها می‌کشند که دری دارد. درون آن رحمت الهی است و بیرون آن عذاب و رنج! ﴿۱۳﴾ آن‌ها را ندا دهند: آیا ما با شما نبودیم؟! گویند: آری! ولی شما خود را در هلاکت افکندید، و به انتظار نشستید و [همواره در مورد حقایق] در شک و تردید بودید، آرزوهای واهی شما را فریفت. تا این که فرمان خدا رسید و شیطان، شما را در برابر خداوند مغرور کرد ﴿۱۴﴾ امروز [بَدَل از مجازات] هیچ فدیة‌ای از شما و اهل کفر قابل پذیرش نیست، جایگاهتان آتش است. آتش، دوست و همنشین شماست. و چه بد سرنوشتی است! ﴿۱۵﴾ آیا وقت آن نرسیده که اهل ایمان قلب‌هایشان را برای یاد خدا و آن حقی که نازل شده، خاشع کنند؟! نباید همانند کسانی باشند که پیش از این کتاب آسمانی عطایشان کردیم! زیرا آن‌ها چون زمانی گذشت، دل‌هایشان سخت شد و بسیاری از آن‌ها فاسق شدند ﴿۱۶﴾ بدانید که خداوند زمین مرده را حیات و زندگی می‌بخشد! به راستی ما آیات نجات‌بخش را برایتان بیان کردیم، امید آن که تعقل کنید! ﴿۱۷﴾ خداوند به مردان و زنان صدقه‌دهنده، آن‌هایی که به خدا قرض الحسنه می‌دهند، پاداش دوچندان عطا می‌کند، [علاوه بر آن] پاداش پرارزشی برای‌شان مهیاست ﴿۱۸﴾

^۱ روح با آن که واحد و یکپارچه است اگر روی سوی محبوب داشته باشد در نهایت آرامش و رحمت است و چنانچه روی سوی کثرت و عالم محسوسات مشغول بدارد، در کیفیت رنج و عذاب است.

کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند، آن‌ها اصل صداقت‌اند. و شهدا نیز نزد پروردگارشان می‌باشند. و صاحب پاداش و نور خویش‌اند! و اما کسانی که کفر ورزیدند و آیات نجات بخش ما را تکذیب کردند همه‌شان اهل جهنم‌اند! ﴿۱۹﴾ بدانید! که زندگی دنیا بازی و سرگرمی است. تجمل‌پرستی و مایهٔ تفاخر بین شما و افزون‌طلبی در مال و اولاد است! مثل بارانی است که باعث محصول شود و کشاورزش را به شگفتی درآورد سپس خشک شود، و آن‌طور که می‌بینی زرد گردد، آن‌گاه تبدیل به خاشاک شود! بدانید که در آخرت یا مجازات شدید است یا مغفرت و خشنودی خداوند! و زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست! ﴿۲۰﴾ برای رسیدن به مغفرت پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن به وسعت پهنای آسمان و زمین است، از یکدیگر پیشی بگیرند. که این‌ها برای کسانی است که به خدا و پیامبرانشان ایمان آورده‌اند. این فضل و کرم الهی است که بر هر کس صلاح بداند عطا می‌کند، زیرا خداوند صاحب فضل بزرگی است ﴿۲۱﴾ هیچ مصیبتی در زمین و در مال و جانتان نخواهد رسید مگر پیش از آن که زمین را بیافرینیم [آن مصیبت] در کتابی ثبت شده است. بدانید! که این کار بر خداوند سهل و آسان است ﴿۲۲﴾ تا هیچ‌گاه نسبت به چیزی که از دست‌تان رفته تأسف نخورید، و نسبت به چیزی که به دست‌تان آمده خوشحال نگردید! زیرا خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد ﴿۲۳﴾ کسانی که هم خودشان بخل می‌ورزند و هم مردم را وادار به بخل می‌کنند، و نیز هر کس [از فرمان حق] روی برمی‌گرداند، بداند که خداوند بی‌نیاز و درخور ستایش است! ﴿۲۴﴾

ما پیامبرانمان را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم، عادلانه رفتار نمایند. و نیز آهن را که در آن نیروی شدیدی نهفته است و منافی برای مردم دارد، فرو فرستادیم تا خداوند مشخص نماید چه کسانی به نادیده، او و پیامبرانش را یاری می‌کنند! بدانید که خداوند قدرتمند و پیروز است ﴿۲۵﴾ ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و به فرزندانمان مقام نبوت و کتاب عطا کردیم، عده‌ای از آنها هدایت یافتند و بسیاری گنهکار شدند! ﴿۲۶﴾ آن‌گاه بعد از آنها پیامبرانمان را فرستادیم و عیسی ابن مریم را در پی آنها روانه کردیم، و به او انجیل عطا نمودیم، و در دل‌های کسانی که از او تبعیت کردند رأفت و رحمت قرار دادیم. اما رهبانیتی که آنها از پیش خود ابداع کردند، ما بر آنها مقرر نکرده بودیم، هر چند که در آن خشنودی خدا را جست‌وجو می‌کردند. اما حقیقت را [به شایستگی] ادا نکردند. نتیجه این‌که، کسانی از آنها که به حقایق ایمان آورده بودند پاداش دادیم. و بسیاری از آنها گنهکار آمدند! ﴿۲۷﴾ ای اهل ایمان! حرمت خداوند را نگاه دارید. و به پیامبرش ایمان بیاورید، تا شما را از رحمت بیکرانیش دو بار پاداش دهد، و برایتان نوری قرار دهد تا به واسطه آن راه بروید! و شما را بیامرزد که خدا آمرزنده و با گذشت است ﴿۲۸﴾ تا اهل کتاب بفهمند قادر به دستیابی به فضل الهی نیستند، زیرا فضل و کرم به دست خداست و به هر کس صلاح بداند عطا می‌کند، بدانید که خداوند صاحب فضلی بزرگ است! ﴿۲۹﴾

^۱ ملاک سنجش، قانون عادلانه، و نیز ترازو که نوعی وسیله سنجش است.

سوره مجادله

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

خداوند سخنان زنی را که در مورد همسرش به تو مراجعه کرده بود و به خداوند شکایت می کرد شنید. خداوند گفت وگویی شما را شنیده است، زیرا خدا شنوا و بیناست! ﴿۱﴾ کسانی از شما که همسران خود را ظهار^۱ می کنند، بدانند که زنانشان مادرانشان نیستند؛ مادرانشان کسانی هستند که آن ها را زائیده اند! بی شک آن ها سخن دروغ و زشتی می گویند. حال آن که خداوند عفو کننده و آمرزنده است! ﴿۲﴾ کسانی که زنانشان را ظهار می کنند سپس نسبت به آن چه گفته اند پشیمان شده و برمی گردند، قبل از آمیزش جنسی باید بنده ای آزاد کنند. این چیزی است که شما به آن موعظه می شوید. بدانید! که خداوند نسبت به عملکردتان آگاه است! ﴿۳﴾ اگر کسی [بنده ای] نیافت، قبل از آمیزش جنسی باید دو ماه پی در پی روزه بگیرد و اگر نمی تواند روزه بگیرد شصت مسکین را اطعام کند. این به خاطر آن است که به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید. بدانید! که این ها همه حدود الهی است و برای کسانی که حقایق را انکار کنند عذابی دردناک است! ﴿۴﴾ کسانی که با خدا و پیامبرش مخالفت و دشمنی می کنند چنان خوار و ذلیل می شوند که پیشینیان شان خوار و ذلیل شدند! به راستی ما آیات روشنی نازل کردیم. بدانید برای منکران حقیقت، عذابی خوار کننده است! ﴿۵﴾ روزی که خداوند همه شان را زنده برانگیزد از عملکردشان باخبرشان می کند، در حالی که همه چیزشان را محاسبه کرده است. هر چند که خود آن ها فراموش کرده باشند! زیرا خداوند بر هر چیزی شاهد است ﴿۶﴾

^۱ در مورد معنای «ظهار» سوره احزاب آیه ۱۴ (ص ۴۱۸).

آیا نمی‌دانی که خداوند از آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است آگاه است؟! بدانید که هیچ نجوای (سخن در گوشه) سه نفره‌ای نیست، مگر آن که چهارمین آن‌ها خدا باشد! و هیچ نجوای پنج نفره‌ای نیست، مگر آن که ششمین آن‌ها خدا باشد! و پایین‌تر از این تعداد و بالاتر از آن هم که باشد، خدا همراه آنان است، هر جا که باشند! سرانجام در روز قیامت از عملکردشان باخبرشان می‌کند، زیرا خداوند نسبت به هر چیزی داناست ﴿۷﴾ آیا کسانی را که از نجوای کردن نهی شده‌اند نمی‌بینی؟! آن‌ها به کاری که از آن نهی شده‌اند باز می‌گردند، و برای ارتکاب گناه و تجاوز و نافرمانی از پیامبر با هم نجوای می‌کنند! و هنگامی که نزد تو می‌آیند چنان سلام می‌کنند که خداوند آن‌گونه به تو سلام نکرده است! حال آن که با خود می‌گویند: پس چرا خدا ما را به خاطر آن چه که می‌گوییم عذاب نمی‌کند؟! جهنم برای آن‌ها بس است! در آن داخل می‌شوند و چه بد سرنوشتی است! این جهنم! ﴿۸﴾ ای اهل ایمان! اگر با یکدیگر نجوای می‌کنید، به خاطر ارتکاب گناه و تجاوز و نافرمانی پیامبر نجوای نکنید، بلکه باید نجوایتان برای توسعه نیکی و پرهیزگاری باشد. حرمت خداوند را نگاه دارید، خدایی که به سوی او محشور خواهید شد! ﴿۹﴾ نجوای، کار شیطان است تا اهل ایمان را محزون کند. هر چند هیچ زبانی به آن‌ها نمی‌رساند، مگر به اذن الهی. پس همواره باید اهل ایمان بر خداوند توکل نمایند ﴿۱۰﴾ ای اهل ایمان! هرگاه به شما در مجالس گفته می‌شود برای دیگران جای باز کنید. جا باز کنید تا خدا نیز گره‌های کاری شما را باز کند! و چون گفته شود همگی برخیزید، برخیزید! خداوند مؤمنان شما و اهل دانش را به درجاتی ترفیع می‌دهد. بدانید که خدا نسبت به عملکردتان با خبر است ﴿۱۱﴾

ای اهل ایمان! هرگاه خواستید با پیامبر نجوای کنید پیش از نجوایتان صدقه دهید، که این کار برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است! و اگر [برای صدقه دادن] چیزی نیافتید [آمزش الهی طلب کنید]، زیرا خداوند آمرزنده و با گذشت است ﴿۱۲﴾ آیا ترسیدید [دچار فقر شوید] که پیش از نجوایتان صدقات را پرداخت نکردید؟! حال که صدقه نداده‌اید و خداوند نیز توبه‌تان را پذیرفته است، نماز به پای دارید. و زکات پرداخت کنید. و از خدا و پیامبرش اطاعت نمایید، که خداوند نسبت به عملکردتان با خبر است! ﴿۱۳﴾ آیا ندیدی کسانی را که با قومی که مورد غضب الهی بودند دوستی کردند؟! در حالی که نه از آنها بپندارند و نه از شما هستند! آنها به دروغ قسم می‌خورند، حال آن که [خود به دروغ بودنش] واقفند! ﴿۱۴﴾ خداوند برای آنها عذاب سختی مهیا نموده است، زیرا آنها عملکرد بدی دارند ﴿۱۵﴾ قسم‌هایشان را سپر کرده‌اند، و مردم را از راه نجات‌بخش الهی باز می‌دارند، پس برای آنها عذابی خوارکننده است! ﴿۱۶﴾ اموال و اولادشان در برابر مجازات الهی هیچ به کارشان نیاید، زیرا آن‌ها اهل آتش‌اند و در آن جاودانه خواهند بود ﴿۱۷﴾ روزی که خداوند همه‌شان را زنده برانگیزد هم چنان که برای شما در دنیا قسم می‌خوردند برای خدا هم قسم می‌خورند! و می‌پندارند مفید خواهد بود! آگاه باشید که همه‌شان دروغگو هستند! ﴿۱۸﴾ شیطان بر آنها سلطه دارد و یاد خدا را از خاطرشان برده است. آنها حزب شیطانند! آگاه باشید که حزب شیطان همه‌شان زیان‌کارند! ﴿۱۹﴾ کسانی که با خدا و پیامبرش مخالفت و دشمنی ورزند، همه‌شان در زمره ذلیل‌ترین افرادند ﴿۲۰﴾ خداوند مقرر کرده که: من و پیامبرانم قطعاً پیروزیم! زیرا خدا مقتدر و پیروزمند است ﴿۲۱﴾

قومی را نمی‌پای که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد [و از آن طرف] با دشمنان خدا و پیامبرش دوستی کنند! اگر چه پدران و فرزندان و برادران و افراد قبیله‌شان باشند! زیرا خداوند قلب‌های اهل ایمان را با ایمان رقم زده است! و آن‌ها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است! و آن‌ها را به بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است داخل می‌کند، تا جاودانه در آن بمانند، زیرا خدا از آن‌ها راضی است. آن‌ها نیز از خدا راضی‌اند. بی‌شک آن‌ها حزب خدای‌اند، آگاه باشید که حزب خدا همه‌شان رستگارند! ﴿۲۲﴾

سوره حشر

(به نام الله که بخشاینده و بارحمت است)

آن‌چه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین است تسبیح گوی خداوند است. بدانید! که او قدرتمند و حکیم است ﴿۱﴾ و او کسی است که نخستین بار کافران اهل کتاب را از دیارشان بیرون کرد، در حالی که گمان نمی‌کردند بیرون رفتنی باشند! خود آن‌ها هم تصور می‌کردند که حصارهایشان قادر به حفاظت آن‌ها در برابر مجازات الهی است! سرانجام خداوند از آن جایی که فکرش را نمی‌کردند به سراغ‌شان آمد و در دل‌هایشان وحشت افکند. آن‌چنان که خانه‌های خود را به دست خود و به دست اهل ایمان خراب می‌کردند! پس عبرت بگیرید ای اهل بصیرت! ﴿۲﴾ و اگر خداوند ترک وطن را بر آن‌ها مقرر نکرده بود، همه‌شان را در دنیا گرفتار عذاب می‌کرد، حال آن‌که در آخرت عذاب آتش برای‌شان مهیاست! ﴿۳﴾

این به خاطر آن بود که آن‌ها با خدا و پیامبرش مخالفت و دشمنی ورزیدند، بدانید هر کس با خداوند مخالفت و دشمنی نماید، خدا مجازات شدیدی می‌کند! ﴿۴﴾ هر درخت نخلی را که بریدید و یا آن را پا بر جا گذاشتید همه به فرمان خدا بود، تا بدکاران را خوار نماید ﴿۵﴾ آن‌چه را خداوند [از دست آن‌ها گرفت و] به پیامبرش بازگرداند، دستاورد تاخت و تاز اسبان و شتران شما نبود! بلکه این خداست که پیامبرانش را بر هر که بخواهد مسلط می‌کند، زیرا خدا بر هر کاری تواناست ﴿۶﴾ آن غنیمت‌هایی را که خداوند از این آبادی‌ها گرفت و به پیامبرش داد از آن خدا، پیامبر، خویشاوندان، یتیمان، مسکینان، و در راه ماندگان است تا میان اغنیا و توانگران شما دست به دست نشود! آن‌چه پیامبر به شما می‌دهد با خرسندی بپذیرید و از آن‌چه نهی تان می‌کند دوری کنید، و حرمت اوامر خداوند را نگاه دارید، که خدا مجازاتش شدید است! ﴿۷﴾ نیز این غنایم از آن فقرای مهاجرین است، [همان کسانی] که از مال و دیارشان رانده شده‌اند. آن‌ها فضل الهی و خشنودی خدا را جست و جو می‌کنند و خدا و پیامبرش را یاری می‌رسانند. همه آن‌ها اهل صداقت‌اند ﴿۸﴾ و [نیز از آن] کسانی است که قبل از آمدن مهاجران در دیار خود بودند، و ایمان داشتند، و مهاجرانی را که به سویشان پناه آورده‌اند دوست دارند، و در دل نسبت به آن‌چه به آن‌ها داده شده است حسادت نمی‌ورزند، زیرا آن‌ها دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند هر چند که خود نیازمند باشند. بدانید هر کس از بخل خویش در امان باشد بی‌شک رستگار است! ﴿۹﴾

^۱ در غزوه‌ای که پیامبر(ص) با بنی نضیر داشت دستور داد تعدادی از نخل‌های اطراف قلعه را ببرند تا هم مکان برای نبرد وسیع شود و هم دشمنان از قلعه‌ها بیرون بیایند. بعد آن‌ها اعتراض کردند تو که یک پیامبری و همواره از قطع درختان نهی می‌کنی چرا مرتکب این کار شدی؟! این آیه در جواب آن‌هاست.

کسانی که بعد از آن‌ها آمدند می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که زودتر از ما ایمان آورده‌اند، بیمارز و در دل‌های ما هیچ کینه و عداوتی نسبت به اهل ایمان قرار مده، پروردگارا! تو رؤف و با گذشتی ﴿۱۰﴾ آیا منافقان را ندیدی که به یاران کافرشان از اهل کتاب می‌گویند: اگر شما را بیرون کنند ما نیز با شما خارج می‌شویم! و علیه شما از هیچ کس اطاعت نخواهیم کرد! و چنان‌چه با شما بجنگند شما را یاری می‌نماییم! خداوند گواهی می‌دهد که آن‌ها دروغ می‌گویند! ﴿۱۱﴾ چنان‌چه آن‌ها اخراج شوند اینان با آن‌ها بیرون نمی‌روند، و اگر با آن‌ها جنگ شود، یاریشان نخواهند کرد، اگر هم یاریشان کنند به جنگ پشت کرده و فرار می‌کنند، و در نتیجه یار و یآوری نخواهند داشت! ﴿۱۲﴾ وحشت از شما در دل‌هایشان بیش از ترس از خداست، و این به خاطر آن است که آن‌ها جماعتی نافهمند ﴿۱۳﴾ آن‌ها به صورت جمعی با شما کارزار نخواهند کرد، مگر در قلعه‌ها و پشت دیوارهای محکم! آن‌ها خود شدیداً با یکدیگر درگیرند، [در نگاه اول] آن‌ها را متحد می‌بینی اما قلب‌هایشان پراکنده است، و این به خاطر آن است که قومی بی‌خردند ﴿۱۴﴾ همانند کسانی هستند که قبل از آن‌ها کیفر عملکردشان را چشیدند و برای آن‌ها عذاب دردناک است ﴿۱۵﴾ کار آن‌ها چون شیطان است که به انسان گفت: [به حقایق] کافر شو، و چون کافر شد گفت: من از تو بیزارم زیرا از خداوند، پروردگار جهانیان، می‌ترسم! ﴿۱۶﴾

عاقبت‌شان آن شد که هر دو در آتش جاودانه بمانند! آری چنین است جزای ظالمان! ﴿۱۷﴾ ای اهل ایمان! حرمت خداوند را نگه دارید. و هر کس باید بنگرد که برای فردایش از پیش چه فرستاده است. و حرمت خداوند را نگاه دارید، که خداوند به عملکردتان آگاه است ﴿۱۸﴾ از آن گروه نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به، خود فراموشی، گرفتار کرد! زیرا آن‌ها فاسق‌اند! ﴿۱۹﴾ هیچ‌گاه اهل آتش با اهل بهشت برابر نیستند! زیرا اهل بهشت رستگار و پیروزند! ﴿۲۰﴾ اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم آن را از خوف خداوند چنان خاشع می‌یافتی که از هم متلاشی شده است! این مثال‌ها را برای مردم می‌زنیم، امید آن که اندیشه کنند! ﴿۲۱﴾ او خدایی است که هیچ معبودی جز او نیست، آگاه نهان و آشکار است، او بخشاینده و با رحمت است ﴿۲۲﴾ او خدایی است که هیچ معبودی جز او نیست، فرمانرواست، پاک است، سلام است، ایمن کننده است، مراقب است، عزیز است، با جبروت است، بزرگوار است، و منزّه است از شریکی که برایش می‌پندارند! ﴿۲۳﴾ او الله است، خالق است، آفریننده از عدم است، صورتگری تواناست، همه نام‌های نیک از آن اوست، و آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح گوی اوست و او قدرتمند و حکیم است! ﴿۲۴﴾

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را به عنوان دوست اختیار نکنید! شما به آنها اظهار دوستی می‌کنید، در حالی که آنها نسبت به آنچه به حق برایتان آمده، کافرند! آنها پیامبر و شما را به خاطر ایمان‌تان به الله که پروردگارتان است، از دیارتان اخراج کردند! اکنون اگر برای جهاد در راه من و رضایت من بیرون آمده‌اید در نهان با آنها اظهار مودت نکنید، زیرا من به آنچه در نهان می‌کنید یا آشکارش می‌سازید آگاه ترم! چنانچه کسی از شما مرتکب چنین کاری شود، بی‌شک راه درست و رستگاری را گم کرده است ﴿۱﴾ چنانچه بر شما مسلط شوند، با شما چون دشمنان رفتار می‌کنند! و دست و زبان‌شان را برای آزار شما می‌گشایند، زیرا دوست دارند که شما نیز کافر شوید ﴿۲﴾ نسبت‌های خویشاوندی و فرزندان‌تان در روز قیامت هیچ نفعی برای شما نخواهد داشت! زیرا [خدا] میان‌تان جدایی می‌افکند، و خداوند نسبت به عملکردتان بیناست ﴿۳﴾ برای شما الگوی خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود دارد. آن هنگام که به قومشان گفتند: ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم، به [اعتقادات باطل] شما کافریم! اکنون تا ابد بین ما و شما کینه و دشمنی افتاده، مگر آن که به خداوند یکتا ایمان بیاورید! به جز آن سخن ابراهیم که به پدرش گفت: من برای تو طلب مغفرت می‌کنم با آن که در برابر خدا اختیار چیزی را برای تو ندارم! پروردگارا! بر تو توکل می‌کنیم و روی سوی تو می‌آوریم زیرا سرانجام‌ها به تو ختم می‌گردد ﴿۴﴾ پروردگارا! ما را مایه امتحان کافران قرار مده! و ما را بیمارزای پروردگار ما! که تو قدرتمند و حکیمی ﴿۵﴾

به راستی آن‌ها الگوی خوبی برای شما هستند، برای هر آن کس که به خدا و روز قیامت امیدوارانه می‌نگرد. بدانید! هر کس [از حقایق] روی بگرداند [به خود ضرر زده است]، زیرا خدا بی‌نیاز و درخور ستایش است ﴿۶﴾ امید آن که خداوند میان شما و دشمنانتان مودت و دوستی برقرار کند، زیرا خداوند تواناست. و خدا آمرزنده و با رحمت است ﴿۷﴾ خداوند شما را از نیکی کردن و عادلانه رفتار کردن نسبت به کسانی که با شما در دین جنگیده‌اند و از دیارتان بیرون نموده‌اند نهی نمی‌کند، زیرا خداوند عادلان را دوست دارد ﴿۸﴾ بلکه خداوند شما را از دوستی کردن با کسانی که با شما در دین جنگیدند و از دیارتان بیرون کردند، و نیز کسانی که در بیرون راندنتان همدستی کردند، نهی می‌کند! هر کس با آن‌ها دوستی کند بی‌شک از ستم‌کاران است ﴿۹﴾ ای اهل ایمان! اگر زنان مومنی که مهاجرت کرده‌اند به سویتان آمدند، آن‌ها را امتحان کنید. هرچند خداوند نسبت به ایمان آن زنان آگاه‌تر است. پس چنان‌چه به راستی فهمیدید زنانی با ایمان‌اند، آن‌ها را به سوی اهل کفر بازنگردانید، زیرا آن‌ها برای کافران حلال نیستند و کافران نیز برای آن‌ها حلال نمی‌باشند! هرچه را همسران [کافرشان] برای این زنان هزینه کرده‌اند، پرداخت نمایید. و گناهی نیست اگر با آن‌ها ازدواج کنید در صورتی که مهرشان را پرداخت نمایید. زنان کافره خود را نگه ندارید و مهری را که پرداخت کرده‌اید از آن‌ها مطالبه کنید. همان‌گونه که کافران، مهر [زنانی] را که از آن‌ها جدا شده‌اند از شما مطالبه می‌کنند. این حکم الله است که میان شما حکم می‌کند. بدانید که خداوند آگاه و حکیم است! ﴿۱۰﴾ و اگر بعضی از زنان شما به سوی کفار رفتند، و شما در پیکار پیروز شدید از غنایمی که به دست آورده‌اید به مردانی که زنانشان رفته‌اند به میزان مهری که پرداختند بدهید! و حرمت خدایی را که به او ایمان دارید، نگاه دارید.

﴿۱۱﴾

ای پیامبر! اگر زنان اهل ایمان به سوی تو آمدند تا بیعت نمایند، به شرط آن که هیچ چیزی را شریک خدا قرار ندهند. [از اموال شوهرشان] دزدی نکنند، زنا مرتکب نشوند، و فرزندانشان را نکشند، تهمت و افتزایی پیش دست و پای خود نیاورند،^۱ و نافرمانی تو را نکنند، با آن‌ها بیعت کن و برای آن‌ها از خداوند طلب آموزش کن، زیرا خداوند آمرزنده و با گذشت است ﴿۱۲﴾ ای اهل ایمان! با مردمی که خدا بر آن‌ها غضب کرده دوستی نکنید، زیرا آن‌ها از آخرت مأیوس‌اند. همان‌گونه که کافرانی که اهل گورند مأیوس‌اند! ﴿۱۳﴾

سوره صف

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

آن‌چه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین است تسبیح گوی خداوند است! بدانید او قدرتمند و حکیم است ﴿۱﴾ ای اهل ایمان! چرا چیزی را می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟! ﴿۲﴾ این نزد خداوند، گناه بزرگی است که چیزی را بگویید و به آن عمل نکنید! ﴿۳﴾ خداوند کسانی را که در راه او در صفوفی که چون سدّی آهنین‌اند و می‌جنگند دوست دارد ﴿۴﴾ [به یاد آر!] هنگامی که موسی به قومش گفت: ای قوم من چرا مرا آزار می‌دهید در حالی که خوب می‌دانید من پیامبر خدا بر شما هستم! پس هنگامی که از حق منحرف شدند، خدا نیز دل‌هایشان را از حق محروم کرد، زیرا خداوند زشت‌کاران بد سیرت را هدایت نمی‌کند ﴿۵﴾

^۱ فرزندان را که متعلق به شوهرانشان نیست به دروغ به آنها نسبت ندهند.

و [یاد آر]! هنگامی که عیسی ابن مریم گفت: ای بنی اسرائیل! من پیامبر خدا بر شما هستم. توراتی را که پیش از من آمده تأیید می‌کنم، و شما را به پیامبری بشارت می‌دهم، که بعد از من می‌آید، نام او احمد است! و چون آن پیامبر با دلایل روشنگر آمد گفتند: این جادویی آشکار است! ﴿۶﴾ چه کسی ظالم‌تر از کسی است که بر خدا دروغ می‌بندد؟! در حالی که او را به تسلیم شدن [در برابر حق] دعوت می‌کنند! [بدانید که!] خداوند ظالمان را هدایت نمی‌کند ﴿۷﴾ آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند! حال آن که خداوند، کامل‌کننده نور خویش است، هر چند کافران از آن کراهت داشته باشند! ﴿۸﴾ او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر تمامی دین‌چیره باشد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند! ﴿۹﴾ ای اهل ایمان! آیا می‌خواهید شما را به تجارتی [سودمند] راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک نجات بخشد؟! ﴿۱۰﴾ به خداوند و پیامبرش ایمان بیاورید، و در راه خدا با مال و جانتان جهاد نمایید، که اگر بفهمید این‌ها برای شما [از هر چیز دیگری] بهتر است! ﴿۱۱﴾ خداوند گناهانتان را می‌آمرزد و شما را به بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است در خانه‌هایی پاکیزه [و مملو از آرامش] وارد می‌کند، آن هم در بهشت‌های جاودانی! بدانید که این پیروزی بزرگ است ﴿۱۲﴾ و نعمت دیگری که دوستش می‌دارید نصرتی الهی است و پیروزی نزدیک! اهل ایمان را مژده ده! ﴿۱۳﴾ ای اهل ایمان! یاران خدا باشید هم چنان که عیسی ابن مریم به حواریون گفت: چه کسانی یاوران من در راه خدایند؟! حواریون گفتند: ما یاران خداییم. سرانجام گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی دیگر کفر ورزیدند. ما نیز کسانی را که ایمان آوردند بر ضد دشمنان‌شان یاری کردیم تا پیروز شدند ﴿۱۴﴾

سوره جمعه

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تسبیح گوی خداوند است؛ همان فرمانروای پاکِ قدرتمندِ حکیم! ﴿۱﴾ او کسی است که در میان مردم درس ناخوانده، پیامبری از خودشان برانگیخت تا بر آنها آیاتش را تلاوت کند و پاکیزه‌شان گرداند و کتاب و حکمت تعلیم‌شان دهد، هر چند پیش از این در گمراهی واقعی بوده‌اند ﴿۲﴾ هم‌چنین بر دیگرانی که هنوز به آنها نپیوسته‌اند! بدانید! خداوند قدرتمند و حکیم است ﴿۳﴾ این فضل الهی است که به هر کس صلاح بداند عطا می‌کند، بدانید! خداوند صاحب فضل بزرگی است ﴿۴﴾ مثل کسانی که تورات به آنها عطا شده، اما به آن عمل نمی‌کنند، مثل خری است که بارش کتاب است! چه بد است مثل قومی که آیات الهی را تکذیب کرده‌اند! بدانید که خداوند ظالمان را به راه نجات هدایت نمی‌کند! ﴿۵﴾ بگو: ای یهودیان! اگر می‌پندارید که [فقط] شما دوستان خدایید نه مردم دیگر! اگر راست می‌گویید مرگ را آرزو کنید [تا زودتر به وصال خود برسد]! ﴿۶﴾ حال آن‌که به خاطر دستاوردشان هرگز مرگ را آرزو نمی‌کنند! و خداوند بر احوال ظالمان آگاه است ﴿۷﴾ بگو: این مرگی که شما همواره از آن می‌گریزند شما را ملاقات خواهد کرد! آن‌گاه به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می‌شوید تا شما را از عملکردتان با خیر نماید ﴿۸﴾

ای اهل ایمان! هنگامی که برای نمازِ روز جمعه فرا خوانده شدید به سوی یاد خدا شتاب کنید، و خرید و فروش را رها کنید، که اگر بدانید این برای شما بهتر است! ﴿۹﴾ و هنگامی که نماز پایان گرفت در زمین پراکنده شوید و [رزق الهی را] از فضل خداوند طلب نمایید. و بسیار خدا را یاد کنید، امید آن که رستگار شوید! ﴿۱۰﴾ اما آن‌ها چون تجارت یا سرگرمی مشاهده کنند به سوی آن می‌روند؛ و تو را هم چنان که ایستاده‌ای رها می‌سازند! بگو: آن چه نزد خداوند است بهتر از بازیچه و تجارت است! بدانید که خداوند بهترین روزی دهندگان است. ﴿۱۱﴾

سوره منافقون

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

هنگامی که منافقان نزد تو آیند، گویند: شهادت می‌دهیم که تو پیامبر خدا هستی! خدا می‌داند که تو پیامبرش هستی! اما خداوند شهادت می‌دهد که منافقان دروغ گویند! ﴿۱﴾ آن‌ها قسم‌هایشان را سیر کرده‌اند و مردم را از راه نجات بخش الهی باز می‌دارند، آن‌ها عملکردشان، بد و پلید است! ﴿۲﴾ این بدان خاطر است که آن‌ها ایمان آوردند و سپس کافر شدند، در نتیجه قلب‌هایشان از درک حقایق عاجز شد! و آن‌ها هیچ حقیقتی را درک نمی‌کنند ﴿۳﴾ هنگامی که آن‌ها را می‌بینی هیکل‌هایشان تو را به تعجب وادار می‌دارد! و چنانچه سخن بگویند و تو، به سخنان‌شان گوش فرا دهی خواهی دید که آن‌ها چوب‌های خشکی‌اند که به دیوار تکیه داده‌اند! هر فریادی را علیه خود می‌پندارند! آن‌ها دشمنان تو هستند پس از آن‌ها حذر کن! خدا بکشدشان! که چگونه از حق منحرف می‌شوند! ﴿۴﴾

و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: بیاید تا پیامبر برایتان طلب آمرزش کند، سرهایشان را [از روی غرور] تکان می‌دهند! می‌بینی که آن‌ها از حق روی برمی‌گردانند و تکبر می‌کنند! ﴿۵﴾ چه برای آن‌ها استغفار کنی و چه نکنی، هر دو یکسان است! خداوند هرگز آن‌ها را نمی‌آمرزد، زیرا خداوند بزرگ، فاسقان را به راه نجات هدایت نمی‌کند! ﴿۶﴾ آن‌ها همان کسانی هستند که می‌گویند: به اطرافیان پیامبر خدا، چیزی ندهید تا این که [از پیرامون او] پراکنده شوند! حال آن که خزائن آسمان‌ها و زمین از آن خداست، اما منافقان درک نمی‌کنند ﴿۷﴾ می‌گویند: اگر به مدینه بازگردیم صاحبان عزت، ذلیلان را از آن جا بیرون می‌کنند. حال آن که تمام عزت از آن خدا و پیامبرش و اهل ایمان است، اما منافقان نمی‌فهمند! ﴿۸﴾ ای اهل ایمان! [مراقب باشید که] پرداختن به اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکند، زیرا کسی که این‌گونه رفتار کند بی‌شک از زیانکاران است! ﴿۹﴾ از آن چه روزیتان کردیم دیگران را بهره‌مند کنید، قبل از آن که مرگ یکی از شما فرا رسد! که خواهد گفت: پروردگارا چرا مرگ مرا کمی به تأخیر نیانداختی، تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم! ﴿۱۰﴾ هنگامی که اجل کسی فرارسد، خداوند هرگز مرگ او را به تأخیر نمی‌اندازد، بدانید! خداوند به عملکرّتان آگاه است ﴿۱۱﴾

سورة تغابن

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تسبیح گوی خداوند است! فرمانروایی از آن اوست، ستایش از آن اوست و او برهرکاری تواناست ﴿۱﴾ او کسی است که شما را خلق کرد، آن چنان که کافر از شماست و مؤمن نیز از شماست. بدانید که خداوند نسبت به عملکردتان بیناست! ﴿۲﴾ آسمانها و زمین را به حق خلق کرد، و به زیباترین وجهی شما را صورت گری نمود و سرانجام همه تان به سوی اوست ﴿۳﴾ نسبت به آنچه در آسمانها و زمین است عالم است. از آنچه نهان می دارید و یا آشکارش می نماید آگاه است، و خداوند به آنچه در سینه ها می گذرد داناست ﴿۴﴾ آیا سرگذشت کسانی که پیش از این [به حقایق] کافر شدند به شما نرسیده است؟! آنها دستاورد بد کارهایشان را چشیدند و برای آنها عذابی دردناک است ﴿۵﴾ این بدان خاطر است که پیامبران شان با دلائل روشن به سراغشان آمدند اما آنها گفتند: آیا بشری می خواهد ما را هدایت کند؟! پس کفر ورزیدند و از حق روی برگرداندند، حال آن که خداوند بی نیاز است، زیرا او توانگر و در خور ستایش است ﴿۶﴾ کافران پنداشته اند که هرگز دوباره زنده نخواهند شد! بگو: آری به پروردگرم قسم همه شما دوباره زنده برانگیخته خواهید شد، و از عملکردتان اطلاع خواهید یافت! و این کار بر خدا سهل و آسان است ﴿۷﴾ پس به خدا و پیامبرش و این نوری که نازل کرده ایم ایمان بیاورید، و بدانید که خداوند از عملکردتان با خبر است! ﴿۸﴾ روزی که همه شما را برای «روز گردآوری» جمع نماید آن روز، روز مغبون شدگی خواهد بود! پس کسی که به خدا ایمان بیاورد و عملکرد نیک و شایسته داشته باشد خدا از گناهانش می گذرد و او را به بهشت هایی که نهرها در آن جاری است وارد می نماید تا جاودانه در آن جا بماند. و این همان پیروزی بزرگ است! ﴿۹﴾

^۱ کفر و ایمان در خود ماست. درون ماست و سالک باید این کفر را از سینه بیرون کند. سران کفر را در وجود خویش شناسایی کند و با مجاهده و مراقبه از شرشان خلاص شود.
^۲ روزی که معلوم می شود چه کسی مغبون و متضرر شده است.

و کسانی که [نسبت به حقایق] کافر شدند، و آیات نجات‌بخش ما را تکذیب کردند، آن‌ها اهل آتش‌اند و در آن جاودانه خواهند ماند، و چه بد سرنوشتی است! ﴿۱۰﴾ بدانید که هیچ مصیبتی جز به فرمان خدا به کسی نمی‌رسد! پس اگر کسی به خدا ایمان بیاورد قلب او را [به راه نجات و آرامش] هدایت می‌کند. بدانید که خداوند بر هر چیزی آگاه است! ﴿۱۱﴾ از خداوند و پیامبر اطاعت کنید، و چنان‌چه روی برگردانید [به خود ضرر زده‌اید] بدانید که وظیفهٔ پیامبر ما جز یک ابلاغ روشن نیست! ﴿۱۲﴾ این خداست که جز او معبودی نیست و اهل ایمان بر خداوند توکل می‌کنند! ﴿۱۳﴾ ای اهل ایمان! بعضی از همسران و فرزندان دشمنان شمایند، از آن‌ها حذر کنید! البته چنان‌چه عفو کنید و گذشت کنید و گناهشان را ببوشانید، بدانید که خداوند نیز آمرزنده و با رحمت است! ﴿۱۴﴾ بدانید اموال و فرزندان شما وسیلهٔ آزمایش شما هستند، حال آن‌که پاداش بزرگ نزد خداوند است! ﴿۱۵﴾ تا می‌توانید حرمت خداوند را نگاه دارید، و به حق گوش دهید و از حق اطاعت کنید، و در راه خدا به سود خودتان انفاق کنید! بدانید هر کس از بخل خویش در امان بماند، بی‌شک از رستگاران است! ﴿۱۶﴾ چنان‌چه به خداوند قرض‌الحسنه دهید، برایتان دو چندان خواهد کرد، و شما را می‌آمرزد، زیرا خداوند قدرشناس و بردبار است! ﴿۱۷﴾ او آگاه از نهان و آشکار است، او قدرتمند و حکیم است! ﴿۱۸﴾

سورهٔ طلاق

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ای پیامبر! [بگو] هرگاه خواستید همسرانتان را طلاق دهید، هنگامی که از عادت ماهیانه پاک هستید طلاق دهید، آن گاه حساب عده را داشته باشید و حرمت اوامر خدایی که پروردگارتان است نگاه دارید! نه شما [هنگام عده]، همسرانتان را از خانه‌هایشان بیرون کنید نه آن‌ها خود بیرون روند، مگر آن که کار زشت آشکاری مرتکب شوند! این‌ها حدود الهی است و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خودش ظلم کرده است. تو نمی‌دانی، شاید خداوند بعد از این، فرمانی صادر کند! ﴿۱﴾ هنگامی که مدت‌شان به سر آمد، یا آن‌ها را به خوبی نگهدارید، و یا به نیکوترین وجهی از آن‌ها جدا شوید. و [برای این کار] دو تن شاهد عادل از خودتان بگیرید! و همواره شهادت را برای خدا برپا نمایید، این چیزی است که به واسطه آن، کسی که به خدا و به روز قیامت ایمان دارد موعظه می‌شود، بدانید! هر کس حرمت خدا را نگاه دارد او راه نجاتی برایش فراهم می‌کند! ﴿۲﴾ و او را از جایی که فکرش را هم نمی‌کند روزی می‌دهد! هر کس بر خداوند توکل کند او برایش کافی است! خداوند فرمان خویش را به انجام می‌رساند. بدانید! که خداوند برای هر چیز اندازه‌ای مقرر کرده است ﴿۳﴾ زانی از شما که یائسه شده‌اند اگر در وضع (قاعدگی) آن‌ها شک کردید، عده آن‌ها سه ماه است، هم‌چنین آن‌هایی که تا به حال قاعدگی ندیده‌اند [نیز عده‌شان سه ماه است]. و عده زنان باردار این است که وضع حمل کنند. و هر کس حرمت اوامر الهی را نگاه دارد خداوند کار را بر او آسان می‌سازد! ﴿۴﴾ این امر خداست که آن را بر شما نازل می‌کند! بدانید! کسی که حرمت خداوند را نگاه می‌دارد، گناهانش را می‌پوشاند و او را پاداشی بزرگ می‌دهد! ﴿۵﴾

هر جا سکونت اختیار کرده‌اید، آن‌ها را در حد توانایی خویش سکونت دهید^۱ و به آن‌ها آزار مرسانید، تا تحت فشارشان بگذارید! چنان‌چه باردار باشند نفقه آن‌ها را پرداخت کنید، تا وضع حمل نمایند. و اگر [فرزند شما را] شیر دهند مزد آن را بپردازید. و به وجهی نیکو با یکدیگر توافق داشته باشید، و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری شیر دادن طفل را به عهده بگیرد ﴿۶﴾ هر که امکانات خوب مالی دارد باید از آن انفاق نماید، و کسی که تنگدست است از آن‌چه خداوند به او داده انفاق کند. بدانید! خداوند هر کس را به اندازه توانایی که به او داده، تکلیف می‌کند. خداوند بزرگ بعد از سختی، آسانی قرار خواهد داد ﴿۷﴾ چه بسیارند اهل شهرهایی که از اوامر پروردگار و پیامبرانش سر باز زدند و ما حساب سختی از آن‌ها کشیدیم و به عذاب بدی مجازاتشان کردیم! ﴿۸﴾ پس دستاورد اعمالشان را چشیدند و عاقبت کارشان زیان بود! ﴿۹﴾ خداوند برای آن‌ها عذاب سختی مهیا کرده است. پس حرمت خداوند را نگاه دارید، ای خردمندانی که به حقایق ایمان آورده‌اید! حقیقتاً خداوند چیزی را که مایهٔ پند و تذکر شماست نازل کرده است! ﴿۱۰﴾ پیامبری به سوی‌تان فرستاده که آیات روشن الهی را بر شما تلاوت می‌کند، تا کسانی را که به حقایق ایمان آورده و عملکرد نیک و شایسته دارند، از تاریکی‌ها خارج و به سوی نور و روشنایی رهنمون گردد. بدانید! هر کس به خدا ایمان آورد و عملکرد نیک و شایسته داشته باشد، خدا او را به بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است وارد می‌کند، تا جاودانه در آن جا بماند، زیرا خدا روزی ارزشمندی را برایش مهیا نموده است ﴿۱۱﴾ این خداست که هفت آسمان و همانند آن‌ها از زمین، خلق کرده است! فرمان او پیوسته میان آن‌ها جاری است تا بدانید که خداوند بر هر کاری تواناست و علم او بر هر چیزی احاطه دارد! ﴿۱۲﴾

^۱ در مورد زنان مطلقه‌ایست که عدهٔ خود را در خانه همسرانشان سپری می‌کنند.

سوره تحریم

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ای پیامبر! چرا چیزی را که خداوند بر تو حلال کرده به خاطر جلب رضایت همسرانت بر خود حرام می‌کنی؟! بدان که خداوند آمرزنده و با رحمت است ﴿۱﴾ خداوند راه گشودن قسم‌هایتان را بیان کرده است، زیرا خداوند مولای شماست، و او آگاه و حکیم است ﴿۲﴾ هنگامی که پیامبر با یکی از زنانش رازی در میان گذاشت و آن زن، راز را فاش کرد، خداوند پیامبر را آگاه نمود. و پیامبر نیز قسمتی از آن را به زن گفت و قسمتی را بیان نکرد. پس آن هنگام که زن را آگاه کرد، همسرش گفت: چه کسی این خبر را به تو رسانده؟! پیامبر گفت: خدای دانا و آگاه با خیرم کرد! ﴿۳﴾ اگر شما [دو زن] توبه کنید برایتان بهتر است! [زیرا] دل‌هایتان از حق منحرف گشته است، و اگر برای آزار پیامبر همدست شوید بدانید! که خدا مولای اوست. و بعد از آن، جبرئیل و مؤمنان شایسته و فرشتگان پشتیبان اویند! ﴿۴﴾ شاید اگر او شما را طلاق دهد، خداوند همسرانی بهتر از شما به او عطا کند! همسرانی مسلمان، مؤمن، فرمانبردار، توبه‌کار، عابد، خواه بیوه باشند خواه باکره! ﴿۵﴾ ای اهل ایمان! خود و خانواده‌تان را از آتشی که هیزم آن از مردم و از سنگ است صیانت کنید! آتشی که مسؤولیت آن به فرشتگانی داده شده که خشن و سختگیرند، و هرگز نافرمانی خدا نمی‌کنند و پیوسته کاری را انجام می‌دهند که بر آن مأمور شده‌اند! ﴿۶﴾ ای کسانی که به حقایق کافرید! امروز عذرخواهی مکنید، زیرا شما مجازات عملکردتان را می‌کشید! ﴿۷﴾

ای اهل ایمان به سوی خداوند توبه کنید، یک توبه حقیقی! امید آن که پروردگارتان از گناهانتان درگذرد، و شما را به بهشت‌هایی که نهرها در آن جاری است وارد نماید. همان روزی که خدا، پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی‌کند، حال آن که نور وجودشان از جلو و سمت راست‌شان در حرکت است و می‌گویند: پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را بیمارز، زیرا تو بر هر کاری توانایی! ﴿۸﴾ ای پیامبر! با کفار و منافقان به جهاد برخیز و بر آن‌ها سخت بگیر، زیرا جایگاه آن‌ها جهنم است و چه بد سرنوشتی است [این جهنم]! ﴿۹﴾ خداوند برای اهل کفر، همسر نوح و همسر لوط را مثال می‌زند، در حالی که تحت سرپرستی دو بنده از بندگان شایسته ما بودند، ولی به آن دو خیانت ورزیدند! و کاری از دست آن‌ها در برابر خدا ساخته نبود. و [به آن دو زن] گفته شد: هر دو وارد آتش شوید، آن هم با کسانی که وارد می‌شوند! ﴿۱۰﴾ و خداوند برای اهل ایمان، همسر فرعون را مثال می‌زند، آن هنگام که گفت: پروردگارا! برای من خانه‌ای نزد خودت در بهشت بنا کن، و مرا از دست فرعون و عملکردش نجات بخش، و مرا از دست ظالمان برهان! ﴿۱۱﴾ و نیز مریم دختر عمران را مثال می‌زند، کسی که پاکدامنی خود را حفظ کرد و سرانجام، ما نیز از روح خودمان در آن دمیدیم. مریم کلمات و کتاب‌های پروردگارش را تصدیق کرد، زیرا او از فرمانبرداران الهی بود! ﴿۱۲﴾

سوره ملک

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

با برکت است کسی که فرمانروایی مطلق به دست اوست و او بر هر کاری تواناست! ﴿۱﴾ همان کسی که زندگی و مرگ را خلق کرد تا همه شما را بیازماید و مشخص کند کدامتان علمکرد بهتری دارد! بدانید که او قدرتمند و آمرزنده است ﴿۲﴾ کسی که هفت آسمان را بر یکدیگر خلق کرد، آن چنان که در آفرینش خدای رحمان هیچ عیب و بی‌نظمی نمی‌بینی! پس بار دیگر بنگر! آیا خللی می‌بینی؟! ﴿۳﴾ سپس بار دیگر بنگر! اما سرانجام نگاه خسته و درمانده‌ات دوباره به سویت باز می‌گردد، ازیرا هیچ خلل و بی‌نظمی نیافته است! ﴿۴﴾ ما آسمان دنیا را با چراغ‌هایی زینت دادیم، و آن را وسیله دفع شیاطین قرار دادیم، حال آن که برایشان آتش سوزان را تدارک دیده‌ایم ﴿۵﴾ و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، جهنم است. و چه بد سرنوشتی است [این جهنم]! ﴿۶﴾ هنگامی که در جهنم افکنده شوند، صدای رعب‌انگیزش را بشنوند. در حالی که پیوسته می‌جوشد! ﴿۷﴾ نزدیک است که از خشم پاره پاره شود! و هنگامی که گروهی در آن افکنده شوند نگهبانان جهنم به آن‌ها گویند: آیا [پیامبر] هشداردهنده‌ای به سراغ‌تان نیامد؟! ﴿۸﴾ گویند: آری [پیامبر] هشداردهنده به سراغ‌مان آمد، اما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خدا هیچ چیز نازل نکرده است و شما در گمراهی بزرگی هستید! ﴿۹﴾ و گویند: اگر حقایق را می‌شنیدیم و عقل‌مان را به کار می‌انداختیم اکنون اهل آتش نبودیم! ﴿۱۰﴾ و سرانجام به گناهان‌شان اعتراف کردند. پس نفرین بر اهل آتش! ﴿۱۱﴾ کسانی که در نهان از پروردگارشان خوف دارند، برایشان مغفرت و پاداشی بزرگ است ﴿۱۲﴾

چه سخنان خود را پنهان کنید و چه آشکارش سازید [تفاوتی نمی‌کند]، زیرا او به آن چه در سینه‌ها می‌گذرد آگاه است! ﴿۱۳﴾ آیا کسی که آفرینش را به وجود آورده، آگاه نیست؟! او نکته سنج و با خبر است! ﴿۱۴﴾ او کسی است که زمین را رام شما کرده است. پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از رزق خدا بخورید و بدانید که بازگشت همه‌تان به سوی خداست! ﴿۱۵﴾ چگونه از مجازات آن که حاکم آسمان است ایمن نشست‌اید، که ناگاه زمین را به لرزه درآورد، و همگی‌تان را در آن فرو برد؟! ﴿۱۶﴾ یا چگونه از مجازات حاکم آسمان ایمن نشست‌اید، که ناگاه تندبادی از سنگریزه بر شما فرستد؟! به زودی خواهید فهمید که بیم دادن من چگونه است! ﴿۱۷﴾ و قبل از آن‌ها نیز کسانی حقایق را تکذیب کردند [تصور کنید] مجازات من چگونه بود! ﴿۱۸﴾ آیا پرندگانی را که بالای سرشان، گاه بال‌های خود را می‌گشایند و گاه جمع می‌کنند ندیده‌اند؟! جز خدای رحمان کسی آن‌ها را [در آسمان] نگه نمی‌دارد! و او بر هر چیزی بیناست ﴿۱۹﴾ آیا آن کسانی که سپاه شما را می‌توانند شما را به جای خدای رحمان یاری کنند؟! بدانید کافران گرفتار فریبند! ﴿۲۰﴾ اگر خدایی که رزق و روزی شما را می‌دهد از ارسال روزی‌اش جلوگیری کند [چه کسی شما را تأمین می‌کند]؟! نه! آن‌ها در سرکشی و فرار از حق، لجاجت می‌کنند! ﴿۲۱﴾ آیا کسی که سینه خیز حرکت می‌کند به هدایت نزدیک‌تر است یا آن که راست قامت بر راه راست و درست است؟! ﴿۲۲﴾ بگو: او کسی است که شما را به وجود آورد و برایتان گوش و چشم و دل نهاد! و چه اندک و کم‌ارزش است شکرگزاریتان! ﴿۲۳﴾ بگو: او کسی است که شما را در زمین آفرید و عاقبت به سوی او محشور می‌گردید! ﴿۲۴﴾ می‌گویند: اگر راست می‌گویید این وعده کی تحقق می‌یابد؟! ﴿۲۵﴾ بگو: آگاهی از آن نزد خداوندست و من فقط یک هشداردهنده آشکارم! ﴿۲۶﴾

هنگامی که [آن وعده الهی را] از نزدیک ببینند، صورت‌شان زشت و کریه می‌گردد و به آن‌ها گفته شود: این همان چیزی است که آن را فرا می‌خواندید! ﴿۲۷﴾ بگو: به من خبر دهید اگر خداوند مرا و همراهان مرا هلاک کند، و یا این که مشمول رحمت قرار دهد، چه کسی اهل کفر را از عذاب دردناک می‌رهاند؟! ﴿۲۸﴾ بگو: او خدای رحمان است و ما به او ایمان داریم و بر او توکل می‌کنیم، به زودی خواهید فهمید چه کسی در گمراهی واقعی بوده است! ﴿۲۹﴾ بگو: به من خبر دهید اگر آب‌تان به عمق فرو رود چه کسی به شما آب روان خواهد داد؟! ﴿۳۰﴾

سوره قلم

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

نون، قسم به قلم و [قسم به] آن چه که می‌نویسند ﴿۱﴾ که تو [ای پیامبر] به برکت نعمت پروردگارت دیوانه نیستی! ﴿۲﴾ و برای تو پاداشی پایدار است ﴿۳﴾ زیرا تو اخلاقی بزرگوارانه داری! ﴿۴﴾ به زودی تو می‌بینی و آن‌ها نیز می‌بینند ﴿۵﴾ که کدام یک از شما دیوانه هستید! ﴿۶﴾ پروردگارت بهتر از هر کس دیگر می‌داند که چه کسی از راهش گمراه شده و چه کسی هدایت یافته است ﴿۷﴾ پس از تکذیب‌کنندگان حقایق، اطاعت مکن! ﴿۸﴾ دوست دارند تا نسبت به آن‌ها نرمش نشان دهی، تا آن‌ها نیز نسبت به تو نرمش نشان دهند ﴿۹﴾ از هیچ فرومایه‌ای که بسیار قسم می‌خورد، اطاعت مکن! ﴿۱۰﴾ همان‌که بسیار عیب جو و سخن چین است! ﴿۱۱﴾ همان مانع خیر، آن متجاوز گنهکار! ﴿۱۲﴾ آن کینه توزِ خشن و بدنام! ﴿۱۳﴾ هر چند که صاحب مال و فرزند باشد ﴿۱۴﴾ همان‌که چون آیات ما بر او تلاوت می‌شود گوید: افسانهٔ پیشینیان است! ﴿۱۵﴾ به زودی بر دماغش داغ ننگ گذاریم ﴿۱۶﴾

^۱ اهل معنی، نون را علم خداوند به همه موجودات می‌دانند. قلم، عقل فعال است که آنان را به عالم وجود می‌کشاند. «و ما یسطرون» همه آنچه که ظهور یافته را گویند. از این منظر هر کدام از ما، حرفی و کلمه‌ای در کتاب هستی که کتاب خداست، می‌باشیم.

ما آن‌ها را امتحان کردیم، همان‌گونه که صاحبان آن باغ را امتحان کردیم، آن هنگام که قسم خوردند صبحگاه میوه‌ها را خواهند چید! ﴿۱۷﴾ بدون این که «ان شاء الله» بگویند! ﴿۱۸﴾ پس بلایی بزرگ، باغ‌شان را احاطه کرد، در حالی که در خواب بودند ﴿۱۹﴾ و آن باغ سرسبز چون شب تیره شد! ﴿۲۰﴾ صبحگاهان همدیگر را صدا زدند ﴿۲۱﴾ اگر می‌خواهید محصولات را بچینید به سوی مزارع خود حرکت کنید ﴿۲۲﴾ آن‌ها رهسپار شدند در حالی که آهسته با هم سخن می‌گفتند: ﴿۲۳﴾ مراقب باشید امروز حتی یک فقیر به سراغ‌تان نیاید! ﴿۲۴﴾ آن‌ها صبحگاهان تصمیم داشتند که با قدرت از مستمندان جلوگیری کنند! ﴿۲۵﴾ هنگامی که باغ را دیدند گفتند: گویا راه را اشتباه آمده‌ایم! ﴿۲۶﴾ نه! ما از همه چیز محروم شده‌ایم! ﴿۲۷﴾ عاقل‌ترین‌شان گفت: آیا به شما نگفتم چرا خدا را تسبیح و ستایش نمی‌کنید؟! ﴿۲۸﴾ گفتند: پاک و منزّه است پروردگار ما، بی‌شک ما زندگی ظالمانه‌ای داشتیم ﴿۲۹﴾ سپس آن‌ها رو به هم کردند و به ملامت یکدیگر پرداختند ﴿۳۰﴾ گفتند: وای بر ما که طغیانگر بوده‌ایم. ﴿۳۱﴾ امیدواریم پروردگاران بهتر از آن را به ما عطا کند، زیرا اکنون به او دل بسته‌ایم ﴿۳۲﴾ این چنین است مجازات الهی! و مجازات آخرت بزرگ‌تر خواهد بود. اگر درک کنند ﴿۳۳﴾ حرمت‌گزاران حریم الهی نزد پروردگارشان، بهشت‌های پرنعمتی دارند ﴿۳۴﴾ آیا تسلیم‌شدگان به حق را همانند مجرمان می‌دانیم؟! ﴿۳۵﴾ شما را چه شده است؟! چگونه حکم می‌کنید؟! ﴿۳۶﴾ آیا کتابی دارید که از آن درس می‌گیرید؟! ﴿۳۷﴾ و هر چه بخواهید در آن یافت می‌شود؟! ﴿۳۸﴾ شاید هم عهد و پیمان محکمی تا روز قیامت با ما دارید، و هر چه را اختیار می‌کنید حق شماست! ﴿۳۹﴾ از آن‌ها بپرس (اگر این چنین است) کدام‌شان ضامن آنند؟! ﴿۴۰﴾ شاید هم معبودانی دارند! (اگر چنین است بگو) معبودان‌شان را بیاورند اگر راست می‌گویند! ﴿۴۱﴾ از آن روزی که [از وحشت] ساق پایشان برهنه گردد، از آن‌ها دعوت می‌شود تا سجود کنند، اما قادر به آن نخواهند بود! ﴿۴۲﴾

چشمان‌شان به زیر افتاده و ذلت و خواری سراپای وجودشان را فرا گرفته است، پیش از این نیز آن‌ها را در حالی که سالم و تندرست بودند به سجود فرا خوانده بودند! ﴿۴۳﴾ اکنون مرا با آن‌ها که این سخن را تکذیب می‌کنند واگذار! ما آن‌ها را از جایی که نمی‌فهمند تدریجاً به سوی عذاب می‌بریم! ﴿۴۴﴾ اکنون به آن‌ها مهلت می‌دهم، زیرا تدبیر من، متین و حساب شده است! ﴿۴۵﴾ آیا از آن‌ها [به خاطر رسالت] مزدی طلبیده‌ای که پرداختش برای آن‌ها سنگین است؟! ﴿۴۶﴾ یا این که علم غیب دارند و می‌نویسند؟! ﴿۴۷﴾ در برابر حکم پروردگارت صبر داشته باش و مثل صاحب ماهی (یونس) مباش که با دلی پُر اندوه خدا را خواند! ﴿۴۸﴾ اگر برکت نعمت پروردگارش نبود، قطعاً نکوهش شده [از شکم ماهی] به صحرای بی‌آب و علفی افکنده می‌شد! ﴿۴۹﴾ اما سرانجام پروردگارش او را انتخاب کرد، و در زمرة صالحان قرارش داد! ﴿۵۰﴾ اهل کفر هنگامی که قرآن را شنیدند نزدیک بود با چشم [و نیت پلید] شان تو را [از قرآن منحرف کرده و] به ورطه هلاکت اندازند؛ و ادعا کنند که او دیوانه است! ﴿۵۱﴾ حال آن که قرآن فقط پند و تذکری برای جهانیان است! ﴿۵۲﴾

سوره حاقه

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

آن روز مُحَقَّق می‌شود! ﴿۱﴾ روز مُحَقَّق شدنی کدام است؟! ﴿۲﴾ و تو چه دانی که روز تحقق‌یافتنی چیست؟! ﴿۳﴾ قوم ثمود و عاد، آن حادثه کوبنده را انکار کردند! ﴿۴﴾ اما قوم ثمود، به خاطر نافرمانی‌شان هلاک شدند! ﴿۵﴾ و اما قوم عاد، به وسیله تندبادی مرگ بار نابود گشتند! ﴿۶﴾ این تندباد مرگ بار را هفت شب و هشت روز به طور مستمر بر آنان مسلط کرد تا عاقبت آن قوم را می‌دیدى که چون تنه پوسیده توخالی درختان نخل به زمین افتاده، و مرده‌اند! ﴿۷﴾ آیا کسی از آن‌ها را می‌بینی که باقی مانده باشد؟! ﴿۸﴾

فرعون و کسانی که قبل از او بودند و نیز اهل شهرهای ویران شده [قوم لوط] همه گناهکار آمدند! ﴿۹﴾ آن‌ها پیامبر پروردگارشان را نافرمانی کردند، خدا نیز آن‌ها را گرفتار عذاب سختی نمود ﴿۱۰﴾ هنگامی که آب طغیان کرد، ما شما را سوار بر کشتی کردیم ﴿۱۱﴾ و آن را برای شما عبرتی قرار دادیم [هر چند که می‌دانیم]، گوش‌های شنوا آن را نگهداری خواهند کرد. ﴿۱۲﴾ هنگامی که یک بار در صورت دمیده شود ﴿۱۳﴾ زمین و کوه‌ها را از جا برکنند، و به یک باره در هم بکوبند! ﴿۱۴﴾ آن روز که قیامت واقع شود ﴿۱۵﴾ در آن روز آسمان شکافته شده، سست گشته، فرو می‌ریزد! ﴿۱۶﴾ فرشتگان برکناره‌های آن قرار می‌گیرند، در حالی که عرش پروردگارت را هشت فرشته، بالای سرشان حمل می‌کنند ﴿۱۷﴾ در آن روز همه به پیشگاه خدا عرضه می‌شوید، در حالی که هیچ کاری از کارهای شما مخفی نمانده است ﴿۱۸﴾ و اما کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود [از خوشحالی] فریاد می‌زند: نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید! ﴿۱۹﴾ من یقین داشتم که روزی به پادشاه اعمالم می‌رسم! ﴿۲۰﴾ او در یک زندگی خوشایندی به سر می‌برد ﴿۲۱﴾ در بهشتی عالی و پر ارزش ﴿۲۲﴾ که میوه‌هایش در دسترس است ﴿۲۳﴾ بخورید و بیاشامید. به پاس عملکرد خوب گذشته‌تان گوارایتان! ﴿۲۴﴾ اما کسی که نامه اعمالش به دست چپش داده شود گوید: کاش نامه اعمالم را نداده بودند! ﴿۲۵﴾ و نمی‌دانستم که حساب اعمالم چیست! ﴿۲۶﴾ کاش فقط همان مرگ بود [و دگر هیچ] ﴿۲۷﴾ اموالم نفعی به من نرساند! ﴿۲۸﴾ قدرت من از کف رفته است! ﴿۲۹﴾ [گویند]: بگیردش و به زنجیرش کشید! ﴿۳۰﴾ به جهنم روانه‌اش کنید! ﴿۳۱﴾ او را با زنجیرهایی که طولش هفتاد ذراع است بکشید! ﴿۳۲﴾ زیرا او به خداوند بزرگ ایمان نداشت ﴿۳۳﴾ و کسی را به اطعام مساکین ترغیب نمی‌کرد ﴿۳۴﴾ امروز در این جا برای او هیچ دوست صمیمی وجود ندارد! ﴿۳۵﴾

غذایش جز چرک و خون [جهنمیان] نمی‌باشد. ﴿۳۶﴾ غذایی که فقط گناهکاران از آن می‌خورند ﴿۳۷﴾ پس قسم به آن چه که می‌بینید ﴿۳۸﴾ و آن چه که نمی‌بینید! ﴿۳۹﴾ و این سخن پیامبری گرامی است ﴿۴۰﴾ و سخن هیچ شاعری نیست! چه اندک است ایمان‌تان! ﴿۴۱﴾ و نیز سخن هیچ کاهنی نیست! چه اندک است پندپذیری‌تان! ﴿۴۲﴾ [قرآن]، نازل شده از جانب پروردگار جهانیان است ﴿۴۳﴾ اگر پیامبر بعضی از سخنان را به دروغ به ما نسبت می‌داد ﴿۴۴﴾ او را با قدرت می‌گرفتیم ﴿۴۵﴾ سپس رگ قلبش را پاره می‌کردیم! ﴿۴۶﴾ احدی از شما نمی‌توانست مانع شود! ﴿۴۷﴾ قرآن برای کسانی که حرمت خداوند را نگاه می‌دارند پند است ﴿۴۸﴾ ما به خوبی می‌دانیم کسانی از شما [قرآن را] تکذیب می‌کنند! ﴿۴۹﴾ قرآن مایهٔ حسرت اهل کفر است! ﴿۵۰﴾ قرآن حق و یقین است! ﴿۵۱﴾ پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی! ﴿۵۲﴾

سورهٔ معارج

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

کسی درخواست غذایی کرد که واقع شدنی است! ﴿۱﴾ حال آن که برای اهل کفر کسی نمی‌تواند آن را دفع کند ﴿۲﴾ آن هم در برابر خداوندی که صاحب جایگاهی بلند است! ﴿۳﴾ فرشتگان و روح به سوی او عروج می‌کنند در روزی که مدتش پنجاه هزار سال است! ﴿۴﴾ پس صبری زیبا پیشه کن ﴿۵﴾ آن‌ها آن روز را دور می‌دانند! ﴿۶﴾ و ما آن را نزدیک می‌بینیم! ﴿۷﴾ روزی که آسمان چون فلز گداخته شود ﴿۸﴾ و کوه‌ها چون پشم زده گردند ﴿۹﴾ و هیچ دوست صمیمی از حال دوستش نپرسد! ﴿۱۰﴾

حال آن که یکدیگر را در برابر هم می‌بینند! عذاب آن روز چنان خواهد بود که گناهکار دوست دارد فرزندان خود را فدای خود کند! ﴿۱۱﴾ همسرش و برادرش را ﴿۱۲﴾ و قبیله‌اش که همواره از او حمایت می‌کردند! ﴿۱۳﴾ و حتی تمام مردم زمین را [فدا کند] تا خود را نجات دهد! ﴿۱۴﴾ هرگز این چنین نیست! آن شعله مهیاست ﴿۱۵﴾ شعله‌ای که پوست سر را می‌کند! ﴿۱۶﴾ آن شعله هر کس را که به خدا پشت کرده [و از حق روی برگردانده است] صدا می‌زند! ﴿۱۷﴾ و نیز کسانی را که ثروت‌ها جمع کرده و اندوخته‌اند! ﴿۱۸﴾ حقیقتاً انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است ﴿۱۹﴾ هرگاه شری به او رسد بی‌قراری می‌کند ﴿۲۰﴾ و هرگاه خیری به او عطا شود، بخیل می‌شود! ﴿۲۱﴾ مگر نمازگزاران ﴿۲۲﴾ همان کسانی که بر نمازشان مداومت دارند ﴿۲۳﴾ همان کسانی که در اموال‌شان حق معلومی است ﴿۲۴﴾ برای نیازمندان و محرومان ﴿۲۵﴾ همان کسانی که روز قیامت را باور دارند ﴿۲۶﴾ همان کسانی که از مجازات پروردگارشان بیمناکند ﴿۲۷﴾ زیرا خود را از عذاب پروردگارشان در امان نمی‌دانند ﴿۲۸﴾ همان کسانی که از پاکدامنی‌شان مراقبت می‌نمایند ﴿۲۹﴾ مگر با همسرانشان یا کنیزانشان، که در این صورت ملامت نخواهند شد ﴿۳۰﴾ و آنان که جز این را بجویند تجاوز کارند! ﴿۳۱﴾ کسانی که امانت‌ها و پیمان‌هایشان را رعایت می‌کنند ﴿۳۲﴾ کسانی که همواره شهادت‌هایشان را به حق ادا می‌کنند ﴿۳۳﴾ همان کسانی که مراقب نمازهایشان هستند ﴿۳۴﴾ همه‌شان در بهشت، گرمی می‌باشند ﴿۳۵﴾ از چه روست که کافران به شتاب نزد تو می‌آیند؟! ﴿۳۶﴾ از طرف راست و چپ، آن هم گروه گروه! ﴿۳۷﴾ آیا طمع کرده‌اند که هر یک از آن‌ها را هم وارد بهشت پر نعمت کنند! ﴿۳۸﴾ هرگز این چنین نشود! ما آن‌ها را از آن چه خودشان می‌دانند آفریدیم! ﴿۳۹﴾ سوگند به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها، ما توانائیم ﴿۴۰﴾

که جای آن‌ها را به مردمی بهتر از آن‌ها بدهیم، و ما هرگز عاجز نخواهیم شد ﴿۴۱﴾ اکنون رهایشان کن تا در اوهام خود فرو روند و سرگرم باشند تا زمانی که روز ملاقاتی را که به آن‌ها وعده داده شده ببینند! ﴿۴۲﴾ همان روزی که با شتاب از قبرها خارج می‌شوند! گویی به سوی بت‌هایشان شتابانند! ﴿۴۳﴾ چشم‌هایشان وحشت زده است. و ذلت سرا پایشان را فرا گرفته است، این همان روزی است که به آن‌ها وعده داده شده بود! ﴿۴۴﴾

سوره نوح

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، تا آن‌ها را قبل از آن‌که عذاب دردناک گرفتارشان کند، هشدار دهد! ﴿۱﴾ گفت: ای قوم! من برای شما پیامبری هشداردهنده و آشکارم ﴿۲﴾ خدا را پرستید و حرمت او را نگاه دارید و از من اطاعت کنید ﴿۳﴾ تا خدا نیز گناهانتان را ببامزد، و شما را تا مدتی معین مهلت دهد، زیرا هنگامی که اجل الهی بیاید تأخیری در کارش نخواهد بود، اگر درک کنید! ﴿۴﴾ گفت: پروردگارا! من قوم خود را شب و روز [به سوی حق] دعوت کردم ﴿۵﴾ اما دعوت من جز بر فرارشان نیفزود! ﴿۶﴾ هرگاه من آن‌ها را فرا خواندم تا تو آن‌ها را ببخشی، انگشت‌هایشان را در گوش‌هایشان فرو کردند و جامه بر سر کشیدند و در مخالفت اصرار ورزیدند و متکبرانه رفتار نمودند! ﴿۷﴾ باز من آن‌ها را آشکارا [به توحید] دعوت کردم ﴿۸﴾ و باز هم به آشکار و هم در نهان آن‌ها را به سوی تو فرا خواندم ﴿۹﴾ و گفتم: از پروردگارتان طلب مغفرت کنید، که او بسیار آمرزنده است ﴿۱۰﴾

بر شما از آسمان پی در پی باران می‌فرستد! ﴿۱۱﴾ و شما را با اموال و فرزندان تان مدد می‌دهد و برایتان باغ‌ها و نهرها آفریده است! ﴿۱۲﴾ شما را چه شده است که برای خداوند، شکوه و عظمت قائل نیستید؟! ﴿۱۳﴾ حال آن که همه‌تان را مرحله به مرحله آفرینش بخشیده است! ﴿۱۴﴾ آیا نمی‌بینید که چگونه هفت آسمان را بر یکدیگر خلق کرده است؟! ﴿۱۵﴾ ماه را مایهٔ روشنی آسمان‌ها و خورشید را چراغ‌شان قرار داده است! ﴿۱۶﴾ این خداست که شما را چون گیاهی از زمین رویاند! ﴿۱۷﴾ سپس شما را دوباره به زمین برمی‌گرداند و [زنده از قبرها] خارج می‌نماید! ﴿۱۸﴾ این خداست که زمین را چون فرشی به زیر پایتان قرار داد! ﴿۱۹﴾ تا از راه‌های وسیع آن عبور کنید! ﴿۲۰﴾ نوح گفت: پروردگارا! آن‌ها نسبت به من نافرمانی کرده‌اند و از کسی پیروی کردند که مال و فرزندش جز به زیانش نیفزوده است! ﴿۲۱﴾ و این‌ها فریب‌کاری بزرگی مرتکب شده‌اند! ﴿۲۲﴾ و گفتند: خدایانتان را رها کنید و از بت‌های وُدّ و سُواع و یَعُوث و یَعُوق و نَسر دست بردارید! ﴿۲۳﴾ آن‌ها بسیاری را گمراه کردند. پس ظالمان را جز گمراهی میفزاید! ﴿۲۴﴾ بدین‌سان همگی به خاطر گناهان‌شان غرق شدند، و در آتش وارد شدند، و جز خداوند بزرگ هیچ یآوری نیافتند! ﴿۲۵﴾ نوح گفت: پروردگارا! هیچ کفاری را در زمین زنده باقی نگذار! ﴿۲۶﴾ اگر آن‌ها را باقی بگذاری، بندگانت را از راه حق گمراه می‌کنند. و جز فرزندان فاجر و کافر به دنیا نخواهند آورد! ﴿۲۷﴾ پروردگارا! مرا و پدر و مادر مرا و اهل ایمانی که به خانه من آمدند، و نیز جمیع مردان و زنان مؤمن را بیمارز، و ظالمان را جز هلاکت میفزاید! ﴿۲۸﴾

سوره جن

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

بگو: به من وحی شده که گروهی از جنیان قرآن را شنیدند و اعتراف کردند: ما قرآن شگفتی را شنیده‌ایم ﴿۱﴾ که به راه رشد و تکامل هدایت می‌کند! ما به آن ایمان آوردیم، و احدی را شریک پروردگارمان نمی‌دانیم! ﴿۲﴾ و این که بلندمرتبه است مقام پروردگار ما، نه همسری دارد و نه فرزندی اختیار کرده است ﴿۳﴾ سفیهان ما، در مورد خدا سخنان ناروا می‌گفتند ﴿۴﴾ حال آن که می‌پنداشتیم، آدمیان و جنیان هرگز در مورد خدا دروغ نمی‌گویند! ﴿۵﴾ در حالی که مردانی از جنس انسان به مردانی از جنس جن پناه می‌بردند، و آن‌ها سبب افزایش گمراهی شان می‌شدند! ﴿۶﴾ آن‌ها همان‌گونه گمان می‌کردند که شما گمان می‌کردید، این که خداوند احدی را زنده بر نمی‌انگیزد! ﴿۷﴾ حال آن که ما همه آسمان را جست‌وجو کردیم، و آن‌جا را پر از نگهبانان نیرومند و شهاب‌هایی [چون تیر] یافتیم! ﴿۸﴾ ما در جاهایی که شنیدن [اسرار عالم بالا] ممکن بود می‌نشستیم، اما اکنون هر که بخواهد گوش دهد شهابی [چون تیر] را در کمین خود می‌یابد! ﴿۹﴾ و ما نفهمیدیم آیا برای اهل زمین شری اراده شده است، یا این که پروردگارشان اراده کرده به راه رشد، هدایت‌شان کند! ﴿۱۰﴾ در میان ما، هم افراد صالح است و هم افراد غیر صالح! ما گروه‌های مختلفی هستیم! ﴿۱۱﴾ ما یقین داریم که نمی‌توانیم خداوند را در زمین عاجز کنیم و از [دست] او بگریزیم! ﴿۱۲﴾ ما هنگامی که سخنان هدایت‌آمیز را شنیدیم به آن ایمان آوردیم، پس هر کس به پروردگارش ایمان بیاورد نه از نقصان [پاداشش] می‌ترسد و نه از ظلم! ﴿۱۳﴾

برخی از ما تسلیم خداییم و برخی ظالم، پس هر کس تسلیم خدا شود، بدون شک خود را در راه رشد آزاد کرده است! ﴿۱۴﴾ اما ظالمان همیزم جهنم خواهند بود ﴿۱۵﴾ و اگر در راه ایمان صبر و استقامت بورزند، ما آن‌ها را با آب فراوانی سیراب می‌کنیم ﴿۱۶﴾ تا آن‌ها را امتحان کنیم! پس هر کس از یاد پروردگارش روی بگرداند، او را به عذاب سختی گرفتار می‌سازد ﴿۱۷﴾ و بدانید که مساجد از آن خداست، همراه با خدا کس دیگری را بخوانید! ﴿۱۸﴾ چون بنده خدا (پیامبر) به عبادت برمی‌خاست و او را می‌خواند، گروهی پیرامون او به شدت ازدحام می‌کردند! ﴿۱۹﴾ بگو: من فقط پروردگارم را می‌خوانم و احدی را شریکش نمی‌سازم! ﴿۲۰﴾ بگو: من مالک زبان یا هدایتی برای شما نیستم! ﴿۲۱﴾ بگو: اگر نافرمانی کنم هیچ کس مرا در برابر مجازات خداوند پناه نمی‌دهد و پناهگاهی جز او نمی‌یابم! ﴿۲۲﴾ تنها وظیفه من ابلاغ پیام الهی است، و رساندن رسالات اوست، پس هر کس نافرمانی خدا و پیامبرش نماید، آتش جهنم از آن اوست و جاودانه در آن جا خواهد ماند! ﴿۲۳﴾ [مخالفت کفار ادامه می‌یابد] تا آن‌چه را به آن‌ها وعده داده شده است ببینند. در آن هنگام خواهند فهمید که چه کسی باورش ضعیف‌تر و نیروهایش کمتر است ﴿۲۴﴾ بگو: من نمیدانم آیا آن‌چه به شما وعده داده شده است نزدیک است، یا پروردگارم فرصتی برای آن مقرر داشته است! ﴿۲۵﴾ دانای غیب اوست و هیچ کس را از اسرار غیبش مطلع نمی‌کند ﴿۲۶﴾ مگر از پیامبرانی که آن‌ها را برگزیده است. و او مراقبانی از جلو و پشت سر آن‌ها گمارده است، ﴿۲۷﴾ تا مشخص کند پیامبران، رسالت پروردگارش را رسانده‌اند! هر چند او به آن‌چه نزد آن‌هاست آگاهانه احاطه دارد، و هر چیزی را دقیقاً شمارش کرده است! ﴿۲۸﴾

سوره مزمل

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ای تو که جامه به خود پیچیده‌ای! ﴿۱﴾ بیشتر شب را به عبادت بگذران و کمتر بخواب! ﴿۲﴾ یا نیمی از شب را، یا اندکی از نیمه، کم کن ﴿۳﴾ یا بر آن اضافه کن، و قرآن را با دقت و درایت بخوان! ﴿۴﴾ [آماده باش! زیرا به تو کلام سنگینی را القاء خواهیم کرد] ﴿۵﴾ حقیقتاً برخاستن در شب، دارای آثار پا برجاستر و گفتار راستین‌تر است ﴿۶﴾ زیرا در روز، کارهای بسیاری خواهی داشت ﴿۷﴾ نام پروردگار بزرگت را یاد کن، [دل از همه بر کن] و فقط به او بپیوند! ﴿۸﴾ آن پروردگار مشرق و مغرب که جز او هیچ معبودی نیست، پس فقط او را وکیل و کارساز خود کن ﴿۹﴾ و بر آن چه می‌گویند، صبر داشته باش. و با هجرتی زیبا از آنان دوری گزین! ﴿۱۰﴾ تکذیب‌کنندگانِ نازپرورده و صاحب نعمت را به من واگذار! و کمی مهلت‌شان ده [تا بیشتر ماهیت‌شان را نشان دهند] ﴿۱۱﴾ زیرا زنجیرها و آتش جهنم نزد ماست! ﴿۱۲﴾ با غذاهای گلوگیر و عذابی دردناک! ﴿۱۳﴾ روزی که زمین و کوه‌ها به شدت به لرزه درآیند، کوه‌ها به تپه‌هایی از ریگ نرم تبدیل شوند ﴿۱۴﴾ ما به سوی شما پیامبری فرستادیم تا گواه شما باشد، چنان که به سوی فرعون نیز پیامبری فرستادیم ﴿۱۵﴾ فرعون با پیامبر مخالفت کرد و ما نیز او را گرفتار عذاب سختی کردیم ﴿۱۶﴾ اگر منکر حق شوید چگونه در آن روز سختی، که حتی کودکان را پیر می‌گرداند، در امان خواهید بود؟! ﴿۱۷﴾ روزی که آسمان شکافته شود و وعده الهی تحقق یابد ﴿۱۸﴾ [تمام] این‌ها پند و تذکر است. برای کسانی که [به دنبال سعادت و آرامش]، راهی به سوی پروردگارشان می‌جویند! ﴿۱۹﴾

پروردگارت می‌داند که تو و گروهی که با تو همراه شده‌اند، نزدیک دو سوم از شب، یا نیم آن و یا ثلث آن را [به عبادت] برمی‌خیزید. این خداست که اندازه شب و روز را معین می‌کند و می‌داند که شما هرگز از این محاسبات دقیق سر در نخواهید آورد. خدا توبه شما را پذیرفت! پس هر مقدار که برایتان میسر است از قرآن بخوانید؛ خدا خوب می‌داند چه کسانی از شما بیمار خواهند شد! و چه کسانی برای کسبِ روزی به سفر خواهند رفت! و چه کسانی در راه خدا به جنگ روانه می‌شوند، پس هر مقدار که برایتان میسر است از قرآن بخوانید! و نماز به پای دارید، و زکات پرداخت نمایید و به خدا قرض‌الحسنه دهید. و بدانید هر خیری پیشاپیش برای خود بفرستید آن را به بهترین وجه و بزرگ‌ترین پاداش نزد خدا خواهید یافت؟ از خداوند بزرگ طلب مغفرت کنید، زیرا خداوند آمرزنده و با گذشت است ﴿۲۰﴾

سوره مدثر

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ای تو که جامه بر خود کشیده‌ای! ﴿۱﴾ برخیز و [جهانیان را] هشدار ده ﴿۲﴾ و پروردگارت را به بزرگی یاد کن ﴿۳﴾ و جامه‌ات را تطهیر کن ﴿۴﴾ و از ناپاکی‌ها هجرت نما ﴿۵﴾ هیچ گاه منت مگذار، و فزون طلب مباش ﴿۶﴾ و در راه پروردگارت صبور باش! ﴿۷﴾ زیرا هنگامی که در صور دمیده شود ﴿۸﴾ آن روز، روز سختی است ﴿۹﴾ و بر کافران آسان نخواهد بود ﴿۱۰﴾ و مرا با کسی که تنه‌ایش آفریدم واگذار! ﴿۱۱﴾ همان کسی که به او مال بسیار دادم ﴿۱۲﴾ و فرزندی که همواره در خدمت او بودند ﴿۱۳﴾ و وسایل زندگی را از هر نظر برای وی فراهم ساختم ﴿۱۴﴾ آن‌چنان که طمع می‌کرد تا نعمت‌ها را زیادتر کنم ﴿۱۵﴾ و هرگز! زیرا او دشمن آیات ماست ﴿۱۶﴾ او را مجبور می‌کنم [تا از قلّه‌های موفقیت دنیا] بالا رود [سپس به زیرش می‌کشانم]! ﴿۱۷﴾ او [برای مخالفت با حق] فکر می‌کند و طرح می‌ریزد ﴿۱۸﴾

مرگ بر او که چگونه نقشه می‌کشد» (۱۹) و باز مرگ بر او که چگونه نقشه می‌کشد! (۲۰) سپس نگاهی افکند! (۲۱) آن‌گاه چهره در هم کشید و شتابانه دست به کار شد (۲۲) بعد [به حقیقت] پشت کرد، و تکبر ورزید (۲۳) و گفت: این قرآن جز جادویی که به او آموخته اند چیز دیگری نیست! (۲۴) این چیزی جز سخن انسان نیست! (۲۵) او را وارد سفر خواهیم کرد (۲۶) و تو چه دانی که سفر چیست؟! (۲۷) نه چیزی را باقی می‌گذارد و نه رهایش می‌کند! (۲۸) سوزاننده پوست است (۲۹) و نوزده [فرشته] بر آن نظارت دارند (۳۰) ماموران جهنم را فقط از فرشتگان [عذاب] قرار دادیم، و تعداد آن‌ها جز برای امتحان اهل کفر نیست! تا اهل کتاب یقین کنند، و ایمان اهل ایمان افزایش یابد. تا نه اهل کتاب و نه اهل ایمان هیچ کدام [در حقانیت قرآن] شک و تردید به خود راه ندهند. و نیز تا کافران و کسانی که در دل هایشان بیماری (گمراهی) است نگویند: خداوند از بیان چنین مثلی چه چیز اراده کرده است؟! آری، این چنین خداوند هر که را صلاح بداند در گمراهی می‌گذارد و هر که را صلاح بداند به راه نجات هدایت میکند. جز او هیچ کس شمار لشکریان پروردگارت را نمی‌داند. بدانید بیان این نکات جز پند و اندرزی برای مردم نیست! (۳۱) نه چنین است! قسم به ماه (۳۲) و قسم به شب، هنگامی که محو شود (۳۳) و قسم به صبح، هنگامی که ظاهر گردد (۳۴) که قیامت واقعه بزرگی است! (۳۵) برای بشر هشدار است (۳۶) برای هر کس از شما که پیشاپیش [انیکی] بفرستد و یا عقب بماند! (۳۷) و هر کس در گرو عملکرد خویش است (۳۸) مگر گروهی که خوشبخت حقیقی اند (۳۹) آن‌ها در بهشت از یکدیگر می‌پرسند (۴۰) از حال مجرمان! (۴۱) که چه چیز شما را به جهنم کشاند؟! (۴۲) جواب دهند: به خاطر آن که از نمازگزاران نبودیم! (۴۳) و هیچ مسکینی را اطعام نمی‌کردیم (۴۴) و با اهل باطل در اوهام خود فرو می‌رفتیم! (۴۵) و روز قیامت را انکار می‌نمودیم (۴۶) تا این که مرگمان فرا رسید او چشمانمان به حقیقت باز شد! (۴۷)

^۱ اهل معنی، هفت کوکب و دوازده برج سماوی را که مجموعاً نوزده می‌شوند، و هر کدام کشش و ویژگی خود را دارند، همان نیروهایی می‌دانند که بر این مقام مأمورند. هر کدام از این نیروها در وجود آدمی دارای نفوذ و نمایندگی هستند. گریز از این شبکه درهم تنیده شده جز به اذن خدا، ممکن نمی‌نماید. سالکان حق باید از مغناطیس جذاب آنان رها شوند تا به وحدت نائل آیند. این مهم با ترک تعلقات و بی‌خواهی و تسلیم محض، امکان پذیر است. قرائت فهیمانه بسم الله الرحمن الرحیم، این خلاصی را مهیا می‌کند. نوزده حرف بسم الله الرحمن الرحیم، خروج از سلطه آن نوزده را میسر می‌کند. عمل به بسم الله الرحمن الرحیم یک سلوک تمام است. انسان در این سلوک، بخشنده و با رحمت است. چون خدایش، بخشنده و مهربان است.

^۲ کافران به استهزاء گفتند این تعداد برای عذاب ما کم است! اشاره به این نکته، جواب آن هاست.

شفاعتِ شفاعت‌کنندگان هیچ نفعی برای‌شان ندارد ﴿۴۸﴾ آن‌ها را چه شده است که از این پندها روی می‌گردانند؟! ﴿۴۹﴾ گویی آن‌ها گورخرانی رمیده هستند! ﴿۵۰﴾ که از شیری [درنده] فرار می‌کنند! ﴿۵۱﴾ نه! هریک از آن‌ها انتظار دارد صحیفهٔ مخصوصی از جانب خدا به او داده شود. ﴿۵۲﴾ هرگز! زیرا آن‌ها از آخرت نمی‌ترسند! ﴿۵۳﴾ این چنین نیست، بدانید که این [قرآن] پند و اندرز است ﴿۵۴﴾ و برای هر کسی که بخواهد از آن پند گیرد ﴿۵۵﴾ و کسی پند نمی‌گیرد، مگر آن‌که خداوند صلاح بداند! او شایستهٔ این است که حرمتش نگاه دارند [هم‌چنان که] او شایستهٔ آموزشِ بندگان است ﴿۵۶﴾

سورهٔ قیامت

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

نه! قسم به روز قیامت ﴿۱﴾ و قسم به نفس سرزنش‌گر [که قیامت آمدنی است] ﴿۲﴾ آیا انسان می‌پندارد هرگز استخوان‌هایش را جمع نمی‌کنیم! ﴿۳﴾ آری، ما حتی قادریم، دوباره سرانگشتانش را موزون بسازیم ﴿۴﴾ نه! انسان [در آینده نیز] اراده بر انجام گناه دارد! ﴿۵﴾ حال آن‌که می‌پرسد روز قیامت چه وقت است! ﴿۶﴾ هنگامی که چشم‌ها خیره بماند! ﴿۷﴾ ماه تاریک شود! ﴿۸﴾ اما هنگامی که خورشید و ماه در یک نقطه گرد آیند! ﴿۹﴾ و در آن روز، انسان فریاد می‌زند: راه گریز کجاست؟! ﴿۱۰﴾ و هرگز هیچ راه گریز و پناهگاهی وجود ندارد! ﴿۱۱﴾ قرارگاه همه در آن روز، تنها نزد پروردگارت است! ﴿۱۲﴾ در آن روز انسان از آن‌چه پیشاپیش فرستاده، و یا از خود باقی گذاشته با خبر می‌شود! ﴿۱۳﴾ و هر انسانی بر نفس خویش، بصیرت دارد! ﴿۱۴﴾ هرچند که عذر و بهانه بیاورد. ﴿۱۵﴾ زبانت را برای خواندن قرآنی که به تو وحی می‌شود شتابانه حرکت مده! ﴿۱۶﴾ زیرا گرد آوردن آن به عهدهٔ ماست! ﴿۱۷﴾ هرگاه ما خواندیم تو هم از آن خواندن، پیروی کن! ﴿۱۸﴾ بیان و شرح آن نیز به عهدهٔ ماست! ﴿۱۹﴾

^۱ از این آیه تا پایان آیهٔ ۱۹ گویی یک جمله معترضه است. بحث را قطع نموده و نکاتی را برای آرام شدن پیامبر(ص) گوشزد می‌نماید، آنگاه دوباره به بحث مورد نظر می‌پردازد.

چنین نیست؛ بلکه شما این دنیای زودگذر را دوست دارید ﴿۲۰﴾ و آخرت را رها کرده‌اید ﴿۲۱﴾ در آن روز چهره‌هایی هستند که زیبا و شادمانند ﴿۲۲﴾ و نگاهشان به سوی پروردگارشان است! ﴿۲۳﴾ و چهره‌هایی هستند که در آن روز، درهم و غمگین‌اند ﴿۲۴﴾ زیرا یقین دارند مجازاتی است که پشت‌شان را می‌شکند! ﴿۲۵﴾ آری هنگامی که جان به گلو رسد ﴿۲۶﴾ و گفته شود: آیا کسی هست که این [محتضر] را نجات دهد؟! ﴿۲۷﴾ یقین می‌کند که روز جدایی او از دنیا فرا رسیده است! ﴿۲۸﴾ ساق پاهای او به هم می‌پیچد! ﴿۲۹﴾ آن روز، روزی است که همه به سوی پروردگارت روانه می‌شوند ﴿۳۰﴾ او صادقانه ایمان نیاورد و نماز نخواند! ﴿۳۱﴾ ولی [حق را] تکذیب کرد و از آن روی برگرداند! ﴿۳۲﴾ و هرگاه به سوی اهلش می‌رفت، متکبرانه قدم بر می‌داشت! ﴿۳۳﴾ پس وای بر تو، وای بر تو، [ای بنده ناسپاس] ﴿۳۴﴾ باز هم وای بر تو، وای بر تو! [ای بنده ناسپاس] ﴿۳۵﴾ آیا انسان می‌پندارد به حال خود رها شده است؟! ﴿۳۶﴾ آیا انسان غیر از نطفه‌ای از منی که در رحم ریخته شد چیز دیگری بود؟! ﴿۳۷﴾ سپس لخته خونی شد و آنگاه خدایش قامتش را برافراشت! ﴿۳۸﴾ و از او زوج مذکر و مؤنث آفرید ﴿۳۹﴾ آیا چنین کسی قادر نیست مردگان را زنده کند؟! ﴿۴۰﴾

سوره انسان

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

به راستی زمانی طولانی بر انسان گذشت و او چیز قابل ذکری نبود! ﴿۱﴾ ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و مورد امتحانش قرار دادیم، و آن‌گاه شنوا و بینایش نمودیم! ﴿۲﴾ حقیقتاً انسان را به راه نجات راهنمایی کردیم، خواه شاکر باشد خواه ناسپاس ﴿۳﴾ و ما برای کافران زنجیرها و غل‌ها و آتش سوزان تدارک دیده‌ایم ﴿۴﴾ اما نیکان از جامی خواهند نوشید که (طعم آن با عطر خوشی آمیخته شده است) ﴿۵﴾

بندگانِ خاصِ خدا، از چشمه‌ای مینوشند که هر جا بخواهند جاریش کنند ﴿۶﴾ آن‌ها به نذرهایشان وفادارند، و از روزی که عذابش گسترده است می‌ترسند ﴿۷﴾ لذا از طعمی که خوشایندشان است به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند ﴿۸﴾ او می‌گویند: ما شما را به خاطر وجه الله اطعام می‌کنیم و از شما انتظار مزد و تشکر نداریم ﴿۹﴾ ما از پروردگاران در آن روز تلخ و سخت قیامت، هراسانیم! ﴿۱۰﴾ خداوند نیز آن‌ها را از شر آن روز صیانت می‌کند. و آن‌ها را در حالی که با طراوت و شادمانند، ملاقات می‌نماید ﴿۱۱﴾ بدانید! خدا پاداش‌شان را به پاس صبر و استقامتی که داشتند بهشت و آزادی قرار داده است ﴿۱۲﴾ در آن‌جا به تخت‌هایی تکیه داده اند! نه حرارت آفتاب می‌بینند و نه سرمایی ﴿۱۳﴾ سایه‌های درختان بهشت بر سرشان افتاده و میوه‌های کاملاً در دسترس‌شان است ﴿۱۴﴾ به گرد آن‌ها ظرف‌هایی از نقره و قلع‌هایی از جنس بلور می‌گردانند! ﴿۱۵﴾ جام‌هایی از نقره که آن‌ها را به اندازه مناسب آماده کرده‌اند ﴿۱۶﴾ در آن‌جا از جام‌هایی سیراب می‌شوند که طعم شراب آن با زنجبیل آمیخته شده است ﴿۱۷﴾ و نیز از چشمه‌ای بهشتی که نامش سلسبیل است ﴿۱۸﴾ بر گرد آنان نوجوانانی جاودانی به خدمت می‌گردند که هر گاه آن‌ها را ببینی می‌پنداری مروارید پراکنده‌اند! ﴿۱۹﴾ هنگامی که نگاه کنی، آن‌جا را پر از نعمت و مُلک بزرگ می‌بینی ﴿۲۰﴾ بر اندام بهشتیان لباسی از حریر نازک سبز است و نیز با دیبایی ضخیم و با دستبندهایی از نقره آراسته شده‌اند و پروردگارش از شراب طهور سیراب‌شان می‌کند ﴿۲۱﴾ این پاداش شماسست، بی‌شک تلاش شما مورد قدردانی قرار می‌گیرد ﴿۲۲﴾ ما قرآن را بر تو نازل کرده‌ایم! ﴿۲۳﴾ پس در انجام حکم پروردگارت صبور باش و هیچ گناهکاری از آن‌ها را اطاعت مکن ﴿۲۴﴾ و نام پروردگارت را هر صبح و شام یاد کن! ﴿۲۵﴾

^۱ وجه الله، تجلی نور خدا در ولی اوست. همان انسان کاملی که آدمیان برای نیل به حق، نیازمند اویند. چنان‌چه در برخی احادیث آمده است که امامان (ع) اذعان داشته‌اند که: «نحن وجه الله». رجوع شود به اصول کافی فصل امامت.

پاره‌ای از شب، خدا را سجده کن و زمانی طولانی از شب، او را تسبیح گوی! ﴿۲۶﴾
 اما اینان زندگی زودگذر دنیا را دوست دارند و آن روز سخت قیامت را رها کرده و
 پشت سر انداخته اند ﴿۲۷﴾ ما آن‌ها را آفریده ایم! و ما پیوندهای میان‌شان را محکم
 کرده ایم، و اگر بخواهیم به جای آن‌ها، قومی همانندشان بیاوریم! ﴿۲۸﴾ این یک
 اندرز است، پس هرکس بخواهد می تواند راهی به سوی پروردگارش انتخاب
 کند ﴿۲۹﴾ شما به جز آن چه خدا خواسته چیز دیگری نمی خواهید. بدانید! خداوند
 آگاه و حکیم است ﴿۳۰﴾ هرکس را صلاح بداند به رحمت بیکرانش وارد می کند، حال
 آن که برای ظالمان عذاب دردناکی مهیا کرده است! ﴿۳۱﴾

سوره مرسلات

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

قسم به فرشتگان حاملان خوبی، که پی در پی فرستاده می شوند ﴿۱﴾ و قسم به
 فرشتگانی که چون تندباد حرکت می کنند ﴿۲﴾ قسم به فرشتگانی که می گسترانند^۱
 ﴿۳﴾ و قسم به فرشتگانی که جدا می کنند ﴿۴﴾ قسم به فرشتگانی که ذکر را القاء
 می کنند ﴿۵﴾ چه برای اتمام حجت باشد، چه برای هشدار ﴿۶﴾ که آن چه به شما
 وعده داده شده محقق خواهد شد! ﴿۷﴾ آن هنگام که ستارگان بی فروغ گردند ﴿۸﴾
 و آسمان شکافته گردد ﴿۹﴾ و آن هنگام که کوه‌ها از جا کنده شود ﴿۱۰﴾ و آن هنگام
 که زمان [شهادت دادن] پیامبران معین گردد ﴿۱۱﴾ این کار تا چه روزی به تأخیر
 می افتد؟! ﴿۱۲﴾ تا روز داوری ﴿۱۳﴾ تو چه دانی که روز داوری کدام است! ﴿۱۴﴾ در
 آن روز وای به حال تکذیب کنندگان حقایق! ﴿۱۵﴾ آیا ما، پیشینیان را هلاک
 نکردیم؟! ﴿۱۶﴾ پس بقیه را هم به دنبال آن‌ها می فرستیم! ﴿۱۷﴾ با مجرمان این گونه
 رفتار می کنیم ﴿۱۸﴾ پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان حقایق! ﴿۱۹﴾

^۱ هر چیز منتشر شدنی، چون ابر و باد و گرده گیاهان و حتی آثار اعمال ما!

آیا ما شما را از آبی پست و بی مقدار خلق نکردیم؟! ﴿۲۰﴾ و آن را در قرارگاهی مطمئن نگذاشتیم؟! ﴿۲۱﴾ آن هم تا زمانی معین! ﴿۲۲﴾ ما توانایی این کار را داشتیم، پس توانای خوبی هستیم! ﴿۲۳﴾ پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان حقایق ﴿۲۴﴾ آیا زمین را جایگاه مردم نساختیم؟! ﴿۲۵﴾ چه زنده و چه مرده! ﴿۲۶﴾ ما در زمین کوههای بلند پدید آوردیم و از آبی گوارا سیراب‌تان کردیم ﴿۲۷﴾ پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان حقایق! ﴿۲۸﴾ رهسپار شوید به سوی چیزی که انکارش می‌کردید! ﴿۲۹﴾ رهسپار شوید به سوی آن دود سه شعبه! ﴿۳۰﴾ که نه پناهتان است و نه دفع کننده شعله‌های آتش! ﴿۳۱﴾ جرقه‌هایی پرتاب می‌کند که مانند قصر است! ﴿۳۲﴾ و چون شتران زرد رنگ اند ﴿۳۳﴾ پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان حقایق ﴿۳۴﴾ امروز، روزی است که قادر به سخن گفتن نیستند! ﴿۳۵﴾ و به آن‌ها اجازه عذرخواهی داده نمی‌شود ﴿۳۶﴾ پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان حقایق ﴿۳۷﴾ این همان روز داوری است. و ما همه شما و پیشینیان را گرد آورده ایم ﴿۳۸﴾ اگر نقشه نجاتی به نظرتان می‌آید اجرایش کنید! ﴿۳۹﴾ پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان حقایق! ﴿۴۰﴾ اما حرمت نگاهداران حریم الهی در زیر سایه‌ها کنار چشمه سارها هستند ﴿۴۱﴾ با میوه‌هایی که دلخواه شان است ﴿۴۲﴾ و بخورید و بیاشامید به خاطر عملکردتان، گوارایتان باد! ﴿۴۳﴾ ما این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم ﴿۴۴﴾ پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان حقایق! ﴿۴۵﴾ اکنون [در دنیا] اندکی بخورید و لذت ببرید که شما مجرمید! ﴿۴۶﴾ در آن روز وای بر تکذیب کنندگان حقایق! ﴿۴۷﴾ همان‌هایی که وقتی به آن‌ها گویند: [بر عظمت خدا] رکوع کنید و رکوع نمی‌کنند! ﴿۴۸﴾ پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان حقایق! ﴿۴۹﴾ بعد از قرآن پس به کدامین سخن می‌خواهند ایمان بیاورند؟! ﴿۵۰﴾

سوره نبا

^۱ به نظر می‌رسد که اشاره به سه شعبه، کنایه از شکل پذیری است. اولین شکل هندسی، مثلث است که دارای سه ضلع است. از این منظر، جان‌هایی که رو سوی واحد ندارند و دلخوش به هواهای نفسانی و لذات دنیوی اند، در کالدهای سه بعدی زیر سپهر ماه و در زمین، در کیفیت جهنمی خویش به سر می‌برند.

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

از چه سوال می‌کنند؟! ﴿۱﴾ از آن خبر بزرگ! ﴿۲﴾ همان خبری که در موردش اختلاف دارند! ﴿۳﴾ چنین نیست! به زودی حقیقت را خواهند فهمید ﴿۴﴾ باز هم چنین نیست! به زودی حقیقت را خواهند فهمید! ﴿۵﴾ آیا ما زمین را بستر آرامش‌تان نساختیم؟! ﴿۶﴾ و کوه‌ها را چون میخ [در آن فرو نکردیم]؟! ﴿۷﴾ ما شما را جفت آفریدیم ﴿۸﴾ و خواب را برایتان مایه آرامش قرار دادیم ﴿۹﴾ و شب را پوشش شما کردیم! ﴿۱۰﴾ و روز را برایتان زمان طلب معیشت قرار دادیم ﴿۱۱﴾ و بالای سرتان هفت [آسمان] استوار بنا کردیم ﴿۱۲﴾ و در آن چراغی پر فروغ گذاشتیم ﴿۱۳﴾ و از ابرهای باران زا بارانی پیاپی فرستادیم ﴿۱۴﴾ تا دانه و گیاه را برویانیم ﴿۱۵﴾ و نیز باغ‌های پر درخت را پدید آوریم ﴿۱۶﴾ بدانید که روز داوری، میعادگاه شماست! ﴿۱۷﴾ همان روزی که در صور دمیده می‌شود، و همه شما گروه گروه خواهید آمد! ﴿۱۸﴾ روزی که آسمان چون درهایی باز شود! ﴿۱۹﴾ و روزی که کوه‌ها چون سرابی به حرکت افتند ﴿۲۰﴾ و حقیقتاً جهنم در کمین است ﴿۲۱﴾ که محل بازگشتی برای طغیان‌گران است! ﴿۲۲﴾ در آن جا زمانهایی دراز خواهند ماند ﴿۲۳﴾ در آن جا نه چیز خنکی می‌چشند نه آب گوارایی ﴿۲۴﴾ در آن جا فقط آبی سوزان و مایعی از چرک و خون می‌نوشند ﴿۲۵﴾ این مجازات برابر عملکردشان است! ﴿۲۶﴾ زیرا آن‌ها به روز حسابرسی امید و اعتقادی نداشتند ﴿۲۷﴾ و آیات به حق ما را لجوجانه تکذیب کردند ﴿۲۸﴾ در حالی که ما هر چیزی را در کتابی محاسبه کرده‌ایم! ﴿۲۹﴾ پس بچشید که غیر از عذاب چیز دیگری به شما اضافه نمی‌کنیم! ﴿۳۰﴾

کسانی که حرمت خداوند را نگاه داشتند، برای‌شان رستگاری و پیروزی بزرگ است ﴿۳۱﴾ باغ‌ها و تاکستان‌ها ﴿۳۲﴾ و دختران نوری که وجودشان دلنشین است

﴿۳۳﴾ و جام‌های لبریز و پی‌درپی ﴿۳۴﴾ در آن جا نه حرف بیهوده‌ای می‌شنوند و نه دروغی ﴿۳۵﴾ این پاداش، عطایی است حساب شده از جانب پروردگارت ﴿۳۶﴾ هم‌او که پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست. همان خدای رحمانی که بی اجازه‌اش کسی یارای سخن گفتن [و شفاعت کردن] ندارد ﴿۳۷﴾ روزی که روح و فرشتگان همگی به صف قرار می‌گیرند و هیچ نمی‌گویند، مگر آن که خدای رحمن به او اجازه داده باشد، [و هنگامی که بگوید]، فقط سخن راست و صواب می‌گوید ﴿۳۸﴾ آن روز حق است. پس هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند! ﴿۳۹﴾ ما شما را نسبت به وقوع عذاب نزدیکی هشدار دادیم روزی که هر کس به دستاوردش می‌نگرد. و کافر می‌گوید: کاش خاک بودم! ﴿۴۰﴾

سوره نازعات

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

قسم به فرشتگانی که [جان‌های مجرمان را به شدت از بدن شان] بر می‌کشند ﴿۱﴾ و قسم به فرشتگانی که [جان‌های اهل ایمان را] به آرامی و مدارا بر می‌گیرند ﴿۲﴾ قسم به فرشتگانی که [برای انجام فرمان خداوند] به سرعت حرکت می‌کنند ﴿۳﴾ و از یکدیگر سبقت می‌گیرند ﴿۴﴾ قسم به فرشتگانی که تدبیر امور را بر عهده دارند ﴿۵﴾ در آن روز که زلزله‌های رعب آور همه چیز را می‌لرزاند ﴿۶﴾ و به دنبال آن حادثه دیگری می‌آید ﴿۷﴾ دل‌هایی در آن روز در اضطراب خواهند بود ﴿۸﴾ و نگاه‌هایشان فرو افتاده ﴿۹﴾ می‌گویند: آیا ما به زندگی، مجدد باز خواهیم گشت؟! ﴿۱۰﴾ آن هم هنگامی که تبدیل به استخوان‌های پوسیده شده‌ایم؟! ﴿۱۱﴾ می‌گویند: اگر قیامتی در کار باشد بازگشت زیان‌باری خواهیم داشت! ﴿۱۲﴾ این بازگشت تنها با یک صیحه بزرگ انجام می‌شود! ﴿۱۳﴾ ناگاه همه در صحرای بزرگ خواهند بود! ﴿۱۴﴾ آیا ماجرای موسی به تو رسیده است؟! ﴿۱۵﴾ آن هنگام که پروردگارش او را در وادی مقدس طوی ندا داد! ﴿۱۶﴾

که به سوی فرعون رهسپار شو. که او از مرز حق پا فراتر گذاشته است! ﴿۱۷﴾ و به او بگو: آیا دلت می‌خواهد پاکیزه گردی؟! ﴿۱۸﴾ و به سوی پروردگارت راهنمایت باشم

تا خشوع یابی! ﴿۱۹﴾ و آن‌گاه موسی معجزه بزرگ را نشان داد ﴿۲۰﴾ اما فرعون تکذیب کرد، و عصیان ورزید ﴿۲۱﴾ و به حقیقت پشت کرد، و به کوشش برخاست ﴿۲۲﴾ پس افرادی را جمع کرد و ندا داد ﴿۲۳﴾ و گفت: منم آن پروردگار بزرگ شما! ﴿۲۴﴾ سرانجام نیز خداوند او را به عذاب دنیا و آخرت گرفتار نمود ﴿۲۵﴾ در این ماجرا برای کسی که [نسبت به خداوند] خاشع است عبرتی است ﴿۲۶﴾ آیا آفرینش شما سخت‌تر است یا این آسمانی که خدا بنا کرده است؟! ﴿۲۷﴾ سقف‌اش را برافراشت و آن را منظم نمود ﴿۲۸﴾ شب‌اش را تاریک و روزش را روشن ساخت ﴿۲۹﴾ و زمین را بعد از آن گسترش داد ﴿۳۰﴾ و از آن، آب و چراگاه‌هایش را بیرون آورد ﴿۳۱﴾ و کوه‌ها را استوار نمود ﴿۳۲﴾ آن هم برای بهره‌گیری شما و چهارپایانتان ﴿۳۳﴾ هنگامی که حادثه بزرگ واقع شود ﴿۳۴﴾ و در آن روز انسان عملکردهایش را به یاد خواهد آورد! ﴿۳۵﴾ و جهنّم، خود را برای هر بیننده‌ای آشکار خواهد ساخت ﴿۳۶﴾ آن‌گاه کسی که از مرز حق پا فراتر نهاده ﴿۳۷﴾ و زندگی دنیا را انتخاب نموده ﴿۳۸﴾ جایگاهش جهنّم خواهد بود! ﴿۳۹﴾ و اما کسی که از مقام پروردگارش ترسیده و نفس خویش را از هواهای بی‌ارزش نهی نموده ﴿۴۰﴾ بهشت جایگاهش خواهد بود! ﴿۴۱﴾ از تو دربارهٔ زمان وقوع قیامت می‌پرسند ﴿۴۲﴾ دانستن آن زمان به چه کار تو آید؟! ﴿۴۳﴾ نهایت آن به سوی پروردگار توست! ﴿۴۴﴾ تو فقط برای کسانی که از وقوع آن هراسان هستند، هشداردهنده‌ای! ﴿۴۵﴾ چون در آن روز، قیامت را ببینند می‌پندارند که [در دنیا] جز شامگاه یا صبحگاهی نبوده‌اند! ﴿۴۶﴾

سورهٔ عبس

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

چهره در هم کشید و روی بگرداند ﴿۱﴾ و آن گاه که آن کور به سراغش آمد! ﴿۲﴾ تو چه دانی شاید او پاکی پیشه کند! ﴿۳﴾ و شاید پند بگیرد و این پند سودش رساند ﴿۴﴾ اما آن که خود را [از هدایت] بی نیاز می داند ﴿۵﴾ تو به او روی می آوری ﴿۶﴾ در حالی که اگر هم پاک نگرده، مسؤولیتی بر عهده تو نخواهد بود! ﴿۷﴾ اما کسی که شتابان به سوی تو می آید ﴿۸﴾ در حالی که ترسان است ﴿۹﴾ تو از او غافل می شوی او به دیگری می پردازی! ﴿۱۰﴾ هرگز این چنین مکن! زیرا این قرآن پندنامه‌ای است ﴿۱۱﴾ و برای هر که بخواد پند بگیرد! ﴿۱۲﴾ در صحیفه‌های پر ارزشی ثبت است ﴿۱۳﴾ بلندمرتبه و پاکیزه! ﴿۱۴﴾ به دست سفیرانی است ﴿۱۵﴾ گرامی و نیکوکار ﴿۱۶﴾ مرگ بر انسان، که چقدر ناسپاس است! ﴿۱۷﴾ مگر خدا او را از چه چیز خلق کرده است؟! ﴿۱۸﴾ از نطفه‌ای او را آفرید و سپس مقدراتش را عطا کرد ﴿۱۹﴾ و آن گاه، راه را برای او آسان نمود ﴿۲۰﴾ سپس او را می میراند و در قبرش کرد! ﴿۲۱﴾ سرانجام، آن گاه که بخواد، او را دوباره زنده اش می کند ﴿۲۲﴾ نه، هنوز آن چه را به او دستور داده به انجام نرسانده است! ﴿۲۳﴾ پس انسان باید به طعامش بنگرد! ﴿۲۴﴾ ما باران فراوانی از آسمان فرو ریختیم! ﴿۲۵﴾ و زمین را به خوبی شکافتیم ﴿۲۶﴾ و در آن دانه ها رویاندیم ﴿۲۷﴾ هم تاک و هم سبزی ﴿۲۸﴾ هم زیتون و هم نخل ﴿۲۹﴾ و باغ های انبوه ﴿۳۰﴾ هم میوه و هم چراگاه ﴿۳۱﴾ آن هم برای بهره‌مندی شما و چهارپایانتان ﴿۳۲﴾ چون بانگ رعب انگیز قیامت برآید ﴿۳۳﴾ روزی خواهد بود که هر کسی حتی از برادرش می‌گریزد ﴿۳۴﴾ و از مادرش و پدرش ﴿۳۵﴾ و از همسرش و فرزندانش! ﴿۳۶﴾ در آن روز هر کس مشغول وضع و حال خویش است! ﴿۳۷﴾ چهره‌هایی در آن روز درخشان و شاداب اند ﴿۳۸﴾ خنده رو و شادمانند ﴿۳۹﴾ و چهره‌هایی در آن روز غبارآلودند ﴿۴۰﴾

و آن‌ها را تاریکی پوشانده است ﴿۴۱﴾ اینان همان منکران حقایق و گنهکارانند! ﴿۴۲﴾

سوره تکویر

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

آن‌گاه که خورشید در هم پیچد [و خاموش گردد] ﴿۱﴾ و آن‌گاه که ستارگان بی‌فروغ شوند ﴿۲﴾ و کوه‌ها به حرکت درآیند ﴿۳﴾ و شتران آبستن رها گردند [چیزهای ارزشمند رها شوند] ﴿۴﴾ آن‌گاه که وحوش در یک نقطه جمع گردند ﴿۵﴾ آن‌گاه که دریاها آتش گیرند ﴿۶﴾ آن‌گاه که انسان با همسان خود قرین شود ﴿۷﴾ در آن هنگام از دختران زنده به گور شده سوال شود ﴿۸﴾ به کدامین گناه کشته شده‌اند؟! ﴿۹﴾ هنگامی که نامه‌های اعمال گشوده شود ﴿۱۰﴾ و پرده آسمان باز شود ﴿۱۱﴾ و آن‌گاه که جهنّم شعله‌ور گردد ﴿۱۲﴾ و بهشت نزدیک شود ﴿۱۳﴾ هرکس می‌فهمد که چه چیز حاضر کرده است! ﴿۱۴﴾ قسم به ستارگانی که باز می‌گردند ﴿۱۵﴾ همان‌هایی که می‌روند و ناپدید می‌شوند! ﴿۱۶﴾ و قسم به شب، هنگامی که پشت کند ﴿۱۷﴾ و قسم به صبح آن هنگام که نفس زنان طلوع کند ﴿۱۸﴾ که این قرآن کلام فرستاده‌ای گرمی (جبرائیل) است ﴿۱۹﴾ نیرومند است و در جوار پروردگار صاحب عرش، مقام والا دارد! ﴿۲۰﴾ در آن‌جا مورد اطاعت و امین است ﴿۲۱﴾ بدانید هم صحبت شما (پیامبر) دیوانه نیست! ﴿۲۲﴾ او جبرائیل را در افق روشن دیده است ﴿۲۳﴾ و او نسبت به آگاهی رساندن از غیب، بخیل نیست! ﴿۲۴﴾ این قرآن سخن شیطان مطرود نیست! ﴿۲۵﴾ پس به کدامین سو می‌روید؟! ﴿۲۶﴾ قرآن فقط پندنامه‌ای است برای جهانیان! ﴿۲۷﴾ آن‌هم برای هر کدام از شما که بخواهد بر راه راست و درست گام بردارد ﴿۲۸﴾ بدانید شما همان چیزی را می‌خواهید که خداوند، آن پروردگار جهانیان اراده می‌کند! ﴿۲۹﴾

^۱ خوبان با خوبان و بدان با بدان.

سوره انفطار

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

آن گاه که آسمان از هم شکافته شود ﴿۱﴾ و آن گاه که ستارگان پراکنده شده و ناپدید گردند ﴿۲﴾ و آن گاه که تمام دریاها [متلاطم شده] به هم بپیوندند ﴿۳﴾ و آن گاه که قبرها زیر و رو گردند ﴿۴﴾ هر کس هر آن چه را که از پیش فرستاده، می‌داند. و هم آن چه را که هنوز انجام نداده! ﴿۵﴾ ای انسان! چه چیز تو را نسبت به پروردگار گرامیت مغرور کرده است؟! ﴿۶﴾ همان خدایی که تو را خلق کرد، سامان داد موزونات ساخت ﴿۷﴾ و در هر صورتی که صلاح می‌دانست تو را سرشت! ﴿۸﴾ این چنین نیست که پنداشته‌اید؛ بلکه شما قیامت را انکار می‌کنید! ﴿۹﴾ بدانید که نگهبانانی بر شما گمارده‌ایم! ﴿۱۰﴾ نویسندگانی بزرگوار [که عملکردهای خوب و بد را می‌نویسند] ﴿۱۱﴾ و از تمامی عملکردتان آگاهند! ﴿۱۲﴾ بی‌شک نیکان، غرق در نعمتند ﴿۱۳﴾ و بدکاران در جهنم ﴿۱۴﴾ در روز قیامت وارد آن می‌شوند ﴿۱۵﴾ او همیشه در آن حاضرند] و هیچ‌گاه از آن غایب نمی‌شوند! ﴿۱۶﴾ و تو چه دانی که روز قیامت چیست؟! ﴿۱۷﴾ واقعاً تو چه دانی که روز قیامت چیست؟! ﴿۱۸﴾ روزی است که هیچ کس برای دیگری کاری از دستش ساخته نیست، زیرا همهٔ امور در آن روز در اختیار خداوند بزرگ است ﴿۱۹﴾

سوره مطففین

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

وای بر کم فرو شان! ﴿۱﴾ هم آن‌هایی که وقتی از مردم برای خود پیمان می‌گیرند، آن را پر و کامل می‌ستانند ﴿۲﴾ و هنگامی که برای مردم پیمان یا وزن می‌کنند، کم می‌گذارند! ﴿۳﴾ آیا آن‌ها گمان نمی‌کنند که برانگیخته خواهند شد؟! ﴿۴﴾

در آن روز بزرگ؟! ﴿۵﴾ همان روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان می‌ایستند؟! ﴿۶﴾ این چنین نیست [که پنداشته اند]! بی شک نامه اعمال مجرمان در سجّین است ﴿۷﴾ و تو چه دانی که سجّین چیست؟! ﴿۸﴾ کتابی نوشته شده است ﴿۹﴾ پس در آن روز وای به حال تکذیب‌کنندگان حقایق! ﴿۱۰﴾ همان کسانی که روز قیامت را انکار کردند! ﴿۱۱﴾ بدانید که فقط تجاوزکاران گناهکار، قیامت را انکار می‌کنند! ﴿۱۲﴾ [همان کسانی که] چون آیات ما بر آن‌ها خوانده شود گویند: این همان افسانه پیشینیان است! ﴿۱۳﴾ هرگز چنین نیست! بلکه دستاورد پلیدشان چون زنگاری بر دیواره قلب‌شان نشسته است [و حقایق را درک نمی‌کنند] ﴿۱۴﴾ این چنین نیست [که پنداشته‌اند]! آن‌ها در آن روز از پروردگارشان محجوبند [از دیدن جمال حق محرومند] ﴿۱۵﴾ سرانجام به جهنّم وارد می‌شوند ﴿۱۶﴾ سپس به آن‌ها گفته شود: این همان چیزی است که انکارش می‌کردید! ﴿۱۷﴾ چنین نیست! نامه اعمال نیکان در علّیین است ﴿۱۸﴾ و تو چه دانی که علّیین کدام است؟! ﴿۱۹﴾ کتابی نوشته شده است ﴿۲۰﴾ که فقط مقربان درگاه الهی در آن می‌نگرند! ﴿۲۱﴾ بی‌شک نیکان غرق در نعمتند ﴿۲۲﴾ بر تخت‌ها تکیه زده و می‌نگرند ﴿۲۳﴾ و در چهره‌هایشان شادابی برخوردار از نعمت را می‌بینی! ﴿۲۴﴾ از شرابی خالص و در بسته سیراب می‌شوند ﴿۲۵﴾ مَهر درهای آن شراب از مشک است، و مشتاقان برای رسیدن به آن بر یکدیگر پی‌شی می‌گیرند ﴿۲۶﴾ طعم آن شراب از تسنیم است ﴿۲۷﴾ چشمه‌ای که فقط مقربان درگاه الهی از آن می‌نوشند ﴿۲۸﴾ [در دنیا] گناهکاران به اهل ایمان می‌خندیدند! ﴿۲۹﴾ و هر گاه از کنار آن‌ها می‌گذشتند، با حرکت چشم و ابرو مسخره‌شان می‌کردند! ﴿۳۰﴾ و هنگامی که به سوی خانواده خود می‌رفتند، شادمان ره‌سپار می‌شدند! ﴿۳۱﴾ و هنگامی که اهل ایمان را می‌دیدند می‌گفتند: این‌ها همه گمراهند! ﴿۳۲﴾ حال آن که آن‌ها مأمور به مراقبت از اعمال اهل ایمان نبودند! ﴿۳۳﴾

اما امروز اهل ایمان به کافران می‌خندند ﴿۳۴﴾ و بر تخت‌هایی تکیه داده و می‌نگرند ﴿۳۵﴾ آیا کافران پاداش عملکردشان را گرفتند؟! ﴿۳۶﴾

سوره انشاق

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

آن‌گاه که آسمان از هم شکافته شود، ﴿۱﴾ گوش به فرمان پروردگارش است حقاً هم سزاوار است این چنین باشد! ﴿۲﴾ و آن‌گاه که زمین کاملاً صاف و گسترده شود ﴿۳﴾ و آنچه را که در درونش است بیرون بریزد و خالی شود ﴿۴﴾ گوش به فرمان پروردگارش است، حقاً هم سزاوار است این چنین باشد! ﴿۵﴾ ای انسان، تو با رنج و تلاش به سوی پروردگارت می‌روی، بی‌شک نیز او را ملاقات خواهی کرد! ﴿۶﴾ و اما کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود ﴿۷﴾ از او حساب آسانی خواهند کشید ﴿۸﴾ و شادمان به سوی خانواده‌اش برمی‌گردد! ﴿۹﴾ و اما کسی که نامه اعمالش از پشت سر به او داده شود ﴿۱۰﴾ خواهد گفت: وای بر من، که نابود شدم! ﴿۱۱﴾ و به آتش می‌سوزد ﴿۱۲﴾ زیرا او در دنیا نزد کسانش شادمانه [در گناه] به سر می‌برد! ﴿۱۳﴾ و می‌پنداشت که هرگز بازگشت نمی‌کند! ﴿۱۴﴾ اما پروردگارش نسبت به عملکردش بینا بود! ﴿۱۵﴾ پس قسم به شفق ﴿۱۶﴾ و قسم به شب که همه چیز را می‌پوشاند ﴿۱۷﴾ و قسم به ماه آن هنگام که [هلالش] کامل شود ﴿۱۸﴾ که همواره از آفرینشی به آفرینش دیگر منتقل می‌شوید! ﴿۱۹﴾ پس آن‌ها را چه شده است که به حقایق ایمان نمی‌آورند؟! ﴿۲۰﴾ و چون قرآن برای شان خوانده می‌شود سجده نمی‌کنند؟! ﴿۲۱﴾ نه! اهل کفر [آیات الهی را] تکذیب می‌کنند ﴿۲۲﴾ و خداوند از آن‌چه در دل دارند به خوبی آگاه است ﴿۲۳﴾ پس آن‌ها را به عذابی دردناک مژده رسان! ﴿۲۴﴾

^۱ شفق، آخرین روشنایی روز است که در شب ناپدید می‌شود.

مگر کسانی که به حقایق ایمان آورده‌اند و عملکردی سراسر، نیک و شایسته دارند زیرا برای اینان پاداشی جاودانه است! ﴿۲۵﴾

سوره بروج

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

قسم به آسمان که برج‌های بسیار دارد ﴿۱﴾ و قسم به روز موعود ﴿۲﴾ و قسم به گواه و آن چه بدان گواهی دهند ﴿۳﴾ که اصحاب اُخدود، (صاحبان گودال‌های آتشین) هلاک شدند! ﴿۴﴾ گودال‌های آتشین و شعله‌ور! ﴿۵﴾ آن هنگام که کنار [گودال‌ها] نشسته بودند ﴿۶﴾ و بر آن چه بر سر اهل ایمان می‌آوردند گواه بودند! ﴿۷﴾ اهل ایمان هیچ گناهی نداشتند جز آن که به خداوند قدرتمند و ستودنی ایمان آورده بودند ﴿۸﴾ همان خدایی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست و بر هر چیز گواه است! ﴿۹﴾ تمام کسانی که مردان و زنان اهل ایمان را شکنجه کردند و توبه ننمودند، عذاب جهنم و عذاب آتش برای شان مهیاست ﴿۱۰﴾ و برای کسانی که به حقایق ایمان آوردند و عملکردی نیک و شایسته داشتند، بهشت‌هایی است که نهرها در آن جاری است. و این همان پیروزی بزرگ است! ﴿۱۱﴾ بدان که مجازات پروردگارت سخت و سنگین است! ﴿۱۲﴾ او کسی است که نخست خلق می‌کند و آن‌گاه باز می‌گرداند ﴿۱۳﴾ او آمرزنده و با محبت است ﴿۱۴﴾ صاحب عرش ارجمند و بزرگ است ﴿۱۵﴾ آن چه اراده کند به انجام می‌رساند ﴿۱۶﴾ آیا ماجرای سپاهیان را شنیده‌ای؟! ﴿۱۷﴾ سپاهیان فرعون و ثمود! ﴿۱۸﴾ آری، کسانی که به حقایق کافر شده‌اند همواره در انکار آند! ﴿۱۹﴾ حال آن که خداوند از هر سو بر آن‌ها احاطه دارد! ﴿۲۰﴾ آری، این، قرآن مجید است ﴿۲۱﴾ در لوحی محفوظ! ﴿۲۲﴾

۱. برج‌ها را هم به معنای ستارگان گرفته‌اند و هم به معنای صورت‌های فلکی آسمان، هر چه باشد بی‌شک فضای بالای سر ما بسیار شگفت‌انگیز است، معادلات پیچیده و تودرتو، مدارهای منظم، حالات و تطورات عظیم و نیروهای شگرف که بشر همواره از درک کامل آن عاجز بوده است! مشابه همین عظمت، درون انسان نیز نهاده شده است!
۲. اصحاب اُخدود به جماعتی گفته می‌شود که در شمال یمن می‌زیستند و پادشاه شان ذونُواس بود. آنها گودال‌هایی می‌کندند و آن را از آتش پر می‌کردند و مسیحیانی را که حاضر نبودند دست از دین خود بردارند در این گودال‌ها می‌انداختند!

سوره طارق

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

قسم به آسمان و قسم به «طارق» که شبانه در آید! ﴿۱﴾ و تو چه دانی آن چه شبانه در آید چیست؟! ﴿۲﴾ همان ستاره درخشان و نافذ در تاریکی هاست! ﴿۳﴾ که هر کس مراقب و نگهبانی دارد! ﴿۴﴾ انسان باید ببیند که از چه چیز خلق شده است! ﴿۵﴾ از یک آب جهنده خلق شده است ﴿۶﴾ آبی که از پشت و سینه‌ها خارج می‌شود! ﴿۷﴾ [آن خدایی که این چنین خلقت کرده]، هم او بر بازگرداندنش تواناست! ﴿۸﴾ در روزی که اسرار آشکار می‌گردد! ﴿۹﴾ برای انسان هیچ نیرو و یاوری وجود ندارد! ﴿۱۰﴾ قسم به آسمان پر باران ﴿۱۱﴾ و قسم به زمین پر شکاف [که رویاننده است] ﴿۱۲﴾ که قرآن سخنی است، جداکننده حق از باطل ﴿۱۳﴾ و هزل و شوخی نیست! ﴿۱۴﴾ آن‌ها همواره نقشه‌های فریبکارانه می‌کشند ﴿۱۵﴾ و من نیز در برابرشان نقشه می‌کشم! ﴿۱۶﴾ پس کافران را مهلت ده، اندکی مهلت‌شان ده! ﴿۱۷﴾

سوره اعلی

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

نام پروردگار بلندمرتبهات را به پاکی یاد کن! ﴿۱﴾ همان خدایی که آفرید و [آفریده را] موزون ساخت! ﴿۲﴾ همان خدایی که تقدیر کرد و سپس هدایت نمود! ﴿۳﴾ همان خدایی که چراگاه‌ها را رویاند! ﴿۴﴾ سپس خشک و سیاه‌شان گرداند! ﴿۵﴾ به زودی آیات‌مان را بر تو می‌خوانیم، تا فراموش نکنی! ﴿۶﴾ مگر آن چه را خدا بخواهد، زیرا او بر نهان و آشکار، آگاه است ﴿۷﴾ ما کارها را بر تو آسان می‌کنیم ﴿۸﴾ اگر پند دادنت سود می‌رساند، پس [جهانیان را] پند ده! ﴿۹﴾ به زودی آن که خداترس است پند می‌گیرد ﴿۱۰﴾

ولی نگون‌بخت‌ترین مردم از آن دوری می‌کند ﴿۱۱﴾ همان کسی که به آتش بزرگی وارد می‌شود ﴿۱۲﴾ نه در آن می‌میرد و نه زنده می‌شود (همواره بین مرگ و زندگی دست و پا می‌زند)! ﴿۱۳﴾ هر کس [از آلودگی‌ها] پاک شد رستگار گردید ﴿۱۴﴾ همان که نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد ﴿۱۵﴾ اما شما، زندگی چند روزه دنیا را برگزیده‌اید ﴿۱۶﴾ حال آن که حیات جاودانه در آخرت بهتر و پایدارتر است ﴿۱۷﴾ این نکات در کتب آسمانی پیشینیان آمده است ﴿۱۸﴾ کتب ابراهیم و موسی ﴿۱۹﴾

سوره غاشیه

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

آیا داستان قیامت به تو رسیده است؟! ﴿۱﴾ چهره‌هایی در آن روز سرافکنده‌اند ﴿۲﴾ کار کردند و خسته شدند [ولی نتیجه‌ای عایدشان نشده است] ﴿۳﴾ به آتش سوزان وارد شوند ﴿۴﴾ از آن چشمه سوزان سیراب‌شان کنند ﴿۵﴾ غذایی به جز خار تلخ ندارند ﴿۶﴾ غذایی که نه چاق‌شان می‌کند و نه گرسنگی‌شان را رفع می‌نماید! ﴿۷﴾ چهره‌هایی در آن روز با طراوت‌اند ﴿۸﴾ از تلاش و سعی‌شان راضی‌اند ﴿۹﴾ در بهشتی عالی جای دارند! ﴿۱۰﴾ که در آن هیچ سخن بیهوده‌ای نمی‌شنوند ﴿۱۱﴾ در آن جا چشمه‌ها جاری است ﴿۱۲﴾ در آن جا تخت‌های بلند قرار دارد ﴿۱۳﴾ و قدح‌هایی آماده در کنار ﴿۱۴﴾ و پشتی‌هایی مرتب و منظم ﴿۱۵﴾ و فرش‌هایی گسترده! ﴿۱۶﴾ آیا به آفرینش شتر نمی‌نگرند که چگونه خلق شده است؟! ﴿۱۷﴾ و به آفرینش آسمان که چگونه برافراشته گشته است؟! ﴿۱۸﴾ و به آفرینش کوه‌ها که چگونه در جای خود استوار گردیده‌اند؟! ﴿۱۹﴾ و به آفرینش زمین که چگونه گسترده شده است؟! ﴿۲۰﴾ پس [جهانیان را] تذکر ده، زیرا تو فقط تذکر دهنده‌ای! ﴿۲۱﴾ زیرا تو بر آن‌ها مسلط نیستی که مجبور به ایمان آوردن‌شان کنی! ﴿۲۲﴾

۱. نه برخوردار از یک زندگی کامل و جاوید است و نه به کل هیچ و نابود است. چیزی شبیه دنیایی که در آن به سر می‌بریم، دارای امری نسبی است هم مرگ و هم زندگی بر آن سیطره دارند. نه این است و نه آن، هم این است و هم آن و در عین حال هیچ!

مگر آن که به حقایق پشت کند و انکار نماید! ﴿۲۳﴾ چنین کسی را خداوند به اشدّ مجازات می‌رساند! ﴿۲۴﴾ زیرا بازگشت همه‌شان به سوی ماست! ﴿۲۵﴾ و سرانجام حساب عملکردشان بر عهده ما خواهد بود! ﴿۲۶﴾

سوره فجر

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

قسم به سپیده دم ﴿۱﴾ و قسم به شب‌های ده‌گانه ﴿۲﴾ و قسم به زوج و فرد ﴿۳﴾ و قسم به شب، هنگامی که می‌رود ﴿۴﴾ آیا در این قسم‌ها، قسم مهمی برای خردمندان نیست؟! ﴿۵﴾ آیا ندیده‌ای که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟! ﴿۶﴾ با کاخ‌های ارم که ستون‌ها داشت؟! ﴿۷﴾ همان‌هایی که همانندش در شهرهای دیگر نبود ﴿۸﴾ و قوم ثمود که سنگ‌های عظیم در آن وادی می‌بریدند؟! ﴿۹﴾ و فرعونی که قدرتمند بود و شکنجه‌گر؟! ﴿۱۰﴾ همان جماعتی که در آن سرزمین پا فراتر از حق گذاشتند ﴿۱۱﴾ و همواره در آن فساد و تباهی به راه می‌انداختند ﴿۱۲﴾ و سرانجام پروردگار تو تازیانه عذاب را بر سرشان فرود آورد! ﴿۱۳﴾ بدان! که پروردگار تو همواره در کمین است ﴿۱۴﴾ اما این انسان هرگاه پروردگارش برای امتحان، او را اکرام کند و نعمتش بخشد، [مغرورانه] می‌گوید: پروردگار مرا گرامی داشته است! ﴿۱۵﴾ و اما هنگامی که برای امتحان، رزق را بر او تنگ گیرد می‌گوید: پروردگار مرا خوار کرده است! ﴿۱۶﴾ این چنین نیست [که می‌پندارید] بلکه شما یتیمان را مورد توجه قرار نمی‌دهید! ﴿۱۷﴾ و یکدیگر را بر اطعام مساکین ترغیب نمی‌کنید ﴿۱۸﴾ و میراث را جمع کرده حریصانه می‌خورید! ﴿۱۹﴾ و مال و ثروت را عاشقانه دوست دارید ﴿۲۰﴾ این چنین نیست [که پنداشته‌اید] هنگامی که زمین به شدیدترین وجهی کوبیده شود! ﴿۲۱﴾ و پروردگارت فرارسد، و فرشتگان صف در صف حاضر شوند ﴿۲۲﴾

و جهنّم را در آن روز مهیا سازند، آن هنگام، انسان پند می‌گیرد! اما پند در آن زمان او را چه سود؟! ﴿۲۳﴾ [انسان] گوید: کاش برای این زندگی چیزی را پیشاپیش می‌فرستادم! ﴿۲۴﴾ بدانید! که در آن روز هیچ کس چون او عذاب نمی‌کند! ﴿۲۵﴾ و هیچ کس همانند او به بند نمی‌کشد! ﴿۲۶﴾ پس تو ای جانِ به آرامش رسیده! ﴿۲۷﴾ به سوی پروردگارت بازگرد، که هم تو از او راضی هستی و هم او از تو خشنود! ﴿۲۸﴾ در زمرهٔ بندگان خاص من داخل شو! ﴿۲۹﴾ و به بهشت من، درآی! ﴿۳۰﴾

سورهٔ بلد

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

نه! قسم به این شهر ﴿۱﴾ همین شهری که تو در آن ساکنی! ﴿۲﴾ و قسم به پدر و فرزندانش ﴿۳﴾ که انسان را در رنج آفریده‌ایم! ﴿۴﴾ آیا می‌پندارد کسی بر او توانایی ندارد؟! ﴿۵﴾ می‌گوید: مال زیادی تباه کردم! ﴿۶﴾ آیا می‌پندارد کسی او را ندیده است؟! ﴿۷﴾ آیا ما دو چشم به او ندادیم ﴿۸﴾ و یک زبان و دو لب برایش پدید نیاوردیم ﴿۹﴾ و او را به خیر و شرش راهنمایی نکردیم! ﴿۱۰﴾ ولی او از آن گذرگاه مهم عبور نکرد! ﴿۱۱﴾ و تو چه دانی که گذرگاه مهم کدام است؟! ﴿۱۲﴾ آزاد کردن بنده است! ﴿۱۳﴾ یا اطعام کردن در روزهای قحطی است! ﴿۱۴﴾ به ویژه یتیمی که خویشاوند است! ﴿۱۵﴾ یا مسکینی به خاک افتاده است! ﴿۱۶﴾ تا از کسانی باشد که به حقایق ایمان آورده‌اند، و یکدیگر را به صبر و بخشایش سفارش کرده‌اند! ﴿۱۷﴾ آن‌ها خوشبختان حقیقی‌اند! ﴿۱۸﴾

و کسانی که به آیات ما کافر شدند، گروه بدبخت‌اند! ﴿۱۹﴾ بر آن‌ها آتشی است فراگیر ﴿۲۰﴾

سوره شمس

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

قسم به خورشید و نور فراگیرش ﴿۱﴾ و قسم به ماه که بعد از آن در آید، ﴿۲﴾ و قسم به روز که زمین را روشن می‌کند ﴿۳﴾ و قسم به شب که زمین را می‌پوشاند ﴿۴﴾ و قسم به آسمان و کسی که آن را برافراشت ﴿۵﴾ و قسم به زمین و کسی که آن را بگستراند ﴿۶﴾ و قسم به نفس و آن کس که او را ساخته و پرداخته کرد ﴿۷﴾ و شرّ و خیرش را به او الهام کرد ﴿۸﴾ بی‌شک هر کس نفس خود را پاک کرد، رستگار گردید! ﴿۹﴾ و هر کس نفس خود را آلود، نومید و محروم شد! ﴿۱۰﴾ قوم ثمود حقایق را از روی سرکشی انکار کردند ﴿۱۱﴾ آن‌گاه که شقی‌ترین آن‌ها برخاست! ﴿۱۲﴾ پیامبر الهی‌شان گفت: شتر الهی را به آب‌خورش و اگذارید! ﴿۱۳﴾ اما آن‌ها او را تکذیب کردند و شتر را کشتند، و سرانجام نیز پروردگارشان به خاطر گناهی که مرتکب شدند آن‌ها را گرفتار عذاب نمود، و سرزمین‌شان را با خاک یکسان کرد! ﴿۱۴﴾ و خدا هرگز از عاقبت‌شان بیم ندارد! ﴿۱۵﴾

سوره لیل

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

قسم به شب آن‌گاه که [همه چیز را] می‌پوشاند ﴿۱﴾ و قسم به روز آن‌گاه که آشکار می‌شود ﴿۲﴾ و قسم به کسی که نر و ماده را آفرید ﴿۳﴾ که سعی و تلاش شما متفاوت است! ﴿۴﴾ و اما کسی که می‌بخشد و حرمت خدا را نگاه می‌دارد ﴿۵﴾ و بهترین را تصدیق می‌نماید ﴿۶﴾ کارها را بر او آسان می‌کنیم! ﴿۷﴾ و اما کسی که بخل ورزد و فزون‌طلبی کند ﴿۸﴾ و بهترین کار را انکار نماید ﴿۹﴾

۱. باید ذهن از تمامی وابستگی‌ها، عادات و شرطی‌شدگی‌ها، رهایی یابد. باید پاک شد، تزکیه همین است. انسان با توقف ذهن، این نفس کژ اندیش، می‌تواند به ورای آن رود. آزاد شدن از سلطه ذهن، رستگاری است. آن‌گاه می‌توانی از ذهن خلاص شوی که، الف) یاد‌گیری که همواره در «حال» باشی، نه در گذشته و آینده موهوم. ب) نگاهت بی‌قضاوت باشد ج) بی‌خواهش شوی و آرزوهای دور و دراز را به دور اندازی.

کارها را بر او دشوار می‌کنیم! ﴿۱۰﴾ و چون نابودیش فرا رسد اموالش به او سودی نخواهد رساند! ﴿۱۱﴾ هدایت بر عهدهٔ ماست ﴿۱۲﴾ دنیا و آخرت نیز از آن ماست ﴿۱۳﴾ من شما را نسبت به آتشی که زبانه می‌کشد هشدار می‌دهم! ﴿۱۴﴾ [آتشی که] به جز بدبخت‌ترین [مردم] در آن وارد نمی‌شوند ﴿۱۵﴾ همان کسانی که حقایق را تکذیب کردند و از آن روی برگرداندند ﴿۱۶﴾ آن آتش، از کسانی که بسیار حرمت خداوند را نگاه می‌دارند، دور است ﴿۱۷﴾ همان کسانی که مال خود را می‌بخشند و به دنبال پاکی‌اند ﴿۱۸﴾ حال آن‌که هیچ کس بر او حقی ندارد تا بخواهد [با این انفاق] جبران‌ش کند! ﴿۱۹﴾ بلکه تنها هدفش جلب رضایت پروردگار بلند مرتبه‌اش است ﴿۲۰﴾ و به همین خاطر به زودی خشنود خواهد شد! ﴿۲۱﴾

سوره ضحی

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

قسم به آفتاب فراگیر ﴿۱﴾ و قسم به شب آرام و آرامش‌بخش ﴿۲﴾ که پروردگارت، نه تو را رها کرده و نه بر تو خشم گرفته است! ﴿۳﴾ بی‌شک آخرت برای تو از دنیا بهتر است ﴿۴﴾ به زودی پروردگارت به تو نعمتی عطا کند تا خشنود شوی! ﴿۵﴾ آیا تو را یتیم نیافت و پناهت داد؟! ﴿۶﴾ آیا تو را گم گشته نیافت و راهنمائی‌ات کرد؟! ﴿۷﴾ آیا تو را عائله‌مند نیافت و بی‌نیازت ساخت؟! ﴿۸﴾ پس هیچ‌گاه دل یتیم را میازار! ﴿۹﴾ و نیازمند را از خود مران! ﴿۱۰﴾ و همواره از نعمت‌های پروردگارت سخن بگو! ﴿۱۱﴾

سوره شرح

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

آیا ما سینهٔ تو را گشاده نکردیم [و ظرفیتت را بالا نبردیم]؟! ﴿۱﴾ و بار سنگینات را برداشتیم؟! ﴿۲﴾

همان باری که بر پشتت سنگینی می کرد! ﴿۳﴾ آیا تو را شهرهٔ آفاق نکردیم؟! ﴿۴﴾ بدان که با هر سختی، آسانی وجود دارد ﴿۵﴾ حقیقتاً از پی هر سختی، آسانی وجود دارد! ﴿۶﴾ پس هنگامی که از کاری فارغ شدی به کار نیک دیگری بپرداز! ﴿۷﴾ و با اشتیاق به سوی پروردگار روی آور ﴿۸﴾

سورهٔ تین

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

قسم به انجیر و زیتون ﴿۱﴾ و قسم به کوه طور با برکت ﴿۲﴾ و قسم به این شهر امن ﴿۳﴾ که انسان را در بهترین صورت آفریدیم! ﴿۴﴾ سپس او را به پایین ترین مرحلهٔ وجود بازگردانیم ﴿۵﴾ مگر آن ها که به حقایق ایمان بیاورند و عملکردی خوب و شایسته داشته باشند، که در این صورت برای شان پاداشی جاودانه است! ﴿۶﴾ با این همه چه چیز تو را به انکار قیامت وا می دارد؟! ﴿۷﴾ آیا خداوند بزرگ بهترین حکم کنندگان نیست؟! ﴿۸﴾

سورهٔ علق

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

بخوان به نام پروردگارت! [همان پرودگاری] که [همه را] خلق کرده است ﴿۱﴾ همان که آدمی را از لخته خونی آفرید! ﴿۲﴾ بخوان! که پروردگارت از همه بزرگوارتر است ﴿۳﴾ همان خدایی که نوشتن با قلم را آموخت ﴿۴﴾ و به انسان آنچه را که نمی دانست تعلیم داد! ﴿۵﴾ حقیقتاً انسان طغیانگر است ﴿۶﴾ زیرا خود را بی نیاز می - پندارد! ﴿۷﴾ حال آن که بازگشت همه به سوی پروردگار توست ﴿۸﴾ آیا دیدی آن کس را که نهی می کرد ﴿۹﴾ بندهای را که داشت نماز می گزارد؟! ﴿۱۰﴾ به من خبر دهید اگر این بنده بر راه هدایت باشد ﴿۱۱﴾ و یا به پرهیزگاری فرمان دهد [آیا مستحق نهی کردن است؟! ﴿۱۲﴾]

۱. دقت کنید! می فرماید: «اسم» پروردگارت را بخوان! دانستن اسم پروردگار، علاوه بر آن که نشانهٔ معرفت است، دارای قدرت و خاصیت دگرگون کنندگی عظیم است. در بسیاری از نحله‌های باطنی و عرفانی، تلاش بر آن است که سالک، اسم رب خود را یافته و با آن مانوس شود. لازم به ذکر است که اسماء خداوند، بسیار و اسماء حسنی را نود و نه اسم دانسته‌اند. از این منظر، هر کس از هر اسمی آمده به همان رجوع می کند. برای دریافت اسم رب، شیوه‌های گوناگونی مذکور است اما بهترین آن، معرفت یافتن به نفس خویش است. همچنان که پیامبر (ص) فرمود: «من عرف نفسه فقد عرف ربه».

چه می‌گویی اگر انسان طغیان‌گر حقیقت را انکار کند، و از آن روی بگرداند؟! ﴿۱۳﴾
 آیا نمی‌داند که خدا [همه عملکردهای] او را می‌بیند؟! ﴿۱۴﴾ این چنین نیست که
 می‌پندارد؟! اگر از رفتار خویش دست بردارد رشته سرنوشتش را گرفته [و به جهنم
 می‌کشیم] ﴿۱۵﴾ رشته تقدیر هر دروغ‌گوی گنهکار را! ﴿۱۶﴾ سپس هر که را می-
 خواهد به فریادرسی صدا زند! ﴿۱۷﴾ ما نیز ماموران جهنم را فرامی‌خوانیم! ﴿۱۸﴾
 چنان نیست [که می‌پندارد] او را هرگز اطاعت مکن و خدای را سجده نمای و به او
 نزدیک شو! ﴿۱۹﴾

سوره قدر

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم ﴿۱﴾ و تو چه دانی که شب قدر چیست؟! ﴿۲﴾
 شب قدر از هزار ماه [بی‌قدر] بهتر است! ﴿۳﴾ در آن شب فرشتگان و روح به فرمان
 پروردگارشان برای انجام تمامی دستورهایش نازل می‌شوند! ﴿۴﴾ [آن شب] تا
 طلوع صبح مملو از صلح و سلام است! ﴿۵﴾

سوره بینه

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

کافرانِ اهل کتاب و مشرکان [گفته‌اند]: از آیین خود دست بر نمی‌دارند، مگر آن که
 برای‌شان دلیل روشن بیاید ﴿۱﴾ پیامبری از جانب خدا که کتاب‌های پاکی را
 بخواند ﴿۲﴾ و در آن نوشته‌های ارزشمند باشد! ﴿۳﴾ اما اهل کتاب، تفرقه و اختلاف
 به پا نکردند، مگر بعد از آن که دلیل روشن به سراغ‌شان آمده بود! ﴿۴﴾ حال آن که
 به آنان دستوری داده نشده بود جز آن که خداوند را عبادت کنند و دین‌شان را برای
 او خالص نمایند، و شرک نوزند و نماز به پا دارند و زکات پرداخت کنند! و این
 چنین دینی دین ارزشمند است! ﴿۵﴾

۱. کسی که دینش را از طریق کتاب خداوند بشناسد. اگر کوه‌ها از جای خود بجنبند او در دین خود متزلزل نشود
 و کسی که ندانسته عقیده‌ای را بپذیرد، ندانسته هم از آن خارج شود. امام صادق(ع) بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۳.

بدون شک کافرانِ اهل کتاب و مشرکان در آتش جهنّم اند، و در آن جاودانه خواهند بود، زیرا آن‌ها بدترین موجودات اند! ﴿۶﴾ و کسانی که به حقایق ایمان آورده و عملکردی خوب و شایسته دارند، همه‌شان بهترین موجودات اند ﴿۷﴾ پاداش‌شان نزد پروردگارشان بهشت‌های جاویدی است که نهرها در آن جاری است و آن‌ها در آن جاودانه‌اند! خداوند از آن‌ها راضی است، آن‌ها نیز از او خشنودند. این [پاداش] برای کسی است که نسبت به پروردگارش فروتن باشد! ﴿۸﴾

سوره زلزله

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

آن‌گاه که زمین به شدیدترین وجهی به لرزه درآید ﴿۱﴾ و بارهای سنگین خود را بیرون بریزد ﴿۲﴾ و در آن حال انسان گوید: زمین را چه شده است؟! ﴿۳﴾ در آن روز زمین اخبارش را بازگو کند ﴿۴﴾ زیرا پروردگارت به او وحی کرده است! ﴿۵﴾ در آن روز مردم در گروه‌های مختلف [از گورها] خارج می‌شوند تا عملکردشان را به آن‌ها نشان دهند! ﴿۶﴾ پس هر کس به قدر ذره‌ای نیکی کرده باشد آن را می‌بیند! ﴿۷﴾ و هر کس به قدر ذره‌ای بدی کرده باشد آن را می‌بیند! ﴿۸﴾

سوره عادیات

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

قسم به نیروهای زنده و نفَس زنده ﴿۱﴾ قسم به نیروهایی که برانگیزاننده آتش شوق اند ﴿۲﴾ قسم به نیروهای واصل به نور صبح ﴿۳﴾ آن‌گاه که غبار تیره نفس را می‌پراکنند ﴿۴﴾ و آن را به تمامی به مهار خویش در می‌آورند ﴿۵﴾

که انسان در برابر نعمت‌های پروردگارش ناسپاس است! ﴿۶﴾ و خودش بر این معنی گواه است ﴿۷﴾ زیرا او عاشق مال است! ﴿۸﴾ آیا نمی‌داند آن‌گاه که آن‌چه در گورهاست زنده گردد! ﴿۹﴾ و آن‌چه در سینه‌هاست بر ملا شود، ﴿۱۰﴾ بی‌شک پروردگارش در آن روز از همه چیزشان با خبر است! ﴿۱۱﴾

سوره قارعه

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

آن کوبنده ویرانگر! ﴿۱﴾ چیست کوبنده ویرانگر! ﴿۲﴾ و تو چه دانی که کوبنده ویرانگر کدام است! ﴿۳﴾ روزی است که مردم چون پروانه‌ها پراکنده‌اند! ﴿۴﴾ [روزی است که] کوه‌ها از هم گسیخته، چون پشم زده شده‌اند! ﴿۵﴾ اما آن کس که کفه ترازویش [از عملکرد خوب] سنگین است ﴿۶﴾ در یک زندگی پسندیده به سر می‌برد! ﴿۷﴾ و اما آن کس که کفه ترازویش [از عملکرد خوب] سبک است ﴿۸﴾ و جایگاهش «هاویه» است! ﴿۹﴾ و تو چه دانی که هاویه چیست! ﴿۱۰﴾ آتشی سوزنده است! ﴿۱۱﴾

سوره تکوین

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

فزون طلبی، شما را سرگرم ساخت [و از حقایق دور کرد] ﴿۱﴾ تا آن‌جا که به سراغ قبرها رفتید [و مرده‌شماری کردید] ﴿۲﴾ این چنین نیست که پنداشته‌اید، به زودی حقیقت را خواهید فهمید! ﴿۳﴾ باز این چنین نیست که پنداشته‌اید، به زودی حقیقت را خواهید فهمید! ﴿۴﴾ چنین نیست! کاش علم یقین داشتید! ﴿۵﴾ البته جهنم را خواهید دید ﴿۶﴾ آن‌گاه به چشم یقین آن را خواهید دید! ﴿۷﴾ سپس [همه شما] در مورد نعمت‌هایی که از آن برخوردار بودید بازخواست خواهید شد! ﴿۸﴾

^۱ قارعه کنایه است از روز قیامت کوبنده.

سوره عصر

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

قسم به زمان ﴿۱﴾ بی‌شک انسان در حال زیان است! ﴿۲﴾ مگر کسانی که به حقایق ایمان بیاورند و عملکردی نیک و مفید داشته باشند و یکدیگر را به حق و صبر سفارش نمایند! ﴿۳﴾

سوره هُمزِه

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

وای بر هر هرزه‌زبان عیب‌جوی مسخره‌کننده! ﴿۱﴾ همان‌که مالی جمع کرد و شمارش نمود ﴿۲﴾ و پنداشت که آن مال جاودانه‌اش می‌کند! ﴿۳﴾ این چنین نیست [که پنداشته است]! او را در «حُطْمَه» اندازند ﴿۴﴾ و تو چه دانی حطمه چیست؟! ﴿۵﴾ آتش برافروخته الهی است ﴿۶﴾ که شعله‌اش بر قلب‌ها مسلط است ﴿۷﴾ و آن‌ها را در محاصره خود گرفته است ﴿۸﴾ در ستون‌های کشیده و طولانی! ﴿۹﴾

سوره فیل

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

آیا ندیدی که پروردگارت با اصحاب فیل چه کرد؟! ﴿۱﴾ آیا نقشه‌شان را تباه نکرد؟! ﴿۲﴾ بر سر آن‌ها پرندگانی را گروه‌گروه فرستاد! ﴿۳﴾ [پرندگانی که] آن‌ها را با سنگ‌های «سجّیل» می‌زدند ﴿۴﴾ و [سرانجام خدا] آن‌ها را چون کاه نیم‌خورده نمود! ﴿۵﴾

۱. آن را کلوخی دانسته که در آن سنگ‌ریزه باشد و آن کنایه از نیرویی از بین برنده است که باعث استحاله چیزی به چیز دیگر می‌شود.

سوره قریش

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

برای ایجاد الفت میان قریش ﴿۱﴾ الفت شان در سفرهای زمستانی و تابستانی ﴿۲﴾ پس باید پروردگار این خانه را عبادت کنند! ﴿۳﴾ به همان خدایی که آن ها را از گرسنگی رهانید و از خوف و وحشت در امان شان داشت ﴿۴﴾

سوره ماعون

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

آیا آن که قیامت را انکار می کرد دیدی؟! ﴿۱﴾ او همان کسی است که یتیم را با قهر از خود می راند ﴿۲﴾ و دیگران را بر اطعام مساکین ترغیب نمی نماید! ﴿۳﴾ پس وای بر نمازگزاران ﴿۴﴾ همان هایی که نسبت به حقیقت نمازشان سهل انگارند! ﴿۵﴾ همان کسانی که ریاکارند ﴿۶﴾ و دیگران را از نعمت های زندگی منع می نمایند! ﴿۷﴾

سوره کوثر

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

ما به تو «کوثر»^۱ را عطا کردیم ﴿۱﴾ پس برای پروردگارت نمازگزار و قربانی کن! ﴿۲﴾ در واقع این دشمن توست، که بی عقبه و بی ریشه است! ﴿۳﴾

۱. خیر کثیر و فراوان، حق، نهری در بهشت، وجود مقدس حضرت زهرا(ص) و همانند این ها، برای اهل حقیقت همه قابل جمعند و تعارضی با هم ندارند!

سوره کافرون

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

بگو: ای اهل کفر! ﴿۱﴾ آنچه را که شما عبادت می کنید، عبادت نمی کنم. ﴿۲﴾ شما نیز آنچه را من عبادت می کنم، عبادت نخواهید کرد! ﴿۳﴾ پس من پرستنده چیزی که شما پرستش می کنید، نیستم! ﴿۴﴾ شما نیز پرستنده آنچه که می پرستم، نیستید! ﴿۵﴾ پس دین شما برای شما، و دین من برای من! ﴿۶﴾

سوره نصر

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

هنگامی که نصرت و پیروزی الهی فرا رسد ﴿۱﴾ و مردم را دسته دسته ببینی که وارد دین خدا می شوند ﴿۲﴾ پس به ستایش، پروردگارت را تسبیح گوی و از او طلب مغفرت نما، زیرا او بسیار توبه پذیر است! ﴿۳﴾

سوره مسد

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

بی برکت باد دستان ابی لهب! ﴿۱﴾ مال و دستاوردش به حالش سودی نبخشید ﴿۲﴾ به آتش پر شعله ای در خواهد آمد! ﴿۳﴾ در حالی که همسرش آتش بیار معرکه است ﴿۴﴾ و در گردنش ریسمانی گرفتارکننده است! ﴿۵﴾

^۱ مسد، هر بندی که به هم بافته و تابیده شود را گویند. بسیاری از این بندها باعث گرفتاری انسان در حوزه نفس اماره است. در جای دیگر نیز می فرماید که آن ها را با زنجیرهای ۷۰ ذراع می کشند. یک سالک باید زنجیرهای تعلقات و هواهای نفسانی را بگسلد.

سورهٔ اخلاص

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

بگو: او خداوند یکتاست! ﴿۱﴾ خداوند بی‌نیازی که همه نیازمند اویند ﴿۲﴾ نه زاییده است و نه زاده شده ﴿۳﴾ و هرگز احدی همتای او نیست ﴿۴﴾

سورهٔ فلق

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده دم ﴿۱﴾ از شرّ مخلوقاتش ﴿۲﴾ و از شرّ ظلمت چون درآید! ﴿۳﴾ و از شرّ آن‌ها که در گره‌های جادو می‌دمند ﴿۴﴾ و از شرّ هر حسودی که حسد می‌ورزد! ﴿۵﴾

سورهٔ ناس

(به نام الله که بخشاینده و با رحمت است)

بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم ﴿۱﴾ فرمانروای مردم ﴿۲﴾ خدای مردم ﴿۳﴾ از شرّ وسوسه‌گری که از نام خدا می‌گریزد! ﴿۴﴾ همان که در سینه‌های مردم وسوسه به پا می‌کند ﴿۵﴾ چه از جنیان باشد چه از مردمان! ﴿۶﴾

۱. سوره اخلاص، خلاص کننده است. رهاکننده است و آدمی را از ذهنیات و توهمات بی‌ارزش می‌رهاند. این سوره برای کسانی که در شبکه‌های تار عنکبوتی ذهنیات مختلف و شرطی شدگی‌ها گرفتار آمده‌اند، شفاست. باید نسبت به ذات حق تعالی، بی‌تصور بود. هر تصور و ذهنیتی اشتباه است و به شرک منجر می‌شود.
۲. آن‌ها که سحر و جادو می‌کنند و کار دیگران را به زعم خود مختل می‌نمایند.

بسم الله الرحمن الرحيم

«نون، قسم به قلم و آن چه می‌نویسند، که تو ای پیامبر! به برکت نعمت پروردگارت دیوانه نیستی، و برای تو پاداشی پایدار است». القرآن الکریم

مترجم توانسته است ترجمه‌ای که قدر اول تراجم قرآن کریم است ارائه دهد و شما اگر آرزوی داشتن چنین ترجمه‌ای دارید گوشه‌چشمی به آن بیندازید و بدانید که در این باغ سراسر گل و ریحان خواهید ماند. این ترجمه از سیاق دیگر است. زلال و روانی است که از قلم رفیع اندیشه سرازیر می‌شود و هفت و هفتاد کوه و دره ظاهر و باطن را با آهنگی موزون و روان در می‌نوردد و در اعماق دل می‌نشیند. گویی انسان در باغ بهشت سیر می‌کند و در عالم ملکوت به پرواز درآمده است، ترجمه بار امانت را به دوش می‌کشد. این نکته را نیز ناگفته نگذارم آنان که نمی‌توانند از این شجره طیبه بری گیرند هزاران نکته در مورد مسعود ریاعی و ترجمه‌اش خواهند گفت ولی باور کنید سلامت و روانی ترجمه مورد بحث همواره در ردیف مقدس تراجم قرآن دارای امتیازی درخور تمجید و ستایش است. خدا کند قدر مسعود ریاعی را کسی نداند تا او باشد و خداوندش، او باشد و محبوبش تا گرفتار تفریط و انتقاد این و آن نگردد و از محبوب باز ماند.

خدایش چنین بدارد

(دکتر) علی مدرسی

بسم الله الرحمن الرحيم

با علم به این که قرآن کریم - آن هم با لسانی مبین - غیر قابل نقل به زبانی دیگر است، ترجمه‌ای که نویسنده فاضل و مبتکر و خوش قریحه آقای مسعود ریاعی با توفیقات الهی و با الهام گرفتن از عشقی عرفانی و با استفاده از ذوق خدادادی و با اتکا به علم اکتسابی در زبان و ادبیات عربی - که حاصل سال‌ها تلاش در راه آموختن آن است. موفق به ارائه آن شده است، مسلماً به خاطر زبان روان و ساده و تعبیرها و معادل‌های قابل فهم و درک آن، مورد توجه هر فارسی‌زبان - مخصوصاً طبقه جوان قرار خواهد گرفت، و برای رعایت همین روانی و سادگی است که در بسیاری موارد در عین رعایت دقت و امانت در نقل مطالب، از رعایت فصاحت کلمه با کلام صرف نظر شده است. یعنی بلاغت بر فصاحت مقدم داشته شده. در عین حال همان‌طور که انتظار می‌رفت این ترجمه همچون هر ابتکاری جدید، خالی از نقص و اشکال نبوده و نیست. که مترجم محترم با پشتکاری تحسین‌آمیز که ناشی از ایمان قوی او به ادای رسالت خویش است، به حک و اصلاح و تغییر بسیاری از عبارات و تعبیرات آن دست زده است که نتیجه آن ارائه دادن اثری است بسیار روان‌تر و شیواتر و دقیق‌تر از آنچه پیش از این بوده ...

و این راه ادامه خواهد یافت ان شاء الله تعالی

اجره عندالله

تهران - فروردین ماه ۱۳۸۳ هجری شمسی

(دکتر) سعید نجفی اسداللهی

باسمه تعالی

پروردگارا

با قرآن تو، خلق می شوم از گل، هبوط می کنم با آدم، طوفان زده می شوم با نوح، توحید می آموزم از ابراهیم، دریا را پشت سر می گذارم با موسی، جانی تازه می یابم با مسیح، تا تسلیم بودن را به تجربه آورم با محمد صلوات الله علیهم اجمعین

پروردگارا

قرآن تو روشن است روشن تر از آفتاب! پس کور باد اصحاب «یبعونها عوجا لیصدوا عن سبيله» همان هایی که آیات را سخت و پیچیده جلوه می دهند تا مردم را از راه نجات بخش تو باز دارند.

پروردگارا

کتاب تو، کتاب صلح و سلام است. کتاب کشتار نیست. چه تو خود گفتی که «الصلح خیر» (صلح بهترین است). پس جهاد ما، با نفس اماره ما ست، با کینه و حسد و طمعی است که در وجود ماست. ما را در این جهاد موفق بدار.

پروردگارا

کفر و ایمان در خود ماست. «فمنکم کافر و منکم مؤمن». خیر و شر در وجود ماست، «فألهمها فجورها و تقواها». فرعون و هامان و قارون، اوصاف ناپسند ماست. همچنان که قدرت طلبی و فریبکاری و ثروت اندوزی، بیماری ماست. کتاب تو، کتاب سلوک است. ما را در این سلوک هیجان انگیز موفق بدار.

پروردگارا

مدد نما تا از برداشت های خویش خلاص شویم. «مخلص» شویم. ذهنیات مان را به دور بیندازیم و پاک و پاکیزه به آستان تو آئیم. ای مصور، نقش ها و نقشه های ما را کنار زن، و آن نقشی که بر فطرت خداخواه ما زده ای به ظهور رسان.

پروردگارا

تو آزادی، مشی تو، آزادی است. کارت آزادسازی انسان، از هر تعلق و ذهنیت است. ما را آزاد کن، آزاد از تعلقات، آزاد از زمان، آزاد از آشفستگی های درون، آزاد از برداشت‌ها، ذهنیات و قضاوت‌ها، آزاد از بند واژه ها و آزاد از «ماسواک» زیرا حقیقتاً هیچ خدایی جز تو نیست.

پروردگارا

هزاران سپاس تو را که این بنده کمترین را بدین کار گماشتی، در هنگامه عصر اطلاعات و ارتباطات، آیات را به فارسی روان و امروزی برگردانم. این منت را به جان می پذیرم و شکرگزارم.

پروردگارا

استادم یاری‌ام داد یاری‌اش ده. همان استاد بی ریا، آن عالم با عمل، آن «مُتَخَلِّقُ بِأَخْلَاقِ اللَّهِ» آن فهیم و نکته سنج دکتر سعید نجفی اسداللهی.

پروردگارا

دوستان خوبی دارم تنهائیم نگذاشتند تنهائیشان مگذار. همان هایی که از حمایت و راهنمایی دریغ نکردند تا این ترجمه به بار نشیند.

پروردگارا

می‌دانم دعای اهل قرب به اذن تو مایه نجات است پس این ترجمه را که در نیمه شعبان ۱۴۲۴ هجری قمری آغاز نمودم تقدیم می کنم به اسطوره صبر، تجسم اندیشه عدالت، آبروی تاریخ آدمیان «حضرت بقیه الله الأعظم»
پروردگارا روز حسابرسی هر لحظه نزدیکتر می شود و ما هنوز در بازی روزمره‌گی مان سرگردانیم. پس دعای من چیزی نیست جز همان دعای موسی کنار چاه آب شهر مدین:

رَبِّ اِنِّی لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَیَّ مِنْ خَیْرِ فَقِیْرٌ

(پروردگارا هر خیری که نصیبم کنی من به آن محتاجم)

مسعود ریاعی